

روزگار رهایی

دولت حق

« ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر: ان الارض يرثها عبادي الصالحون »

«گذشته از ذکر (تورات) در زبور نیز نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ام به ارث خواهند برد.»

امام باقر (ع) در ذیل این آیه شریفه می فرماید: «آنان، یاران حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان می باشند.»

پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

« هذه الامه مرحومه. فمنها نبیها، و منها مهدیها، بنا فتح هذا الامر و بنا یختم، و لنا ملک موجل، و لیس بعد ملک، لاننا اهل العاقبه، و العاقبه للمتقین »

«این امت، امت مرحومه است که پیامبرش از خود او، و مهدی اش نیز از خد اوست. این امر به وسیله ما آغاز شده، و به وسیله ما پایان می پذیرد. برای ما دولتی هست که در آینده مقدر است و پس از دولت ما، دیگر دولتی نخواهد بود. زیرا ما اهل عاقبت هستیم و عاقبت از آن پرهیزکاران است.»

« لابل منا، یختم الله به الدین كما فتح بنا. ینقذون من الفتنة كما انقذوا من الشرك. و بنا یولف الله بین قلوبهم بعد عداوه الفتنة، كما الف بین قلوبهم بعد عداوه الشرك. و بنا یمبجون بعد عداوه الفتنة اخوانا، كما اصبحوا بعد عداوه الشرك اخوانا فی دینهم

«آری مهدی از ماست، خداوند به وسیله او دین را به اتمام می رساند، چنانکه به وسیله ما آغاز نمود. به دست ما از فتنه ها رهایی می یابد، چنانکه به دست ما از شرک رهایی یافتند. خداوند پس از کینه های فتنه گری، به دست ما در میان آنها الفت و صمیمیت ایجاد می کند، چنانکه بعد از کینه توزیهای شرک به دست ما در میانشان صفا و صمیمیت ایجاد نمود. بعد از عداوت روزگار فتنه، به وسیله ما برادری خود را بازیابند، چنانکه بعد از عداوت شرک، به دست ما برادر ایمانی گشتند.»

و یکبار دیگر در همین رابطه فرمود :

« بنا فتح الامر، و بنا یختم. و بنا استقذالله الناس فی اول الزمان، و بنا یکون العدل فی آخر الزمان

«این امر به دست ما آغاز شد و به دست ما پایان می یابد، خداوند به وسیله ما انسان ها را در آغاز زمان، رهائی بخشید و به وسیله ما در پایان جهان، عدالت گسترده می شود.»

قریب به این مضمون از امام باقر (ع) نیز روایت شده است و آن هنگامی است که «هشام بن عبدالملک» آن حضرت را به مجلس خود احضار کرده، در سرزنش آن حضرت از حد گذشت و به درباریان دستور داده بود که آنها نیز از او پیروی کرده در نکوهش و سرزنش امام باقر (ع) حد و مرز نشناسند. چون هشام لب به سرزنش گشود همگی با او همصدا شدند و از حد و مرز گذشتند. امام باقر (ع) به چا خاست و در پاسخ نکوهش گران چنین فرمود :

« ایها الناس؛ این تذهیبون، و این یراد بکم؟! بنا هدی الله اولئکم، و بنا یختم آخرکم، فان یکن لکم ملک معجلف فان لنا ملکا موجلا، و لیس بعد ملکنا ملک، لانا اهل العاقبه. یقول الله عزوجل: و العاقبه للمتقین

«هان ای مردم! کجا می روید؟ کجا برده می شوید؟! خداوند اول شما را به دست ما هدایت نمود و آخر شما را به دست ما به انجام می رساند، اگر شما دولت زودگذر دارید، دولت پایدار از آن ماست. پس از دولت ما دیگر دولتی نیست، زیرا ما اهل عاقبت هستیم و خدای تبارک و تعالی می فرماید: «والعاقبه للمتقین» [۶]: عاقبت از آن پرهیزکاران است.»

هشام دستور داد که امام باقر (ع) را به زندان ببرند. چون آن حضرت را به زندان افکندند، زندانیان در برابر دانش بیکران، نیروی ایمان، قدرت بیان، تقوی و فضایل برجسته و دیگر صفات شایسته آن حضرت دچار شگفت شدند. چون نفوذ کلمه و محبوبیت زایدالوصف امام در میان زندانیان به هشام گزارش شد دستور داد که آن حضرت را آزاد کنند و پیش از آنکه با مردم تماس بگیرد و در دل آنها نفوذ نماید؛ رهسپار مدینه کنند.

رسول گرامی اسلام (ص) در این مورد می فرماید :

« المهدی المنتظر یقفوا اثری، لایخطیء.»

«مهدی (عج) روش مرا دنبال می کند و هرگز از روش من بیرون می رود.»

« انه متبع لامبتدع. و انه معصوم فی حکمه یحرم علیه القیاس مع وجود النصوص التي منحه الله تعالی اياها.»

«او تابع سنت منست و هرگز بدعتگزار نیست. او در داوریهای خود از لغزش و اشتباه مصون است. با وجود براهین قطعه ای که خداوند به او ارزانی داشته، هرگز نیازی به قیاس پیدا نمی کند و قیاس بر او حرام است.»

«-769 و یکون عند انقطاع من الزمان و ظهور من الفتن رجل يقال لهخ المهدی، یکون عطاوه هنیئاً .»

«به هنگام فترت زمان و فتنه های دوران، مردی به نام «مهدی» (عج) ظهور می کند که عطایای او دلچسب و گوارا است.» [۱۱]

«-770 فحينذ تظهر الارض له كنوزها، و تبدی برکاتها، حتی لايجد الرجل منكم موضعا لصدفته ولالبره، لشمول الغنى جميع المؤمنين .»

«در آن هنگام، زمین گنجینه های خود را برای او آشکار می سازد و برکتهایش را بیرون می فرستد، دیگر انسان برای صدقه و بخشش ملی پیدا نمی کند، زیرا بی نیازی همه مؤمنان را زی پر می گیرد.» [۱۲]

«-771 يعمل بستتی، و یکون عطاوه هنیئاً، و ينزل بيت المقدس .»

«به سنت من رفتار می کند، عطایایش گوارا می باشد و در بیت المقدس فرود می آید.» [۱۳]

«-772 قتل اعداء الله حيث تفقههم، و يقيم حدودالله، و يحکم بحکم الله .»

«دشمنان خدا را هر کجا پیدا کند طعمه شمشیر سازد، حدود الهی را اجرا می کند و به حکم خدا دآوری می کند.» [۱۴]

«-773 ثم یکون فی آخر امتی خلیفه یحیی المال حثیا، لایعده عدا، و ذلک حین یضرب الاسلام بجرانه .»

«در پایان روزگار امت من خلیفه ای می آید که چون سیل بخشش می کند و آن را نمی شمارد، و آن هنگامی است که اسلام با تمام ابعادش پیاده می شود [15] .»

یعنی بعد از تحکیم پایه های حکومت خویش، هر کس هر چه بخواهد بدون حساب به او می بخشد و همه ثروتمند می شوند و دیگر نیازمندی یافت نمی گردد و هرگز کسی برای مادیات مزاحم دیگری نمی شوی .

«-774 تنعم امتی فی دنياه نعیمًا لم تنعم مثله قط، البر منهم و الفاجر. و المال کدوس، یاتیه الرجل فیحثوله .»

«در دولت او مردم آنچنان در رفاه و آسایش به سر می برند که هرگز نظیر آن دیده نشده، مال به قدری فراوان می شود که هر کس نزد او بیاید اموال فراوانی زیر پایش می ریزد.» [۱۶]

پیشوای ششم شیعیان امام صادق (ع) در این مورد می فرماید :

« 775- یقوم الرجل فیقول: یا مهدی اعطنی. فیقول: خذ »

«هر کس بلند شده بگوید: ای مهدی! به من عطا کن، می گوید: بگیر.» [۱۷]

رسول اکرم (ص) بی نیازی مردم آن زمان را چنین توصیف می کند :

« 776- یغیض فیهم المال حتی یهم الرجل بماله من یقبله منه حتی یتصدق فیقول الذی یعرضه علیه: لا ارب لی به »

«ثروت را در میان آنها به فراوانی می بخشد، کسیکه در صدد صدقه دادن باشد، اموالی را بر می دارد و به مردم عرضه می کند، به هر کس عرضه کند می گوید: من نیازی ندارم.» [۱۸]

« 777- یغیض المال فیضا، و یحثو المال حثوا، ولایعده عدا . »

«اموال را چون سیل می ریزد، ثروت را کلان کلان می بخشد و آن را نمی شمارد.» [۱۹]

« 778- یقسم المال صحاحاً و یملأ قلوب امه محمد غنی، و یسعهم عدله »!

«مال را علی السویه تقسیم می کند و دلهای امت محمدی (ص) را با بی نیازی پُر می کند و عدالتش همه آنها را فرا می گیرد (و دیگر کسی خود را ناگزیر از ستم نمی بیند.» [۲۰]

امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید :

« 779- المهدی سرح بالمال، شدید علی العمال رحیم بالمساکین .»

«مهدی بخشنده ایست که مال را به وفور می بخشد، بر مسئولین کشوری بسیار سخت می گیرد بر بی نوایان بسیار رئوف و مهربانست.» [۲۱]

پیامبر اکرم (ص) در مناسبت دیگری وضع مردم را در عصر آن حضرت چنین تشریح می کند :

« 780- یطلب الرجل من یصله بما له و یاخذ زکاته فلا یجد احدا یأخذ ذلک استغناء بما عند الناس من فضل اللّٰه .»

«مردم دنبال کسی می گردند که از آنها هدیه ای بپذیرد، زکات مالشان را جدا می کنند و کسی را نمی یابند که آن را نپذیرد، زیرا همه مردم از فضل خدا بی نیاز می شوند.» [۲۲]

پرواضح است که باید هم چنین شود، زیرا با دست قدرت خداوندی قرنهای برای پیاده کردن اسلام صحیح و عدالت واقعی در پشت پرده غیبت مانده و انواع رنجها و مشقتها را تحمل نموده است، تا روزی ظهور کرده حجت خدا در روی زمین و امین او در میان بندگان باشد. بنده شایسته ای که خداوند برای چنین منظوری انتخاب فرموده است، طبعاً شرح صدر خواهد داشت و قلبش گنجینه حکمتهای پروردگار و مخزن اسرار الهی خواهد بود، هرگز در سخنی فرو نخواهد ماند و از زبانش جز حق جاری نخواهد شد و از کردارش جز عدالت پدید نخواهد آمد. از اینجاست که امام رضا (ع) در تعریف امام و پیشوای مردم چنین فرموده است :

« 781- یكون اعلم الناس، و احکم الناس، و اتقى الناس، و اشجع الناس، و اعبد الناس! ویری من خلفه كما یری من بین یدیه، ولا یكون له ظل .»

«امام باید داناترین، قاضی ترین، پرهیزکارترین، دلیرترین و عابدترین مردمان باشد، از پشت سر خود همچون پیش رویش آگاه باشد و سایه نداشته باشد [23] .»

مطالب شگفت انگیزی در این رابطه در بخش سخنان امام باقر (ع) خواهد آمد .رسول اکرم (ص) در مورد کابینه دولت حضرت مهدی (عج) چنین می فرماید :

« 782- وزراء المهدی من الاعاجم، ما فیهم عربی! یتکلمون العربیة، و هم اخلص الوزراء و افضل الوزراء .»!

«وزیران حضرت مهدی (عج) همه عجم (غیر عرب) هستند و در میان آنها حتی یک نفر هم عرب نیست ولی به عربی سخن می گویند، و آنها خالص ترین و برترین وزیران هستند.» [۲۴]

«امت اسلامی به مهدی (عج) مهر می ورزند و به سوبیش پناه می برند، آنچنانکه زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می برند. عدالت را در پهنه گیتی می گسترانند و صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آنها باز می گردانند. خفته ای را بیدار نمی کند (یعنی: کسی به آسایش کسی مزاحم نمی شود) و خونی را (به ناحق) نمی ریزد.» [۲۵]

پیشوای ششم شیعیان نیز در این زمینه می فرماید :

« 784- بیایع بین الرکم و المقام، فلیوقظ نائما، ولایهرق دما . »

«در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند خفته ای را بیدار نمی کند و خونی را نمی ریزد.» [۲۶]

رسول اکرم (ص) در وصف آن روز مسعود می فرماید :

« 785- بیایع له الناس بین الرکن و المقام، و یبسر الله اله الدین، و یفتح له الفتوح، حتی لایبقی علی وجه الارض الا من یقول: لا اله الا الله . »

«در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند، خداوند دین را برای او آسان گرداند و فتوحات بسیاری به دست او بگشاید، تا در روی زمین دیگر احدی باقی نباشد جز اینکه بگوید: «لا اله الا الله.» [۲۷]

« 786- یبلغ رد المهدی المظالم حتی و لو کان تحت ضرس انسان شیء انتزعه حتی یرده . »

«مهدی (عج) آنچنان رفع ستم از ستمدیدگان می کند که اگر حق کسی زیر دندان کسی باشد، آن را باز می ستاند و به صاحب حق باز می گرداند.» [۲۸]

امام صادق (ع) در این مورد می فرماید :

« 787- و یذهب الزنی و شرب الخمر و یذهب الربا، و یقبل الناس علی العبادات، و تودی الامانات، و تهلك الاشرار و تبقى الاخیار . »

«روابط نامشروع، مشروبات الکلی و رباخواری از بین می رود، مردم به عبادت و اطاعت روی می آورند، امانتها را به خوبی رعایت می کنند، اشرار مردم نابود می شوند و افراد صالح باقی می مانند.» [۲۹]

رسول اکرم (ص) در وصف آن روز میمون می فرماید :

« 788- یرفع الله بالمهدی عن الامه، یملا قلوب العباد عباده و یسعهم عدله، به یمحق الله الکذب و یذهب الزمان الکلب، و یخرج ذل الرق من اعناقکم . »

«خداوند به وسیله مهدی (عج) از امت رفع گرفتاری می کند، دل‌های بندگان را با عبادت و اطاعت پر می کند و عدالتش همه را فرا می گیرد. خداوند به وسیله او دروغ و دروغگویی را نابود می سازد، روح درندگی و ستیزه جوئی را از بین می برد و ذلت بردگی را از گردن آنها بر می دارد.» [۳۰]

« 789- یرسقیه الله الغیث، و تخرج الارض نباتاتها و تکثر الماشیه، و تعظم الامه، و یعیش سبعا اوثمانیا، تنعم امتی فیه نعمه لم ینعموا مثلها . »

«خداوند با باران رحمتش او را سیراب می سازد، زمین گیاه خود را بیرون می فرستد، دامها فراوان می شوند و امت اسلامی شکوه و عظمت خاصی پیدا می کند... امت اسلامی در عهد او آنچنان از فراخی معیشت برخوردار می شود که هرگز نظیر چنین نعمت و آسایش دیده نشده است.» [۳۱]

« 790- فعند ذلك تفرح الطيور في اوكارها، و الحيتان في بحارها، و تفيض العيون، و تنبت الارض ضعف اكلها .»

«در آن هنگام پرندگان در آشیانه های خود شادمان شوند و ماهیان در قعر دریاها شادمانی کنند و چشمه سارها سرازیر می شوند و زمین چندین برابر محصول خود، می رویاند.» [۳۲]

« 791- يحبه ساكن الارض و ساكن السماء و ترسل السماء قطرها، و تخرج الارض نباتها لاتمسك منه شيئا، يعيش فيهم سبع سنين او ثمانيا اوتسعا، يتمنى الاحياء الاموات ليروا العدل و الطمائينه و ما صنع الله باهل الارض من خيره .»!

«ساکنان زمین و آسمان به او عشق می ورزند، آسمان بارانش را فرو می فرستد، زمین گیاه های خود را می رویاند. هفت، هشت یا نه سال در میان آنها زندگی می کند. زنده ها آرزو می کنند که ایکاش نیاکانشان زنده بودند و آن عدالت و آرامش را مشاهده می کردند، و می دیدند که خداوند چگونه برکات خود را بر اهل زمین نازل کرده است.» [۳۳]

« 792- تقى الارض افلاذ كبدها امثال الاسطوان من الذهب والفضه، فيجىء السارق فيقول: فى مثل هذا قطعت يدي! و يجىء القاتل فيقول: فى هذا قتلت! و يجىء القاطع فيقول: فى هذا قطعت رحمي! ثم يدعونه فلا ياخذون منه شيئا .»

«زمین جگر پاره های خود را چون قطعات طلا و نقره بیرون می ریزد، دزد آمده می گوید: برای نظیر این اموال بود که دستم بریده شد!، قاتل آمده می گوید: من برای چنین کالائی مرتکب قتل شدم!، قاطع رحم آمده می گوید: من برای چنین چیزی قطع رحم کردم!، آنگاه این اسطوانه های طلا و نقره روی زمین می ماند و کسی رغبت نمی کند که چیزی از آن بردارد.» [۳۴]

گفته می شود که حضرت بقیه الله (عج) خطاب به آنها می فرماید :

« 793- تعالوا الى ما قطعتم فيه الارحام، و سفكتم فيه الدماء، و ركبتم فيه محارم الله، فيعطى شيئا لم يعطه احد كان قبله .»

«بیائید به سوی آنچه که برای آن قطع رحم کردید، خونها ریختید، و مرتکب گناهان شدید! آنگاه آنچنان

عطایای کلان به آنها می دهد که هرگز در تاریخ بشری سابقه نداشته است.» [۳۵]

رسول گرامی اسلام (ص) در مورد جهانی شدن اسلام در عصر حضرت مهدی (عج) می فرماید :

« 794- لیدخلن هذا الدین ما دخل علیه الیل !»

«تا هر کجا که تاریکی شب وارد شود، این آئین مقدس نفوذ خواهد کرد.» [۳۶]

پرواضح است که تاریکی شب هر نقطه ای از کره زمین را فرا می گیرد و به طور متعاقب هیچ نقطه ای نمی ماند جز اینکه در تاریکی شب فرو می رود. روی این بیان تمام نقاطی که شب می پوشاند، تحت پوشش آئین مقدس اسلام در می آید و با نور درخشان این آئین تابناک منور می گردد .

از امام باقر (ع) در مورد تفسیر آیه شریفه: «وقاتلوا المشرکین کافه کما یقاتلونکم کافه»: (با همه مشرکان بجنگید، چنانکه آنان همگی با شما می جنگند) [۳۷] سؤال کردند، فرمود :

« 795- لم یجی تأویل هذه الایه. و اذا قام قائمنا بعدی. یری منه من یدرکه ما یکون من تأویل هذه الایه. ولیبلعن دین محمد ما بلغ اللیل و النهار حتی لایکون شرک علی ظهر الارض!، کما قال اللہ عزوجل: [فاصبحوا لایری الا مساکنهم] و تعمر الارض و تصفو، و نزهو بمهدیها، و هو تجری به انهارها، و تعدم الفتن و الغارات، و یكثر الخیر و البرکات .»

«هنوز تأویل این آیه نیامده است، هنگامی که قائم ما پس از ما قیام کند، آنانکه زمان او را درک کنند، تأویل این آیه را خواهند دید. که بی تردید آئین محمد (ص) به هر نقطه ای که شب و روز می رسد؛ خواهد رسید و دیگر اثری از شرک روی زمین نمی ماند، چنانکه خدای تبارک و تعالی می فرماید: (دیگر نشانی از آنها به جز اقامتگاههایشان دیده نمی شود)، [۳۸] زمین به وسیله مهدی (عج) آباد، خرم و سرسبز می شود، و به وسیله او چشم سارهان روان گردد، فتنه ها و چاولگری ها از بین رود و خیرات و برکات بسیار باشد.» [۳۹]

در ایجا پیشوای پنجم شیعیان در مقام بیان این مطلب که آئین تابناک اسلام همه نقاط کره زمین را منور خواهد نمود، از تعاقب شب و روز گفتگو نموده، می فرماید: «به هر نقطه ای که شب و روز متعاقب یکدیگر وارد می شود، آئین مقدس اسلام خواهد تابید»، آیا به جز امام باقر (ع) کسی در عهد او از این نکته آگاه بود که شب و روز متعاقب یکدیگر هستند، هنگامی که نصف کره زمین در برابر خورشید قرار گرفته، نصف دیگرش در تاریکی فرو رفته و هر نقطه ای کره خاکی به تعاقب مشمول نور و ظلمت می باشند؟ نه هرگز، جز این خاندان کسی از این مطلب آگاه نبود، بلکه هیئت بطلمیوس بر تمام آکادمی های علمی آن روز حکومت می کرد و تنها خاندان عصمت و طهارت بودند که هیئت بطلمیوس را به رسمیت نمی شناختند. و تنها این خاندان بودند که بدون استمداد از لابراتور، و بدون نیاز به آزمایش، از حقایق علمی امروز و فردا آگاه بودند .

« 796-ولایکون ملک الا للاسلام، و تكون الارض کفاتور الغضه »

«در آن روز حکومتی جز حکومت اسلامی نخواهد بود و سراسر زمین همانند ورق نقره از هر گونه تیرگی پیراسته خواهد بود.» [۴۰]

آنگاه رسول اکرم (ص) در وصف زهد حضرت بقیه الله (عج) می فرماید :

« 797-یکون من الله علی حدو، لایغثر بقرا به، ولایضع حجرا علی حجر، ولایقرع احدا فی ولایته بسوط الا فی حد. یمحوالله به البدع کلها، ویمیت الفتن .»

«همواره از خدا فرمان می برد، هرگز گول خویشاوندی را نمی خورد، سنگی روی سنگ نمی گذارد، در تمام دوران حکومتش جز به هنگام اجرای حدود الهی، کسی را مورد ضرب قرار نمی دهد. خداوند همه بدعتها را به وسیله او نابود می سازد، و همه فتنه ها را به دست او از میان بر می دارد.» [۴۱]

« 798-یکون فی امتی المهدی، ان طال عمره او قصر، ملک سبع سنین، اوثمان سنین، او تسع سنین .»
«مهدی (عج) در امت من به طور قطع خواهد بود، خواه عمرش کوتاه و یا دراز باشد، مدت حکومتش: هفت، هشت یا نه سال خواهد بود.» [۴۲]

« 799-یمکت المهدی فیهم تسعا وثلاثین سنه، یقول الصغیر: یا لیتنی کبرت! و قول الکبیر: یا لیتنی کنت صغیرا .»

«مهدی (عج) ۳۹ سال در میان آنها خواهد بود، کودکان در عهد او آرزو می کنند که ایکاش بزرگسال بودند، و بزرگسالان آرزو می کنند که ایکاش خردسال بودند.» [۴۳]

کودکان آرزو می کنند که بزرگسال باشند تا بیشتر بتوانند حلاوت و لذت نعمت های بیکران حق تعالی را درک و لمس کنند، و بزرگسالان آرزو می کنند که خردسال باشند و مدت درازتری از نعمتها و آسایشها و آرامشهای آن عهد میمون برخوردار شوند .

امام صادق (ع) در این مورد می فرماید :

« 800-یتمنی فی زمنه الصغیر ان یکون کبیرا، و الکبیر ان یکون صغیرا .»

«خردسالان عهد او آرزو می کنند که بزرگسال باشند و بزرگسالان عهد او آرزو می کنند که خردسال باشند.» [۴۴]

و در مدت حکومت او از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمود :

« 801-فیمکت فی الارض اربعین سنه.»»

«چهل سال در روی زمین فرمانروائی می کند.» [۴۵]

و در رابطه با نقش حجت خدا در بقای جهان آفرینش می فرماید :

« 802-وانی، واحد عشر من ولدی، و انت یا علی، زر الارض، بنا اوتد اللّٰه الارض ان تسیه باهلها!. فاذا ذهب
الاثنا عشر ساخت الارض باهلها و لم ينظروا »

«من و یازده تن از فرزندانم و تو - ای علی - رمز بقای این جهان هستیم . خداوند به وسیله ما جهان را
استوار ساخته، که ساکنانش را در کام خود فرو نبرد، چون دوازدهمی آنها از دنیا برود، زمین ساکنانش را در
کام خود فرو می برد و دیگر مهلت داده نمی شوند.» [۴۶]

و آن در روزی است که خداوند توانا چهره آن روز را در قرآن کریم چنین ترسیم می کند :

« 1-از تو در مورد کوهها می پرسند، بگو: پروردگارم آنها را پراکنده می کند چه پراکنده کردنی.» [۴۷]

« 2-به راستی زلزله رستاخیز چیز بزرگی است، در آن روز می بینی که زنان شیرده از فرزندان
شیرخوارشان غفلت می کنند و بارداران بار خود فرو نهند . مردم را مست می بینی، در صورتیکه مست
نیستند، بلکه عذاب خدا بسیار سخت است.» [۴۸]

« 3-در آن روز زمین دگرگون شده چهره دیگری گیرد و آسمان ها دگرگون شوند و در برابر خداوند یکتای
همیشه پیروز ظاهر گردند.» [۴۹]

« 4-دوزخ برای بینندگان آشکار شود.» [۵۰]

« 5-روزی که همه اجرام عالم مضطرب شوند، و صیحه آسمانی به دنبال آن آید، دلhائی در آن روز مضطرب و
بیمانکند.» [۵۱]

پیامبر اکرم (ص) در همین زمینه می فرماید :

« 803-اهل بیته امان لاهل الارض، كما ان النجوم امان لاهل السماء »

«اهلیت من رمز بقای اهل زمین هستند، چنانکه ستاره ها عامل بقای اهل آسمانها می باشند.» [۵۲]

از بررسی احادیث وارده استفاده می شود که مدت سلطنت آن یکتا بازمانده از حجت های پروردگار کوتاه خواهد بود (بین ۷ الی ۴۰ سال) و آیا در چنین مدت کوتاهی ممکن است که همه ابعاد اسلام در جهان پیاده شود و عدالت سرتاسر جهان را فراگیرد و دیگر نشانی از تاریکی و تیرگی ظلم و جهل و تبعیض و فقر باقی نباشد؟! و دولتی مقتدر، نمونه، الگو و بی نظیر در چنین مدت کوتاهی پایه های فرمانروائی اش را استوار نموده، در تحکیم مبانی عقیدتی و استقرار عدل جهانی توفیق یابد؟! این پرسشی است که پاسخ آن بسیار روشن است، و آن اینکه: آنچه مسلم و تردید ناپذیر است اینست که در مدت هشت ماه جنگ و ستیز پایان خواهد یافت، دیگر بعد از آن هیچ نیازی به اعمال زور نخواهد بود. و در تاریخ اسلام مشاهده می کنیم که رسول گرامی اسلام (ص) در مدت هشت سال (دوم تا دهم هجرت) توانست همه احکام اسلام را بیاورد، تعلیم کند و پیاده کند، پیشوائی که با قدرتی بی نظیر و برنامه ای بی بدیل می آید و با یک نبرد بی امان ریشه کفر و الحاد را می سوزاند و دیگر نشانی از فقر و جهل و ستم نمی ماند و آرامش و آسایش را در جهان حکمفرما می سازد و آنها را از چنگال ستمگران و زورمندان رهائی می بخشد و از مسئولان کشوری جز تقوی و فضیلت دیده نمی شود و ریشه طمع و حسد و کینه توزیها خشکیده می شود و عدالت بر سر تا سر جهان سایه می گسترد و ... بی تردید چنین پیشوائی بر هر مشکلی چیره شده، در مدتی بسیار کوتاه خواهد توانست حکومت نمونه و ایده آل خود را در سر تا سر جهان محکم و مستقر نموده، جای کوچکترین اضطراب و تشویق باقی نباشد. و همگان در اطاعت و بندگی خداوند گرد آیند، چنانکه رسول اکرم (ص) می فرماید :

« 804-و تعكف الناس على الطاعة و الخشوع و الديانة.»

«همه مردم بر اطاعت و عبادت خداوند گرائیده، در اجرای احکام دیانت می کوشند.» [۵۳]

امیرمرمنان (ع) می فرماید :

نخستین پیشوای جهان تشیع حضرت علی بن ابی طالب (ع) در تفسیر آیه شریفه ای که می فرماید: «خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده، عمل شایسته انجام دهد، وعده فرموده که آنها را در روی زمین جانشین سازد، چنانکه پیشینیان را جانشین ساخت، و آنها را از دینی که برای آنها پسندیده، متمکن سازد، و بعد از ترس آنها را از نعمت امنیت برخوردار نماید، تا مرا بپرستند...» [۵۴]، فرمود :

« 805-آمنین، لایخافون احدا فی عبادتی، لیس عندهم تقیه: نزلت فی القائم، و الذین آمنوا هم الائمة »

«در امن و امان مرا بپرستند، در پرستش من از کسی ترس و واهمه نداشته باشند، و نیازی به تقیه احساس نکنند. این آیه در حق قائم (عج) نازل شده است. و منظور از (کسانی که ایمان آورده اند) در این آیه

امام زین العابدین (ع) در پیرامون آنانکه در پرتو دولت حق خدا را در کمال امنیت پرستش می کنند، فرمود :

« 806-هم والله محبوبنا اهل البيت، يفعل الله ذلك بهم على يد رجل منا .»

«آنها به خدا سوگند دوستداران ما اهل بیت هستند، خداوند آنها را به دست مردی از ما خاندان تحقق خواهد بخشید.» [۵۶]

امیرمؤمنان (ع) در مورد آن روز پرشکوه و برنامه جهانی آن مهر تابان می فرماید :

« 807-هو الشمس الطالعه من مغربها، يظهر عند الركن و المقام، فيظهر الارض و يضع ميزان العدل فلا يظلم احدٌ احدًا .»

«او همان خورشیدی است که از مغرب طلوع خواهد کرد، در میان رکن و مقام ظاهر می شود و میزان عدالت را می گسترده، دیگر کسی به کسی ستم نمی کند [57] .»

« 808-ان في قائمنا اهل البيت كفايه للمتسببرين، و عبره للمعتبرين، و محنه للمتكبرين، لقوله تعالى: و انذر الناس يوم يأتيهم العذاب: هو ظهور قائمنا المغيب، لانه عذاب على الكافرين، و شفاء و رحمه للمومنين .»

«آگاه باشید که قائم ما اهل بیت (ع) برای آنانکه کبر و نخوت ورزند، عذابی جانکاه است، چنانکه خدای تبارک و تعالی می فرماید: (مردم را از روزیکه عذاب خدا فرا می رسد بترسان)، [۵۸] که آن، روز ظهور قائم ما (عج) از پشت پرده غیبت می باشد، که برای مؤمنان نجات و رحمت و برای کافران عذابی جانکاه است.» [۵۹]

« 809-لتعطفن علينا الدنيا بعد شماسها، عطف الضروس على ولدها !»

«دنیا پس از این گریز و فرار به سوی ما باز می گردد و از ما دلجوئی می کند، چنانکه شتر بدخوی به سوی بچه خود باز می گردد.» [۶۰]

آنگاه این آیه را تلاوت نمود: «و نريد ان نمن على الذين استضعفوا... و ما اراده کرده ایم که به آنانکه در روی زمین به ضعف کشیده شده اند منت نهاده، آنها را وارثان و پیشوایان زمین قرار دهیم.» [۶۱]

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح این فقره از بیان امیرمؤمنان (ع) می نویسد: «اصحاب ما (یعنی: معتزله) می گویند: این جمله امیر مؤمنان (ع) نوید امامی است که زمین را مالک خواهد شد و همه جهان را تحت سیطره خد در خواهد آورد.» [۶۲]

دنیا با امامان اهل بیت سرناسازگاری داشت و همانند اسب سرکشی که رام نشود و صاحبش را از پشت خود متمکم نسازد، با امامان معصوم (ع) سرستیز داشت، ولی امیرمؤمنان (ع) خبر می دهد که این شتر چموش روزی در برابر خاندان اهل بیت زانو خواهد زد و تسلیم خواهد شد و به راحتی فرمان خواهد برد، همانند شتر بدخوئی که سرانجام عواطف مادری اش بر او غلبه کرده، به سوی بچه اش باز می گردد و مهر می ورزد .

« 810- سیاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه، و یملک من هو بینهم غریب! یملک بلاد المسلمین بامان و یصفو له الزمان، و یطیعه الشیوخ و الفتیان، و تعمر الارض و تصفو، و تزهو بمهدیها، و تعدم الفتن و یكثر الخیر و البرکات »!

«خداوند قومی را می آورد که آنها را دوست می دارد و آنها نیز او را دوست می دارند، کسیکه در میان آنها غریب است، بر آنها حکومت می کند، همه ممالک اسلامی را با امنیت و آسایش تحت سیطره خود اداره می کند. روزگار با او سازگار می شود، پیر و جوان از او فرمان می برند. زمین آباد می شود و به وسیله مهدی (عج) خرم و سرسبز می شود. فتنه ها از بین می رود و خیر و برکت فراوان می گردد.» [۶۳]

در این حدیث در مورد حضرت بقیه الله (عج) لفظ «غریب» به کار رفته است، وه چه غریبی که یک هزار و یکصد و پنجاه سال تمام است که در پشت پرده غیبت و در اوج غربت به سر می برد، ولی امید فراوان می رود که نسل امروزی به دیدار آن مهر تابان توفیق پیدا کنند و این نسل جوان پرخاشگر که از معنویات گریزان هستند، با فرا رسیدن دولت موعود و مشاهده عدالت واقعی به آبشخور تعالیم اسلام بازگردند و با یکدنیا عشق و علاقه به تعالیم حیاتبخش قرآن بگرایند و در پیشاپیش او با دشمنان ستم پیشه نبرد کنند، تا از ستم و ستمگر دیگر نشانی باقی نباشد .

« 811- یعطف الهوی علی الهدی اذا عطفوا الهدی علی الهوی، و یعطف الراي علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الراي، و یریهم کیف یكون عدل السیره، و یحیی میت الكتاب و السنه ».

«هنگامی که دیگران هوای نفس را بر هدایت مقدم بدارند، و او امیال نفسانی را به هدایت بر می گرداند، و هنگامی که دیگران قرآن را با رأی خود تفسیر کنند، او آراء و افکار را به قرآن باز گرداند، او به مردم نشان می دهد که چه نیکو می توان به عدالت رفتار نمود، او تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را زنده می سازد.» [۶۴]

« 812-بظهر صاب الرابه المحمديه، والدوله الاحمديه، القائم بالسيف والحال، الصادق فى المقال، يمهد الارض و يحيى السنه و الفرض .»

«صاحب پرچم محمدى (ص) و بنیانگذار دولت احمدى (ص) ظهور مى کند در حالیکه شمشیر در دست دارد جز راست به زبان نیارد، زمین را مهد زندگى سازد، و احکام اسلام (اعم از سنت و فرض) را زنده گرداند.» [۶۵]

« 813-لابقى عبدا مسلما الا اشتراه و اعتقه، ولا عارما الا قضى دينه، ولا مظلمه لاحد من الناس الا ردها. ولا يقتل عبد الا ادى ثمنه، ولا يقتل قتيل الا قضى عنه دينه و الحق عياله فى العطاء.»

«در روى زمين برده مسلمان نمى گذارد جز اينکه مى خرد و آزاد مى سازد، بدهکاري نمى ماند جز اينکه بدهى اش را پرداخت مى نمايد، حق کسى را در دست کسى نمى گذارد، جز اينکه از او باز مى ستاند و به صاحب حق باز مى گرداند، بنده اى کشته نمى شود جز اينکه قيمت او را مى پذيرد، کسى کشته نمى شود جز اينکه همه قرضهايش را پرداخت مى کند و نام خانواده اش را در بخش عطايا مقرر مى نمايد.» [۶۶]

آرى روى زمين را از داوران ستمگر و زمامداران جنائت پيشه پاکيزه سازد و هر دغلبازى را از پهنه گيتى بردارد و عدالت را در سراسر جهان مى گستراند و ارزشهاى انساني را حاکم ساخته، معيارهاى واقعى را زنده مى گرداند .

« 814-حتى لايبقى قريه الا نودى فيها بشهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله بكرة و عشيا .»

«ديگر در روى زمين هيچ نقطه اى نمى ماند جز اينکه هر صبح و شام در آن به يکتائى خدا و رسالت پيامبر اکرم (ص) ندا سر داده مى شود.» [۶۷]

« 815-القائم ينقض البيت فلا يدع منه الا القواعد، والله ليعفين آثار الظالمين بمكة و المدينة و العراق و سائر الاقاليم. وليهد من مسجد الكوفة و ليبنينه على بناءه الاول »

«قائم (عج) ديوارهاى كعبه را بر مى دارد و فقط پايه هاى آن را نگه مى دارد، به خدا سوگند كه او آثار ستمگران را در مکه، مدینه، عراق و ديگر بلاد اسلامى از بين مى برد. مسجد كوفه را مى كوبد و بر پايه هاى اولى بنياد مى نهد.» [۶۸]

اين مضمون از امام صادق (ع) نيز روايت شده، كه درباره پايه هاى كعبه مى فرمايد :

« 816-التى هى اول بيت وضع للناس بيكه فى عهد آدم، و الدى رفعه ابراهيم و اسماعيل منها: ان الذى

یبنی بعدهما، لم یبنه نبی ولا وصی، ثم یبنیه كما یشاء اللّٰه، ولیهد من القصر العتیق»

«همان پایه هائی که در عهد حضرت آدم (ع) به عنوان نخستین خانه مردم ساخته شده، و سپس دیوارهای آن توسط حضرت ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) بر همان پایه ها بالا رفت. اما آنچه بعد از آنها ساخته شده، به دست پیامبر یا وصی پیامبر ساخته نشده است، آنگاه آن را آنچه‌آنکه خدا می خواهد بنیاد می نهد. او همچنین قصر عتیق را نیز خراب می کند.» [۶۹]

امیرمؤمنان (ع) نیز در همین زمینه می فرماید :

« 817- طوبی لمن شهد هدم مسجد الکوفه مع قائم اهل بیتی! اولئک خیارالامه مع ابرار العتره»!

«خوشا به حال کسانی که به هنگام تخریب مسجد کوفه در کنار قائم اهل بیت ما حضور داشته باشند، آنها بهترین این امت هستند که در کنار بهترین عترت خواهند بود.» [۷۰]

« 818- ومسکنه و اهل بینه الرحبه التی انما کانت مسکن نوح، و هی ارض طیبه، ولایسکن رجل من آل محمد ولایقتل الا فی ارض طیبه زکیه، فهم الاوصیاء الطیبون»!

«او و اهل بیتش در «رحبه» اقامت می گزینند، که آنجا سرزمین مقدسی است و اقامتگاه حضرت نوح (ع) بود. هیچیک از آل محمد (ص) جز در یک سرزمین مقدس مسکن نمی گزینند، و جز در یک سرزمین مقدس به قتل نمی رسد. که آنها اوصیای پاک و پاکیزه می باشند.» [۷۱]

سپس آبادانی جهان در عهد حضرت مهدی (عج) را چنین تشریح می کند :

« 819- لتصلن الکوفه بالحیره، حتی یباع الذراع فیما بینهما بدنانیر، ولیبنین فی الحیره مسجد له خمسمه باب، یصلی فیہ خلیفه القائم، لان مسجد الکوفه یضیق علیهم».

«بی تردید کوفه به حیره متصل خواهد شد، هر ذراع از سرزمین بین کوفه و حیره به چندین دینار معامله خواهد شد. در حیره مسجدی تأسیس می شود که ۵۰۰ درج خواهد داشت، نماینده حضرت قائم (عج) در آن اقامه نماز خواهد نمود. زیرا مسجد کوفه برای آنها کوچک خواهد بود.» [۷۲]

از جالبترین اسرار این حدیث اینست که امروزه «حیره» که همان «نجف اشرف» است به «کوفه» نزدیک شده و چیزی نمانده که متصل شود و هم اکنون که من این سطور را می نویسم سرزمین های بین نجف و کوفه به دهها دینار خرید و فروش می شود و هر روز گراتر از روز قبل است. و این مطالب را امیرمؤمنان (ع) در زمانی بیان فرموده که یک دشت وسیع را به چندین دینار خرید و فروش می کردند، ولی آن حضرت

تصریح فرموده که هر «ذراع» آن به چندین دینار معامله خواهد شد! رمز این رازگوئی امیرمؤمنان (ع) بسیار روشن است، که او باب مدینه علوم حضرت رسالت پناه است، ولی متأسفانه برخی از مردم خدا را به صورت یک بعدی می پرستند .

و در مناسبت دیگری در وصف عهد میمون فرزند بزرگوارش حضرت بقیه الله (عج) چنین فرمود :

« 820- کانی باعجم فساطیهم فی مسجد الکوفه، یعلمون القرآن کما انزل، فقیل له: اولیس هو کما انزل؟! فقال: لا، محی منه سبعون من قریش باسمائهم و اسماء آبائهم! و ما ترک ابولهب الا للاراء علی رسول الله (ص) لانه عمه »!

«گوئی با چشم خود می بینم که چادرهای عجم ها در مسجد کوفه زده شده، قرآن را آنچنانکه نازل شده آموزش می دهند. گفته شد: مگر قرآنی که در دست داریم آنچنانکه نازل شده، نمی باشد؟! فرمود: نه. بلکه اسامی ۷۰ تن از قریش که با نام خود و پدر مشخص بود از آن محو شده است. و اینکه نام «ابولهب» محو نشده برای ناراحت کردن رسول اکرم (ص) است که چون عموی پیامبر (ص) بود، برای ایذاء او نامش در قرآن باقی ماند.» [۷۳]

مترجم گوید: این حدیث دلالت بر تحریف قرآن نمی کند، بلکه همانند دیگر روایات باب، قابل توجیه است. اعتقاد ما شیعیان بر اینست که آنچه امروز به نام «قرآن» در دست ماست. همان قرآنی است که توسط جبرئیل امین بر قلب شریف رسول اکرم (ص) نازل شده، حتی یک کلمه و یک حرف نیز از آن کم و زیاد نشده است، آنچه معروف است که امیرمؤمنان (ع) قرآن را گردآوری کرد و بر خلیفه اول عرضه نمود و خلیفه از پذیرفتن آن امتناع ورزید؛ صحیح است، ولی این امتناع به دلیل اختلاف در نسخه نبود، بلکه به این سبب بود که امیرمؤمنان (ع) (تفسیر، تأویل، شأن نزول و دیگر ابعاد تبیینی قرآن را در آن نوشته بود، از این رهگذر پذیرش آن از طرف رژیم حاکم به معنای دست کشیدن از خلافت و مستلزم عدم مشروعیت رژیم بود، از این رهگذر چاره ای جز ردّ نداشتند. و به همین دلیل امیرمؤمنان (ع) پس از رسیدن به خلافت ظاهری نیز از آن قرآن بحث نکرد، و اگر قرآن علی (ع) کوچکترین اختلافی بر قرآن های موجود در آن روز داشت، بر او لازم بود که قرآن خودش را عرضه کند و نسخه های موجود را جمع آوری نماید. اخیراً یک دانشمند مصری به نام «رشاد خلیفه» سالیان متمادی با کامپیوتر تحقیقات وسیع و دامنه داری در مورد قرآن کریم انجام داده که به نتایج بسیار سودمندی دست یافته است. از آن جمله این واقعیت است که قرآن کریم همه حروفش به تعداد معین نازل شده و در میان تمام حروف قرآنی «مضرب مشترک» وجود دارد و اگر یک حرف از حروف قرآنی کم یا زیاد شده بود، این آمار و ارقام به هم می خورد. و چون این آمار بسیار دقیق و تردید ناپذیر است آن را یکی از معجزات قرآن، و دلیل علمی عدم تحریف آن به شمار آورده است. نتیجه تلاش های طاقت فرسای او در کتابی به نام «اعجاز عددی قرآن» گرد آمده، از طرف نگارنده به فارسی برگردان شده است. در زمینه اثبات عدم تحریف قرآن به کتاب پیراج «البیان» به قلم مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی آقای خوئی مدظله العالی مراجعه نمائید .

« 821- فوالله لكانى انظر اليه بين الركن و المقام، يبائع الناس بامر جديد، و كتاب جديد، و سلطان جديد من السماء. »

«به خدا سوگند، گوئی او را در میان رکن و مقام با چشم خود می بینم که از مردم برای امری تازه، کتابی تازه و حکومت آسمانی تازه بیعت می گیرد [74].»

جای تردید نیست که منظور از کتاب تازه همان قرآن کریم است ولی بدین سبب کتاب تازه تعبیر می شود که در کشاکش زمان احکام و حدود قرآن تعطیل شده، و به جای اینکه «قانون اساسی» و «مرجع قضائی» و «منبع اعتقادی» و «زیر بنای اقتصاد، اجتماع، سیاست و دیگر ابعاد اجتماعی ملت مسلمان» باشد، کتاب در یوزگی و ابزار معیشت شده است که برخی از آن را با صدای رسا در سر قبرها بخوانند و کتابی که سراپا منطق و قانون است در قبرستان ها برای مرده ها تلاوت شود!، در کنار خیابان ها برای در یوزگی!، در مسافرت ها و اسباب کشی ها و جهیزیه ها به عنوان تبرک با یک آیینه حمل و نقل شود!، و کتابی که برای زندگان نازل شده، چون از بلندگوی مساجد شنیده شود نشانه مرگ باشد!، و از آن طرف تعالیم حیاتبخش آن زیر پای رژیم های به اصطلاح اسلامی لگدمال شود و در کشورهای اسلامی: شراب، قمار، روابط نامشروع، همجنس بازی، کورتاژ، ربا، و دیگر محارم الهی، علنی و قانونی به شمار آید!!، اینجاست که قرآن کریم با همه شیوع و رواجی که از نظر چاپ و انتشار دارد، از نظر آموزش و عمل غریب و متروک شده است. و اگر امروز ولی امر (عج) ظهور کرده، احکام و تعالیم عالیه آن را پیاده کند، خواهند گفت: کتاب تازه آورده، شریعت تازه آورده!!، و بر مردم به ظاهر مسلمان، که از اسلام فقط به شعار اکتفاء نموده اند بسیار سخت خواهد بود، چنانکه امیرمؤمنان (ع) می فرماید :

« 822- اذا خرج يقوم بامر جديد، و كتاب جديد، و سنه جديده، و قضاء على العرب شديدًا. و ليس شانه الا القتل، لا يستبقى احدا ولا تاخذه فى الله لومه لائم! »

«چون قیام کند، با امری تازه، کتابی تازه و روشی تازه قیام می کند که داوریهایش بر عرب بسیار گران خواهد بود، و گریزی جز کشتن ندارد. از آنها که سد راه هستند احدی را باقی نمی گذارد و در اجرای احکام الهی از سرزنش نکوهش گران باکی ندارد.» [۷۵]

همین مضمون از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نیز وارد شده است. منظور از قرآن جدید و سنت جدید بی تردید همان قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) می باشد، که به دلیل خارج شدن آنها از صحنه عمل، تازه خواهند بود .

یکی از معانی «جدید» کهنه و فرسوده است، و لذا ممکن است در حدیث فوق منظور از جدید همان مفهوم

«فرسوده» باشد، چنانکه شاعری در یک شعر کهن می گوید :

ابی حبی سلیمی ان یبیدا

و امسی حبلا خلقا جدیدا

یعنی: «شعله محبت من به سلیمی هرگز به سردی نمی گراید، اگر چه رشته دوستی ما کهنه و فرسوده شده است.»

در اینجا شاعر لفظ «جدید» را به معنای فرسوده به کار برده است و می خواهد بگوید: اگر چه رشته محبت در میان ما با گذشت زمان و درگذشت معشوق گسسته است ولی محبت معشوق از دلم شسته نمی شود .

اگر در حدیث فوق نیز لفظ «جدید» را به معنای فرسوده بگیریم، معنای حدیث چنین خواهد بود: «هنگامی که قائم (عج) قیام کند، با امری پوسیده، کتابی فرسوده و روشی متروکه قیام می کند.»

امام صادق (ع) نیز در این باره می فرماید :

« 823-والله لکانی انظر الیه بین الرکن و المقام یبایع الناس علی کتاب جدید علی العرب شدیداً! ویل لطفه العرب من شر قد اقترب! »

«به خدا سوگند، گوئی او را با چشم خود در میان رکن و مقام می بینم که از مردم برای کتابی جدید (یعنی: تازه، و یا فرسوده) بیعت می گیرد، که برای عرب بسیار گران خواهد بود. وای بر طاغوت‌های عرب از روز بدی که در انتظار آنهاست.» [۷۶]

امام صادق (ع) همچون جد بزرگوارش فرموده که «بر مسلمانان سخت است»، بلکه فرموده: «بر عرب سخت است.» و منظور از عرب، همین عرب های عصر حاضر است که از تعالیم عالیه اسلام دور افتاده، برای احکام دینی ارزشی قائل نیستند، و به مسائل پوچی چون ناسیونالیسم و پان عربیسم گرائیده اند، در صورتی که شرف والای زبان پراچ عربی را نیز حفظ نکرده اند. پرواضح است که چنین گروه هائی با آنهمه تعصبات خشک جاهلی، در برابر حقائق قرآنی تسلیم نخواهند شد و روح بت پرستی دوران جاهلی در دلشان زنده خواهد گشت .

امام باقر (ع) در این مورد می فرماید :

« 824-ان صاحب هذا الامر لوظهر، لقی من الناس مثل ما لقی رسول الله (ص) و اکثر! »

«صاحب این امر هنگامی که ظهور می کند، از مردم رنج فراوان تحمل می کند، نظیر آزار و ایذائی که پیامبر اکرم (ص) تحمل کردند، و شاید بیشتر.» [۷۷]

و به همین دلیل امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب (ع) می فرماید :

« 825-کافی انظر الی شیعتنا بمسجد الکوفه، و قد ضربوا الفساطیط، یعلمون القرآن کما انزل! . اما ان قائمنا اذا قام کسره و سوی قبلته »!

«گوئی با چشم خود می بینم که شیعیانم در مسجد کوفه خیمه زده، برای مردم قرآن را آنچنانکه نازل شده، آموزش می دهند. هنگامی که قائم ما (عج) ظهور کند، آن را تخریب می کند و قبله اش را درست می کند.» [۷۸]

« 826-اذا قام قائم آل محمد ضرب فساطیط یعلم القرآن علی ما انزل اللّٰه عزوجل! . فاصعب ما یکون علی من حفظه الیوم، لانه یخالف فیہ التالیف . »

«هنگامی که قائم آل محمد (ص) قیام کند، چادرهائی می زند، و قرآن را آنچنانکه خدای تبارک و تعالی نازل فرموده؛ آموزش می دهد، آنچه برای مردم سخت خواهد بود اینست که او برخلاف نظم فعلی آموزش خواهد داد، و آن برای کسانی که نظم فعلی را حفظ کرده اند دشوار خواهد بود.» [۷۹]

امام باقر (ع) در همین زمینه چنین فرموده است :

« 827-و اذا قام قائم آل محمد (ص) ضرب فساطیط لمن یعلم الناس القرآن علی ما انزل اللّٰه جل جلاله، فاصعب ما یکون ... »

«هنگامی که قائم آل محمد (ص) قیام کند، برای کسانی که قرآن را بر طبق نزول آموزش دهند، چادر می زند، آنچه آن روز برای مردمان بسیار سخت خواهد بود، اینست که برخلاف نظم فعلی آموزش خواهند داد.» [۸۰]

این روایات تصریح دارند بر اینکه در عصر ظهور حضرت بقیه اللّٰه (عج) ترتیب آیه ها و سوره ها تغییر داده می شود و به ترتیب نزول تنظیم می گردد، این روایات فقط مربوط به نظم آنست و ربطی به تحریف ندارد، از این روایات فقط همین استفاده می شود که حضرت بقیه اللّٰه (عج) نظم قرآن را به ترتی نزول قرآن بر می گرداند و هرگز از آنها استفاده نمی شود که چیز تازه ای به آن می افزاید، بلکه ترتیب آن را به هم می زند و به ترتیب نزول تنظیم می کند . البته این امکان هست که شأن نزول آیات را نیز چون قرآن حضرت علی (ع) در کنار آیات قرآن درج کند .

امام صادق (ع) نیز در این باره می فرماید :

« 828- کانی بشیعه علی فی ایدیهم المثنی يعلمون الناس المستانف ».

«گوئی شیعیان علی (ع) را می بینم که قرآن کریم را در دست گرفته، شیوه جدید آن را به مردم یاد می دهند.» [۸۱]

پیشوای ششم شیعیان یکبار دیگر در این مورد فرمود :

« 829- کیف انتم لو ضرب اصحاب القائم الفساطیط فی مسجد کوفان، ثم یخرج لهم المثل المستانف؟! امر جدید، علی العرب شدید .! »

«چگونه می شود حال شما هنگامی که یاران قائم (عج) خیمه هائی در مسجد کوفه بزنند، چهره جدیدی برای مردم بیرون آورند و امر تازه ای ابراز کنند، که برای عربها بسیار دشوار خواهد بود.» [۸۲]

پرواضح است که منظور از چهره جدید، همان نظم جدیدی است که براساس ترتیب نزول تنظیم شده است. و ناگفته پیداست که اگر ترتیب آن تغییر یابد، پذیرش آن برای مردم که با شیوه فعلی انس گرفته اند بسیار سخت خواهد بود و اگر شأن نزول آیات نیز در آن درج شود و به عنوان مثال اسامی صنایع قریش نیز در آن منعکس باشد، برای عربها بسیار سخت خواهد بود. و به همین دلیل در احادیث یاد شده لفظ «عرب» به کار رفته، نه «مسلمین» زیرا برای مسلمانی که تسلیم فرمان پروردگار است هرگز سخت نخواهد بود، بلکه برای عربهایی که دچار تعصیهای شدید جاهلی و گرفتار تبلیغات مسموم پان عربیسم هستند، بسیار دشوار خواهد بود و در برابر فرمان الهی سر تسلیم فرود نخواهند آورد .

امام صادق (ع) در مورد شیوه جدید نظم قرآنی چنین می فرماید :

« 830- اذا قام القائم (ع) قرا کتاب اللّٰه عزوجل علی حده، و اخرج المصحف الذی کتبه علی (ع) . »

«چون قائم (عج) قیام کند کتاب خدای تبارک و تعالی را آنچنانکه هست، تلاوت می کند. و قرآنی را که امیرمؤمنان (ع) نوشته بیرون می آورد.» [۸۳]

و در مورد قرآن علی (ع) می فرماید :

« 831- اخرجه علی الی الناس حین فرع منه و کتبه، فقال لهم: هذا کتاب اللّٰه عزوجل کما انزله اللّٰه علی محمد (ص) فقد جمعته من اللوحین فقالوا: هوذا عندنا مصحف جامع فیه القرآن، لا حاجه لنا فیه!!! فقال: اما

والله ما ترؤنه بعد يومكم هذا ابدا!!! انما كان على ان اخبركم حين جمعته لتقراوه .»

«هنگامی که امیرمؤمنان (ع) از نوشتن قرآن کریم فارغ شد، آن را بر مردم عرضه کرد و فرمود: این کتاب خدای تبارک و تعالی است، آن را از دو لوح آنچنانکه خدایش بر محمد (ص) فرو فرستاده؛ گرد آورده ام. مردم گفتند: ما مصحفی داریم که همه آیات قرآنی را در بر دارد، دیگر نیازی به قرآن شما نداریم. امیرمؤمنان (ع) فرمود: به خدا سوگند، دیگر بعد از امروز آن را نخواهد دید! من وظیفه داشتم هنگامی که از نوشتن آن فارغ شدم، آن را بر شما عرضه کنم تا شما آنرا بخوانید.» [۸۴]

این مضمون از امام باقر (ع) نیز روایت شده است .

این دو روایت، مضمون روایت های پیشین را توضیح می دهند و مشخص می کنند که قرآن امیرمؤمنان (ع) در محضر حضرت بقیه الله (عج) می باشد و آن بر حسب نزول تنظیم شده و شأن نزولها را در بردارد، و حضرت ولی عصر (عج) آن را به هنگام ظهور عرضه می کند و معلمین قرآن در مسجد کوفه آن را آموزش می دهند. و اینک به اصل مطالب باز گشته، بیانات امیرمؤمنان (ع) را در رابطه با عدالت گستری حضرت ولی عصر (عج) دنبال می کنیم :

« 832- یملک المهدی مشارق الارض و مغاربها، و ترعى الشاه و الذنب فى مكان واحد، و يلعب الصبيان بالحيات و العقارب ولاتضرهم بشىء و يذهب الشروبيقى الخير»

«حضرت مهدی (عج) شرق و غرب جهان را تحت سیطره خود در آورد، گرگ و گوسفند در یک مکان زندگی کنند، کودکان خردسال با مارها و عقربها بازی کنند و آسیبی به آنها نرسد. شرّ از جهان رخت بر بندد و تنها خیر باقی بماند.» [۸۵]

در این مورد از ابن عباس نقل شده که گفت :

« 833- لايبقى صاحب مله الا صار الى الاسلام، حتى تأمن الشاه من الذنب، و البقر من الغنم، والانس من الحيه، و حتى لا تفرض الغاره جراباً، و ذلك عند قيام المهدى .»

«پیرو هیچ آئینی نمی ماند جز اینکه به آئین اسلام می گردد، گوسفند از خطر گرگ در امان می ماند، گاو از شاخ گوسفند مصون می ماند، به انسان از مار آسیبی نمی رسد، هیچ موشی گونی و جوالی را سوراخ نمی کند، در چنین مقطع زمانی، مهدی (عج) قیام می کند.» [۸۶]

آنگاه امیرمؤمنان (ع) در مورد برنامه جهانی آن حضرت می فرماید :

« 834- فمن احبى ارضا من المسلمين فليعمرها و ليود خراجها الى الامام من اهل بيتى. و له ما اكل منها حتى يظهر القائم من اهل بيتى بالسيف، فيحويها و يمنعها و يخرجهم منها كما حواها رسول الله (ص) و منعها، الا ما كان فى ايدي شيعتنا فانه يقاطعهم على ما فى ايديهم، و يترك الارض فى ايديهم .»

«هر که از مسلمانان زمینی را احیاء کند، باید آن را آباد کند و خراجش را به امامی از اهلیت من بپردازد، و آنچه از محصول آن بخورد بر او رواست، هنگامی که او قائم اهلیت من (عج) به شمشیر قیام کند، آنها را ضبط می کند و چون شیوه رسول اکرم (ص) در میان مسلمانان رفتار می کند، به جز آنچه در دست شیعیان باشد، که آن را در دست آنها می گذارد و با آنها مقاطعه می کند [87] .»

امام حسن مجتبی (ع) می فرماید :

« 835- تصطلح فى ملكه السباع، و تخرج الارض نبتها، و تنزل السماء برکتها، و تظهر له الكنوز، يملك ما بين الخافقين فطوبى لمن ادرك ايامه وسمع كلامه !»

«در دولت مهدی (عج) درندگان سازش می کنند، زمین نباتات خود را خارج می کند، آسمان برکاتش را فرو می فرستد، گنجهای نهفته در دل زمین برای او آشکار می شود و بین مشرق و مغرب را مالک می شود. خوشا به حال کسیکه آن روزگار مسعود را درک کند و دستوراتش را با گوش جان بشنود.» [۸۸]

سازش درندگان و تعبیراتی نظیر آن از سطح عالی امنیت جهانی و صلح و صفای حاکم بر جهان در عصر حضرت ولی عصر (عج) حکایت می کند. چنانکه پیش از اسلام در کتابهای مقدس کلیمیان و مسیحیان نیز وارد شده است و نمونه هائی از آن در پایان همین بخش از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت .

« 836- اسعد الناس به اهل الكوفة »

«خوشبخت ترین مردم در عهد او اهل کوفه است.» [۸۹]

طبیعی است که مردم کوفه بیش از هر شهر دیگری خوشبخت خواهند بود، زیرا آنجا پایتخت حکومت جهان شمول حضرت بقیه الله (عج) خواهد بود، و خوشبختی و شادکامی به همه جهان از آنجا سرازیر خواهد شد و مردم کوفه سعادت همجواری با حضرت بقیه الله (عج) و استنشاق از هوای شهر آن مهرتابان را خواهند داشت .

امام حسن مجتبی (ع) در توصیف شکوه و عظمت این تنها پایتخت آینده جهان چنین می فرماید :

« 837- لموضع الرجل فى الكوفة احب الى من دار فى المدينة .»!

«جای پائی در کوفه، برای من از خانه ای در مدینه برتر است.» [۹۰]

امام باقر (ع) می فرماید :

پیشوای پنجم شیعیان در تفسیر آیه شریفه: «ولقد كتبنا فی الزبور...» علاوه بر ذکر - تورات - در زبور نیز نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ام به ارث خواهند برد. در این مطلب نویدی هست برای قوم عبادتگر» [۹۱]، فرمود :

« 838-الصالحون هم آل محمد، و العابدون هم شیعتنا .»

«بندگان شایسته، آل محمد (ص) هستند و قوم عبادتگر شیعیان ما هستند.» [۹۲]

و در پیرامون دولت حقه و نهضت جهانی حضرت ولی عصر (عج) فرمود :

« 839-کانی بدینکم هذا لا یزال مولیا یفحص بدمه، ثم لایرده علیکم الا رجل منا اهل البیت، فیعطیکم فی السنه عطاء ین، و یرزقکم فی الشهر رزقین. و توتون الحکمه فی زمانه حتی ان المراه لتتقاضی فی بیتها بکتاب اللّٰه تعالی و سنه رسوله.»

«گوئی با چشم خود می بینم که این آئین مقدس هر روز کنار گذاشته می شود و بدنبال خونخواهی می گردد، آنگاه کسی آن را باز نمی گرداند به جز مردی از خاندان ما، او هر سال دوبار به شما بخشش می کند و هر ماه دوبار به شما ماهیانه می دهد، در زمان او آنقدر به شما دانش و فرهنگ داده می شود که زن خانه دار در خانه خود با کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) دآوری می کنند.» [۹۳]

دقیقاً ما در آن روزها زندگی می کنیم، هر روز ضربه جدیدی بر پیکر اسلام فرود می آید، این آئین پاک و حیاتبخش به خون خود آغشته شده، چون حالت احتضار (جان کندن) پاهای خود را به زمین می زند، اصول آن فراموش شده و فروع آن در زیر پاها لگدمال گشته، پیش از دشمنان خود مسلمانان کارد بر حلقوم آن نهاده، آن را ذبح شرعی می کنند، دیگر این اندرزگویان پندنگیر، این ارشاد گران هدایت نیافته، این امر به معروف کنندگان و نهی از منکر کنندگان حرفه ای که خود از معروف به دور و در دریای گناهان غوطه ورنند، نمی توانند آن را از قوط نجات دهند، تنها چیزی که می تواند با نفس مسیحائی اش این مرده را زنده کند لبه تیز شمشیر الهی در دست ید الهی حضرت بقیه اللّٰه (عج) است که تنها بازمانده از حجت‌های پروردگار و یکتا موعود منتظر برای اصلاح جهانی و بازگرداندن گمگشتگان به شاهراه هدایت است .

« 840-اذا قام قائمنا وضع یده علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم، و کملت به احلامهم، ثم مد اللّٰه فی

ابصارهم و اسماعهم حتی لایکون بینهم و بین القائم حجاب یرید یکلمهم فیسمعون، و یبظرون الیه و هو فی مکانه .»!

«هنگامی که قائم ما (عج) قیام کند، دست شریفش را بر سر بندگان گذارد و خردهای آنها را گرد آورد و رشدهای آنها را کامل گرداند و خداوند بر وسعت بینائی و شنوائی آنها می افزاید و در میان قائم (عج) و آنها مانع و سدی نمی ماند. هر وقت قائم (عج) بخواهد با آنها سخن بگوید، آنها هر کجا باشند؛ می شنوند، و آنها هر کجا که هستند نگاه می کنند و او را در اقامتگاه خود می بینند.» [۹۴]

آنانکه در عالیترین آکادمیهای علمی و بزرگترین دانشگاه های جهان، سالیانی دراز تحصیل کرده، دانشنامه های پر زرق و برقی به دست آورده، با کبر و نخوت گام می سپارند و همه جا سخن از وسعت دانش و بینش آنهاست، دست به دست هم داده این حدیث را برای ما شرح دهند که پیشوای پنجم شیعیان ۱۳۰۰ سال پیش در حق دولت حقه حضرت بقیه الله (عج) بیان فرموده است! که در ضمن آن تشریح می کند که برای آنحضرت دربان و نگهبانی نخواهد بود. هر کس هر کجا که باشد او را می بیند و صدایش را می شنود!! این معنی تا چند سال پیش برای ما قابل فهم نبود، و اینک با وجود رادیو و تلویزیون و وسائل مخابراتی تا حدی برای ما قابل تصور شده است، ولی امام باقر (ع) چهارده قرن پیش آن را با قاطعیت و صراحت بیان کرده است. بزرگترین دانشمندان جهان اگر جمع شوند، توانائی آن را ندارند که در شب بگویند فردا چه خواهد شد؟ و در روز یارائی آن را ندارند که بگویند امشب چه پیش خواهد آمد؟! .
به شرق و غرب منحرف نشوید که آنها از علوم بیکران خداوندی آموخته اند، چه ما به این حقیقت اعتراف بکنیم یا آنرا انکار نمائیم؟! حقوق آنها را ادا کنیم یا خدای ناکرده از آن سر بتابیم؟! .

و در عین حال آنها این سخنان غیبی خود را به معنای «علم به غیب» نمی دانند، بلکه «تعلم من ذی علم» معرفی می کنند، و خود را شریک در علم خداوندی نمی دانند. از این رهگذر هنگامی که سدیر به خدمت امام صادق (ع) عرض کرد: «گروهی شما را خدا می دانند»، امام (ع) به شدت خشمناک شد و فرمود :

« 841- یا سدیر! سمعی و بصری و بشری و لحمی و دمی و شعری من هولاء بریء، و بریء الله منهم و رسوله! ما هولاء علی دینی ولا دین آبائی! والله لایجمعنی الله و ایاهم یوم القیامه الا و هو ساخط علیهم .!»

نحن خزان علم الله، نحن تراجمه امرالله، نحن الحجه البالغه علی من دون السماء و فوق الارض .»

«ای سدیر! چشم، گوش، پوست، گوشت، خون و موی من از اینجا بیزار است، خدا و پیامبرش از اینها بیزار است. اینها از آئین من و آئین پدران من بیرون هستند. هنگامی که خداوند، ما و آنها را در روز رستاخیز گرد آورد بر آنها خشمناک خواهد بود. ما گنجینه های علوم خداوندیم، ما مترجمان فرمان های پروردگاریم. ما حجت بالغه خداوند بر همه موجودات در زیر آسمان نیلی و روی زمین خاکی هستیم.» [۹۵]

امیرمؤمنان (ع) در بیان الطاف بیکران پروردگار در حق اهل بیت عصمت و طهارت چنین می فرماید :

« 842- انا اعطينا علم المنایا و البلیایا، و التاویل و التنزیل، و فصل الخطاب، و علم النوازل و الوقایع، ولا یعرب عنا شیء »

«علم مرگ و میرها به ما داده شده، علم تأویل و تنزیل و فصل الخطاب به ما عطا شده، علم حوادث و وقایع به ما داده شده، و هرگز چیزی از ما پوشیده نمی ماند.» [۹۶]

پیشوای ششم شیعیان نیز در این رابطه می فرماید :

« 843- ان المؤمن فی زمان القائم، و هو فی المشرق، لیری اخاه الذی هو فی المغرب، و کذا الذی فی المغرب یری اخاه فی المشرق »!

«شخص مؤمن در زمان قائم (عج) اگر در مشرق باشد و در برابر ایمانی اش در مغرب، از مشرق او را در مغرب می بیند، و اگر در مغرب باشد و برادرش در مشرق، او را می بیند.» [۹۷]

پیشوایان معصوم (ع) چگونه مرزهای زمانی را برداشته، قرنهای متمادی را کنار زده، آینده ای بس دور را در برابر دیدگانشان به روشنی دیده اند و از آن آگاهانه سخن گفته اند؟!، و در هر زمینه ای دانستیها و شنیدنیها را به شیعیان خود آموخته اند!!، و از نیروی شنوائی و بینائی عصر قائم (عج) آنچنان سخن گفته اند که گوئی در عصر ما زندگی کرده اند و در شرقی ترین نقطه جهان، گزارش های غرب جهان را در صفحات تلویزیون دیده اند و ارسال صوت و تصویر را با مدرنترین وسائل مخابراتی امروز، با چشم خود دیده و آنگاه سخن گفته اند . اما کو گوش شنوا که به این حقایق گوش فرا دهد و آنگاه با نیروی دماغی خود قله رفیع عظمت این خاندان را تصور کند و به دنیا اعلام کند که شاهباز اندیشه هرگز به قله صفات برجسته و کمالات شایسته این خاندان نخواهد رسید . آنگاه با نویسنده این سطور هماهنگ شده بگوید: برای تباهی این ملت و زبونی این امت همین بس، که اینها را خانه نشین کرده، دیگران را به جای اینها برگزیده اند .

امام باقر (ع) در تفسیر این آیه شریفه که می فرماید: «الذین ان مکتنا هم فی الارض...»: «آنانکه اگر آنها را در روی زمین امکانات بدهیم، نماز را به پا می دارند و زکات را می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و عاقبت امور از آن خداوند است» [۹۸]، فرمود :

« 844- هذه لال محمد الی آخر الائمة. و المهدی و اصحابه یملکهم الله مشارق الارض و مغاریها و یظهر الدین، و یمیت الله عزوجل به و باصحابه البدع و الباطل کما امات السفه الحق، حتی لا یری اثر من الظلم و البدع ».

«این آیه در حق آل محمد (ص) است، در حق امامان معصوم و حضرت مهدی (عج) و یاران اوست که خداوند آنها را مالک شرق و غرب جهان نموده، آئین اسلام را پیروز کرده، بدعتها و باطلها را به دست او و یارانش نابود می‌سازد، چنانکه سفیهان حق را لگدمال کرده باشند. دیگر از ستمها و بدعتها نشانه ای نمی‌ماند.»

[۹۹]

« 845- آنها لم ترع حق نبیها واللّه لواخذوا الحق عن اهلہ لما اختلف فی اللّٰه اثنان . »

«این امت حق و حریم پیامبر اکرم (ص) را - در مورد اهل بیتش - رعایت نکردند. به خدا سوگند اگر این امت حق را از سرچشمه زلال اهل بیت می‌گرفتند حتی دو نفر هم در مورد پروردگار اختلاف نمی‌کردند.»

[۱۰۰]

خداوند منان از طرف ما، پیشوایان معصوم (ع) را بهترین پاداش خیر عنایت کند، که هرگاه در زیر ضربات ستمگران قرار می‌گرفتند و حقوقشان در زیر پای ابر جنایتکاران عصر لگدمال می‌شد، شکوه و عظمتشان بیشتر جلوه‌گر می‌شد. زورمندان تاریخ با استفاده از زر و زور و تزویر تلاش می‌کردند که تاریخ را تحریف کرده، آثار مجد و عظمت آن بزرگواران را از دیده‌ها محو کنند، ولی نشانه‌های مجد و عظمت آنها پیش از آنکه در دیده‌ها ظاهر شود، در دلها ظاهر می‌شد و آنجا منطقه امن و نفوذ ناپذیری است، که سرنیزه‌ها چون آنجا رسند، کاری از پیش نبرند، ما اگر چه در زمان آنها زندگی نکرده ایم که معجزات بی‌شمار آنها را از نزدیک ببینیم، ولی سخنان اعجاز آمیز آنها که هر کدام دلیل قاطعی بر عظمت زاید الوصف آنهاست، امروزه در دست ماست .

خداوند راویان حدیث را نیز جزای خیر دهد که این احادیث را بدون کوچکترین دخل و تصرف برای ما نقل کرده اند، اگر چه در برخی از آنها مفهوم حدیث برای آنها روشن نبود، ولی با عقیده قاطعی که به امامان معصوم داشتند، از روی ایمان قاطع متن آنها را برای نسل بعدی نقل کرده اند و گذشت زمان آنها را تفسیر کرده، و خود به صورت سند زنده ای بر عصمت و عظمت امامان معصوم (ع) در آمده اند .

امام باقر (ع) در ضمن روایتی که قسمت اول آن در بخش دوازدهم این کتاب گذشت، چنین می‌فرماید :

« 846- فاذا كانت الجمعة الثانية قال الناس: يا ابن رسول الله: الصلاة خلفك تضاهي الصلاة خلف رسول الله، والمسجد لا يسعنا. فيقول: انا مرتاد لكم. فيخرج الى الغرى و يصلی هناك و بامر ان يخط مسجد له الف باب، يسع الناس، على اصيص، و يامر فيخفر خلف القبر الحسيني نهر يجرى الى الغريين حتى ينبد بالنجف. و يعمل على فوهته فناطر و ارحاء في السبيل و كاني بالعجور على راسها مکتل فيه بر حتى تطحته بلا كراء ثم تتصل بيوت الكوفه بنهر كربلاء . »!

«در هفته دوم (از ورود قائم (عج) به کوفه) مردم می گویند: ای فرزند پیامبر! نماز پشت سر شما با نماز در پشت سر رسول اکرم (ص) برابری می کند، و مسجد جوابگوی اینهمه مردم نمی باشد .

به سوی نجف اشرف حرکت می کند و نماز را آنجا اقامه می کند و دستور می دهد که مسجد باشکوهی با هزار درب بنیاد کنند تا گنجایش آنهمه جمعیت را داشته باشد. آنگاه دستور می دهد که از پشت حرم امام حسین (ع) نهری حفر کنند که کربلا را به نجف اشرف متصل کند، آنگاه پلهائی روی آن و آسیابهایی در کنار آن تأسیس می کند. گوئی با چشم خود پیرمردانی را می بینم که گندمهایی را روی سرشان حمل کرده، در این آسیابها به طور رایگان آرد می کنند. در آنموقع خانه های کوفه به نهر کربلا (فرات) متصل می شود.» [۱۰۱]

« 847- إذا قام مهدينا اهل البيت، قسم بالسوية و عدل بالرعية، فمن اطاعه فقد اطاع الله، و من عصاه فقد عصى الله !»

«چون مهدی ما اهل بیت (عج) قیام کند مال را به طور مساوی تقسیم می کند، عدالت را در میان رعیت اجراء می کند، هر کس از او اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است، و هر کس او را نافرمانی کند، خدای را نافرمانی کرده است.» [۱۰۲]

« 848- إذا قام القائم سار الى الكوفة و هدم بها اربعة مساجد، و لم يبق مسجد على وجه الارض له شرف الا هدمها و جعلها جما »

«چون قائم ما قیام کند رهسپار کوفه می شود و در کوفه چهار مسجد را ویران می کند، و در روی زمین مسجدی نمی ماند که شاه نشین (محل مرتفع) داشته باشد، جز اینکه شاه نشین آن را خراب می کند و کف مسجد را هموار می سازد [103] .»

« 849- يحكم بين اهل التوراه بالتوراه، و بين اهل الانجيل بالانجيل، و بين اهل الزبور بالزبور، و بين اهل القرآن بالقرآن و يجمع اليه اموال الدنيا من بطن الارض و ظهرها، فيقول للناس: تعالوا الى ما قطعتم فيه الارحام، و سفكتم فيه الدم الحرام، و ركبتهم فيه ما حرم الله عزوجل، فيعطى شيئاً لم يعطه احد كان قبله، و يملا الارض قسطاً وعدلاً و نورا، كما ملئت ظلماً و جوراً و شراً .»

«در میان اهل تورات با تورات، در میان اهل انجیل با انجیل، در میان اهل زبور با زبور، و در میان اهل قرآن با قرآن داوری می کند، ثروتهای روی زمین و گنجهای درون آن از تمام نقاط جهان به سوی او گرد می آید. آنگاه خطاب به مردم می فرماید: بیائید این همان متاع دنیا است که برای آن با خویشاوندان قطع رحم کردید، خونهای حرام را ریختید، به حریم گناهان وارد شده، مرتکب محرمات الهی شدید، این ثروتها را کلان کلان در اختیار مردم قرار می دهند که چنین رقمهای درشت در تاریخ بخششهای جهان بی سابقه خواهد بود.

زمین را پر از عدل و داد و نور کند، آنچنانک مملو از جور و ستم و شرّ شده باشد.» [۱۰۴]

و این همان شیوه داوری امیرمؤمنان (ع) است که خود می فرماید :

« 850- لوثنیت لی الوساده لحکمت بین اهل القرآن بالقرآن حتی یزهر الی الله، و لحکمت بین اهل التوراه بالتوراه حتی یزهر الی الله، و لحکمت بین اهل الانجیل بالانجیل حتی یزهر الی الله، و لحکمت بین اهل الزبور بالزبور حتی یزهر الی الله. »!

«اگر برای من مسند قضاوت فراهم شود، در میان اهل قرآن با قرآن داوری می کنم تا با نور قرآن به سوی خدا راه یابند و در میان اهل تورات با تورات داوری می کنم تا با نور تورات به سوی خدا راه یابند و در میان اهل انجیل با انجیل داوری می کنم تا با نور انجیل به سوی خدا راه یابند و در میان اهل زبور با زبور داوری می کنم تا با نور زبور به سوی خدا راه یابند.» [۱۰۵]

در اینجا یادآوری این نکته لازم است که داوری ائمه معصومین (ع) در میان کلیمیان با توراتشان، و در میان مسیحیان با انجیلشان به معنای به رسمیت شناختن یهودیت و مسیحیت پس از آمدن اسلام نمی باشد، بلکه از نظر اسلام، دین انحصار به اسلام دارد و هر کس با آئینی جز اسلام به خداوند تقرب کند؛ از او پذیرفته نخواهد شد، لکن حضرت بقیه الله (عج) برای اتمام حجت و رفع عذر، با پیروان همه ادیان با کتاب های آسمانی خودشان بحث و محاجه می کند، نویدهای موجود در کتابهای هر آئینی را که از آمدن آن مصلح جهانی خبر داده اند به آنها یادآوری می کند، هر کس ایمان بیاورد از او می گذرد و هر کس پس از شناخت حق و اثبات حقیقت بر کفر و الحاد خود اصرار بورزد، به سزای خود می رسد. و این معنی به اهل کتاب انحصار ندارد، بلکه از فرقه های به ظاهر مسلمان نیز که خود را اهل قرآن می دانند، آنان که در برابر حق تسلیم نشوند، طعمه شمشیر می شوند. خداوند تبارک و تعالی به امامان اهل بیت (ع) نیروئی عطا فرموده که هر کس را ببینند تشخیص می دهند که آیا اهل ایمان است یا اهل نفاق؟ چنانکه امام باقر (ع) می فرماید :

« 851- انا لنعرف الرجل اذا رايناه بحقیقه الایمان و حقیقه النفاق. »

«هنگامی که ما شخصی را ببینیم، مؤمن یا منافق بودن او را باز می شناسیم.» [۱۰۶]

« 852- اذا قام القائم عرض الایمان علی کل ناصب، فان دخل فیه بحقیقه والا ضرب عنقه. »

«چون قائم (عج) قیام کند، ایمان را بر هر ناصبی (دشمن اهل بیت) عرضه می کند، اگر به راستی آن را بپذیرد، از او می گذرد، و اگر نپذیرد گردنش را می زند.» [۱۰۷]

امیرمؤمنان (ع) نیروی تشخیص امامان را چنین تفسیر می کند :

« 853- السماوات و الارض عند الامام، كیده من راحیه، یعرف ظاهرها من باطنها، و یعلم برها من فاجرها ».

«آسمانها و زمین در نزد امام (ع) همچون کف دست اوست، ظاهر و باطن آنها را می فهمد، نیک و بد آنان را می شناسد.» [۱۰۸]

امام صادق و امام رضا (ع) در این باره می فرمایند :

« 854- ان الدنيا لتمثل للامام مثل فلقه الجوزه، فلا يعزب عنه منها شيء . و انه ليتناولها من اطرافها كما يتناول احدكم من فوق مائدته ما يشاء . »

«همه دنیا همانند یک حبه گردو در برابر امام (ع) نمایان می شود و چیزی از آن برای او پوشیده نمی باشد، از هر طرف بخواهد در آن تصرف می کند، آنچنانکه یکی از شما در سفره ای که در برابرتان گسترده است، از هر طرف بخواهد، دست می برد و از آن بهره می گیرد.» [۱۰۹]

امام باقر (ع) به خصوص در مورد علم حضرت بقیه الله (عج) می فرماید :

« 855- ان العلم بكتاب الله عزوجل و سنه نبیه (ص) لينبت في قلب مهدينا كما ينبت الزرع على احسن نباته . »

«علم به کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) در دل مهدی ما (عج) ریشه می دواند آنچنانکه گیاه در دل مساعدترین سرزمینها ریشه می دواند.» [۱۱۰]

اگر یکی از ما دهها قرن زندگی کند و در آن مدت در تحصیل علم و دانش تلاش کند، طبعاً علم در دلش ریشه خواهد دوانید و شاخه های پر بارش هر لحظه ثمرات شیرینی از خود ظاهر خواهد نمود، کجا رسد که او امام، معصوم، صاحب علم لدنی، و مورد خطاب فرشتگان (محدث) باشد. طبیعی است که او وارث علوم انبیاء و سینه اش خازن علوم اولین و آخرین خواهد بود .

« 856- يدعو الناس الى كتاب الله و سنه نبیه و الولایه لعلی بن ابی طالب و البراءه من عدوه »

«او مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر (ص)، ولایت علی بن ابی طالب (ع)، و بیزاری از دشمنان او دعوت می کند.» [۱۱۱]

این حدیث مطابق دهها روایت صحیحه ایست که به طور متواتر از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده، و همه فرق اسلامی آنها را در کتاب های معتبر خود آورده اند .

امام باقر (ع) در زمینه عدالت گستری آن حضرت می فرماید :

« 857- إذا ظهر القائم و دخل الكوفة، يرد السواد الى اهله . »

«چون قائم (عج) قیام کند و وارد کوفه شود، زمین های مصادره شده را به صاحبانش باز می گرداند.»
[۱۱۲]

روزی یکی از شیعیان به خدمت امام باقر (ع) عرض کرد: اصحاب ما در کوفه بسیار فراوانند، هر چه امر بفرمائید اطاعت می کنند. امام (ع) در پاسخ او فرمود :

« 858- یجیء احدهم الى كيس اخيه فيأخذ منه حاجته؟ فقال: لا. قال: هم بدمائهم ابلخ!. ثم قال: ان الناس في هدنة تناكحهم و توارثهم، و تقسیم عليهم الحدود، و تودی اماناتهم، حتی اذا قام القائم جاءت المزامله، و یاتی الرجل الى کيس اخيه فيأخذ حاجته، لایمنعه . »

«آیا به این حد رسیده اند که یکی از آنها دست برده از صندوق دیگری به مقدار نیازش بردارد؟! گفت: نه. فرمود: اگر در متاع دنیا بخل بورزند در مورد خونشان بخیل تر خواهند بود. سپس فرمود: مردم فعلاً در حال سازش هستند، با یکدیگر پیوند زناشویی می بندند، از یکدیگر ارث می برند، حدود الهی اجراء می شود و امانتها ادا می شود. ولی هنگامی که قائم (عج) قیام کند دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می شود، هر نیازمندی دست می برد و از صندوق برادر ایمانی اش به مقدار نیاز بر میدارد و صاحب صندوق او را منع نمی کند.» [۱۱۳]

« 859- کانى باصحاب القائم و قد احاطوا بما بین الخافقین لیس شیء الا و هو مطیع لهم یطلب رضاهم: من سباع الارض و سباع الطیر، تطلب رضاهم فی کل شیء حتی تفخر الارض علی الارض و تقول: مربی الیوم رجل من اصحاب القائم .! »

«گوئی اصحاب قائم (عج) را با چشم خود می بینم که میان مشرق و مغرب را تحت سیطره خود در آورده اند، دیگر چیزی نمانده جز اینکه تحت فرمان آنهاست و تلاش می کند که خشنودی آنان را جلب کند!، حتی درندگان صحرا و پرندگان آسمان نیز تلاش می کنند که رضایت آنها را جلب کنند!، چون یکی از یاران قائم (عج) روی زمین گام نهاد، آن زمین به سرزمین های دیگر مباحثات می کند که امروز فلان یاور قائم (عج) بر فراز من گام نهاد.» [۱۱۴]

از کجا معلوم که منظور از درندگان زمین و پرندگان آسمان معنای وسیعتری نباشد که همه تجهیزات نظامی و ساز و برگ جنگی را در برگیرد و مقصود از حدیث بالا این باشد که همه وسائل مدرن و مجهز جنگی تابع

اراده یاران حضرت بقیه الله (عج) خواهد بود و امام که بر همه جهان تسلط دارد با ولایت تکوینی خود همه تجهیزات جنگی را در راه برقرار ساختن عدالت اجتماعی و از بین بردن ستم و ستمگری بکار خواهد انداخت .

و شاید مقصود از فخر و مباهات زمین، مباهات اهل زمین باشد که در ادبیات عربی «حذف مضاف» نامیده می شوند .

«-860 إذا قام القائم بعث في اقاليم الارض، في كل اقليم رجلا ثم يقول له: عهدك في كفك، فاذا ورد عليك ما لاتفهمه ولا تعرف القضاء فيه، فانظر الى كفك و اعمل بما فيها .»

«هنگامی که قائم (عج) قیام کند برای هر کشوری از کشورهای جهان فرمانروائی بر می گزیند و به او می فرماید: دستورالعمل تو در کف دستت می باشد، هرگاه حادثه ای بر تو روی دهد که حکم آن را بلد نباشی و طرز داوری در آن را ندانی، به کف دستت نگاه کن، هر چه در آن منعکس باشد برای آن عمل کن.» [۱۱۵]

در اینجا نمی دانیم که حکم رویدادها چگونه ممکن است در کف دست آنها منعکس باشد؟ آیا بر طبق معجزه حضرت بقیه الله (عج) در کف دستشان نوشته به نظر می رسد؟ یا کتابی در دست آنها خواهد بود که حکم هر حادثه ای در آن مندرج خواهد بود؟ یا وسیله کوچکی چون دستگاه بی سیم و یا ظریفتر و مدرتر از آن در دست آنها خواهد بود و هر کجا حکم حادثه ای را ندانند به وسیله آن با شخص حضرت بقیه الله (عج) تماس خواهند گرفت؟ و یا به صورت دیگری که ما از آن آگاهی نداریم؟ .

این نکته نیز ناگفته نباشد که فرمانروایان منتخب امام زمان (عج) به طور قطع از دانشمندان بزرگ و متخصصان صاحب فضیلت خواهند بود که در دین خود ثابت و استوار، و بر کار خود بصیر و آگاه و توانا خواهند بود، زیرا در یک حکومت مترقی هرگز کاری را به دست غیر متخصص نمی سپارند، کجا رسد به حکومت حقه حضرت بقیه الله (عج) که مسئول برقراری عدل واقعی در سطح جهانی می باشد . و هرگز ممکن نیست که در چنین حکومتی افرادی بر پست و مقامی برگزیده شوند که جای کوچکترین انتقاد باقی باشد. و اگر در موردی حادثه ای روی دهد که حکم آن بر نماینده منتخب امام (ع) معلوم نباشد وسیله ای در دست او خواهد بود که حکم آن حادثه را به آسانی به دست آورد. در اینجا دو روایت از امام صادق (ع) هست که تا حدی این مطلب را توضیح می دهد :

«-861والله انى لاعلم كتاب الله من اوله الى آخره، كانه فى كفى. فيه خبر السماء و خبر الارض، و خبر ما كان و ما هو كائن. قال الله عزوجل) :ونزلنا عليك الكتاب تبييأتاً لكل شىء .» (

«به خدا سوگند، من کتاب خدا را از اول قرآن تا آخرش می دانم، گوئی که همه قرآن در کف دست منست. خبرهای مربوط به آسمان و زمین در آنست. و آنچه در گذشته واقع شده، و آنچه در آینده واقع خواهد شد

در آن است. چنانکه خدای تبارک و تعالی می فرماید: و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء [۱۱۶]: ما قرآن را به سوی تو فرو فرستادیم که بیانگر هر چیزی است.» [۱۱۷]

و در حدیث دیگری با صراحت بیشتری چنین می فرماید :

« 862-واللّٰه انی لاعلم ما فی السماوات و ما فی الارض، و ما فی الجنه و ما فی النار، و ما کان و ما یکون الی ان تقوم الساعه. اعلمه من کتاب اللّٰه، انظر الیه هکذا ...»

«به خدا سوگند آنچه در آسمانها و زمین روی می دهد من از آن آگاهم، آنچه در بهشت و جهنم می گذرد، آنچه در بهشت و جهنم می گذرد، آنچه واقع شده و آنچه در آینده واقع خواهد شد همه را می دانم، همه آنها را از کتاب خدا می دانم. آنگاه دست خود را باز کرد و فرمود: این چنین به آن نگاه می کنم، سپس آیه فوق را تلاوت فرمود.» [۱۱۸]

پیشوای ششم شیعیان به روشنی بیان می کند، که علم آنها به بهشت و دوزخ و حوادث زمین و آسمان، علم به غیب نیست، بلکه به برداشت آنها از قرآن کریم مربوط می شود. اگر چه همان قرآن در دست ماست ولی ما توانائی درک این معانی را از آن نداریم .

روی این بیان نمایندگان منتخب امام (ع) بدون تردید افرادی خواهند بود که آگاهی وسیعی از قرآن و سنت و فتوا خواهند داشت، و بر احکام فقهی و مسائل مربوط به حلال و حرام دقیقاً واقف خواهند بود. و اگر با مشکلاتی روبرو شوند ممکن است فرمول به دست آوردن آن را از قرآن کریم داشته باشند و یا به صورت دیگری کلید حل معما در دستشان باشد .

در مورد اینکه حضرت بقیه اللّٰه (عج) چند سالی در روی زمین حکومت می کند؟ روایات مختلف است، از امام باقر (ع) چنین روایت شده :

« 863-ان القائم یملک ثلاثمئه وتسع سنین، کما لبث اهل الکهف فی کهفهم. و یقتل الناس حتی لایبقی فی الارض الا دین محمد (ص) .»

«قائم (عج) مدت ۳۰۹ سال حکومت می کند، به تعداد سالهائی که اصحاب کهف در کهف درنگ کردند. آنگاه کسانی را که از پذیرفتن آئین حق امتناع کنند می کشد، تا در روی زمین جز آئین محمد (ص) آئینی نمی ماند.» [۱۱۹]

در مورد سند روایت باید تحقیق نمود، که این مدت فقط در این روایت آمده است و در روایت های دیگر بسیار کمتر از این نقل شده است :

« 864- یملک سبعین سنه . »

« هفتاد سال حکومت می کند. » [۱۲۰]

« 856- یملک سبعاً و عشراً، و السنه من سنیه تکون مقدار عشر سنین . »

17 « سال حکومت می کند، که هر سال آن معادل ۱۰ سال است از دیگر سالها. » [۱۲۱]

امام صادق (ع) نیز در این مورد می فرماید :

« 866- یمکت علی ذلک سبع سنین. تطول له الایام و اللیالی حتی تکون السنه من سنیه عشر سنین من سنیکم هذه، فیکون سنی ملکه سبعین سنه من سنیکم هذه، ثم یفعل الله ما یشاء . »

« هفت سال بدین منوال می گذرد، ولی شبها و روزهایش طولانی می شود و هر سال آن با ۱۰ سال از سال های شما برابری می کند، و بدینگونه مدت حکومت او با هفتاد سال از سال های شما برابر می باشد. و آنگاه خداوند هر چه اراده کند انجام می دهد. » [۱۲۲]

اگر مدت حکومت حضرت بقیه الله (عج) هفت سال از سالهای عادی باشد باز هم بیش از هفتاد سال ارزش دارد، زیرا همه اش آسایش و آرامش خواهد بود، دیگر از این تضادها و تزاخنها خبری نخواهد بود، کسی برای ثروت اندوزی و کینه توزی با دیگری سرستیز نخواهد داشت، بلکه همه اش تلاش در عبادت و اطاعت و خدمت به خلق و صفا و صمیمیت خواهد بود که هر ساعت آن بیش از ماهها و سالهای دیگر دور آنها ارزش دارد و اصلاً نمی توان مقایسه نمود. ولی آنچه در روایات آمده جز این معنی است، زیرا در آنها تعلیل شده به طولانی شدن شبها و روزها به مقدار ده برابر دیگر سالها. و در برخی از روایات استشهاد شده به روزهای طولانی رستاخیز که در متن قرآن هر روز آن معادل ۵۰/۰۰۰ سال از سالهای دنیا شمرده شده است .

« 867- یملک القائم تسع عشره سنه و اشهرها »

« قائم (عج) ۱۹ سال و چند ماه حکومت می کند. » [۱۲۳]

« 868- ابطل رسول الله (ص) ما کان ی الجاهلیه، و استقبل الناس بالعدل، و کذلک القائم . »

« پیامبر اکرم (ص) نشانه های جاهلیت را از بین برد و با عدالت در میان مردم رفتار نمود، قائم (عج) نیز چنین خواهد کرد. » [۱۲۴]

« 869- یبطل ما کان فی الهدنه مما کان فی ایدی الناس، و یستقبل بهم العدل. »

«آنچه در ایام صلح در دست مردم (به ناحق) باشد، آن را الغاء می کند و با عدالت با آنها رفتار می کند.»
[۱۲۵]

زیرا آنچه مردم به ناحق و از طریق تجاوز به حقوق یکدیگر به دست آورده اند، از دست آنها گرفته به صاحبان اصلی بر می گرداند، و پرواضح است که در مدت بسیار طولانی میان حکومت عادلانه امیرمؤمنان (ع) تا حکومت حقه حضرت بقیه الله (عج) تصرفات ظالمانه فراوانی پیش آمده، و با گذشت زمان صاحبان اصلی آنها فراموش شده، غاصبها جای مالکین اصلی را اشغال کرده اند .

آنگاه در مورد آبادانی جهان در عصر شکوفای آن حضرت می فرماید :

« 870- فلایبقی فی الارض خراب الا و عمر . »

«در روی زمین، نقطه ویرانی نمی ماند جز اینکه آباد می گردد.» [۱۲۶]

امام صادق (ع) می فرماید :

« 871- لایبقی موضع قدم الا وطنه و اقام فیہ الدین الواجب لله . »

«جای پائی در روی زمین نمی ماند، جز اینکه به آنجا گام نهاده، آئینی را که از سوی خداوند واجب گشته، اقامه می کند.» [۱۲۷]

و در تفسیر آیه شریفه: «اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها»: «بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می سازد.» [۱۲۸]، فرمود :

« 872- کفر اهله، فیحییها الله بالقائم »

«پس از مرگ زمین به وسیله کافر شدن مردمان، خداوند آن را بوسیله قائم (عج) زنده می کند.» [۱۲۹]

امام باقر (ع) نیز در تفسیر همین آیه فرمود :

« 873- یحییها بالقائم (عج) فیعدل فیها، فیحیی الارض بعد موتها بالظلم . »

«خداوند آن را به وسیله قائم (عج) زنده می کند، پس عدالت را در آن به اجراء در می آورد و زمین را زنده می سازد پس از آنکه به وسیله ستم باشد [130] .»

ابن عباس نیز در همین مورد می گوید :

«یعنی خداوند زمین را به وسیله قائم آل محمد (ص) اصلاح می کند، پس از آنکه مرده باشد، یعنی: بعد از فراگیر شدن ستم در ممالک جهان.» [۱۳۱]

امام صادق (ع) در مورد برنامه جهانی آن حضرت می فرماید :

« 874-لایدع بدعه الا از الها، ولاسنه الا اقامها »

«بدعتی در همه جهان نمی ماند جز اینکه از بین می برد، و سنتی نمی ماند جز اینکه بر پای دارد.» [۱۳۲]

یک روز در مجلسی صحبت از خانه های بنی عباس بود، یکی از اصحاب گفت: خداوند آنها را به دست ما ویران کند. فرمود :

« 875-لا تقل هكذا، بل يكون مساكن القائم و اصحابه. اما سمعت الله يقول: (وسکتتم فی مساكن الدین ظلّموا انفسهم) .»

«اینطور مگو، که آنها خانه های قائم (عج) و یاران او خواهد بود.» [۱۳۳] مگر نشنیده ای که خدای تبارک و تعالی می فرماید: «و شما ساکن شدید در خانه های کسانی که به خود ستم کردند.» [۱۳۴]

و در فرصتی دیگر فرمود :

« 876-فاذا انقضى ملكهم، اتاح الله لامه محمد برجل منا اهل البيت، يسير بالتقى و يعمل بالهدى، ولا يأخذ فی حكمه الرشى .»

«چون سلطنت آنها به پایان رسد، خداوند با مردی از ما اهل بیت بر امت محمد (ص) منت می نهد، که تقوی را پیشه خود می سازد، از روی بصیرت و هدایت گام بر میدارد و در دستگاه او رشوه راه نمی یابد.» [۱۳۵]

« 877-اذا قام صاحب السيف، جاء بامر غير الذي كان !»

«چون صاحب شمشیر قیام کند، امر تازه ای که وجود نداشته، می آورد و پیاده می کند.»

یعنی بدعتها را ریشه کن می سازد و حقایق تحریف شده از قرآن و سنت را اصلاح می کند و عدالت اجتماعی را که گمشده جهانی است پیاده می کند .

« 878-كلنا قائم بامر الله واحدا بعد واحد، حتى يجيء صاحب السيف، فاذا جاء صاحب السيف جاء بامر غير

«هر یک از ما قائم به امر است، یکی پس از دیگری می آید تا نوبت به صاحب شمشیر برسد، چون او بیاید، اوضاع را دگرگون سازد و چیزی را که پیش از او نبود می آورد.» [۱۳۶]

آری او حقوق از دسته رفته را باز می ستاند و به صاحبانش باز می گرداند و همه را به آئین مقدس اسلام گرد می آورد .

«-879اذا قام القائم (عج) جاء بامر جدید، كما دعا رسول الله (ص) في بدء الاسلام الى امر جديد .»

«زمانی که قائم (عج) قیام کند امری تازه می آورد، چنانکه رسول الله (ص) در صدر اسلام امری تازه آورد.» [۱۳۷]

در این زمینه به قدر کافی سخن گفتیم و توضیح دادیم که حضرت ولی عصر (عج) پیامبر نیست تا شریعت تازه آورده باشد، بلکه امام معصومی است که از حریم آئین مقدس اسلام، تغییرات و تحریفات را پاک می گرداند و مردم را به اسلام اصیل و شریعت پاک محمدی (ص) دعوت می کند، ولی نظر به اینکه در طول زمان احکام شریعت کهنه شده، هر کسی احکام اسلامی را به رأی خود تفسیر و تأویل کرده، و قسمتی از احکام به صورت مسخ شده عرضه شده است، وقتی آن حضرت اسلام راستین (به معنای واقعی کلمه) را عرضه می نماید به نظر مردم تازه جلوه می کند .

«-880اذا خرج القائم، خرج من هذا الامر من كان يرى انه من اهله، و دخل فيه شبه عبده الشمس و القمر!»

«چون قائم (عج) ظاهر شود، قسمتی از آنانکه اهل این امر دیده می شوند از آن بیرون شوند و از امثال ماه پرستان و خورشید پرستان به آن بگردند [138] .»

آری ممکن است برخی از افرادی که شیعه منتظر، حتی از رجال دین و رهبران آئین به شمار می آمدند، به هنگام ظهور در برابر حق تسلیم نشوند و چون خفاشان کوردل تاب دیدن خورشید فروزان امامت را نداشته باشند ولی در مقابل جمع کثیری از بت پرستان، ماه پرستان و دیگر گمراهان با دیدن خورشید حقیقت، صمیمانه و عاشقانه به مشعل هدایت جذب شده، در راه حق گام نهند .

«-881ان قائمنا اذا قام، اشرققت الارض بنور ربها، و استغنى الناس .»

«چون قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن گردد و مردم همگی بی نیاز شوند.» [۱۳۹]

« 882- فتستبشر الارض بالعدل، و تعطى السماء قطرها، و الشجر ثمرها، و الارض نباتها و تنزین لاهلها . »

«جهان با پیاده شدن عدالت خرم شود، آسمان بارانهایش را فرو ریزد، درختان میوه های خود را آشکار می سازد، زمین گیاهان خود را بیرون می فرستد و برای ساکنان خود آرایش می کند.» [۱۴۰]

« 883- اذا قام حکم بالعدل، و ارتفع فی ایامه الجور، و امنت السبل، و اخرجت الارض برکاتها، ورد کل حق الی اهله. و لم یبق اهل دین حتی یظهروا الاسلام و یعترفوا بالایمان . »

«چون قیام کند به عدالت داوری می کند و در زمان او ستم ریشه کن می شود و راهها امن می گردد و زمین برکتهای خود را ظاهر می کند و هر حقی به صاحب حق بر می گردد و پیرو هیچ آئینی نمی ماند جز اینکه به اسلام می گردد و به آن ایمان می آورد.» [۱۴۱]

« 844- تزید المیاه فی دولته، و تمد الانهار، و تضاعف الارض اکلها لاتدخر شیئا. و تذهب الشحنا من قلوب العباد، و یذهب الشر و یبقی الخیر »

«آبها در عهد او فراوان شود، رودخانه ها پر آب گردد، زمین مواد خوراکی اش را چند برابر گرداند و چیزی از آن را باقی نگذارد، کینه ها از دل مردم بیرون رود و شر از جهان رخت بر بندد و تنها خیر باقی بماند.» [۱۴۲]

امیرمؤمنان (ع) در همین زمینه می فرماید :

« 885- تا من السبل حتی تمشی المراه بین العراق و الشام لاتضع قدمیها الا علی النبات، و علی راسها زیتها، لا یهیجها سبع ولاتخافه »

«راهها امن شود، زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد، جواهراتش را بر سرش بگذارد و از درنده و درنده خوئی هراس نداشته باشد.» [۱۴۳]

امام صادق (ع) نیز در این زمینه می فرماید :

« 886- و حتی تخرج العجوز الضعیفه من المشرق ترید المغرب فلا یبهنها احد »

«پیرزن ناتوانی از مشرق تا مغرب می رود و از کسی آسیبی به او نمی رسد.» [۱۴۴]

« 887- یطفی به الفتنة السماء، و تامن الارض، حتی ان المراه لتحج فی خمس نسوه ما معهن رجل، لایتقین

«خداوند به وسیله او فتنه های جانکاه را آرام و ساکن سازد، زمین امن گردد، یک زن در میان پنج زن بدون اینکه مردی آنها را همراهی کند به حج خانه خدا رود و جز خدا از کسی باکی نداشته باشند.» [۱۴۵]

« 888-المهدی محبوب فی الخلائق، یطفی ۱ الله به الفتنه الصماء «!

«مهدی (عج) در میان همه مخلوقات محبوب است، خداوند به وسیله او آتش فتنه را خاموش می گرداند.» [۱۴۶]

« 889-اول ما یبتدی ۱ عدل المهدی ان ینادی فی جمیع العالم: انا من کان له عند شیعتنا دین فلیذکره. حتی یرد الثومه و الخردله، فضلا عن القناطیر المقنطره من الذهب و الفضة و الا ملاک فیوفیه ایاه «!

«اولین چیزی که از عدالت حضرت مهدی (ع) ظاهر می شود اینست که در سرتاسر جهان اعلام می شود که هر کس از یکی از شیعیان ما بستانکار است؛ یادآوری کند، اگر کسی به مقدار یک دانه سیر و یا یک عدد خردل بستانکار باشد به او عطا می کند، کجا رسد به کسانیکه هزاران هزار دهم و دینار از طلا و نقره طلبکار باشند، هر کس هر قدر طلبکار باشد به او عطا می فرماید.» [۱۴۷]

« 890-اذا قام قائمنا اضمحلت القطائع، فلا قطائع «!!!

«چون قائم ما (عج) قیام کند، دیگر قطیعه از بین می رود و به کسی قطیعه نمی دهد.» [۱۴۸]

به طوریکه در احادیث شماره ۷۷۳-۷۷۸ روایت شده، عطایا و بخششهای حضرت بقیه الله (عج) در تاریخ بی سابقه است، ولی این عطایا به همه مؤمنان عمومیت دارد، اما قطایعی که پادشاهان منحصراً به خویشاوندان و نزدیکان خود می دادند در حکومت حقه وجود نخواهد داشت، اصولاً در حکومت حقه حضرت مهدی (عج) (با بی نیاز شدن همه افراد جامعه زمینه استثمار فردی توسط فردی دیگر به کلی از بین خواهد رفت .

« 891-موسع علی شیعتنا ان ینفقوا مما فی ایدیهم بالمعروف. فاذا قام قائمنا حرم علی کل ذی کنز کنزه، حتی یاتوا به ویستعین به .»

«به همه شیعیان ما اجازه داده شده، از آنچه در دست دارند به شیوه ای نیکو انفاق کنند، ولی هنگامی که قائم ما (عج) قیام کند بر همه ثروت اندوزان ثروت اندوزی را حرام می کند، بر صاحبان گنجهاست که گنجهای خود را به پیش او بیاورند تا در راه بی نیازی عمومی خرج شود.» [۱۴۹]

پیش از امام صادق (ع) جد بزرگوارش امیرمؤمنان (ع) در این مورد می فرماید :

«...» -892 ما کان فی ایدی سواهم فان کسبهم من الارض حرام علیهم، حتی یقوم قائمنا فیأخذ الارض و یخرجهم منها صفره .»!

«زمینهای که به عنوان قطایع در دست آنهاست نارواست زیرا آنها حق بهره کشی از زمین را ندارند تا قائم ما (عج) قیام کند و آنها را با دست خالی از آن بیرون کند.» [۱۵۰]

امام باقر (ع) نیز در این زمینه می فرماید :

« -893 ما کان فی ایدی شیعتنا یقطعهم علی ما فی ایدیهم، و یترک الارض فی ایدیهم .»

«آنچه در دست شیعیان ما باشد با آنها مقاطعه می کند و زمین را در دست آنها باقی می گذارد.» [۱۵۱]

آنگاه امام صادق (ع) بی نیازی همگانی را در عصر حضرت مهدی (عج) چنین توصیف می کند :

« -894 یامر منادیا فیقول: من کان له فی المال حاجه فلیقهم! فما یقوم من الناس الا رجل واحد، فیقول: انا. فیقول القائم: انت السادن فقل له: ان المهدی یامرک ان تعطینی مالا. فیقول السادن: احث، و یحثوله فی ثوبه حثوا، حتی اذا جعله فی حجره و ابرزه ندم و قال: کنت اجشع امه محمد نفسا!!! او عجز عنی ما وسعهم؟! ثم یرد المال الی الخازن فلا یقبل منه، و یقول المهدی :انا لاناخذ شیئاً اعطیناه .»

«به منادی دستور می دهد که در میان مردم اعلام کند که هر کس نیازی به مال دنیا دارد برخیزد. از میان همه مردم فقط یک نفر بر می خیزد و می گوید :من. حضرت قائم (عج) به او می فرماید: برو پیش کلیددار و بگو: مهدی (عج) به تو دستور می دهد که مالی به من بدهی. کلیددار می گوید: جامه ات را بیاور .جامه اش را پهن می کد و وسط آن را پُر می کند. هنگامی که آن را بر دوش گیرد پشیمان می شود که چرا در میان امت محمدی (ص) من از همه آزمندتر باشم؟، چرا آن عفت نفس عمومی را من دارا نباشم؟! آنگاه مال را به کلیددار پس می دهد و پذیرفته نمی شود و حضرت مهدی (عج) می فرماید: ما آنچه عطا کردیم هرگز باز پس نمی گیریم.» [۱۵۲]

« -895 اول ما ینظر القائم العدل ان ینادی منادیه: ان یسلم صاحب النافله لصاحب الفریضه الحجر الاسود و الطواف !»

«نخستین چیزی که از عدالت قائم (عج) ظاهر می شود اینست که منادی اعلام می کند، آنانکه طواف مستحبی می کنند، «مطاف» (محل طواف) و «حجرالاسود» را برای کسانی که طواف واجب می کنند خالی کنند.» [۱۵۳]

نهضت جهانی حضرت بقیه الله (عج) چقدر جالب و فوق العاده است که حتی کارهای جزئی و فرعی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است و این چنین به امور مردم و اجرای عدالت در استفاده عمومی از اماکن مقدسه اهتمام ورزیده می شود، که مطاف و حجرالاسود و مقام ابراهیم برای راحتی کسانی که حجت الاسلام انجام میدهند خالی شود و با طوافهای مستحبی اشغال نشود که موجب ایذاء و اذیت طوافگران گردد .

« 896-یمنع كما صنع رسول الله (ص). یهدم ما كان قبله، كما هدم رسول الله (ص) امر الجاهلیه، و یستاتف الاسلام جدیداً بعد ان یهدم ما كان قبله .»

«بر طبق شیوه پیامبر اکرم (ص) رفتار می کند و آنچه از نشانه های جاهلیت باقی باشد از میان بر می دارد و پس از ریشه کن ساختن بدعتها، اسلام را از نو پیاده می کند.» [۱۵۴]

« 897-دمان فی الاسلام حلال من الله عزوجل، لایقضى احد فیهما بحکم الله حتی یبعث الله قائمنا اهل البیت. فاذا بعث الله حکم فیهما بحکم الله لایرید بینہ: الزانی المحصن یرجمه، و مانع الزکاه یضرب عنقه !»

«دو خون در اسلام از طرف خدای تبارک و تعالی حلال شده، که پیش از قیام قائم اهل بیت (عج) به حکم خدا رفتار نمی شود، هنگامی که او را خداوند برانگیخت حکم خدا را در آن اجرا می کند و آن را (با علم امامت بدون اینکه شاهد مطالبه کند انجام می دهد: زانی محصن (کسی که با داشتن همسر مرتکب فحشاء شده) را سنگسار می کند و گردن مانع زکات را می زند.» [۱۵۵]

« 898-اذا حکم قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، حکم بین الناس بحکم داود، فلا یحتاج الی بینہ، فیلهمه الله تعالی فیحکم بعلمه، و یرجم کل قوم بما استنبطوه، و یرجم و لیه من عدوه بالتوسم. قال الله تعالی: ان فی ذلک لایات للمتوسمین .»

«چون قائم آل محمد (ص) فرمانروا شود، در میان مردم به حکم حضرت داود (ع) داوری می کند، و نیازی به شاهد و گواه نخواهد داشت. در هر موردی خداوند حکم واقعی را به او الهام می کند و او براساس علم خود قضاوت می نماید. و هر قومی را از اجتهاد و استنباطشان خبر می دهد، و دوست و دشمن خود را با نشان الهی می شناسد، چنانکه خدای تبارک و تعالی می فرماید [۱۵۶]: «به راستی در آن نشانه هائی است برای هوشمندان، و به راستی آن هر آینه به راه ثابت است.» [۱۵۷]

طبق روایاتی که در دست داریم، منظور از «متوسمین» در این آیه امامان معصوم (ع) می باشند، و حکم داودی عبارت از اینست که داور به علم خود داوری کند و مطالبه شاهد نکند، و هنگامی که به داور از طرف خداوند چنین علم قطعی داده شود و مصونیت او از لغزش، از طرف خداوند بیمه شود هیچ مانعی ندارد، و جای شگفت نیست، آنچه شگفت انگیز است، اینست که ما ناگزیریم در مقابل کسانی که قدرت تشخیص

معصوم از غیر معصوم ندارد، از پیشوایان خود دفاع کنیم که چگونه امامی معصوم بر طبق علم خود بدون نیاز به شاهد و بینه داوری می‌کند، در حالیکه این انتقادگران بی‌تمیز، از داوریه‌های داوران خود هرگز دچار شگفت نشده‌اند که بدون علم و یقین، و بدون شاهد و گواه، داوری می‌کنند به شرط اینکه رشوه‌ایکه به عنوان حق الزحمه یا هدیه می‌پذیرند معتنابه باشد. ! از این سوداگران دین فروش تعجب نمی‌کنند ولی از اینکه تنها بازمانده از حجت‌های پروردگار به اتکاء علم خود داوری کند و گواه مطالبه نکند، تعجب می‌کنند. !

«-899 یامر منادیا فینادی: هذا هو المهدی یقضی بقضاء داود و سلیمان، لایسال بینه.»

«به منادی دستور میدهد که اعلام کند: این مهدی (عج) است که براساس داوریه‌های حضرت داود و حضرت سلیمان علیهم السلام داوری می‌کند و مطالبه شاهد نمی‌کند.» [۱۵۸]

طبیعی است که هنگامی که حاکم به چیزی یقین پیدا کند بر طبق آن حکم صادر می‌کند و جای انتقادی باقی نمی‌ماند، زیرا اگر از او بپرسند که چرا چنین حکمی صادر کردی؟ در پاسخ می‌گوید: گواهان گواهی دادند، قرائن صدق موجود بود، شاهد دیگری برخلاف نبود، بر من یقین آمد و من طبق یقین خود داوری کردم، و همگی او را معذور می‌دانند. اگر قاضی بگوید که من با چشم خود دیدم و داوری کردم، دیگر کسی اعتراض نمی‌کند، چون فرق بسیار است بین دیدن و شنیدن، که از قدیم گفته‌اند: فاصله حق و باطل چهار انگشت است، یعنی به مقدار فاصله چشم و گوش، اگر با چشم خود دیدی بپذیر، اگر با گوش خود شنیدی توقف کن، تا دلیل قطعی بر نفی یا اثبات آن پیدا کنی. در مورد «دیدن» دیگر فرق نمی‌کند که با دو چشم مادی باشد (نظیر ما) یا با بصیرت باطن باشد مانند امام، که خداوند حقایق جهان را در معرض دید باطنی امام (ع) قرار می‌دهد، که هیچ یقینی بالاتر از آن نخواهد بود که حتی خطای باصره نیز آنجا راه ندارد، امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید :

«-900 الله اعز و اجل و اکرم من ان یفرض طاعه عبد یحجب عنه علم سمائه و ارضه.»

«خدای تبارک و تعالی برتر و والاتر از آنست که اطاعت بنده ای را بر همگان واجب کند ولی چیزی از دانش های زمین و آسمان ها را از او پوشیده ندارد.» [۱۵۹]

امام صادق (ع) نیز در این مورد می‌فرماید :

«-901 اذا خرج القائم، لم یقم بین یدیه احد من خلق الرحمن الا عرفه :صالح هو ام طالح! الا وفیه آیه للمتوسمین، و هی السبیل المقیم.»

«چون قائم (عج) قیام کند، احدی از بندگان خدا در روبروی او قرار نمی‌گیرد جز اینکه او را طور قطع می‌شناسد که آیا بنده شایسته است یا بنده نکوهیده؟! آگاه باشید که در او نشانه ایست برای هوشمندان، و او

« 902- بینا الرجل علی رأس القائم یامرو ینهی، اذ امر بضرب عنفه. فلا یبقی احد بین الخافقین الا خافه »

«ناگهان در موقعی که برخی از زورمداران مشغول امر و نهی هستند، قائم (عج) دستور می دهد که او را گردن بزنند. در شرق و غرب جهان کسی نمی ماند جز اینکه دچار رعب و وحشت می شود.» [۱۶۱]

پیشتر از امام باقر (ع) نقل کردیم که فرمود :

(«...» -903والامام) یری من خلفه کما یری من امامه .»

«امام (ع) کسی را که در پشت سرش قرار دارد، همانند کسیکه در پیش رویش قرار دارد؛ می بیند.» [۱۶۲]

امام صادق (ع) نیز در این زمینه می فرماید :

«...» -904یبعث الی رجل لایعلم الناس له ذنبا فیقتله!. حتی ان احدا یتکلم فی بینه فیخاف ان یشهد علیه الجدار «!.

«دستور می دهد کسی را که مردم از جرم او بی خبرند، دستگیر کرده، می آورند و گردن می زنند. کسی که در خانه خود سخن میگوید، بیم آن را دارد که در و دیوار بر او گواهی بدهند.» [۱۶۳]

چنین آگاهی وسیع از تنها بازمانده از حجت‌های پروردگار که برای اصلاح جهانی برگزیده شده، جای شگفت نیست که این تعبیر از چند تن از معصومین (ع) رسیده است :

« 905- ان الامام لیسمع من بطن امه، فاذا ولد خط بین کتفیه: (و تمت کلمت ربک صدقا وعدلا، لامبدل لکلمانه و هو السميع العليم) فاذا صار الامر الیه جعل اللّٰه عمودا من نور، یبصر به ما یعمل اهل کل بلده «!

«امام هنگامی که در شکم مادر است می شنود، چون دیده به جهان گشاید، در میان شانه هایش نوشته می شود: (سخن پروردگارت به راستی و عدالت به پایان رسید، کسی قدرت تغییر کلمات او را ندارد. که او شنوا و داناست) [۱۶۴]، چون امامت به او برسد، خداوند برای او عمودی از نور عطا کند که به وسیله آن اعمال مردم هر شهری را می بیند.» [۱۶۵]

ما از طرز کار این عمود نورانی بی خبریم، نمی دانیم که آیا چون ماهواره کار می کند؟ یا چون رادار کار می نماید؟! یا چون آنتن تلویزیون است؟! و یا هیچ شباهتی به آنها ندارد؟! آنچه مسلم اینست که او دقیقاً از

اعمال و رفتار سپاهیان، فرماندهان و دیگر مسئولین کشوری آگاه می شود بدون اینکه چون دیگر زمامداران به گزارشگر و دفتردار و سازمان های دفترداری نیازمند باشد .

امیرمؤمنان (ع) در این رابطه می فرماید :

«...» 906- وینصب له عمود من نور، من الارض الی السماء یری فیه اعمال العباد .»

«برای او عمودی از نور، از زمین تا آسمان نصب می شود، که اعمال بندگان را در آن می بیند.» [۱۶۶]

و در تفسیر آیه شریفه: «و قل اعملوا فسیری اللّٰه عملکم و رسوله و المؤمنون :»

«بگو عمل کنید که خدا و پیامبر و مؤمنان، اعمال شما را می بینند»، [۱۶۷] فرمود :

« 907- آی الائمہ (ع) واحدا بعد واحد، یرون اعمال الاولیاء و الاعداء !»

«مقصود از مؤمنان، امامها هستند که هر یکی پس از دیگری اعمال دوست و دشمن را می بیند.» [۱۶۸]

وقتی بشر امروری توسط رادارها و دیگر مراکز فضائیف در نقطه ای نشسته، از جابه جا شدن سفینه های فضائی در خارج از کره خاکی آگاه می شود و به هنگام لزوم دستورات لازم را به فضانوردان صادر می کند و یا از مراکز فرماندهی، دشمن را زیر نظر گرفته، از جابه جا شدن سپاه دشمن آگاه می شود، برای حجت خدا بسیار طبیعی است که خداوند چنین قدرتی عطا فرماید تا از کردار همگان آگاه باشد و هر جرم و جنایتی را با همان قدرت خدادادی ببیند و به موقع مجرم را دستگیر و مجازات کند، اگر چه شاهد و گواهی نباشد، تا هیچ جنایتی در قلمرو حکومت او واقع نشود و هیچ خونی هدر نرود و هیچ حقی پایمال نشود. از این رهگذر به طوریکه در روایت نیز وارد شده، منظور از مؤمنان در این آیه امامان معصوم (ع) می باشند، و اگر آنها مصداق این آیه نباشند پس چه کسی می تواند مصداق این آیه باشد؟ پرواضح است که در مورد هیچ شخص دیگری چنین ادعائی نشده است. و لذا تردیدی نمی ماند در اینکه مؤمنانی که قرآن صریحاً خبر داده که بر اعمال ما واقف هستند و اعمال ما را می بینند، امامان معصوم هستند و بس .

روایات دیگری این معنی را تأیید می کند، که از آن جمله است روایت امیر مؤمنان (ع) که می فرماید :

« 908- لیس یغیب عنا مؤمن فی شرق الارض ولا فی غربها .»

«هیچ مؤمنی در شرق و غرب جهان نیست که اعمالش از ما پوشیده باشد.» [۱۶۹]

ابوحزمه نصیر، خادم امام حسن عسکری (ع) نقل می کند که امام حسن عسکری (ع) خادمهای زیادی از ترک و

رومی و صقلابی (اسلاوها) داشت و مکرر دیده شده که با آنها با زبان خودشان سخن می گفته است. ابوحمره دچار شگفت شده که امام حسن عسکری (ع) در مدینه متولد شده، و تا رحلت امام هادی (ع) او را بر کسی عرضه نکرده اند، پس چگونه این همه زبان های مختلف را یاد گرفته است؟! چون این مطلب در دل ابوحمره خور کرد، امام حسن عسکری (ع) به سوی او روی کرد و فرمود :

« 909- ان الله عزوجل ابان حجه من ساير خلفه. واعطاه معرفه كل شيء. فهو يعرف اللغات و الانساب و الحوادث. ولولا ذلك لم يكن بين الحجه و المحجوج فرق .»

«خدای تبارک و تعالی حجت خود را از دیگر مخلوقاتش ممتاز آفریده، شناخت هر چیزی را به او عطا فرموده، او همه زبان ها، نسب ها و رویدادها را می داند، وگرنه میان حجت خدا و دیگران فرقی نمی شد.» [۱۷۰]
امام هشتم (ع) نیز در این زمینه می فرماید :

« 910- الامام يسال فيجيب، و ان سكت عنه ابتدا. و يخبر ما في غد، و يكلم الناس بكل لسان .»

«از امام (ع) سؤال می شود، او پاسخ می دهد؛ اگر سؤال نشود، او خود آغاز می کند؛ از آنچه در آینده روی خواهد داد، خبر می دهد؛ و با هر کسی با زبان خود سخن می گوید.» [۱۷۱]

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه: «الملك يومئذ لله» [۱۷۲] فرمود :

« 911- الملك لله اليوم، و قبل اليوم، و بعد اليوم، و لكن اذا قام القائم لم يعبد الا الله عزوجل .»

«سلطنت امروز از آن خداست، سلطنت دیروز از آن خدا بود، سلطنت فردا نیز از آن خداست، لکن هنگامی که قائم ما قیام کند، جز خدای تبارک و تعالی پرستیده نمی شود.» [۱۷۳] فرمود :

« 912- يرفع المذاهب، فلا يبقى الا الدين الخالص .»

«همه ادیان و مذاهب از روی زمین برداشته می شود و جز دین خالص باقی نباشد.» [۱۷۴]

« 913- المهدي اذا خرج يفرح به جميع المسلمين: خاصتهم و عامتهم .»

«چون مهدی (عج) خارج شود، از همه مسلمانان رفع گرفتاری شود و برای همه آنها اعم از خواص (شیعه) و عوام (سنی) فرج حاصل گردد.» [۱۷۵]

« 914- يرضى عن خلافة اهل الارض، و اهل السماء و الطير في الجور .»

«از خلافت او ساکنان زمین و آسمان و پرندگان در هوا خشنود می شوند.» [۱۷۶]

« 915- یفرق المهدی اصحابه فی جمع البلدان، و یامرهم بالعدل و الاحسان، و یجعلهم حکاما فی الاقلیم، و یامرهم بعمران المدون . »

«حضرت مهدی (عج) یارانش را در همه شهرها پراکنده می کند و به آنها دستور می دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنها را فرمانروایان کشورهای جهان گرداند و به آنها فرمان می دهد که شهرها را آباد سازند.» [۱۷۷]

« 916- یعلق المساکین الزبدا! و فی ایام دولته تطیب الدنیا و اهلها . »

«به بینوایان طعم کره را می چشانند و در روزگار او دنیا پاکیزه شود و اهل دنیا نیکو می شوند.» [۱۷۸]

در این حدیث منظور از بی نوا و مسکین، فقیر نیست، چون بدون تردید در زمان او فقری نخواهد بود، بلکه منظور از آن پیرمردان، پیرزنان و دیگر افرادی که قدرت کار و تلاش ندارند، مانند ناقص العضوها، زمین گیرها و امثال آنها. که آنها نیز در دولت مهدی (عج) محروم نخواهند بود، حتی افرادی با اخذ اجرت از بیت المال مسئول حفاظت از آنها بوده، با گذاشتن لقمه در دهان آنها، طعم غذاها را به آنها خواهند چشانید .

و منظور از پاکیزه شدن دنیا، پاکیزه شدن آن از کینه و خشم و حسد و دیگر صفات نکوهیده است، که با وجود آنها زندگی گوارا نیست و پس از برچیده شدن آنها زندگی گوارا و آرامش بخش می گردد. در عصر مهدی (عج) همگی از پرستش غیر خدا رهائی یافته بر بندگی و اطاعت حق تعالی گرد می آیند و بدینگونه ریشه و انگیزه کینه توزیها از بین می رود .

« 918- فوالله لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف، و یکون الدین کله واحدا کما قال جل ذکره: ان الدین عندالله الاسلام . »

«به خدا سوگند که ناهماهنگی ادیان و مذاهب از بین می رود و فقط یک دین در سراسر گیتی حکومت می کند، چنانکه خدای تبارک و تعالی فرموده: به راستی دین در نزد خدا عبارت از اسلام است و بس.» [۱۷۹]

آری دین فقط اسلام است و آن تسلیم در برابر ندای فطرت، تسلیم در برابر وجدانیت، قدرت، عظمت و دیگر صفات جلالی و جمالی خداوند ازلی و سرمدی است . که همه پیامبران به سوی او دعوت نموده اند و ریشه همه ادیان یکی است و آن همان رشته گسترده ایست که از زمان آدم ابوالبشر توسط پیک وحی بر دل پیامبران درخشیده و باخاتم رسل حضرت محمد بن عبدالله (ص) به اوج کمال رسیده است. از بررسی آیات قرآنی استفاده می شود که دین همواره یکی بوده و آن اسلام بوده و همه شریعتها در زمان صاحب شریعت

به نام اسلام تشریح شده، و نام های دیگری چون یهودیت و مسیحیت و غیر آنها بعداً اختراع شده است و اینکه به چند آیه در این زمینه توجه فرمائید :

« 1- مله اییکم ابراهیم، هو سمیکم المسلمین». [۱۸۰]

« 2- ربنا واجعلنا مسلمین لک، و من ذریتنا امه مسلمه لک». [۱۸۱]

«پروردگارا ما را مسلمان و تسلیم اوامر خود قرار بده، از اولاد ما نیز امتی مسلمان و تسلیم فرمان خود قرار بده.» (از زبان حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهم السلام).

« 3- حتی اذا ادركه الغرق، قال: امنت انه لا اله الا الذی امنت به بنو اسرائیل، و انا من المسلمین.» [۱۸۳]

«چون او - فرعون - را حالت غرق شدن فرا گرفت، گفت: من ایمان آوردم که جز خداوندیکه بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند، معبود دیگری نیست و من از اسلام آورندگانم.» (از زبان فرعون).

« 4- واتونی مسلمین». [۱۸۴]

«در حال اسلام به سوی من بشتابید.» (از نامه حضرت سلیمان به بلقیس).

« 5- و اسلمت مع سلیمان لله رب العالمین». [۱۸۵]

«من نیز همراه سلیمان (ع) به خداوندیکه پروردگار عالمیان است اسلام آوردم.» (از زبان بلقیس).

« 6- نحن انصار الله، انا بالله، واشهد بانا مسلمون». [۱۸۶]

«ما یاوران خداوندیم، به خدا ایمان آوردیم. تو گواه باش که ما اسلام آورده ایم.» (از زبان حواریون حضرت عیسی علیه السلام).

« 7- وله اسلم من فی السموت و الارض طوعاً و کرها» [۱۸۷]

«آنکه در آسمانها و زمین است، خواه ناخواه تسلیم فرمان اوست.»

« 8- لانفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون». [۱۸۸]

«در میان هیچکدام از آنها - پیامبران - ما فرق نمی گذاریم و ما برای او اسلام آورده ایم.» (از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله).

« 9- فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين». [۱۸۹]

«جز یک خانه در آنجا از مسلمانان نیافتیم.» (از زبان فرشتگان در مورد قوم حضرت لوط).

« 10- قالوا نعبد الهک و آله آبائک ابراهیم و اسمعیل و اسحق الها واحدا و نحن له مسلمون» [۱۹۰]

«گفتند: خدای ترا می پرستیم که خدای پدران ابراهیم، اسماعیل و اسحق است، که خداوندی یکتاست و ما برای او اسلام آورده ایم.» (از زبان اولاد حضرت یعقوب، خطاب به او به هنگام رحلتش).

از بررسی آیات فوق استفاده می شود که همه شرایع آسمانی در زبان صاحب شریعت «اسلام» نام داشته است. از این رهگذر، قرآن کریم در آیات یاد شده از زبان حضرت ابراهیم (ع)، حضرت اسماعیل (ع)، پیامبر اکرم (ص)، حواریون حضرت عیسی (ع)، اولاد حضرت یعقوب (ع)، بلقیس، فرعون و فرشتگان نقل می کند که به هنگام بحث از باورداران و گروندگان به آئین حق، لفظ «مسلم» و «مسلمین» به کار می برده اند، اگر چه ما آنها را به نامهای دیگر شناخته ایم و این نامها به تناسب های دیگری اتخاذ شده است و هیچ منافاتی ندارد که اسم کلی همه ادیان آسمانی در نزد حضرت پروردگار همان اسلام باشد.

بر می گردیم به احادیث دولت حق از زبان پیشوای ششم، امام صادق (ع):

پیرمرد کهنسالی به محضر امام صادق (ع) رسید و عرض کرد: پسر من جفا کرد و حقوق پدری را رعایت نکرد. امام صادق (ع) فرمود:

« 919- او ما علمت ان للحق دولة، وللباطل دولة، وكلاهما ذلیل فی دولة صاحبه؟! فمن اصابتة دولة الباطل اقتص منه فی دولة الحق. »

«مگر نمی دانی که برای حق دولتی است و برای باطل نیز دولتی است، و هر یکی در دولت دیگری خوار و بی مقدار است. کسیکه در دولت باطل مورد ستم قرار بگیرد در دولت حق، از او رفع ستم می شود.» [۱۹۱]

« 920- ما لمن خالفنا فی دولتنا من نصیب! ان الله قد احل لنا دماءهم عند قیام قائمنا. فالیوم محرم علینا و علیکم ذلک فلا یغزنک احد! اذا قام قائمنا انتقم لله و لرسوله ولنا اجمعین. »

«برای مخالفین ما، در دولت ما نصیبی نیست، خداوند به هنگام قیام قائم ما خون آنها را بر ما حلال کرده است. امروز خون آنها بر ما و شما حرام است، کسی شما را گول نزند. هنگامی که قائم ما (عج) قیام کند، انتقام خدا و پیامبر و ما را خواهد گرفت.» [۱۹۲]

« 921- کانی اری نزول القائم فی مسجد السهله باهله و عیاله. کان فیه منزل ادریس، و کان منزل ابراهیم خلیل الرحمن، و ما بعث اللّٰه نبیا الا وقد صلی فیه. و فیه مسکن الخضر، و المقیم فیه کالمقیم فی فسطاط رسول اللّٰه (ص) و ما من مؤمن ولا مؤمنه الا و قلبه یحن الیه. و ما من یوم ولا لیله الا و الملائکه یاوون الی هذا المسجد یعبدون اللّٰه فیه. »!

«گوئی قائم (عج) را با چشم خود می بینم که با اهل و عیالش در مسجد سهله فرود می آید. آنجا منزل حضرت ادریس (ع) است، آنجا منزل حضرت ابراهیم خلیل الرحمن است. خداوند هیچ پیامبری نفرستاده جز اینکه در مسجد سهله نماز گزارده است. آنجا منزل حضرت خضر (ع) است. کسیکه در آنجا اقامت کند همانند کسیست که در خیمه حضرت رسول (ص) اقامت کند. هیچ مرد و زن مؤمن نمی یافت شود جز اینکه دلش به سوی آن مسجد کشیده می شود. در هر شب و روز فرشتگان به سوی این مسجد می شتابند و در آنجا به پرستش حق تعالی می پردازند.» [۱۹۳]

در احادیث ملاحم (نویدهای غیبی مربوط به آینده) بسیار دیده می شود که معصومین علیه السلام نویدهای خود را با جمله «گوئی با چشم خود می بینم» آغاز می کنند، این تعبیر برای اهمیت و قطعیت موضوع است و می خواهند تصریح کنند که این قضیه حتمی است و بی تردی تحقق خواهد یافت، که همه اینها به صورت عهدی نوشته شده و در پیش آنها موجود است. و آنها در این امر از پروردگار خود بینه و برهان دارند. و آنچه جد بزرگوارشان حضرت رسول اکرم (ص) از پروردگار دانا و توانا آورده، به آن ایمان قطعی دارند. به علاوه آنچه در گذشته انجام شده، و در حال انجام شدن است، و در آینده انجام خواهد شد، به گونه ای که از حیطة فکری ما بیرون است، برای اولیای الهی مکشوف است تا دلیل امامت و پیشوائی آنها بر دیگر مردمان باشد و گواه گزینش آنان از طرف خدای قادر متعال بر این منصب الهی باشد. قرآن کریم در داستان حضرت خضر (ع) (در مورد شکستن کشتی، کشتن جوان و ساختن دیوار، قسمتی از این مطالب غیبی و کشفی را از زبان حضرت خضر (ع) نقل می کند، و حقایق فراوانی از این مطالب از زبان پیشوایان معصوم در پیرامون قیام و نهضت جهانی مصلح غیبی به ما رسیده است :

روزی از روزها، امام صادق (ع) در نقطه ای در پشت کوفه دو رکعت نماز گزارد و به یار باوفایش ابان بن تغلب فرمود :

(« 922- هذا) موضع منزل القائم (ع) »!)

«اینجا محل خانه قائم (عج) است.» [۱۹۴]

« 923- دار ملکه الکوفه، و مجلس حکمه جامعها. و بیت سکنه، و بیت ماله، و مقسم غنائم المسلمین: مسجد

السهله، و موضع خلواته: الدكوات البيض من الغريين .»

«مرکز سلطنت او کوفه است، مرکز قضاوت او مسجد اعظم کوفه است، محل زندگی و مرکز بیت المال و محل تقسیم غنائم جنگی مسجد سهله است، و محل خلوت او تپه های سفید و نورانی نجف اشرف می باشد.»

[۱۹۵]

وه چه جای خلوتی، در کنار تربت پاک جد بزرگوارش امیرمؤمنان و پیشوای پرهیزکاران، علی بن ابی طالب (ع)

یکبار دیگر در محضر پیشوای ششم شیعیان، از مسجد سهله یاد شد، فرمود :

« 924- اما انه منزل صاحبنا اذا قدم باهله »

«آنجا منزل صاحب ماست هنگامی که با اهل بیت خود وارد شود.» [۱۹۶]

« 925- من كان له دار بالكوفة فليتمسك بها !»

«هر کس در کوفه خانه ای داشته باشد، شدیداً مواظب آن باشد و آن را از دست ندهد.» [۱۹۷]

سپس شکوفائی کوفه در دولت حق را توصیف کرده می فرماید :

« 926- لايبقى مرم من الا كان بها و حوالیها. و لیبلغن مجاله الفرس منها القی درهم!. و لیصیرن الكوفه اربعه و خمسين ميلا!. و لیبودن اكثر الناس انه اشتری شبرا من ارض السبيع بشبر من ذهب. و لتجاوزن قصورها قصور كربلاء، و لیصیرن كربلاء معقلا و مقاما تختلف فيه الملائكه و المؤمنون، و لیكونن لها شان من الشان .!!!»

«مؤمنی نمی ماند جز اینکه در کوفه و حوالی آن مستقر می شود، محل گردش یک اسب به دو هزار درهم می رسد، قطر کوفه به ۵۴ میل می رسد و بیشتر مردم آرزو می کنند که ایکاش بتوانند یک وجب از سرزمین «سبيع» را به یک وجب طلا خریداری کنند! ساختمان های کوفه به ساختمان های کربلا متصل شده کربلا را در خود جای می دهد و آنجا را بارگاهی می سازند که محل آمد و شد فرشتگان و مؤمنان می شود، و برای آن مقامی بس رفیع خواهد بود.» [۱۹۸]

امام صادق (ع) در روزگاری که شیعیان سخت ترین روزها را در کوفه سپری می کردند و از زندانی به زندانی دیگر، و از تبعیدگاهی به تبعیدگاهی دیگر منتقل می شدند، از دولت حق، شکوفائی کوفه در دولت حق، و بالا رفتن ارزش زمین در آن زمان سخن می گوید و خبر می دهد که قیمت یک وجب زمین در سرزمین «سبيع»

از محلات کوفه به یک وجب شمش طلا می رسد! چنین خبر قطعی برای او و نیاکان معصوم او از کجا رسیده؟ آیا جز خاندانی که پیک وحی بر آنها نازل شود، شخص دیگری می تواند از آینده چنین خبر دهد؟! پس از شناخت مقام رفیع خاندان عصمت و طهارت، و ارتباط آنها با مبداء وحی، جای شبهه و تردید برای انسان نمی ماند. شخص عاقل هرگز نمی تواند از این خبرهای روشن و عالی به سادگی عبور کند و در مضامین آنها دقت نکند و در مبداء آنها اندیشه نکند، و عظمت والای گوینده آن را مورد تحلیل قرار ندهد .

یکبار دیگر از امام صادق (ع) در پیرامون مساجد سقفدار پرسیدند، که آیا نماز در آنها مکروه هست؟ فرمود :

« 927- نعم، ولكن تضرکم الصلاه فیها. و لو قد کان العدل، لرايتم كيف يصنع فی ذلک! اذا نزل القائم فی الکوفه امر يهدم المساجد الاربعه حتى يبلغ اساسها و يصيرها عريشا كعريش موسى. و تكون المساجد کلها جماء لاشرف لها، كما كان علی عهد رسول الله (ص). و يوسع الطريق الاعظم و يهدم کل مسجد علی الطريق، و یکسر کل جناح و یسد کل کوه الی الطريق ... و يهدم کل جناح و کنیف و میزاب الی الطريق! و یامر الله الفلک فی زمانه فیبیطی دورانه حتى یکون الیوم فی ایامه کعشره من ایامکم، و الشهر کعشره اشهر، و السنه کعشره من سنیکم .»

«آری، ولكن نمازگزاردن در آنها به شما آسیبی نمی رساند، اما هنگامی که عدالت پیاده شود، خواهید دید که با این مساجد چگونه رفتار خواهد شد. چون قائم (عج) در کوفه فرود آید به تخریب چهار مسجد در آن دستور می دهد، تا بر پایه های اولی بنیاد گردد، و آنها را چون خیمه اجتماع حضرت موسی هموار و مرتفع می سازد، همه مساجد را هموار می سازد تا محل مرتفعی در آنها نباشد، آنچنانکه در عهد پیامبر (ص) بود. جاده های اصلی را توسعه دهد، هر مسجدی که بر سر راه باشد تخریب می کند، بالکنها را می شکند و پنجره هائی که به کوچه باز شود، می بندد. هر بالکن، فاضل آب و ناودانی را که به کوچه ها باشد، از بین می برد. خداوند در عهد او به چرخ گردون فرمان می دهد که آرامتر بگردد، که مقدار یک روز در روزگار او معادل ۱۰ روز از روزهای شما باشد، و هر ماهی به مقدار ۱۰ ماه و هر سالی به مقدار ۱۰ سال از سالهای شما باشد.» [۱۹۹]

« 928- اذا تناهت الامور الی صاحب هذا الامر، رفع الله تعالی له کل منخفض من الارض، و خفض کل مرتفع، حتی تكون الدنيا عنده بمنزله راحته. فایکم لو کانت فی راحته شعره لم یبصرها؟!!»

«هنگامی که امور به صاحب امر (عج) منتهی شود، خداوند همه نقاط پست زمین را برای او پُر می کند و همه نقاط مرتفع جهان را برای او هموار سازد، تا همه کره خاکی همچون کف دست او در افق دید او قرار بگیرد. اگر یکی از شما موئی در کف دست داشته باشید، مگر ممکن است که از دیدن آن ناتوان باشید؟! همه جهان برای او چنین خواهد بود.» [۲۰۰]

در این حدیث به صراحت اعلام شده که جهان در تحت سیطره او همچون کف دست آن حضرت خواهد بود و هیچ نقطه ای از زمین بر آنحضرت پوشیده نخواهد بود. و پس از آنکه فراز و نشیبهای آن هموار گردد با آن عمود نورانی که قبلاً در ضمن احادیث شریفه گذشت و همواره در اختیار آن حضرت است بر تمام اقطار و اکناف زمین مسلط خواهد بود. با تجهیزات نظامی امروز که از رادارها، بی سیمها و دیگر ابزار استخباری بهره می گیرند و به مقدار فراوانی از جا به جا شدن دشمن مطلع می شوند، روایات مربوط به حضرت بقیه الله (عج) تا حدی روشن می گردد، که طبق روایات، یک عمود نورانی به وسعت فاصله زمینی تا آسمان در اختیار آنحضرت است و همه رویدادهای جهان در آن منعکس می باشد، و از اعمال مردم به وسیله آن آگاه می شود .

از امام ششم پرسیدند: سالها چگونه طولانی می شود؟ فرمود :

« 929- یا موالله تعالی الفلک باللبوث وقله الحركه، فتطول الایام لذلک و السنون »

«خداوند تبارک و تعالی به فلک دستور می دهد که آرامتر گردش کند. با کند شدن گردش چرخ گردون، روزها، ماهها و سالها طولانی می شود. عرض کردند : دانشمندان می گویند: اگر گردش فلک تغییر یابد تباه می شود!. فرمود: آن سخن ملحدان است، اما مسلمانها راهی به این حرفها ندارند، خداوند برای رسول گرامی اش ماه را شکافت (شق القمر)، برای او و پیش از او برای یوشع بن نون خورشید را برگردانید (رد الشمس)، و از دراز شدن روزهای قیامت خبر داد که هر روزش به مقدار هزار سال از سال های دنیاست.»

[۲۰۱]

نگارنده هرگاه از این مطالب دچار شگفت شود، با خود می گوید: چرا از خود خورشید تعجب نمی کنی؟! که میلیونها سال پیش خداوند آن را به صورت یک گلوله آتشین آفریده، در این مدت طولانی نورش کم فروغ نشده، حرارتش به سردی نگرائیده، و نمی دانیم که مواد گداخته آن پس از اشتغال چه می شود؟! و بدل آن از کجا تأمین می شود؟! و چگونه در طول میلیون ها سال بدون کم و زیاد شدن نور و حرارتش باقی مانده است؟! و همچنین باقی می ماند تا روز موعود فرا رسد که قرآن کریم می فرماید :

«فاذا برق البصر، و خسف القمر، و جمع الشمس، و القمر، یقول الانسان یومئذٍ این المفر .»

«هنگامی که دیده ها خیره شود، ماه خسوف کند، خورشید و ماه در کنار یکدیگر قرار بگیرند، انسان در آن روز می گوید: جای فرار کجاست؟!» [۲۰۲]

به طوریکه از مرگ و حساب و برانگیخته شدن روز رستاخیز چاره و فراری نیست، از باور کردن این حقایق نیز چاره ای نیست که اینها از منابع مورد اعتماد، از پیشوایان معصوم و متکی به مبدء وحی، سرچشمه گرفته است .

از روایت فوق نتیجه می‌گیریم که روزها، ماه‌ها و سالهای دولت حقه ده برابر روز، ماه و سال از دیگر زمانهاست و این معنی به اضافه ارزش معنوی و غیر قابل وصف آن روزهای مسعود، تا حدی کوتاه بودن مدت حکومت حقه را جبران می‌کند ولی به هر حال، رقمهائی چون ۷، ۹، ۱۷، ۷۰ و ۳۰۹ که در احادیث آمده است، نسبت به عمر طولانی و نویدهای جهانی همه پیامبران و انتظار دهها قرن از طرف همه ملتها و امتها، کوتاه است. که امیدواریم ما نیز برای چنین روزهای مسعود و مبارک، اهل و شایسته باشیم. ان شاء الله .

پیامبر اکرم (ص) در مورد آن روزهای مسعود می‌فرماید :

«...» 930- و تشرق الارض بنور ربها، و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب .»

«زمین با نور پروردگارش منور می‌شود و سلطنت او همه شرق و غرب جهان را در بر می‌گیرد.» [۲۰۳]

معلى بن خنيس به محضر امام صادق (ع) عرض کرد: جانم به فدایت از خلافت بنی فلان (بنی عباس) و عیش و نوش آنان سخن گفتید، اگر امر در دست شما بود و این قدرت به دست شما می‌رسید، ما نیز روزهای خوش و خرمی در زیر سایه شما داشتیم. امام صادق (ع) فرمود :

« 931- هیئات یا معلى! اما واللّه لو كان ذلك، ما كان الا سياسه الليل و سياحه النهار، و لبس الخشن و اكل الجشب، فزودی ذلك عنا... فهل رایت طلّامه قط صیرها اللّٰه نعمه الا هذه؟ .»!!!

«نه هرگز چنین نیست، ای معلى! به خدا سوگند اگر قدرت در دست ما بود، شیها به تدبیر امور و روزها به تلاش و کوشش می‌پرداختیم، جامه ای خشن بر تن داشتیم و غذای بی خورشت می‌خوردیم، ولی از ما گرفته شد و شما زندگی راحتی به دست آوردید، آیا در جهان ستمی دیده اید که موجب آسایش مردم باشد جز این؟!» [۲۰۴]

در حکومت حقه حضرت علی (ع) همگان از نعمت عدالت برخوردار بودند ولی شیوه زندگی امیرمؤمنان (ع) صفحات تاریخ را منور ساخته است، در مورد حضرت بقیه الله (عج) نیز چنانکه در روایت های پیشین گذشت، همگان از نعمت و آسایش و آرامش برخوردار می‌شوند ولی شخص امام (عج) جامه ای خشن می‌پوشد و از حداقل زندگی استفاده می‌کند و بر مسئولان کشوری نیز سخت می‌گیرد. از اینجا استفاده می‌شود که اگر خلافت غصب نمی‌شد و به دست معصومین علیه السلام می‌رسید آنها نیز همین روش را دنبال می‌کردند و شیعیان نزدیکی چون معلى بن خنيس نیز طبعاً از لذت های مادی و آسایش های ظاهری محروم می‌شدند، از این رهگذر امام صادق (ع) می‌فرماید: غصب خلافت ستمی است که و بالش بر غاصبان خلافت است، ولی همین ستم بر امثال معلى بن خنيس وسیله آسایش ظاهری شده است. در اینجا یادآوری این نکته لازمست که چون معلى بن خنيس از نظر عیش و نوش مسئله را طرح کرده بود، امام (ع) چنین پاسخ

فرمود، وگرنه در قاموس ائمه دنیا ارزش آن را ندارد که چنین آسایشها و نعمت هائی، در برابر غصب خلافت، نعمت به شمار آید و مقداری از عظمت فاجعه بکاهد .

از محضر امام صادق (ع) از تفسیر آیه شریفه :

«من كان يريد حرث الاخرة نزد له في حرثه»:

«هر کس متاع آخرت را بخواهد، متاع او را افزایش می دهیم.» [۲۰۵]

سؤال کردند، فرمود :

« 932- يستوفى نصيبه من دولتهم الائمة عليهم السلام: (و من كان يريد حرث الدنيا نوته منها و ما له في الاخرة من نصيب): الدنيا نوته منها، و ما له في الاخرة من نصيب: ليس له في دوله الحق مع القائم نصيب »

«امامان عليهم السلام، نصیب او را در دولت حق استیفاء می کنند: (اما کسانی که متاع دنیا را بخواهد، از متاع دنیا به او می دهیم ولی در آخرت نصیبی ندارد) یعنی در دولت حق و در کنار قائم (عج) نصیبی نخواهد داشت.» [۲۰۶]

« 933- دولته آخر الدول، و خير الدول. تعقب جميع الملوك، بحيث لم يبق اهل بيت لهم دولة الا ملكوا قبلهف لئلا يقولوا اذا راواسيرته: اذا ملكنا سرنا بسيره هولاء، و هو قول الله عزوجل: و العاقبه للمتقين ».

«دولت او آخرین و بهترین دولتهاست، پس از پایان همه دولتها می آید، هیچ خاندانی نیست که حکومتی برای آن مقدر باشد، جز اینکه پیش از او به حکومت می رسد. تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم کسی نگوید که اگر ما نیز به قدرت می رسیدیم، اینچنین رفتار می کردیم، و اینست معنای کلام خدا که فرموده :
والعاقبه للمتقين [۲۰۷] عاقبت از آن پرهیزکاران است.» [۲۰۸]

« 934- لكل اناس دولة يرقبونها و دولتنا في آخر الدهر تظهر »

«برای هر قومی دولتی هست که فرا رسیدن آنرا انتظار می کشند، ولی دولت ما در آخر الزمان ظاهر می شود.» [۲۰۹]

« 935- ليس بعد دولة القائم عليه السلام لاحد دولة »!

«بعد از دولت قائم (عج) برای احدی دولتی مقدر نشده است.» [۲۱۰]

« 936- بین وفاه القائم (ع) و بین القیامه اربعون یوما !»

«در میان وفات قائم (عج) و آغاز رستاخیز چهل روز فاصله هست.» [۲۱۱]

و در مورد آن روزهای نامیمون (بعد از رحلت حضرت ولی عصر - عج-) آمده است :

«... 937- و اعلق باب التوبه فلم یک ینفع نفسا ایمانها لم تکن امنه من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا .
فاولئک شرار من خلق اللّٰه .»

«در توبه بسته می شود و به کسی که پیش از آن ایمان نیاورده باشد، و در ایمانش خیری کسب نکرده باشد، دیگر ایمان آوردن سودی نمی بخشد. آنها بدترین مردمان هستند.» [۲۱۲]

« 938- انتهاء ملکه من اشراط الساعه، اذ جاء فی القرآن الکریم: [و انه لعلم للساعه]: ای انذارها، و اشاره الیها .»

«پایان یافتن سلطنت او از نشانه های رستاخیز است، چنانکه در قرآن کریم می فرماید: و انه لعلم للساعه [۲۱۳] یعنی او هشدار و نشانه رستاخیز می باشد.» [۲۱۴]

امام باقر (ع) نیز در تفسیر آیه: «وانه لعلم للساعه» می فرماید :

« 939- هو المهدی، یکون فی آخر الزمان. و بعد خروجه یکون قیام الساعه و اماراتها و دلالاتها و قیامها .»

«او مهدی (عج) است که در آخر الزمان ظاهر می شود و پس از ظهور او زمان قیام قیامت می رسد، نشانه ها و براهین آن آشکار می شود.» [۲۱۵]

امام صادق (ع) در پیرامون پایان حکومت عدل می فرماید :

« 940- فاذا تم الامر اتی الحجه الموت، فقتلته امراه من بنی تمیم اسمها سعیده لها لحيه و سبال مثل الرجال، بجرن من صخر تقذفه به من فوق سطح و هو متجاوز فی الطريق .»

«چون دولت حقه به سر آید، مرگ حضرت حجت فرا می رسد، او را زنی از بنی تمیم به شهادت می رساند، که نام او «سعیده» است و همانند مردان ریش و شارب دارد، او به هنگام عبور حضرت بقیه اللّٰه (عج) سنگ آسیابی را از پشت بام به سوی او پرتاب می کند و او را به شهادت می رساند.» [۲۱۶]

« 941- ثم یرسل اللّٰه ریحا بارده من قبل الشام فلا یبقی احد فی قلبه مثقال حبه من خیر او ایمان الا قبضه

اللّه، فیبقی شرار فی خفه الطیر و احلام السباع، لایعرفون معروفا ولا ینکرون منکرا.»

«آنگاه خداوند باد سردی از طرف شام می فرستد که هر کس در دلش به مقدار یک حبه از خیر و ایمان باشد به وسیله آن قبض روح می شود و بدترین مردم زنده می مانند که سبکسر و درنده خوی باشند، معروف را نشناسند و از منکر بیزاری نجویند.» [۲۱۷]

منزه است خداوندی که هر چه اراده کند انجام دهد و احدی را حق چون و چرا نیست .

امام رضا (ع) می فرماید :

« 942- لو قد قام القائم لحکم بثلاث لم یحکم بها احد قبله: یقتل الشیخ الزانی، و یقتل مانع الزکاه، و یورث الاخ اخاه فی الا ظله.»

«هنگامی که قائم ما (عج) قیام کند به سه چیز داوری کند که احدی پیش از او داوری نکرده است: ۱ - پیرمرد زانی را می کشد ۲ - مانع الزکات را می کشد ۳ - برادر را از برارد اظه ارث می دهد.» [۲۱۸]

شاید منظور از «اظله» برادری باشد که هنوز جنین است و قدم در این عرضه نگذاشته است. و شاید منظور از آن دو مؤمن باشد که در عالم ارواح با یکدیگر برادر بودند اگر چه در این جهان با یکدیگر خویشاوندی نداشته باشند .

امام هادی (ع) می فرماید :

« 943- هو الذی یجمع الکلم و یتم النعم، و یحق اللّه به الحق و یزهق الباطل. و هو مهدیکم المنتظر. ثم قرا: بقیه اللّه خیر لکم، و قال: هو واللّه بقیه اللّه.»

«او کسی است که وحدت کلمه ایجاد می کند، نعمت ها را کامل می سازد، خداوند حق را به دست او تحقق می بخشد و باطل را نابود می سازد. او مهدی منتظر شما است. آنگاه این آیه را تلاوت کرد: بقیه اللّه خیر لکم [۲۱۹] سپس فرمود: به خدا سوگند بقیه اللّه (تنها بازمانده از حجت های الهی) اوست [220] .»

امام حسن عسکری (ع) می فرماید :

« 944- اذا خرج القائم، امر بهدم المنائر و المقاصیر التی فی المساجد. و معنی هذا انها محدثه مبتدعه لم یبناها نبی ولا حجه.»

«چون قائم (عج) خارج شود دستور میدهد که مناره های مساجد را خراب کنند و مکان های مرتفع مساجد

(شاه نشینها) را خراب می کند، زیرا اینها بدعت است، هیچ پیامبر و یا وصی پیامبری آنها را بنیاد نکرده است.» [۲۲۱]

و اینک نویدهایی که در کتب مقدسه دیگر ادیان در پیرامون دولت حق آمده است :

در تورات می خوانیم :

« -945 و در ایام آخر واقع خواهد شد ... جمیع امتها به سوی آن روان خواهند شد ... او امتعها را داوری خواهد نمود و قوم های بسیاری را تنبیه خواهد کرد ... امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.» [۲۲۲]

« -946 بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود ... کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند.» [۲۲۳]

« -947 طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت. و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فسادی نخواهند کرد. زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آبهایی که دریا را می پوشاند [224] .»

« -948 آنگاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد و عدالت در بوستان مقیم خواهد گردید. و عمل عدالت سلامتی، و نتیجه عدالت آرامی و اطمینان خواهد بود تا ابدالآباد، و قوم من در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزل های آرامی ساکن خواهند شد.» [۲۲۵]

« -949 برگزیدگان من از عمل دست های خود تمتع خواهند برد، زحمت بیجا نخواهند کشید، اولاد به جهت اضطراب نخواهند زائید. زیرا که اولاد برکت یافتگان خداوند هستند و ذریت ایشان با ایشانند. و قبل از آنکه بخوانند من جواب خواهم داد. و پیش از آنکه سخن گویند من خواهم شنید. گرگ و بره با هم خواهند پرید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و خوراک مار خاک خواهد بود. خداوند می گوید که در تمامی کوه مقدس من ضرر نخواهند رسانید و فساد نخواهند کرد.» [۲۲۶]

«... -950 امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده (قائم) است، خواهد برخاست... در آن زمان هر کس از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد. و بسیاری از آنانکه در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان مثل روشنائی افلاک خواهند درخشید و آنانکه بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند ستارگان خواهند بود تا ابدالآباد. اما تو ای دانیال کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن. بسیاری به سرعت تردد

خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید ... خوشا به حال آنانکه انتظار کشد [227]».

در انجیل می خوانیم :

« 951- عیسی ایشان را گفت: هر آینه به شما می گویم: شما که مرا متابعت نموده اید، وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط داوری خواهید نمود. و هر که به خاطر اسم من خانه ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمینها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت.» [۲۲۸]

« 952- لهدا پیش از وقت به چیزی حکم مکنید، تا خداوند بیاید که خفایای ظلمترا روشن خواهد کرد و نیتهای دلها را به ظهور خواهد آورد، آنگاه هر کس را مدح از خدا خواهد بود.» [229]

« 953- به جنگ نیکو جنگ کرده ام و دوره خود را به کمال رسانیده، ایمان را محفوظ داشته ام. بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است، که خداوند داور عادل در آن روز به من خواهد داد و نه به من فقط بلکه نیز به همه کسانی که ظهور او را دوست می دارند.» [۲۳۰]

« 954- به زودی می آیم پس آنچه داری حفظ کن مبادا کسی تاج ترا بگیرد.» [۲۳۱]

نشانه ها

« خداوند آنچه را که بخواهد محو می کند و آنچه را که بخواهد ثابت و پایرجا می سازد. و ام الکتاب در نزد اوست.» [۱]

اشاره

نشانه ها یکی پس از دیگری ظاهر می شود، برخی از آنها در زمان ما تحقق یافته، برخی دیگر در زمان نیاکان ما تحقق یافته است .

برخی از این نشانه ها قطعی و تردید ناپذیر است و برخی دیگر مشروط. برخی از آنها عام است و برخی دیگر خاص. برخی از آنها به تفصیل بیان شده و برخی دیگر به اجمال. برخی از آنها از نظر زمانی به دور از زمان ظهور است و برخی دیگر نزدیک به آن .

این نشانه ها را همگان می بینند ولی این ویژگیها را همگان تشخیص نمی دهند، و احياناً برخی از آن ها به یک شرطی متوقف است که اگر تأخیری در آن شرط روی دهد، آن نیز تا روزیکه خدا بخواهد به تأخیر می افتد .

روایات و احادیثی که این نشانه‌ها را برای ما بیان کرده، گاهی جزئیات آن رویداد را به تفصیل بیان کرده و چیزی از ویژگیهای آن را ناگفته نگذاشته و هنگامی به زبان رمز و اشاره سخن گفته، که چیزی از آن برای ما مفهوم نیست، باید در حد اجمال و اعجاز بماند، تا روزیکه آن نشانه تحقق یابد، معنای آن حدیث نیز روشن گردد، که بیشتر روایات مربوط به ملاحم و علائم ظهور از این قسم است که برخی از آنها در همین بخش خواهد آمد .

روایاتی که از نشانه‌های ظهور سخن گفته، خرافه نیست، گزافه گوئی نیست، رجم به غیب نیست، از آن پیشگوئی‌ها نیست که برخی راست در آید و برخی دیگر دروغ، کلی گوئی نیست که افراد تیز بین بتوانند شبیه آنها را پیش بینی کنند، بلکه یک سلسله حقایقی است که دست جعل و تحریف نیز کمتر از هر بخش دیگری با آن ارتباط یافته است. حقایقی است که از مبدء وحی سرچشمه گرفته، توسط امامان معصوم و ارویان مورد وثوق دست به دست گشته و در منابع معتبر درج شده و به دست ما رسیده است .

ما هرگز از خرافات و مجعولات سخن نمی گوئیم، بلکه از اخبار مورد اعتماد سخن می گوئیم که تحقق یافتن آنها، یکی پس از دیگری، خود بر اعتبار آنها می افزاید. اگر چه برخی ها در برابر تمام مسائل ماوراء الطبیعی تصمیم قطعی گرفته اند که هر چه به نام جهان متافیزیک باشد از آن اعراض کنند و آن را مورد انتقاد و استهزاء قرار دهند، ولی وقوع این نشانه‌ها، یکی پس از دیگری هر گونه شک و تردید را از حریم مسائل مربوط به علائم ظهور رفع می کند . تعداد بی شماری از این نشانه‌ها تا عصر ما تحقق یافته است، و تعداد کثیری نیز در عصر ما تحقق یافته، که به زودی در ضمن اخبار ملاحم از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت. و تعداد دیگری در شرف وقوع است که به تدریج واقع خواهد شد. تسلسل این رخدادها همانند تسلسل طلوع خورشید پس از غروب آنست . این حوادث نیز همچنان در فواصل مختلف تحقق خواهد یافت. تا سرانجام نشانه‌های بزرگی که در آستانه ظهور تحقق یافتنی است، تحقق پذیرد. به هنگام وقوع آن حوادث، دیگر برای احدی جای شک و تردید باقی نمی ماند و هر آدم منصفی یقین پیدا می کند که در لحظه وقوع آخرین نشانه، حضرت بقیه الله (عج) ظهور می کند. نشانه‌هایی که در آستانه ظهور تحقق خواهد یافت، پنج نشانه است که به آنها علایم حتمی می گویند، زیرا در مورد آنها احتمال «بدا» نیست و آنها به طور جزم و یقین واقع شدنی است. این نشانه‌ها از زبان امیرمؤمنان (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) این چنین نقل شده است :

« 955- من المحتوم الدی لا بد منه ان یکون قبل القائم: خروج السفیانی، و خسف بالیبداء، و قتل النفس الزکیه، و المنادی من السماء و خروج الیمانی .»!!!

«از نشانه‌هایی که بدون تردید و به طور حتم پیش از قائم (عج) واقع خواهد شد :

2-خسف سرزمین بیدا

3-قتل نفس زکیه

4-ندای آسمانی

5-و خروج یمانی است.» [۲]

« 956-النداء من المحتوم، و السفیانی من المحتوم و قتل النفس الزکیه من المحتوم، و کف یطلع من السماء من المحتوم.»

«ندای آسمانی حتمی است، خروج سفیانی قطعی است، قتل نفس زکیه حتمی است، کف دستی که در آسمان ظاهر خواهد شد حتمی است.» [۳]

پیشوای ششم نشانه های حتمی را چنین می شمارد :

« 957-خمس قبل قیام القائم من العلامات: الصیحه، و الیمانی، و الخسف بالیداء، و خروج السفیانی، و قتل النفس الزکیه»

«پنج نشانه پیش از ظهور قائم (عج) هست: ندای آسمانی، خروج یمانی، خسف سرزمین بیدا، خروج سفیانی، و قتل نفس زکیه.» [۴]

اینها پنج نشانه است که همه خیرها و برکتها را نوید می دهد، و در فاصله ای کوتاه، در ظرف چند ماه پشت سر هم واقع می شود و برای احدی جای شک و تردید باقی نمی ماند، زیرا فرج بزرگ و شکوهمندی را به دنبال دارد .

اما دیگر نشانه ها، آنها یکمرتبه، و در فاصله نزدیک واقع نمی شود، حتی برخی از آنها در یک قرن واقع نمی شوند، بلکه در ضمن قرن های متمادی واقع می شوند و به صورت دلایل روشنی بر حقایق خبرهای ملاحم، یکی پس از دیگری تحقق می پذیرند، و از مجموع آنها نزدیک شدن زمان ظهور قطعی می شود، ولی نه به آن صورتی که سال و ماه و روز آن مشخص شود، که امام صادق (ع) در این رابطه می فرماید :

« 958-ان الله عز ذکرة لایعجل لعجله العباد!. ولالاله جبل من موضعه ایسر من زوال ملک لم ینقض اجله!»

«خدای تبارک و تعالی برای شتاب بندگانش شتاب نمی کند، از جای کردن یک کوه اساتر است از ساقط کردن حکومتی که وقت سقوط آن نرسیده است.» [۵]

روی این بیان باید مقدرات الهی بر طبق تقدیرات حضرت احدیت جریان پیدا کند و هر کسی که برای او زمامداری و فرمانروائی مقدر شده باید طبق مشیت حضرت پروردگار دوران حکومتش سپری گردد . نظر به اینکه روایت مربوط به علائم ظهور بسیار فراوان و مشابه یکدیگر است، نگارنده تا جایی که برایش ممکن بود روایات مربوطه را دسته بندی کرده، هر دسته ای را در بخش جداگانه ای آورده، تا روایت مربوط به هر حادثه ای از روایات حوادث دیگر ممتاز و مشخص گردد و افکار خواننده در تشخیص آنها دچار اضطراب و تشویق نشود، و رنج تحقیق و تشخیص آنها را نگارنده به قدر امکان متحمل شده، تا خواننده گرامی بدون صرف وقت فراوان، بهره ها فراوانی ببرد . پیش از آنکه به تفصیل و تفسیر مطالب آغاز کنم، نکته ای را بازگو می کنم، و آن اینکه: هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور کند، ظهور او نیازی به نشانه و علامت نخواهد داشت، تشخیص حقانیت او از تشخیص شب و روز آسانتر خواهد بود . نام، نشان، صفات و همه ویژگی های او در شرق و غرب جهان همچون نور خورشید خواهد درخشید، افکار همه جهانیان را اعم از زن و مرد، پیر و جوان، سیاه و سفید، عرب و عجم، عامی و باسواد، همه و همه را به خود متوجه خواهد نمود .

ظهور حضرت بقیه الله (عج) هرگز همانند افراد مدعی مهدویت نخواهد بود که در گذشته آمده، ادعا کرده، رسوا شده، کشته شده، در بوته فراموشی فرو رفتند، بلکه ظهور او از طلوع خورشید روشنتر خواهد بود، بانگ دعوت او از هر روزنه ای چون تابش نور وارد خواهد شد و به اعماق دل هر انسانی راه خواهد یافت. هر انسانی بدون اینکه نیازی به مبلغ و مفسر داشته باشد از اعماق دل خود یقین پیدا خواهد کرد که این ندا، ندای روحبخش منجی انسانها، موعود توده ها، هدایتگر امتها، نابود کننده ستمها و گستراننده عدالتها، حضرت ولی عصر امام زمان (عج) می باشد .

در اینجا پیش از آنکه به تقسیم بندی بخشها برسم، کلام والائی را از امام و پیشوای ارباب سخن، حضرت مولی الموالی امیرمؤمنان (ع) نقل می کنم که هر فرازی از آن بیانگر آسمانی بودن آن می باشد، آنجا که می فرماید :

« 959- یخرج اذا خفت الحقائق، ولحق اللاحق، و ثقلت الظهور، و تتابعت الامور، و اختلفت العرب، و اشتد الطلب، و ذهب العفاف، و استحوذ الشيطان، و حکمت النسوان، و فدحت الحوادث، و نفثت النوافث، و هجم الواثب، و عبس العبوس، و اجلب الناموس، و یفتحون العراق، و یجممون الشقاق بدم یراق . »

« او هنگامی ظاهر می شود که حقیقتها کم ارج شود و دنباله روها از نابخردان پیروی کنند، پشتها سنگین شوند، حوادث پیاپی واقع شود، عربها دچار اختلاف شوند، اشتیاق به ظهور مصلح هر لحظه افزون گردد و خویشتن داری از جامعه رخت بریندد و ... شیطان بر همگان چیره شود، زنها فرمانروائی کنند، حوادث جانکاه و کمرشکنی روی دهد، شکافنده ها بشکافند و پیش بتازند، تیرپروازان حمله کنند، دنیا روی ترش کند، رازداران خیانت پیشه همرازان را لو دهند، عراق را فتح کنند و هر نوع اختلافی را با خونریزی پاسخ

(فرازهای این حدیث شریف بعد از ترجمه حدیث زیر شرح داده خواهد شد.)

این روایت به تعبیر دیگری نیز وارد شده است و آن اینکه :

«- 960 إذا زهق الزاهق، و حقت الحقائق، و لحق اللاحق، و تثلبت الظهور، و تقاربت الامور، و حجب المنشور،
فیفضحون الحرائر، و یملکون اجزائر، و یهدمون الحصون، و یفتحون العراق، و یظهرون الشقاق بدم براق،
فعند ذلك ترقبوا خروج صاحب الزمان «!

«چون نابود شدنی ها نابود شوند (باطل از بین برود)، حقیقتها تحقق پیدا کنند، دنباله روها از نابردان
پیروی کنند، ظواهر دگرگون شود، کارها به همدیگر نزدیک شود، از سخاوت کریمان جلوگیری شود، آزاد
مردان را افشاگری کنند، جزیره ها را مالک شوند، قلعه ها را ویران کنند، عراق را بگشایند، اختلافات را با
خونریزی پاسخ گویند، در چنین زمانی ظهور صاحب الزمان (عج) (را انتظار کشید.» [۷]

انسان هنگامی که در برابر سخنان گیرا و شیوای امیرمؤمنان (ع) قرار می گیرد، اگر اهل فن نباشد ممکن
است تصور کند که هر آدم فصیح و بلیغی به ساختن چنین سخنان مسجع و موزونی تواناست، ولی چون اهل
فن از دیدگاه رشته تخصصی خود به آن نگاه کند، در برابر عظمت گوینده آن سر تسلیم فرود آورده آنها را
بالاتر از گفتار انسان و پائین تر از گفتار خالق منان می یابد و هر فرازی را بیانگر حقیقت با ارجی می یابد که
از زبان پیشوای فصحا و امام بلغاء مولای متقیان، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) ساطع گشته است، و اینک
توضیحی کوتاه در پیرامون فرازهای آن :

إذا خفت الحقایق :

هنگامی که حقیقتها کم ارج شود !

سخن حق، خود والا و پراج است و به گوینده خود ارزش والائی می بخشد، ولی در آستانه ظهور کسی که
سخن حق بگوید، نه تنها مورد توجه قرار نمی گیرد، اعتنائی به گفتارش نمی شود، بلکه خود نیز به جرم گفتن
حق مورد مسخره و استهزاء قرار می گیرد و احياناً به حبس و شکنجه و تبعید و انزوا محکوم می شود و چون
دیگر حق گویان تاریخ تاوان حق گوئی اش را می پردازد .

ولحق اللاحق :

و دنباله روان از نابردان پیروی کنند !

منابهه و محاکات و تقلید، مردم را تباه می کند، در گمراهی و ضلالت همه از یکدیگر پیروی کرده، اعمال – ناروای یکدیگر را تقلید و محاکات می کنند، چنانکه رسول اکرم (ص) می فرماید :

« 961- حتی لودخل احدهم فی حجر صب لدخلتم فیه »!

«اگر یکی از شما در لانه سوسمار وارد شود، همه وارد می شوید.» [۸]

اگر یکی از آنها به کار خطرناک و جاهلانه ای دست بزنند همگان از او تقلید و محاکات می کنند، دیگر عواقب شوم و خطرناک آن را نمی سنجند و نمی اندیشند، نیروی اندیشه و تفکر خود را به کار نمی اندازند، و کورکورانه هر یک از آنها به یک حزب و تشکیلاتی می پیوندند، زیر یک پرچمی قرار می گیرند، بدون تأمل از یک گروه پیروی می کنند، هر چه به نام مُد بر آنها عرضه شود می پذیرند، روزی از «هیپسیسم»، روزی از «تهیلیسم»، و روز دیگر از یک «ایسم» دیگر پیروی می کنند، دیگر احساس وظیفه و مسئولیت از میان آنها رخت بر می بندد .

وثقلت الظهور :

پشتها سنگینی کنند !

در آن زمان وضع حیواناتی که پشت آنها برای بارکشی مهیاست، از گردونه خارج می شوند، زیرا دیگر سرعت اسب و قاطر در چنین زمانی کند و سنگین به شمار می آید و با سرعت الکترونی حاکم بر جهان سازگار نخواهد بود. و اگر جمله فوق به عنوان: وثقلت الظهور خوانده شود، منظور از آن وقوع فتنه ها و بروز اختلافها در میان طوایف مسلمین از عرب و غیر عرب خواهد بود. که هر دو معنی تحقق یافته است .

و تتابعت الامور :

حوادث پیاپی واقع شود !

وقوع حوادث یکی پس از دیگری، امروزه ملموس شده، در هر گوشه ای از جهان هر روز حادثه ای روی می دهد که حوادث قبلی را به بوتاه فراموشی می برد، هر روز حادثه ای، فاجعه ای، انقلابی، سقوطی، عزلی و نصبی واقع می شود که دیگر حوادث را تحت الشعاع قرار می دهد. چنانکه در این زمینه آمده است :

«توقعوا ایات کنظم الخرز »

«حوادث پیاپی و به هم پیوسته ای همچون دانه های گردن بند را انتظار بکشید.» [۹]

آری حوادث به یکدیگر مربوط می شود، و چون سرعت برق می گذرد .

و اختلفت العرب :

عربها دچار اختلاف می شوند !

آری دچار اختلافی شده اند که تعبیر بسیار لطیف مرحوم کاشف الغطاء در حق آنها صادق شده، که فرمود: «فقد اتفقوا علی ان لا یتحذوا»: یعنی دست اتحاد داده با یکدیگر پیمان بسته اند که هرگز در مسئله ای اتفاق نکنند! و فرمود: برای اختلاف و ستیزه جوئی همه متحد می شوند ولی اگر سخن از اتحاد به میان آید همگی اختلاف می کنند، گوئی اتحاد کرده اند که هرگز اتحاد نکنند .

واشتد الطلب :

اشتیاق به ظهور مصلح هر لحظه افزون می شود !

دیگر انسان عاقلی در روی زمین یافت نمی شود جز اینکه به شدت آرزو می کند که آن مصلح غیبی ظهور کرده، جهان بشریت را از جنگال ظلم و ستم رهائی دهد و به جنایتها و خیانتها خاتمه دهد. دیگر همه جا سخن از فراگیر شدن ستم و احساس نیاز به ظهور منجی عالم بشریت می شود و همه در انتظار فرا رسیدن روز موعود ثانیه شماری می کنند. حتی منکران و ملحدان نیز در راه تأسیس حکومت واحد جهانی و دیگر اهداف آن مصلح الهی، براساس ایده ها و اهداف خود تلاش می کنند .

و ذهب العفاف :

خویشتن داری از جامعه رخت بر می بندد !

آن عفت و خویشتن داری که در شرح زندگانی گذشتگان می خوانیم، در جامعه امروزی رخت بر بسته، دیگر نمونه آن یافت نمی شود، و کار به جایی رسیده که اگر کسی در موردی عفت به خرج دهد و خویشتن داری کند، به ارتجاع و ضعف فکری متهم می شود .

و استحوذ الشیطان :

شیطان بر همه چیره می شود !

با کمال تأسف بر همگان راه یافته، ریسمانش را محکم به دور گردنها بسته با خود می برد. چه کسی از گردونه او بیرون است تا او را سنگسار کند؟ چه کسی او را در مغز خود جای نداده تا او را لعن کند؟ به جز

کسی که خدایش عصمت داده و از این ورطه هلاکت رهایی اش بخشیده است .

و حکمت النسوان :

زنها فرمانروائی کنند !

پس از آنکه غیرت از میان مردان رخت برپست، زنها همه جا فرمانروا شدند، در خانه ها، در وزارتخانه ها، در تجارتخانه ها، در پارلمان ها و در تمام پستها و مقام ها، و بر دل و اندیشه اکثریت مطلق انسان ها، که در دام شهوت اسیر و مبتلایند .

وفدحت الحواث :

حوادث کمرشکنی روی می دهد !

رویدادها بسیار کمرشکن شده و آسایش و آرامش همه ملتها را در شرق و غرب جهان سلب کرده، در سر تا سر جهان ملتی را پیدا نمی کنید که در سطح عالی آرامش و آسایش زندگی کنند، بلکه تشویش و نگرانی به همه جا سایه گسترده و دلهره و اضطراب به هر خانه و کاشانه ای راه یافته است .

و نفثت النواث :

شکافنده ها بشکافند و پیش روند !

چقدر زیباست تعبیر امیرمؤمنان (ع)؟! که گوئی جهان قرن بیستم را با دیدگان خود دیده، هواپیماهای کوه پیکر را مشاهده فرموده که چگونه سینه افق را می شکافند و پیش می تازند، اقطار و اکناف جهان را زیر پر می گیرند و با مواد تخریبی که حمل می کنند جهان را در آتش خود می سوزانند، خداوند در ظهور فرزندت تعجیل کند و با ظهور او آثار سوء این شکافنده ها و پیشتازهای خانمان برانداز را نابود سازد .

و هجم الوائب :

تیرپروازان حمله کنند !

دشمن صهیونیستی بر فراز جنگنده های تیز پرواز خود هر روز سرزمین اسلامی ما (جنوب لبنان) را مورد حمله و هجوم قرار داده، آشیانه های ما را با بمبهای خوشه ای و شیمیائی ویران می کنند، مرگ و فقر و خرابی به ارمغان می آورند .

دنیا روی ترش کند !

کابوس یأس و وحشت بر سراسر جهان سنگینی می کند، کسی از اعماق دل شادی نمی کند، دیگر کسی نفس راحت نمی کشد، هر صدائی که از خیر پراکتی ها منتشر می شود، دلها را می فشارد و اعصاب را می کوبد و زمین و زمان به روی انسان، روی ترش می کند .

واجلب الناموس :

راز داران خیانت ورزیده موجب دستگیری می شوند !

رازداران به جای امانت خیانت ورزیده، اسرار را فاش ساخته، اخبار را به نفع دیگران فاش کرده، موجبات گرفتاری و دستگیری همراز و هم سنگر خود را فراهم می آورند. نزدیکترین دوستان کاری ترین ضربه ها را فرود می آورند، و بیش از هر دشمن قسم خورده، موجب وحشت و اضطراب می شوند .

در روایت دوم به جای «اجلب الناموس» تعبیر: «جمس الجاموس» به کار رفته، که منظور از آن سخن گفتن جماد است، که معنای مشخص آن پخش صدا به توسط رادیو، تلویزیون، ضبط صوت و گرامافون و امثال آنهاست که در همه آنها از یک جماغد صدای مورد نظر بر می خیزد، و شاید معنای دیگری داشته باشد که گذشت زمان آن را معنی کند .

امیرمؤمنان (ع) که در آغوش وحی تربیت شده، نفس پیامبر (ص) و باب مدینه علم الرسول (ص) نامیده شده، این سخنان پراج را چهارده قرن پیش با قاطعیت و صراحت بیان کرده، و ما امروز قسمتی از آنها را درک و لمس می کنیم که برای گذشتگان قابل تصور نبود، قسمتی از اخبار ملاحم نیز هنوز کشف نشده، گذشت زمان آنها را معنی خواهد کرد .

امیرمؤمنان در حدیث دیگر با عبارت زیبا و کوتاهی چنین می فرماید :

«...» -962 و انجد العیص، و اراع القنیص، و کثر القمیص»

«هنگامی که جنگها خشک شود، شکارچیان همه را به وحشت اندازند، اضطراب، نفرت و مهاجرت زیاد شود، در چنین زمانی...» [۱۰]

امیرمؤمنان (ع) آن استاد فصاحت و امام بلاغت خبرهای مربوط به آخرالزمانی را در این گفتار شیوای خود با

الفاظی زیبا و تعبیراتی گیرا، و کلماتی موزون بیان کرده است که اینکه به شرح فقرات آن می پردازیم :

انجد العیص :

جنگلها خشک شوند !

در اثر اشتغال مردم به جنگها و فتنه ها و رویدادها، و یا در اثر قحطی و کمی باران، جنگلها، مرغزارها، چمنزارها و باغها و بستان ها خشک شده، تبدیل به صحرای سوزان و دشت بی آب و علف شوند، و یا در اثر بمبهای شیمیائی و دیگر مواد تخریبی دچار حریق شوند، و یا در اثر بمبهای اتمی و نئیدروژنی زیر و رو شوند و یا به دلایل دیگری که گذشت زمان معنی خواهد کرد .

و اراع القنیص :

شکارچیان به وحشت اندازند !

شکارچیان در سیمای جدیدشان همچون هواپیما ربائی، آدم ربائی و جز آن که موجب وحشت و اضطراب همگان می شوند، دیگر کسی با خیال راحت نمی تواند مسافرت هوائی کند، زیرا نمی داند که هواپیما پس از فاصله گرفتن از فضای فرودگاه با چه حوادثی روبرو خواهد شد و مسافران در برابر چه درخواستهایی به عنوان گروگان در انتظار سرنوشت مبهم قرار خواهند گرفت؟! یا همانند آدم ربائی که در لبنان امروز رواج یافته، و انسان های سرشناس دزدیده می شوند و در برابر پولهای گزاف و یا به دنبال یک سری معاملات سیاسی آزاد می گردند و یا دیگر شکارچییانی که حوادثی جانکاه به وجود آورده، همه را به وحشت و اضطراب وا می دارند .

وکترا لقمیص :

اضطرابها و مهاجرت ها فراوان شود !

امروزه نه تنها مهاجرت از کشوری به کشور دیگر، از شهری به شهری دیگر، از روستاها به شهرها فراوان شده، حتی مهاجرت به صورت گریز و فرار از این اطاق به آن اطاق، از این گوشه اطاق به آن گوشه اطاق فراوان شده است، چنانکه در کشور خودمان (لبنان) از ترس حمله های هوائی دشمن صهیونیستی، هر لحظه از نقطه ای به نقطه ای پناه می بریم. در این کشور آیا در مدت هفت سال گذشته کسی پیدا می شود که خواب راحتی کرده باشد؟! و اینکه در آستانه گذشته کسی پیدا می شود که خواب راحتی کرده باشد؟! و اینکه در آستانه هشتمین سال جنگ هستیم و خدا می داند که چه سرنوشتی در انتظار ماست؟! !

«-963اذا صاح الناقوس و كبس الكابوس و تكلم الجاموس، فعند ذلك عجائب، و ای عجائب .»

«هنگامی که ناقوس به صدا در آید، سایه شوم کابوس به همه جا سنگینی کند و جاموس سخن بگوید، در چنین زمانی شگفتی ها پدید خواهد آمد، تو چه می دانی که چه شگفتیهائی روی خواهد داد.» [۱۱]

ناقوس، به معنای زنگ، زنگ خطر، بیدار باش و یا هر صدا کننده که انسان را از چیزی بیم دهد یا از فرا رسیدن وقت چیزی خبر دهد. در اینجا منظور از ناقوس، بانگ جبرئیل امین است که در تمام اقطار و اکناف جهان طنین خواهد انداخت .

کابوس، رؤیاهای وحشت انگیز، فاجعه های رعب انگیز و هر حادثه شوم و تلخی که ساسیه سنگین خود را بر افق زندگی بیفکند و زندگی را با وحشت و اضطراب توأم کند، در اینجا خسف سرزمین پیدا و هلاکت سپاه سفیانی در آن سرزمین منظور شده است .

جاموس، به معنای هر شیئی جامد است، که در عصر ما سخن گفتن جاموس تحقق یافته و نمونه های فراوانی چون رادیو، تلویزیون، تلفن، تلکس، گرامافون، ضبط صوت و امثال آنها از مصادیق آنست .

و در برخی از نقلها این جمله نیز اضافه شده: «و اذا اثار الناز قیصر [12]» یعنی: هنگامی که پادشاه روم آتش جنگ را شعله ور سازد، و شاید منظور از پادشاه روم یکی از زمامداران مغرب زمین باشد، که امروزه آثار تلخ این آتش افروزی ها در تمام کشورهای اسلامی نمایان است. امروزه آتش افروزان غربی و برادران شرقی آنها تلاش های خود را در دو نقطه متمرکز کرده اند و همه ابعاد دیگر زندگی را در مرحله بعدی قرار داده اند، آن دو نقطه عبارت است از :

1-تلاش فراوان برای ساختن، توزیع، بازاریابی، بذل و بخشش ابزار و ادوات جنگی .

2-تلاش بی امام برای شعله ور ساختن آتش جنگ، دامن زدن به اختلافات تژادی، قبیله ای، مرزی، مذهبی، عقیدتی و غیره. در هر منطقه ای آشوبی به نام انقلاب، به رنگ های مختلف بر پا کرده، منابع زیرزمینی آنها را به بیغما برده، مرگ و فقر و اختلاف های داخلی و خارجی را برای آنها به ارمغان می آورند. تا مصلح کل جهان ظهور کرده، به اختلاف ها و جنگ ها و نابسامانیها خاتمه داده، صلح و صفا و صمیمیت را در سر تا سر گیتی برقرار سازد .

بیان شیوه ای دیگر از امیرمؤمنان (ع) در این باره رسیده است که در اینجا نقل می کنیم :

«-964و لذلک علامات ... و کشف الهیکل، و خفق رایات ثلاث حول المسجد الاکبر تهتز، یشبهن بالمهدی ... و قتل سریع و موت ذریع .»

«برای این کار نشانه هائی است که از آن جمله است: کشف هیکل، به اهتزاز در آمدن سه پرچم برافراشته شده که هر سه مشابه پرچم حضرت مهدی (عج) است، کشتارهای بی امان و مرگهای زودرس و ناگهانی، و ...» [۱۳]

قریب یکهزار و چهار صد سال پیش این کلمات دُرربار از زبان مبارک مولای متقیان، امیرمؤمنان (ع) روایت شده، و اینکه ما چنین روزهایی را با چشم خود می بینیم و به گوینده آن درود می فرستیم و به پیروی او مباحثات می کنیم .

منظور از «هیکل»: هیکل حضرت سلیمان (ع) است که در عصر آن حضرت معبد بسیار باشکوهی بود و در شهر بیت المقدس قرار داشت و پایه های آن بر روی ۳۶۰ ستون از مرمر گرانبها و کمیاب استوار بود و در آن دهها سنگ قیمتی، الواح و نوشته های شگفت انگیز وجود داشت که هر بیننده ای را مبهوت می ساخت. زمین آن از بلور شفاف مغروش بود و آنها از زیر آن روان بود که بلقیس آن را دریاچه پنداشت و دامنش را بالا زد که از روی آب عبور کند و به بارگاه حضرت سلیمان باریابد، پرده داران به او تذکر دادند که آنها از زیر یک پوشش بلورین روان است .!

از دیگر شگفتیهای آن تخت حضرت سلیمان (ع) بود که بر روی چیزی شبیه یک شیر قرار داشت، پلکان آن عبارت از دستهای پهن شده شیر بود که حضرت سلیمان پا روی آنها نهاده، بر تخت قرار می گرفت. هنگامی که حضرت سلیمان اراده می کرد بر تخت بنشیند، تخت با سرعت شگرفی نزدیک می آمد و حضر سلیمان بر آن می نشست و آنگاه با یک عقب گرد جالبی به جایگاه خود باز می گشت. و دیگر عجائب و شگفتیها که در آن وجود داشت به علاوه جنبه فنی و معماری و نقش و نگار خارج از وصف آن، که هر بیننده ای را به تعجب و شگفتی وا می داشت .

در عصر ما یهود تلاش فراوان دارد که آن را کشف کند، قسمتی از محل آن در زیر مسجد اقصی و قسمتی دیگر در زیر کلیسای قیامت قرار گرفته است. پرچمهای سه گانه در کنار همین مسجد به اهتزاز در خواهد آمد .

اکنون که من این سطور را می نویسم، سرنخائی از هیکل به دست آمده است و رژیم اشغالگر قدس با تلاشی بی امان برای کشف دقیق آن می کوشد .

آنچه در روایت گفته شده که این پرچمها مشابه پرچمهای حضرت مهدی (عج) است، به این سبب است که هر یک از صاحبان آن پرچمها ادعای حقانیت و دعوت به حق می نمایند، همه آنها ادعای جنگ با رژیم اشغالگر یهود را می کنند، در حالیکه خود به آئین اسلام عمل نمی کنند و از اولین نشانه هاغی اسلام (نماز و روزه)

محروم هستند و آنچه برای آنها نقش حیاتی دارد چیزهایی در سطح ناسیونالیسم و تعصبات نژادی است .

جمله «کشتارهای بی امان و مرگهای زودرس و ناگهانی» دقیقاً امروز تحقق یافته، هر روز صدها و هزارها نفر در زیر توپها، موشکها، مسلسلها و دیگر ادوات جنگی رژیم اشغالگر یهود و هم پیمانان آنها، جان می سپارند .

و اینک علایم ظهور و نشانه های نزدیک شدن نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) در ضمن چهار بخش، با ترتیب و نظم خاصی به خوانندگان گرامی تقدیم می شود.

اهل آخر الزمان

پیش از آنکه به نقل نشانه های مردم آخر الزمان شروع کنیم، نکته ای را یادآور می شویم و آن اینکه :

ما مردم عصر حاضر که عصر خود را دوران مشعشع طلایی، عصر تسخیر فضا، قرن شکافتن اتم، عصر شکوفائی علوم، دوران ایمان به ارزشها و معیارها، و زمان سپری شدن ضد ارزشها می دانیم و می نامیم، بر ماست که واقعیت ها را بپذیریم، از پذیرش حقایق سرتتا بیم، آنچه را که بر سر انسان در کشاکش دوران آمده است، بپذیریم و باور کنیم .

تا جائیکه ما اطلاع داریم هیچ امت و ملتی در وادی ضلالت گام نسپرده، جز اینکه با یک فاجعه آسمانی یا زمینی رهسپار دیار نیستی شده است .

ما این مطلب را منحصراً از پیامبران نیاموخته ایم، بلکه صفحات تاریخ انسانها نیز شاهد این گفتار است. اگر صفحات تاریخ را ورق بزنیم با تمدن های فراوانی در گذشته آشنا می شویم که روزگاری بر منطقه پهناوری درخشیده، ولی هنگامی که از ناموس فطرت و آئین خلقت سرپیچی نموده، دچار سوانح شده و در کام طوفان ها فرو رفته، و در بوته فراموشی قرار گرفته اند. اینها اثر وضعی فرورفتن در طغیان و عصیان است، اگر چه ظاهراً یک سانحه و فاجعه چون زلزله، طاعون، وبا، جنگ و نظیر آنها، بهانه شده است .

اگر صفحات تاریخ این درس را به ما می آموزد، ما چرا به خودمان دروغ بگوئیم و خود را گول بزنیم؟! چرا به ندای فطرت گوش ندهیم که از اعماق درون خود در می یابیم که به ما می گوید :

«افحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون»

«آیا خیال می کنید که ما شما را عبث آفریده ایم و شما به سوی ما باز نخواهید گشت؟!» [۱]

چه کسی است که این پرسش را از عماق مغز خود نشوند که: از کجا آمده ام؟! برای چه آمده ام؟! به کجا می روم؟! آیا این آمدن صرفاً برای خوردن و نوشیدن و بازی کردن در یک صحنه آزاد، و پشت سر هم آمدن

شب و روز، و سپس مردن و نیست شدن و فراموش شدن می باشد؟ !

عقل سلیم که براساس اعتقاد به حقایق استوار باشد آن را نمی پذیرد و می گوید: من هرگز عبث آفریده نشده ام! کسیکه این پاسخ را از اعماق دلش دریافت می کند، باید از قوانین طبیعت سرپیچی نکند، در رفتار خود تجدید نظر نماید، هدف اساسی و علت غائی جهان آفرینش را مورد مطالعه دقیق قرار دهد، در تعیین سرنوشت خویش و دیگر انسان ها دقت کند، تا در کشیده شدن انسانها به سوی منجلاب تباهی و هلاکت سهیم نباشد، و خود در دره ضلالت سقوط نکند، پس از آنکه از مطالعه تاریخ امتهای در می یابد که طبیعت به کسیکه از آئین فطرت سرپیچی کند؛ رحم نمی کند، و از کسیکه به حریم قوانین خلقت تجاوز کند؛ انتقام می گیرد، کجا رسد به کسیکه به حریم قوانین الهی تجاوز کند .

از سوی دیگر طبق نشانه هائی که در همین بخش می خوانیم، تردیدی نیست که ما اهل آخرالزمان هستیم و نشانه های آخرالزمان یکی پس از دیگری واقع شده و یا در شرف وقوع است. و اینک منتظر فرا رسیدن همه حوادثی هستیم که برای اهل آخرالزمان وعده داده شده است .

اشکال بزرگ ما اینست که از یک سو می پذیریم که ما اهل آخرالزمان هستیم، و از دیگر سو با تمام قدرت به سوی حوادث جانکاهی که برای مردم آخرالزمان نوید داده شده می شتابیم، درست مانند کسی که آتش فروزانی را می بیند و خود را به درون آن می افکند .!

آری زمان، همان آخرالزمان است که رسول گرامی اسلام (ص) و جانشینان معصوم آن بزرگوار وعده داده اند، و به هنگام ارشاد مردمان و کاشتن درخت ایمان در کشتزار دل آنان، به تناسب های مختلف از آخرالزمان و مردمان آن سخن گفته اند و صفات آنها را آنچنان دقیق بیان کرده اند که امروز با مطالعه آنها هیچ تردیدی نداریم در اینکه ما اهل آخرالزمان هستیم و همه نویدهای معصومان در مورد عصر ماست. و اینک نمونه هایی از کلمات دُرربار معصومین علیهم السلام درین زمینه :

پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

« 965- یأتی علیکم زمان الا الذی بعده شرمه »!

«هیچ زمانی پیش نمی آید جز اینکه زمان بعدی بدتر از آنست .»

هنگامی که زمان ها را در نظر می گیریم و دوران هائی را که پس از رحلت رسول اکرم (ص) بر مسلمانان گذشته، مورد مطالعه قرار می دهیم، می بینیم که شرها از لحظه رحلت آن حضرت شروع شده است. به دنبال رحلت پیامبر اکرم (ص) (پیش از آنکه جسد مبارکش دفن شود، درخت فتنه جوانه زد و هر لحظه رشد و نمو کرد و هر روز و ماه و سال و قرنی که بر امت اسلامی می گذرد پایه های فتنه ها عمیق تر و شاخه های

فتنه پر بارتر می گردد، باری تلختر از حنظل و سوزاننده تر از آتش! و امروز به اوج خود رسیده، ریشه همه نیکی ها را می سوزاند و در باغستان بشریت، شاخ و برگ نمی گذارد. و از اینجا در می یابیم که زمان ما بدترین زمانهاست، زیرا همه شرها به اوج خود رسیده است. و اینک زمانی است که رسول اکرم (ص) در مقایسه زمان ما با زمان رسالت فرموده است :

«شما در زمانی هستید که اگر کسی یک دهم تکالیفش را انجام ندهد هلاک می شود، و به زودی زمانی فرا می رسد که اگر کسی یک دهم وظائفش را انجام بدهد نجات می یابد.»

جای بسیار تأسف است که آن یک دهم را نیز انجام ندهیم تا رهائی یابیم. بسیار تأسف بار است که ما مرد عمل نیستیم و اهل سخن هستیم، از زبان های ما سخنانی شنیده می شود که با رفتارمان تطبیق نمی کند و اینها همان صفات بارز آخرالزمان است که رسول اکرم (ص) چهارده قرن پیش فرموده است :

« 966- یأتی علی الناس زمان همهم بطونهم، و شرفهم متاعهم، و قبلتهم نساؤهم، و دینهم دراهمهم و دنانیرهم. اولئک شر الخلق، لاخلق لهم عندالله.»

«برای مردم روزگاری فرا می رسد که تنها هم و غمشان شکم آنها، شرف آنها تجملات زندگی آنها، قبله آنها همسرانشان، دین و آئین آنها درهم و دینارشان می باشد، آنها بدترین خلائق هستند، برای آنها در نزد خدا ارج و مقامی نیست.» [۳]

آری همه صفات یاد شده در این حدیث، در عصر ما تحقق یافته، و اینکه بزرگترین هم و غم مردم شکم آنها، شرف و آبروی آنها تجملات زندگی آنها، دین و آئین آنها در هم و دینارشان و بزرگترین آرزوی آنها تأمین خواسته های همسرانشان می باشد .

« 967- سیأتی علی الناس زمان، یخیر فیه الرجل بین العجز و الفجور، فمن ادرك ذلک الزمان فلیختر العجز علی الفجور.»

«برای مردمان زمانی می رسد، که انسان میان ناتوانی و نابکاری مخیر می شود، هر کس چنین زمانی را درک کند، ناتوانی را بر فساد و تباهی برگزیند [4]».

صالحان و نیکان عصر ما از کارهائی که دیگران انجام می دهند ناتوان نیستند، بلکه از فساد و تباهی گریزان هستند و نابخردان آنها را ناتوان می انگارند .

« 968- لتامرون بالمعروف، و لتنهن عن المنکر، اولیسلطن الله علیکم شرارکم، فیدعو خیارکم فلا یستجاب لهم.»

«باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه شریران بر شما مسلط خواهند شد و نیکان هر چه دعا کنند مستجاب نخواهد شد.» [۵]

این نیز تحقق یافته، از امر به معروف و نهی از منکر سرتاافته ایم و شریران بر ما مسلط شده اند و دعاهای نیکان به استجابت نمی رسد. همه این گرفتاریها واکنش اعمال خودمان می باشد و خداوند به کسی ستم نمی کند .

« 969-وعندها يظهر الربا، و يتعاملون بالرشى، و يوضع الدين و ترفع الدنيا ».

«در آن زمان ربا شایع می شود، کارها با رشوه انجام می یابد، مقام و ارزش دین تنزل می نماید و دنیا در نظر آنها ارزش پیدا می کند.» [۶]

« 970-ليأتين على الناس زمان، لايبقى احد الا اكل الربا، فان لم ياكله اصابه عباره »

«برای مردم زمانی پیش می آید که احدی یافت نمی شود جز اینکه به ربا آلوده گردد، اگر مستقیماً هم ربا نخورد، گرد ربا به او می رسد.» [۷]

مگر نه اینست که سیستم بانکی در همه کشورهای اسلامی رائج شده، حتی علما و اندیشمندان که با ربا مبارزه می کنند، خود از رهگذر روابط اجتماعی و اقتصادی با آن آلوده می شوند، و اینک اثر وضعی شیوع ربا و رشوه :

« 971-ما من قوم يظهر فيهم الربا، الا اخذوا بالسنه و ما من قوم يظهر فيهم الرشى الا اخذوا بالربع »!

«هیچ قومی نیست که ربا در میان آنها شایع شود، جز اینکه دچار غفلت و بی خبری می شوند. و هیچ قومی نیست که رشوه در میان آنها رائج شود جز اینکه دچار ترس و وحشت می شوند.» [۸]

با فراگیر شدن سیستم منحوس بانک داری تمام امتهای اسلامی در خواب غفلت فرورفته اند، و با شیوع رشوه خواری ترس و اضطراب و دلهره و وحشت در تمام اقطار و اکناف زمین حاکم گشته است .

« 972-يكون اسعد الناس بالدنيا لكع ابن لكع، لايؤمن بالله و رسوله . »

«خوشبخت ترین مردم در دنیا افراد پست و نادان خواهند بود، که به خدا و رسول (ص) ایمان نخواهند داشت.» [۹]

آری نابخردان، در ناز و نعمت فرو رفته، در آرامش خرگوشی فرو رفته اند ولی باورداران اندیشمند هرگز آسایش و آرامشی ندارند. اثر وضعی این زندگی همانست که پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

« 973- یذهب الصالحون اسلافا: الاول فالاول، حتی لایبقی الا حثاله کحثاله التمر و الشعیر، لایبالی اللّٰه بهم! »

«صالحان یکی پس از دیگری دیده فروبندد و دیگر نشانه ای از صاحبان باقی نباشد جز به مقدار تفاله خرما و نخاله جو، دیگر خداوند اعتنائی به آنها نمی کند.» [۱۰]

با کمال تأسف این نشانه ها نیز تحقق یافته و به اثر وضعی آن دچار شده ایم، دیگر خداوند اعتنائی به ما ندارد، و گرنه قسمتی از این گرفتاریها را از ما رفع می کرد .

« 974- سیأتی علی امتی زمان، تخبث فیه سرائرهم، و تحسن علانیتهم طمعاً فی الدنیا، لا یریدون ما عنداللّٰه عزوجل، یکون امرهم ریا، لا یخالطه خو، یعمهم اللّٰه بعقاب، قیدعونه دعاء الغریق فلا یرستجاب لهم .»

«زمانی بر امت من می آید که در آن زمان درون آنها پلید می شود ولی ظواهر آنها به طمع دنیا آراسته می گردد، به آنچه در پیشگاه خداوندی است دل نمی بندند، کارشان ریا و تظاهر است، خوف از خدا به دلشان راه نیابد و خداوند آنها را به عذابی فراگیر دچار سازد، آنها خداوند را همچون آدم غریق (کسیکه در آب غرق می شود) می خوانند و خداوند دعایشان را مستجاب نمی کند [11] .»

« 975- اول ما یرفع من هذه الامه الحیا و الامانه »

«اولین چیزی که از این امت برداشته می شود حیا و امانت است.» [۱۲]

سلام بر حیا و امانت هنگامی که در میان این امت زنده بودند، و درود بر آنها هنگامی که از میان این امت رخت بر بستند .

« 976- اذا ظهرت الفاحشه کان الرجفه، و اذا جار الحکام قل المطر، و اذا عدر باهل الذمه ظهر العدو »

«هنگامی که روابط نامشروع شیوع پیدا کند زلزله زیاد می شود، هنگامی که زمامداران ستم پیشه کنند باران کم می بارد، و هنگامی که با اهل ذمه (اهل کتاب که در پناه اسلام = اقلیت های مذهبی) با مکر و حيله رفتار شود دشمن چیره گردد.» [۱۳]

« 977- یرصبح الرجل مؤمنا و یمسی کافرا، و یمسی مؤمنا و یرصبح کافرا، یربع احدکم دینه بعرض من الدنیا قلیل .»

«انسان در حال ایمان صبح می کند و در حال کفر روز را به شب می رساند و انسان در حال ایمان شب می کند و در حال کافر صبح می کند، دین خود را به متاعی اندک از ختام دنیا می فروشد.» [۱۴]

امام صادق (ع) نیز در این زمینه می فرماید :

«-978 بین یدی الساعه فتن كقطع الليل المظلم، یصبح الرجل منكم مؤمنا و یمسی كافرا، و یمسی مؤمنا و یصبح كافرا. یبیع اقوام دینهم بعرض الدنيا.»!

«در پیشقدم ظهور، فتنه هائی چون تیرگی های شب فرو ریزد، انسان اول صبح مؤمن می باشد و آخر روز ایمانش را از دست می دهد، اول شب مؤمن است و تا پایان شب ایمانش از او گرفته می شود. اقوامی از مردم دین خود را به چیزی اندک از متاع زودگذر دنیا می فروشند.»

این حدیث دقیقاً با نسل جوان امروزی منطبق است که از دین و آئین روی برتافته، به احزاب و مکتبهای سیاسی روی آورده، صبح در حزبی و عصر در حزبی دیگر ثبت نام می کنند، امروز در یک خط و فردا در خطی دیگر گام می سپارند، صبح در مکتبی و عصر در مکتبی دیگر تلاش می کنند .

این حدیث از امام باقر (ع) نیز به این تعبیر نقل شده است :

«-979 یصبح احدهم و هو یری انه علی شریعه من امرنا و یمسی و قد خرج منها و یمسی علی شریعه من امرنا، و صبح و قد خرج منها.»

«یکی از شما صبح می کند در حالیکه پیرو راه آئین ما دیده می شود، و شب می کند در حالیکه از آئین ما بیرون رفته است. یا اول شب در آئین ما می باشد و صبح از آن خارج می شود.» [۱۵]

از امام جواد (ع) نیز به این تعبیر رسیده است :

«-980 وقبل ذلك فتنه شر: یمسی الرجل مومنا و یصبح كافرا، و یصبح مومنا و یمسی كافرا. فمن ادرك ذلك الزمان فليتنق الله و لیکن من احلاس بیته»

«پیش از آن روز موعود فتنه جانکاهی است که انسان در حال ایمان شب می کند و در حال کفر صبح می کند، یا در حال ایمان صبح کرده، در حال کفر شب می کند. هر کس چنین زمانی را درک کند گلیمی از گلیمهای خانه اش باشد.» [۱۶]

منظور امام (ع) اینست که در چنین زمانی در خانه های خود پابرجا باشید و وارد این فتنه ها نشوید .

امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید :

« 981- إذا كان ذلك فكونوا احلاس بيوتكم حتى يظهر الطاهر بن المطهر، ذوالغيبه الشريد الطريد. ان الفتنة على من اثارها. انهم لا يريدونكم بحاجه الا اناهم الله بشاغل لامر يعرض لهم .»

«هنگامی که چنین زمانی فرا رسد، گلیم خانه خود باشید تا خداوند امام غائب، غریب و فراری را که پاکیزه و پسر پاکیزه است، ظاهر سازد. هر کس فتنه ای به پا کند، خود گرفتار همان فتنه گردد. هر وقت برای هدفی شما را مورد هجوم قرار دهند خداوند برای آنها حادثه ای پدید آورد که سرشان آنجا گرم شود و از شما بازمانند.» [۱۷]

پیشوای ششم شیعیان در حدیث دیگری می فرماید :

« 982- كفوا الستكم و الزموا بيوتكم، فانه لا يصيبكم امر تخصون به ابدًا .»

«زبان های خود را رعایت کنید، از خانه های خود بیرون نروید که هرگز حادثه ای برای شما پیش نمی آید که اختصاص به شما داشته باشد.» [۱۸]

آنگاه رسول اکرم (ص) در ادامه علایم آخر الزمان می فرماید :

« 983- ان القوم سيفتنون باموالهم و يمنون يدينهم على ربههم و يتمنون رحمة و يآمنون سطوته. و يستحلون حرامه بالشبهات الكاذبه و الالهواء الساهيه. فيستحلون الخمر بالنبيذ، والسحت باهديه، و الربا بالبيع .»

«به راستی این امت به اموال خود گرویده، با دین خود بر پروردگارشان منت نهاده، به رحمت او امیدوار و از خشم او در امان بوده، با شبهه های دروغین و وسوسه های خلاف، پای در حریم محرمات می گذارند: مشروب را به نام نبیذ، رشوه را به نام هدیه و ربا را به نام داد و ستد، حلال پنداشته؛ می خورند [19] .»

و اینها حوادث تلخ روزگار ماست که پول را به جای معبود می پرستند و با نماز و روزه بر خدای منت می نهند و انواع محرمات را با تحلیلهای غلط خود مرتکب می شوند .

« 984- إذا كثرت الجور و الفساد، و ظهر المنكر، و امرت امتی به، و نهی عن المعروف، و یكنكرون الامر بالمعروف و النهی عن المنكر .»

«هنگامی که ستم و تباهی فراوان شود، منکر آشکار گردد، امت من امر به منکر و نهی از معروف کنند، امر

به معروف و نهی از منکر را فراموش کنند [20]».

« 985- اذا صار الناس سماعين للكذب، اكالين للسحت، يستحلون الربا و الخمر و المقالات و الطرب و المعازف .»

«هنگامی که مردم به دروغ گوش فرا دهند، حرام و رشوه بخورند، ربا را جایز بشمارند، شراب و قمار و لهو و لعب را حلال بدانند...» [۲۱]

درست آنچنانکه ما هستیم و در جامعه ما حکمفرماست که حتی مراسم مذهبی نیز با لهو و لعب آمیخته است !.

« 986- اذا تواخى الناس على الفجور، و تهاجروا على الدين، و تحابوا على الكذب، و تباغضوا على الصدق... فان كان ذلك كان الولد غيظاً، و المطر فيظا .»

«هنگامی که مردم برای کارهای ناشایست تعاون و همکاری کنند، و در احکام مذهبی از یکدیگر دوری جویند، برای دروغ همدیگر را دوست بدارند و برای راستگویی از یکدیگر قهر کنند... اگر اینها واقع شود، اولاد عاق والدین می شود، باران کمتر و در غیر موقع می بارد، لثیمان هر لحظه در افزایش و کریمان هر لحظه کاهش می یابند !».

« 987- و كان اهل ذلك الزمان دنابا، و سلاطينه سباعا، و اوساطه اكالا، و فقراوه امواتا .»
«اهل آن زمان همچون گرگ می باشند و پادشاهان آنها همچون درندگان وحشی، فقیران آنها همچون مردگان و طبقه متوسط آنها مرده خوارند.» [۲۲]

« 988- و غار الصدق، و فاض الكذب، و استعملت الموده باللسان، و تشاجر الناس بالقلوب، و صار الفسوق نسبا، و العفاف عجبا، و لبس الاسلام لبس الفرو مقلوبا .»

«راستی و درستی کمیاب می شود، دروغ همه جا را فرا می گیرد، دوستی و صمیمیت به سر زبانها اختصاص می یابد و در اعماق دل همه با یکدیگر خصومت می ورزند، کارهای نامشروع مایه مباهات شده، عفت و خویشتن داری موجب اعجاب و شگفت می شود، اسلام وارونه می گردد همانند پوستینی که وارونه پوشیده شود [23]».

چه کسی از مسلمانان یافت می شود که اسلام را پوستین وارونه نپوشانیده باشد؟! هر کسی اسلام را به دلخواه تفسیر و تحلیل می کند، قاضی اسلامی در مسند رسول اکرم (ص) نشسته، احکام و قضاوت های آنحضرت را زیر پا می گذارد، و به جای تشخیص حق، به سوی رشوه روی می کند و براساس رشوه داوری می کند و از نشستن بر سر سفره شراب دوری نمی گزیند، رجال دین به جای شب زنده داری، به مجالس شب

نشینی روی می آورند، به جای مطالعه و مباحثه، به فیلمهای سینمایی و صفحات تلویزیون خیره می شوند، به جای موشکافی در مشکلات علمی، به بحث و بررسی آثار هنری و شرح حال هنرمندان می پردازند، متدینین به ریا و تظاهر پرستش می کنند، ثروتمندان از مکیدن خون بی نوایان سیر نمی شوند، مستمندان با یکدیگر کینه و عداوت به ثروتمندان می نگرند، و هر طبقه ای از طبقات مسلمین شریعت اسلامی را دگرگون ساخته اند همچون پوستینی که وارونه پوشیده شود. اینجاست که پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

« 989- اذا انتهكت المحارم، و اكتسبت المآثم، و سلط الاشرار علی الاخیار، و یقشو الكذب، و یتباهون باللباس ».»

« هنگامی که حریمها مورد تجاوز واقع شود، گناهان عملی گردد، اشرار بر نیکان مسلط شوند، دروغ شایع گردد و مردم به جامه های خود مباحثات کنند [24] ».»

« 990- اذا كثرت الزنا بعدی، كثرت موت الفجاء، و اذا طف المکیال و المیزان اخذهم الله بالسنین و النقص، و اذا منعوا الزكاه منعت الارض برکاتها من الزرع و الثمار و المعادن كلها. و اذا جار الحکام، تعاونوا علی الظلم و العدوان. و اذا تقضوا العهد سلط الله علیهم عدوهم. و اذا قطعوا الارحام جعلت الاموال فی ایدی الاشرار ».»

« هنگامی که بعد از من فحشاء و منکر رواج پیدا کند، مرگهای ناگهانی فراوان شود و کم فروشی رائج گردد، خداوند آنها را با قحطی و گرسنگی گرفتار سازد. هنگامی که زکات داده نشود، زمین برکتهای خود را از معدن و میوه و زراعت منع می کند. هنگامی که زمامداران ستمگری پیشه کنند، آنها خود بر ظلم و تجاوز همکاری کنند. هنگامی که پیمانها را بشکنند، خداوند دشمن را بر آنها چیره کند. و هنگامی که پیوند خویشاوندی را قطع کنند ثروتها در دست اشرار قرار می گیرد.» [۲۵]

امروز ثروت مسلمانان در دست اشرار است، اموال نقدی آنها در بانکهای خارج، طلای سیاه آنها به دست غربی ها پالایش شده، در کارگاه های آنها تبدیل به اسلحه شده، به دست مسلمانان برگشته، به دست آنها بر سر یکدیگر فرو می ریزد .

در حدیث دیگری از رسول اکرم (ص) نقل شده که: «هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر و پیروی نیکان از اهل بیت من، ترک شود، خداوند اشرار را بر آنها مسلط می گرداند.» و امروز در همه سرزمین های اسلامی اشرار بر آنها مسلط شده است و آن، نوعی انتقام حضرت پروردگار به دست اشرار خلق است .

«... 991- و رایت العقوق قد ظهر، و استخف بالوالدین ».»

« و می بینی که عاق والدین بودن رواج یافته، پدر و مادر سبک شمرده می شوند.» [۲۶]

...» -992 و یعیرونه بضیق المعیشه، و یکلفونه ما لایطیق، حتی یوردوه موارد الهلکه .»

«انسان را با تنگدستی و ضیق معیشت سرزنش می کنند و او را به چیزی که توانش را ندارد وادار می سازند، تا او را به راهی که برگشت ندارد وارد کرده، به هلاکت بیندازند.» [۲۷]

« -993 یجفو الرجل والدیه و یبر صدیقه »

«انسان به پدر و مادرش جفا کرده، با دوستانش از راه وفا و صفا وارد می شود.» [۲۸]

« -994 یفتری الولد علی ابیه و یدعو علی والدیه، و یفرح بموتهما .»

«فرزند به پدرش تهمت می زند، بر پدر و مادرش نفرین می کند و از مرگ آنها مسرور می شود.» [۲۹]

« -995 یحسدُ الرجل اخاه، و یسب اباه، و یتعامل الشركاء بالخیانه !»

«مرد به برادرش حسد ورزیده، به پدرش دشنام می دهد و با شریکان از راه خیانت وارد می شود.» [۳۰]

با کمال تأسف همه این صفات نکوهیده در میان ما رواج یافته است .

« -996 اذا قطعوا الارحام، و منوا بالطعام، و اذا ذهب رحمة الاکابر، و قل حياء الاصاغر !»

«هنگامی که پیوند خویشاوندی قطع شود، برای اطعام منت گذارند، مرحمت از دل بزرگان رخت بر بندد و حياء از روی کوچکان گرفته شود.» [۳۱]

« -997 یکون هلاک الرجل علی یدی ابویه، فان لم یکن له ابوان فعلی یدی زوجته و ولده. فان لم یکن له زوجة و ولد فعلی یدی قرابته و جیرانه »

«هلاکت انسان به دست پدر و مادرش تحقق می یابد، اگر پدر و مادر نداشته باشد، به دست همسر و فرزندان، و اگر همسر و فرزندی نداشته باشد، به دست خویشان و همسایگانش.» [۳۲]

« -998 اذا استعلن الفجور و قول البهتان و الائم و الطغیان ... و اکرم الاشرار .»

«هنگامی که روابط نامشروع علنی شود، گناه، بهتان و مرزنشناسی آشکار گردد، اشرار مورد احترام قرار گیرند...» [۳۳]

« -999اذا دب الكبر في القلوب ديبب السم في الابدان، و ظهرت الجرائم، و هونت العظام ».

« هنگامی که تکبر و خودپرستی در اعماق دلها نفوذ کرد، آن سان که سمومات در بدنها نفوذ می کنند، گناهها علنی شد و محرمات الهی سبک شمرده شد.» [۳۴]

« -1000اذا مشت امتی المطیطا، و خدمتهم ابناء فارس و الروم »

« هنگامی که امت من با تبختر گام بسپارند و فرزندان فارس و روم به خدمت آنها در آیند.» [۳۵]

امروز امت اسلامی با تبختر راه می رود و تمام شرق و غرب به خدمت آنها در آمده اند و در برابر این خدمت دو خواسته جزئی از آنها دارند :

1-دین خود را برای دنیا آنها بفروشند و به مبانی عقیدتی آنها معتقد شوند .

2-کلید نفت را به دست آنها بسپارند و درآمد سرشار نفت را به جیب آنها سرازیر کنند تا چرخ اقتصاد آنها بچرخد. با پذیرش این دو شرط همه شرق و غرب در خدمت آنها هستند و آنها می توانند با تبختر و سرفرازی روی زمین گام نهند. ولی هر چه گام های خود را محکم بزنند هرگز نمی توانند زمین را بشکافند و هر چه گردنهای خود را استوار بگیرند نمی توانند به بلندی و استواری کوهها باشند. بلکه دشمنان آنها، از شرق و غرب به سوی آنها می تازند و جهان را با این وسعت در دیدگان آنها تنگ می نمایند .

« -1001یکتر فیهم المال، و یعظم اصحاب المال .»

«ثروت در میان آنها فراوان شود و ثروتمندان مورد احترام باشند.» [۳۶]

امروز ثروت کشورهای اسلامی، بانکهای اروپا و آمریکا را می چرخاند و همه منابع ثروت و معادن زیرزمینی ما در دست آنهاست و ما آنها را به سبب اموالی که از ما به یغما برده اند، احترام می کنیم! آنگاه در مورد آن روز پرشکوه می فرماید :

« -1002یکون ذلک اذا عظمت اعنیاکم، و اهتتم فقراء کم ... و رایت الخلق فی المجالس لایتابعون الا الاغنیاء .»

«و آن هنگامی است که ثروتمندان را احترام کنید و مستمندان را خوار بشمارید، و در محافل و مجالس ببینید که مردم به دنبال ثروتمندان هستند [37] .»

« -1003اذا ساد القبیله فاسقهم، و کان زعیم القوم اردلهم، و اکرم الرجل مخافه شره، و ظهرت القینات و

المعارف، و لعن آخر الامة اولها. فارتقبوا عند ذلك ريحا حمراء، و زلزله، و مسخا، و قذفا، و آيات تنابع كنظام بال قطع سلكه فتتابع .»

«هنگامی که فاسق مردمان بر آنها حکومت کند، پست ترین مردم رهبر آنها شود، اشرار از ترس شرارت مورد احترام باشند، غنا و موسیقی علنی گردد، و هر ملتی ملت‌های پیشین را لعن کنند، در چنین زمانی منتظر باد سرخ شوید، منتظر زلزله، مسخ، خسف و دیگر نشانه‌های عذاب شوید که همچون دانه‌های گردن بندی که رشته‌اش گسسته شود، یکی پس از دیگری بر شما فرود آید.» [۳۸]

« 1004- يتجاهر الناس بالمنكرات ... فينفق المال للغناء .»

«مردم به انجام منکرات تظاهر می‌کنند و اموال فراوان برای غنا و موسیقی خرج می‌کنند.» [۳۹]

درست همانند زمان ما و با مخارج سرسام آور استادیوم‌های هنری و ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون، و دیگر ابزار و ادوات موسیقی .

« 1005- ليشربن اناس من امتي الخمر، يسمونها بغير اسمها. و يضرب على رؤوسهم بالمعارف .»

«گروهی از امت من نام مشروب را عوض کرده، آن را می‌خورند، و بالای سر آنها ادوات موسیقی زده می‌شود.» [۴۰]

درست مانند بارها، کازینوها و دیگر مجالس لهو و لعب و شب نشینی، که برنامه‌های رقص، شراب، موسیقی و غنا دایر است و در آنها انواع مشروبات از ویسکی و شامپانی و دیگر مسکرات بدون اینکه نام «خمر» در میان باشد، چون آب خورده می‌شود و آلات موسیقی بالای سرشان نواخته می‌شود. و این حدیث نیز می‌رساند که فاسقان امت هم اکنون در میان ما هستند و روز موعود نزدیک است .

« 1006- يظهر القمار، و يباع الشراب ظاهرا ليس له مانع .»

«قمار علنی می‌شود و مشروبات به طور علنی فروخته می‌شود و کسی جلوگیری نمی‌کند.» [۴۱]

با کمال تأسف در پایتخت‌های ممالک اسلامی آشکارا مجالس شراب و قمار دائر می‌شود و انواع مشروبات الکلی به طور علنی خرید و فروش می‌شود .

«... 1007- و من اكل اموال اليتامي يحمد بصلاحه »

«کسیکه اموال یتیمان را بخورد به عنوان آدم شایسته مورد ستایش قرار می‌گیرد.» [۴۲]

« 1008- تقسم اموال ذوی القربی بالزور، و یتقامر علیها، و تشرب بها الخمر. »

« اموال خویشاوندان پیامبر (ص) به زور و باطل خورده می شود. با آن اموال شراب می خورند و قمار می بازند. » [۴۳]

یعنی مردم سهم امام و سادات را نمی پردازند و آنها را چون دیگر اموالشان در مصارف غیر مشروع خرج می کنند .

« 1009- لیاتین علی الناس زمان، یتحلون الخمر، علیهم لعنه الله و الملائکه و الناس اجمعین . »

« زمانی پیش می آید که مردم خمر را حلال می شمارند، لعنت خدا و آدمیان و فرشتگان عموماً بر آنها باد. » [۴۴]

« 1010- یأتی علی الناس زمان هم ذئاب. فمن لم یکن ذنبا اكلته الذئاب . »

« زمانی پیش آید که مردم گرگ درنده می شوند، هر کس گرگ نباشد گرگها او را می خورند. » [۴۵]

« 1011- اذا لبس الناس جلود الضان علی قلوب الذئاب، و قلوبهم اتتن من الجیف، و امر من الصبر »

« هنگامی که مردم بر روی دلهای درنده خوی خود جامه میش بپوشند، دلهای آنها از مردار گندیده تر و از حنظل تلختر است. » [۴۶]

« 1012- کلامهم احلی من العسل، و قلوبهم امر من الحنظل! ما من یوم الا یقول الله تعالی: امنی تفرون، ام علی تتجر اون؟ افحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لاترجعون؟! »

« گفتارشان از عسل شیرین تر، دلهایشان از حنظل تلختر است، خداوند هر روز به آنها می فرماید: آیا از من فرار می کنید؟! یا بر من جرئت می کنید؟! » [47] !آیا پنداشته اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی شوید. » [۴۸]

« 1013- اذا کثر الطلاق، ولایقام حد . »

« هنگامی که طلاق بسیار باشد و حدود الهی اقامه نشود. » [۴۹]

بعد از حکومت مولای متقیان، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) دیگر حدود الهی اجرا نشد، و اگر در بعضی از

مقطعه‌های تاریخی حدی اجراء می شد از نظر میزان و معیارهای الهی اجراء نمی شد، دست آفتابه دزد بریده می گشت ولی دست کسی که تمام ثروت یک مملکت را می دزدید بریده نمی شد، فزونی طلاق نیز در نیمه دوم قرن بیستم به صورت چشمگیری افزایش یافته است، حتی در برخی از مذاهب مسیحی که طلاق مشروعیت نداشت، شیوع و مشروعیت یافته است. و در برخی از کشورها به زنها نیز حق طلاق داده شده است .

« 1014- لتركبن سنن من كان قبلکم شبراً بشبر و ذراعاً بذراع، لو ان احدهم دخل فی حجر صب لدخلتم فیہ، و حتی ان احدهم لوجامع امراته فی الطریق لفعلموه . »

« آنچه در میان اقوام گذشته واقع شده، مو به مو واقع خواهد شد، از هر راهی که آنها رفته اند شما نیز وجب به وجب و قدم به قدم از آن راه خواهید رفت، اگر یکی از آنها به لانه سوسماری وارد شده باشد، شما نیز انجام خواهید داد، اگر یکی از آنها با همسر خود در رهگذر تماس گرفته باشد شما نیز انجام خواهید داد. » [۵۰]

تقلید از اقوام باستانی به عناوین مختلف در میان امت اسلامی رائج شده، فقط بخش اخیر واقع نشده، که در غرب تقریباً به صورت عملی درآمده و با این وضع منابه و محاکاتی که در شرق از غرب آغاز شده، دور نیست که در مشرق زمین نیز چنین حالت بی بند و باری پیدا شود! چنانکه در حدیث آمده :

« 1015- رأیت الناس یتسافدون کما تتسافد البهائم، لاینکر احد منکرا تخوفا من الناس . »!

« مردم را می بینی که همانند چهارپایان به طور علنی روابط جنسی برقرار می کنند و کسی از ترس مردم نمی تواند آن را تفتیح کند. » [۵۱]

با کمال تأسف این صفت رذیله به عنوان یکی از مظاهر تمدن در غرب آغاز شده، و برخی از مراحل آن به نشانه روشنفکری در مشرق زمین نیز شروع شده است که از نقل نمونه های آن قلم شرم دارد ولی جوانان خود باخته ایکه پیروی کورکورانه، از غرب را در سرلوحه «خود روشنفکرینی» خویش قرار داده اند، از ارتکاب آن شرم ندارند. اینجاست که باید در انتظار فرا رسیدن روزگار سخت و دشواری بود که اثر وضعی این گناهان و نتیجه قطعی ترک امر به معروف و نهی از منکر است که طبق فرموده پیامبر اکرم (ص) واقع خواهد شد. و امروزه برخی از نشانه های آن چون پیمان شکنی، شیوع جنگ و کشتار، و فراگیر شدن اضطرابها و تشویشها و دیگر حوادث جانکاه آغاز گشته است .

امیرمؤمنان (ع) می فرماید :

« 1016- یصبح الامر بالمعروف ذلیلاً، والفسق فیما لایحب اللّٰه محمودا . »

«کسیکه امر به معروف کند خوار می شود و کسیکه مرتکب گناه شود مورد ستایش قرار می گیرد.» [۵۲]

«...» -1017 ولایزداد الامر الا شده، ولا الدنيا الا ادبارا»

«هر روزی که می گذرد اوضاع سخت تر می شود و دنیا بیشتر پشت کند.» [۵۳]

«-1018 یأتین علی الناس زمان، یضرف فیہ الفاجر، و یقرب فیہ الماجن، و یضعف فیہ المنصف.»

«برای مردم زمانی پیش آید که فاجران مورد احترام قرار گیرند، و ندیمان (دلقکها) مقرب شوند و منصفان زبون گردند.» [۵۴]

«-1019 یأتی علی الناس زمان لایقرب فیہ الا الماحل، ولا یظرف فیہ الا الفاجر، ولا یضعف الا المنصف، یعدون الصدقه فیہ غرما، و صله الرحم منا، و العباده استطاله علی الناس. فعند ذلك یكون السلطان بمشوره النساء، و اماره الصبیان، و تدبیر الخصیان.»

«برای مردم زمانی پیش آید که جز حيله گر احترام نشود، به جز آدم فاجر تحلیل نگردد، به جز آدم منصف خوار نشود، تصدق را جریمه پندارند، صله ارحام را با منت انجام دهند و عبادت را برای فخرفروشی به مردم بجا آورند. در چنین زمانی حکومت با مشورت زنان، امارت کودکان و تدبیر خواجه گان می شود.» [۵۵]

آنگاه وقت آن را چنین بیان می کند :

«-1020 قبلت شهادة الزور، وردت شهادة العدل، و استخف الناس بالدماء، و ارتكب الزنا، و اكل الربا، و اتقى الاشرار مخافه الستهم.»

«و آن هنگامی است که شهادت دروغ پذیرفته شود و شهادت عادل رد شود، مردم خون را سبک بشمارند، زنا رائج شود، رباخواری معمول گردد، و اشرار از ترس زبانشان مورد احترام باشند.» [۵۶]

«-1021 علامه ذلك اذا امات الناس الصلاة، و اضاعوا الامانه، و استحلوا الكذب، و اكلوا الربا، و اخذوا الرشی، و شيدوا البنیاف و باعوا الدین بالدنیا. و استعملوا السفهاء، و شاوروا النساء، و قطعوا الارحام، و اتبعوا الاهواء، و استخفوا بالدعا، و ظهرت شهادات الزور، و استعمل الفجور و قول البهتان والاثم و الطغیان.»

«نشانه آن هنگامی است که مردم نماز را بمیرانند، امانت را ضایع گردانند، دروغ را جایز بشمارند، رباخواری کنند، رشوه بگیرند، بناها را محکم و مرتفع بسازند، دین را برای دنیا بفروشند، سفیهان را به کار بگیرند، با زنها مشورت کنند، قطع رحم نمایند، از هوای نفس پیروی کنند، خونها را سبک بشمارند، شهادت های دروغ

آشکار شود، فحشاء معمول گردد، گناه، بهتان و مرز شکنی رائج شود.» [۵۷]

« 1022-وتعاملوا بالربا، و تظاهروا بالزنى... و استحلوا الكذب، و اتبعوا الهوى »!

«در معاملات ربا بگیرند، به عمل نامشروع تظاهر کنند، دروغ را جایز بشمارند و از هوای نفس پیروی کنند.» [۵۸]

درست همانند مردم زمان ما !

« 1023-اذا رایت کل عام یحدث فیه من الشر والبدعه اکثر مما کان .»

«و آن هنگامی است که هر سال بیش از سالهای پیش، بدعت و شر احداث گردد.» [۵۹]

« 1024-بین یدی القائم سنین خداعه، یکذب فیها الصادق، و یصدق فیها الکاذب، و یقرب فیها الماحل، و ینطق الرویبهضه .»

«در آستانه ظهور قائم (عج) سالهای فریبنده ایست. در آن سالها رساتگو تکذیب می شود و دروغگو تصدیق می شود، افراد حيله گر مقرب و محترم می شوند، و اشخاص پست و فاقد صلاحیت سخنگو می گردند.» [۶۰]

آیا این روزها را در پیش رو نداریم؟! مگر در زمان ما دروغگویان مورد تصدیق و راستگویان مورد تکذیب نمی باشند؟! مگر مسائل مهم کشوری به دست افراد پست و بی صلاحیت نیست؟! مگر افراد نالایق سخنگوی سازمان ها و مؤسسه های مهم جهان نمی باشند؟! مگر جز اینست که افراد شایسته و با صلاحیت فراری و منزوی، و افراد بی صلاحیت بر سر کار و مقام است؟! آری در جامعه ای که افراد با شخصیت مورد هجوم و حمله مردم بی خرد و بی تمیز باشد انتظار دیگری نیست .

« 1025-اذا اخذ الباطل ماخذة، و ركب الجهل مراکبه، و هدر فنیق الباطل بعد کظوم، و تاخی الناس علی الفجور، و تهاجروا علی الدین، و تحابوا علی الکذب، و تباغضوا علی الصدق »

«هنگامی که باطل پابرجا شود، جهالت بر سریر قدرت بنشیند، و زنگ باطل پس از یکدوره سکوت به صدا در آید، مردم برای کارهای ناشایست دست برداری به یکدیگر بدهند، در مورد امور دینی از یکدیگر دوری بجویند، برای دروغ دوستی کنند و به جهت راستگویی دشمنی بورزند.» [۶۱]

تنها زمانی که زنگ باطل ساکت بود مدت چهار سال و اندی در عهد خلافت مولای متقیان امیرمؤمنان (ع) بود و

پس از شهادت آنحضرت همواره زنگ باطل به صدا در آمده و تلاش برای اقامه باطل آغاز شده و همواره ادامه دارد، تا تداوم بخش حکومت علی (ع) ظهور کند و باطل را از ریشه و بن بر کند. انشاء الله .

«-1026 اذا كان اهل ذلك الزمان ذئاباً و سلاطينه سباعاً، و اوساطه اكالا، و فقراؤه امواتا .»

«اهل آن زمان گرگ، پادشاهان آنها درنده، مردم متوسط آنها خورنده و بی نوایان آنها چون مردگان افسرده باشند.» [۶۲]

«-1027 يستحل الفتيان المغانى و شرب الخمر .»

«جوانان غنا و مشروبات را حلال می شمارند.» [۶۳]

«...-1028 و يفتخرون بشرب الخمر، و يضربون في المساجد بالعيدان و المزامير، فلا ينكر عليهم احد. اولاد العلوج يكونون في ذلك الزمان الاكابر، و يرعى القوم سفهاؤهم .»

«با شرب خمر مباحات نموده، در مساجد نی و بر بط زنند و کسی بر آنها اعتراض نکند، کافرزاده ها در آن زمان بزرگ شمرده می شوند و سفیهان زمام قوم را برعهده بگیرند.» [۶۴]

مسجد اقصی مرکز لهو و لعب شده، کافرزاده ها بر سرزمین مقدسی چون فلسطین حکومت می کنند، در دیگر مساجد نیز به عناوین مختلف لهو و لعب و موسیقی پخش می شود و بدینگونه فرمایش امام بزرگوار تحقق یافته است .

«-1029 ورايت السلطان يحتكر الطعام»

«و می بینی که پادشاه مواد غذایی را احتکار می کند.» [۶۵]

چنانکه زمامداران امروزی خرید و فروش گندم را به خود اختصاص داده، آن را انبار کرده، طبق موازین خاصی به نانواییها، قنادیها و غیره توزیع می کنند .

«-1030 والفقير بينهم ذليل حقير، و المؤمنت ضعيف صغیر و العالم عندهم وضيع، و الفاسق عندهم مكرم، و الظالم عندهم معظم، والضعيف عندهم هالك، و القوی عندهم مالك .»

«آدم مستمند در میان آنها خوار و زبون است، شخص با ایمان در نزد آنها ضعیف و حقیر است، فرد با فضیلت در چشم آنها پست و بی مقدار است، ولی در مقابل شخص فاسق محترم و فرد ستمگر مورد تعظیم و احترام است. ضعیف در میان آنها پایمال و قوی در نزد آنها صاحب اختیار است.» [۶۶]

« 1031- ویبطل حدود ما انزل الله فی کتابه علی نبیه محمد (ص) و یقال : رای فلان، و زعم فلان، و یتخذ الراء و القیاس، و ینبذ الاثار، فعند ذلك تشرب الخمر و تسمى بغير اسمها و یضرب علیها بالعرطبه و الکوبه و القینات و المعارف، و تتخذ آتیه الذهب و الفضة.»

«در آن زمان حدود و قوانین الهی که بر پیامبرش محمد (ص) نازل کرده، از بین می رود، گفته می شود: فلانی چنین گفته!، رای فلانی چنین است!، تابع آراء و عقاید دیگران می شوند و سنت پیامبر (ص) را ترک می کنند، در آن زمان مشروبات به نام های دیگر رائج می شود، در مجالس شرب، ساز و آواز، نرد و شطرنج، غنا و موسیقی معمول می گردد و ظرفهای طلا و نقره رواج می یابد [67] .»

دیدگان نافذ امیرمؤمنان (ع) از پشت چهارده قرن فاصله زمانی، عصر ما را دقیقاً مشاهده کرده، مجالس رقص و شرب امروز را آنچنانکه امروز معمول است توصیف کرده است! و اینجاست که حجت بر شیعیان آن حضرت تمام است، آنها نباید از شرق و غرب پیروی کنند، آنها نباید به این و آن بگرایند، آنها نباید به یکی از دو بلوک شرق و غرب بپیوندند، آنها نباید تصور کنند که بدون تکیه به یکی از دو ابر قدرت نمی توانند روی پای خود بایستند!، این ما هستیم که نتوانسته ایم مسلمان واقعی باشیم، این مائیم که خود را با تعالیم حیاتبخش اسلام تطبیق نکرده این. اگر ما مسلمان باشیم و قوانین اقتصادی اسلام را پیاده کنیم دیگر دو بلوک شرق و غرب برای نسل جوان جذبه ای نخواهد داشت، زیرا اسلام نیازمندیهای تمام مستمندان، سالخوردگان، زمین گیرها و دیگر نیازمندان را منظور کرده، ۲۰ درصد سود خالص ثروتمندان را تحت عنوان «خمس» و قسمتی از ثروت ثابت آنها را تحت عنوان «زکات» به تأمین نیازمندیها اختصاص داده است. اگر این قوانین پیاده شود هرگز نیازمندی در سراسر جهان اسلام یافت نمی شود .

« 1032- دخل الناس فی دین الله افواجا، و سیخرجون منه افواجا »

«مردم آن سان که دسته دسته وارد اسلام شده اند، دسته دسته از دین خدا خارج می شوند.» [۶۸]

پیشوای ششم شیعیان در این رابطه می فرماید :

« 1033- یخرج الناس من دین الله افواجا کما دخلوا فیطه افواجا »

«مردم از دین خدا دسته دسته بیرون می روند، آنچنانکه دسته دسته به آن داخل شده اند.» [۶۹]

امروز هر بانگی از حلقومی بر می آید و مردم را به سوی مکتبی فرا می خواند، دسته دسته مردم به سوی او روی می آورند و از آئین باستانی خود دست می شویند، مگر اینکه به سوی آئین حق دعوت کند، در این صورت توجهی به او و محتوای دعوت او نمی شود و به ویژه اگر به سوی امام غائب دعوت کند که مثل او در

این زمان مثل حضرت نوح است که هر چه بیشتر دعوت کند مردم بیشتر فرار می کنند، از اینجاست که امام صادق (ع) می فرماید :

« 1034- یخرج بعد ایاس، و حتی یقول الناس: لا مهدی! »

«او هنگامی ظهور می کند که مردم دیگر نومید شوند و بگویند: مهدی نیست!!» [۷۰]

پس از نومیدی و بدگمانی مردم، دیگر چه باید کرد؟ مگر می توان از مقدرات فرار کرد؟! از تقدیرات الهی کجا باید فرار کرد و پناه برد؟! امیرمؤمنان که بهتر از همه مردم آخرالزمان را شناخته است چنین می فرماید :

« 1035- لقد خالط الشیطان ابدانهم و ولج فی دمائهم!. و یوسوس لهم بالافک حتی ترکب الفتن الامصار، و یقول المؤمن المسکین المحب لنا: انی من المستضعفین!. و خیر الناس یومئذ من یلزم نفسه، و یختفی فی بینه عن مخالطه الناس . »

«شیطان در نسوج بدنشان شرکت جسته، با خونشان آمیخته، همراه خون در شریان هایشان حرکت می کند، همواره آنها را به تهمت و افترا تشویق می کند، تا فتنه ها افق شهرها را فراگیرد، مؤمن بینوائی که دوستدار ما باشد می گوید: من از مستضعفان هستم، و بهترین مردم در آن روزگار کسی است که مواظب خود باشد و در خانه خود، خویشتن را از معاشرت مردم باز دارد.» [۷۱]

امیدوارم خواننده عزیز با توجه به این حدیث شریف از بهترین مردم روزگار باشد و از فرمان مولایش امیرمؤمنان (ع) پیروی کند .

امام باقر (ع) می فرماید :

« 1036- یخرج الا اذا عض الزمان و جفا الاخوان، و ظلم السلطان . »

«او ظاهر نمی شود مگر پس از آنکه زمانه سخت دشوار باشد، برادران ستم کنند و زمامداران ستمگری پیشه سازند.» [۷۲]

« 1037- انی یکون ذلک و لم یعص الزمان؟. انی یکون ذلک و لم یجف الاخوان؟. انی یکون ذلک و لم یظلم السلطان؟! »

«چگونه ممکن است هم اکنون ظاهر شود در حالیکه هنوز زمانه سخت نشده (کارد به استخوان نرسیده) برادران ستم نکرده اند و سلاطین ستمگری پیشه نساخته اند.» [۷۳]

و اینک کارد به استخوان رسیده، برادران ستم پیشه کرده اند و سلاطین در خیانت و جنایت حد و مرزی نمی شناسند .

« 1038- إذا ظهرت بiece الصبی قام کل ذی صیصیه بصیصینه »

« هنگامی که بیعت کودک آشکار شود هر مسلحی اسلحه به دست می گیرد.» [۷۴]

و امروز کودکان حکومت می کنند و هر صاحب سلاحی، سلاح به دست گرفته، و همه آنچه در احادیث فوق اشاره شده، تحقق یافته است .

« 1039- إذا اصبح المؤمن ذلیلاً، و المنافق عزیزاً، و یكون المؤمن اذل من الامه . »

« هنگامی که مؤمن تحقیر شود و منافق عزیز باشد و فرد با ایمان از کنیز هم زیور تر گردد.» [۷۵]

« 1040- یرج الا بعد فتنه تستحل فیها المحارم کلها! ثم تانیه الخلفه و هو قاعد فی بیته و هو خیر اهل الارض .»

« او ظاهر نمی شود جز بعد از فتنه ای که همه محارم الهی جایز شمرده شود، آنگاه خلافت به سوی او می شتابد هنگامی که او در خانه اش (مسجد الحرام) نشسته باشد. و او بهترین اهل زمین است.» [۷۶]

در ضمن فتنه هائی که تاکنون روی داده به حریم همه محرمات الهی تجاوز شده است ولی در این حدیث فتنه سفیانی منظور است که در تاریخ چنین فتنه ای سابقه نخواهد داشت. با فرا رسیدن این فتنه، همه مردم به دنبال مصلح غیبی می گردند، همه تشنه عدالت می شوند، همه عاشق شیدای حکومت واحد جهانی می شوند و آنگاه حجت خدا ظاهر می شود و عدالت را در پهنه گیتی می گسترد. به امید آن روز .

امام صادق (ع) می فرماید :

« 1041- یرج حین تغیر البلاد، وضعف العباد، و حین الیاس من الفرج . »

« او به هنگام دگرگونی شهرها، زبونی بندگان و به هنگام نومیدی مردم از فرج، ظاهر می شود.» [۷۷]

همه جا دگرگون شده، بندگان خدا خوار و زبون گشته، کابوس یأس و نومیدی بر دلهای بسیاری از مردمان سنگینی می کند .

« 1042- یوذی الجار جاره، لیس له مانع .»

«همسایه به همسایه اش آزار و اذیت می کند و کسی جلوگیری نمی کند.» [۷۸]

« 1043- و راییت الجار یوذی جاره خوفا من لسانه .»

«همسایه را می بینی که همسایه اش را اذیت می کند و همسایه از زبان او و حشت دارد.» [۷۹]

در این زمان هیچ همسایه ای از زبان همسایه اش در امان نیست، زیرا جاسوسی و گزارش دادن به رژیمهای ستمگر را عبادت می پندارند، با اینکه صریحاً در قرآن کریم از آن نهی شده است .

« 1044- تقسو القلوب، و تمتلیء الارض جوراً، و یكثر القتل حتی تحزن ذوات الاولاد، و تفرح العواقر فبین یدی خروجه بلوی ای بلوی للمتقین علی الباطل، و هو انتقام من اللّٰه تعالی .»

«دلها را قساوت می گیرد، زمین پر از ستم می شود، کشتار به قدری فراوان می شود که مادران از آوردن اولاد غمگین می شوند و زنان عقیم از نازائی خود خوشحال می گردند. در آستانه ظهور او فتنه ختی است که برای اهل باطل امتحان بزرگ و انتقام خداوندی است.» [۸۰]

بسیار طبیعی است که به هنگام فراوانی کشت و کشتار صاحبان اولاد از داشتن اولاد غمگین و محزون می شوند و زنهای عقیم تسلی می یابند و از نازائی خود خوشوقت و خوشحال می باشند .

« 1045- اذا راییت الشر ظاهراً لاینهی عنه و یعذر صاحبه، و راییت الفسق قد ظهر، و راییت المؤمن صامتا لا یقبل قوله، و راییت الفاسق یکذب ولا یرد علیه کذب و فریته .»

«هنگامی که ببینی که شر آشکار گشته، کسی از آن باز نمی دارد، و مردم برای یکدیگر عذر می تراشند. و ببینی که مؤمن به سکوت گرویده، سخنش پذیرفته نمی شود، اما فاسق دروغ و تهمت را به هم آمیخته و کسی اعتراض نمی کند [81].»

« 1046- یکون صاحب المال اعزمن المؤمن، و یصیر المؤمن ضعیفاً و المنافق عزیزاً، و الفقیر حقیراً، و العالم و ضعیفاً، و الفاسق مکرماً، و الظالم معظماً.»

«ثروتمند از مؤمن گرامی تر می شود، مؤمن زبون، منافق عزیز، فقیر پست، دانشمند بی مقدار، فاسق محترم و ستمگر پراچ می شود.» [۸۲]

« 1047- اذا صار لاهل الزمان وجوه جمیله و ضمائر ردیئه، فمن راهم اعجوبه، و من عاملهم ظلموه !»

«مردم آن زمان ظاهری زیبا و آراسته و باطنی پست و پوسیده دارند، هر کس آنها را ببیند دچار شگفت می شود، ولی چون با آنها معاشرت کند مورد ستم قرار می گیرد.» [۸۳]

هرگز ظاهری آراسته تر از ظاهر مردم عصر ما و باطنی پوسیده تر از باطن مردم این زمان دیده نشده است. ولی هر کس ظاهر ما را ببیند و حسن ظن پیدا کند به زودی پشیمان می شود و به سختی تاوان حسن ظن خود را می پردازد .

« 1048- اذا رايت السكران يصلی بالناس، ولایشان بالسكر، و اذا سكر الانسان اكرم و اتقى و خيف شره، و ترك لا يعاقب، و يعذر لسکره .»

«هنگامی که ببینی آدم مست برای مردم نماز می گزارد و کسی به مستی او اعتراض نمی کند و آن را عیب نمی شمارد، چون مست شود مردم او را احترام کنند، از شر او هراسناک باشند ولی او را ترک کنند و به سبب مست بودنش او را معذور بدانند.» [۸۴]

برای فساد اخلاق و تباهی عفت عمومی چیزی مؤثرتر از مشروبات الکی نیست، سطح جامعه را پائین می آورد و انسان را در سراشی بی سقوط قرار می دهد، چنانکه امام صادق (ع) می فرماید :

« 1049- الخمر رأس كل اثم، و مفتاح كل شر .»

«خمر سرآغاز هر گناه و کلید هر شری است.» [۸۵]

در روایات آمده است :

«خداوند برای هر شری قفلی قرار داده، کلید همه این قفلها شراب است.»

«برای خداوند با معصیتی بزرگتر از شراب نافرمانی نشده است، زیرا در اثر مشروب خواری انسان نمازش را ترک می کند و ندانسته به حریم مادر، خواهر و دخترش تجاوز می کند .!!».

تأسف بار اینکه چنین حوادث شوم و تلخ در عصر ما بسیار اتفاق می افتد، و خبرش در گزارشها و آمارها منعکس می شود .!

همه می دانیم که رسول اکرم (ص) در مورد خمر ده گروه را لعنت کرده :

1- کسیکه درخت رز برای ساختن مشروب بکارد .

2-کسیکه از درخت آن باغبانی و نگهبانی کند .

3-کسیکه انگور را بفشارد تا آبش گرفته شود .

4-کسیکه آن را بخورد .

5-کسیکه آن را بخوراند (ساقی .).

6-کسیکه بار شراب حمل کند .

7-کسیکه بار شراب به سوی او حمل شود .

8-کسیکه آن را بفروشد .

9-کسیکه آن را بخرد .

10-کسیکه قیمت آن را بخورد .

با این وصف چگونه ممکن است کسی که ادعا می کند که از امت رسول اکرم (ص) است، آن را بخورد، یا در کنار سفره ای بنشیند که در آن مشروب خورده می شود؟ !

« 1050-ورایت الخمر يتداوی بها و توصف للمریض، و یستشفی بها .»

«خمر جنبه داروئی پیدا می کند!، برای بیماران توصیه می شود و بیماران به قصد شفا و بهبودی به آن اقدام می کنند.» [۸۶]

« 1051-والخمور تشرّب علانیه، و یجتمع علیها من لایخاف الله، و یدعی الیها .»!

«و می بینی که مشروب را به طور علنی می خورند، افرادی که از خدا تقوی نمی کنند برگرد آن اجتماع می کنند و دوستانشان را برای شرب خمر دعوت می کنند.» [۸۷]

« 1052-ورایت الرجل یمسی نشوان، و یصبح سکران، ولایهتم بما الناس فیه .»

«مردم آن زمان را می بینی که در حال نشئه شب می کنند و در حال مستی صبح می کنند، و دیگر اهمیت نمی دهند که دیگران چه حالی دارند.» [۸۸]

« 1053-یکون ذلك اذا رايت الناظر يتعود باللّه ممايرى المؤمن فيه من الاجتهاد، و رايت الكافر فرحا لما يرى في المؤمن، مرحا لما يرى في الارض من الفساد، و رايت الامر بالمعروف ذليلاً . »

«و آن هنگامی خواهد بود که بیننده چون مؤمن را ببیند که چگونه به زحمت و مشقت افتاده، به خدا پناه می برد، چون کافران وضع تأسفبار مؤمنین را ببینند شادمان می شوند، و از مشاهده فساد و تباهی جهان در پوست نمی گنجد، و می بینی که امر به معروف کننده ذیل و زیونست.» [۸۹]

« 1054-والسلطان يذل المؤمن للكافر »

«پادشاهان شخص با ایمان را به خاطر کافر خوار سازند.» [۹۰]

« 1055-احتكار السلطان للطعام، و بخس المكيال والميزان و الغش، و شيوخ المسكرات، و شراء الخمر في الاسواق . »

«پادشاهان مواد غذایی را احتکار می کنند، کم فروشی، تقلب و تزویر رائج می شود، مشروبات شیوع پیدا می کند و در بازارها علنی فروخته می شود.» [۹۱]

امام صادق (ع) در ضمن یک حدیث طولانی اهل آخرالزمان را توصیف می کند که فراهانی را از آن در زیر می آوریم :

«... 1056- و رايت الفاسق فيما لايحب الله قويا محمودا... و رايت سبيل الخير منقطعاً، و سبيل الشر مسلوکا... و كان صاحب المال اعز من المؤمن، و كان الربا ظاهراً لا يغير... و رايت القار قد ظهر، و رايت الشراب يباع ظاهراً ليس له مانع... و رايت الشريف يستذله الذي يخاف سلطانه.. و رايت الهرج قد كثر... و رايت الناس مع من غلب... و رايت الايات في السماء لايقزع لها احد... و رايت الناس قد استووا في ترك الامر بالمعروف و النهي عن المنكر، و ترك التدين... و رايت الفضاه يقضون بخلاف ما امر الله!»

«فاسق را می بینی که در نافرمانی خداوند کوشاست، راههای خیر را می بینی که از رهروان خالی است، راه های ناشایست را می بینی که پُررهرو است، پولداران را می بینی که از مؤمن گرامی تر است، رباخواری را می بینی که علنی هست و اعتراض نمی شود، قمار را می بینی که علنی شده، شراب را می بینی که به صورت علنی عرضه می شود و کسی جلوگیری نمی کند، مردان با فضیلت و با شخصیت را می بینی که افراد پست از ترس نفوذ کلمه آنها، در تحقیر آنها می کوشند، می بینی که هرچ و مرج فراوان شده، مردم را می بینی که تابع قدرت شده اند، نشانه های آسمانی را می بینی که ظاهر می شود ولی در دل مردم اثر نمی گذارد، ترک امر به معروف و نهی از منکر و ترک احکام دین را می بینی که در میان مردم همگانی شده است، و می بینی

که قاضی ها برخلاف حکم خدا داوری می کنند.» [۹۲]

و می بینی که همه آنها تحقق یافته است .

« -1057Uایخرج حتی تعمر السباخ، و تتناکر المعارف .»

«او هنگامی ظاهر می شود که زمین های بایر آباد شود و کارهای خیر ناشناخته گردد.» [۹۳]

بسیاری از زمین های بایر آباد شده، و بسیاری از کارهای خیر ناشایسته شده و به جای آنها مسائل حزبی و مصالح حزبی مطرح شده، و برخی از بدعتها جای برخی از سنتها جای گرفته، معروف منکر شده و منکر معروف گشته است .

« -1058Uیکون هم الناس بطونهم و فروجهم، فلایبالون بما اکلوا ولا بما نکحوا .»

«هم و غم مردم به تأمین خواسته های شکم و زیرشکم انحصار می یابد، دیگر اهمیت نمی دهند که آنچه می خورند حلال است یا حرام؟ و آنچه رابطه برقرار می کنند مشروع است یا نامشروع؟!» [۹۴]

دقیقاً همچون عصر ما !.

« -1059Uیکون ذلک الی علی راس شرار الناس !»

«و ان حادثه پرشکوه برای بدترین مردمان پیش می آید.» [۹۵]

ای مصلح جهانی دیگر منتظر چه هستی؟! مگر تو نیز در حق ما حسن ظن داری و ما را از بدترین مردمان به شمار نمی آوری؟! تو که از اعمال ما آگاهی و ما را بهتر از خود ما می شناسی !.

امام رضا (ع) می فرماید :

« -1060Uاذا اشتدت الحاجه و الفاقه، و انکر الناس بعضهم. یاتی الرجل اناه فی حاجته، فیلقاه بغير الوجه الذی کان یلقاه فیه، و یکلمه بغير الکلام الذی کان یکلمه .!»

«هنگامی که نیازها و گرفتاریها فراوان شود، مردم همدیگر را نشناسند، انسان برای استمداد به نزد برادرش برود و او را در قیافه دیگری جز آنچه هست بیابد و با او با لحن دیگری سخن بگوید.» [۹۶]

از امام باقر (ع) و از جناب محمد حنفیه (پسر گرامی امیرمؤمنان علیه السلام) به تعبیر زیل نقل شده است :

« 1061 و اذا رايت الحاجه و الفاقه قد كثرنا، و انكر بعضهم بعضا، فصار الرجل ياتي اخاه فيساله الحاجه، فينظر اليه بغير الوجه الذي كان ينظر اليه، و يكلمه بغير اللسان الذي كان يكلمه به، فانتظروا امر الله .»!

«هنگامی که نیازها فراوان شود، مردم همدیگر را شناسند، انسان برای استمداد به برادرش مراجعه کند، ولی برادرش به غیر آنچه همواره نگاه می کرد به او نگاه کند، و به جز آنچه همواره با او سخن می گفت، با وی سخن بگوید، در چنین زمانی منتظر فرج ما باشید.» [۹۷]

آری وقت آن رسیده است که ما در انتظار فرج قائم آل محمد (ص) دقیقه شماری کنیم، دیگر نیازها و نیازمندیها مرتفع گردد و صلح و صفا و بی نیازی بر پهنه گیتی حکمفرما شود و ما بگوئیم: الحمد لله رب العالمين .

و در انجیل می خوانیم :

« 1062 اما این را بدان که در ایام آخر، زمان های سخت پدید خواهد آمد . زیرا که مردمان خودپرست خواهند بود و طماع و لاف زن و متکبر و بدگو و نامطیع والدین و ناسپاس و ناپاک، و بی الفت و کینه توز و غیبت گر و ناپرهیز و بی مروت و منتفر از نیکوئی، و خیانت کار و تند مزاج و مغرور، که عشرت را بیشتر از خدا دوست می دارند. که صورت دینداری دارند لیکن قوت آن را انکار می کنند.» [۹۸]

و اینک پس از نقل کلیات، به تفصیل آنها می پردازیم:

سیمای مردان در آخر الزمان

پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

« 1063 اذا كنت في عشرين رجلا او اقل او اكثر، فتصفت وجوههم فلم ترفيهم رجلا يهاب في الله، فاعلم ان الامر قد قرب !»

«هنگامی که در میان بیست نفر، کمتر یا بیشتر از مردان باشی و در چهره های آنها دقت کنی، و حتی یک نفر هم در میان آنها پیدا نکنی که برای خدا از او بترسند، بدان که امر فرج نزدیک شده است.»

در میان ۲۰ نفر، ۲۰۰ نفر و ۲۰۰۰ نفر، یک نفر پیدا کنید که برای خدا از او بترسند، یعنی او کسی باشد که امر به معروف و نهی از منکر کند، نفوذ کلمه داشته باشد، مردم حریم او را نگه بدارند و برای خدا از او بترسند و در حضور او مرکتب گناه نشوند! با کمال تأسف چنین فردی در میان صدها و هزارها نفر در عصر ما یافت نمی شود، کجا رسد که در میان ۲۰ نفر پیدا شود .

امروز همه ترسها از توپ و تفنگ است و احياناً از پول و مقام. و اين بسيار تأسف انگيز است. زيرا مردان، مسئول اهل و عيال خود هستند و مسئوليت اولاد و نواده های خود را به عهده دارند. هنگامی که آنها در برابر انحراف جوانان بی تفاوت باشند، از اشتباهات فرزندان چشم پيوشند و در تأمین خواسته های نفسانی همسرانشان کوشا باشند، خود در گستاخی جوانان سهيم هستند و با بی تفاوتی خود فرزندانشان را به اين روز سياه انداخته اند. هر فساد و تباهی در جامعه باشد، رجال جامعه از آن مسئول هستند، زيرا تنها آنهايند که وظيفه پرورش جامعه را بر عهده دارند و هرگونه فساد پيدا شود از ضعف تربيتی آنها ناشی می باشد .

ناگفته پيدا است که رسول گرامی اسلامی (ص) هر چه بگويد، از منطق وحی سخن می گوید، و حتی یک کلمه از خود سخن نمی گوید، چنانکه فرزندان معصوم او نیز هر چه بگویند از جد بزرگوارشان نقل می کنند. و اينک به ديگر اوصاف مردان اين زمان از زبان پیامبر گرامی اسلامی (ص).

« 1064- ما ترک بعدی فتنه اضر علی الرجال من النساء! »

«بعد از عصر من هيچ فتنه ای برای مردان پيش نمی آيد که زيانبارتر از فتنه ای باشد که از ناحیه زنان می رسد.» [۱]

حدیث بعدی آن را تفسير می کند :

« 1065- هلکت الرجال حين اطاعت النساء! »

«مردانی که از زنان اطاعت کنند هلاک می شوند.» [۲]

در اينجا نگارنده لزومی نمی بيند که از بانوان محترم پوزش بطلبد، زيرا پرواضح است که منظور رسول اکرم (ص) پيروی مردان از زنان هوسران در زمينه تأمین اميال نفسانی آنهاست، وگرنه زنهاي بافضيلت خود اسوه و الگوی فرزندان می باشند و شریک زندگی همسران. احادیث بعدی نیز اين معنی را روشن می کند :

« 1066- ما اخاف علی امتی فتنه اخوف من النساء و الخمر! »

«در مورد امت خود، از هيچ فتنه ای چون زنها و مشروبات الکلی انديشناک نيستم.» [۳]

« 1067- اخوف ما اخاف علیکم فتنه السراء من قبل النساء اذا تسورن الذهب، و اتعبن الغنی، و کلفن الفقير ما لا یجد! »

«بيشترين چیزی که در مورد شما از آن بیمناکم، فتنه نامرئی زنان است، و آن هنگامی است که غرق در طلا

شوند، پولدار را به زحمت بیندازند، و بی پول را به چیزی که قدرت ندارد وادار سازند.» [۴]

«فتنه سرا» که در این حدیث تعبیر ششده معانی مختلفی می دهد که از آن جمله است: فتنه جانکاه، فتنه غرور انگیز و فتنه نامرئی، که همه این معانی در مورد زنان صادق است و نتایج شوم این فتنه را در جامعه خود به شدت احساس می کنیم. همین فتنه ها، اندیشه و بینش مردان را پاک ر بوده، به صورت بتهای رویایی مردان درآمده اند، که تمام هم و غمشان تأمین خواسته های آنهاست، نه برای اینکه شریک زندگی آنهایند، بلکه برای اینکه عروسک و بازیچه های آنها هستند! و به تعبیر روشتر، وسیله اشباع غرائز حیوانی آنهایند .!

« 1068- یطیع الرجل زوجته، و یعمی والدیه، و یسعی فی هلاک اخیه، ویجفو جاره، و یقطع رحمه، و ترتفع اصوات الفجار »!

«مرد از همسرش اطاعت می کند ولی پدر و مادرش را نافرمانی می کند و برای به هلاکت رسانیدن برادرش تلاش می کند، به همسایه اش ستم روا می دارد و پیوند خویشاوندی را قطع می کند و صدای فاجران بلند می شوند.» [۵]

(شاید منظور از بلند شدن صدای فاجران، طنین انداختن صدای خواننده ها و نوازنده ها در فضای ممالک اسلامی باشد، و شاید منظور این باشد که دوران، دوران فاجران است و صدای آنها بلند است و دیوار مؤمنان کوتاه .)

« 1069- یکون الرجل همه بطنه، و قبلته زوجته، و دینه دراهمه »!

«تمام همت یک مرد شکم او خواهد بود، و قبله اش همسر او، و دینش درهم و دینار او.» [۶]

آنگاه از فتنه «مخنث» مستقلا بحث کرده می فرماید :

« 1070- لعن الله الرجل یلبس لبسه المراه، و المراه تلبس لبسه الرجل »!

«خداوند لعنت کند مردی را که جامه زن به تن کند، و زنی را که جامه مرد بپوشد.» [۷]

« 1071- لعن الله المخنثین من الرجال، و المترجلات من النساء »!

«خداوند لعنت کند مردان مخنث را، و زنان مترجل را.» [۸]

احادیث بعدی منظور از «مخنث» و «مترجل» را روشن می سازد .

«-1072 إذا استعمل السفهاء، و شاوروا النساء.»»

«هنگامی که نابخردان بر سر کار باشند و زنها مورد مشورت قرار گیرند.» [۹]

آنگاه از مخنث و مترجل به صراحت گفتگو کرده می فرماید :

«-1073 إذا ركب الذكور الذكور، و اللاناث اللاناث!»

«هنگامی که مردها با مردان در آمیزند و زنها با یکدیگر.»!!! [۱۰]

«-1074 إذا اکتفی الرجال بالرجال، و النساء بالنساء!»

«هنگامی که مردان به مردان بسنده کنند و زنان به زنان.»!!! [۱۱]

«-1075 تنكح الارحام و یكتفی بهن»!!!

«هنگامی که با خویشان در آمیزند و به آن بسنده کنند.»!!! [۱۲]

«-1076 تنكح البهائم»!!!

«هنگامی که با چهارپایان در آمیزند.» [۱۳]

«-1077 إذا رايت الرجل یعییر علی اتیان النساء»!

«هنگامی که مرد برای آمیزش با زنان مورد سرزنش قرار بگیرد.»!!! [۱۴]

«-1078 إذا صار الغلام یعطی ما تعطی المراه! یعطی قفاه لمن ابتغی»!!!

«هنگامی که پسر چون یک زن خود را در اختیار مشتری قرار دهد.»!!! [۱۵]

«-1079 یتسمن الرجال للرجال، و النساء للنساء»!

«مردان برای مردان آرایش کنند و زنان برای زنان.»!!! [۱۶]

«-1080 ییزف الرجال للرجال كما تزف المراه لزوجها.»!!!

«مردان با مردان زفاف کنند، آنچنانکه عروس با داماد زفاف می کند»!! [۱۷]

ای پروردگار دانا و توانا! به تو پناه می بریم از اینکه دچار آتش خشم تو شویم، ای رسول گرامی اسلام! همه این فجایع شرم آور تحقق یافته، دیگر کسی نمی تواند وقوع آنها را انکار کند، در صورتی که تا عصر ما کسی نمی توانست امکان آن را باور کند! آنچه تا دیروز غیر ممکن به نظر می رسید، امروز جامه عمل پوشیده است! با کمال وقاحت، دادگاه دانمارک ازدواج دو پسر را با یکدیگر پذیرفت و سند ازدواج صادر کرد!! و چند کشور غربی دیگر آن را پذیرفت و مدتها مجلات مزدور اروپا از مزایای ازدواج پسران با یکدیگر سخن گفتند!!!

این فاجعه تنفر انگیز که تا نیمه قرن بیستم تحقق نیافته بود و کسی حاضر نبود امکان آن را بپذیرد و با کمال تأسف و تعجب در عصر ما تحقق یافت، در حدیث فوق با صراحت کامل بیان شده و در احادیث دیگری با تفصیلات بیشتری آمده است، که به چند نمونه آن اشاره می کنیم :

« 1081- یمتشط الرجل كما تمتشط المراه لزوجها، و يعطى الرجال الاموال على فروجهم. و يتنافس فى الرجل و يغار عليه من الرجال، و يبذل فى سبيله النفس و المال »!!!

«مرد برای مرد شانه می زند و آرایش می کند، آنچنانکه زن برای همسرش شانه می زند و خود را می آراید، مردان برای این کار اجرت می گیرند، و گاهی مورد رقابت طالبین واقع می شوند، و گاهی مرد ناموس مرد می شود و برای او غیرت به خرج می دهد و در راه او از بذل جان و مال دریغ نمی کند»!! [۱۸]

« 1082- تحلى ذكورا متى بالذهب، و يلبسون الحرير و الديباج، و يتخذون جلود النمر. فهناك يكثر المطر، و يقل النبات و الخير، و تكثر الهزات . »

«مردان امت من با طلا آرایش می کنند، حریر و دیبا می پوشند، و از پوست پلنگ برای خود جامه درست می کنند، در چنین زمانی باران بسیار می بارد ولی خیر و برکت کم می شود و زلزله فراوان می گردد.» [۱۹]

« 1083- تكون معيشه الرجل من دبره، و معيشه المراه من فرجها »!

«مرد برای تأمین زندگی خود فروشی می کند و زن نیز»!! [۲۰]

« 1084- عندها يغار على الغلام كما يغار على الجارية فى بيت اهلها . »

«در آن زمان برای پسر همچون دختری خانه دار غیرت ورزیده می شود»!! [۲۱]

« 1085-کانک بالدنیا لم تکن اذا ضیعت امتی الصلاه، و اتبعت الشهوات، و علت الاشعار، و کثر اللواط، و زخرفت جدران الدور و رفع بناء القصور، و رکبوا جلود النمر، و اکلوا الماثور، و لبسوا الحبور، و صارت المباحه بالمعصیه »!!!

«دنیا را در برابر دیدگانت مجسم کن: هنگامی که امت من نماز را ضایع کنند، از شهوات پیروی کنند، قیمتها بالا رود، همجنس بازی شایع شود، دیوارهای منازل تزیین گردد، کاخها و ساختمان ها بلند ساخته شود، بر پوستهای پلنگان سوار شوند، آنچه بیابند بخورند، زیور آلات بپوشند و معصیت به صورت وسیله مباحات و فخر فروشی درآید». [۲۲]

در حدیثی از پوشیدن پوست پلنگ گفتگو شده که به صورت رائج عملی شده است و در این حدیث نیز از سوار شدن بر پوست پلنگ بحث شده، آن نیز تا حدی عملی شده، در خانه ها و در ماشین ها روی پوستهای پلنگ می نشینیم، و آنچه از حلال و حرام می یابیم می خوریم، حتی گوشتهای منجمد وارداتی از کشورهای غیر اسلامی که در حکم میته است در بازار مسلمانان عرضه می شود و سازمان های دفاع از حقوق همجنس بازان تشکیل می گردد، و گناهان وسیله مباحات و فخر فروشی و نشانه روشنفکری و تمدن شده است .

« 1086-سیاتی بعدی اقوام، یاکلون طیب الطعام و الوانها، و یرکبون الدواب، و یتزینون بزینة المراه لزوجها، و یتبرجون تبرج النساء، و ربهم مثل زی ملوک جبابره! هم منافقو هذه الامه فی آخر الزمان، شاربوا القهوات، لاعبون بالکعب، راکبون للشهوات، تارکون للجماعات، راقدون عن العتمات، مفرطون بالغدوات مثلهم کمثل الدفلی: زهرتها حسنه و طعمها مر!!! کلامهم الحکمه، و اعمالهم داء لایقبل الدواء »!!!

«بعد از من اقوامی می آیند که غذاهای بسیار لذیذ و رنگارنگ می خورند، بر مرکبها سوار می شوند، همچون زنی که برای شوهرش آرایش کند آرایش می کنند، همچون زنها خودنمایی می کنند، سیمای آنها چون پادشاهانی طغیانگر است، آنها منافقین امت در آخر الزمان هستند که مشروب می خورند، قمار می بازند، از خواسته های نفس پیروی می کنند، از نماز جماعت دوری می گزینند، به هنگام شب زنده داری می خوابند، و در مورد نماز صبح سستی می کنند، مثل آنها مثل درخت «دفعلی» است که شکوفه ای بسیار زیبا و طعمی بسیار تلخ دارد، گفتارشان حکیمانه و کردارشان بیمارگونه است و بیماری شان علاج ناپذیر». [۲۳]

فرازهای حدیث بسیار روشن است و نیازی به توضیح ندارد، فقط اشاره می کنیم که از مرکبهای آخر الزمان «دواب» تعبیر کرده، و آن به معنای جنبنده است و شامل همه مرکبهای عصر حاضر از ماشین و قطار و هواپیما می شود، که «دیب» در لغت به معنای: حرکت و سرعت است، و هر جنبنده سریع را شامل می شود .

و اینکه نمونه هائی از کلمات گرانقدر امیرمؤمنان (ع) را در اینجا می آوریم و از دیگر معصومین در این بخش کمتر نقل می کنیم، زیرا بیشتر احادیث دیگر معصومین علیه السلام شبیه فرمایشات جد بزرگوارشان می باشد .

امیرمؤمنان (ع) می فرماید :

پیشوای پرهیزکاران مردم آخرالزمان را آنچنان توصیف کرده، که گوئی در قرن بیستم زندگی می کند و بر تمام اسرار مردم این عصر واقف است. و اینک فراهائی از سخنان آن بزرگوار :

« 1087- ویری الرجل من زوجته القبیح فلا ینهاها، ولایردها عنه، و یاخذ ما تاتی من کد فرجها و من مفسد خدرها، حتی لونکت طولاً و عرضاً لم ینهاها ولایسمع ما وقع، فذاک هو الدیوث . »

«مرد از همسرش انحرافات جنسی را می بیند و اعتراض نمی کند، از آنچه از طریق خودفروشی به دست آورده می گیرد و می خورد، اگر انحراف سراسر وجودش را فراگیرد اعتراض نمی کند، به آنچه انجام می شود و در حقش گفته می شود گوش نمی دهد...» [۲۴]

« 1088-تزوج الامراه بالامراه، و تزف کما تزف العروس الی زوجها »

«زن با زن می آمیزد و همانند عروس که برای داماد آرایش کند برای یکدیگر آرایش می کنند.» [۲۵]

« 1089-فاذا کان ذلک اقبلت علیهم فتن لاقبل لهم بها ! »

«هنگامی که این اوصاف تحقق پذیرد، فتنه هائی برای آنها روی می آورد که تاب مقاومت ندارند.» [۲۶]

و اینک نزدیک نیم قرن است که این فتنه ها بر ما روی آورده، دیگر خواب آرامی نداریم، توپهای دشمن صهیونیستی ما (شیعیان جنوب لبنان) را از خواب بیدار می کند و هستی ما را بر باد می دهد .

« 1090-اذا رایت الرجل یاکل من کسب امراته من الفجور، یعلم ذلک و یقیم علیه!. بل یگری امراته و خادمته و جاریته، و یرضی بالدنی من طعامه و شرابه و ملذاته »

«هنگامی که زن از راه نامشروع پول به دست آورد و مرد از درآمد او بخورد! وضع نامطلوب او را بداند و با او زندگی کند! زن و کنیز و دخترش را به کرایه بدهد و به لذایذ پست دنیا راضی شود!» [۲۷]

شرم آور اینکه نمونه های آن در عصر ما یافت شده، آنهم نه در میان خانواده های فقیر که برای تأمین زندگی باشد، بلکه حتی در میان طبقه حاکمه در برخی از کشورها، که مافوق قانون هستند و قانون به کلبه

های آنها راه ندارد!

«-1091 و یعیبر الرجل علی صون النساء»!

«مرد را برای پوشیده نگه داشتن همسرش سرزنش می کنند»!! [۲۸]

چقدر فراوانند مردان بافضیلتی که برای حجاب و عفت همسرانشان مورد سرزنش قرار می گیرند؟! و چقدر فراوانند زنان و دخترانی که علیرغم علاقه پدر و همسر به حجاب و پوشش اسلامی علاقه ای نشان نمی دهند؟! و چقدر فراوانند مردانی که از طرف مردم سهل انگار به سخت گیری متهم شده اند؟! و تنها جرمشان این بوده که از همسر و دختر خود خواهش کرده که لباس موقرتری بپوشند! و اگر خواهش روسری کرده باشند، در این صورت به ارتجاع و خرافه پرستی متهم می شوند!

«-1092 ینفق الرجل من ماله فی غیر طاعه اللّٰه، فلا ینهی ولا یؤخذ علیه، و یمنع الیسیر فی طاعه اللّٰه.»

«مرد اموال فراوانی در راه های غیر مشروع خروج می کند و کسی به او اعتراض نمی کند، ولی از خرج پولی کم در راه خدا بازداشته می شود.» [۲۹]

همه پولداران به این مسئله مبتلا هستند .

امام صادق (ع) می فرماید :

«....-1093 و رایب الرجل اذا مر به یوم و لم یکسب فیه الذنب العظیم، من فجوز، او بخش مکیال او

میزان، او غشیان حرام او شرب مسکر، کثیباً حزیناً، یحسب ان ذلک الیوم علیه ضیعه من عمره»

«هنگامی که ببینی که اگر مردی یک روز گناه بزرگی انجام نداده باشد، از قبیل: فحشاء، کم فروشی،

کلاهبرداری و شرب خمر، بسیار غمگین و اندوهگین می شود که گوئی آن روز عمرش تباه شده است.» [۳۰]

«-1094 و رایب الرجل معیشته من بخش المکیال و المیزان»

«و می بینی که زندگی مرد از کم فروشی و تقلب تأمین می شود.» [۳۱]

از بدشانسی ماست که در عصر ما در میان هر گروه از طبقات مختلف تجار و کسبه تعداد بسیار زیادی یافت می شود از کسانی که پایه زندگیشان بر تقلب و حقه و خیانت استوار است و زندگی شان از این راه تأمین می شود؟! و در ضمن روایت مفصلتری می فرماید :

...» -1095 ورايت الفسق قد ظهر و اكتفى الرجال بالرجال، والنساء بالنساء .. و رايت الرجال يتسمنون للرجال، و النساء، و رايت الرجل معيشته من دبره، و معيشه المراه من فرجها.. و اعطوا الرجال الاموال على فروجهم، و تنوفس فى الرجل، و تغاير عليه الرجال.. و رايت الرجل يعير على اغتيان النساء .. و رايت العقوق قد ظهر، و استخف بالوالدين و كانا من اسوا الناس حالا عند الولد... و رايت اعلام الحق قد درست، فكمن على حذر، و اطلب الى الله النجاه، و اعلم ان الناس فى سخط الله عزوجل، و انما يمهلهم لامر يراد بهم فكن مترقبا، و اجتهد ان يراك الله عزوجل فى خلاف ما هم عليه .»

«و مى بينى كه گناهان علنى شده، مردان به مردان بسنده کرده، زنان با زنان در آميخته، مردان براى مردها آرايش کرده، زنان براى زنها خود را آراسته، زندگى مرد از خودش تأمين مى شود، زن نيز از خودفروشى تأمين معاش مى كند، مردان اموال فراوانى در راه تأمين مسائل جنسى مى پردازند، براى مرد نيز چون يك همسر غيرت و حسادت مبذول مى شود، مرد براى آميزش با جنس مخالف سرزنش مى شود، عاق والدين شدن علنى شده، پدر و مادر در پيش فرزند خوار شمرده مى شوند و ازديدگاه فرزند پست تر از هر فرد ديگرى به شمار مى آيند... و مى بينى كه نشانه هاى حق پوسيده شده است، در چنين زمانى از خشم خدا در حذر باش و از خدای تبارك و تعالى نجات بطلب، و بدانكه مردم مورد خشم و غضب پروردگار هستند و خداوند براى جهاتى به آن مهلت مى دهد، منتظر باش، و تلاش كن كه خداوند ترا در وضعى برخلاف وضع آنها ببيند.» [۳۲]

و چقدر كمند آنها كه منتظر و علاقمند نجات و رستگارى اند!

سيمای زنان در آخر الزمان

اما زن !

زن آخر الزمان !

بر احدى پوشيده نيست كه اگر زن ارزش والای خود را بشناسد و به وظيف سنگين خود عمل كند، گرانبهاترين و درخشنده ترين ستاره افق زندگى، و پراج ترين گوهر رشته هستى است، كه پايه و اساس هر فضيلت است و بدون او رشته خانواده ها درهم گسسته، طومار جامعه در هم مى پيچد، زيرا زن حلقه اتصال و رمز تداوم نسل بشرى است، كه آن پاكترين بعد زندگى است .

اگر زنان يك جامعه از شناخت خويشتن ناتوان گردند و از صراط مستقيم منحرف شوند و به صورت چراگاه هوسهاى مردان هوسران، و ابزار و ادوات تمايلات نفسانى افراد پست و بى اعتبار درآيند و از كرامت خدادادى خود تنزل نمايند، چنين جامعه اى در سراشيبى سقوط قرار گرفته، به زندگى حيوانى نزديك شده است .

خداوند زن را گوهر گرانبهائی آفریده که همچون دیگر گوهرها در پوشش و محل امن بوده، به دور از چشم بداندیشان مایه درخشش کانون خانواده باشد. او نباید آنقدر تنزل کند که زیر نگاه های هر رهگذر چشم چرانی لگدمال گردد.!

هنگامی که مسئله زن در این بخش بازگو می شود، فاتحه رهائی جامعه خوانده می شود و دیگر امیدی به نجات نسل آینده از این بلای خانمانسوز نیست، زیرا زن در عصر ما کرامت خود را فراموش کرده، تنها به زیبایی ظاهر پرداخته، همه هم و غمش رسیدن به آرایش تن و در دام انداختن چند نگاه پست و جلب کردن چند چشم چران هوسران شده است!! به کسیکه از جمالش گفتگو کند تمایل می کند، به کسی که در کمین عفتش سنگر گرفته باشد تسلیم می شود، در برابر چند جمله فریبنده و به ظاهر آراسته، زانو می زند.!!

هنگامی که زن این چنین کرامت خود را فراموش کند، برای جامعه هیچ امیدی نمی ماند، زیرا حلقه اتصال در هم گسسته، و نصف شیرین جامعه که رمز بقای نسل بشری نیز هست، فاسد گشته و ارزش والای خود را از دست داده است. با فساد این قشر دیگر امیدی به صلاح قشر دیگر نیست که فساد آنها ساری هست و به قشر دیگر نیز سرایت کرده، جامعه را به فساد می کشد.

عذر زن امروز در این ابتذال چیست؟ چرا جز به هوس و ولگردی نمی اندیشد؟! چرا کرامت و فضیلت خود را فراموش کرده است؟! چرا تلاش او منحصر به این شده که خود را به صورت مرد درآورده؟ مگر با تغییر لباس و پوشیدن جامه مرد، تغییر جنسیت و تغییر ماهیت می دهد؟!

مگر زن های زمان ما نمی داند که مردها نیازی به این ابتذال زنها ندارند، بلکه نیاز شدیدی به زنی دارند که کرامت خود را فراموش نکرده باشد و بتواند همسر خوبی برای شوهر خود، و مادر خوبی برای فرزندان و اسوه و الگوی خوبی برای جامعه اش باشد.

زنی که تمام برجستگیهای بدنش را در برابر دیدگان نسل چشم چران به نمایش گذاشته، دیگر جذبه ای ندارد، زیرا عادی شده، ارزان شده، نیازی به جستجو ندارد، در سر هر کوی و برزن به تعداد فراوان یافت می شود، دیگر آن شکوه، هیبت، کشش، کرامت و جذبه زنهای عقیف را ندارد که دل مرد را تسخیر کند و دیدگان او را جلا دهد و زندگانی او را صفا بخشد و کانون خانواده را گرم کند و رشته اتصال و تداوم نسل بشری را محافظت کند.!

وضع رقت بار و مبتذل زن در عصر ما چیزی نبود که از نگاه نافذ رسول اکرم (ص) و اهل بیت طیب و طاهر آن سرور پوشیده بماند، بلکه به سان کسیکه با دیدگانی نافذ و قلبی بصیر در پایتختهای اروپا و آمریکا گشته باشد، وضع تأثر انگیز زن قرن بیستم را در میان کلمات گرانقدرش تشریح کرده، خطرات ناشی از آن را گوشزد نموده، امت اسلامی را از فرو رفتن در این منجلاب فساد بیم داده است و اینکه گوشه ای از کلمات دُرر بار آن حضرت و اهل بیت عصمت و طهارت :

پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

« 1096-کیف بکم اذا فسدت نساوکم، و فسق شبانکم، ولم تأمروا بالمعروف، بل امرتم بالمنکر و نهیتم عن المعروف، و اذا رایتم المعروف منکرا، و المنکر معروفاً؟! فقیل له: و یکون ذلک یا رسول اللّٰه؟. فقال: نعم، و شر من ذلک »!

«چگونه می شود حال شما هنگامی که زن های شما فاسد شوند و جوانان شما به فسق و فجور بگرایند، شما نیز به جای امر بمعروف، امر به منکر و نهی از معروف نمائید!، معروف را منکر خیال کرده، منکر را معروف پندارید؟ .!پرسیدند: آیا چنین وضعی پیش خواهد آمد ای پیامبر اکرم (ص)؟! فرمود: آری، و بدتر از آن!»
[۱]

آنگاه در توصیف زن های عصر ما که در آستانه ظهور و روزگار رهایی قرار گرفته ایم، چنین می فرماید :

« 1097-اذا شارکت النساء ازواجهن فی التجاره حرماً علی الدنيا .»

«هنگامی که زنها برای طمع دنیا در داد و ستد همسرانشان شرکت کنند.» [۲]

امروز تجارت زنان بسیار رایج است، برخی به صورت استقلالی و برخی به صورت مشارکت در تجارت همسرانشان به داد و ستد اشتغال دارند .

« 1098-یتشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال .»

«مردها خود را به صورت زن، و زنها خود را به صورت مرد در می آورند.» [۳]

اگر ویژگی های بدن دختران، چون ظرافت بدن و برجستگیهای مختلف آن نبود، بسیاری از دختران امروز با پسران اشتباه می شدند .!

« 1099-لعن اللّٰه المتشبهات من النساء بالرجال، و المتشبهین من الرجال بالنساء »!

«لعنت خدا بر زنانیکه خود را به صورت مرد در می آورند و مردانیکه خود را به صورت زن در می آورند.»
[۴]

زیرا آنها از ناموس خلقت و آئین فطرت بیرون رفته اند و نظام آفرینش را زیر پا نهاده، با سرشت خویش در افتاده اند .

« 1100-اذا تزینت النساء بثیبات الرجال، و سلب عنهن قناع الحیاء »

« هنگامی که زنها جامه مرد بپوشند و پوشش حیا از آنها گرفته شود.» [۵]

ما از مرحله جامه جنس مخالف پوشیدن گذشته و فاتحه پوشش حیا را خوانده ایم، امروز جامه عفت و پوشش حیا نشانه خرافه پرستی و علامت ارتجاع به شمار می آید .

« 1101-لعن الله الرجل من النساء »

«خداوند لعنت کندزنی را که خود را به صورت مرد جلوه می دهد.» [۶]

این لعنتی که از زبان پیامبر رحمت (ص) نثار زن معاصر شده، آیا چقدر از زنان عصر ما را شامل می شود؟! هنگامی وضع جامه پوشیدن زن معاصر را مشاهده می کنیم، با این شلوارهای تنگ، که تمام برجستگیهای بدن را به نمایش می گذارد، و با این کمربندهای پهن و زمخت که چگونه سفت و سخت به کمر بسته اند و با این پاپیونها و ... کمتر می توان تشخیص داد که دختر است نه پسر! و بهتر می توان تشخیص داد که دائره لعنت از زبان رسول اکرم (ص) چقدر وسیع است !.

رسول اکرم (ص) در حدیث دیگری در این رابطه می فرماید: «هنگامی که قلنسوهای مشترک ظاهر شود زنا شایع می شود.» که منظور از قلنسو همین کلاههای مشترک است که دختر و پسر در کشور ما (لبنان) از آن استفاده می کنند .

دقیقاً این کلمات از براهین قطعی بر نبوت رسول اکرم (ص) می باشد که از مطالبی که مردم عصر نبوت نمی توانستند باور کنند سخن گفته، و این گفته های متکی به وحی پس از گذشت چهارده قرن تمام، تحقق یافته است !.

در حدیث دیگری از زنان آخرالزمان بحث کرده می فرماید :

«هنگامی که زنهایی را دیدید که بر سرشان چون کوهان اشترانست، بدانید که نمازشان پذیرفته نمی شود.»

این هم دقیقاً تحقق یافته است، زیرا برخی از زنها موهای سرشان را در قسمت پشت سرشان جمع کرده به صورت کوهان شتر در آورده اند، و برخی دیگر کلاهی می گذارند که بی شباهت به کوهان نمی باشد .

در احادیث دیگری تعبیرات روشن تری بیان فرموده که منحصرأ با عصر ما تطبیق می کند و می توان آن را

نوید اختراع ماشین دانست، که از آن جمله است :

« 1102 سیکون فی آخر امتی رجال، یرکب نساوهم علی سروج کاشباه الرجال . یرکبون علی المیائر حتی یاتو ابواب المساجد، نساوهم کاسیات عاریات، علی رؤوسهن کاسنمه البخت العجاف، لا یجدن ریح الجنه! فالعنوهن فانهن ملعونات»

«در آخر امت من مردانی پیدا می شوند که زنهایشان همچون مردها بر روی زینها سوار می شوند، در آن عصر بر فراز تشکها سوار می شوند، در آن عصر بر فراز تشکها سوار می شوند و تا در مساجد می روند، زنانشان در عین لباس پوشیدن لخت و عور هستند و بر سرشان چیزی همانند کوهان اشتران لاغر است، آنها عطر بهشت را نمی شنوند. آنها را لعنت کنید که آنها از رحمت خدا بدور هستند.» [۷]

واژه «میائر» که در این حدیث به کار رفته، به معنای تشکهای نرم است که موقه نشست بر روی آنها حرکت کنند، درست مانند صندلیهای اتومبیل های امروزی که بدلیل داشتن فنر موقع نشستن حرکت می کنند و موجب آسایش بیشتر مسافران می شوند .

تعبیر حدیث برای مردم عصر نبوت بسیار لطیف است که می فرماید :

روی تشکهای نرم سوار شده تا در مساجد می آیند و در عصر ما افراد فراوانی از معتقدین به خدا و روز رستاخیز سوار اتومبیل ها تا در مساجد می آیند .

تعبیر «کاسیات عاریات» نیز در عصر ما تحقق یافته است، زیرا «کاسیات» بمعنای جامه پوشان و «عاریات» به معنای لختهای عور می باشد که دو معنای متضاد است، ولی در عصر ما با پدید آمدن لباس های توری و نایلونی این مفهوم نیز تحقق یافته است، و امروز تعداد بانوانی که با داشتن لباس، تمام بدنشان در معرض تماشاگران جلوه گر باشد بسیار زیاد است .

سوار شدن زنها بر زینها نیز در عصر ما تحقق یافته است، زیرا اسب سواری یکی از ورزشهای مورد علاقه بانوان در عصر ماست، بامدادان پیش از آنکه ما برای نماز صبح بیدار شویم، آنها بر پشت اسبها در کرانه دریا جلب توجه می کنند و برخی از آنها برای وقت ورزش اسب سواری بیش از آنچه ما به وقت نماز صبح مقید باشیم؛ مقید هستند !.

« 1103 اذا ركب ذوات الفروج السروج، فعليه من امتی لعنه الله . »

«هنگامی که زنها بر زینها سوار شوند، برای چنین زنها از امت من، لعنت خدا باد» [۸]

برای چنین زنها، جایزه ای برتر از لعنت پیامبر رحمت (ص) متصور نیست .!

« 1104- لا تقوم الساعة حتى تظهر ثياب تلبسها نساء كاسيات عاريات، و تعلوا التحوت الوعول . »

«قیامت برپا نمی شود جز هنگامی که لباسی ساخته شود و زنها آن را بپوشند که در عین لباس پوشیدن لخت و عور باشند، و اراذل و اوباش بر مردم شریف و آزاده برتری پیدا کنند.» [۹]

این لباسها هم اکنون از نایلون و امثال آن ساخته شده، و به جای اینکه بدن را بپوشانند، آن را بیشتر در معرض دید مردم قرار می دهند، این لباسها عیبی را نمی پوشانند و اصولاً نمی توان آن را لباس نامید .

رسول اکرم (ص) از زنان آخرالزمان «بهم» تعبیر فرموده که به معنای زنان خودرای و خیره سر است که از کسی پند نپذیرند و از اشتباه خود برنگردند، و در لغت به بره، بزغال و گوساله ای گفته می شود که جدا از مادر به چرا بروند و در دشت پراکنده شوند و حرف نشوند .

« 1105- یرفع العلم، و یظهر الجهل، و یشرب الخمر، و یفشو الزنا، و یقل الرجال حتی ان الخمسین امراه فیهن رجل واحد »!

«علم برداشته می شود، نادانی فراگیر می شود، زنا و مشروب خواری شایع می گردد، شمار مردها اندک می شود، تا جایی که گاهی میان پنجاه زن یک مرد یافت می شود.» [۱۰]

طبعاً این حدیث با جنگ های خانمانسوزی که در آستانه ظهور به وقوع می پیوندد، تحقق می یابد که شرح آنها در احادیث بعدی خواهد آمد .

رسول اکرم (ص) در حدیث با جنگ های خانمانسوزی که در آستانه ظهور به وقوع می پیوندد، تحقق می یابد که شرح آنها در احادیث بعدی خواهد آمد .

رسول اکرم (ص) در حدیث دیگری از نابرابری مرد و زن، و ابتذال زن در اثر همین نابرابری سخن گفته، که فرازی از آن را با پوزش از خوانندگان گرامی نقل می کنیم: «هنگامی که زن از کنار گروهی عبور می کند، یکی از آنها بر می خیزد و دامن او را بالا می زند، آنچنانکه دنبه گوسفند را بالا می زنند !!!»

از تشبیه به گوسفند استفاده می شود که در مقابل این جسارت بزرگ، خونسردی نشان می دهند و اضطراب و اعتراضی ابراز نمی کنند !!

هنگامی که بی بند و باری علامت تمدن و روشنفکری باشد، انتظاری جز آن نمی رود، چنانکه در حدیث آمده

است: در آخرالزمان مرد و زن در کنار جاده (خیابان) در می‌آمیزند، افراد با وقار به آنها می‌گویند: ای کاش مقداری از راه مردم کنار می‌رفتید !!

با کمال تأسف این فاجعه در اروپا تحقق یافته است، خدا کند که به کشورهای ما صادر نشود تا برخی از مسلمان نماها به عنوان روشنفکری، گوی سبقت را از اروپائی‌ها ببرند! العیاذ باللّٰه .

«...» -1106 و اذا رايت المراه تصانع زوجها على نكاح الرجال! ورايت خير بيت يساعد النساء على فشقهن «!!!»

«هنگامی که ببینی که زن از همسرش مطلع است که او با همجنس خود رابطه دارد و به روی او نمی‌آورد، و می‌بینی که در بهترین خانه‌ها زن تشویق می‌شود که فسق و فجور کند»!! [۱۱]

مرد و زن در این سازش شوم از افکار پلید یکدیگر آگاهند ولی به عنوان احترام به آزادی! انحراف یکدیگر را نادیده می‌گیرند، تا هر یکی به خواسته‌های نامشروع خود برسند .

« -1107 و كان الزنا تمتدح به النساء والليل لا يستخفى به من الجراه على الله »!

«زن‌دادن به صورت یک فضیلت برای زن بازگو می‌شود، دیگر منتظر شب نمی‌شوند که تاریکی را بپوشانند، زیرا جرئت بر خدا به آن حد می‌رسد»!!! [۱۲]

بسیار شرم آور است که جرئت بر خدا به این حد رسیده، دیگر نیازی به مخفی‌کاری احساس نمی‌کنند، بلکه آشکارا به حریم گناهان گام می‌نهند، و بعداً با دوستان و هم‌فکران خود با آب و تاج شرح واقعه را بازگو می‌کنند و با تور انداختن افراد بیشتر به یکدیگر مباحثات می‌کنند .

« -1108 اذا رفعوا البنیان و شاوروا النسوان، و یكثر الاختلاط»

«هنگامی که ساختمان‌ها بلند شود، زنها مورد مشورت قرار بگیرند و اختلاط زن و مرد فراوان شود.» [۱۳]

امروز آپارتمان‌های آسمانخراش به سوی آسمان پر گشوده، مشورت با زنان در تمام شئون زندگی راه یافته، و اختلاط مرد و زن، در مدرسه، بیمارستان، کارگاه، کازینو و دیگر مجالس و اجتماعات رایج گشته است .

در حدیث دیگری آمده است: «به حریم آنها تجاوز می‌شود، در داوری به آنها ستم می‌شود و امور آنها را زنها اداره می‌کنند.»

اینهمه فجایع که تحت عنوان «آزادی» و «تساوی حقوق» انجام می‌گیرد چه سوی به حال زنها داشته، جز

اینکه آنها را به محیط کار، حاشیه خیابانها، مجالس مبتذل و سرانجام منجلاب بدبختی کشانده است؟!!

زنی که همه روز و پاسی از شب را در مراکز مختلط به سر می برد چگونه انسان باور می کند که در محیط آشفته امروزی با فکری آسوده، در میان نگاه های نافذ جوانان بدون اینکه کوچکترین خدشه ای به عفت، عصمت، ناموس و حیثیت اخلاقی اش وارد شود، تلاش انسانی کرده، شبانگاه صبح و سالم به خانه اش باز گردد؟! و شوهر متعهد و پدر بزرگوار و برادر جوانمردش با خیالی راحت و آسوده در کنار سفره در انتظار مقدمش بنشینند!

«-1109 اذرا رایت المراه تقهر زوجها، و تعمل ما لایشتهی، و تنفق علیه من کسبها فیرضی بالدنیء من الطعام و الشراب»!

«هنگامی که زن را ببینی که با خشونت با همسرش رفتار می کند، آنچه را که او نمی خواهد انجام می دهد و از درآمد شخصی خود به شوهرش انفاق می کند و شوهرش برای چیزی اندک از متاع دنیا خشنود می شود و ناملایمات همسرش را تحمل می کند.» [۱۴]

«-1110 عندها امارات النساء، و مشاوره الاماء، و قعود الصبیان علی المنابر، و التباهی باللباس»

«در آن هنگام زنهای حکومت می کنند، کنیزان مورد مشورت قرار می گیرند، کودکان بر فراز منبر نشسته، امر و نهی می کنند، و با لباس مباحات می شود [15]».

پیشوای ششم در این باره می فرماید :

«-1111 یحکم الدوله الخصیان و النسوان و تکون اماره الصبیان والغلمان»

«زنان و خواجگان بر سریر حکومت می نشینند و کارهای دولتی به دست کودکان و نونهالان اداره می شود.» [۱۶]

آنگاه رسول اکرم (ص) ادامه می دهد :

«-1112 اذرا کانت اماره الصبیان. فوالله لتکونن!»

«هنگامی که دستگاه حکومت به دست کودکان افتاد، به خدا سوگند انجام خواهد یافت.» [۱۷]

آنگاه این جمله را سه بار تکرار کرد .

ای پیامبر رحمت! سوگندهای تو کمر انسان را می شکنند، آنچه فرموده ای تحقق یافته است، کودکان همه جا به قدرت رسیده اند و زمامداری تعدادی از کشورهای بزرگ و کوچک جهان به دست زنها سپرده شده، فجایع تلخ و جانکاهی که نوید داده بودی به وقوع پیوسته است ولی این امت سخنان پرارج ترا می شنوند و از کنارش می گذرند .

پیشوای ششم شیعیان در این مورد می فرماید :

«-1113 یا لها من طامه اذا حکمت فی الدوله الخصیان و النسوان و السودان، و احدث الالماره الشبان و الصبیان!، و خرب جامع الکوفه من العمران، و انعقد الجسران فذلک الوقت زوال ملک بنی العباس، و ظهور فائنا اهل البیت»

«چه حوادث جانکاهی روی خواهد داد، هنگامی که زنان، خواجهگان و سیاهان به حکومت برسند، کودکان و نوجوانان حکومت کنند، مسجد جامع کوفه پس از عمران و آبادی خراب شود و دو عدد پل (در بغداد) احداث گردد، در آن هنگام وقت سقوط بنی عباس و ظهور قائم ما اهل بیت فرا می رسد.» [۱۸]

آنگاه رسول اکرم (ص) در این باره می فرماید :

«-1114 لن یفلح قوم ولوا امرهم امراه!»

«قومی که فرمانروائی آنها به دست زن سپرده شود، هرگز روی سعادت نخواهد دید.» [۱۹]

امروز در چند کشور زن حکومت می کند که با وجود آنها جهان روی سعادت نخواهد دید، که یکی از آنها غول بزرگ استعمار، انگلستان مکار است که با برنامه های پیچیده استعماری خوشبختی جهان را سلب کرده است، دیگری رژیم اشغالگر قدس است که سالیان درازی یک زن (گلدامیر) بر این کشور نامشروع حکومت کرد و در زمان او به تمام کشورهای همسایه هجوم برده، اراضی آنها را غصب کرده، امنیت و آسایش منطقه را سلب نمود .

«-1115 ایقدس الله امه قادتهم امراه!»

«هرگز مقدس نمی شود امتی که آنها را زن رهبری کند.» [۲۰]

و در آخرین لحظات زندگی جمله ای فرمود که برخی از فرازهای آن در این رابطه می باشد، و آن اینک :

«-116 از برادرم جبرئیل پرسیدم :

-آیا بعد از من به این جهان فرود می آئی؟ گفت :

-آری، ده بار می آیم و گوهرهای زمین را با خود می برم. گفتم :

-چه چیزها را می بری؟ گفت :

-بار اول برکت را از زمین می برم .

-بار دوم مرحمت را از دل بندگان می برم .

-بار سوم حیا را از زنان می برم .

-بار چهارم عدالت را از حکمرانان می برم .

-بار پنجم محبت را از دل مردمان می برم .

-بار ششم شکیبائی را از مستمندان می برم .

-بار هفتم سخاوت را از ثروتمندان می برم .

-بار هشتم دانش را از دانشمندان می برم .

-بار نهم قرآن را از دل قاریان می برم .

-بار دهم ایمان را از دل مؤمنان می برم .»

هنگامی که در میان امت اسلامی به تحلیل می پردازیم در می یابیم که جبرئیل امین حداقل نه بار در این مدت به زمین فرود آمده و برکت را از زمین، مرحمت را از دل بندگان، حیا را از چهره بانوان، عدالت را از زمامداران، محبت را از دل مردمان، شکیبائی را از مستمندان، دست و دل بازی را از ثروتمندان، دانش را از دانشمندان و نور قرآن را از دل قاریان گرفته و برده است، از واژه های مقدسی چون صبر و عدل و محبت و شفقت، چیزی جز نام آنها، و از قرآن کریم چیزی جز نقش آن بر مصاحف و صوت آن بر زبان قاریان، آنهم با تجوید و ترتیل ناقص و احیاناً با غنای حرام، چیزی نمانده است .

آنچه به نام ایمان در دل مؤمنان باقی مانده، اطمینان چندانی نیست که ایمان مستقر باشد و در سرآزیری

قبر به دردش بخورد، ممکن است ایمان مستودع باشد و در یکی از تنگناها از دست برود و انسان با دست خالی به سوی حق تعالی بشتابد .

وه چقدر وحشتناک است که جبرئیل امین آخرین فرود خود را نیز انجام دهد و این مختصر ایمان را نیز از سراچه دل بالا برد و دیگر همه چیز خاتمه یابد و از صفات برجسته انسانی دیگر نمونه ای برجای نماند. نعوذبالله .

امیرمؤمنان (ع) می فرماید :

« 1117-تكون النسوة كاشفات عاریات متبرجات، من الدین خارجات، و الی الفتن مائلات، و الی الشهوات و اللذات مسرعات، للمحرمات مستحلات، و فی جهنم خالدات .»

«زنها لخت و عور می باشند، زینتهای خود را آشکار می سازند، و از دین بیرون می روند، به فتنه ها می گرایند، به سوی شهوتها و لذتها می شتابند، محرمات الهی را حلال می شمارند و در جهنم جاویدانند.» [۲۱]

همه این نشانه ها تحقق یافته، فقط فراز واپسین مانده، که در سرای آخرین مهر خلود (جاودانگی) بر پیشانی شان زده شود، آنجا که کشان کشان به سوی آتش خشم الهی کشیده می شوند، ولی تأسف آمیز است که این قشر ایمان نمی آورند تا وقتی که روی در روی آتش قرار بگیرند، که آنجا دیگر عذری پذیرفته نیست و توبه ارجی ندارد، چنانکه قرآن کریم در مورد فرعون نقل می کند، که هنگامی که پس از مشاهده نشانه های مرگ زبان به توبه و استغفار گشود ولی چنین پاسخ شنید: «الان وقد عصیت قبل»؛ «آیا اکنون؟! که مدت درازی نافرمانی کردی»؟ [22] !

از همه برادران ایمانی دوستانه و عاجزانه می خواهم که از لغزشگاهها بپرهیزند و از روزیکه تکذیب کنندگان دست بسته در آتش گداخته انداخته می شوند بترسند، که آنجا هر چه استغاثه کنند، پاسخی دریافت نمی کنند :

«هنگامی که به محل تنگی از آتش انداخته شوند، در حالی که با زنجیر بسته شده اند، در آنجا واویلا می خوانند، به آنها گفته می شود: امروز یک ویل نخوانید و ریلهای بسیاری بخوانید.» [۲۳]

«...» 1118- و ذلک اذا تسلطت النساء، و سلطن الاماء، و امرت الصبیان .»

«و آن هنگامی است که زنها مسلط شوند، کنیزان تسلط پیدا کنند و کودکان حکومت کنند.» [۲۴]

« 1119- اذا غلبت النساء علی الملک، و غلبن کل امری، فلا یوتی الا ما لهن فیه هوی.»

«هنگامی که زنها بر تخت سلطنت چیره شوند، و بر هر مردی چیره باشند، و جز خواسته آن عملی نگردد.»
[۲۵]

گرفتاری بزرگ عصر ما همانست و چاره ای جز شمشیر بران حضرت بقیه الله (عج) ندارد، تا با لبه تیز آن شمشیر الهی همه کجیها را راست نمایند و هر حقی به صاحب حق برگردد و هر قشری از جامعه به آنچه شایسته آنست برسد .

امام صادق (ع) می فرماید :

«...» 1120-ورایت النساء یتزوجن بالنساء، ورایت معیشه المراه من کد فرجها! . ورایت النساء یتخذن المجالس کما یتخذها الرجال .»

«زنهارا می بینی که با زنها آمیزش می کنند و زندگی زن از خودش تأمین می شود و زنان بسان مردان جلساتی تشکیل می دهند.» [۲۶]

اینها نیز تحقق یافته و جلسات فراوانی تشکیل می دهند و در هر رشته ای تلاش می کنند، جز آنچه مربوط به تربیت اولاد و تنظیم خانواده باشد که در اثر تراکم مشاغل دیگر فرصت خانه داری و بچه داری را ندارند .

و در حدیث دیگری به نکته تلخ تری اشاره کرده می فرماید :

« 1121-اذا رایت النساء یتبدلن انفسهن لاهل الکفر »!!!

«هنگامی که زنها را ببینی که خود را در اختیار کافران می گذارند !!»

در میان زن های ناآگاه به تعداد اندک و در میان زنان تحصیل کرده و روشنفکر به تعداد فراوان از این جرثومه های فساد یافت می شوند که خود را در اختیار بیگانه بگذارند و به این تباهی مباحات نیز بکنند و اسم آن را آزادی و پشت پا زدن به آداب و رسوم و تقالید بگذارند .!!

«...» 1122-تصبح طهران قصورها کقصور الجنه، و نسوانها کاحور العین، یتلبسن بلباس الکفار، و یتزیین بزی الجبابره یرکبن السروج، ولایتمکن لازواجهن! . ولاتکفی مکاسب الازواج لهن! . فروا منها الی قله الجبال و من الجحر الی الجحر کالثعلب بأشباله »!!!

«تهران به حدی می رسد که کاهایش چون کاخهای بهشتی شود و زنانش چون حورالعین باشند، جامه کافران را بپوشند، خود را به شکل مستکبران در آورند، بر زینها سوار شوند، به همسران خود تمکین نکنند، و

درآمد شوهرانشان آنها را کفاف ندهد!، از آنها به قله کوهها فرار کنید و همانند روباهی که بچه های خود را برداشته اند از لانه ای به لانه ای می گریزد، کودکان خود را برداشته، از پناهگاهی به پناهگاهی بگریزد!!» [۲۷]

من خیال می کنم که امام صادق (ع) از تهران به این سبب به طور خصوص نام برده، که می دانسته یکروز ایران مرکز تشیع می شود و تهران پایتخت یک کشور شیعی می گردد، از این رهگذر برای هشدار باش به شیعیان خود از تهران به طور خاص نام برده است و گرنه این صفات همه پایتخت های ممالک اسلامی را در بر می گیرد .

آنگاه به کسانی که ثابت قدم مانده، به چپ و راست نگرانیده اند، توصیه می کند که از دست این عاملان فساد به دشت و صحرا بگریزند و به قله کوه ها پناهنده شوند، تا رسوبات اعتقادات کهن خود را از دست ندهند .

آنگاه در ضمن احادیث طولانی از خانواده هائی سخن گفته که اهل خانه زنها را در انجام همسرش آگاه شده چشم می پوشد!، مرد، زن و کنیزش را در اختیار دیگری نهاده، به درآمد اندک و ناچیز آن دلخوش می شود!!» [۲۸]

در اینجا یادآور می شویم که همه این تعبیرات از دیگر پیشوایان معصوم نیز نقل شده است که ما برای پرهیز از تکرار به نقل آنها از رسول اکرم (ص) و پیشوای پرهیزکاران امیرمؤمنان (ع) و رئیس مذهب، امام صادق (ع) بسنده کردیم.

سیمای دانشمندان و زمامداران در آخر الزمان

پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

« 1123-صنفان من الناس اذا صلحا صلح الناس، و اذا فسدا فسد الناس: العلماء، والامراء .»

«دو صنف از امت من هستند که اگر آنها اصلاح شوند مردمان اصلاح می شوند، و اگر آنها فاسد باشند مردمان فاسد می شوند: آنها دانشمندان و زمامداران می باشند.» [۱]

بعد از وجود اقدس حضرت احدیت، چه کسی راستگوتر از وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت (ص) می باشد؟ و به راستی حق مطلب را ادا کرده، و ما امروز شاهد تباهی امت اسلامی، در اثر تباهی این دو صنف می باشیم .

« 1124-شرار العلماء الدین یأتون الامراء، و خيار الامراء الدین یأتون العلماء »

«بدترین علما آنهایند که پیشانی به آستان پادشاهان بسایند، و بهترین زمامداران آنهایند که به سوی علما بشتابند.» [۲]

یکبار دیگر از پیشگاه رسول اکرم (ص) سؤال کردند: بدترین مردم کیانند؟ فرمود :

« 1125-العلماء اذا فسدوا »

«علما هستند هنگامی که فاسد شوند.» [۳]

اخبار غیبی وارده از پیشگاه مقدس حضرت رسالت پناه و فرزندان عالی‌مقدار آن حضرت، از سنخ پیشگوئیهای منجمان، کاهنان، فال بینها و کف بینها نیست، بلکه مستند به وحی الهی و پیک امین می باشد، و خبر دادن آنها از این رویدادها برای مصالح امت اسلامی است که اولاً با تحقق یافتن هر یک از این رویدادها دلایل حقانیت آئین مقدس اسلام تداوم می یابد، ثانیاً امت اسلامی می تواند از این زنگ خطرها حداکثر استفاده را نموده، خود را به موقع از ورطه هلاکت دور نگه دارد. از این رهگذر همه این خبرهای غیبی در روند هدایت مردم و به دلایل تربیتی و ارشادی بیان شده است، و در پاسخ پرسش افراد حساس و کنجکاو القاء شده است .

تصور نشود که پیامبر اکرم (ص) و جانشینان معصوم او (نعوذبالله) بساط پیشگوئی باز کرده، رهگذران را صید نموده، خبرهایی در رابطه با آینده با عابران و رهگذران مطرح می کردند!، بلکه آنها در خاندان رسالت و در دودمان امانت مستقر بودند، تشنگان دانش و شیفتگان فضیلت از راه های دور و دراز رنج سفر تحمل کرده، به پیشگاه آنها تشریف حاصل می کردند و از مسائل مورد ابتلای خود می پرسیدند، و آنان در رابطه با پرسشهای آنها یک سلسله مسائلی را مطرح می فرمودند، و احياناً مطالبی را هم در رابطه با آخرالزمان که با پرسش آنها مربوط می باشد، یا در روند تربیتی آنها لازم شناخته شود، با آنها بازگو می کردند. تلاش دائم آن بزرگواران در زمینه تحکیم مبانی عقیدتی و تعلیم احکام دینی و تهذیب و تقویت جهالت اخلاقی مردم بود، و گفتگوی خبرهای غیبی به دلیل ارتباط آنها با انجام رسالت تربیتی و ایفای نقش رهبری بود .

ما که بیش از هزار سال از عصر آنها فاصله داریم، با تحقق هر یک از خبرهای غیبی آنها، بیش از پیش ایمان و اعتقادمان به آنها را سخر می شود و به یقین در می یابیم که آنها از مبدء وحی سخن گفته اند و هرگز کلمه ای از جانب خود نفرموده اند. تمام مطالبی که از عصر ما بیان کرده اند، آنچنان با زمان ما منطبق است که گوئی سالیان درازی در میان ما زندگی کرده اند و همه مسائل امروز را تجربه نموده اند .

رسول گرامی اسلام سخنان گرانبهای خود را برای عموم ایفاء می کند و همه اعصار و قرون را در نظر می گیرد و سخنان پرارجش را با تمام اقطار و اکناف زمین منطبق می سازد. از این رهگذر آنچه در مورد دانشمندان و

زامداران بیان فرموده، سخن حق و مسلمی است که هیچ جای جدل و مناقشه نمی باشد و همه می دانند که اصلاح مردم با اصلاح دانشمندان و زمامداران ارتباط مستقیم دارد، زیرا امور مذهبی مردم با دانشمندان ارتباط دارد و زمام امور مادی مردم به دست زمامداران است، اگر این دو گروه اصلاح شوند امور دین و دنیا اصلاح خواهد شد و اگر این دو طبقه فاسد شوند، امور دین و دنیا به تباهی کشیده خواهد شد. و این چنین خداوند پیامبرش را آگاه نموده و ما امروزه آن را با چشم خود می بینیم. رسول گرامی اسلام در فرصتها مختلفی امت اسلامی را از خطر فساد و تباهی این دو گروه بیم داده و آگاه نموده، تا در دام مفسدان آنها نیفتاده، در واید سقوط و هلاکت گام نگذارند. و اینک چند نمونه دیگر از سخنان پراح رسول گرامی اسلام در این رابطه :

« 1126- اخاف علی امتی ائمه مضلین »

«من برای امت خود از رهبران گمراه بیمناکم.» [۴]

در اینجا کلمه «رهبران» شامل رهبران مذهبی (علماء) و رهبران دنیوی (زامداران) می باشد .

« 1127- ینزل بامتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع ببلاء اشد منه، حتی تضیق علیهم الارض الرحبه، و حتی لایجد الرجل منهم ملجأ یتجى، الیه من الظلم! فیبعث الله رجلا من عترتی ».

«در آخر الزمان بلای سختی از ناحیه زمامداران به امت من وارد می شود، این بلا به قدری سخت می شود که نظیر آن هرگز شنیده نشده، و زمین را با این وسعت و گستردگی در نظر آنها تنگ می نماید، کسی از آنها پناهگاهی پیدا نمی کند که از ستم زمامداران به آنجا پناه ببرد، در چنین زمانی خداوند مردی را از عترت من بر می انگیزد...» [۵]

این روایت بشارت است، زیرا این بلاها را نشانه نزدیک شدن فرج معرفی می کند، روایات دیگری نیز این معنی را تأیید می کند .

« 1128- اذا قل علماوکم، و ذهب فراوکم، و قطعتم زکاتکم، و اظهرتم منکراتکم، و علت اصواتکم فی مساجدکم، وجعلتم الدنیا فوق رؤوسکم والعلم تحت اقدامکم، و الکذب حدیثکم والغیبه فاکهتکم، والحرام غنیمتکم، ولایرحم کبیرکم صغیرکم، ولایوفر صغیرکم کبیرکم، فعند ذلک تنزل اللعنه علیکم و یجعل باسکم بینکم ».

«هنگامی که دانشمندان شما کم شوند، قاریان شما از بین بروند، شما از دادن زکات ابا کنید، گناهان را علنی انجام دهید، صداهای شما در مساجد بلند شود، دنیا را بالای سرتان قرار دهید، دانش را زیر پای خود بیفکنید، گفتارتان دروغ باشد، شیرینی مجالستان غیبت باشد، درآمدتان از طریق حرام به دست آید،

بزرگترها به کوچکترها ترحم نکنند، کوچکترها نیز احترام بزرگان را رعایت نکنند، در چنین زمانی لعنت بر شما نازل می شود، ترس در میان شما انداخته می شود و نیروی شما بر علیه همدیگر به کار گرفته می شود.»

[۶]

آیا همه اینها تحقق نیافته؟ چرا، مگر مساجد ما به این صورت درنیامده؟! مگر از بلندگوی مساجد ما جز تهمت و دروغ پخش می شود؟! مگر پول و ثروت به صورت معبود ما در نیامده و روی سر ما جای نگرفته؟! مگر علوم دینی پشت سر انداخته نشده و مورد هتک و اهانت قرار نمی گیرند؟!، مگر این آیه در حق ما عینیت نیافته که می فرماید :

«فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوه و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا .»

«بعد از آنها مردمی به جای آنها نشستند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی با آتش هلاکت روبرو شوند.» [۷]

ضلالت و هلاکت دنیا را دیدیم و در میان شعله های آن دست و پا می زنیم و شعله های هلاکت و غوایت دوزخ در انتظار ماست که به خدای توانا از آن پناه می بریم، اگر با آن نیز روبرو شویم دیگر راه نجات نداریم که آن آتش خشم خداوندی است و یک جایگاه جاوید و ابدی خواهد بود .

دیگر فقرات حدیث نیز تحقق یافته: علمای دینی بسیار کم شده، قاری های واقعی به کلی از بین رفته، که منظور از قاری، بازیگران ترتیل قرآن و غنا کنندگان به صوت آن نیستند، بلکه منظور از قاری، آن حافظ قرآن است که معتقد به قرآن باشد، بر ترتیل و تجوید آن واقف، بر احکام و تعالیم آن عامل، و از راهی که قرآن کریم نشان داده، رهرو باشد، اما این نوارها و صفحه هائی که به نام قرآن به فروش می رسد، یک سلسله «اصوات و الحان» است که به جای دیگر نوارها و صفحه ها به دست جوان امروزی داده می شود، تا از دیگر انواع موسیقی بی نیاز شود .

« -1129اذا تقارب الزمان انتقى الموت خيار امتي كما ينتقى احدكم خيار الرطب من الطبق »!

«هنگامی که فرج نزدیک باشد، مرگ بهترین امت را برمی گزیند، آن سان که شما خرماهای رطب را از یک طبق خرما بر می گزینید.» [۸]

« -1130اذا كانت امرؤکم شرارکم، واعنیاوکم بخلاءکم، و امورکم الی نساءکم، فبطن الارض خیر من ظهرها »!

«هنگامی که زمامداران شما بدترین شما باشد، ثروتمندان شما بخیلان شما باشد، و کارهای شما به دست

زنان شما باشد، در چنین زمانی زیر زمین بهتر از روی آن است.» [۹]

اشاره به حوادث تلخ و ناگواری است که انسان در چنین زمانی مرگ را بر زندگی ترجیح می دهد و اگر به اختیار خویش باشد قبر را بر قصرهای سر به فلک کشیده بر می گزیند .

« 1131- یصبح زعیم القوم اردلهم !»

«پست ترین مردمان، رهبر آنان می گردد.» [۱۰]

پیامبر اکرم (ص) چون یک جامعه شناس موشکاف، حوادث و علل حوادث دهها قرن دیگر را با قاطعیت بیان می فرماید .

« 1132- ادا اسند الامر الی غیر اهلہ فاتتظروا الساعه !»

«هنگامی که کارها به غیر اهل سپرده شود منتظر فرج باشید.» [۱۱]

در این روایت ها منظور از «ساعت»، ساعت ظهور، و لحظه رهائی موعود است .

« 1133- ان اللّٰه اذا غضب علی امه لم ینزل بها عذاب خسف ولامسح، غلت اسعارها، و تحبس عنها امطارها، ویلی علیها شرارها !»

«هنگامی که خداوند بر قومی غضب کند آنها را به عذاب هائی چون خسف و مسخ دچار نمی کند بلکه قیمت ها بالا می رود، باران حبس می شود و بدترین مردم بر آنها حکومت می کند.» [۱۲]

بالا رفتن قیمتها به صورت یک مسئله جهانی در آمده، هر روز مقدار تورم بالا می رود، و زمامداران از چاره جوئی ناتوان گشته اند، اما باران هنوز به کلی قطع نشده، اگر چه غالباً ناپهنگام می بارد و ویرانی ها به بار می آورد، ولی از خداوند می خواهیم که به حیوانات زبان بسته و کودکان بی گناه رحم آورد و آن را قطع نکند، اما در مورد مسلط شدن اشرار و حکومت شریران به خدا پناه می بریم .

« 1134- انی اخاف علی امتی بعدی اعمالاً ثلاثه: زله عالم، و حکم جائر، و هوی متبعاً !»

«برای امتم بعد از خود در مورد سه چیز بیمناکم: ۱- لغزش عالم، ۲- ستم زمامدار، ۳- پیروی هوای نفس.» [۱۳]

هر سه تحقق یافته، و قبلاً زنگ خطر به صدا درآمده، هر که به هوش نبوده جز خویشتن را سرزنش نکند .

« 1135-ستکون علیکم ائمه یملکون علیکم ارزاقکم، یحدثونکم فیکذبونکم، لا یرضون منکم حتی تحسنوا قبیحهم، و تصدقوا کذبهم .»

«رهبرانی بر شما مسلط می شوند، که روزیهای شما را به دست می گیرند، چون با شما سخن بگویند دروغ می گویند، از شما راضی نمی شوند مگر هنگامی که کارهای ناشایست آنها را تحسین کنید و دروغهای آنانرا تصدیق نمائید.» [۱۴]

« 1136-سیاتی علیامتی زمان یكثر الفقراء، و یقل العلماء، و یقبض العلم و یكثر الهرج، ثم یأتی بعد ذلك زمان یقرا القرآن رجال لا یجاوز تراقیهم .»

«برای امت من زمانی پیش می آید که در آن فقیر زیاد می شود، دانشمند کم می شود، علم از میان مردم برداشته می شود، هر ج و مرج فراگیر می گردد، سپس زمانی پیش می آید که قاریان قرآن را می خوانند ولی از حلقوم آنها تجاوز نمی کند.» [۱۵]

چنانکه ما امروز قرآن می خوانیم ولی دقت و تأمل نمی کنیم، چون به آیات رحمت می رسیم بارقه امید در دیدگان ما نمی درخشد، و هنگامی که به آیات عذاب می رسیم، ضربان قلب ما افزای نمی یابد و آثار خوف در سیمای ما ظاهر نمی شود .

« 1137-إذا ابغض المسلمون علماءهم، و اظهروا عماره اسواقهم، و تناكحوا علی جمع الدراهم، رماهم اللّٰه بربع خصال :

بالقحط من الزمان، و جور السلطان، و الخیانه من و لاه الحکام، و الصوله م العدو !»

«هنگامی که مسلمانان با علمای خود از سر ستیز درآیند، بازارهای خود را آباد جلوه دهند و برای گردآوری ثروت ازدواج کنند، خداوند آنها را به چهار بلاد دچار می سازد :

1- قحطی زمان،

2- ستم سلطان،

3- خیانت فرمانروایان،

4- ترس و وحشت از دشمنان.» [۱۶]

هر چهار بلا کشورهای ما را فرا گرفته، قحطی و تورم به اوج رسیده، زمامداران ستم پیشه کرده اند، خیانت

هر کوچه و برزن را فراگرفته، ترس و وحشت از دشمن پشت ممالک اسلامی را می لرزاند و سرزمین های آنها را قطعه قطعه نموده است .

پیشوای پنجم شیعیان در مورد مفتی ها و قاضی های اسلامی می فرماید :

« 1138- من افتی الناس بغير علم ولا هدى من الله، لعنته ملائكة الرحمه وملائكة العذاب، و لحقه وزر من عمل بفتياه !»

«هر کس بدون علم فتوی دهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب او را لعنت می کنند، و گناه همه کسانی که به فتوای او عمل کنند به گردن اوست.» [۱۷]

رسول اکرم (ص) نیز در مورد «قاضی» می فرماید :

« 1139- لسان القاضي بين جمرتين من نارحتى يقضى بين الناس. فاما الى الجنة، و اما الى النار !»

«زبان قاضی در میان دو شعله آتش قرار گرفته تا در میان مردم قضاوت کند، چون قضاوت کرد یا به سوی بهشت می رود یا به سوی آتش.» [۱۸]

در روایت دیگری رسول اکرم (ص) می فرماید :

«بدترین امت من کسانی هستند که متدی امر قضاوت شوند، که اگر امر بر او مشتبه شود مشورت نمی کند، اگر واقعیت را دریابد خوشحالی بیرون از حد کند و اگر خشمگین شود به خشونت متوسل می شود.»

و می فرماید :

«کسیکه چیز زشتی را بنویسد همانند کسی است که به آن مرتکب شود.»

(شاید معنای حدیث این باشد: کسیکه منشی و نویسنده ستمگری باشد در گناه او شریک است.)

« 1140- لست اخاف على امتي غوغاء تفتلهم، ولا عدوا يجناحهم. ولكني اخاف على امتي ائمة مضلين ان اطاعوهم فتنوهم، و ان عصوهم قتلوهم.»

«من در مورد امت خود از کشتارهای جنگی بیمناک نیستم و از دشمنی که آنها را ریشه کن سازد اندیشه نمی کنم، ولی ترس من در مورد آنها از رهبران گمراهی است که اگر از آنها پیروی کنند آنها را فریب می دهند و اگر نافرمانی کنند آنها را به قتل می رسانند.» [۱۹]

از رسول اکرم (ص) نقل می شود که فرمود :

«برای هر چیزی آفتی هست و آفت این دین پیشوایان بد می باشند .»

و فرمود :

«وای بر امت من از علمای سوء»

منظور رسول اکرم (ص) از علمای سوء، دانشمندانی هستند که مردم را به نیکی امر می کنند و خود عمل نمی کنند .

«-1141 سیکون بعدی ائمه يعطون الحکمه على متابرههم، فاذا نزلوا نزعنا عنهم! واجسادهم شر من الجيف»

«بعد از من پیشوایانی پدید می آیند که چون برفراز منبر قرار بگیرند سخنان حکمت آمیز می گویند، چون از منبر پائین آمدند نور حکمت و ایمان از آنها گرفته می شود، چنین دانشمندانی از مردار پلیدتر هستند.»

[۲۰]

«-1142 يتفقه اقوام لغير الله، وطلبها للدنيا و الرئاسة. و يوجه القرآن على الالهواء، و يصير الدين بالراي .»

«اقوامی برای غیر خدا درس فقه می خوانند، صرفاً برای مقام و ریاست به فقاہت می گرایند، قرآن را طبق خواسته های خود توجیه می کنند، و آئین خدا را با آراء خود تفسیر و تحلیل می کنند.» [۲۱]

با کمال تأسف این بلاها نیز تحقق یافته، چقدر فراوانند کسانی که برای مقام و ریاست به دنبال فقاہت می روند، و چقدر فراوانند افرادی که از آغاز شروع به درس دم از رأی و فتوا می زنند و در برابر کلام صریح معصوم می گویند: رأی من چنین و چنانست !.

«-1143 ما تعلم العلم رياء و سمعه يراد به الدنيا، الا نزع الله برکتہ و ضيق عليه معيشه و وکله الى نفسه. و من و کله الله الى نفسه فقد هلك .»

«هنگامی که علم برای ریا و تظاهر و ثروت اندوزی کسب شود، خداوند برکاتش را از آن سلب می کند و زندگی چنین اشخاص را تنگ قرار می دهد [۲۲] و به خودش وا می گذارد. و کسی که خداوند او را به خودش وا گذارد، هلاک می شود [23] .»

« 1144- من تعلم العلم ولم يعمل بما فيه، حشره الله يوم القيامة اعمى، و من تعلم العلم يريد به الدنيا و اثر عليه حب الدنيا و زيتها، استوجب سخط الله و كان فى الدرك الاسفل من النار »

«كسیکه علم را فرا گیرد و به آن عمل نکند، خداود او را در روز رستاخیز به صورت نابینا محشور نماید. کسیکه علم را برای دنیا به دست آورد و محبت دنیا را بر آن مقدم بدارد، مستوجب غضب الهی گردد و جایگاهش در پائین ترین درجه آتش است.» [۲۴]

« 1145- لاتنعموا العلم لتباهوا به العلماء، و لتماروا به السفهاء، و لتصرفوا به وجوه الناس اليكم. فمن فعل ذلك فهو فى النار !»

«هرگز علم را برای افتخار و مباحات به علما، و مجادله با کوته فکران و جلب توجه مردم نخوانید، کسیکه این کار را انجام دهد در دوزخ است.» [۲۵]

آنگاه دانشمندان سوء را با گرفتاریهای جانکاه بیم داده می فرماید :

« 1146- یكون فى امتى فزعه، فتصير الناس الى علمائهم فاذا هم قرده و خنازير، قد عوقبوا بنظير ما فعلوا من تغيير الحق عن جهته، و تحريف الكلام عن مواضعه!!! مسخ الله صورهم و غير خلقتهم كما بدلوا الحق باطلا .»

«در میان امت من وحشت و اضطرابی پیش می آید که مردم به علمای خود مراجعه می کنند و آنها را به صورت بوزینگان و خوکها در می یابند، و این اثر وضعی اعمال آنهاست که حق را از مسیر خود منحرف کرده، سخن را از محل خود تغییر داده اند، خداوند نیز به عنوان کیفر کردارشان صورت های آنها را مسخ کرده، آفرینش آنان را تغییر می دهد، آن سان که آنها حق را تغییر داده به صورت باطل در آورده اند.» [۲۶]

و این مرحله جانکاه به زودی فرا می رسد، که مقدمات آن فرا رسیده است، و علمای سوء و به خصوص آنها که همه دانش و بینش خود را در اختیار زمامداران ستمگر قرار داده اند که به مصداق: «چو دزدی با چراغ آید، گزیده تر برد کالا»، با مشعل فروزان دانش، آیات و احکام الهی را تفسیر و توجیه نموده، راه را برای ستمگران و خیانت پیشگان هموار می کنند، به زودی به کیفر کردار زشت خویش در این سرا می رسند و عذاب آخرت سخت تر و رسوا کننده است. رسول اکرم (ص) آنها را بدترین مردم زمین تعبیر فرموده است که اگر به مقام و منصبی راه یابند از رشوه سیر نمی شوند، و اگر معزول شوند از روی ریا به عبادت می پردازند. آنها راهزنان راه خدا و دزدان عقاید مردمند و با کردار ناشایست خود مردم را از دین دور کرده به کفر و الحاد سوق می دهند .

« 1147- علماوهم خونه فجره!. اشرار خلق الله هم و اتباعهم و من یأتیهم و یأخذ منهم و یجالسهم و

یساورهم!!! فقهاوهم خونه یدعون انهم علی سستیو منهاجی و شرائعی... انهم منی براء، و انا منه بریء .»

«علمای آنها خائن و فاسق هستند، آنها، و پیروان آنها، و آنانکه به سوی آنها می آیند و از آنها کسب نور می کنند، و آنانکه آنها را دوست می دارند، با آنها می نشینند و با آنها مشورت می کنند، بدترین مخلوقات روی زمین می باشند. فقهای آنها حائن هستند و ادعا می کنند که بر سنت و طریقه و آئین من می باشند ولی آنها از من بیزارند و من نیز از آنها بیزارم.» [۲۷]

«-1148 یکون فی آخرالزمان امراء ظلمه، و وزراء فسقه، و عرفاء ظلمه، و امناء خونه .»

«در آخرالزمان زمامدارانی ستم پیشه، وزیرانی فاسق، عارفانی ستمگر، و امین هائی خیانتگر می باشند.» [۲۸]

این حدیث نویدگر آنست که هنگامی که این صفات در طبقه های یاد شده پدید آمد فرج نزدیکست، و با تحقق آنها در عصر ما امید فراوان می رود که آن روز پرشکوه را ما نیز درک کنیم انشاء الله .

دیگر جای تعجب نیست که اسلام این قدر کهنه شده، نماز و روزه فراموش گردیده، مجالس به اصطلاح مذهبی فراوانست و از قرآن و احادیث خبری نیست .! علما به سوی رژیم های حاکم گرائیده، احکام آئین را به دلخواه آنان توجیه می کنند، حرام خدا را حلال نموده، خواسته آنان را تأمین می نمایند، که هدف نهائی آنان در تحصیل دانش به دست آوردن درهم و دینار بود و به آن هم رسیدند!. با اینکه رسول اکرم (ص) آنها را تشجیع نموده و به آنها گوشزد فرموده که بعد از من قرآن از دستگاه حاکمه جدا می شود شما هرگز از قرآن جدا نشوید. و فرموده که زمامدارانی بر شما مسلط خواهد شد که در حق خود به صورتی داوری می کنند و در حق شما به گونه ای دیگر، اگر با آنها سر ستیز داشته باشید شما را می کشند و اگر با آنها سازشکاری پیشه کنید شما را گمراه می سازند، با آنها چون حواریون حضرت عیسی (ع) رفتار کنید که به دار رفتند و تسلیم نشدند، که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است .

«-1150 اذا رایت اقرب الناس من الولاه من یمتدح بشتم اهل البیت، و من یحبهم یزور ولا تقبل شهادته»

«هنگامی که ببینی که نزدیکترین مردم به زمامداران کسانی هستند که به عنوان فحش و ناسزا گفتنش به اهلیت ستوده می شوند، و هر کس دوستدار اهلیت باشد تخطئه می شود و شهادتش پذیرفته نمی شود.» [۳۰]

رسول گرامی اسلام (ص) در حدیث دیگری در این زمینه می فرماید :

«زمامداران آنها ستم پیشه، معاونان آنها ستمگر، دانشمندان آنها آرمند، زاهدان آنها تزویرکار، بازرگانان

آنها رباخوار، زندهای آنها غرق در آرایش و نوجوانان آنها غوطه ور در بی عفتی اند، علما را فقط با لباس نیکو می شناسند و قرآن را فقط با صدای نیکو تشخیص می دهند، و خدا را فقط در ماه رمضان می پرستند، در چنین زمانی خداوند سلطانی را بر آنها مسلط می کند که علم و حلم و رحم نداشته باشد.»

صفات که رسول اکرم (ص) برای اهل زمان ما بیان فرموده، آنقدر دقیق است که اگر یک جامعه شناس آگاه و ماهری ویژگی های جامعه ما را بشمارد بیش از آن چیزی نخواهد یافت. اگر این اخبار غیبی را به پیشگوئی منجمان و کاهنان حمل کنید، چرا هیچ منجم و کاهنی از این سری خبرها نگفته، و منحصرأ حضرت رسول اکرم (ص) و فرزندان معصومش این نویدها را داده اند؟! .

« 1151- ثم یاتی بعد ذلک زمان، حتی لایری فیه الا سلطان جائر، او غنی بخیل، او عالم راغب فی المال، او فقیر کذاب، او شیخ فاجر، او صبی وقح، او امراه رعناء»!!!

«آنگاه زمانی پیش می آید که در آن زمان جز پادشاه ستمگر، ثروتمند بخیل، دانشمند جاه طلب، مستمند دروغ پرداز، پیرمرد تبهکار، کودک بی شرم، و زن گستاخ نباشد»!! [۳۱]

و اینها کالای رائج در بازار قرن بیستم، و دستاورد تمدن جدید است، که مو به مو تحقق یافته است .

« 1152- الساعه تکون عند خبث الامراء، و مداهنه القراء، و نفاق العلماء! . و اذا صدقت امتی بالنجوم، و کذبت بالقدر. و ذلک حین یتخذون الکذب ظرفا، والامانه مغنما، و الزکاه مغرما. والفاحشه اباحه، و العباده تکبرا و استطاله علی الناس... و حینئذ یفتح اللّٰه علیهم فتنه غبراء مظلمه، فیتیهون فیها کما تاهت الیهود .»!

«و آن روز پرشکوه، هنگامی است که زمامداران پلید شوند، قاریان سازش کاری را پیشه کنند، دانشمندان به نفاق بگرایند، امتم سخنان منجمان را تصدیق کنند و تقدیرات الهی را تکذیب نمایند، و آن هنگامی است که دروغ را مهارت، خیانت به امانت را غنیمت، زکات را جریمه و فحشا را مباح پندارند و عبادت را از روی تکبر و منت بر مردمان انجام دهند، در چنین زمانی خداوند فتنه جانکاهی را بر آنها چیره نماید که در میان آن سرگردان شوند، آنچنانکه یهود در وادی تیه سرگردان شد.» [۳۲]

امروز جهان اسلام در سرگردانی و سردرگمی عجیبی به سر می برد و همه مجد و عظمت آنها در زیر پای دشمنان لگدمال شده است، و صدها ملیون عرب در دست دشمن صهیونیستی اسیر و سرگردان هستند. آنگاه رسول اکرم (ص) در مورد علمای راستین که بر اعتقاد خود پابرجا باقی مانده، تابع رژیم های فاسد نشوند، می فرماید :

«برای مردم زمانی پیش می آید که علما را همانند دزدان می کشند، ای کاش در آن زمان علما خود را به حماقت بزنند تا جان خود را از قتل، و آبروی خود را از تهمت، در امان نگهدارند. از خانه های خود خارج

نشوند، خود را به سادگی بزنند و از رویدادها اظهار بی اطلاعی کنند. !!!»

در این سه سال اخیر چقدر از علمای شیعه در ایران و عراق و لبنان به ناحق کشته شدند؟! گوئی دیگر هدفی جز مبارزه با راهنمایان مذهبی و ریشه کن ساختن دعوتگران راه خدا ندارند! ولی خداوند در کمین ستمگران است .

«-1153 ان الله تعالى لاينزع العلم بعد ان اعطا كموه انتزاعا و انما ينزعه بقبض العلماء، فتبقى ناس جهال، يستقتون فيقتون برايهم فيضلون و يضلون .»

«خداوند علم و دانشی که به شما داده از شما سلب نمی کند، بلکه از طریق رحلت علمای ربانی این علم از میان شما رخت بر می بندد و گروهی نادان برای شما می ماند، از آنها فتوا می پرسید و آنها با رای خود برای شما فتوا می دهند، خود گمراه شده، شما را نیز گمراه می کنند.» [۳۳]

پس از رحلت دانشمندانی که شب و روز در راه تحقیق عمر خود را سپری می کنند، بر این امت چه خواهد گذشت؟! این همه میراث گرانبهائی که از علوم آل محمد (ص) برای ما گرد آورده اند و قفسه های کتابخانه های جهان را پر کرده اند، به چه سرنوشتی دچار خواهد شد؟! .

«-1154 اننا م غير الدجال اخوف عليكم من الدجال!!! فقيل: و ما ذاك؟! فقال: ائمه مفلون .»!

«زیرا که من از غیر دجال بیش از دجال مورد شما اندیشناکم. گفته شد: چگونه یا رسول الله؟! فرمود: از پیشوایان گمراه کننده.» [۳۴]

ای کاش پیشوایان عصر ما این حدیث را می خواندند و مردم را گمراه نمی ساختند .

امیرمؤمنان (ع) می فرماید :

پیشوای نخستین شیعه در مورد شکایت از دانشمندان می فرماید: «دو گروه کمرم را شکست: ۱- دانشمند گستاخ ۲- نادان زاهد مآب.» دانشمند گستاخ با رأی خود فتوا می دهد و احکام دین را دگرگون می سازد و نادان زاهد مآب با شیوه غلط خود مردم را به گمراهی می کشد .

«-1155 وتبطل الاحكام، و يحبط الاسلام، و تظهر دولة الاشرار، و يحل الظلم بكل الامصار .»!

«احکام دین تعطیل می شود، آئین اسلام حبط می گردد، دولت اشرار ظاهر می شود و کابوس ستم هر شهر و آبادی را فرا می گیرد.» [۳۵]

ای پیشوای عزیز! و ای امام رؤف! آنچه فرمودی تحقق یافته، دولت اشرار تشکیل شده، مسلمانان در رنج و اضطراب به سر می‌برند، نسل جوان از دین و آئین روی برتافته، از تائید کفر و الحاد، علیرغم ادعای ایمان، پروائی ندارند.!

«-1156 فاولئک یدعون فی ملکوت السماوات الارجاس النجاس .»

«آنها در ملکوت آسمانها پلید نامیده می‌شوند.» [۳۶]

ولی مسلمانان از زنگ های خطری که به صدا در می‌آید، به هوش نمی‌آیند، آنها هدفی جز به دست آوردن پول و اشباع عرائز حیوانی از خود نشان نمی‌دهند .

«-1157 انه لا یزال عدل اللّٰه مبسوطا علی هذه الامه، ما لم یمل فراؤهم الی امرائهم، و ما لم یزل ابرارهم ینهی فجارهم. فان لم یفعلوا ثم استقروا فقالوا: لا اله الا اللّٰه، قال اللّٰه فی عرشه: کذبتهم، لستم بها صادقین .»

«عدالت خداوندی بر این امت تا موقعی گسترده است که قاریان امت به زمامداران گرایش پیدا نکنند و نیکان آنها تبهکارانشان را از گناه نهی کنند، هنگامی که قاریان به سلاطین بگروند و نیکان نهی از منکر نکنند و آنگاه بنشینند و بگویند: لا اله الا اللّٰه، خداوند در عرش خود می‌فرماید: دروغ می‌گوئید و در این گفته خود راستگو نیستید.» [۳۷]

«-1158 اذا قل الفقهاء الهادون، و کثر فقهاء الضلاله و الخونه، و اذا کثر الشعراء»

«هنگامی که فقهای هدایتگر کم شوند و فقیهان گمراه و خیانت پیشه فراوان باشند و شاعران بسیار شوند.» [۳۸]

امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید :

«-1159 ورایت الحرام یحلل، ورایت الحلال یحرم!»

«و می‌بینی که حرام حلال شده و حلال حرام می‌گردد.» [۳۹]

«-1160 وتمیل الفقهاء الی الکذب، و تمیل العلماء الی الریب»

«فقها به دروغ و علما به شک و تردید تمایل نشان می‌دهند.» [۴۰]

« 1161- و فقها و هم یفتون بما یشتهون، و قضاتهم یقولون مالا یعلمون، و اکثرهم بالزور یشهدون! من کان عنده دراهم کان موقراً مرفوعاً، و ان کان مقلماً فهو عندهم موضوع»

«فقیهان آن زمان طبق هوای نفس خود فتوی می دهند، قاضی های آنها آنچه را که نمی دانند می گویند، و بیشتر آنها به دروغ گواهی می دهند کسیکه چند درهم پول داشته باشد در نزد آنها عزیز و محترم است. و کسیکه بی پول باشد در نزد آنها خوار و زبون است.» [۴۱]

در زمان ما هم دقیقاً پول و مقام، میزان عزت و ذلت شده است .

« 1162- اذا خرج القائم یتتقم من اهل الفتوی بما لایعلمون. فتعساً لهم ولاتباعهم! او کان الدین ناقصاً فتموه ام کان به عوج فقوموه، ام هم الناس بالخلاف فاطاعوه، ام امرهم بالصواب فعصوه، ام هم المختار فیما اوحی الیه فذکروه، ام الدین لم یتکتمل علی عهده فکملوه، ام جاء نبی بعده فاتبعوه »

«هنگامی که قائم ما ظاهر شود، از کسانی که بدون علم فتوی داده اند انتقام می گیرد. وای بر آنها و پیروان آنها. آیا دین خدا ناقص بود که آنها تکمیل کردند؟! آیا در دین خدا انحرافی بود که آنها درست کردند؟! آیا مردم علاقه به انحراف داشتند که از او پیروی کردند؟! و یا او مردم را به راستی و درستی امر کرده و مردم مخالفت ورزیده اند؟! آیا رسول اکرم (ص) در آنچه به او وحی شده چیزی را فروگذار کرده که به او یادآوری کرده اند؟! و یا دین در عهد او کامل نبود و اینها تکمیل کردند؟! آیا پیامبری بعد از رسول اکرم (ص) آمده که از او پیروی کردند؟!» [۴۲]

این بیان چقدر زیبا و عالی است و این منطق چقدر قوی و نیرومند است، و جای شگفت نیست که از امیر بلاغت و امام فصاحت امیرمؤمنان (ع) جز آن انتظار نمی رود. ولی چه کسی به این حقایق توجه می کند و به این سخنان والا گوش فرا می دهد؟! اگر به این هشدارها گوش دهند، فرصت طلبان از خدا بی خبر نمی توانند آراء شخصی خود را به نام رسول اکرم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) (بر مردم تحمیل کنند .

« 1163- اذا وقع الموت فی الفقهاء، و وضعت امه محمد الصلاه »!

«و آن هنگامی است که مرگ فقهای راستین را یکی پس از دیگری برباید و امت محمد (ص) نماز را ترک گویند.» [۴۳]

امروز نسل جوان در مورد نماز مسامحه فراوانی نشان می دهد و شانه از زیر بار مسئولیت خالی می کند، در حالیکه نماز ستون دین است، اگر پذیرفته نشود دیگر عبادتها نیز مردود می شود. این عبادت پر ارج اسلامی در عصر ما کم ارج شده و از فروغش کاسته شده، نشانه ارتجاع و ساده اندیشی و کوتاه نظری به شمار می آید. علم فقه نیز به تدریج رخت بر می بندد و جای فقیهان در گذشته خالی می ماند. چنانکه امیرمؤمنان و

پیشوای پرهیزکاران حضرت علی (ع) در این رابطه می فرماید :

« 1164- یكون اذا رفع العلم، و ظهر الجهل، و كثر القراء، و قل العلماء »!

«او هنگامی ظاهر می شود که علم رخت بر بندد، نادانی ظاهر شود، قاریان فراوان و دانایان اندک باشند.»
[۴۴]

« 1165- یتفقه الناس لغير الدين، و یتعلمون لغير العمل، و یطلبون الدنيا بعمل الاخره.»

«مردم فقه می آموزند ولی نه برای دین، دانش می اندوزند ولی نه برای عمل، با اعمال دینی حطام دنیا را طلب می کنند.» [۴۵]
تردیدی نیست که تعداد زیادی از دانشجویان دینی به این شیوه مبتلا هستند و اگر جز آن را ابراز کنند به نفاق می گرایند و واقعیت را می پوشانند .

« 1166- لایقوم حتی لایقسم میراث، ولایفرح بغنیمه »

«او ظاهر نمی شود جز هنگامی که دیگر میراثها تقسیم نشود و از سود بردن کسی دلخوش نباشد.» [۴۶]

امروز تقسیم صحیح ارث از بین رفته، قوانین غربی به جای احکام اسلامی معمول گشته، حتی برخی از متصدیان امر به معروف و نهی از منکر نیز مقررات ارث را از یاد برده اند .!

دلخوش نبودن از سودها نیز شاید به دلیل وحشت و اضطرابی باشد که بر جوامع بشری حکم فرماست، که دیگر یک منفعت مادی در برابر این حوادث جانکاه و فجایع تلخ نمی تواند مایه مسرت و دلخوشی انسان باشد .

امام صادق (ع) می فرماید :

« 1167- تخلو الكوفه من المؤمنین و یا رزالعلم عنها کما نارر الحیه فی جرها، ثم یظهر فی بلده یقال لها: قم، و اهلها قائمون مقام الحجه »

«کوفه از مؤمنان خالی می شود و علم از آن برچیده می شود، آنچنانکه مار در لانه خود درهم می پیچد. آنگاه در شهری به نام «قم» ظاهر می شود که مردمان آن قائم مقام حجت خدا هستند.» [۴۷]

در روزی که مردم شهر «قم» هنوز آتش پرست و بت پرست بودند و اسم آن در جزیره العرب ناشناخته بود، امام صادق (ع) خبر می دهد که این شهر مرکز علم و دانش خواهد بود و جانشینان حضرت حجت (ع) در آنجا

اقامت خواهند داشت، پس از گذشت ۱۲۰۰ سال، فرمایش امام تحقق می یابد و این شهر مرکز علوم آل محمد (ص) و مجمع علمای شیعه و فارغ التحصیلان آن مرجع تقلید و پیشوای امت اسلامی می گردند .

پیشتر نیز در مورد قم سخن گفتیم و یادآور شدیم که رسول اکرم (ص) آنجا را ستوده و از آینده درخشان آن سخت گفته، پیش از آنکه الام وارد آنجا شود و نام آن در جهان معروف گردد .

از دیگر نکات شایان توجه در این حدیث، خبر دادن آن حضرت از برچیده شدن علم از کوفه و نجف اشرف می باشد. که ممکن است منظور از آن برچیده شدن علوم به سبب ستم زمامداران و کشته شدن رجال دین باشد. در این رابطه حدیث دیگری در مورد شهرستان «قم» آمده است که در ضمن آن می فرماید :

« 1168- یخرج رجل من قم يدعو الناس الى الحق، يجتمع معه قوم كزبر الحديد لاتزل لهم الحوادث، ولایملون ولایجبنون، و علی الله یتوکلون، والعاقبه للمتقین . »

«مردی از قم خارج شده مردم را به سوی حق دعوت می کند، گروهی که دل‌هایشان چون قطعات آهن سخت است، در اطراف او گرد می آیند، حوادث آنها را مضطرب نسازد، ملول نشوند و دچار وحشت نگردند و بر خداوند توکل کنند و عاقبت از آن پرهیزکاران است.» [۴۸]

آنگاه در ضمن گفتگو از نشانه های دوران غیبت طولانی آن حضرت می فرماید :

« 1169- والفضاه یقضون بخلاف ما امر الله »

«دوران برخلاف اوامر خداوند دآوری می کنند.» [۴۹]

« 1170- ورایت الولاه یا تمنون الخونه للطمع »

«زمامداران را می بینی که برای آزمندی خود خائنان را بر سر کار آورند و امین امور کشوری قرار دهند.» [۵۰]

« 1171- ورایت طالب الحلال یذم و یعبر، و طالب الحرام یمدح و یعظم . »

«و می بینی که طالب حلال مورد تحقیر و سرزنش قرار می گیرد، و طالب حرام مورد تعظیم و ستایش واقع می شود.» [۵۱]

و در روایت دیگری آمده که حکومت به دست حرامزاده ها می افتد، که دیگر بر کسی رحم نمی کنند .

«-1172 اذا رفع العلم من بين اظهركم، فتوقعوا الفرج من تحت اقدامكم.»

«هنگامی که علم از میان شما رخت بر بندد، از زیر پای خود فرج را انتظار بکشید.» [۵۲] (یعنی به صورت ناگهانی).

«-1173 و یسبق ذلک خروج اتنی عشر رجلا من آل ابی طالب، کلهم یدعی الامامه لنفسه»

«پیش از ظهور او، دوازده نفر از فرزندان حضرت ابوطالب (ع) خروج می کنند و هر یک ادعای امامت می نمایند.» [۵۳]

امید است که فرج نزدیک باشد، که علم برچیده شده، نادانی فراگیر شده، از علمای راستین تنها عده محدودی در کنار و گوشه مانده اند که به گفتارشان گوش فرا نمی دهند و از اوامرشان فرمان نمی برند. و اینکه که با پیروزی انقلاب ایران یکی دیگر از نشانه های فرج تحقق یافت، امیدواریم که انقلاب ایران پیش در آمد حوادث مهمتری چون خروج سید خراسانی باشد که پرچم را به دست صاحب اصلی آن، حضرت بقیه الله خواهد سپرد.

سیمای دین و قرآن در آخر الزمان

دین و قرآن

دین و قرآن، دو غریب متروک و تنها، در عصر ما سرگذشت دیگری دارند .

آنها غریب و تنهاییند، تبعیدی و مهجورند .

آنها در میان مردم هستند ولی با مردم نیستند، آنچنانکه رسول اکرم (ص) تعبیر فرموده اند .

آئین مقدس اسلام امروز غریب است و قرآن کریم در قفسه های مساجد و رفهای منازل خاک می خورد .

مساجد اگر چه با فرش و چلچراغ و بلندگو و منبر و تریبون تزیین شده ولی از سخنان حق و موعظه های مؤثر و گوشه های حق نیوش خالی شده است. اینها در زمانی بود که قرآن و آئینی بود و مساجد مرکز اجتماعات مردم بود. امروز مطالب از مبادی و معانی خود خارج شده، هر کسی بر طبق نظر خود و مطابق با اغراض و اهداف خود سخن می گوید .

در اینجا حقایقی را در مورد دین و قرآن از زبان معصومین (ع) خواهی شنید که وضع امروز را دقیقاً برای ما تشریح کرده اند و در طول چهارده قرن راویان آثار و ناقلان اخبار بدون کوچکترین تغییری برای ما نقل کرده اند، زیرا آنها به مبدء و گوینده این سخنان ایمان قطعی داشتند. و اینک سخنان رسول اکرم (ص) و اهلیت عصمت و طهارت در این باره :

رسول اکرم (ص) می فرماید :

« 1174- و یوضع الدین، و ترفع الدنيا .»

«دین کم ارج می شود و دنیا ارزش فراوان پیدا می کند.» [۱]

« 1175- تجتمع الاجساد، والقلوب مختلفه. و دین احدهم لعقه علی لسانه .»!!!

«بدن های مردم یکجا جمع می شود ولی دلهای آنها پراکنده می شود، دین در نزد آنها همانند بقیه خوراکی است که در دهان می گردانند و سپس بیرون می ریزند .»

« 1176- ان الاسلام بدا غریبا، وسیعود غریبا كما بد افطوبی للغرباء »

«اسلام در آغاز غریب بود و در پایان نیز غریب می شود، خوشا به حال آن غریبان.» [۲]

« 1177- یاتی علی امتی زمان، الصابر منهم علی دینه کالقابض علی الجمر .»!

«برای امت من زمانی پیش می آید که اگر کسی بر آئین خود استوار باشد همانند کسی است که آتش گداخته ای را با دست بگیرد.» [۳]

« 1178- یاتی علی امتی زمان، لایبقی من القرآن الا رسمه، ولا من الاسلام الا اسمہ. یسمون به وهم ابعده الناس عنه. مساجدهم عامره و هی خراب من الهدی! فقهاء ذلک الزمان شر فقهاء تحت السماء، منهم خرجت الفتنة، والیهم تعود .»

«بر امت من زمانی پیش می آید که از قرآن جز نقش آن، و از اسلام جز نام آن باقی نباشد، به ظاهر مسلمانان نامیده می شوند در حالیکه بیش از همه مردمان از آن دورند، مساجدشان آباد است ولی از هدایت خالیست، فقیهان آن زمان از همه فقهای که زیر آسمان کبود است بدترند، فتنه از آنها خارج شده، به سوی آنها باز می گردد.» [۴]

«... 1179- یاتی علی امتی زمان، لایبقی من الاسلام الا اسمہ، ولا من القرآن الا رسمه. فحینئذ یاذن اللّٰه

تعالی بالخروج، فیظهر الله الاسلام به ویجدده. طوبی لمن احبه و تبعه، والویل لمن ابغضه و خالفه.»

«بر امت من زمانی پیش می آید که از اسلام جز اسم آن، و از قرآن جز نقش آن باقی نمی ماند، در آن زمان خداوند اجازه خروج می دهد، پس اسلام را به وسیله او (حضرت مهدی) آشکار و تجدید می کند، خوشا به حال کسیکه او را دوست بدارد و از او پیروی کند، وای به حال کسیکه او را دشمن بدارد و با او سر مخالفت داشته باشد.» [۵]

«-1180 یاتی علی الناس زمان، لایسلم لذی دین دینه الا من هرب من شاهق الی شاهق، و من جحر الی جحر کالثعلب باشباله! فاذا کان ذلک لم تنل المعیشه الا بسخط الله! فاذا کان ذلک کان هلاک الرجل علی یدی زوجته و ولده، فاذا لم یکن له زوجة ولا ولد، کان هلاکه علی یدی ابویه، فان لم یکن له ابوان کان هلاکه علی یدی قراباته و الجیران! یعیرونه بضیق العیش فیورد نفسه الموارد الی تهلك بها نفسه.»

«برای مردم زمانی پیش می آید که برای هیچ دین داری دینش سالم نمی ماند جز اینکه از کوهی به کوهی فرار کند و همچون روباه بچه هایش را برداشته از لانه ای به لانه ای بگریزد. در چنین زمانی انسان به تأمین معاش خود موفق نمی شود مگر اینکه خدا را به غضب درآورد، در چنین زمانی هلاکت انسان به دست همسر و فرزندانش می باشد، اگر زن و فرزند نداشته باشد به دست پدر و مادرش هلاک می شود، اگر پدر و مادر نداشته باشد به دست خویشان و همسایگانش هلاک می شود! او را با تنگی معیشت مورد سرزنش قرار می دهند تا خود را به جاهائی وارد کند که موجب هلاکت او شود.» [۶]

«-1181 اضاعه الصلوات و اتباع الشهوات، و الميل الی الهواء»

«در آن زمان نمازها تباه می شود، به دنبال شهوتها رفته، از هوای نفس پیروی کنند.» [۷]

«-1182 یحج اعیاء امتی للنزهه، و یحج اواسطها للتجاره، و یحج فقراوها للریاء و السمعه»

«ثروتمندان امت من برای سیاحت به مکه روند و متوسطین آنها برای تجارت و فقرای آنها برای ریا و تظاهر.» [۸]

«-1183 یکون حج الملوک نزهه، و حج الاغنیاء تجاره، و حج الفقراء مساله»

«پادشاهان برای سیاحت و تفریح مکه روند و ثروتمندان برای تجارت و مستمندان برای گدائی.» [۹]

ممکن است حجاج این زمان از این گفتار پیامبر اکرم (ص) تعجب کنند که چهارده قرن پیش چگونه این رفتار ناپسند عصر ما را پیشگوئی نموده است؟! ولی جای شگفت نیست که او هر چه فرموده، طبق وحی و فرموده

فرشته امین است. امروز ما فرموده رسول اکرم (ص) را با چشم خود می بینیم و از این شیوه نکوهیده برخی از حجاج رنج می بریم. در سه سال اخیر اداره گمرک بیروت از چهار نفر که وظیفه راهنمایی حجاج را به عهده داشتند!، ۱۷ عدد تلویزیون و ۳۵ عدد ویدئو و ضبط صوت، ضبط نموده است!! به اضافه کالاهای فراوان، که همه شا را چهار راهنمای حج که صرفاً برای ارشاد حجاج رنج سفر را تحمل کرده بودند، به همراه خود از مکه آورده بودند .!

این رقم ناچیز که از چهار روحانی کاروان در لبنان ضبط شده، در کشور کوچکی است که بارهای حجاج را برای احترام خانه خدا تفتیش نمی کنند، اگر بارهای هزاران راهنمای حج را از همه کشورهای اسلامی در نظر بگیرید، و بارهای هزاران حمله دار و معاون و دکتر و دیگر مسئولین قافله ها را در نظر بگیرید، و اگر بارهای میلیونها حاجی عادی را منظور کنید، در برابر گفتار رسول اکرم (ص) با کمال خضوع «صدق رسول الله» خواهید گفت .

امام ششم حضرت جعفر صادق (ع) در این مورد می فرماید :

« 1184- اذا ظهرت المعازف في الحرمين و عمل فيهما بما لا يحب الله، لا يمنع من ذلك مانع ولا يحول دون ذلك العمل القبيح.»

«هنگامی که آلات لهو در حرمین شریفین ظاهر شود، و آنچه خدا دوست ندارد در آنها رائج گردد و کسی جلوگیری نکند و هیچ مانعی بر سر راه کارهای ناشایست در آن مکان مقدس نباشد.» [۱۰]

با کمال تأسف صدای ساز و آواز از صدا و سیمای عربستان در مکه و مدینه به گوش می رسد، حاجی و بومی گوش می دهد و کسی نکوهش نمی کند .!

آنگاه رسول اکرم (ص) وضع عمومی اسلام را در میان ما چنین توصیف می کند :

« 1185- الغرباء في الدنيا اربعة: قرآن في جوف ظالم، و مسجد في نادى قوم لا يصلى فيه، و مصحف في بيت لا يقرأ فيه، و رجل صالح مع قوم سوء.»

«غریب در دنیا چهار نفر است :

1- قرآن در سینه شخص ستمگر !

2- مسجد در محله ایکه نماز نمی خوانند !

3- مصحف شریف در خانه ایکه تلاوت نمی شود !

4- و مرد صالح در میان قوم ناشایست !»

« 1186- یمر الرجل بالمسجد فلا یصلی فیه رکعتین »

«مرد وارد مسجد می شود و دو رکعت نماز در آن نمی گذارد» [۱۱]

« 1187- ما ساء عمل قوم الا زخرفوا مساجدهم »

« هر قومی که به کردارهای ناشایست مبتلا شود مساجد خود را تزیین می کند.» [۱۲]

« 1188- اذا استخفوا بالقرآن، و کانت مساجدهم معموره بالاذان، وقلوبهم خالیه من الایمان، و بلغ المؤمن عندهم کل هوان »

« هنگامی که قرآن را سبک بشمارند، مساجدشان با اذان آباد باشد، ولی دل‌هایشان از ایمان تهی گردد و مؤمن در میان آنها به هر گونه ذلت و خواری دچار شود.» [۱۳]

« 1189- وحلیت المصاحف، وزخرفت المساجد، وطولت المنائر .»

«قرآنها تزیین می شود، مسجدها آزرین بسته می شود و مناره ها بلند می گردد!» [۱۴]

آری درست همانند مساجد ما که آزرین بسته شده و قرآن های ما که چقدر تزیین شده، و مناره های ما که سینه افق را شکافته و بانگ «حی علی الصلوه» بر فراز آن طنین می اندازد و کسی پاسخ مثبت نمی دهد !!

« 1190- یتخذ القرآن مزامیر، و یوضع علی الحان الاغانی، یقرا بلا خشیه .»

«قرآن با نی و با لحن غنا خوانده می شود، بدون اینکه به هنگام تلاوت خوف و خشیت از پروردگار همراه باشد.» [۱۵]

آری جالبتر از این نمی توان از تلاوت های عصر ما تعبیر کرد، که با لحن غنا و همراه با ادوات موسیقی تلاوت می شود و در تلاوت کننده تأثیر نمی کند و بر تقوای مستمع نمی افزاید و بر شنونده غیر عرب به جز کلمه «اللّه»، «اللّه» مفهوم نیست .

« 1191- من بعدی اقوام یرجعون القرآن ترجیع الغناء و النوح و الرهبانیه، لا یحوز تراقیهم! قلوبهم

«بعد از من اقوامی می آیند که قرآن را همانند ترجیع غنای مجالس سوک و راهبان، با غنا و ترجیع می خوانند که از حلقومشان تجاوز نمی کند!؛ دلپایشان با مهر کسانیکه به دلائلی برای آنها اهمیت دارند؛ آکنده شده است.» [۶]

گذشته از اینکه قرآن در مساجد و محافل ما به لحن مجالس سوگواری خوانده می شود، تلاوت آن نیز به مجالس سوگواری اختصاص یافته است، از این رهگذر هنگامی که صدای تلاوت قرآن از بلندگوی مسجدی به گوش می رسد، نشانه آن است که در این مسجد مجلس ترجیمی، شب هفتی، چهلمین شب و یا سالگرد مرده ای برگزار است .!

« 1192- U یظهر القائم حتی یکون امر الصبیان، و تضيع حقوق الرحمان، و یغنی بالقرآن .»

«قائم (عج) ظهور نمی کند، جز پس از آنکه کارها به دست بچه ها بیفتد، حقوق الهی ضایع گردد و قرآن را به لحن غنا تلاوت کنند.» [۱۷]

« 1193- بادروا بالموت ستا؛ اماره السفهاء، و کثره الشرط، و الاستخفاف بالدم، و قطیعه الرحم، و نشأ یتخذون القرآن مزامیر، یقدمون الرجل لیس بافقههم ولا بافضلهم، یغنیهم غناء .»

«به سوی مرگ بشتابید پیش از آنکه شش واقعه شما را در یابد: ۱ - حکومت سفیهان، ۲ - افزونی شرطه (پلیس)، ۳ - سبک شمردن خون، ۴ - قطع رحم (گسسته شدن رشته خویشاوندی)، ۵ - آغاز تلاوت قرآن بانی، ۶ - جلو انداختن کسی که برتر و داناتر آنها نیست و تغنی کردن او برای مردم» [۱۸]

این حدیث به تعبیر: «با دروا بالاعمال» نیز آمده است، ولی ما تعبیر: «بادروا بالموت» را ثبت کردیم که از ارزان شدن مرگ و میر با حوادث زمینی و آسمانی خبر می دهد، چنانکه در عصر ما رائج گشته است .

« 1194- اذا رایت الحق مات و ذهب اهلہ، و رایت القرآن قد خلق و احدث ما لیس فیہ، و وجه علی الالهواء .»

«هنگامی که ببینی حق از بین رفته و اهل حق رخت بر بسته، قرآن کهنه شده، مطالبی که در قرآن نیست احداث شده و قرآن بر طبق خواسته ها تفسیر و توجیه می گردد.» [۱۹]

آری قاریان عصر ما در قرآن می افزایند و از آن می کاهند!؛ برای اینکه به خیال آنها با فلان پرده مطابق شود و با فلان لحن خوانده شود، بسم الله را از اول سوره ها می اندازند، تکبیر و دیگر کلمات تشویقی را در وسط

آن می افزایند تا شاید در گوش شنونده تأثیر کند و او را به گوش دادن وادار نماید .!

«-1195 اذا رايت الحق قد مات و ذهب اهله، ورايت الجور قد شمل البلاد، ورايت القرآن قد خلق و احدث فيه ما ليس فيه، و وجه على الالهواء، ورايت الدين قد انكفا كما ينكفي الماء في الالاء، و رايت الشر ظاهرا لاينهي عنه و يعدر اصحابه»

«هنگامی که ببینی که حق از بین رفته و اهل حق رخت بر بسته، و ببینی که جور و ستم همه شهرها را فرا گرفته، و ببینی که قرآن کهنه شده و آنچه در آن نیست احداث شده و بر طبق خواسته ها تفسیر و توجیه شده، و ببینی که دین دگرگون شده آنچنانکه آب در ظرف دگرگون می شود و ببینی که شر آشکار شده و کسی از آن نهی نمی کند و برای مرتکبین آن عذر می تراشند.» [۲۰]

آنگاه رسول اکرم (ص) در این باره می فرماید :

«-1196 ورايت المنابر يومر عليها بالتقوى، و لايعمل القائل بما يامر »

«و می بینی که بر فراز منبر مردم را به نیکی و پرهیزکاری دعوت می کنند، ولی گوینده به آنچه امر می کند؛ خود عمل نمی نماید.» [۲۱]

و این مطلبی است که وضع کنونی مساجد و منابر ما به واقعیت آن گواهی می دهد، که همه جا امر به معروف می شود و از عمل به معروف خبری نیست، از منکر نهی می شود و شدیداً مرتکب آن می گردند .!

«-1197 يكفر بالله جهزه ... و توخر الصلوات، و تشرب القهوات و تشتم الالباء و الامهات .»

«آشکارا به خدا کفر ورزیده می شود، نمازها به آخر وقت تأخیر می افتد، مسکرات رائج می گردد و به پدر و مادر دشنام داده می شود.» [۲۲]

همه اینها در عصر ما رایج شده و دائره سب و ناسزا از محدوده پدر و مادر تجاوز کرده، به حریم مقدسات مذهبی العیاذبالله - رسیده است .

«-1198 سیاتی علیکم من بعدی زمان لیس فیہ شیء اخفی من الحق، ولا اظهر من الباطل، ولا اکثر من الکذب علی الله و رسوله!. و لیس عند اهل ذلك الزمان سلعه ابور من الكتاب اذا تلى حق تلاوته، ولا انفق منه اذا حرف عن مواضعه؟! ولا فی البلاد شیء انکر من المعروف ولا اعرف من المنکر.»

«بعد از من زمانی برای شما پیش می آید که چیزی پوشیده تر از حق و آشکارتر از باطل نباشد!، چیزی شایع

تر از دروغ بر خدا و پیامبر (ص) یافت نشود! و هیچ کالائی کم بهاتر از قرآن با تلاوت صحیح، و پُر ارزشتر از آن با تفسیر غلط و توجیهاات بی اساس وجود نداشته باشد!، در شهرها چیزی زشت تر از معروف و نیکوتر از منکر جلوه نکند.» [۲۳]

در مورد تلاوت قرآن، امروز اگر قرآنی به طور صحیح و با ترتیل و تجوید مطلوب بدون غنا و ترجیع خوانده شود مشتری ندارد، و در مورد مصحف شریف، امروز همه قرآنها با تذهیب پرارزش، کاغذهای لوکس و اعلا و جلد های زیبا و گرانبها عرضه می شود و به صورت قانون، حکم، دستور، برنامه هدایت، راهنمای بشریت و نشانگر صراط مستقیم، از آن خبری نیست. اهل قرآن نیز چون خود قرآن در میان مردم غریب هستند، در میان آنهایند و از آنها نیستند .

«-1199اذغا بقى الدين بينكم لغطا بالسنتكم»

«هنگامی که قرآن به صورت آهنگ توخالی درآید که با زبان خود آن را تکرار کنند.» [۲۴]

«-1200اذا قست القلوب، و جمدت العيون، و ثقل الذکر علیهم.»

«هنگامی که دلها را قساوت بگیرد، دیده ها خشک شود و تلاوت قرآن بر زبان ها سخت باشد.» [۲۵]

دیگر دلها را قساوت گرفته، برای خوف از خداوند از دیده ای اشک خشیت بر چهره ای جاری نمی شود، تلاوت قرآن بر زبان ها سخت شده، زیرا قرآن آنها را به چیزی که دوست ندارند؛ امر می کند و از چیزیکه دوست دارند؛ باز می دارد !.

«...-1201ورایت القرآن قد ثقل علی الناس استماعه، و خف علی الناس استماع الباطل.»

«و می بینی که گوش دادن به قرآن برای مردم بسیار سنگین است و گوش دادن به صداهای باطل آسان و فرح بخش شده است.» [۲۶]

حداقل انگیزه اش اینکه: شنیدن قرآن یادآور مجالس فاتحه و سوگواری شده، و صداهای باطل یادآور مجالس عیش و نوش و خوشگذرانی !.

«-1202ورایت الناس قد استووا فی ترک الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، و ترک التدین به.»

«و می بینی که مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر یکی شده اند و اعراض از دین فراگیر شده و بی تفوائی میان عالم و جاهل مشترک شده است [27]».

امیرمؤمنان (ع) می فرماید :

« 1203- مساجدهم یومئذ عامره من البنی، خراب من الهدی. سکانها و عمارها شر اهل الارض، منهم تخرج الفتنة و اليهم تاوی الخطیئه، یردون من شد عنها فیها، و یسوفون من تأخر عنها ایها! یقول اللّٰه تعالی: فبی حلفت لابعثن علی اولئک فتنه اترک الحلیم فیها حیران! »

«آن روز مساجدشان از نظر ساختمان آباد است و از نظر هدایت خراب است، ساکنان و بانیان آنها بدترین مردم روی زمین هستند، فتنه از آنها آغاز می شود و معصیت به سوی آنها منتهی می شود، کسیکه از معصیت دور باشد به سوی آن سوقش می دهند و هر کس عقب بماند به قافله تبهکارانش می رسانند.» چنانکه در کلمات قدسی آمده است: «سوگند به عزت و جلالم، برای آنها فتنه ای می فرستم که عقلای قوم در آن حیران و سرگردان بمانند.»

به خدا پناه می بریم از سوگندی که یاد کرده است، فتنه ای که امروز جهان اسلام را فرا گرفته انسان را سرگردان و سردرگم می کند، کجا رسد اگر این وضع شدت پیدا کند و بر حجم گرفتاریها افزوده شود .!

« 1204- اذا ضیعت امه محمد الصلوات، و اتبعوا الشهوات، و رفعت الصلاه من المساجد بالخصومات، وجعلوا المساجد مجالس للطغاه، فتصیر الوجوه اللامیین، والقلوب قلوب الشیاطین .»

«هنگامی که امت محمد (ص) نمازها را ضایع کنند، از شهوتها پیروی شود، برای نزاع و جدال نمازها از مساجد برچیده شود و مساجد، محل برگزاری جلسات طغیانگرا شود، در آن زمان قیافه ها به شکل انسان و دلها، دلهای شیاطین می باشد.» [۲۸]

و در مقام بیان نشانه های نزدیکی وقت فرج می فرماید :

« 1205- اذا کثر الجور و الفساد، و ظهر المنکر و امر الناس به، و نهوا عن المعروف، و کثر القتل و استخف الناس بالدماء .»

«هنگامی که ظلم و فساد بسیار شود، منکرات علنی گردد، مردم یکدیگر را به انجام منکرات تشویق نمایند، و از انجام کارهای خیر نهی کنند، قتل فراوان باشد و مردم خون را سبک بشمارند.» [۲۹]

« 1206- اذا استحلوا الکذب، و اتبعوا الالهواء، و استعلن الفجور و قول البهتان، و صدق الکاذب و اتتمن الخائن، و شهد الشاهد من غیر ان یستشهد، و شهد الاخر قضاء لذمام بغير حق عرفه. فعند ذلک الوحا الوحا! »

«هنگامی که دروغ مباح شمرده شود، از هوای نفس پیروی شود، روابط نامشروع علنی گردد و بهتان رائج شود، دروغپردازان راستگو شناخته شوند و خائنان مورد اعتماد قرار بگیرند، گواهان بدون اینکه کسی گواهی بخواهد گواهی دهند، و گروهی دیگر برای قراردادی که بسته اند بدون اینکه از اصل موضوع مطلع باشند گواهی دهند، در چنین زمانی همه جا آتش می بارد.» [۳۰]

«...» 1207- حتی لایقتفی الناس اثر نبی، ولایعتقدون بعمل وصی، ولایؤمنون بغیب، ولایعفون عن عیب .»

«دیگر مردم از سنت پیامبر (ص) پیروی نکنند و روش اوصیای معصوم را دنبال نکنند، به غیب ایمان نیاورند و از کارهای ناشایست دامن خود را پاکیزه نگه ندارند.» [۳۱]

امروز اگر از وحدانیت حضرت پروردگار و رسالت حضرت رسول اکرم (ص) سخن بگوئی: (سرهای خود را بازگردانند و می بینی که اعراض کرده، کبر می ورزند [32] (آنگاه لبه تیز حملات خود را به سوی تو متوجه کرده: (انگشتهای خود را در گوش نهند که نشنوند، جامه های خود را به خود پیچند و در انکار خود اصرار ورزند و به شدت تکبر نمایند.) [۳۳] ولی اگر از امامی سخن بگوئی که یکهزار و یکصد و پنجاه سال تمام در پشت پرده غیبت مخفی بوده، دیوانه می شوند و یا ترا به دیوانگی نسبت می دهند .

« 1208- تظهر الماهی، ویمر بها فلا یجتریء احد علی منعها »

«آلات لهو و لعب در رهگذر مردم آشکارا به کار گرفته می شود، مردم عبور می کنند و کسی جرئت نمی کند که از آن جلوگیری به عمل آورد.» [۳۴]

به خدا سوگند که از کنار مجالس لهو و لعب عبور می کنیم و قدرت جلوگیری نداریم و اگر کسی اعتراض کند، پاسخ های ناشایست می شنود و از انتقاد خود پشیمان می شود .

« 1209- فلا تری الا ذاما الله »!!!

«سرزنش کننده ای نمی بینی جز کسی که خداوند سبحان را سرزنش کند.» [۳۵]

سرزنش کنندگان فراوانی می بینیم که خدای تبارک و تعالی را مورد نکوهش قرار می دهند، حتی از نثار تعبیرات ناشایست دریغ نمی کنند!!، ولی حسابگران دقیقاً حساب آنها را ثبت می کنند، هر گامی که برداشته اند و هر اشاره و طنزی که مرتکب شده اند، همه و همه در کتاب منعکس است و روزی باید حساب پس بدهند و به سزای اعمال خود برسند. خداوند برای شتاب دیگران شتاب نمی کند، بلکه چون «اخذ عزیز مقتدر» آنها را با دست قدرت می گیرد و به سزای کردار ناشایست خود می رساند، آن روز یار و یآوری

ندارند و به تنهائی باید پاسخگوی مأمورین خداوند باشند. آن روز گفته می شود: (امروز تنها به سوی ما آمده اید، چنانکه در آغاز شما را آنچنان آفریده بودیم... چگونه است که یاوران و شفاعت کننده شما را همراه شما نمی بینیم؟!) [۳۶]

انسان از این جهان تنها دیده فرو می بندد و به تنهائی در پای حساب می ایستد و به تنهائی زیر خروارها خاک می آرمند، به پرسشهای نکیر و منکر به تنهائی و به دور از خویشا و نزدیکان پاسخ می گوید، دیگر یار و مدافعی همراه ندارد: (روزیکه انسان آنچه از خوب و بد انجام داده در برابر دیدگانش آماده یابد، دوست دارد که ای کاش میان او و آن اعمال فاصله بسیاری بود، خداوند شما را از خودش بیم می دهد.) [۳۷] ای عاصیان طغیانگر! چگونه زبان به نکوهش خدای سبحان می گشائید، در صورتی که به ناگزیر در برابر مرگ تسلیم خواهید شد! و به کیفر اعمال خود خواهید رسید! چنانکه می فرماید: «آنچه می گوید می نویسیم و بر عذابش می افزائیم و آنچه می گوید به او به ارث می رسانیم و به سوی ما تک و تنها می آید.» [۳۸] هر چه می خواهد بگوید! هر که را بخواهد ملامت کند! جز چند سال و چند ماه و چند روز نیست که متکبرها به هلاکت رسیده، در زیر آوارها خواهند ماند و در پای حساب خواهند ایستاد .

« 1210- اذا رايت الحرمین يعمل فیهما بما لایرضی اللّٰه... ورايت بیت اللّٰه قد عطل و یومر بترکه، ورايت طلب الحج و الجهاد لغير اللّٰه . »

« هنگامی که ببینی که در حرمین شریفین (مکه و مدینه) آنچه خدا نمی پسندد انجام می پذیرد، و حج خانه خدا تعطیل شده، دستور ترک صادر می شود، و ببینی که حج و جهاد را برای غیر خداوند می خواهند.» [۳۹]

« 1211- یكون خراب کنائس الیهود فی بلاد المشرکین »

«کنیسه های یهود در شهرهای مشرکان ویران می شود.» [۴۰]

در آلمان و آمریکا و برخی دیگر از کشورهای غربی تحقق یافته است و در تمام کشورهاییکه یهودان وابسته به صهیونیسم جهانی توطئه می کنند و آتش جنگ جهانی سوم را بر می افروزند، خشم ملت های دیگر برافروخته می شود و کنیسه ها و دیگر اماکن وابسته به آنها در شعله های آن می سوزد و نابود می شود .
آنگاه در مورد نشانه های روزگار نزدیک به ظهور می فرماید :

« 1212- هیهات، هیهات! یخرج اذا خرجتم عن دینکم، کما تخرج المراه عن ورکیها لبعلاها !»

«هیئات، هیئات، او هنگامی ظاهر می شود که شما از دین خود خارج شوید آن سان که زن در برابر شوهرش از خود بیخود می شود.» [۴۱]

پرواضح است که این حالت زن برای استفاده از فرصت و کام گرفتن از شوهر است، ولی آنها که از دین

خارج می شوند برای یک هدف لذت بخش و عالی نیست، بلکه صرفاً برای همراهی با شیطان و نافرمانی ایزد منان است.!

امیرمؤمنان در حدیث دیگری می فرماید :

«اذا درج الدار جون، و قل المؤمنون، و ذهب المجلبون»

«چون مُد پرستان به سوی مدها گرایش پیدا کنند، باورداران در اقلیت باشند و هشدار دهندگان از بین بروند.»

بسیار جالب است که امیرمؤمنان در چهارده قرن قبل کلمه «دارج» را به کار برده که امروزه در مورد «مد» و «مد پرستی» به کار می رود و امروز تمام شئون زندگی ما را مد و مُد پرستی شکل می دهد که گوئی امیرمؤمنان با دیدگان نافذ خود امروز را دیده و بر طبق آن سخن گفته است .

...» -1213 وضيعت الصلوات، و عوصرت السماوات، فحينئذ تكون السنه كالشهر، والشهر كالا سبوع، و الاسبوع كالיום، و اليوم كالساعه .»

«هنگامی که نمازها تباه شود و آسمان ها فشرده شوند، در آن زمان سال چون ماه، و ماه چون هفته، و هفته چون روز، و روز چون ساعت می شود.» [۴۲]

آری آسمان ها فشرده و نزدیک شده و در دسترس انسان ها قرار گرفته، و ما شاهد پیشرفت دانش فضائی و مسافرت های فضائی هستیم، به سوی کرات منظومه مسافرت آغاز شده و با آسمان ها مربوط و معاصر شده ایم و به جای اسب و قاطر از هواپیماهای مافوق سرعت صوت استفاده می کنیم، از سرعت موشکها سخن نمی گوئیم که افراد نادان باور نمی کنند، و ماه های مصنوعی دور زمین گردش می کنند، آیا فشرده شدن آسمان ها و معاصر شدن با آنها معنای دیگری دارد؟!

با وسائل مدرن امروز در هر کاری سرعت حاصل شده، مسیر یک ساله در یک ماه طی می شود، و کارهایی که یک سال وقت لازم داشت احياناً در کمتر از یک ساعت انجام می پذیرد و گاهی کار دهها سال در چند دقیقه (با مغزهای الکترونیکی) انجام می یابد. دیگر وقت برای مردم مشکلی ایجاد نمی کند، انسان می تواند در یک روز در دو سمینار شرکت کند که مثلاً یکی در لبنان و دیگری در فرانسه باشد، زیرا در چند ساعت این مسافت را می تواند طی کند. اگر کسی ضیافت نهاری را در تهران و ضیافت شامی را در لندن وعده کند به راحتی می تواند در هر یکی سر وقت حاضر باشد.!

چقدر لطیف است گفتار امیرمؤمنان (ع) که سرچشمه علوم و باب مدینه علم رسول (ص) است و هر چه گفته

است به مبداء وحی مربوط می شود .

آنگاه امیرمؤمنان (ع) وضع دین را در یک کلمه خلاصه کرده می فرماید :

« 1214- لتملان الارض ظلماً وجوراً، حتی لایقول احد «الله»، الا مستخفياً. ثم یأتی الله بقوم صالحین یملاونها قسطاً وعدلاً »

«زمین پر از جور و ستم می شود، تا جائیکه کسی نتواند نام خدا را به زبان جاری کند مگر در پنهانی!، آنگاه خداوند قوم صالح و شایسته ای را می آورد که زمین را پر از عدل و داد نمایند.» [۴۳]

امام باقر (ع) می فرماید :

« 1215- یقل الورع، و یكثر الطمع، ویری المؤمن صامتا لایقبل قوله، والکاذب یکذب ولا یرد علیه کذبه، و الفاسق یمتدح بالفسق لا یرد علیه قوله . »

«تقوی کم می شود، حرص و آز بسیار می شود، مؤمن ساکت دیده می شود زیرا از او پذیرفته نمی شود، دروغگو دورغ پردازی می کند و کسی به او اعتراض نمی کند و سخنش را ردّ نمی کند، فاسق و فاجر را با کارهای ناشایست و نامشروع ستایش می کنند و کسی ردّ نمی کند.» [۴۴]

امام باقر (ع) همه ویژگی های عصر ما را در این چند جمله خلاصه کرده، با عباراتی کوتاه مطالب فراوانی را پیش بینی نموده است. و در حدیثی دیگر می فرماید :

« 1216- یتغیر اهل الزمان حتی یعیدوا الاوثان، ویتلی المؤمنون، و تولد الشکوک فی القلوب، و تخلع ربقة الدین من الاعناق ! »

«اهل زمانه دگرگون می شوند، بت پرستی یکبار دیگر رواج پیدا می کند، مؤمنان به سختی گرفتار می شوند، دلها را شک و تردید فرا می گیرد، رشته دین از گردن آنها خارج می شود و پیوند آنها با دین قطع می گردد.»

با کمال تأسف آنهام تحقق یافته، کسیکه بتش ظاهر نیست در درون سینه اش پنهان است. بتها مختلف است یکی عقیده و مسلکش را برای خود بت اخذ کرده، یکی همسرش را، دیگری فرزندش را، چهارمی ثروتش را، پنجمی مقام و منصبش را و ... هزاران بت دیگری که در عصر ما رواج دارد !.

امام صادق (ع) می فرماید :

« 1217-ورایت اصحاب الادیان یحتقرون، و یحتقر من یحبهم ».

«و می بینی که پیروان ادیان تحقیر می شوند و هر کس آدم دین داری را دوست داشته باشد به همین جرم مورد تحقیر قرار می گیرد.» [۴۵]

جالب توجه اینکه پیشوای ششم فقط مسلمانان را مطرح نمی کند، بلکه پیروان همه ادیان آسمانی را یکجا مطرح می کند که با کمال تأسف در تمام دینداران مورد تمام دنیا دینداران مورد تحقیر بی دینها می باشند .

« 1218-ورایت الحدود قد عطلت، و عمل فیها بالاهواء »

«و می بینی که حدود الهی تعطیل شده و در مورد حدود به هوای نفس رفتار می شود.» [۴۶]

«... 1219-ورایت المؤمن محزوناً محتقراً ذلیلاً، ورایت البدع والزنا قد ظهر، ورایت الناس یقتدون بشاهد الزور، ورایت الحرام یحلل، ورایت الحلال یحرم ورایت الدین بالرای، و عطل الكتاب و احكامه، ورایت اللیل لایستحیی به من الجراه علی اللّٰه، ورایت المؤمن لایستطیع ان ینکر الا بقلبه، ورایت العظیم من المال ینفق فی سخط اللّٰه عزوجل، ورایت الولاه یقربون اهل الكفر و یباعدون اهل الخیر، ورایت الولاه یرتشون فی الحکم، ورایت الولاه یرتشون فی الحکم، ورایت الولایه قیاله لمن زاد .»

«و می بینی که مؤمن خوار و زبون و اندوهگین است، بدعتها ظاهر شده، عمل نامشروع رواج یافته، مردم به دنبال باطل راه افتاده، به سخن زور و گواهی باطل گرویده، حرام را ببینی که حلال شده، حلال را ببینی که حرام گشته، دین را ببینی که با رأی تاویل می شود، قرآن و تعالیم عالیّه آن تعطیل شده، در تاریکی شب به حریم محرمات الهی تجاوز می کنند و از خدا شرم نمی کنند، مؤمن گناه را می بیند و قدرت انکار ندارد جز با قلبش، و می بینی که ثروت کلانی در راه حرام و جلب خشم حضرت پروردگار صرف می شود، و می بینی که زمامدارن اهل کفر را به خود نزدیک ساخته، اهل خیر را از خود دور می سازند، داوران را می بینی که برای داوری رشوه می گیرند و هر کس بیشتر دهد او برنده می شود و او حق معرفی می شود.» [۴۷]

« 1220-ورایت المساجد محتشیه بمن لایخاف اللّٰه، یجتمعون فیها للغیبه و اکل لحوم اهل الحق، ویتواصفون فیها الشراب المسکر »

«مساجد را می بینی که از کسانی پر شده که از خدا نمی هراسند، در مساجد برای غیبت کردن، و خوردن گوشت اهل حق گرد می آیند، در مساجد از وصف مشروبات و مسکرات با یکدیگر سخن می گویند.» [۴۸]

« 1221-اول ما تفقدون من دینکم الخشوع! یموت قلب المرء کما یموت بدنه .»

«نخستین چیزی که از دین خود از دست می دهید خضوع و خشوع است، دل مرد را قساوت می گیرد و همانند بدنش می میرد.» [۴۹]

آری دلها از یاد خدا خالی شده، خوف و خشیت در آنها راه ندارد، خدا را به طور علنی دشنام می دهند و کسی صدایش بلند نمی شود، به خدا نافرمانی می شود و طمع ثواب و ترس از عقاب جلو معصیت را نمی گیرد، احساسات فروکش کرده، عواطف از بین رفته، دلها به سنگ سخت مبدل شده است. خدا را انکار می کنند زیرا نمی توانند در لابراتورها زیر چاقوی آزمایش ببینند؟! او را انکار می کنند که چرا در برابر گناهان دست و پای گنهکار را خشک نمی کند؟! ولی فراموش کرده اند که او مهلت داده است تا هر چه می توانند و می خواهند انجام دهند و روزی سخت در انتظارشان هست، روزی که زن شیرده از فرزند شیرخوارش غفلت می کند، در آنجا عمل شایسته احدی بی پاداش نمی ماند و کردار زشت کسی بی کیفر نخواهد بود .

« 1222- اذا علت اصوات الفساق و استمع منهم !»

«هنگامی که صدای فاسقان بلند شود و از آنها پذیرفته گردد.» [۵۰]

آری عقلای قوم نیز از هر فاسقی حرف شنوی دارند و سخن کسی را چون سخن فاسقان با گوش جان نمی شنوند، در صورتی که امام صادق (ع) به ما امر فرموده که در چنین مقطعی بیدار و هشیار باشیم و دستخوش امواج نشویم .

«... 1223- رايت رباح المنافقين و اهل النفاق رائحه و رباح اهل الحق لاتحرك .»

«هنگامی که ببینی که پرچم منافقان در اهتزاز است و پرچم اهل حق حرکتی ندارد.» [۵۱]

« 1224- يصير الاذان بالاجره، و الصلاه بالاجره »

«اذان با اجرت گفته می شود، نماز (جماعت) با اجرت خوانده می شود.» [۵۲]

« 1225- والمنابر يومر عليها بالتقوى، ولايعمل القائل بما يامر !»

«بر فراز منابر به تقوی و پرهیزکاری امر می کنند و گوینده به آنچه امر می کند عمل نمی کند.» [۵۳]

نگاهی به وضع مساجد و حال گویندگان اسلامی، ما را از هر توضیحی بی نیاز می کند .

« 1226- اذا كثرت الغوغايه، و قلت الهدايه »

«هنگامی که ضلالت و گمراهان فراوان شود و هدایت کمیاب گردد.» [۵۴]

« 1227-ورایت طلب الحج و الجهاد لغير الله، والمصلی یصلی لیراه الناس »

«و می بینی که حج و جهاد را برای غیر خدا انجام می دهند و نماز را برای ریا و تظاهر می خوانند.» [۵۵]

« 1228-یرتد اکثرهم، ویخلعون ربقة الاسلام من اعناقیهم .»

«بیشتر مردمان از دین مرتد می شوند و رشته اسلام را از گردن خود در می آورند .»

ارتداد نسل امروز با چیزی جز شمشیر حضرت بقیه الله (عج) درمان پذیر نیست .

حضرت بقیه الله (عج) می فرماید :

حضرت ولی عصر (عج) در مورد نشانه های ظهور خطاب به «ابراهیم بن مهزیار» فرمود :

« 1229-اذا حیل بینکم و بین سبیل الکعبه »

«هنگامی که میان شما و راه کعبه مانع شوند.» [۵۶]

« 1230-اذا حیل بینکم و بین الکعبه باقوام لاخلاق لهم، والله ورسوله منهم براء »

«هنگامی که میان شما و کعبه توسط افرادی که هیچ ارزش و شخصیتی ندارند سد ایجاد شود، که خداوند از

آنها بیزار است و پیامبش نیز از آنها بیزار است.» [۵۷]

در برخی از کشورها این معنی حاصل شده است و ممکن است در کشورهای دیگری نیز در آینده تحقق پیدا کند .

در انجیل می خوانیم :

« 1231-زنهار کسی به هیچ وجه شما را نفریبد، زیرا که تا آن ارتداد اول واقع نشود و آن مرد شریر یعنی

فرزند هلاکت ظاهر نگردد، آن روز نخواهد آمد . که او مخالفت می کند و خود را بلندتر می سازد از هر چه به

خدا یا به معبود مسمی شود، به حدیکه مثل خدا در هیکل خدا نشسته خود را می نماید که خداست ... آنگاه

آن بیدین ظاهر خواهد شد که عیسی خداوند او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور

خویش او را نابود خواهد ساخت. که ظهور او به عمل شیطانست با هر نوع قوت و آیات و عجائب دروغ، و به

هر قسم فریب ناراستی برای هالکین از آنجا که محبت راستی را نپذیرفتند تا نجات یابند. و بدین جهت خدا به ایشان عمل گمراهی می فرستد تا دروغ را باور کنند.» [۵۸]

ظهور حضرت عیسی (ع) در محضر حضرت بقیه الله (عج) از نظر ما قطعی است. و در روایات اسلامی آمده است که کشته شدن «سفیانی» به دست حضرت عیسی (ع) خواهد بود.

نشانه ها و خارق العاده ها

پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

« 1232-الایات کخرزات منظومات فی سلک، فانقطع السلک، یتبع بعضها بعضاً !»

«نشانه های ظهور چون دانه های یک تسبیح و یا یک گردن بند است که رشته اتصالش بگسلد و دانه های آن یکی به دنبال دیگری فرو ریزد.» [۱]

اگر دنیای معاصر را دقیقاً مورد مطالعه قرار دهیم درست همانند گردن بندی است که رشته اش گسسته، و دانه هایش یکی پس از دیگری فرو می ریزد، هر روز فتنه ای به دنبال فتنه ای، حادثه ای به دنبال حادثه ای، فاجعه ای به دنبال فاجعه ای به وقوع می پیوندد .!

آتش یک فتنه نیفسرده، فتنه ای دیگر شعله ور می شود، فاجعه ای خاتمه نیافته، فاجعه ای دیگر به وقوع می پیوندد، جهان همانند انبار باروتی است که هر لحظه بیم آن می رود که منفجر شود و جهانی را به خاکستر بنشانند. فتیله آن را رژیم غاصب و اشغالگر قدس در خاورمیانه آتش زده و هر لحظه امکان انفجار و اشغال دارد. که طبق روایات با وقوع نشانه های دیگر از خسف و صیحه بی ارتباط نیست :

« 1233-ان عمران بیت المقدس، خراب یثرب. و خراب یثرب خروج الملحه. و خروج الملحه فتح القسطنطینیه. و فتح القسطنطینیه خروج الدجال .»

«آبادی بیت المقدس خرابی مدینه را به دنبال دارد و خرابی مدینه نبرد بی امان را به دنبال دارد و به دنبال آن قسطنطینیه (استانبول) فتح می شود و فتح قسطنطینیه خروج دجال را به دنبال دارد.» [۲]

پیش از آنکه نگارنده به نوشتن این سطور بپردازد آبادی بیت المقدس به دست رژیم اشغالگر آغاز شده است. صهیونیسم بین المللی پس از آنکه احترام مسجد اقصی (قبله اول مسلمانان) و کلیسای قیامت (کلیسای مورد توجه مسیحیان در بیت المقدس) را از بین بردند به تعمیر و آبادانی بیت المقدس پرداختند، آبادی بیت المقدس خرابی مدینه را به دست سپاه سفیانی به دنبال دارد و آنگاه جنگ سرنوشت ساز حق و باطل (بین سپاه حضرت بقیه الله (عج) و سپاه سفیانی) آغاز می شود و در منطقه قرقیسیا و طبرییه (در

فلسطین) ستمگران به دست آنحضرت به هلاکت می رسند و آنگاه استانبول به دست سپاه اسلا فتح می شود و سپس دیگر نشانه ها به ترتیب، همانند دانه های تسبیح با نظمی که معصومی علیه السلام بیان فرموده اند، واقع می شود .

« 1234- نکثرالبواسیر، و موت الفجاه، و الجذام »

«بواسیر، مرگ ناگهانی و جذام فراوان می شود.» [۳]

« 1235- توقعوا آیات متوالیات کنظام الخرز، و اول الایات الصواعق »

«منتظر نشانه های پیاپی به سان دانه های تسبیح باشید، که نخستین آنها صاعقه های آسمانی است.» [۴]

در اینجا کلمه «صواعق» به کار رفته، که جمع «صاعقه» است و «صاعقه» در لغت به دو معنی است: ۱ - صاعقه آسمانی ۲- مرگ ناگهانی، و در حدیث فوق هر دو معنی صحیح است، ولی حدیث دیگری از رسول اکرم (ص) در مورد نشانه های آخرالزمان وارد شده که در آن واژه «صواعق» به معنای مرگ ناگهانی به کار رفته است: «به هنگام نزدیکی قیامت (و یا ساعت ظهور) مرگ ناگهانی فراوان می شود، تا حدی که مردم به هنگام دیدار یکدیگر می پرسند: امروز چه کسی در نزد شما به مرگ ناگهانی مرد؟ می گویند: فلانی!» امروز مرگ ناگهانی بسیار رایج شده، هر روز گروهی از آشنایان با سکت قلبی و مغزی به صورت ناگهانی جان می سپارند، و هر روز عده ای از خویشان و دوستان و هموطنان با انفجار، ترور، بمباران و دیگر حوادث و سوانح به صورت ناگهانی جان خود را از دست می دهند .

صاعقه های آسمانی نیز توسعه یافته، به صورت موشک های زمین به زمین، زمین به هوا و هوا به زمین و هدایت شونده و جز آنها نیز درآمده است، که هر روز عده زیادی از مردم بی سلاح و بی دفاع، توسط آنها به خاک و خون کشیده می شوند، تا غریزه سلطه جوئی و توسعه طلبی زمامداران ستم پیشه اشباع گردد .

« 1236- واذا ترکتم السنه ظهت البدعه، و ارتقبوا عند ذلک ریحاً حمراء، او خسفا او مسخا، او ظهور العدو علیکم ثم لاتنصرون .»

«هنگامی که سنت را ترک کنید، بدعت ظاهر می شود، در چنین زمانی منتظر بادهای سرخ، خسف، مسخ و غلبه دشمن باشید، و آنگاه به شما یاری نخواهد شد [5] .»

در این رابطه حدیث جامعتری در بخش شانزدهم نقل کردیم و امروز قسمتی از آنها ظاهر شده، به خصوص غلبه دشمن که دشمنان خون آشام اسرائیل و دو ابر قدرت شرق و غرب، هر کدام به قسمتی از ممالک اسلامی تسلط یافته اند. بدعتها ظاهر شده، شریعت محمد (ص) به دست فراموشی سپرده شده، ربا به

صورت اضعاف مضاعف در میان امت رواج یافته، روابط نامشروع در میان خانواده های مسلمان علنی شده، در باشگاه ها، دانشگاه ها، کازینوها و دیگر مراکز هنری و فرهنگی معمول شده است. و دشمن صهیونیستی بر همه مسلمانان جهان مشکل بزرگی را فراهم آورده است .

امیرمؤمنان (ع) می فرماید :

« 1237- بین یدی القائم موت احمر، و موت ابیض، و جراد فی حینه و جراد فی غیر حینه کالوان الدم! فاما الموت الاحمر فالسیف، و اما الموت الابيض فالطاعون .»

«در پیشقدم حضرت قائم (عج)، مرگ سرخ و مرگ سفید است، و ملخهائی سرخ فام به رنگ خون در فصل ملخ و در بیرون از فصل آن. اما مرگ سرخ، کشت و کشتار است. و اما مرگ سفید، طاعون است.» [۶]

تاکنون کشت و کشتار در سراسر جهان بسیار فراوان واقع شده، و شاید به دنبال آنها جنگ جهانی سوم واقع شود که همه چیز را زیر و رو کند و به دنبال آن طاعونی فراگیر، که دو سوم جمعیت جهان را نابود کند، چنانکه در روایات آمده است، دیگر کسی رهائی پیدا نکند، جز آنکه خدای تبارک و تعالی اراده فرماید .

« 1238- وجراد یظهر فی اوانه و فی غیر اوانه، حتی یأتی علی الزرع و الغلات. وقله ربع ما یزرعه الانسان .»

«ملخهائی ظاهر می شود در فصل خود و در خارج از فصل خود، بر زراعت و غلات هجوم می برد و موجب کمی محصول می شود.» [۷]

« 1239- جوع اعبر، و موت احمر .»

«گرسنگی مزمن و مرگ سرخ شایع می شود.» [۸]

« 1240- ولذلک آیات: اولهن احصار الکوفه بالرصد والخذق»

«برای فرج ما نشانه هائی است، نخستین آنها محاصره کوفه به وسیله نگهبانها و کانالهاست.» [۹]

«... 1241- و ان لخروجه لعلامات عشا :

اولها تخریق الزوایا فی سکک الکوفه، و تعطیل المساجد، و انقطاع الحاج، و خسف و قذف بخراسان، و طلوع الکوکب المذنب، و اقتران النجوم، و هرج و مرج و قتل و نهب! و من العلامه الی العلامه عجب! فاذا تمت العلامات قام قائمنا قائم الحق ... طوبی لاهل ولایتی الدین یقتلون فی، و یطردون من اجلی! هم خزان اللّٰه فی ارضه لایقرعون یوم الفزع الاکبر!»

«برای ظهور او ده علامت است :

1- گشودن زاویه های کوچه های کوفه (توسعه معابر و باز کردن کوچه های بن بست).

2- تعطیل شدن مساجد

3- بسته شدن راه حج

4- خسف (زیر آوار رفتن) و قذف (بمباران) در خراسان

5- طلوع ستاره دنباله دار

6- تراکم ستارگان

7- فتنه و فساد

8- سرگردانی و سردرگمی

9- کشت و کشتار

10- غارت و چپاول

از هر نشانه ای تا نشانه ای دیگر شگفتیهاست. چون نشانه ها تحقق یافت، قائم ما قیام می کند، خوشا به حال اهل ولایت ما که در راه ما کشته می شوند و به سبب ما کنار زده می شوند، آنها گنجهای خدای تبارک و تعالی در روی زمین هستند، آنها در روز قیامت از «فزع اکبر» در امان هستند و برای آنها باکی نیست.»

[۱۰]

در تمام شهرها برنامه توسعه معابر و خیابان کشی به خاطر باز کردن کوچه های بن بست تحقق یافته، مساجد بسیاری به حال تعطیل درآمده است، چندین زلزله در استان خراسان در چند سال اخیر واقع شده است که امیدواریم از شر بارشهای عذاب آسمانی در امان باشیم، چه بارشهای عذاب به صورت صاعقه و امثال آن، و چه بارشهای عذاب به صورت موشکها و بمباران ها و توپهای سبک و سنگین، که در تخریب از عذاب های آسمانی کمتر نیستند .

این نکته ناگفته نماند که نشانه های یاد شده در این حدیث یک سلسله رویدادهای مشخص و معینی است

که در زمان های مشخص به وقوع می پیوندد، مانند زلزله طبس در خراسان، و مانند زندان، تبعید و شکنجه علمای دینی به جرم دعوت به حق و روی در روئی با رژیم های ستمگر .

« -1242 و اما الزوراء فتخرب من الوقایع و الفتن، و اما واسط فیطغی علیها الماء و آذربایجان یهلاک اهلهما بالطاعون، و اما الموصل فیهلاک اهلهما من الجوع و الغلاء ... و اما حلب فتخرب من الصواعق، و تخرب دمشق من شده القتل... و اما بیت المقدس فانه محفوظ لان فیه آثار الانبیاء .»

«شهر زوراء (بغداد) در اثر شورشها و فتنه ها ویران می شود، شهر واسط (در عراق) در اثر طغیان آب خراب می گردد، مردم آذربایجان به وسیله طاعون هلاک می شوند، مردم موصل (در عراق) از گرسنگی و گرانی می میرند، شهر حلب (در سوریه) در زیر صاعقه ها (توپها) از بین می رود، شهر دمشق (شام) در اثر شدت کشت و کشتار ویران می شود، و اما بیت المقدس (اورشلیم) به احترام نشانه های پیامبران در امان است.»

[۱۱]

در این روایت بیش از هر چیزی صاعقه هائی که از آسمان فرو می ریزد جلب توجه می کند، که ممکن است صاعقه آسمانی باشد و ممکن است توپ و موشک و دیگر بمباران های آسمانی منظور باشد .

زوراء که به احتمال قوی «بغداد» است، در آستانه فرو رفتن در کام حوادث است، شهر واسط در تیررس دجله است و هر لحظه طغیان آب می تواند شهر واسط را در زیر امواج خود بیوشاند، شیوع طاعون در آذربایجان با یک اشاره قهرآمیز حضرت احدیث می تواند همه امیدها و آرزوها را در زیر خاک مدفون سازد، قحطی و گرانی و گرسنگی پس از وقوع این حوادث در دمشق و موصل و حلب بسیار طبیعی به نظر می رسد، به خصوص بعد از رودروئی سوریه با رژیم اشغالگر اسرائیل، و سقوط لبنان در دامن آمریکای جهانخوار .

امام صادق (ع) می فرماید :

پیشوای ششم جهان تشیع در ضمن تفسیر آیه شریفه: [ولنذیقنهم من العذاب اللادنی دون العذاب الاکبر]: «پیش از کیفر بزرگ، با کیفر کوچک آنها را کیفر خواهیم داد» [۱۲]، فرمود :

« -1243 ان العذاب اللادنی هو القحط و الجذب و غلاء السعر قبیل خروج القائم بالسيف! و العذاب الاکبر: المهدی بالسيف فی آخر الزمان .»

«کیفر کوچک قحطی، خشکسالی و گرانی قیمت هاست در آستانه ظهور قائم (عج) (به شمشیر، و کیفر بزرگ شمشیر بران حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان است.» [۱۳]

« -1244 و من آیات ظهوره ان یتقارب الزمان ...»

«از نشانه های ظهور او نزدیک شدن زمان است.» [۱۴]

شاید منظور از نزدیک شدن زمان، گذشت سریع آن باشد که انسان در اثر تراکم مشاغل و کثرت مسئولیت های زندگی و فرو رفتن در نامالیقات هرگز احساس نمی کند که روزها، هفته ها و ماهها چگونه می گذرد. و یا منظور از نزدیک شدن زمان، طی شدن کارهای طویل المده در زمان کوتاه، که در اثر اختراع وسائل حمل و نقل مدرن، انسان می تواند نهار را در لندن صرف کرده، شام را در ژاپن موعود باشد، و بدین سان مسافت چند ماهه را در چند ساعت طی کند، که این هم مفهوم دیگری از نزدیک شدن زمان است .

«...» 1245- و اول الایات الصواعق، ثم الريح الصفراء، ثم ریح دائم، و صوت من السماء يموت به خلق کثیر »

«نخستین نشانه صاعقه هاست، سپس باد زد، آنگاه باد مداوم، سپس بانگ آسمانی که گروه فراوانی با آن صیحه از بین می روند.» [۱۵]

این صیحه آسمانی که موجب کشته شدن گروه فراوانی از مردم خواهد بود، شاید خود موجب انفجارهائی در انبارهای اسلحه و مهمات باشد، و بدین وسیله مناطقی را زیرورو کند و بانگ دلخراش آن در تمام جهان پیچد .

« 1246- یجف ماء بحیره طبریا، و يتوقف النخيل عن الثمر، و تنصب عين زعر الواقعة فی الجانب القبلی من الشام .»

«آب دریاچه طبریه (در فلسطین) می خشکد درختهای خرما از میوه دادن باز می ایستد، آب چشمه «زعر» در طرف قبیله شام کاهش فراوان می یابد.» [۱۶]

« 1247- یکون جفاف النهار... و يقع القحط و الغلاء ثلاث سنين .»

«رودخانه ها خشک می شود و قحطی و گرانی سه سال سایه سنگینش را می گستراند.» [۱۷]

دریاچه طبریه به دلیل در برداشتن مقدار زیادی پتاسیم و دیگر مواد شیمیائی، مورد توجه رژیم اشغالگر اسرائیل می باشد و هر روز هزاران لیتر از آب آن به مراکز آزمایشگاهی حمل می شود طبعاً چیزی نخواهد گذشت که آب آن خواهد خشکید .

« 1248- لایخرج اهل مصر من مصرهم عدولهم، و لکن یخرجهم نیلهم هذا. یغور فلا تبقی منه قطره، حتی یکون فیه الکثبال من الرمل .»!

«مردم مصر را دشمن خارجی از آب و خاک خودشان بیرون نمی‌کند، بلکه همین رود نیل آنها را از دیار خود بیرون می‌کند، آب آن کلاً می‌خشکد و حتی یک قطره هم نمی‌ماند و بستر آن به صورتی تلی از شن در می‌آید!». [۱۸]

خشک شدن آن یا به وسیله یک حادثه آسمانی اتفاق می‌افتد، و یا در اثر اصابت یک بمب اتمی و یا ئیدروژنی به سرچشمه آن. که کلاً آب آن خشک می‌شود، یا در زیر پوسته زمین مخفی می‌شود و از جای دیگر می‌جوشد، و یا از مسیر خود منحرف می‌شود و دیگر کشور مصر را سیراب نمی‌کند و به جای آب، تلهای شن در بستر آن خودنمایی می‌کند! چنانکه رسول اکرم (ص) در این رابطه می‌فرماید :

« 1249- وخراب مصر من جفاف النيل .»

«ویرانی مصر در اثر خشک شدن نیل خواهد بود.» [۱۹]

آنگاه امام صادق (ع) می‌افزاید :

« 1250- وعند ذلک اختلاف السنین، و اماره من اول النهار، و قتل و خلع فی آخر النهار .»

«در آن زمان سالها دگرگون می‌شود، اول صبح حکومتی به قدرت می‌رسد و تا آخر روز کشت و کشتار می‌شود و سقوط می‌کند.» [۲۰]

دگرگونی سالها یا به معنای اختلاف فاحش سالها از نظر قحطی و فراوانی است، و یا در اثر تحولات عجیبی است که در جهان به وقوع می‌پیوندد و چهره جهان را دگرگون می‌سازد، چون انقلابها، شورشها، کودتاها، جنگها و آتش بسها و دیگر تحولات موثر در اوضاع جهانی .

« 1251- یذهب ملک السنین، و یصیر ملک الشهور و الیام .

فقیل: هل يطول ذلک؟ فقال: لا .»

«زامداری چند ساله از بین می‌رود و زامداری چند ماهه و چند روزه معمول می‌گردد. گفته شد: آیا این وضع مدت زیادی طول می‌کشد؟ فرمود: نه [21] .»

« 1252- وینبثق الفرات حتی یدخل ازفه الکوفه.. و عقد الجسر مما یلی الكرخ بمدینه بغداد .»

«فرات طغیان می‌کند و به کوچه های کوفه وارد می‌شود. و پلی در بغداد در مقابل کرخ زده می‌شود.»

این طغیان فرات طبعاً یک طغیان فوق العاده ایست که تاکنون روی نداده است ولی این پل که در حدیث شریف اشاره شده در منطقه کرخ زده شده است .

«-1253 عام الفتح ینبثق الفرات حتی یدخل ازقه الکوفه»

«در سال فتح و پیروزی، فرات طغیان می کند و به کوچه های کوفه وارد می شود.» [۲۳]

«-1254 ان قدام القائم لسنه غیذاقه کثیره المطر، تفسد فیها الثمار و التمر فی النخل، فلا تشکوا فی ذلک.»

«در پیشقدم ظهور قائم (عج) سال فراوانی و پربارانی است ولی میوه ها روی درخت فاسد می شوند، خرما در روی نخل تباه می شود، در وقع این نشانه ها تردید نداشته باشید.» [۲۴]

«-1255 السنه التی یقوم فیها المهدی تمطر اربعا و عشرین مطره یری اثرها و برکتها.»

«در سالی که مهدی (عج) ظهور می کند بیشت و چهار باران رحمت می بارد که اثر و برکت آن در همه جا به چشم می خورد.» [۲۵]

«-1256 تختتم العلامات باربع و عشرین مطره، یحیی اللّٰه بها الارض بعد موتها، احداها فی جمادی الاخره، و الثانیه مده عشره ایام فی رجب یری اثرها و تعرف برکتها. و هذا مصداق الایه الکریمه: «اعلموا ان اللّٰه یحیی الارض بعد موتها.»»

«این نشانه ها با ۲۴ باران پایان می یابد که خداوند به وسیله آنها زمین مرده را زنده می سازد، یکی از آنها در ماه جمادی الثانیه می بارد و دیگری در ماه رجب که ده روز تمام طول می کشد و اثر آن همه جا دیده می شود و برکت آن در همه جا ظاهر می گردد.» [۲۶]

و اینست مصداق آیه شریفه: «اعلموا ان اللّٰه یحیی الارض بعد موتها.» «بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می سازد.» [۲۷]

-1257 معنی آیه شریفه اینست که: «خداوند زمین را به وسیله قائم آل محمد (ص) اصلاح می کند، پس از آنکه به وسیله ستم های مردمان تباه شده باشد. ما نشانه های قائم آل محمد (ص) را برای شما بیان کرده ایم اگر تعقل نمائید [28]».

« 1258- إذا آن قیامه مطر الناس جمادی الاخره، و عشره ایام من رجب مطراً لم تر الخلائق مثله، فینبت اللّٰه لحوم المؤمنین و ابدائهم فی قبورهم. و کانی انظر الیهم مقبلین من قبل جهته ینفضون شعورهم من التراب. »!

«چون ظهور او نزدیک شود مردم از بارانی در ماه جمادی الثانی و ۱۰ روز از رجب (مجموعاً چهل روز) برخوردار می شوند که هرگز در تاریخ آفرینش نظیر آن دیده نشده است. خداوند با این باران گوشت و پوست مؤمنان را در داخل قبرهایشان می رویاند، گوئی با چشم خود می بینم که از طرف جهینه (قبیله ای در حوالی مدینه) در حالیکه خاک را از سر و صورتشان پاک می کنند می آیند [29]».

شاید برخی از تحصیل کرده ها این حدیث را خرافه بپندارند ولی جای شگفت نیست، که آنها همه مسائل ماوراء الطبیعه را خرافه می پندارند. ان شاء اللّٰه به زودی شاهد تحقق آن خواهیم بود که در انتظار بارش رحمت نشسته ایم. نوید باران رحمت مقارن ظهور در ضمن بشارت های سایر ادیان نیز رسیده است که در بخش های بعدی متن انجیل را در این زمینه نقل خواهیم کرد .

« 1259- ورایت الخراب قد ادیل من العمران . »

«و می بینی که در تمام جهان آبادیها تبدیل به ویرانی می شود.» [۳۰]

خرابی و ویرانی در همه جا ظاهر شده، چنانکه در خاورمیانه می بینم و از کشورهای دور می شنویم .

امام هادی (ع) می فرماید :

« 1260- هم یتنترون الفرج اذا ظهر الماء علی وجه الارض »

«هنگامی که آب در روی زمین روان شد منتظر فرا رسیدن فرج می شوند.» [۳۱]

منظور از روان شدن آب بر روی زمین، طغیان آب فرات و روان شدن آن در کوچه های کوفه است، که رنگین شدن زمین را با خون ستمگران به دنبال دارد.

مرگ و میر ها ، قحطی ها و ویرانی ها

پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

« 1232- الایات کخرزات منظومات فی سلک، فانقطع السلک، یتبع بعضها بعضاً !»

«نشانه های ظهور چون دانه های یک تسبیح و یا یک گردن بند است که رشته اتصالاتش بگسلد و دانه های آن یکی به دنبال دیگری فرو ریزد.» [۱]

اگر دنیای معاصر را دقیقاً مورد مطالعه قرار دهیم درست همانند گردن بندی است که رشته اش گسسته، و دانه هایش یکی پس از دیگری فرو می ریزد، هر روز فتنه ای به دنبال فتنه ای، حادثه ای به دنبال حادثه ای، فاجعه ای به دنبال فاجعه ای به وقوع می پیوندد !.

آتش یک فتنه نیفسرده، فتنه ای دیگر شعله ور می شود، فاجعه ای خاتمه نیافته، فاجعه ای دیگر به وقوع می پیوندد، جهان همانند انبار باروتی است که هر لحظه بیم آن می رود که منفجر شود و جهانی را به خاکستر بنشانند. فتیله آن را رژیم غاصب و اشغالگر قدس در خاورمیانه آتش زده و هر لحظه امکان انفجار و اشغال دارد. که طبق روایات با وقوع نشانه های دیگر از خسف و صیحه بی ارتباط نیست :

« 1233-ان عمران بیت المقدس، خراب یثرب. و خراب یثرب خروج الملحه. و خروج الملحمه فتح القسطنطینیة. و فتح القسطنطینیة خروج الدجال .»

«آبادی بیت المقدس خرابی مدینه را به دنبال دارد و خرابی مدینه نبرد بی امان را به دنبال دارد و به دنبال آن قسطنطینیة (استانبول) فتح می شود و فتح قسطنطینیة خروج دجال را به دنبال دارد.» [۲]

پیش از آنکه نگارنده به نوشتن این سطور بپردازد آبادی بیت المقدس به دست رژیم اشغالگر آغاز شده است. صهیونیسم بین المللی پس از آنکه احترام مسجد اقصی (قبله اول مسلمانان) و کلیسای قیامت (کلیسای مورد توجه مسیحیان در بیت المقدس) را از بین بردند به تعمیر و آبادانی بیت المقدس پرداختند، آبادی بیت المقدس خرابی مدینه را به دست سپاه سفیانی به دنبال دارد و آنگاه جنگ سرنوشت ساز حق و باطل (بین سپاه حضرت بقیه الله (عج) و سپاه سفیانی) آغاز می شود و در منطقه قرقیسیا و طبریة (در فلسطین) ستمگران به دست آنحضرت به هلاکت می رسند و آنگاه استانبول به دست سپاه اسلا فتح می شود و سپس دیگر نشانه ها به ترتیب، همانند دانه های تسبیح با نظمی که معصومی علیه السلام بیان فرموده اند، واقع می شود .

« 1234-نکثرالبواسیر، و موت الفجاء، و الجذام »

«بواسیر، مرگ ناگهانی و جذام فراوان می شود.» [۳]

« 1235-توقعوا آیات متوالیات کنظام الخرز، و اول الایات الصواعق »

«منتظر نشانه های پیاپی به سان دانه های تسبیح باشید، که نخستین آنها صاعقه های آسمانی است.» [۴]

در اینجا کلمه «صواعق» به کار رفته، که جمع «صاعقه» است و «صاعقه» در لغت به دو معنی است: ۱ - صاعقه آسمانی ۲ - مرگ ناگهانی، و در حدیث فوق هر دو معنی صحیح است، ولی حدیث دیگری از رسول اکرم (ص) در مورد نشانه های آخرالزمان وارد شده که در آن واژه «صواعق» به معنای مرگ ناگهانی به کار رفته است: «به هنگام نزدیکی قیامت (و یا ساعت ظهور) مرگ ناگهانی فراوان می شود، تا حدی که مردم به هنگام دیدار یکدیگر می پرسند: امروز چه کسی در نزد شما به مرگ ناگهانی مرد؟ می گویند: فلانی!» امروز مرگ ناگهانی بسیار رایج شده، هر روز گروهی از آشنایان با سگته قلبی و مغزی به صورت ناگهانی جان می سپارند، و هر روز عده ای از خویشان و دوستان و هموطنان با انفجار، ترور، بمباران و دیگر حوادث و سوانح به صورت ناگهانی جان خود را از دست می دهند .

صاعقه های آسمانی نیز توسعه یافته، به صورت موشک های زمین به زمین، زمین به هوا و هوا به زمین و هدایت شونده و جز آنها نیز درآمده است، که هر روز عده زیادی از مردم بی سلاح و بی دفاع، توسط آنها به خاک و خون کشیده می شوند، تا غریزه سلطه جوئی و توسعه طلبی زمامداران ستم پیشه اشباع گردد .

« 1236-واذا ترکتم السنه ظهت البدعه، و ارتقبوا عند ذلک ریحاً حمراء، او خسفا او مسخا، او ظهور العدو علیکم ثم لاتنصرون .»

«هنگامی که سنت را ترک کنید، بدعت ظاهر می شود، در چنین زمانی منتظر بادهای سرخ، خسف، مسخ و غلبه دشمن باشید، و آنگاه به شما یاری نخواهد شد [5] .»

در این رابطه حدیث جامعتری در بخش شانزدهم نقل کردیم و امروز قسمتی از آنها ظاهر شده، به خصوص غلبه دشمن که دشمنان خون آشام اسرائیل و دو ابر قدرت شرق و غرب، هر کدام به قسمتی از ممالک اسلامی تسلط یافته اند. بدعتها ظاهر شده، شریعت محمد (ص) به دست فراموشی سپرده شده، ربا به صورت اضعاف مضاعف در میان امت رواج یافته، روابط نامشروع در میان خانواده های مسلمان علنی شده، در باشگاه ها، دانشگاه ها، کازینوها و دیگر مراکز هنری و فرهنگی معمول شده است. و دشمن صهیونیستی بر همه مسلمانان جهان مشکل بزرگی را فراهم آورده است .

امیرمؤمنان (ع) می فرماید :

« 1237-بین یدی القائم موت احمر، و موت ابیض، و جراد فی حینه و جراد فی غیر حینه کالوان الدم! فاما الموت الاحمر فالسیف، و اما الموت الابيض فالطاعون .»

«در پیشقدم حضرت قائم (عج)، مرگ سرخ و مرگ سفید است، و ملخهائی سرخ فام به رنگ خون در فصل ملخ و در بیرون از فصل آن. اما مرگ سرخ، کشت و کشتار است. و اما مرگ سفید، طاعون است.» [۶]

تاکنون کشت و کشتار در سراسر جهان بسیار فراوان واقع شده، و شاید به دنبال آنها جنگ جهانی سوم واقع شود که همه چیز را زیر و رو کند و به دنبال آن طاعونی فراگیر، که دو سوم جمعیت جهان را نابود کند، چنانکه در روایات آمده است، دیگر کسی رهائی پیدا نکند، جز آنکه خدای تبارک و تعالی اراده فرماید .

« 1238-وجراد يظهر في اوانه و في غير اوانه، حتى يأتى على الزرع و الغلات. وقله ربع ما يزرعه الانسان .»

«ملخهائی ظاهر می شود در فصل خود و در خارج از فصل خود، بر زراعت و غلات هجوم می برد و موجب کمی محصول می شود.» [۷]

« 1239-جوع اعبر، و موت احمر .»

«گرسنگی مزمن و مرگ سرخ شایع می شود.» [۸]

« 1240-ولذلك آيات: اولهن احصار الكوفه بالرصد والخذق»

«برای فرج ما نشانه هائی است، نخستین آنها محاصره کوفه به وسیله نگهبانها و کانالهاست.» [۹]

«... 1241-و ان لخروجه لعلامات عشرا :

اولها تخريق الزوايا في سلك الكوفه، و تعطيل المساجد، و انقطاع الحاج، و خسف و قذف بخراسان، و طلوع الكوكب المذنب، و اقتران النجوم، و هرج و مرج و قتل و نهب! و من العلامه الى العلامه عجب!. فاذا تمت العلامات قام قائمنا قائم الحق ... طوبى لاهل ولايتى الدين يقتلون فى، و يطردون من اجلى!. هم خزان الله فى ارضه لايقزعون يوم الفزع الاكبر!»

«برای ظهور او ده علامت است :

1-گشودن زاویه های کوچه های کوفه (توسعه معابر و باز کردن کوچه های بن بست .)

2-تعطیل شدن مساجد

3-بسته شدن راه حج

4-خسف (زیر آوار رفتن) و قذف (بمباران) در خراسان

5- طلوع ستاره دنباله دار

6- تراکم ستارگان

7- فتنه و فساد

8- سرگردانی و سردرگمی

9- کشت و کشتار

10- غارت و چپاول

از هر نشانه ای تا نشانه ای دیگر شگفتیه‌هاست. چون نشانه‌ها تحقق یافت، قائم ما قیام می‌کند، خوشا به حال اهل ولایت ما که در راه ما کشته می‌شوند و به سبب ما کنار زده می‌شوند، آنها گنجهای خدای تبارک و تعالی در روی زمین هستند، آنها در روز قیامت از «فزع اکبر» در امان هستند و برای آنها باکی نیست.»

[۱۰]

در تمام شهرها برنامه توسعه معابر و خیابان‌کشی به خاطر باز کردن کوچه‌های بن بست تحقق یافته، مساجد بسیاری به حال تعطیل درآمده است، چندین زلزله در استان خراسان در چند سال اخیر واقع شده است که امیدواریم از شر بارشهای عذاب آسمانی در امان باشیم، چه بارشهای عذاب به صورت صاعقه و امثال آن، و چه بارشهای عذاب به صورت موشکها و بمباران‌ها و توپهای سبک و سنگین، که در تخریب از عذاب‌های آسمانی کمتر نیستند .

این نکته ناگفته نماند که نشانه‌های یاد شده در این حدیث یک سلسله رویدادهای مشخص و معینی است که در زمان‌های مشخص به وقوع می‌پیوندد، مانند زلزله طبرس در خراسان، و مانند زندان، تبعید و شکنجه علمای دینی به جرم دعوت به حق و روی در روئی با رژیم‌های ستمگر .

« 1242- و اما الزوراء فتخرب من الوقایع و الفتن، و اما واسط فیطغی علیها الماء و آذربایجان یهلاک اهلهای بالطاعون، و اما الموصل فیهلاک اهلهای من الجوع و الغلاء ... و اما حلب فتخرب من الصواعق، و تخریب دمشق من شده القتل... و اما بیت المقدس فانه محفوظ لان فیه آثار الانبیاء .»

«شهر زوراء (بغداد) در اثر شورشها و فتنه‌ها ویران می‌شود، شهر واسط (در عراق) در اثر طغیان آب خراب می‌گردد، مردم آذربایجان به وسیله طاعون هلاک می‌شوند، مردم موصل (در عراق) از گرسنگی و گرانی می‌میرند، شهر حلب (در سوریه) در زیر صاعقه‌ها (توپها) از بین می‌رود، شهر دمشق (شام) در اثر شدت

کشت و کشتار ویران می شود، و اما بیت المقدس (اورشلیم) به احترام نشانه های پیامبران در امان است.»
[۱۱]

در این روایت بیش از هر چیزی صاعقه هائی که از آسمان فرو می ریزد جلب توجه می کند، که ممکن است صاعقه آسمانی باشد و ممکن است توپ و موشک و دیگر بمباران های آسمانی منظور باشد .

زوراء که به احتمال قوی «بغداد» است، در آستانه فرو رفتن در کام حوادث است، شهر واسط در تیررس دجله است و هر لحظه طغیان آب می تواند شهر واسط را در زیر امواج خود بپوشاند، شیوع طاعون در آذربایجان با یک اشاره قهرآمیز حضرت احدیث می تواند همه امیدها و آرزوها را در زیر خاک مدفون سازد، قحطی و گرانی و گرسنگی پس از وقوع این حوادث در دمشق و موصل و حلب بسیار طبیعی به نظر می رسد، به خصوص بعد از رودروئی سوریه با رژیم اشغالگر اسرائیل، و سقوط لبنان در دامن آمریکای جهانخوار .

امام صادق (ع) می فرماید :

پیشوای ششم جهان تشیع در ضمن تفسیر آیه شریفه: [ولنذيقنهم من العذاب الالذی دون العذاب الالکبر]:
«پیش از کیفر بزرگ، با کیفر کوچک آنها را کیفر خواهیم داد» [۱۲]، فرمود :

« 1243- ان العذاب الالذی هو القحط و الجذب و غلاء السعر قبیل خروج القائم بالسيف! و العذاب الالکبر: الالمهدی بالسيف فی آخر الزمان ».

«کیفر کوچک قحطی، خشکسالی و گرانی قیمت هاست در آستانه ظهور قائم (عج) (به شمشیر، و کیفر بزرگ شمشیر بران حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان است.» [۱۳]

« 1244- و من آیات ظهوره ان یتقارب الزمان ...»

«از نشانه های ظهور او نزدیک شدن زمان است.» [۱۴]

شاید منظور از نزدیک شدن زمان، گذشت سریع آن باشد که انسان در اثر تراکم مشاغل و کثرت مسئولیت های زندگی و فرو رفتن در ناملایمات هرگز احساس نمی کند که روزها، هفته ها و ماهها چگونه می گذرد. و یا منظور از نزدیک شدن زمان، طی شدن کارهای طویل المده در زمان کوتاه، که در اثر اختراع وسائل حمل و نقل مدرن، انسان می تواند نهار را در لندن صرف کرده، شام را در ژاپن موعود باشد، و بدین سان مسافت چند ماهه را در چند ساعت طی کند، که این هم مفهوم دیگری از نزدیک شدن زمان است .

«... 1245- و اول الایات الصواعق، ثم الريح الصفراء، ثم ریح دائم، و صوت من السماء یموت به خلق کثیر »

«نخستین نشانه صاعقه هاست، سپس باد زد، آنگاه باد مداوم، سپس بانگ آسمانی که گروه فراوانی با آن صیحه از بین می روند.» [۱۵]

این صیحه آسمانی که موجب کشته شدن گروه فراوانی از مردم خواهد بود، شاید خود موجب انفجارهائی در انبارهای اسلحه و مهمات باشد، و بدین وسیله مناطقی را زیرورو کند و بانگ دلخراش آن در تمام جهان پیچد .

« 1246- یجف ماء بحیره طبریا، و يتوقف النخيل عن الثمر، و تنصب عين زعر الواقعة فی الجانب القبلی من الشام .»

«آب دریاچه طبریه (در فلسطین) می خشکد درختهای خرما از میوه دادن باز می ایستد، آب چشمه «زعر» در طرف قبیلہ شام کاهش فراوان می یابد.» [۱۶]

« 1247- یکون جفاف الانهار... و يقع القحط و الغلاء ثلاث سنين .»

«رودخانه ها خشک می شود و قحطی و گرانی سه سال سایه سنگینش را می گستراند.» [۱۷]

دریاچه طبریه به دلیل در برداشتن مقدار زیادی پتاسیم و دیگر مواد شیمیائی، مورد توجه رژیم اشغالگر اسرائیل می باشد و هر روز هزاران لیتر از آب آن به مراکز آزمایشگاهی حمل می شود طبعاً چیزی نخواهد گذشت که آب آن خواهد خشکید .

« 1248- یخرج اهل مصر من مصرهم عدولهم، و لکن یخرجهم نیلهم هذا. یغور فلا تبقی منه قطره، حتی یکون فیہ الکثبال من الرمل .»!

«مردم مصر را دشمن خارجی از آب و خاک خودشان بیرون نمی کند، بلکه همین رود نیل آنها را از دیار خود بیرون می کند، آب آن کلاً می خشکد و حتی یک قطره هم نمی ماند و بستر آن به صورتی تلی از شن در می آید!» [۱۸]

خشک شدن آن یا به وسیله یک حادثه آسمانی اتفاق می افتد، و یا در اثر اصابت یک بمب اتمی و یا نیدروژنی به سرچشمه آن. که کلاً آب آن خشک می شود، یا در زیر پوسته زمین مخفی می شود و از جای دیگر می جوشد، و یا از مسیر خود منحرف می شود و دیگر کشور مصر را سیراب نمی کند و به جای آب، تلهای شن در بستر آن خودنمائی می کند! چنانکه رسول اکرم (ص) در این رابطه می فرماید :

« 1249- وخراب مصر من جفاف النيل .»

«ویرانی مصر در اثر خشک شدن نیل خواهد بود.» [۱۹]

آنگاه امام صادق (ع) می افزاید :

« 1250- وعند ذلك اختلاف السنين، و اماره من اول النهار، و قتل و خلع في آخر النهار .»

«در آن زمان سالها دگرگون می شود، اول صبح حکومتی به قدرت می رسد و تا آخر روز کشت و کشتار می شود و سقوط می کند.» [۲۰]

دگرگونی سالها یا به معنای اختلاف فاحش سالها از نظر قحطی و فراوانی است، و یا در اثر تحولات عجیبی است که در جهان به وقوع می پیوندد و چهره جهان را دگرگون می سازد، چون انقلابها، شورشها، کودتاها، جنگها و آتش بسها و دیگر تحولات موثر در اوضاع جهانی .

« 1251- يذهب ملك السنين، و يصير ملك الشهور و اليام .

فقیل: هل يطول ذلك؟ فقال: لا .»

«زاممداری چند ساله از بین می رود و زمامداری چند ماهه و چند روزه معمول می گردد. گفته شد: آیا این وضع مدت زیادی طول می کشد؟ فرمود: نه [21] .»

« 1252- وينبثق الفرات حتى يدخل اذقه الكوفه.. و عقد الجسر مما يلي الكرخ بمدینه بغداد .»

«فرات طغیان می کند و به کوچه های کوفه وارد می شود. و پلی در بغداد در مقابل کرخ زده می شود.» [۲۲]

این طغیان فرات طبعاً یک طغیان فوق العاده ایست که تاکنون روی نداده است ولی این پل که در حدیث شریف اشاره شده در منطقه کرخ زده شده است .

« 1253- عام الفتح ينبثق الفرات حتى يدخل اذقه الكوفه »

«در سال فتح و پیروزی، فرات طغیان می کند و به کوچه های کوفه وارد می شود.» [۲۳]

« 1254- ان قدام القائم لسنه غيDAQه كثيره المطر، تفسد فيها الثمار و التمر في النخل، فلا تشكوا في

«در پیشقدم ظهور قائم (عج) سال فراوانی و پربارانی است ولی میوه ها روی درخت فاسد می شوند، خرما در روی نخل تباہ می شود، در وقع این نشانه ها تردید نداشته باشید.» [۲۴]

« 1255-السنه التي يقوم فيها المهدي تمطر اربعا و عشرین مطره يری اثرها و برکتها .»

«در سالی که مهدی (عج) ظهور می کند بیشت و چهار باران رحمت می بارد که اثر و برکت آن در همه جا به چشم می خورد.» [۲۵]

« 1256-تختتم العلامات باربع و عشرین مطره، یحیی اللہ بها الارض بعد موتها، احداها فی جمادی الاخره، و الثانیه مده عشره ایام فی رجب یری اثرها و تعرف برکتها. و هذا مصداق الایه الکریمه: «اعلموا ان اللہ یحیی الارض بعد موتها .»

«این نشانه ها با ۲۴ باران پایان می یابد که خداوند به وسیله آنها زمین مرده را زنده می سازد، یکی از آنها در ماه جمادی الثانیه می بارد و دیگری در ماه رجب که ده روز تمام طول می کشد و اثر آن همه جا دیده می شود و برکت آن در همه جا ظاهر می گردد.» [۲۶]

و اینست مصداق آیه شریفه: «اعلموا ان اللہ یحیی الارض بعد موتها»: «بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می سازد.» [۲۷]

1257-معنی آیه شریفه اینست که: «خداوند زمین را به وسیله قائم آل محمد (ص) اصلاح می کند، پس از آنکه به وسیله ستم های مردمان تباہ شده باشد. ما نشانه های قائم آل محمد (ص) را برای شما بیان کرده ایم اگر تعقل نمائید [28] .»

« 1258-اذا آن قیامه مطر الناس جمادی الاخره، و عشره ایام من رجب مطراً لم تر الخلائق مثله، فینبت اللہ لحوم المؤمنین و ابدانهم فی قبورهم. و کانی انظر الیهم مقبلین من قبل جهته ینفضون شعورهم من التراب .!»

«چون ظهور او نزدیک شود مردم از بارانی در ماه جمادی الثانی و ۱۰ روز از رجب (مجموعاً چهل روز) برخوردار می شوند که هرگز در تاریخ آفرینش نظیر آن دیده نشده است. خداوند با این باران گوشت و پوست مؤمنان را در داخل قبرهایشان می رویاند، گوئی با چشم خود می بینم که از طرف جهینه (قبیله ای در حوالی مدینه) در حالیکه خاک را از سر و صورتشان پاک می کنند می آیند [29] .»

شاید برخی از تحصیل کرده ها این حدیث را خرافه بپندارند ولی جای شگفت نیست، که آنها همه مسائل ماوراء الطبیعه را خرافه می پندارند. ان شاء الله به زودی شاهد تحقق آن خواهیم بود که در انتظار بارش رحمت نشسته ایم. نوید باران رحمت مقارن ظهور در ضمن بشارت های سایر ادیان نیز رسیده است که در بخش های بعدی متن انجیل را در این زمینه نقل خواهیم کرد .

« 1259-ورایت الخراب قد ادیل من العمران .»

«و می بینی که در تمام جهان آبادیها تبدیل به ویرانی می شود.» [۳۰]

خرابی و ویرانی در همه جا ظاهر شده، چنانکه در خاورمیانه می بینم و از کشورهای دور می شنویم .

امام هادی (ع) می فرماید :

« 1260-هم یتظرون الفرج اذا ظهر الماء علی وجه الارض »

«هنگامی که آب در روی زمین روان شد منتظر فرا رسیدن فرج می شوند.» [۳۱]

منظور از روان شدن آب بر روی زمین، طغیان آب فرات و روان شدن آن در کوچه های کوفه است، که رنگین شدن زمین را با خون ستمگران به دنبال دارد.

آتش و آتش افروز

پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

« 1261-یکون نارودخان فی المشرق اربعین ليله »

«آشت و دودی در خاور زمین بر می خیزد که تا چهل شب مشتعل می شود.» [۱]

واژه «مشرق» در لسان احادیث به همه کشورهای که در قسمت خاوری حجاز واقع شده اند، گفته می شود .

« 1262-یوشک ان تخرج نار حسیل تضى بها اعناق الابل ببصرى .»

«نزدیک است شعله های آتشی از «حسیل» برخیزد که گردن اشتران «بصری» را روشن سازد!» [۲]

«حسیل» نام یکی از دشت های حجاز است و «بصری» است منطقه ای در نزدیکی دمشق است. رسول اکرم

(ص) به یکی از اصحاب خود که ساکن منطقه «حسیل» بود فرمود :

« 1263- اخرج اهلك منها، فانه يوشك ان يخرج منها نار تضيء لها اعناق الابل ببصرى »

«خانواده ات را از آنجا بیرون کن که نزدیک است آتشی از آنجا (حسیل) برخیزد که گردن اشتران بصری را روشن سازد.» [۳]

روایاتی که از رسول اکرم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت برای ما نقل شده بسیار قطعی و متقن است و از منبع وحی سرچشمه گرفته است و هرگز مطلب سست و بی اساسی از آنها صادر نشده است. آتشی که در حدیث فوق اشاره شده، همان آتش نفت است که درست در همان نقطه ظاهر شده و دشت و صحرا را روشن ساخته و از احوالی دمشق شعله های آن به چشم می خورد. و اگر روزی یکی از چاه های نفت از روی عمد یا در اثر یک عمل اشتباهی منفجر شود همه دشت و صحرا را آتش فرا می گیرد و تا صدها کیلومتر را روشن می سازد، چنانکه امام صادق (ع) در این مورد می فرماید :

« 1264- اتقوم الساعة حتى تسيل واد من اودية الحجاز بالنار ! »

«قیامت برپا نشود تا در یکی از وادی های حجاز آتش روان گردد!» [۴]

تعبیر سیلان (مابع و روان) در مورد آتش بسیار لطیف است، زیرا آتش هنگامی می تواند روان گردد که جسم شعله ور یک جسم سیال و مایع باشد و آن چیزی جز نفت نیست .

امام صادق (ع) در حدیث دیگری می فرماید :

« 1265- تبعت نار علی اهل المشرق فتحشرهم الی المغرب، تبیت معهم حیث باتوا، و تقیل معهم حیث قالوا، یکون لهم منها ما سقط و تخلف، و تسوقهم سوق الجمل الکسیر . »

«آتشی در میان اهل خاور زمین بر می خیزد که آنها را به سوی مغرب زمین سوق می دهد، شب را هر کجا باشند در کنار آنها سپری می کند و روز را هر کجا استراحت کنند در کنار آنها سپری می کند، آنچه از آن ساقط شود و به جای بماند آنها را سود می رساند و آنها را چون شتر لنگ می راند.» [۵]

اگر روزی یکی از چاه های نفت منفجر شود همه مردم حجاز باید به سوی غرب کشور فرار کنند، و در این فرار هر چه شتاب کنند شعله های آتش را در کنار خود خواهند دید، زیرا شعله های آن همه بیابان را چون روز روشن خواهد کرد، همه کسانی که با یک دنیا وحشت و اضطراب از چاه های نفت دور می شوند در بیتوته های شبانه و قیلوله های روزانه آتش را در کنار خود احساس خواهند کرد .

– (*) اگر منظور از آتش، آتش نفت باشد ممکن است معنای حدیث این باشد که کشف نفت آنها را به سوی غرب سوق خواهد داد و در دامن غرب سقوط خواهند کرد، هر روز بر میزان وابستگی آنها به غرب افزوده شده، سود اصلی را کشورهای غربی خواهند برد و ته مانده های آن نصیب شرقی ها خواهد شد، و استخراج نفت ملت مشرق زمین را به سوی آثار و مظاهر تمدن سوق خواهد داد ولی همانند شتر لنگ، افتان و خیزان به سوی تمدن خواهند رفت، و این شیوه استعمار در گذشته و حال است که کشورهای مستعمره را نه آنچنان به تمدن نزدیک می کنند که در خود احساس شخصیت و استقلال کنند و نه آنچنان از تمدن محروم می سازند که در روند استعماری استعمارگران مفید واقع نشوند. دقت در تعبیرات حدیث شریف این معنی را تا حدی تأیید می کند. «مترجم»

ممکن است منظور از این آتش، آتش خانمانسوز اسرائیل باشد که مزه تلخ آن را عربها چشیدند و از نقطه ای به نقطه ای گریختند و مواد آتش زای اسرائیل را بالای سرشان دیدند و هم اکنون نیز کشورهای مجاور اسلامی شب و روز در آتش تجاوز اسرائیل می سوزند و در زیر بمبها، توپها و موشکهای آن جان می سپارند و چون شتر لنگ، کوله سفر بسته، افتان و خیزان از مناطق جنگی دور می شوند و برای مقابله با نیروی اشغالگر به سوی غرب پناه می برند و از چاله به چاه می افتند .

و شاید منظور از این آتش، آتش جنگ های چینی باشد که هرگاه برافروخته شود خشک و تر را می سوزاند و جهان را در کام خود فرو می برد و هر کس جان سالم به در برد افتان و خیزان از منطقه می گریزد و طبعاً به سوی غرب کشیده می شود .

امام زین العابدین (ع) در ارتباط با این آتش افروزان تعبیری دارند که بیشتر با مسئله نفت منطبق می شود :

« 1266- إذا ملا نجفكم السيل و المطر، و ظهرت النار بالحجاز في الاحجار و المدر، و ملكت بغداد التتر، فتوقعوا و ظهور القائم المنتظر .»

« هنگامی که نجف شما را سیل و باران فرا گیرد و در حجاز از سنگ و گل آتش برخیزد و تاتار بغداد را تحت سیطره خود در آورد، منتظر ظهور قائم منتظر (عج) باشید.» [۶]

پیشوای ششم نیز در این باره می فرماید :

« 1267- إذا وقعت النار في حجازكم، و جرى الماء بنجفكم، فتوقعوا ظهوره .»

« هنگامی که آتش در حجاز پدید آید و آب در نجف روان گردد، منتظر ظهور او باشید.» [۷]

پرواضح است که از سنگ و گل هنگامی آتش برمی خیزد که با نفت آغشته باشد و به قدری اشباع شود که قابل احتراق باشد. امام سجاد (ع) در این حدیث چهارده قرن پیش از کشف پترول از سنگ ها و گلهای آغشته با پترول سخن می گوید، و از سرزمینی که بیش از هر نقطه ای در جهان صادر خواهد کرد گفتگو می کند که عبارت از حجاز است.!

امیرمؤمنان (ع) می فرماید :

« 1268- یزجر الناس قبل قیام القائم عن معاصیهم بنار تظهر فی السماء، و بجمره تجلج آفاقها، و خسف ببغداد، و خسف بالبصره، و دماء تسفک فیها و خراب دورها و فناء یقع فی اهلها، و شمول اهل العراق خوف لایکون معه قرار. »!

«پیش از قیام قائم (عج) مردم با یک سلسله از نشانه های آسمانی بیم داده می شوند: ۱- آتشی که در آسمان پدید آید. ۲- سرخی که افقها را روشن سازد. ۳- خسفی که در بغداد ظاهر شود. ۴- خسفی که در بصره روی دهد. ۵- خونهایی که در بصره ریخته شود. ۶- خرابی خانه های بصره و نابودی مردمان آن. ۷- فراگیر شدن ترس و وحشت در همه نقاط عراق که آسایش و آرامش را از همه مردم عراق سلب کند.» [۸]

کشت و کشتار بصره و سلب آرامش عمومی از مردم عراق با شروع جنگ بین ایران و عراق حاصل شده و هر روز بر شدت آن افزوده می شود تا به هنگام خروج سفیانی به اوج خود برسد .

در پیرامون این آتش افروزان وجود مقدس حضرت بقیه الله (عج) خطاب به «ابراهیم بن مهزیار» چنین فرموده است :

« 1269- وظهرت الحمره فی السماء ثلاثاً، فیها اعمده کا عمده اللجین تتلا لانوراً. »

«سه روز سرخی در آسمان پدید آید که در میان آن ستون هایی چون ستون های نقره که از خود نور می دهد خواهد درخشید.» [۹]

متن کامل حدیث در بخش خروج سید خراسانی (بخش بیستم) خواهد آمد، و احتمالاً مربوط به حادثه بغداد باشد که از رهگذر منفجر شدن انبارهای نفتی و دیگر مواد آتش زا آغاز شود و بغداد را در میان شعله های خود بسوزاند و نابود گرداند .

امام حسین (ع) می فرماید :

« 1270- اذا رایتم ناراً فی المشرق ثلاثه ایام اوسبعه، فتوقعوا فرج آل محمد ان شاء الله. »

«هنگامی که سه یا هفت روز آتش در مشرق دیدید منتظر فرج آل محمد (ص) باشید، انشاء الله .»

امیدوارم که شعله های این آتش هر چه زودتر دیده شود و نوید فرج آل محمد (ص) و فرج جهانیان در پرتو فرج آن بزرگواران هر چه زودتر در میان زمین و آسمان طنین انداز گردد .

امام باقر (ع) می فرماید :

« 1271- إذا رأيت ناراً في المشرق بشبه الهردى العظيم يراها اهل الارض، تقع ثلاثة ايام او سبعة ايام، فتوقعوا فرج آل محمد.»

«هنگامی که آتش در مشرق دیدی که شباهت به بوته زعفران دارد و همه مردم جهان آن را دیدند و سه روز یا هفت روز نیز ادامه یافت، منتظر ظهور و فرج آل محمد (ص) باشید.» [۱۱]

این آتش به احتمال قوی به هنگام وقوع آتش سوزی در چاه های نفتی حجاز و یا عراق پدید خواهد آمد که منطقه وسیعی از خاورمیانه را روشن خواهد کرد و مردم دیگر مناطق شعله های آن را در صفحه تلویزیون مشاهده خواهند کرد، و شاید تا آن روز ابزار دیگری اختراع شود که بیش از تلویزیون حوادث را برای مردم دیگر مناطق محسوس تر و ملموس تر سازد. پیشوای پنجم شیعیان علم خود را صریحاً برای مردم زمان خود بیان کرده، اگر چه برای آنها قابل تصور نبود که چگونه یک حادثه در سطح جهانی می تواند قابل رؤیت باشد، تا در امر خود بصیرت کامل داشته، به هنگام مشاهده آن هیچ تردیدی به خود راه ندهند، هر کس بخواهد باور کند و هر کس بخواهد به انکار برخیزد. ما در اینجا در صدد بیان این نشانه ها نیستیم و برتری خاندان عصمت و طهارت بر تمام اقشار جهان نیازی به توضیح ندارد، که رسالت آنها روشنگری و زدودن تیرگیهای جهل و نادانی و نشر دانش از سرچشمه زلال آن بود، بدون اینکه پاداشی منظور کرده، متنی بر سر مردم بگذارند .

امام صادق (ع) می فرماید :

« 1272- إذا رأيت علامة في السماء، ناراً عظيمة من قبل المشرق تطلع ليالي، فعندها فرج الناس، وهي قدام القائم بقليل .»

«هنگامی که نشانه ای بزرگ در آسمان دیده شود و آن آتش عظیمی است که از سوی مشرق زمین پدید آید و شبهائی بدرخشد، فرج مردم در آن زمان است که این نشانه در پیشقدم ظهور قائم (عج) و به فاصله ای اندک می باشد.» [۱۲]

« 1273- و حمرة تظهر في السماء، و تلتبس في آفاقها .»

«سرخی در آسمان پدید آید و جهان را از کران تا کران می پوشاند.» [۱۳]

این سرخی نیز ممکن است تابش آتش چاه های نفتی به هنگام انفجار آنها باشد که تا افقهای وسیعی درخشش داشته باشد .

در اینجا این نکته را یادآور می شویم که در برخی از احادیث تعبیر «مشرق» و در برخی دیگر تعبیر «قبله» به کار رفته است ولی به هنگام تحقق معلوم می شود که هر دو به یک نقطه اشاره است، زیرا هنگامی که معصوم (ع) در مدینه با مردم سخن می گوید تعبیر «مشرق» را به کار می برد یعنی این حادثه در منطقه ای از حجاز که در شرق مدینه است پدید خواهد آمد، و هنگامی که امام (ع) در کوفه با مردم سخن می گوید تعبیر «قبله» را به کار می برد یعنی این حادثه در منطقه ای از حجاز که در طرف قبله عراق است واقع خواهد شد. اگر وقوع این حادثه را در منطقه چاه های نفتی «ظهران» تصور کنیم دقیقاً با این احادیث منطبق می شود که این منطقه در شرق مکه و مدینه و در طرف قبله عراق قرار گرفته است .

« 1274-عمود نار یطلع من قبل المشرق فی السماء، یراها اهل الارض، فمن ادرك ذلک فلیعد لاهله طعام سنه .»!

«عمودی از آتش در طرف مشرق در آسمان پدید می آید که همه مردم روی زمین آن را می بینند، هر کس آن زمان را درک کند برای خانواده اش مواد غذایی یکساله را تأمین کند.» [۱۴]

از این تعبیرها دقت ائمه معصومین در بیان خود و شدت ایمان و اعتقادشان به گفتار خود روشن می شود، مگر جز اینست که همه مردم روی زمین آن را در صفحه های تلویزیون و یا ابزار مشابه آن که احتمالاً در آینده اختراع شود، خواهند دید؟!، و این معنائی است که هرگز از خاطر مردم آن زمان نمی گذشت و بر دل آنها خطور نمی کرد، و بیش از ده قرن پس از عصر آنها مقدمات این افکار و ابزار پدید آمده است. آنگاه میان این پدیده و حوادث تلخ بعدی از کشت و کشتار و گرانی و قحطی ارتباط داده، حداکثر زمان هرج و مرج را در نظر گرفته، برا مدت یکسال به شیعیان خود امر فرموده اند که قوت تهیه کنند. امام باقر (ع) نیز در این باره فرموده است :

« 1275-آیه الحوادث فی رمضان: علامه فی السماء من بعدها اختلاف الناس، فاذا ادركتها فاكثر من الطعام .»

«نشانه پدیده های ماه رمضان علامتی است در آسمان که به دنبال آن اختلافی شدید در میان مردمان پدید آید، هنگامی که آن زمان را درک کردی، مواد غذایی فراوانی تأمین کن .»

پیشوای پنجم نیز همانند فرزند بزرگوارش شیعیان را متوجه می کند که هر کس آن آتش را در آسمان ببیند و آن بانگ آسمانی را بشنود برای مدتی که میان آن نشانه آسمانی تا ظهور حضرت بقیه الله (عج)

هست، مواد خوراکی تهیه کند که جنگی سخت در خواهد گرفت، دجال از یکسو و سفیانی از دیگر سو خروج خواهند نمود و قحطی و گرانی سایه شوم و سنگینش را بر سر تا سر جهان خواهد گسترد، هر کس توصیه امام بزرگوارش را فراموش کند و به مجرد دیدن اولین نشانه مواد غذایی یکساله را تأمین نکند ممکن است با دیگر افراد محکوم به مرگ، از گرسنگی جان سپارد ولی آنکه از توصیه امام عزیزش غفلت نکند با خوشبختی و راحتی آن روزهای تلخ را سپری کرده، دولت مسعود و میمون حضرت بقیه الله (عج) (را درک خواهد نمود. به امید آن روز.

خورشید و ماه و ستارگان

رسول اکرم (ص) می فرماید :

« 1276- اذا عقد الجسر بارضها، و طلعت النجوم ذات الذوائب من المشرق، هنالك يقتل على جسرها كتائب! »

« هنگامی که پل در آنجا (بغداد) زده شد، و ستاره های دنباله دار از طرف مشرق طلوع کرد، در کنار آن پل گروه گروه کشته می شوند». [۱]

آن پل که در احادیث فراوانی آمده است در زمان ما زده شده است. این پل علاوه بر آنکه در نقطه تعیین شده (در مقابل کرخه) زده شده، از دیگر پلهای بغداد مشخص است و به زودی گروه گروه در عهد سفیانی در کنار آن کشته خواهند شد .

احتمال می رود که رسول اکرم (ص) با تعبیر «ستاره دنباله دار» «هواپیماهای جنگی را اداره کند که به دنبال خود دود عظیمی به جای می گذارند که چون دنباله متحرکی به دنبال آنها خودنمایی می کنند. و شاید منظور همان ستاره دنباله داری باشد که در احادیث فراوانی از آن بحث شده است و خود نشانه نزدیک شدن ظهور حضرت بقیه الله (عج) است .

امام باقر (ع) می فرماید :

« 1277- شارستان بین یدی هذا الامر. خسوف القمر بخمس، و كسوف الشمس بخمسه عشر. لم یكن ذلک مند هبط آدم الى الارض. فعند ذلک یسقط حساب المنجمین .»

« دو نشانه جالب در پیشقدم این امر: خسوف ماه در پنجم ماه و کسوف خورشید در پانزدهم آن، که چنین وضعی از روز هبوط حضرت آدم (ع) به روی زمین اتفاق نیفتاده است، در آن موقع حساب و نظام منجمان بهم می خورد.» [۲]

« 1278- ان لمهدينا لآيتين لم يكونا منذ خلق الله السموات و الارض :ينخسف القمر لاول ليله فى رمضان، و تنكسف الشمس فى النصف منه. و لم يكونا منذ خلق الله السماوات و الارض .»

«برای مهدی ما (عج) دو نشانه است که از روز آفرینش آسمان ها و زمین، چنین نشانه ای اتفاق نیفتاده است: ماه در شب اول ماه رمضان خسوف می کند و خورشید نیز در پانزدهم آن کسوف می کند! از روزیکه خداوند آسمان ها و زمین را آفریده، چنین حادثه ای اتفاق نیفتاده است!». [۳]

این دو نشانه از روزیکه انسان پای در این جهان نهاده و از آمد و شد خورشید و ماه آگاه شده، واقع نشده است که ماه در اوایل ماه بگیرد و خورشید نیز در پانزدهم ماه بگیرد !!

« 1279- آیتان تکونان قبل قیام القائم، لم يكونا منذ هبط آدم عليه السلام على الارض، تنكسف الشمس فى النصف من رمضان، و القمر فى آخره .»

«دو نشانه پیش از قیام قائم (عج) پدید می آید که از روز هبوط حضرت آدم (ع) واقع نشده است: خورشید در نصف ماه رمضان و ماه آخر آن می گیرد.» [۴]

امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید :

« 1280- و كسوف الشمس فى النصف من رمضان، و خسوف القمر فى آخر الشهر، على خلاف العادات .»

«خورشید در پانزدهم رمضان کسوف می کند و ماه در آخر آن خسوف می کند بر خلاف آنچه تاکنون انس گرفته اند.» [۵]

پرواضح است که خسوف ماه در اول ماه و یا در آخر آن گذشته از اینکه معمول نیست، معقول هم نیست، ولی نظر به اینکه در همه روایات تصریح شده که در تمام دوران خلقت چنین کاری سابقه نداشته است، معلوم می شود که به شکلی تحقق خواهد یافت که برای همه مردم جهان معلوم شود و همه را به شگفت وادارد و اعجاب همه را برانگیزد .

« 1281- تنكسف الشمس لخمس مضين من شهر رمضان قبل قیام القائم .»

«ماه در پنجم ماه مبارک رمضان خسوف می کند، و آن در آستانه قیام قائم (عج) است.» [۶]

« 1282- علامه خروج المهدى كسوف الشمس فى رمضان فى ليله ثلاث عشرة و اربع عشرة منه .»

«نشانه خروج مهدی (عج) کسوف خورشید در ماه رمضان در شب سیزدهم و چهاردهم آن است!» [۷] (یعنی

روز سیزدهم که بین آن دو شب است .)

آنچه تاکنون مرسوم و معمول بوده، این بود که ماه در اواسط ماه و خورشید در اواخر ماه (قمری) بگیرد ولی در آن مورد برخلاف روش مألوف خواهد بود .

پیشوای پنجم شیعیان در تفسیر آیه شریفه: «خاشعه ابصارهم، ترهقهم ذله، ذلک الیوم الذی کانوا یوعدون» : «در حالیکه دیدگانشان فرو رفته، خاک ذلت آنها را پوشانیده، آن روزی است که وعده داده می شدند»، [۸] فرمود :

« -1283 یعنی یوم خروج القائم »

«روز خروج قائم (عج) را اراده کرده است.» [۹]

و در تفسیر آیه شریفه: «ان نشا تنزل علیهم من السماء آیه، فظلت اعناقهم لها خاضعین» : «اگر بخواهیم برای آنها نشانه ای از آسمان می فرستیم، پس گردنهایشان در برابرش خاضع می شود»، [۱۰] فرمود :

« -1284 سیفعل الله ذلک بهم: رکود الشمس من الزوال الی وقت العصر حتی یلاحظ الناس ذلک. و ظهور رجل و وجه فی عین الشمس یعرف بحسبه و نسبه. و ذلک فی زمان السفیانی، و عندها یکون بواره و بوار قومه . »

«به زودی خداوند این نشانه را خواهد فرستاد: خورشید از موقع زوال تا به وقت عصر در وسط آسمان خواهد ماند، همه به این نشانه متوجه خواهند شد، آنگاه سیمای مردی را در قرص خورشید خواهند دید که نام و نشان او را خواهند شناخت. این نشانه پرشکوه در عهد سفیانی خواهد بود و در آن هنگام سپاه سفیانی نابود خواهند شد و خود سفیانی هلاک خواهد شد.» [۱۱]

ابن عباس در تفسیر این آیه می فرماید :

« -1285 این آیه در حق ما و بنی امیه نازل شده است، ما بر آنها حکومت خواهیم راند و پس از یک فراز و نشیب گردنهایشان در برابر ما خاضع خواهد شد و پس از دوران عزت، خاک ذلت بر چهره هایشان خواهد نشست.» [۱۲]

این نشانه که در عهد سفیانی خواهد یافت، یکی از بارزترین نشانه ها برای معرفی سفیانی است و خود نشان بارزی است که بر احدی پوشیده نمی ماند، اگر چه رکورد خورشید و ایستادن آن در وسط آسمان چند ساعت بیشتر طول نمی کشد ولی همه مردم به تشویش و اضطراب می افتند و آن را یک نشانه بارز سماوی به

چندی قبل یکی از ستاره شناسان روشی پیش بینی کرده بود که در اواخر سال 1982 میلادی فاجعه ای برای خورشید پیش خواهد آمد و خورشید از مغرب طلوع خواهد کرد !!

(سال ۸۲ میلادی به پایان رسید و چنین حادثه ای واقع نشد، بلکه فقط بلکه سلسله حوادثی در سطح خارجی خورشید به وقوع پیوست که اثراتی در وضع زمین و دیگر کرات منظومه به جای گذاشت). «مترجم»

در بخشهای بعدی احادیثی در مورد طلوع خورشید از مغرب از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت .

در تفسیر ابن عباس منظور از حکومت، حکومت بنی عباس نیست، بلکه حکومت حقه حضرت بقیه الله (عج) می باشد .

منظور از سیمای مردی که در قرص خورشید ظاهر خواهد شد، سیمای حضرت مسیح (ع) است که در خورشید ظاهر می شود و از آسمان فرود می آید و با حسب و نسبش شناخته می شود، و دیگر کسی در حق او دچار تردید نمی شود .

امام صادق (ع) می فرماید :

« 1286- و کف یطلع من السماء من المحتوم»

«کف دستی که در آسمان ظاهر شود از امور حتمی است». [۱۳]

« 1287- و وجه و صدر یظهران للناس فی عین الشمس .»

«صورت و سینه ای در قرص خورشید برای مردمان ظاهر می شود». [۱۴]

منظور از دست در حدیث فوق، دست نیرومند دانش و تکنیک نیست که موشکها و سفینه های فضائی را تا دل آسمان می فرستد، و دست نیرومند فضانورد موفق نیست که توانست با دست های خود از خاک کره ماه برداشته، در صفحه تلویزیون ظاهر شد و خاک های ماه را در برابر دیدگان حیرت زده جهانیان دست به دست می کرد، بلکه دست نیرومندی است که با قدرت بیکران خداوندی به صورت نشانه ای قاطع در آسمان ظاهر خواهد شد و به سوی آن جمال با هرا النور الهی اشاره خواهد کرد .

« 1288- اماره ذلک الیوم ان کفا من السماء مدلاه ینظر الیها الناس .»

«نشانه آن روز پرشکوه، دست نیرومندی است که از آسمان آویزان شود و همگان به سوی آن تماشا کنند.» [۱۵]

امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در این باره می فرماید :

« 1289- یظهر کف من السماء تشیر: هذا، هذا. »!!

«دستی از آسمان ظاهر شده، به سوی او اشاره می کند که: اینست، اینست.» [۱۶]

پرواضح است که این دست به سوی آن مهر تابان و قبله خوبان اشاره خواهد کرد و آفتاب عالمتاب امامت را به شیفتگان حقیقت و عدالت نشان خواهد داد .

در برخی از احادیث وقت ظهور این است در آسمان، عهد سفیانی تعیین شده، که پس از وقوع جنگ های خانمانسوز و فتنه های فراگیر، و پس از صیحه آسمانی در پیشقدم ظهور آن کعبه مقصود، آن دست ظاهر خواهد شد .

سپس امام صادق (ع) در مورد دیگر نشانه های ظهور می فرماید :

« 1290- یظهر المهدی بعد غیبه، مع طلوع النجم الاحمر، و خراب الری و خسف الزوراء . »

«مهدی (عج) بعد از غیبتی طولانی، همزمان با طلوع ستاره ای سرخ، و ویرانی ری، و خسف زوراء ظهور می کند.» [۱۷]

«ری» نام منطقه ای در عراق است (*) و «زوراء» به بغداد گفته می شود .

– (*) و شاید منظور شهر ری باشد و تهران را نیز شامل شود. «مترجم»

« 1291- طلوع الکوکب المذنب یفزع العرب! و هو نجم بالمشرق یضیء کما یضیء القمر، ثم ینعطف حتی یکاد یتلقى طرفاه. و تظهر حمرة فی السماء، و تنشر فی آفاقها . »

«طلوع ستاره دنباله دار ملت عرب را به وحشت می اندازد! و آن ستاره ایست که در طرف مشرق ظاهر می شود و همانند ماه می درخشد! سپس دنباله اش بر می گردد و نزدیک می شود که دو سرش به یکدیگر برسد! آنگاه سرخی در آسمان پدید می آید و جهان را از کران تا کران فرا می گیرد.» [۱۸]

ترس و وحشت عرب از ستاره نیست، بلکه از حوادث جانکاهی است که همزمان با طلوع ستاره بر ملت عرب

« 1292- یطلع نجم من المشرق، له ذنب يعضى . »

«ستاره ای از مشرق طلوع می کند که دنباله درخشانی دارد.» [۱۹]

« 1293- طلوع الكوكب المذنب . »

«یکی دیگر از نشانه ها طلوع ستاره دنباله دار است.» [۲۰]

در این رابطه روایتی نیز از امیرمؤمنان (ع) رسیده که در بخش زلزله ها خواهد آمد .

« 1294- تنكسف الشمس بعد الصيحه في رمضان، و قبل النداء. يكون الروم يومئذ قرب ساحل البحر، عند كهف الفتية، فيبعث الله الفتية من كهفهم مع كلبهم . »

«بعد از صیحه آسمانی و پیش از بانگ آسمانی (به نام مهدی) خورشید در ماه رمضان کسوف می کند. در آن زمان رومیان در نزدیکی کرانه دریا و در منطقه غار اصحاب کهف مستقر می شوند، خداوند اصحاب کهف را همراه با سگشان بر می انگیزند.» [۲۱]

این حدیث تا حدی وقت آن کسوف خارق العاده را مشخص می کند، و از این حدیث معلوم می شود که به هنگام ظهور حضرت ولی عصر (عج) قسمت اعظم یهودی ها در مناطق اشغالی فلسطین خواهند بود، زیرا غار اصحاب کهف در کشور اردن واقع است و فاصله چندانی از رود اردن ندارد که امروز برخی از اشغالگران در کرانه غربی رود اردن اقامت دارند .

برانگیخته شدن اصحاب کهف پس از گذشت شش هزار سال، به دست حضرت بقیه الله (عج) یکی از جالبترین معجزات آنحضرت خواهد بود. متن کامل حدیث در بخش دوازدهم کتاب گذشت .

امام رضا (ع) می فرماید :

« 1295- قبل ذلک یوم بوح . »

«پیش از آن، روز بسیار داغی هست.» [۲۲]

و در حدیث دیگر به این تعبیر فرموده است :

« 1296- قبل هذا الامر قتل بيوح. قيل: و ما البيوح؟ قال: دائم لايفتر ».

«پیش از آن امر، کشتار بسیار داغی هست، گفته شد که «بیوح» به چه معناست؟ فرمود: کشتار مداومی که سرد نشود و از حدت و شدت آن کاسته نشود [23]».»

از تعبیر «بیوح» استفاده می شود که در این کشت و کشتار خونها مباح و به شمار می رود و قاتلان خون مقتولان را مباح می پندارند و در مورد حلال و حرام اندیشه نمی کنند، از این رهگذر امام (ع) صیغه مبالغه را بکار برده که حداکثر لایبالی بودن آنها را در مسائل دینی بیان فرماید .

حضرت بقیه الله (عج) می فرماید :

«...» 1297- واجتمع الشمس و القمر، و استدرات بهما الكواكب و النجوم ».

«خورشید و ماه گرد آیند و ستارگان ثابت و سیار آنها را احاطه کنند.» [۲۴]

شاید منظور از گرد آمدن خورشید و ماه، قرار گرفتن آنها در یک مسیر در اثر کسوف و خسوف غیر عادی باشد .

تعبیر گرد آمدن خورشید و ماه در قرآن کریم نیز آمده است: «و جمع الشمس و القمر»: «خورشید و ماه گرد آیند» [۲۵]

جالب اینکه ستاره شناسان نوشته اند که کرات منظومه شمسی امسال (سال تألیف کتاب) در برابر خورشید در یک استقامت قرار می گیرند که چنین وضعی بسیار نادر است و زنگ خطرهای را به صدا در می آورد .

ابن عباس می گوید :

« 1298- قائم (عج) خارج نمی شود جز پس از آنکه خورشید نشانه ای را از خود پدید آورد.» [۲۶]

شاید منظور از این نشانه، کسوف خورشید در غیر وقت عادی (پانزدهم ماه رمضان) و یا ایستادن آن در وسط آسمان، و یا ظاهر شدن سیمای یک مرد در قرص خورشید، و یا طلوع خورشید از مغرب باشد، که در احادیث فراوانی از آنها گفتگو شده است، و شاید نشانه ای جز اینها باشد .

در انجیل می خوانیم :

« 1299- و فوراً بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو

ریزند و قوت های افلاک متزلزل گردد. آنگاه عدالت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت جمیع طوایف سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید.» [۲۷]

همه فرازهای این نوید از انجیل متی با احادیث شریفه ما منطبق است، تعبیر پسر انسان در اصطلاح انجیل گاهی در مورد حضرت عیسی (ع) و گاهی در مورد مصلح آخرالزمان به کار رفته است. [۲۸] در اینجا منظور حضرت بقیه الله (عج) است چنانکه از بررسی متن انجیل روشن می شود. و اگر منظور حضرت عیسی (ع) باشد آن هم با احادیث ما منافاتی ندارد، که طبق عقیده ما حضرت عیسی (ع) (با جلال خاصی در بیت المقدس فرود آمده به یاران حضرت بقیه الله (عج) می پیوندد .

اما سینه زنی اقوام و اقشار مختلف مردم به دنبال جنگ های خانمانسوز و کشت و کشتار مداوم، و به ویژه جنگ «قرقیسیا» [۲۹] که در روایات از آن بحث شده و کشته های فراوانی به جای خواهد گذاشت.

زلزله ها

رسول اکرم (ص) می فرماید :

«....» -1300 و تکثر الزلازل»

«زمین لرزه بسیار شود» [۱]

«...» -1301 ثم رجفه بالشام یهلك فیها منه الف یجعلها الله رحمه للمومنین و عذاباً علی الکافرین .»

«زمین لرزه ای در شام اتفاق افتد که صد هزار نفر در اثر آن هلاک می شود. خداوند این زمین لرزه را رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران قرار دهد.» [۲]

یادآوری این نکته لازمست که تعبیر «شام» در اصطلاح روایات اختصاص به دمشق و حوالی آن ندارد بلکه معنای وسیعتری دارد که همه شامات (سوریه و لبنان) را در بر می گیرد .

«-1302 و خراب الترك من الصواعق .»

«سرزمین ترک به وسیله صاعقه ها ویران می شود.» [۳]

آیا رسول اکرم (ص) صاعقه های آسمانی را قصد کرده، و یا بمبهای اتمی و نیدروژنی امروز را قصد کرده است؟! آیا موشک های ویرانگر امروز را با چشم خود می دیده و از آنها صاعقه تعبیر می فرمود؟! آیا سرزمین ترک با صاعقه های ساخت بشری از بین می رود، یا صاعقه های آسمانی نیز به کمک آنها می شتابد؟!!

در روایاتی که رسول اکرم (ص) از صاعقه های آخرالزمان بحث کرده، از آتش پاره ها نیز گفتگو نموده است که در چنگال های شیاطین جای گرفته به سوی مردمان پرتاب می شود!!، این تعبیر با موشکها و بمبهای ویرانگری که در چنگال جنگنده ها قرار گرفته، توسط خلبان های مزدور از سوی شیاطین حاکم بر جهان بر سر ملت های مظلوم پرتاب می شود؛ کمال انطباق را دارد .

چه شیطانی خیره سرتر از خلبان بی رحمی که با کمال قساوت و سنگدلی با فشار یک دگمه منطقه ای را به خاک و خون می کشد و بر صغیر و کبیر رحم نمی کند و بر کودک و پیر رحم نمی آورد و هزاران تن مواد آتشزا را بر سر انسان ها فرو می ریزد و «حرث و نسل» را نابود می سازد! دیگر بین حیوانات وحشی و خلبان های به ظاهر انسانی که بر سر مردم هیروشیما، ناکازاکی، ویتنام، افغان و لبنان بمب ریخته و می ریزند، چه تفاوت یافت می شود؟!، سازمان ملل و دیگر مجامع بین المللی نیز بازیچه ابرقدرتها شده هیچ نقشی در دفاع از مظلومان نمی توانند بازی کنند !.

« 1303-سیکون فی آخرالزمان خسف و قذف و مسخ .»

«در آخرالزمان خسف، قذف و مسخ واقع خواهد شد.» [۴]

خسف: فرو رفتن در زمین و زیر آوار ماندن به وسیله زلزله، سیل، طوفان، موشک، بمباران و جز آنها .

قذف: پرتاب چیزی از مکانی به مکانی (بمباران، سنگباران، موشک های زمین به زمین و امثال آنها .)

مسخ: دگرگونی سیرت و صورت چیزی به شکلی جز آنچه هست (مبدل شدن انسان دو پا به حیوان وحشی چهار پا .)

« 1304-یکون عند ذلک ثلاثه خسوف: خسف بالشرق، و خسف بالمغرب، و خسف بجزیره العرب .»

«در آن هنگام سه خسف روی می دهد: یکی در مشرق، دیگری در مغرب، و سومی در جزیره العرب.» [۵]

خسفی که در جزیره العرب واقع می شود آخرین خسف است که سپاه سفیانی را در کام زمین فرو می برد :

« 1305-یعود عائذ بالبيت یبعث الیه حیث حتی اذا كانوا بالیبداء خسف بهم .»

«به بیت خدا پناهنده می شود، آنگاه لشکر سفیانی به سوی او فرستاده می شود، چون به سرزمین بیداء

رسیدند زمین آنها را در کام خود فرو می برد.» [۶]

« 1306-جیش یجیء من قبل العراق فی طلب رجل من اهل المدینه یمنعه اللّٰه منهم. فاذا علوا البیداء من ذی الحلیفه خسف بهم فلا یدرک اعلاهم اسفلهم، ولا یدرک اسفلهم اعلاهم الی یوم القیامه »

« لشکری از جانب عراق در جستجوی مردی از اهل مدینه (یعنی حضرت بقیه اللّٰه) بیرون می آید، خداوند او را از شر آنها حفظ می کند، چون در «ذوالحلیفه» به سرزمین بیداء برسند، زمین آنها را در کامش فرو می برد، اول و آخر لشکر تا قیامت هرگز به یکدیگر نمی رسند.» [۷]

خسف و قذف زمینی را هر روز با چشم خود می بینیم، هر روز خروارها مواد آتشنا پرتاب می شود (قذف) و صدها انسان در زیر آوارها می ماند (خسف)، اما خسف و قذف آسمانی که در پیشقدم ظهور روی خواهد داد، خداوند ما را از آنها حراست کند و از آن بالاتر «مسخ» است که تاکنون در اطراف آن به خوبی نیندیشیده ایم که به خداوند توانا پناه می بریم از این فاجعه های جهان سوزی که در انتظار مردم لجوج و عنود است .!

امام باقر (ع) می فرماید :
«...» -1307 و خسف بالبیداء»

«و خسفی در سرزمین بیداء» [۸]

« 1308-جیش البیداء یوخذون من تحت اقدامهم .»

«لشکر بیدا از زیر پایشان گرفتار می شوند.» [۹]

امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه: «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم»: «نشانه های خود را در وجود آنها و در پیرامون آنها نشان می دهیم» [10] ، فرمود :

« 1309-نریهم فی انفسهم المسخ، و نریهم فی الافاق انتفاض الافاق علیهم، فیرون قدره اللّٰه تعالی فی انفسهم و فی الافاق .»!

«در وجود آنها «مسخ» و در پیرامون آنها «خسف» را بر آنها نشان می دهیم تا قدرت خدا را در وجود خود و در اطراف خود ببینند و بر آنها روشن شود که او حق است (حتی یتبین لهم انه الحق) یعنی بدانند که ظهور قائم (عج) از سوی پروردگار متعال حق است و مردم به طور حتم آن را خواهند دید و چاره ای از آن نیست.» [۱۱]

خسفی که امام علیه السلام در تفسیر این آیه وعده داده، هرگز قابل مقایسه، با ویرانیهایی که در فلسطین و لبنان و دیگر کشورهای عربی زیر بمبهای ناپالم و موشک های ویرانگر اسرائیل متجاوز به بار می آید نیست .!

« 1310- وخشف فی الحله و البصره، و قتل کثیرین ».

«و خسفی در حله و بصره واقع شود و مردمان بسیاری کشته می شوند.» [۱۲]

امام صادق (ع) می فرماید :

«... 1311- ارتفاع ریح سوداء اول النهار، و زلزله، حتی ینخسف کثیر منها.»

«باد سیاهی اول صبح بر می خیزد و آنگاه زلزله ای روی دهد و قسمت اعظم آن (زوراء = بغداد) زیر آوار بماند.» [۱۳]

این حدیث در پیرامون «زوراء» که به احتمال قوی بغداد است وارد شده، و در این زمینه روایات بسیاری هست که در بخش خروج سفیانی خواهد آمد.

پرتاب ها و دگرگونی ها

رسول اکرم (ص) می فرماید :

« 1312- لیبیتن قوم من هذا الامة علی طعام و شراب و لهو، و یصبحون و قد مسخوا قرده و خنازیر »!

«قومیم از این امت شب را در کنار سفره طعام و شراب و لهو و لعب سپری می کنند و بامدادان به صورت میمون و خوک در می آیند.» [۱]

و در مورد علمای درباری و فقهای که در خدمت رژیم ها هستند فرمود :

« 1313- والدی بعثنی بالحق لیخسفن بهم و یمسخهم قرده و خنازیر »

«سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، خداوند آنها را در دل زمین فرو می برد و آنها را مسخ کرده به صورت میمون و خوک در می آورد.» [۲]

بعد از این سخن موکد و همراه با سوگند از زبان حضرت ختمی مرتبت (ص) (دیگر تردیدی نمی ماند در اینکه از این امت نیز گروهی مسخ می شوند و به صورت های گوناگون در می آیند، یکی از این گروه طبقه دانشمندان درباری است و یکی دیگر اهل لهو و لعب، چنانکه می فرماید :

« 1314- یکون فی هذه الامه خسف و قذف فی متخذی القینات و شاربی الخمر . . بیناهم فی شراب و خمر، و ضرب معازف، حتی یرسل الله علیهم فیغدون قرده و خنازیر »!

در میان این امت نیز خسف و قذف روی می دهد، گروهی از نوازنده ها و الکی ها در حالیکه مشغول میگساری و نوازندگی هستند، عذاب خدا بر آنها نازل می شود و به صورت میمون و خوک در می آیند. [۳]

« 1315- مما یمصرون مصر یقال له: البصره. فان انت وردتها فیاک و مقصفها و سوقها و باب سلطانها. فانها سیکون فیها خسف و مسخ و قذف!. آیه ذلک ان یموت العدل، و یغشو فیها الجور و شهاده الزور، و یکثر الزنا .»

«از شهرهائی که بر اساس شهرسازی ساخته می شود شهری است به نام بصره، اگر وارد آن شهر شدی از کازینوها، فروشگاه ها و کاخ های آن بپرهیز که در آنجا خسف و قذف و مسخ واقع خواهد شد، و نشانه آن اینست که عدالت رخت بر بندند، ظلم، شهادت دروغ و روابط نامشروع فراوان شود .!»

رسول اکرم (ص) در این حدیث کلمه «مقصف» را به کار برده که در مورد کازینوها، بارها و رستوران هائی به کار می رود که مشروبات الکلی در آنها عرضه شود و لهو و لعب در آنجا رائج باشد .

« 1316- لم یجر فی بنی اسرائیل شیء الا یکون فی امتی مثله، حتی الخسف و المسخ و القذف .!»

«در میان بنی اسرائیل هیچ حادثه ای روی نداده است جز اینکه در میان امت من نیز نظیر آن روی خواهد داد، حتی خسف و قذف و مسخ.» [۴]

خداوند ما را از این مظاهر غضب و خشم خود محفوظ بدارد .

امام صادق (ع) می فرماید :

« 1317- تهیج ریح الزوراء: ینکرها الناس، فیفزعون الی علمائهم فیجدونهم قد مسخوا قرده و خنازیر، تسود وجوههم، و تزرق عیونهم .»

«باد زوراء (طوفان، گردباد، از سوی بغداد، از سوی دجله) به شکلی که نظیرش دیده نشده می وزد، مردم به دانشمندان خود پناه می برند و آنها را مسخ شده می یابند و می بینند که به صورت میمون و خوک درآمده اند، صورتشان سیاه شده و دیدگان نشان کبود گشته است.» [۵]

از شر چنین روزی به خدای دانا و توانا پناه می بریم .

پیشوای ششم شیعیان در تفسیر آیه شریفه: «ولنذیقنهم من العذاب الالانی دون العذاب الالکبر»: «پیش از عذاب بزرگ، از عذاب کوچک به آنها می چشائیم» [6] ، فرمود :

« 1318 ای خزی اشد من ان یکون الرجل فی بیده و اصحابه، و علی خوانه وسط عیاله اذ شق اهله الجیوب علیه و صرخوا، فیقول الناس: ما هذا؟ فیقال: مسخ فلان الساعه! و قد ساله صاحبه ابو بصیر (رض): یکون هذا قیام القائم او بعده؟ فقال: لا، قبل .»

«چه ذلت و خواری بالاتر از اینکه انسان در میان خانه و خانواده اش در کنار سفره نشستہ باشد و ناگهان اهل خانه گریبان چاک کرده، ناله سر دهند، مردم پپرسند: چه شده؟! گفته شود: این فلانی است، همین الان مسخ شد .!!»

ابوبصیر از آنحضرت پرسید: این فجایع پیش از قیام قائم (عج) روی می دهد یا بعد از قیام او؟! فرمود: پیش از قیام او». [۷]

اگر شخصی نادان مسخ شود به آسانی می توان تحمل کرد، ولی اگر دانشمند فرزانه ای مسخ شود چگونه می توان آن را تحمل کرد؟! وای به حال شما ای علمای جور! وای فقهای درباری .!!»

امام کاظم (ع) می فرماید :

« 1319 تکثر الفتن فی افاق الارض، والمسح فی اعداء الحق .»

«فتنه ها زمین را از کران تا کران فرا گیرد و مسخ شدن در میان دشمنان حق و حقیقت فراوان گردد.» [۸]

فتنه ها همه زمین را فرا گرفته و هر نقطه ای تلخی آن را چشیده است .

«...» 1320 و مسخ لقوم من اهل البدع حتی یصیروا قرده و خنازیر .»

«گروهی از بدعتگزاران مسخ شده به صورت میمون و خوک در می آیند.» [۹]

بانگ آسمانی

رسول اکرم (ص) می فرماید :

« 1321 اا ایها الناس: ان الله قد قطع مده الجبارین والمنافقین و اتباعهم، و ولیکم خیر امه محمد (ص) فالحقوه بمکه، فانه المهدی »

«به هنگام خروج قائم (عج) منادی آسمانی از آسمان بانگ می زند: هان ای مردمان! خداوند مهلت ستمگران، منافقان و پیروانشان را قطع کرد و بهترین امت محمد (ص) را به پیشوائی و سرپرستی شما برگزید، خود را در مکه به او برسانید که او مهدی (عج) است.» [۱]

« 1322- يظهر في السماء آية ليلتين تخلوان من شهر رمضان . »

« دو شب گذشته از ماه رمضان نشانه ای در آسمان ظاهر می شود.» [۲]

« 1323- وینادی مناد من السماء: ان امیرکم فلان، و ذلک هو المهدی . »

« منادی از آسمان بانگ بر می آورد: امیر شما فلانی اوست و آن همان مهدی (عج) است.» [۳]

این نشانه آسمانی شاید همان کف دستی باشد که در آسمان ظاهر خواهد شد، و منظور از منادی آسمانی، پیک وحی، جبرئیل امین است که در میان زمین و آسمان بانگ بانگ بر می آورد و صدایش در تمام نقاط زمین به گوش مردم می رسد، اگر برخی از کوته نظران در امکان چنین حادثه ای تردید کنند، ما تردیدی نداریم که بانگ پیک آسمانی از صدای فرستنده های بشری ناتوان تر نیست که در نقطه ای از جهان صدائی پخش می کنند و در دورترین نقطه جهان صدایشان شنیده می شود، و تردیدی نداریم که صدای رسای حضرت بقیه الله (عج) هنگامی که در کنار خانه خدا بلند شود در تمام نقاط جهان به گوش دوست و دشمن خواهد رسید !..

« 1324- سیکون فی رمضان صوت، و فی شوال معمه، و فی ذی الحجه تحارب القبایل. و علامته ان ینهب الحاج، و تکون ملحه منی و تكثر فیها القتلی و تسيل فیها الدماء، حتی تسيل دماؤهم علی الجمره . »

«بانگی در ماه رمضان شنیده می شود، آتش جنگی در ماه شوال برافروخته می گردد، قبیله ها در ماه ذیحجه به جنگ بر می خیزند، و نشانه آن اینست که حجاج را غارت کنند و فاجعه بزرگی در منی روی می دهد و افراد بیشماری کشته می شوند و خونها روان می شود و بر جمرات می ریزد.» [۴]

یعنی این فاجعه در اثنای مراسم حج در منی روی میدهد و خون حجاج بر روی جمرات در محل رمی جمرات می ریزد !

امیرمؤمنان (ع) می فرماید :

« 1325- اما سمعتم قول الله عزوجل فی القرآن الکریم: [ان نشا تنزل علیهم من السماء آیه]: آیه تخرج الفتاه من خدرها، و توقظ النائم، و تفرع الیقظان . »

«آیا نشنیده اید که خدای تبارک و تعالی می فرماید: (اگر بخواهیم برای شما از آسمان نشانه ای می فرستیم) [۵]، نشانه ای که دختر پرده نشین را وحشت زده از سرا پرده بیرون فرستد، خفته را بیدار سازد و بیدار را به وحشت اندازد.» [۶]

امام صادق (ع) در این مورد می فرماید :

« 1326- فلا یبقی یومئذ فی الارض احدا الا خضع و ذلت رقبتہ لها . »

«در آن روز کسی در روی زمین نمی ماند جز اینکه در برابر آن نشانه تسلیم و منقاد شود.» [۷]

امام باقر (ع) نیز در این باره می فرماید :

« 1327- ینادی من السماء اول النهار: الا ان الحق مع علی وشیعته، ثم ینادی ابلیس فی آخر النهار من الارض: الا ان الحق مع فلان و شیعته، فعند ذلک یرتاب المبتلون . »

«منادی آسمانی در اول صبح بانگ بر می آورد: ای مردمان! آگاه باشید که حق با علی و شیعیان اوست. شیطان در آخر همان روز بانگ بر می آورد: حق با فلانی و پیروان اوست! آنجاست که اهل باطل دچار شک و تردید می شوند.» [۸]

امیرمؤمنان (ع) در این زمینه می فرماید :

« 1328- اذا نادى مناد من السماء: ان الحق فى آل محمد، فعند ذلك يظهر المهدي على اقواه الناس، و يشربون حبه، ولا يكون لهم ذكر غيره . »

«هنگامی که منادی آسمانی بانگ برآورد که حق با آل محمد (ص) است، نام مقدس مهدی (عج) بر سر زبان ها می افتد و محبت او در دلها جای می گزیند و دیگر کاری جز یاد او نخواهند داشت.» [۹]

امام صادق (ع) نیز در همین باره می فرماید :

« 1329- اذا نادى المنادى باسم المهدي من السماء، يظهر اسمه على اقواه الناس، و يسرون فلا يكون لهم ذكر غيره . »

«چون نام مهدی (عج) توسط منادی آسمانی اعلام شود، نام او بر سر زبان ها می افتد و همه شادمان می شوند و جز نام او نام دیگری بر زبان ها جاری نمی گردد.» [۱۰]

و اینک بر می گردیم به سخنان گرانقدر امیرمؤمنان (ع):

«-1330ینادی مناد من السماء: یا اهل الحق اجتمعوا فیصیرون فی صعید واحد. ثم ینادی مره اخری: یا اهل الباطل اجتمعوا، فیصیرون فی صعید واحد.»

«منادی آسمانی بانگ بر می آورد: ای اهل حق گرد آئید! آنگاه همه اهل حق در یک جبهه گرد می آیند. سپس بانگ بر می آورد: ای اهل باطل گرد آئید! آنگاه همه اهل باطل در یک جبهه گرد می آیند.» [۱۱]

«...-1331ثم لا یستقیم امر الناس علی شیء، ولایکون لهم جماعه، حتی ینادی مناد من السماء: علیکم بفلان، و تطلع کف تشیر.»

«آنگاه امور مردم هرگز اصلاح نمی شود و هرگز نمی توانند در اطراف یک محور گرد آیند، تا هنگامی که منادی آسمانی بانگ بر می آورد: به سوی فلانی بشتابید و از او دور نشوید، آنگاه کف دستی در آسمان ظاهر می شود و به سوی او اشاره می کند.» [۱۲]

«-1322ینادی مناد فی شهر رمضان عند الفجر، من ناحیه المشرق: یا اهل الهدی اجتمعوا، و ینادی مناد من قبل المغرب، بعد مغیب الشمس: یا اهل الباطل اجتمعوا.»

«در ماه رمضان به هنگام صبح، منادی آسمانی از طرف مشرق بانگ بر می آورد: ای اهل هدایت! گرد آئید. بعد از غروب آفتاب منادی دیگری از طرف مغرب بانگ بر می آورد: ای اهل باطل! گرد آئید.» [۱۳]

به نظر می رسد که ندای دوم به تعبیر: «ای اهل باطل» نخواهد بود، بلکه به تعبیری خواهد بود که ظاهری آراسته داشته باشد و اهل باطل را فرا گیرد. مثلاً ممکن است با تعبیری به اسم، صفت، ملیت، ایدئولوژی، حزب و دیگر ویژگی های اهل باطل اشاره شود.

«-1333ینزل جبرائیل یومئذ علی صخره بیت المقدس، فیصیح فی اهل الدنیا: [و قل جاء الحق و زهق الباطل، ان الباطل کان زهواً].»

«آنروز جبرئیل امین بر فراز سنگی در بیت المقدس قرار گرفته، بر مردم جهان بانگ زده می فرماید: «و قل جاء الحق و زهق الباطل، ان الباطل کان زهواً» [۱۴]: «بگو: حق آمد و باطل از بین رفت، که باطل از بین رفتنی است [15]».

این بانگ جبرئیل غیر از ندای آسمانی است که از این بانگ «صیحه» تعبیر شده است.

امام حسین (ع) می فرماید:

« 1334-ینادی مناد باسم المهدی، فیسمع من بالشرق و من بالمغرب »!

«منادی آسمانی به نام «مهدی» (عج) ندا می کند، هر کسی که در شرق و غرب جهان باشد آن ندا را می شنود.» [۱۶]

سرور شهیدان و پیشوای جهاد گران در آن روزهای پرآشوب و خفقان، از بیان نشانه های روز پرشکوه ظهور غفلت نمی کند و به تعبیری که برای مردم آن روز مفهوم نبود از نغمات روحبخش آن ندای آسمانی که در سر تا سر جهان طنین خواهد انداخت سخن می گوید و بعد از چهارده قرن، اختراع تلویزیون سخنان پیرارج آن حضرت را برای ما قابل فهم می کند! خداوند ما را از پیروان راه او قرار دهد و از طرف ما او را پاداش نیکو عطا فرماید .

امام زین العابدین (ع) می فرماید :

« 1335-والله ان ذلک فی کتاب الله لیین حیث یقول: واستمع یوم یناد المناد من مکان قریب، یوم یسمعون الصیحه بالحق ذلک یوم الخروج. فلا یبقی فی الارض احد الا خضع و ذلت رقبته لها. و یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت علی الحق، و هو النداء الاول. و یرتاب الذین فی قلوبهم مرض حین التداء الثانی ».

«به خدا سوگند! این مطلب در کتاب خدا بسیار صریح بیان شده، آنجا که می فرماید: (گوش فراده، هنگامی که منادی از نقطه نزدیکی ندا سر می دهد، آروز به حق آن صیحه را می شنود، که آن روز روز خروج است) [۱۷]، در روی زمین احدی باقی نمی ماند جز اینکه در برابر این بانگ آسمانی خاضع و منقاد می شود، آنانکه ایمان آورده اند، خداوند آنها را روی ایمان راسخ و عقیده حق ثابت و پابرجا نگاه می دارد، و این بانگ نخستین است. ولی کسانی که در دلهایشان بیماری هست در بانگ دوم دچار شک و تردید می شوند.» [۱۸]

امام صادق (ع) در پیرامون همین آیه شریفه می فرماید :

« 1336-فیومن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء: الا ان الحق فی علی بن ابی طالب و شیعتہ! فاذا کان من الغد ابلیس فی الهواء حتی یتواری عن اهل الارض فینادی: الا ان الحق فی فلان ».

«اهل زمین هنگامی که بانگ آسمانی را بشنوند که از آسمان بانگ می زند :آگاه باشید حق با علی بن ابی طالب (ع) و شیعیان اوست، همه ایمان می آورند، روز بعد شیطان در فضا بالا می رود و در حالیکه مردم او را نمی بینند بانگ می زند: آگاه باشید که حق با فلانی است!» [۱۹]

ما هر صبح و شام این آیه را می خواندیم ولی توجه نداشتیم که ندای منادی از نقطه ای نزدیک یعنی چه؟!

این صیحه کدام صیحه است؟! منظور از روز خروج چیست؟! چون ذهن ما متوجه صحنه های قیامت می شد و خیال می کردیم که موقفی از موقفهای رستاخیز را بیان می کند!، حق هم داشتیم ما کجا و فهم تفسیری معصومین (ع) کجا؟! آنها همسنگ قرآن هستند، آنها واقف بر ظاهر و باطن آن می باشند و جز آنها کسی نمی تواند در این راه پرپیچ و خم گام بسپارد جز با راهنمایی آنها. و اینک تفسیر این آیه را از امام صادق (ع) می شنویم :

« 1337-ینادی مناد باسم القائم و اسم اییه علیهما السلام. و الصیحه فی هذه الایه صیحه من السماء، و ذلک یوم خروج القائم (ع). یسمعون صوتاً لا من ذی ولا ذی هو!!! لکنهم یسمعون صوتاً ما قاله انس ولا جان: بایعوا فلاناً باسمه، لامن ذی ولا ذی هو >!!!»

«منادی به نام قائم و نام پدرش (عج) ندا سر می دهد، صیحه در این آیه همان بانگ آسمانی است، و آن روز خروج قائم است. بانگی را می شنوند که نه از اینطرف است و نه از آن طرف، و نه صدای انس و جن است که می گوید: با فلانی بیعت کنید، صریحاً از او نام می برد و جهت صدا مشخص نیست که اینطرف است یا آنطرف». [۲۰]

امام صادق (ع) بانگ آسمانی را برای ما مجسم می کند که این صدا همه اقطار و اکناف جهان را پر می کند در شرق و غرب دنیا طنین می اندازد کسی نمی تواند جهت صدا را تشخیص دهد که از طرف بالاست یا پائین؟، از طرف راست است یا چپ؟! از طرف شمال است یا جنوب؟! آن صدا چون دیگر صداها نیست که از یک ایستگاه رادیوئی پخش شود، کسی بشنود و دیگری نشنود، به زبانی پخش شود و اهل دیگر زبان ها از فهم آن ناتوان باشند، بلکه صدائی است که هر گوشه را نوازش می دهد و به هر گوشه ای که انس دارد و با زبانی که دقیقاً آشناست این صدا می رسد !!.

آیا جز امام صادق (ع) و دیگر امامان معصوم (ع) از چه کسی ساخته است که این معنی را تصور کند و در چهارده قرن پیش بتواند مجسم کند؟! و سخنان گرانقدر خود را آنچنان با اطمینان کامل و اعتقاد استوار بیان کند که گوئی او خود طراح و مجری این برنامه است. دیگر مادر زمانه از آوردن انسان دیگری همسنگ معصومان (ع) ناتوان است .

به زودی توضیحات بیشتری از امام صادق (ع) در همین مورد نقل خواهیم کرد .

امام باقر (ع) می فرماید :

« 1338-وجاءت صیحه من السماء بان الحق فیه و فی شیعته فعند ذلک خروج قائمنا .»

«بانگی از آسمان شنیده می شود که حق با علی (ع) و شیعیان اوست. و آن به هنگام خروج قائم ماست.»

« 1339- یختلف اهل الشرق و اهل الغرب، نعم و اهل القبله و یلقى الناس جهداً شديداً مما یمربهم من الخوف. فلا یزالون بتلك الحال حتی ینادی منادی من السماء فاذا نادى فالنفر النفر. »!

«مردم شرق و غرب به اختلاف می گرایند، اهل قبله (مسلمانان) نیز دچار اختلاف می شوند، مردم از ناامنی به شدت رنج می برند و این چنین روزگار سپری می شود تا منادی آسمانی ندا سر دهد، چون بانگ آسمانی را شنیدید بشتابید، بشتابید.» [۲۲]

اکنون که به نگارش این سطرها اشتغال دارم سخنان امام باقر (ع) دقیقاً تحقق یافته، اختلاف شرق و غرب اوج گرفته، مسلمانان نیز به دو جبهه شرق و غرب کشیده شده و در برابر یکدیگر قرار گرفته اند و تلخی این اختلافات را ما در جنوب لبنان می چشیم و دود آن به چشم همه مسلمانان می رود. طبق فرموده امام (ع) ندای آسمانی به دنبال این اختلافات مرارت بار است .

« 1340- الصیحه لاتكون الا فی شهر رمضان، لان شهر رمضان شهر الله، وهی صیحه جبرائیل الی الحق »!

«ندای آسمانی جز در ماه رمضان نخواهد بود که ماه رمضان ماه خداست، و آن بانگ جبرئیل است که به سوی حق فرا می خواند.» [۲۳]

« 1341- الصیحه فی شهر رمضان فی لیله الجمعه، لیله ثلاث و عشرین، فلا تشکوا فی ذلک واسمعوا و اطیعوا. و فی اخر النهار صوت ابلیس اللعین ینادی : الا ان فلانا قتل مظلوما یشکک الناس و یفتنهم! فکم فی ذلک الیوم من شک متحیر قد هوی فی النار! و علامه ذلک ان جبرائیل (ع) ینادی باسم القائم و اسم ابیه علیهما السلام، حتی تسعد العدراء فی خدرها فتحرض اباه و اخاه علی الخروج .»

«ندای آسمانی در ماه رمضان، در شب جمعه، شب ۲۳ رمضان است که هرگز در مورد آن دچار شک و تردید نشوید، گوش فرا دهید و اطاعت کنید. و در پایان روز صدای ابلیس لعین بلند می شود که می گوید: فلانی مظلوم کشته شد!، با این بانگ نابهنگام گروهی را به شک می اندازد و گروه کثیری با شک و تردید وارد آتش می شوند. نشانه بانگ جبرئیل اینست که به نام قائم (عج) و نام پدرش ندا می کند، دختران پرده نشین نیز با شنیدن آن خوشحال می شوند و پدران و برادرانشان را تشویق می کنند که خروج کنند.» [۲۴]

امام صادق (ع) نیز در این باره فرموده است :

« 1342- ینكون النداء لیله الجمعه لثلاث و عشرین من شهر رمضان، اول النهار بعد صلاه الصبح: الا ان الحق فی فلان بن فلان و شیخته، توقف النائم، و تقعد القائم او تخرجه الی صحن داره. لانها تفرزع الیقظان، و تخرج العواتک من خدورهن، فتحرض العدراء اباه و اخاه علی الخروج .»

«ندای آسمانی در شب جمعه، شب بیست و سوم ماه رمضان، اول صبح، بعد از نماز صبح واقع می شود که: آگاه باشید که حق با فلانی پسر فلانی و شیعیان اوست. این بانگ خفته را بیدار می کند، شخص بیدار را وحشت زده می کند، کسیکه سر پا ایستاده، می نشیند و یا به صحن خانه می رود، پرده نشینان را وحشت زده از پرده بیرون می کند، دختر پرده نشین پدر و برادرش را تشویق به خروج می کند.» [۲۵]

«-1343 کانی بهم اسرما یکونون و قد نودوا نداء یسمعه من بعد کما یسمعه من قرب!»

«گوئی با چشم خود می بینم که خوشحالی آنها را فرا گرفته، آنها صدائی را می شنوند که از دور نیز همانند نزدیک شنیده می شود.» [۲۶]

این تعبیر که از زبان رسول اکرم (ص)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) (روایت شده امروز در سایه پیشرفت صنعت و تکنیک کاملاً مفهوم و قابل پذیرش است، اما در آن روز که از رادیو و تلویزیون خبری نبود چگونه این مطالب را می توانستند درک کنند؟! درود بیکران بر پیشوایان بزرگی که چهارده قرن پیش بشر امروزی را می دیدند و می شناختند و همانند کسی که در میان آنها زندگی کند از آنها سخن می گفتند! در این مدت طولانی که در حدود ۵۰ نسل عوض شده، تمام سخنان غیبی آنها مو به مو تحقق یافته است. آنها بالاتر از آنند که ما بتوانیم عظمت آنها را دریابیم. کسانی که ندانسته در حریم قداست آنها سخن می گویند، بهتر آنست که قدری بیندیشند و گامی به سوی شناخت آنها بردارند و آنگاه داد سخن سر دهند .

«-1344 اسکنوا ما سکنت السماء و الارض، فان امرکم لیس به خفاء. الا انها آیه من اللّٰه عزوجل لیست من الناس!. الا انها اضوا من الشمس، لا تخفی علی برولا فاجر. اتعرفون الصبح؟. فان الصبح لیس به خلفاء.»

«تا آسمان و زمین آرام است شما نیز آرام بنشینید، در امر شما هیچ خفا نیست، آگاه باشید که آن (صیحه آسمانی) نشانه ای از خدای تبارک و تعالی است، از مردم نیست (تا پوشیده شود)، آگاه باشید که آن روشتر از آفتاب است، بر احدی از بر و فاجر پوشیده نخواهد ماند، آیا صبح را می شناسید؟ آیا در مورد صبح کسی دچار تردید می شود؟!» [۲۷]

حرکت آسمان با ندای آسمانی آغاز می شود و حرکت زمین با سپاه سفیانی شروع می شود. (چنانکه در حدیث شماره (چنانکه در حدیث شماره ۱۳۴۹ خواهد آمد .)

«-1345 U بد من هذین الصونین قبل خروج القائم (ع): صوت من السماء و هو صوت جبرائیل، و صوت من الارض، و هو صوت ابلیس اللعین.»

«به ناچار این دو صیحه پیش از قیام قائم (عج) شنیده خواهد شد، یکی از آسمان که صدای جبرئیل امین

است، و دیگری از زمین که صدای شیطان لعین است [28] .»

بانگ اولی نوید بخش، امید بخش و مسرت بخش است و بانگ دوم شک آور، یأس آور و مرارت بار است و طبعاً شیاطین زمینی نیز سخنان شرک آلود و فتنه انگیز آن شیطان بزرگ را تکرار نموده، در پخش و نشر آن تلاش می کنند .

در این رابطه جمله ای نیز از خلیفه خونخوار عباسی، «منصور دوانیقی» نقل شده که روزی خطاب به «سیف بن عمیره» گفت :

« 1346- به ناگزیر منادی آسمانی به نام مردی از اولاد ابوطالب (ع) بانگ می زند .»

سیف بن عمیره از روی چاپلوسی قیافه انکار به خود گرفته گفت :

شما نیز به چنین مطلبی عقیده دارید؟! منصور گفت :

سوگند به خداوندی که جانم دست اوست، آری، من نیز به آن معتقدم. زیرا با دو گوش خود شنیده ام. سیف گفت :

من هرگز چنین حدیثی نشنیده بودم. منصور گفت :

به خدا سوگند، آن حق است. هنگامی که آن واقع شود ما نخستین کسی هستیم که به آن پاسخ مثبت خواهیم داد. مگر نه اینست که آن ندا به نام مردی از عموزادگان ما هست؟! سیف گفت :

آیا ندای آسمانی به نام یکی از اولاد فاطمه زهرا خواهد بود؟

منصور گفت :

آری. اگر جز این بود که من آن را از حضرت ابوجعفر (ع) شنیده ام، هرگز باور نمی کردم، اگر چه همه مردم روی زمین نقل می کردند، ولی چه کنم که او محمد بن علی (ع) است.» [۲۹]

جان عالم به فدای امامی که دشمن او را این چنین می ستاید .

امام صادق (ع) می فرماید :

« 1347- اختلاف بنی العباس من المحتوم، والنداء من المحتوم، و خروج القائم من المحتوم .»

«اختلاف بنی عباس از علایم حتمی است. ندای آسمانی از نشانه های حتمی است. خروج قائم (عج) از امور حتمی است.» [۳۰]

شاید در نزدیکی ظهور تنی چند از بنی عباس روی کار باشند و شاید کلمه بنی عباس رمز زمامدارانی باشد که بر بغداد حکومت کنند و لابد در آینده ای نزدیک در میان آنها اختلاف پدید خواهد شد. و شاید منظور اختلاف خلفای بنی عباس در گذشته (بعد از عصر امام صادق) باشد، همانند اختلاف امین و مأمون .

« 1348- ان القائم لایقوم حتی ینادی مناد من السماء، تسمع الفتاه فی خدرها، و یسمع اهل المشرق و اهل المغرب. و فیه نزلت هذه الایه: «ان نشا تنزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین»، لو کانت الصیحه خضعت لها اعناق اعداء اللّٰه عزوجل .»

«قائم (عج) قیام نمی کند جز پس از آنکه منادی آسمانی ندا سر دهد، آن را همه اهل مشرق و مغرب می شنوند، دختر پرده نشین، در سرا پرده خود آن را می شنود. و در این مورد نازل شده است: (اگر بخواهیم برای آنها از آسمان نشانه ای می فرستیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع می شود) [۳۱]، اگر آن بانگ آسمانی واقع شود گردن دشمنان خدا در برابر آن خاضع خواهد شد.» [۳۲]

« 1349- اتقوا اللّٰه، واسکنوا ما سکنت السماء والارض .»

«از خدا بترسید و تا هنگامی که آسمان و زمین آرام است شما نیز آرام باشید.» [۳۳]

این حدیث به همین عبارت از امام رضا (ع) نیز روایت شده، که امام (ع) ساکن بودن آسمان را به فرا نرسیدن زمان بانگ آسمانی، و ساکن بودن زمین را به فرا نرسیدن وقت خسف لشکر سفیانی تفسیر فرموده است .

« 1350- انها تکون صیحه تتبعها هده .»

«صیحه ای برخیزد و آنگاه حادثه ای بس بزرگ به دنبالش واقع شود.» [۳۴]

« 1351- انه تکون ثلاثه اصوات فی رجب. الاول: الا لعنه اللّٰه علی الظالمین. و الثانی: ازفت الازفه یا معشر المؤمنین. و الثالث: یری الناس بدنا بارزا نحو عین الشمس ینادی: الا ان اللّٰه قد بعث فلانا بن فلان. حتی ینسبه الی علی (ع)، فیه هلاک الظالمین، فاسمعوا له و اطیعوا. فعند ذلک یاتی الفرج و یذهب غیظ قلوبهم .»

«سه بانگ آسمانی در ماه رجب شنیده شود :

1- آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمگران باد .!

2- ای گروه مؤمنان! رستخیز نزدیک است.!

3- بدن انسانی به وضوح در قرص خورشید دیده می شود که با صدای رسا بانگ بر می آورد: هان ای مردم! خداوند فلانی، پسر فلانی، ... (سلسله نسب حضرت قائم (عج) را تا حضرت علی (ع) می رساند)، را برانگیخت، هلاکت ستمگران به دست او می باشد، فرمان او را بشنوید و اوامرش را اطاعت کنید. آنگاه فرج فرا می رسد و خشم دلها از بین می رود.» [۳۵]

منکران به هنگام مشاهده این نشانه ها حیران و سرگردان می شوند و آیه شریفه: (اگر بخواهیم برای آنها نشانه ای از آسمان فرو می فرستیم) عینیت می یابد. بدنی که در قرص خورشید به روشنی دیده می شود یک معجزه الهی است که قدرت بی پایان خداوند را بر کوردلان جهان به نمایش می گذارد .

« 1352- العام الذی فیہ الصیحه، قبله الایه فی رجب. فقیل له: و ما هی؟ قال وجه یطلع فی القمر، و ید بارزه، و تطلع کف تشیر. و النداء الذی من السماء یسمعه اهل الارض: کل اهل لغه بلغتهم.»

«سالی که صیحه آسمانی در آن شنیده می شود، نشانه ای پیش از آن در ماه رجب دیده می شود. گفته شد: آن نشانه چیست؟ فرمود: سیمائی در قرص ماه دیده می شود، دست و کف دست روشنی در فضا ظاهر می شود و به سوی او اشاره می کند، ندائی از آسمان بلند می شود و همه مردم روی زمین آن را می شنوند، هر کسی به زبان خودش آن را می شنود.» [۳۶]

« 1353- یکون فرقه و اختلاف حتی یطلع کف من السماء، و ینادی مناد: ان امیرکم فلان.»

«اختلاف شدیدی روی می دهد و ادامه می یابد تا وقتی که کف دستی در آسمان ظاهر شود و منادی آسمانی بانگ برآورد که امیر شما فلانی است.» [۳۷]

« 1354- و وجه و صدر یظهران الناس فی عین الشمس.»

«صورت و سینه ای در قرص خورشید برای همگان ظاهر می شود.» [۳۸]

« 1355- و ینادی مناد من السماء فی اول النهار، یسمعه کل قوم بالسنتهم: الا ان الحق فی علی و شیعتہ.»

«منادی آسمانی اول صبح از آسمان ندا می کند: آگاه باشید حق با علی (ع) و شیعیان اوست. این ندا را هر قومی به زبان خود می شنود.» [۳۹]

در مدت کوتاهی که از سفر فضائی انسان به کره ماه می گذرد چقدر در صفحات تلویزیون سر و صورت

فضانوردان را روی قرص ماه مشاهده کرده ایم؟! دیگر جای شگفت نیست که سر و صورتی را با قدرت بیکران آفریدگار توانا بدون استخدام تلویزیون بر روی قرص ماه و قرص خورشید ببینیم و صدایش را بشنویم. چقدر در کنگره ها و سمینارهای بین المللی شرکت نموده، سخنرانیهای سخنرانان را فی المجلس به زبان خود از گوشیهای صدلی خود شنیدیم، دیگر چه عجب اگر صدای منادی آسمانی را بدون استفاده از گوشی و بدون استخدام مترجمین زبردست، با قدرت بی پایان قادر متعال بشنویم. اگر خدای قادر متعال در پهنه گیتی چیزی را که دست ناتوان بشری در سازمان ملل تهیه کرده و برای نماینده هر کشوری مطالب سازمان را به زبان خود پخش می کند، بدون استفاده از این ابزار تهیه کند چه جای شگفت و استبعاد است؟! این تعبیرها برای رفع استبعاد از کومه نظران و سطحی اندیشان است و گرنه معجزات الهی با کارهای عادی جهان طبیعت هرگز قابل تشبیه و مقایسه نیست .

به زودی شاهد بانگ رسای جبرئیل امین از اعماق آسمان ها خواهیم بود که نغمه های امیدبخش او گوش همه جهانیان را نوازش خواهد داد. به امید آن روز .

« 1356- إذا سمعوا الصوت اصبحوا كانما على رؤوسهم الطير! . اما لو كانت الصيحة خضعت لها اعناق اعداء الله! فان اشكل عليهم من ذلك شيء فان الصوت لا يشكل عليهم اذا نودي باسمه و اسم ابیه وجده . »

« هنگامی که بانگ آسمانی را بشنوند همانند کسی که بر سرش مرغ نشسته باشد خشکشان می زند، گردن همه دشمنان خدا در برابر صیحه آسمانی خاضع و منقاد می شود. اگر در چیزی هم دچار شک و تردید باشند در مورد صیحه آسمانی هیچ تردیدی نخواهد داشت که با نام، نام پدر و نام اجداد طاهرین او (عج) ندا خواهد شد. » [۴۰]

و در حدیثی دیگر توضیح می دهد که بانگ آسمانی در پگاه روز جمعه، بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود .

« 1357- فإذا صلیتم الفجر من یوم الجمعة المذكور، فادخلوا بیوتکم، واعلقوا ابوابکم، و سدوا الکوی، و دثروا انفسکم، و سدوا اذانکم. فاذا احسستم بالصیحه فخرؤا سجدا و قولوا: سبحان ربنا القدوس، فانه من فعل ذلک نجا. و من برز لها هلك . »

« چون نماز صبح را در روز جمعه یاد شده خواندید، وارد خانه های خود شوید و درها و پنجره ها را ببندید، خود را بیوشانید و گوش های خود را بگیرید، هنگامی که بانگ آسمانی را شنیدید به سجده افتاده بگوئید: «سبحان ربنا القدوس». هر کس چنین رفتار کند نجات پیدا می کند و هر کس روی در روی آن بایستد هلاک می شود.» [۴۱]

این روایت از نظر وقت تأکید می کند که موقع صیحه در پگاه روز جمعه بیست و سوم ماه مبارک رمضان

است، چنین روزی در آن ساعت معین در این سطح آماده و منتظر باشید که گوش های خود را بگیرید تا از عوارض آن بانگ آسمانی که زمین و زمان را خواهد لرزاند در امان باشید و پس از شنیدن آن ندای مسرت بخش و آگاه شدن از فرا رسیدن وقت ظهور به سپاس و ستایش خدای سبحان پردازید .

چه سعادتى بالاتر از آنکه آن روز میمون و عهد مسعود را انسان درک کند که قرنهایست دیدگان نگران شیعیان و ستمدیدگان و به ضعف کشیده شدگان در انتظار مقدم گرامی اش ثانیه شماری می کنند .

« 1358- فلا یبقی شیء خلق اللّٰه فیہ الروح الا سمع الصیحه، ولایبقی راقدا الا استیفظ، ولواقائم الا فعد، ولا قاعد الا قام علی رجليه قزعا من ذلک الصوت، و هو صوت جبرائیل الامین! فرحم اللّٰه من سمع ذلک الصوت فاجاب . »

«هیچ موجود جاندارى نمى ماند جز اینکه آن بانگ آسمانى را مى شنود، هیچ خفته اى نمى ماند جز اینکه بیدار مى شود، هیچ ایستاده اى نمى ماند جز اینکه مى نشیند و هیچ نشانه اى نمى ماند جز اینکه مى ایستد، که از شنیدن آن بانگ آسمانى این چنین وحشت زده مى شوند، و آن بانگ جبرئیل امین است، خدای رحمت کند کسی را که این صدا را بشنود و لبیک بگوید.» [۴۲]

این روایت به همین تعبیر از امام حسن (ع) و امام باقر (ع) نیز نقل شده است .

« 1359- اذا طلعت الشمس و اضاءت، صاح صائح بالخلائق من عین الشمس بلسان عربی مبین، یسمع من فی السماوات والارضین: با معشر الخلائق، هذا مهدى آل محمد، و یسمیه باسم جده رسول اللّٰه (ص) و یکنیه و ینسبه. ولا یبقی اذن من الخلائق الحیه الا سمع ذلک النداء. و تقبل الخلائق من البدو والحضر و البر و البحر، یحدث بعضهم بعضا، و یستقهم بعضهم بعضا ما سمعوا باذانهم . »!

«چون خورشید بدرخشد و نور افشانی کند، فریادگری از قرص خورشید به زبان عربی فصیح فریاد می زند و فریادش را به گوش همه ساکنان زمین و آسمان می رساند که: ای گروه مخلوقات! این مهدی آل محمد (ص) است. او را با نام خود که همانم جد بزرگوارش رسول اکرم (ص) است، نام می برد و کنیه و نسبش را بیان می کند، هیچ موجود زنده اى در جهان نمى ماند جز اینکه آن بانگ را مى شنود و همه مردم شهری و روستائی، از ساکنان خشکی و دریا (جزیره ها) با یکدیگر بازگو می کنند و آنچه را که با گوش خود شنیده اند از یکدیگر می پرسند که آنها چگونه شنیده اند و چه فهمیده اند.» [۴۳]

« 1360- علامتها ان تکون فی سنه کثیره الزلازل و البرد . »

«شانه آن (بانگ آسمانی) آنست که در سالی که سرما و زلزله بسیار فراوان باشد واقع می شود.» [۴۴]

روزی «زراره» از امام صادق (ع) پرسید: آیا آن بانگ آسمانی عمومی است یا خصوصی؟ فرمود: عمومی است، هر قومی آن را به زبان خود می شنود. زراره از روی تعجب پرسید: هنگامی که جبرئیل امین برای قائم (عج) با نام و نشان با چنین وضعی ندا کند، دیگر چه کسی با او مخالفت می کند؟! امام صادق (ع) در پاسخ فرمود :

«-1361 لایدهم ابلیس حتی ینادی فی آخر النهار یشکک الناس .»

«شیطان آنها را ترک نمی کند، بلکه در آخر همان روز بانگی برآورده آنها را دچار شک و تردید می کند.»
] ۴۵]

یکبار دیگر یکی از یاران امام صادق (ع) از پیشگاه آن حضرت پرسید: ما در شگفتیم که حضرت قائم (عج) پس از خسف لشکر سفیانی در بیداء و بانگ آسمانی و عجایب دیگر، چگونه ممکن است گروهی پیدا شده، روی در روی او بایستند؟! فرمود :

«-1362 ان الشیطان لایدهم حتی ینادی کما نادی برسول اللّٰه (ص) یوم العقبه .»!

«شیطان آنها را فرو گذار نمی کند و بر آنها بانگ می زند چنانکه در روز عقبه برای رسول اکرم (ص) بانگ زد.»] ۴۶]

امام صادق (ع) در بیان دیگری در مورد بانگ شیطان می فرماید :

«-1363 فاذا دنت الشمس للمغرب. صاح صائح من مغربها: یا معشر الخلائق، قد ظهر ربکم بالوادی الیابس من ارض فلسطین، قبايعوه تهتدوا، ولا تخالفوا علیه .»

«چون خورشید نزدیک غروب شود، فریادگری از محل غروب آفتاب بانگ بر می آورد: ای گروه مردمان! صاحب شما از صحرای بی آب و علفی در سرزمین فلسطین ظهور کرده است، با او بیعت کنید تا هدایت شوید و با او مخالفت نکنید.»] ۴۷]

روی این بیان دو بانگ در یک روز واقع خواهد شد، یکی اول صبح، دیگری آخر روز، یکی از آسمان دیگری از زمین، یکی از طرف شرق دیگری از طرف غرب، در اولی نام و نام پدر حضرت ولی عصر (عج) و نام نیاکانش تا حضرت علی (ع) به صراحت گفته خواهد شد و هیچ تردیدی برای صاحب خردان باقی نخواهد بود ولی دومی برای القای شبهه به صورت مبهم خواهد بود .

از امام صادق (ع) پرسیدند: چه کسی به این ندا ایمان می آورد و چه کسی به آن ندا؟! فرمود :

« 1364-کسیکه قبلاً به آن ایمان آورده بود الان هم به آن ایمان می آورد، او بانگ آسمانی را می شنود و می فهمد که حق است و آن را تصدیق می کند. سپس این آیه را تلاوت فرمود: (افمن يهدى الى الحق احق ان يتبع امن لايهدى الا ان يهدى، فمالکم کیف تحکمون: آیا کسیکه به سوی حق رهنمون می شود شایسته پیروی است، یا کسیکه خود هدایت نمی یابد جز اینکه دیگری او را هدایت کند؟! چگونه است، شما چگونه داوری می کنید) [۴۸]، سپس فرمود: صدای جبرئیل از آسمان است و صدای شیطان از زمین است، شما از صدای اولی پیروی کنید، مبادا به صدای دومی بگرائید و گول بخورید! بانگ آسمانی حق است و سوگند به خدا، که هر قومی به زبان خود آن را می شنود، هیچ موجود زنده ای نمی ماند جز اینکه آنرا می شنود.» [۴۹]

بیانات پیشوایان راه هر گونه شک و تردید را بر منکران می بندد و بر دودلان حجت را تمام می کند که با شنیدن بانگ شیطان دچار شک و تردید نشوند، که این بانگ آخرین دام شیطان برای فریب دادن مردم ناآگاه و ضعیف الایمان است، آن روز شیطان آخرین تیر خود را بر کمان نهاده، قلب مسلمانان ضعیف العقیده را هدف قرار می دهد، و برای فریب دادن مردم حیران و سرگردان از طرح هیچ حيله و نقشه ای غفلت نمی ورزد .

آنگاه امام صادق (ع) در مورد مسرت زاید الوصف مؤمنانی که در طول قرون و اعصار انتظار کشیده اند، می فرماید :

« 1365-ولایبقی مؤمن میت الا دخلت علیه الفرحة فی قبره »

«هیچ مؤمنی از مؤمنان درگذشته نمی ماند جز اینکه شادی و فرح در داخل قبر به او رسیده، او را شادمان سازد.» [۵۰]

امام رضا (ع) می فرماید :

« 1366-ینادی مناد من السماء یسمعه جمیع اهل الارض، بالدعاء الى القائم، فیقول: الا ان حجه الله قد ظهر عند بیت الله، فاتبعوه فان الحق معه و فیه .»

«منادی از آسمان ندا سر می دهد، همه مردم روی زمین می شنوند که آنها را به سوی قائم (عج) فرا می خواند و می گوید: آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه خدا ظاهر شده، از او پیروی کنید که حق با اوست و انحصار به او دارد [51] .»

« 1367-کم من حری مؤمنه، و کم من مؤمن متاسف حیران عند فقده!. کانی بهم آیس ما کانوا، ثم نودی بنداء یسمع من البعد كما یسمع من القرب، یکون رحمه علی المؤمنین و عذاباً علی الکافرین .»

«چقدر مرد مؤمن و زن مؤمنه، که در دوران غیبت او حیران و نگران و سرگردان می شوند! چون یأس و نومییدی آنها به حد اعلی می رسد بانگ آسمانی سر داده می شود که از دور نیز همانند نزدیک شنیده می شود، این بانگ برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذابی سخت خواهد بود.» [۵۲]

چقدر دلها از درد فراق نالان و گریان و در آتش هجران می سوزد و سنگینی کابوس یأس و نومییدی را بر روی دوشهای خود احساس می کنیم؟! به امید روزیکه صدای روح افزای جبرئیل امین در اکناف جهان طنین اندازد، و غریو روح بخش آن بلندتر از هر صدائی در جهان، دلهای عاشقان را به سوی آن کعبه مقصود و قبله موعود جلب کند .

پیشوایان معصوم عظمت و شکوه آن روز پرشکوه را چقدر عالی ترسیم کرده اند؟! دیگر کسی جای شک و تردید باقی نخواهد بود .
و در انجیل می خوانیم :

« 1368- زیرا این را به شما از کلام خدا می گوئیم که ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست. زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح، اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم با ایشان در ابرها رבוده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود.» [۵۳]

فراز بالا که از انجیل آوردیم دقیقاً با روایات ما منطبق است، در این فراز بانگ جبرئیل به تعبیر آواز رئیس فرشتگان تعبیر کرده، و تعبیر رבוده شدن و انتقال یافتن با ابر دقیقاً همان تعبیری است که در بخش یاران حضرت بقیه الله (عج) در بخش یازدهم در روایات ما آمده است، و داستان فرود آمدن حضرت عیسی (ع) نیز دقیقاً با روایات ما منطبق است که در بخش سیزدهم گذشت . جالبتر اینکه داستان رجعت و زنده شدن برخی از مردگان نیز در انجیل آمده است .

« 1369- انگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آنوقت جمع طوائف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید. و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده، برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تا به کران فلک فراهم خواهند آورد.» [۵۴]

در این فراز نیز تعبیر روشن و جالبی در مورد یاران حضرت بقیه الله (عج) دارد که با احادیث ما کمال انطباق را دارد و از بانگ آسمانی و ظهور نشانه ای در آسمان در پیشقدم ظهور آنحضرت، همانند روایات ما گفتگو می کند .

« 1370- فرشته دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می کند و انجیل (نوید) جاودانی را دارد، تا ساکتان

زمین را از هر امت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد. و به آواز بلند می گوید: از خدا بترسید و او را تمجید نمائید، زیرا که زمان داوری او رسیده است، پس او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آبرا آفرید پرستش کنید.» [۵۵]

عین همین الفاظ از امام صادق (ع) نیز رسیده است و این نشانه آنست که دین فقط یکی است و آن همان آئین حنیفی است که خدای تبارک و تعالی بر آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (ص) نازل کرده است. در این فراز نیز اشاره لطیفی است که هر قومی آن بانگ آسمانی را به خود می شنوند.

آشوب های جهانی

جنگ ها

ویرانی ها

نابودی ها

رسول اکرم (ص) می فرماید :

«- 1371ینزل علی امتی بلاء لم یسمع بلاء اشد منه، حتی تضییق بهم الارض الرحبه!»

«بر امت من بلاء نازل می شود که بلاء سخت تر از آن شنیده نشده است، زمین با این همه وسعت بر آنها تنگ می شود!» [۱]

در حدیث دیگر فرموده است چون کشتار در میان امت من واقع شود تا به روز رستاخیز از میان آنها برداشته نمی شود .

تاکنون کشتارهای فراوانی در میان امت اسلامی روی داده است ولی بعد از اشغال فلسطین و تأسیس رژیم خونخوار اسرائیل این کشتارها به گونه ای دیگر و متمایز از هر عصری واقع می شود که طبق روایات تا روز ظهور حضرت بقیه الله (عج) که یکی از مظاهر قیامت است ادامه خواهد داشت. و با قیام شکوهمند آن مهرتابان تار و پود صهیونیسم جهانی خواهد گسست و طومار نقشه ها، حيله ها و توطئه های بین المللی رژیم اشغالگر برچیده خواهد شد .

در صدر اسلام هنگامی که ملت ایذاگر یهود با پیامبر اسلام (ص) روی در روی قرار گرفتند و در اقطار جهان آشوب کردند خداوند آنها را در اطراف جهان پراکنده ساخت، چنانکه در قرآن کریم می فرماید :

(هو الذی اخرج الذین کفروا من اهل الکتاب من دیارهم لاول الحشر: او خداوندی است که کافران اهل کتاب را برای اولین گردهمائی از دیارشان بیرون کرد.) [۲]

خداوند آنها را به دست پیامبرش رسول اکرم (ص) پراکنده ساخت ولی در کتاب های آسمانی پیشین به آنها وعده کرده که آنها را پیش از قیامت یکبار دیگر در سرزمین موعود گرد آورد. آثار این وعده پس از قرار داد شوم «بلفور» با هجرت یهودیان از سراسر جهان به سوی سرزمین اشغالی به چشم خورد و رسانه های غربی از اعلام موجودیت اقلیت یهود در فلسطین سخن گفتند و آنگاه نوبت اعلام دولت غاصب اسرائیل فرا رسید. از بدو تأسیس این رژیم نامشروع، اختلاف عمیقی در میان مسلمانان پدید آمد که در پشت سر همه این اختلافات، دست فتنه انگیز اسرائیل وجود دارد. هر روزی که بر این اختلافها می گذرد، اختلافات عمیق تر می شود و امید صلح و بازگشت آرامش ضعیفتر می گردد. هر روز در گوشه ای از جهان اسلام آتش اختلاف شعله ورتر می شود. یک روز جنگ مصر و یمن بر دو کشور اسلامی تحمیل می شود، روزی دیگر در میان یمن شمالی و جنوبی آتش جنگ زبانه می کشد و سرانجام در جنگ تحمیلی ایران و عراق نیروهای دو کشور اسلامی از بین می رود و ... این آشوب ها همچنان ادامه می یابد تا یکتا منجی جهان بشریت و آخرین بازمانده از حجت های پروردگار ظهور کرده، جهان بشریت را از آتش جنگ و اختلاف رهائی بخشد .

رسول اکرم (ص) از این اختلافها و نابسامانیهها خبر داده می فرماید :

« -1372سألت الله لامتی ثلاثاً فاعطانی انتتین ورد علی واجده. سألته ان لا یسلط علیهم عدوا من غیرهم فاعطانیها، وسألته ان لا یهلهکم غرقاً فاعطانیها، و سألته ان لا یجعل باسهم بینهم فردها علی ظاهرها .»

«از خداوند در مورد امتم سه حاجت خواستم که دو حاجتم را پذیرفته، سومی را رد کرد. از او خواستم که دشمن بیگانه ای را بر امت من مسلط نکند، آن را به من عطا فرمود. از او خواستم که آنها را در آب غرق نکند، آن را نیز مستجاب فرمود. از او خواستم که نیروهای امتم با یکدیگر هدر نرود، آنرا به حال خود وا گذاشت.» [۳]

با کمال تأسف دشمن را فراموش کرده با یکدیگر در ستیز هستند و تمام قدرت های رزمی خود را در جنگ با یکدیگر هدر می دهند و دشمن با خیالی آسوده به پیشروی خود ادامه می دهد .

« -1373یکون قوم فی آخر الزمان یخضبون بهذا السواد کحوصل الطیور، لایریحون ریح الجنه .»!

«در آخر الزمان قومی پدید آید که خاک این سرزمین را از خون رنگین سازند و شکم مادران را چون شکم مرغ بشکافند، چنین قومی هرگز بوی بهشت را استشمام نخواهند کرد»!! [۴]

« -1374بلاء یمیب هذه الامه حتی لایجد الرجل ملجا یلجا الیه من الظلم .ثم لایزداد الامر الا شده، ولا الدنیا

الا ادباراً، ولا الناس الا شحا... ولا تقوم الساعة الا على شرار الخلق .»

«بلائی به این امت می رسد که مردان آن پناهگاهی نمی یابند که از ستم ستمگران به آنجا پناه ببرند، از آن پس هر روز اوضاع سخت تر می شود، دنیا بیشتر پشت می کند، مردم بخیل تر می شوند... و قیامت در عهد بدترین مردمان برپا می شود.» [۵]

ما امروز در کشور خود (لبنان) غریب هستیم، پناهگاهی نداریم که از ظلم ظالمان به آنجا پناه ببریم، یک روز دست زن و بچه خود را گرفته به سوئی می رویم و روز دیگر به نقطه ای دیگر به ناگزیر روی می کنیم. اگر یکی از ما سخنی به زبان آورد که رفیقش آن را دوست نداشته باشد، ممکن است او را به خطری گرفتار سازد که دیگر راه نجات نداشته باشد. در غالب کشورهای اسلامی مسلمانان وضع مشابهی دارند .

« 1375-تكون فتنه بعدها فتنه: الاولى في الاخره كثره السوط ينبعها ذباب السيف... ثم يكون بعد ذلك فتنه تستحل فيها المحارم كلها. ثم تاتي الخلافة خير اهل الارض و هوقاعد في بينه .»

«فتنه ای به پا می شود و به دنبال آن فتنه ای دیگر برخیزد. فتنه اولی در مقایسه با دومی همانند تازیانه خوردن است در مقایسه با ضربات لبه تیز شمشیر! سپس فتنه ای پدید آید که همه محرمات در آن حلال شمرده شود! آنگاه خلافت به بهترین مردم روی زمین می رسد در حالیکه او در خانه اش نشسته باشد.» [۶]

منظور حضرت بقیه الله (عج) است که در حرم امن الهی استقرار می یابد و در آنجا فرمان خدا فرا می رسد و جامه خلافت بر قامت رعناى آن بزرگوار استوار می شود. و منظور از فتنه آخری بلوای سفیانی است که در عهد او همه محرمات مباح شمرده می شود .!

« 1376-ويومئذ يكون اختلاف كثير في الارض و فتن. و يصبح الزمان مكلحا مفضحا، يشدد فيه البلاد و ينقطع فيه الرجاء .»

«آن روز اختلافات و فتنه ها فراوان گردد، سختی، قحطی و خشکسالی زمانه را فرا گیرد، شهرها در تنگنا افتند و امیدها قطع شود.»

آنگاه دوران استقلال طلبی کشورهای عربی را پس از دوران سیطره استعمارگران شرح داده می فرماید :

« 1377-ثم تلخ العرب اعنتها، و تتملك البلاد، و تخرج عن سلطان العجم.»

«آنگاه ملت عرب فرمانروا گردد و کشورها را تحت فرمان خود در آورد و از سیطره بیگانه خارج شود.» [۷]

امروز ملت عرب پس از بازیافتن استقلال خود تا حدی از سیطره استعمارگران شرق و غرب خارج شده، و بر سرزمین خود حکومت می رانند و طرد سلطه بیگانه در برخی از کشورهای اسلامی آغاز شده و از آینده امید بخشی حکایت دارد .

« 1378-ستکون فتنه لایهدا منها جانب الا جاش فیها جانب، حتی ینادی مناد من السماء: ان امیرکم فلان . »

«به ناگزیر فتنه ای پدید خواهد آمد که هرگاه در نقطه ای آرامش پیدا کند، در نقطه ای دیگر ناآرامی شروع می شود و این چنین ادامه می یابد، تا وقتیکه منادی آسمان بانگ برآورد: امیر شما فلانی است .»

یعنی حضرت مهدی (عج). [۸]

آری این فتنه ای که اسرائیل غاصب برانگیخته هر روز در گوشه ای از جهان اسلام، نامنی و ناآرامی ایجاد کرده، مسلمانان را در آتش جنگ خواهد سوزانید و شعله های آن تا فرا رسیدن وعده الهی به خاموشی نخواهد گرائید .

« 1379-تکون فتنه ثم تکون جماعه، ثم تکون فتنه ثم تکون جماعه. ثم فتنه تعوج فیها عقول الرجال حتی لایکاد یری رجل عاقل .»!!!

«فتنه ای برپا می شود و اجتماعی برپا می گردد و آنگاه فتنه ای بر می خیزد و به دنبالش اجتماعی فراهم گردد و سپس فتنه ای بر پا می گردد که تعادل روانی مردان را به هم می زند و دیگر صاحب عقلی دیده نمی شود!!» [۹]

به نظر می رسد که فتنه سومی آغاز شده و ما در اوایل روزگار موعود هستیم و هر روز بیمارستان جدیدی برای بیماران روانی تأسیس می شود و دیگر نزدیک است که انسان سالمی پیدا نشود که از اعصابش ننالند و به قرصهای مسکن روی نیاورد .!

« 1380-بین ذلک ثیج اعوج، لیسوا منی ولا انانهم .»!

«در آن میان اکثریت قاطع از راه منحرف هستند، آنها از من نیستند و من هم از آنها نیستم.» [۱۰]

از شرّ روزگاری که اکثریت مردم از شاهراه هدایت منحرف شوند و در صدد شناخت حقایق نباشند و در مورد اصلاح خویشتن گامی برندارند، به خدای تبارک و تعالی پناه می بریم .

« 1381-ویح هذه الامه من ملوک جبابره کیف یقتلون و یخیفون المطیعین الا من اظهر طاعتهم. فالمومن التقی یصانعهم بلسانه و یفر منهم بقلبه. فاذا اراد اللّٰه عزوجل ان یعیّد الاسلام عزیزا قصم کل جبار عنید. و

«وای بر این امت از دست پادشاهان ستمگری که بندگان خدا را می کشند و می ترسانند، جز کسانی را که برای آنها تظاهر به فرمانبرداری کنند! شخص مؤمن پرهیزکار با زبانش با آنها می سازد و با دلش از آنها فرار می کند. هنگامی که خداوند اراده کند که عظمت و احتشام اسلام را باز گرداند همه ستمگران سرکش و عنود را هلاک می سازد که او بر هر چه بخواهد قادر است. او این امت را پس از آنکه تباه شده اند، اصلاح می کند.» [۱۱]

این تباهی اثر وضعی حکومت ستمگران است که خدای منان با ظهور حجت خود همه آن آثار سوء را از بین می برد و جهانی نو براساس معیارهای اصیل اسلامی بنیاد می کند .

« 1382-لتانینکم بعدی اربع فتن: الاولى تستحل فیها الدماء، والثانیه تستحل فیها الدماء والاموال، و الثالثه تستحل فیها الدماء و الاموال و الفروج، و الرابعه صماء عمیاء مطبقه تمور مور السفینه فی البحر، حتی لایجد احد من الناس ملجا، تطیر بالشام، و تعشی العراق، و تخبط الجزیره یدها و رجلها، یعرک الانام البلاء فیها عرک اللادیم، لا یستطیع احد ان یقول فیها :مه، مه!!! لاتعرفونها من ناحیه الا النفقت من ناحیه اخری .»

«بعد از من چهار فتنه بر شما فرود آید که در اولی خونها مباح می شود، در دومی خونها و ثروتها مباح می گردد، در سومی خونها و ثروت ها و ناموسها مباح می شود و در چهارمی آشوبی کور و کر جهان را مضطرب می سازد آنچنانکه کشتی غول پیکر آبهای مجاور را مضطرب کند، این فتنه شام را زیر پر می گیرد و عراق را می پوشاند و در جزیره العرب دست و پا می زند، مردم تلخی حوادث و فشار آشوب را لمس می کنند، آنچنانکه پوست به هنگام دباغی شدن، فشار وارده را لمس می کند. کسی قدرت یک کلمه سخن گفتن نخواهد داشت!. این فتنه در نقطه ای آرام نمی یابد جز پس از آنکه در نقطه ای دیگر بیداد کند.» [۱۲]

هیچ تردیدی نیست که ما در آستانه فتنه چهارم هستیم، مباح شدن خون و مال و ناموس را پشت سر گذاشته در سرآشوبی فتنه کور و کر هستیم که با جنگ ایران و عراق همه عراق را پوشانیده، به سوی شامات پیش می رود و جزیره العرب را نیز فرا خواهد گرفت و همه کشورهای عربی در زیر پای سپاه سفیانی با خون جوانانش گلگون خواهد شد .

« 1383-یکون فی امتی اربع فتن: فالاولی یصیبهم فیها بلاء حتی یقول المومن: هذه مهلکتی. والثانیه حتی یقول المؤمن: هذه مهلکتی. والثالثه کلما قیل انقطعت تمادت الفتنه. والرابعه تصیبهم اذا کانت الامه مع هذا مره و مع هذا مره بلا امام ولا جامع .»

«در میان امت من چهار فتنه بر پا شود: در فتنه اولی آنقدر بلاها کمرشکن باشد که شخص مؤمن گوید: این

فتنه مرا هلاک می سازد، در فتنه دوم شخص با ایمان گوید: این فتنه حتما مرا نابود سازد، در فتنه سومی هر وقت خیال کنند که تمام شده باز می بینند که ادامه می یابد، و فتنه چهارمی هنگامی روی دهد که امت یک روز با این و یک روز با آن می باشد و هیچ رهبر و نقطه مشترکی نداشته باشند.» [۱۳]

به نظر می رسد که فتنه سوم اسرائیل باشد که هرگز خاتمه نمی یابد و هر روز به شکلی در برابر امت اسلامی خودنمائی می کند و فتنه چهارم را با دیدگان خود مشاهده می کنیم که امت اسلامی رهبر و پیشوائی ندارند که بتواند در میان آنها وحدت کلمه ایجاد کند و نقطه مشترکی به وجود آورد و هر کشوری با یک ابرقدرتی ساخته و منابع ثروت خود را در اختیار آن قرار داده و گاه و بیگاه ارباب خود را عوض کرده، از یکی روی برتافته، پیشانی مذلت بر آستان دیگری می سایند. در برخی از روایات مدت فراگیر شدن فتنه چهارم، ۱۸ سال تعیین شده است [۱۴] که امید است به پایانش نزدیک شده باشیم .

سپس تعبیری دارد که گوئی زبان حال وضع امروز ماست :

« 1384- لا یقتلکم الکفار، و لکن یقتل الجار جاره و یقتل الاخ اخاه و ابن عمه! . فقال له بعض اصحابه: و هل معهم عقول؟! قال: تنزع عقول اکثر اهل ذلک الزمان، و یخلف لهم هباء من الناس، یحسب اکثرهم انه علی شیء . »

«کفار شما را نمی کشد، بلکه همسایه همسایه را می کشد، برادر برادرش را و پسر عمو پسر عمویش را می کشد!، برخی از اصحاب گفتند: مگر آنها عقل ندارند؟! فرمود: عقل از بیشتر آنها گرفته می شود، افراد پست و فرومایه ای بر آنها حکومت می رانند که بیشترشان آنها را چیزی می پندارند.» [۱۵]

و آن بیانگر وضع برخی از کادرهای رهبری جهان امروز است که به دنبال ایدئولوژیهای مختلف می دوند و خیال می کنند که مشکل زندگیشان با آنها گشوده می شود! . ولی چون نزدیک شوند تازه متوجه می شوند که اشتباه کرده اند و سراب را به جای آب دنبال کرده اند. از این افراد پست و فرومایه در این حدیث به «هباء» تعبیر شده که به معنای گرد و غبار است و هیچ قدر و اعتباری ندارند و روی پای خود نمی توانند بایستند، بلکه تابع مسیر باد هستند و با ورزش باد جهت حرکت آنها تعیین می گردد .

«...» 1385- فاذا قتل الخلیفه فی العراق الرجل المربع القامه، الکث اللحیه، البراق الثنایا، فویل للعراق من اتباعه المراق .»

«هنگامی که خلیفه عراق مردی چهارشانه را با ریشی انبوه و دندان هائی براق بکشد، وای به حال عراق از پیروان گمراه آن خلیفه.» [۱۶]

هنگامی که حکمران عراق چنین مرد جلیل القدری را به قتل برساند، پیروان گمراه آن مرد ستمگر هیچ مرزی

را به رسمیت نمی شناسند و هیچ حریمی را محترم نمی شمارند و مردم عراق را با کارهای زشت و ظالمانه خود به ستوه می آورند .

« -1386ستکون فتنه تستنطف العرب، قتلها فی النار. اللسان فیها اشد من قتل السیف »!

«فتنه ای بر پا شود که ملت عرب را از پای درآورد، کشته هایشان در دوزخ هستند. در آن فتنه زبان ها از شمشیر برنده ترند.»!

و در حدیثی تعبیر شده که :

«قاتل و مقتول هر دو در آتشند.» [۱۷]

فتنه عصر ما، ملت عرب را از پای درآورده و نیروهای آنها را به هدر می برد و ثروت های آنها را نابود می سازد و زرق و برق آنها را از بین می برد و نشان ذلت بر پیشانی آنها می زند و همه امیدها و آرزوهایشان در شعله های آن می سوزد و تبدیل به خاکستر می شود .

آنگاه تعبیری فرموده که یکی از نشانه های نبوت است که در عصر ما تحقق می یابد :

« -1387لا یخرج حتی لایبقی، قبل ولا ابن الا هلك »!

«او (قائم) خارج نمی شود جز هنگامی که هیچ شاه و شاهزاده ای در روی زمین نمی ماند جز اینکه هلاک شوند.» [۱۸]

رسول اکرم (ص) که به اتکای مبداء وحی سخن می گوید، با قاطعیت از پایان یافتن رژیم های سلطنتی پیش از ظهور حضرت بقیه الله (عج) سخن گفته، و قسمت اعظم آنها تا به امروز از بین رفته و تعدادی در عصر ما از بین رفت که یک نمونه آن از بین رفتن رژیم ۲۵۰۰ ساله سلاطین ایران با سقوط آخرین پادشاه ستمگر، با فریادهای ملت قهرمان ایران می باشد .

« -1388کیف انتم اذا مرج الدین و ظهرت الرعبه، و حرق البيت العتیق و شرف البنیان و اختلف الاخوان . »

«چگونه می شود حال شما هنگامی که دین بازیچه شود، هوسها آشکار گردد، کعبه طعمه حریق شود، ساختمان ها مرتفع باشد و برادران دچار اختلاف شوند [19] .»

دقیقاً همه آنها به جز حریق کعبه تحقق یافته، دین بازیچه مفتیهای از خدا بی خبر شده، آپارتمان های آسمان خراش سر به فلک کشیده، عرب با عرب، مسلمان با مسلمان، برادر با برادر در اختلافی بس عمیق به سر می

« 1389- لا يخرج القائم حتى يخرج اثنا عشر من بني هاشم كلهم يدعو لنفسه . »

« قائم (عج) خارج نمی شود تا هنگامی که دوازده تن از بنی هاشم خروج کنند که هر یکی به سوی خود فرا می خواند. » [۲۰]

امام صادق (ع) در این مورد می فرماید :

« 1390- يطلع قرن الجور بعدی، فلا يطلع من قرن الجور شيء، الا مات من العدل مثله، حتى يولدوا ليعرفون الا الجور ولا يعملون الا به. ثم ان الله تبارك و تعالی يعطف على خلقه فيأمر قرن العدل ان يطلع راسه فلا يطلع من قرن العدل شيء، الامات من الجور مثله، حتى يولد قوم لا يعرفون الا العدل، ولا يعملون الا به . »

« بعد از من شاخ ستم سر بر می آورد، هر چه شاخ ستم بالا رود، به همان مقدار عدالت از بین می رود، کار به جایی می رسد که نوزادان چون دیده به جهان گشایند جز ستم نمی شناسند و به جز ستم گامی نسپارند. آنگاه خدای تبارک و تعالی بر بندگان رحم آورد و فرمان دهد که شاخ عدالت ظاهر شود، هر چه شاخ عدالت بالا رود به همان مقدار از ظلم نابود شود، تا قومی متولد شوند که جز عدالت نشناسند و به جز عدالت گام بر ندارند. » [۲۱]

طلوع شاخ عدالت با ظهور حضرت بقیه الله (عج) آغاز شده، جهان بیکران را از کران تا کران فرا گرفته، ریشه ظلم و ستم را خواهد خشکانید .

« 1391- احذرکم سبع فتن تكون بعدی: فتنه تقبل من المدینه، و فتنه بمکه، و فتنه تقبل من الیمن، و فتنه تقبل من الشام، و فتنه تقبل من المشرق، و فتنه تقبل من المغرب، و فتنه من بطن الشام و هی فتنه السفیانی . »

« شما را از هفت فتنه بیم می دهم که بعد از من روی خواهد داد :

فتنه ای از مدینه، فتنه ای در مکه، فتنه ای از یمن، فتنه ای از شام، فتنه ای از شرق، فتنه ای از غرب و فتنه ای از قلب شام که آن فتنه سفیانی است. » [۲۲]

از روایات استفاده می شود که فتنه مدینه به دست سفیانی خواهد شد، و فتنه مکه توسط منافقی که به دروغ ادعای مهدویت کرد انجام گرفت (*).

(*) مؤلف محترم فتنه مکه را به حادثه شوم اول محرم ۱۴۰۰ هجری تطبیق نموده که نمی دانیم چقدر قابل تطبیق است ولی آنچه مسلم است قهرمان آن حادثه شوم، که در رسانه ها به «اشغال کعبه» شهرت یافت، شخصی به نام «محمد بن عبداللّه قحطانی» بود که هرگز ادعای مهدویت نکرده بود، بلکه مطابق آنچه برخی از برادران مصری (از جماعت الهجره و التکفیر) در استانبول به نگارنده گفتند، این گروه برای اعتراض به رژیم حاکم بر عربستان، در مسجد الحرام متحصن شده بودند که رژیم سعودی برای خاتمه دادن به تحصن آنها متوسل به زور شد و خون صدها نفر از آنها را در داخل حرم ریخت و به ساختمان مسجد الحرام صدمه زد. نگارنده پس از چند ماه که به عمره مشرف شده بود، آثار خرابی را در چندین نقطه حرم مشاهده کرد. حتی جای گلوله را در سنگ های دیوار کعبه به چشم خود دید .

نظر به اینکه واقعیت امر صد در صد برای ما روشن نیست، ما نمی توانیم تحصن آنها را در کعبه تأیید کنیم ولی مسئله ادعای مهدویت، تهمت دروغی بود که رژیم سعودی بر آنها زد تا قضیه را لوث کرده، جنایات خود را مشروع جلوه دهد .

طبق گفته برادران مصری (که اطلاعات وسیع و مستندی از این حادثه داشتند) (این گروه بسیار متدین، متشرع و از فرقه سلفیه بودند که اینها از نظر فقهی تابع چهار مذهب معروف اهل سنت نیستند بلکه به خیال خود از اصحاب پیامبر و به اصطلاح از سلف صالح پیروی می کنند که گروه «الهجره و التکفیر» نیز از این گروه هستند و «خالد استانبولی» (قاتل انورسادات) نیز از این گروه بود . این گروه، می دانند، از این رهگذر به «الهجره و التکفیر» شهرت یافته اند و در واقع از «اخوان المسلمین» منشعب شده اند که مرکز فعالیت آن در «آسیوط» مصر است .

محمد بن عبداللّه قحطانی که در حادثه مسجد الحرام کشته شد کتابی دارد که تا آن موقع چاپ نشده بود، یک نسخه عکسی آن را برادران مصری در اختیار نگارنده قرار دادند الان آن نسخه را همراه ولی بیاد دارم که بسیار متین و متقن بود و اعتقاد خاصی به ظهور حضرت مهدی (عج) ابراز کرده بود و روایات فراوانی از طریق اهل سنت در این زمینه نقل کرده بود، شاید به همین سبب تهمت ادعای مهدویت به او زدند .

برادران مصری که خود از گروه «الهجره و التکفیر» و اهل «آسیوط» بودند، می گفتند: به هنگام تحصن آنها در مسجد الحرام، رژیم سعودی از پلیس ضد شورش انگلستان استفاده کرده بود و کماندوهای انگلیس در داخل مسجد الحرام مسلمانان پناهنده را به رگبار بسته بودند!! آنها برای این ادعا مدارکی از منابع خارجی ارائه می دادند. خواننده گرامی توجه دارد که ورود غیر مسلمان به شهر مکه حرام است کجا رسد به داخل حرم و برای کشتن مسلمانان پناهنده !!!

این برادران معتقد بودند که گروه متحصن اقدام به جنایتی نکرده بودند و امام مسجد الحرام که در این حادثه به قتل رسید به دست مقامات سعودی کشته شد، نه افراد متحصن .

به طوریکه در ابتدا گفتیم ما تحسن آنها را در مسجد الحرام تأیید نمی‌کنیم ولی اظهارات برخی از سران ممالک اسلامی در مورد این حادثه و ارتباط دادن متحصنین به آمریکا، از حقیقت به دور بود و داوری ظالمانه ای بود که از عجله در قضاوت سرچشمه گرفته بود. «مترجم»

«-1394 بیعت الله علیکم شرّ خلقه فیلحونکم كما یلحی القضیب»

«خداوند بدترین مخلوقاتش را بر شما مسلط می‌کند که پوست شما را همانند پوست درخت بکند.» [۲۵]

امروز آتش در خرمن و شمشیر در دست اهریمن است و یزدان هر چه بخواهد همان می‌شود .

«-1395 ایخرج المهدی حتی یخرج الرجل بالجاریه الحسناء الجمیله و یقول: من یشتری هذه بوزنها طعاماً؟!»

«مهدی (عج) خارج نمی‌شود جز هنگامی که مرد دست دختر زیبائی را گرفته در کوچه و بازار بگرداند و بگوید: چه کسی این را به وزن خود از مواد خوراکی می‌خواهد»!!! [۲۶]

این حدیث فزونی جنگلها، نابودی جنگاوران، وسعت تنگی و قحطی و گرسنگی را دقیقاً ترسیم می‌کند .

«-1396 یمیز الله اولیاءه و اصفیاءه، حتی تطهر الارض من المنافقین والضالین و ابناء الضالین، و حتی تلتقی بالرجل یومئذٍ خمسون امراه هذه تقول: یا عبدالله اشترنی، و هذه تقول: یا عبدالله آونی.»

«خداوند دوستان و برگزیدگانش را می‌گزیند و زمین را از منافقان و گمراهان و گمراه زادگان پاک و پاکیزه می‌کند، آن روز ۵۰ زن به یکمرد رسیده از او می‌خواهند که با آنها ازدواج کرده، آنها را پناه دهد.» [۲۷]

و آن هنگامی است که جنگلها، قحطی‌ها، خشکسالیها، زلزله‌ها و دیگر عوامل آسمانی و زمینی تبهاران را از بین برده، تنها برگزیدگان خدا روی زمین می‌ماند .

آنگاه حوادث ایام ظهور را به صورت تسلسل زمانی بیان می‌کند :

«-1397 تکون ایه فی رمضان، ثم تظهر عصابه فی شوال، ثم تکون معمه فی ذی القعده، ثم یسلب الحاج فی ذی الحجه، ثم تنتهک المحارم فی المحرم، ثم یکون الضرب فی صفر. ثم تتنازع القبائل فی شهر ربیع، ثم العجب العجب بین جمادی و رجب!». ثم ناقة مقببه خفیفة خیر من دسکره تغل منه الف!»

«نشانه ای در ماه رمضان روی می‌دهد، گروهی در ماه شوال خروج کنند، هرج و مرجی در ماه ذیقعهده پدید آید، حجاج در ماه ذیحجه غارت شوند، حرمت‌ها در ماه محرم هتک شود، مهاجرتها در ماه صفر واقع شود،

هدف از این ارقام برای ما روشن نیست، نمی دانم که در طول قرون و اعصار، تحریف در آنها روی داده و یا رمزهایی است که فقط افراد خاصی از آن می توانند سر در آورند؟ . !

«-1400 آنها ستکون فتن القاعد فیها خیر من القائم، والقائم فیها خیر من الماشی، والماشی فیها خیر من الساعی، من تشرف لها تستشرفه، فمن وجد فیها ملجا او معادا فلیعذبه.. فاذا وقعت فمن كان له ابل فلیلحق بابه، و من كان له غنم فلیلحق بغنمه، و من كان له ارض فلیلحق بارضه، و من لم یکن له شیء فلیعمد الی سیفه فیکسره بحجر، ثم لینج اذا استطاع النجاه.»

«به زودی فتنه هائی برپا شود که نشسته کمتر از ایستاده صدمه می خورد، و ایستاده کمتر از رهرو صدمه می بیند و آنکه به آرامی گام بسپارد کمتر از کسیکه شتاب کند صدمه می خورد، هر کس خود را در معرض آن فتنه قرار دهد، در کام فتنه فرو رود. هر کس پناهگاهی پیدا کند به آنجا پناه ببرد. چون آن فتنه واقع شود هر کس شتری دارد به شترش پیوندد، هر کس گوسفندی دارد به گوسفندش پیوندد، هر کس زمینی دارد به زمینش بچسبد، هر کس چیزی ندارد شمشیرش را بردارد و آن را با سنگ بشکند و هر وقت بتواند از مهلکه بگریزد» [۳۱]

«-1401 یوشک ان یکون خیر مال المظلم غنما یتبع بها شعف الجبال و مواقع القطر یفر بدینه من الفتن.»

«شاید بهترین ثروت یک مسلمان در آنروز گوسفندی باشد که آنرا دنبال کرده، از قله های کوه بالا رود و به دنبال چراگاهی که بارش داشته پیش برود و بدینگونه دین خود را برداشته از فتنه بگریزد.» [۳۲]

و در مورد تشویق به فرار و گریختن از فتنه می فرماید :

«-1402 ناقه مقتبه خیر من دسکره تغل منه الف.»

«شتر سایباندار تیز پا از کاخ مجلی که صد هزار نگهبان از آن حراست کند؛ بهتر است.» [۳۳]

«-1403 الراحله بقبتها ینجو علیها المؤمن، خیر من دسکره تغل منه الف!»

«مرکبی که سایبانی داشته باشد و شخص با ایمان بتواند به وسیله آن از مهلکه بگریزد بهتر از یک کاخ با صد هزار نگهبان است.»

تعبیر «مرکب سقفدار» که در احادیث آمده مناسبترین تعبیری است که از ماشین های امروزی شده که با اهل و عیال در زیر سقف آن محفوظ بوده، امکانات ساده ای بر پشت سقف آن بار کرده، از مهلکه بگریزیم. گاهی شتر سایباندار و هنگامی مرکب سقفدار تعبیر شده تا با همه مرکب های تیز تک از اسب و شتر و ماشین و غیره منطبق باشد. چه می دانیم شاید در آن لحظه ایکه نیاز به وسیله فرار پیدا کنیم بنزین پیدا

نشود و یک اسب سبکبال از هزار ماشین آخرین مدل مفیدتر باشد؟! !!

«-1404 اعتزل الفتن كلها، ولو ان تعض باصل شجرة حتى یدرکک الموت و انت علی ذلک»

«از هر فته ای گریزان باش، اگر چه ناگزیر شوی تا پایان زندگی از ریشه گیاهان تغذیه کنی و به آن حال بمیری!» [۳۵]

از این حدیث اهمیت و ضرورت مراقبت از ایمان و عقیده روشن می شود، که برای دست نیازیدن به جنایاتی که در اقدام به این فتنه ها اجتناب ناپذیر است، دستور می دهد که آنچنان به عزلت و گوشه نشینی بگرائیم که در هیچ کاری کوچکترین سهمی نداشته باشیم و برای این کار اگر ناگزیر شویم که از برگ و ریشه درختان تغذیه کنیم جا دارد .

«-1405 لیاتین علی الناس زمان، یاتی الرجل القبر فیقول: یا لیتنی مکان هذا من شده ما یری من البلاء.»

«برای مردم زمانی پیش آید که در اثر شدت بلاها به قبرستان رفته در کنار قبری نشسته می گوید: ای کاش اینجا من آرمیده بودم.» [۳۶]

«-1406 تکون فتنه یهک فیها الناس، لایستقیم امرهم علی احد حتی ینادی مناد من السماء: علیکم بفلان بن فلان.»

«فتنه ای بر پا می گردد که مردم در آن هلاک شوند و دیگر کسی نمی تواند آنها را یکجا و دور یک محور گرد آورد، تا منادی آسمانی از آسمان ندا دهد: بر شما باد فلانی پسر فلانی.» [۳۷]

آنگاه در مورد آثار آشوب های آن زمان می فرماید :

«-1407 اما ترضون ان اعداءکم یقتل بعضهم بعضاً و انتم آمنون فی بیوتکم؟»!!

«آیا نمی پسندید که دشمنان شما یکدیگر را بکشند و شما در خانه های خود نشسته در امان و آرامش باشید؟!» [۳۸]

همین مضمون از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نیز وارد شده است .

«-1408 تجیء فتنه غبراء مظلمه، ثم تتبع الفتن بعضها بعضاً، حتی یخرج رجل من اهل بیتی یقال له: المهدی. فان ادرکتہ فکن معه وکن من المهتدین.»

«فتنه تیره و تاری پدید آید و آنگاه فتنه به دنبال فتنه بر پا شود تا مردی از اهلیت من به نام «مهدی» خارج شود. اگر او را درک کردی با او باش تا از هدایت یافتگان باشی.» [۳۹]

« 1409- ثم یكون النفط و النفط . »

«آنگاه همه اش کینه توزی و دغلبازی و سنگ اندازی است.» [۴۰]

که همه آنها را امروز با چشم خود می بینیم و بر سراسر زندگی سایه شوم حیل و تزویر و کینه سنگینی می کند و سنگ اندازی از سطح تیر و کمان تجاوز کرده، در سطح هواپیماهای جنگی و موشک های هدایت شونده و توپهای سبک و سنگین انجام می شود و شاید گفتار رسول اکرم (ص) ناظر بر آنها باشد، که از مبدء وحی سرچشمه گرفته است .

امیرمؤمنان (ع) می فرماید: ۱۴۱۰ - «ان من السنین سنوات جوادع، تجدع فیها عطارفه و هراقله .»

«سال های خشکی، تنگی، هرج و مرج پیش آید که در آن سالها کار پادشاهان یکسره شود و ضربه های کاری بر آنها وارد شود .»

این سالها شروع شده و تاج های سلاطین یکی پس از دیگری سقوط می کند و با سقوط آنها رژیم های سلطنتی نابود می شود و زمان آن می رسد که دیگر از سلطنت و سلاطین نشانی در جهان باقی نباشد .

« 1411- بین یدی القائم موت احمر، و موت ابیض ... ثم یكون بعد ذلک احداث تشیب فیها النواصی، و یسیر الصم الصلاب . »

«در پیشقدم ظهور قائم (عج) مرگ سرخ و مرگ سفید فراوان باشد و آنگاه حوادث جانکاهی روی دهد که موها را سفید کند و چیزهای سفت و سخت به حرکت آورده می شود.» [۴۱]

مرگ سرخ عبارت از مرگ با شمشیر است و مرگ سفید عبارت از مرگ با طاعون است، ولی آنچه در این حدیث شگفت انگیز است تعبیر: «یسیر الصم الصلاب» می باشد که «صم و صلاب» به فلزهایی چون فولاد اطلاق می شود و به روشنی از این تعبیر استفاده می شود که در پیشقدم ظهور فلزهایی چون فولاد به حرکت آورده می شود و آن به وسیله ساختن وسائل نقلیه ای چون هواپیما و یا وسائل جنگی متحرکی چون تانکها، توپها و امثال آنها، که از فلزاتی چون آهن و فولاد ساخته شده و روی زمین به حرکت در می آیند. و هر روزیکه ابزار مدرنتری اختراع می شود، تشویشهای بیشتری روی می دهد و موی سر سفید می شود و پیری زودرس فرا می رسد .

این حدیث از امام جواد (ع) نیز رسیده، جز اینکه به جای: «یسیر» تعبیر «:یسیل» آمده است و معنای آن اینست که فلزات سختی چون فولاد در آن زمان ذوب می شود و روان می گردد که در این صورت اشاره به «ذوب فلز» خواهد بود .

هر تعبیری که منظور شود یک خبر غیبی و یک معجزه علمی خواهد بود که قرن ها پیش از اختراع ماشین آلات، از اختراع آنها و از ذوب فلزات برای ساختن آنها خبر داده اند. از امام معصومی که همه سخنانش از منبع وحی سرچشمه گرفته، جز این هم انتظار نمی رود .

«-1412اا ولو ذاب ما فی ایدیهم لقد دنا المتحیص للجزاء، و كشف الغطاء، و انقضت المده، و ازف الموعد و بدا لكم النجم من قبل المشرق، و اشرف لكم قمرکم کملء شهره، و کلیله تمه «!»

«اگر آنچه در دست آنهاست از دستشان برود، دوران امتحان فرا رسد و پرده ها کنار رود و وعده الهی نزدیک شود و ستاره (دنباله دار) از مشرق زمین طلوع کند و ماه تابان چون قرص قمر در شب بدر ظاهر شود.» [۴۲]

منظور از کنار رفتن پرده ها، پدید آمدن همه نشانه هاست که دیگر جای ابهام و تردید برای احدی باقی نباشد و راه تأویل بر همگان بسته شود. و منظور از ماه تابان همان کعبه مقصود و قبله موعود است .

«-1413ان وراکم فتننا مظلمه منکسفہ، لاینجو فیها الا المؤمن النومه .»

«بعد از شما فتنه تیره و تاری است که در آن جز مؤمن گمنام نجات پیدا نمی کند.» [۴۳]

«نومه» به کسی گفته می شود که در جامعه شناخته نشود و در هیچ امری مداخله نکند و در حدیث آمده: «نومه» کسی است که اگر در مجلسی شرکت کند شناخته نشود و اگر غیبت کند از او پرس و جو نشود .

«-1414واعجا کل العجب، بین جمادی و رجب! من جمع شتاب و حصد نبات و اصوات بعد اصوات .»

«همه شگفتیها در میان جمادی و رجب است، از اجتماع پراکنده ها، درو گیاهان، و صداها پشت سر صداها.» [۴۴]

شاید مراد از اجتماع پراکنده ها، تجمع احزاب مختلف و ائتلاف ارباب مکاتب و ایدئولوژیهای مختلف باشد، و منظور از درو گیاهان، نابود شدن زراعتها در اثر بمباران ها و دیگر حوادث زمینی و آسمانی باشد، و منظور از صداها پشت سر صداها، غرش توپها، بمبها، هواپیماها، و یا ناله بینوایان و نوحه مصیبت دیدگان باشد .

«-1415جعل اللہ فی هذه الامه خمس فتن، فتنه عامه، ثم فتنه عامه، ثم فتنه عامه، ثم فتنه خاصه. ثم

یجیء فتنه سوادء مظلمه تمصیر الناس فیها کالبهائم.»

«خداوند در میان این امت پنج فتنه قرار داده: یک فتنه فراگیر، یک فتنه فراگیری دیگر، فتنه فراگیر سوم، سپس یک فتنه ویژه، آنگاه فتنه سیاه تیره و تاری که مردم چون چارپایان شوند.» [۴۵]

شاید منظور از فتنه های فراگیر جنگ های جهانی و جنگ اعراب و اسرائیل باشد و منظور از فتنه ویژه جنگ داخلی مسلمانان باشد و منظور از فتنه سیاه و تیره موضع گیری مسلمانان در برابر یکدیگر و شمشیر زدن آنها به روی یکدیگر باشد. که مقدمات آن آغاز شده و در عهد سفیانی به اوج خود می رسد و هزاران انسان را در میان شعله های خود می سوزاند .

آنگاه در خطبه معروف: «البیان» می فرماید :

« -1416 اذا ظهرت بخراسان الزلازل، و نزلت بهمدان النوازل، فرجفت الراجف بالعراق.. و شمل الشام الخلف، و اختلفت اهل الیمن علی الملك .»

«چون در خراسان زلزله ها در گرفت و در همدان فاجعه ها پدید آمد و در عراق اضطراب های شدیدی سلب آرامش نمود و اختلافات شام را فرا گرفت و اهل یمن بر سر حکومت درگیر شدند.» [۴۶]

در همین نزدیکی ها زلزله های سختی در خراسان (طبسر) روی داد و در میان جنگ های ایران و عراق حوادث فراوانی در همدان پدید آمد و اهل یمن به شدت بر سر حکومت درگیر شدند و سرانجام به دو کشور شمالی و جنوبی تجزیه شدند و سراسر عراق را اضطراب فرا گرفته، وحشت و اضطراب از همگان سلب آرامش نموده است .

« -1417انی ما ادعیت، ولا تکلمت زورا، ولا اتبئکم الا بما علمنی رسول اللہ .»

«من هرگز سخنی گزاف نگفتم و ادعای گزاف ننمودم، به شما خبر نمی دهم جز آنچه را که از رسول اکرم (ص) شنیده ام.» [۴۷]

سلام و صلوات بی پایان بر تو باد ای ابالحسن (ع)!، تو هرگز سخنی گزاف نگفتی، و آنچه فرمودی مو به مو تحقق یافت و حقانیت ترا حتی بر دشمنانت ثابت کرد .

و در تفسیر آیه شریفه: «و ان من قریه الا نحن مهلكوها قبل یوم القیمه او معذبوها»: «هیچ آبادی نیست جز اینکه ما ساکنان آن را هلاک خواهیم کرد و یا کیفر خواهیم داد پیش از رستاخیز» [۴۸] فرمود :

« 1418-تخریب سمرقند، و جاح، و خوارزم، و البصره، و بلخ من الغرق، و الهند من تبتف و تبت من الصين، و کرمان و بعض الشام بسنابک الخیل و القتل، و الیمن من الجراد و السلطان، و سجستان و بعض الشام بالزنج، و شامان بالطاعون، و مرو بالرمل، و هراه بالحيات، و مصر من انقطاع النيل، و آذربایجان بسنابک الخیل و الصواعق، و بخاری بالغرق و الجوع، و بغداد بصیر عالیها سافلها .»

«سمرقند، جاح، خوارزم، بصره و بلخ به وسیله سیلابها ویران می شوند، هند به دست تبتی ها، و تبت به دست چینی ها نبود می شوند، کرمان و قسمتی از شامات زیر سم اسبها به وسیله کشت و کشتار از بین می روند، یمن با هجوم ملخ و ستم زمامداران خراب می شود، سجستان و قسمت دیگری از شامات به دست زنجی ها، شامیان با طاعون، مرو با طوفان، هرات به وسیله مارها، مصر با خشک شدن رود نیل، و آذربایجان با سم اسبها و بمبارانها (صاعقه ها) ویران می گردند، در بخارا گرسنگی و سیلاب بیداد می کند و بغداد زیر و رو می شود.» [۴۹]

بسیار نزدیک است که بغداد زیر سم لشکر سفیانی زیرو رو شود .

رسول اکرم (ص) نیز در این مورد می فرماید :

« 1419-ان خراب البصره من العراق، و خراب مصر من جفاف النيل، و خراب مکه من الحبشه، و خراب المدینه من السیل، و خراب الصين من الجراد، و خراب الابله من الحصار، و خراب فارس من الصعاليك من الديلم، و خراب الديلم من الارمن، و خراب الارمن من الخزر، و خراب الخزر من الترك، و خراب الترك من الصواعق، و خراب السند من الهند، و خراب الهند من الصين، و خراب الصين من الرمل، و خراب الحبشه من الرجفه، و خراب الزوراء من السفیانی، و خراب الروحاء من الخسف، و خراب العراق من القحط .»

«خرابی بصره از عراق، خرابی مصر از خشک شدن رود نیل، خرابی مکه از حبشه، خرابی مدینه از سیل، خرابی چین از ملخ، خرابی ابله (*) از حصار، خرابی فارس از راهزنیهای دیلم، خرابی دیلم از ارمنی ها، خرابی ارمنستان از خزر، خرابی خزر از ترکها، خرابی ترکستان از صاعقه ها، خرابی سند از هند، خرابی هند از چین، خرابی چین از شن (طوفان)، خرابی حبشه از زلزله، خرابی زوراء (بغداد) از سفیانی، خرابی روحا از خسف، و خرابی عراق از قحطی می باشد.» [۵۰]

– (*) شهری در نزدیکی بصره و در کنار دجله است «مترجم»

ممکن است کلمه «صواعق» انحصار به صاعقه های آسمانی نداشته باشد، به موشکها و دیگر مواد آتش زای قابل پرتاب نیز گفته شود .

آنگاه نشانه های دیگری را امیرمؤمنان (ع) به شرح زیر بیان می فرماید :

«-1420 اذًا هدم مسجد براتا .»

«هنگامی که مسجد براتا ویران گردد.» [۵۱]

مسجد براتا از مساجد قدیمی و معروف بغداد است .

«-1421 حجوا قبل ان لاتحجوا. فکانی انظر الی حبشی اصمق اقرع بیده معول یهدمها حجرا حجرا .»

«به حج خانه خدا بشتابید پیش از آنکه دیگر قادر به حج نباشید، گوئی با چشم خود می بینم که مردی از حبشه بسیار نیرومند و شجاع (چون شمشیر بران (کلنگی به دست گرفته، خانه کعبه را ویران می کند و سنگ های آن را یکایک دور می اندازد.» [۵۲]

امام صادق (ع) در این باره می فرماید :

«-1422 کانى باصفر القدمين احمش الساقين على الركن اليماني يمنع الناس من الطواف حتى يتدعروا منه!.. ثم يبعث الله رجلا منى فيقتله قتل عاد و ثمود و فرعون ذى الالوتاد .»!

«گوئی مردی را با چشم خود می بینم که با پاهای زرد و ساق های قلمی، در کنار رکن یمانی (در نزد حجرالاسود) ایستاده مردم را از طواف کردن باز می دارد، تا همه دچار ترس و وحشت می شوند، آنگاه خداوند مردی را از تبار من بر می انگیزد که او را همانند عاد و ثمود و فرعون هلاک سازد.» [۵۳]

«-1423 یخربها ذو السویقتین من الحبشه و هو اصلع اقرع .»

«مردی به نام ذوالسویقتین از حبشه که بسیار چابک و چالاک است آن را (کعبه را) ویران می سازد.» [۵۴]

ظاهرا این حادثه بعد از کشتار منی خواهد بود و شاید به دست یکی از چپی های یمن جنوبی انجام پذیرد .

«-1424 یقوم حتى یقتل الثلث، و یموت الثلث، و یبقی الثلث .»

«او - مهدی - قیام نمی کند جز هنگامی که ثلث مردم کشته شود، ثلث مردم بمیرد و فقط یک ثلث آن باقی بماند!» [۵۵]

شبییه همین تعبیر از امام باقر (ع) نیز روایت شده است که می فرماید :

«-1425 لایکون هذا الامر حتى يذهب ثلثا الناس! فقال اصحابه: و من يبقي؟ فقال: اما ترضون ان تكونوا من الثلث الباقي؟.»!

«این امر - ظهور - تحقق نمی پذیرد جز هنگامی که دو سوم مردم از بین بروند! اصحاب عرض کردند: پس چه کسی باقی می ماند؟! فرمود: آیا شما نمی پسندید که از ثلث باقی باشید؟!» [۵۶]

«-1426 یكثر سفك الدماء، و يقتل من كل تسعة سبعة او من كل سبعة خمسة. فيقول الجاهل: مالنا في آل محمد حاه .»

«خونریزی فراوان می شود و از هر نه نفر، هفت نفر کشته می شود و یا از هر هفت نفر، پنج نفر کشته می شود. تا شخص نادان بگوید: ما نیازی به آل محمد (ص) نداریم!» [۵۷]

طبعاً این وضع هنگامی پیش می آید که جنگ سفیانی با سپاه حق آغاز شود و 9/7 یا ۷/۵ مردم کشته شوند و مردم در آستانه ظهور مقدس، یک آزمون بزرگ الهی را پشت سر بگذارند .

«-1427 یخرج ستون كذاباً كلهم يدعى النبوه، و يزعم انه رسول الله! و يخرج العبيد على طاعة ساداتهم و يقتلون مواليهم .»

«شصت دروغگو ظاهر می شود که همگی ادعای پیامبری می کنند و خود را فرستاده خدا می پندارند، بردگان از اطاعت اربابان خود بیرون می روند و ارباب های خود را به قتل می رسانند.» [۵۸]

در عصر ما نمونه های فراوانی از جنبشهای کارگری بر علیه اربابان و کارفرمایان واقع شده و کارفرمایان بسیاری به دست کارگران خود ترور شده اند .

سپس امیر مؤمنان (ع) در خطبه پرشور «البیان» می فرماید :

«...-1428 فعند ذلك تخرج العجم على العرب، و يملكون البصره .. الا يا ويل لبصره مما يحل بها من الطاعون و من الفتن يتبع بعضها بعضاً! الا يا ويل لفلسطين و ما يحل به من الفتن التي لا تطاق! الا يا ويل لاهل الدنيا و ما يحل بها من الفتن في ذلك الزمان و جميع البلدان: الغرب و الشرق و الجنوب و الشمال! الا و انه تركب الناس بعضهم على بعض، و تتوالت عليهم الحروب الدائمه، و ذلك بما قدمت ايديهم، و ما ربك بظلام للعبيد .»

«در چنین موقعی عجم علیه عرب شورش می کند و بصره را اشغال می کند. وای به حال مردم بصره که طاعون و فتنه های فراوانی در آن پدید می آید! وای به حال مردم فلسطین از فتنه های غیرقابل تحملی که

در آن واقع می شود! وای به حال مردم دنیا از فتنه های پیاپی که در آن زمان در شرق، غرب، شمال و جنوب جهان در هر شهر و قصبه ای اتفاق می افتد. هر گروهی علیه گروه دیگر شورش می کند و جنگ های دائمی یکی پس از دیگری روی می دهد. که همه اینها کیفر اعمال خود مردم است و پروردگارت هرگز بر بندگان ستمی روا نمی دارد.» [۵۹]

ما که امروز فتنه های جانکاه فلسطین را با چشم خود می بینیم، بر عظمت گوینده این خبرهای غیبی بیش از پیش واقف می شویم و در برابر عظمت آن حضرت پیشانی ادب بر زمین می سائیم .

امام حسین (ع) می فرماید :

« 1429- انما هو كنظام الخرز، يتبع بعضه بعضا »

«چون دانه های تسبیح یکی به دنبال دیگری تحقق خواهد یافت.» [۶۰]

سالار شهیدان حوادث آخرالزمان را در کشاکش دوران همانند دانه های تسبیح مجسم می کنند که بر اساس نظم خاصی چیده شده و با یک رشته رابط به یکدیگر مربوط شده اند، اگر این رشته اتصال پاره شود، دانه های تسبیح شتابان به دنبال یکدیگر فرو خواهند ریخت. آری پدیده های عصر ما با نظام خاصی که از پیش تعیین شده شتابان یکی به دنبال دیگری تحقق می یابد و ما را به سوی روز موعود به پیش می راند .

امام باقر (ع) می فرماید :

« 1430- لايقوم القائم الا على خوف شديد و زلازل و فتنه و بلاء يصيب الناس، و طاعون قبل ذلك. ثم سيف قاطع بين العرب، و اختلاف بين الناس و تشتت في دينهم و تغير في حالهم، حتى يتمنى المتمنى الموت صباحا و مساء من عظيم ما يري من كلب الناس و اكل بعضهم بعضا . »

«قائم (عج) قیام نمی کند مگر پس از وحشت شدید، زلزله ها، فتنه ها و بلاهای فراگیری که بر مردم چیره شود و طاعونی پیش از آنها شایع شود و شمشیر برنده ای در میان عرب پدید آید و اختلاف در میان مردم در افتد و امور مذهبی مردم مختلف شود و حالشان دگرگون گردد و هر صبح و شام آرزوی مرگ کنند، و آن در اثر طغیان و پرده دری مردم است که به خون یکدیگر تشنه می شوند و خون همدیگر را می خورند.»

[۶۱]

رسول اکرم (ص) در این مورد می فرماید :

« 1431- ابشرکم بالمهدی، یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل .! »

«شما را به مهدی (عج) بشارت می‌دهم، هنگامی که اختلاف شدید در میان مردم پدید آید و زلزله‌های سختی واقع شود او قیام می‌کند.» [۶۲]

فتنه‌ها به دنبال یکدیگر پدید آمده، جهان در آتش اختلاف می‌سوزد، در فلسطین اشغالی، لبنان فلاکت زده، افغان مصیبت زده، آفریقای مظلوم، در مناطق شرقی آسیا، و در میان دیگر ملل محروم و مظلوم، جنگ، اختلاف، فقر و دیگر پی‌آمدهای فتن آخرالزمان بیداد می‌کند. اختلال امور مردم در شئون دین و دنیا به حد‌الاعلی رسیده است. طغیان، تعدی و تجاوز به حقوق همدیگر از فجایع رائج جهان شده است .

امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه: «قل ار ایتم ان اتیکم عذابه بیاتاً اونهارا، ماذا یستعجل منه المجرمون»: «بگو: اگر ببینید که عذاب او شبانگاه و یا به هنگام روز بر شما فرود آید، چه چیزی را مجرمان از او به شتاب خواهند خواست؟» [۶۳]، فرمود :

«- 1432 فهدا عذاب ینزل فی آخرالزمان علی فسقه اهل القبله، و هم یجحدون نزول العذاب علیهم.»

«آن عذابی است که در آخرالزمان بر گنهکاران اهل قبله نازل می‌شود، که آنها منکر نزول عذاب بر خود هستند.» [۶۴]

از موقعی که مسلمانان از شاهراه تعالیم اسلام منحرف شده‌اند و به مسائل دیگری چون قومیت و احزاب گرویده‌اند، عذاب خداوندی به شکل‌های مختلف بر آنها فرود می‌آید ولی به هوش نمی‌آیند .

به مناسبت گفتگو از خرابی مسجد «براثا» در عراق می‌فرماید :

«- 1433 فاذا فعلوا ذلک منعوا من الحج ثلاث سنین، و احترقت خضرهم. و سلط الله علیهم رجلا من اهل السفح لایدخل بلدا الا اهلکه و اهلک اهله.»

«هنگامی که مرتکب این کار (خرابی مسجد براثا) شدند، سه سال از آوردن حج محروم می‌شوند و زراعتشان دچار حریق می‌شود و خداوند مردی را از بادیه (یا از خون آشامان) بر آنها مسلط می‌کند. وارد هیچ شهری نمی‌شود جز اینکه دمار از روزگار ساکنان آن در می‌آورد.» [۶۵]

این مرد خون آشام بادیه‌نشین ممکن است از کردهای شمال عراق باشد .

در مورد محرومیت اهل عراق از حج، از حضرت بقیه‌الله (عج) نیز روایتی شده است و روایتی به این مضمون در بخش هفدهم از امیرمؤمنان (ع) نقل شد .

رسول اکرم (ص) در همین زمینه می فرماید :

« 1434-يمنع الحج من العراق ثلاث سنين .»

«حج به مدت سه سال از عراقی ها منع می شود.» [۶۶]

« 1435-توقوا دوله بنی العباس، فان لهم فی شیعتنا لذعات، و فی آخر دولتهم علامات امضى من الحریق الملتهب .»!

«در دولت بنی عباس خود را بیائید که برای شیعیان ما در دولت آنها خطراتی هست. و در پایان حکومت آنها نشانه هائی است که از آتش سوزان کاری تر است.» [۶۷]

این فتنه ها و نشانه ها بر کسی پوشیده نیست و در عصر ما نیز علمای بسیاری در عراق و لبنان به شهادت رسیدند و افسران عالیرتبه ای در عراق صرفاً به خاطر شیعه بودن کشته شدند، چه شکنجه ها، تبعیدها و زندان ها که خانواده های شیعه، فقط به خاطر شیعه بودن تحمل کردند .

« 1436-کانی بجرائد شتی، تدعی باسماء شتی، لا اری لهم رشداً ولا لدینهم صیانه. کما مالوا الی جانب انهدم منهم جانب آخر. یعارضهم رجل طبری .»

«گروه های مسلح بسیاری گوئی با چشم خود می بینم که با نام های مختلفی نامیده می شوند، برای آنها رشد عقلانی و سلامت ایمان نمی بینم، هرگاه متوجه یک جانب کار خود شوند، جانب دیگر آن خراب می شود، مردی از «طبریه» با آنها به مقابله بر می خیزد.» [۶۸]

نیروهای مسلح پراکنده در عصر ما بسیار فراوان است و احزاب و تشکل های سیاسی مسلح نیز به وفور یافت می شود. آنگاه امام باقر (ع) تأکید می کند که با همه این گروه های مسلح سفیانی درگیر می شود که از کرانه دریاچه «طبریه» خروج می کند. کلمه «طبری» احتمالاً منسوب به «طبریه» در فلسطین اشغالی باشد .

حوادث فراوانی که امروز در سوریه و لبنان جاری است، جز با ظهور آن یکتا منجی جهان بشریت پایان نمی پذیرد .

امام صادق (ع) می فرماید :

« 1437-کل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاعت یعبد من دون اللّٰه عزوجل .»

«هر پرچمی که پیش از قیام قائم (عج) برافراشته شود، صاحبش طاغوت است که به جز خدا پرستیده می شود.» [۶۹]

« 1438 کل بیعه قبل ظهور القائم فیبعه کفر و نفاق و خدیعه . »

«هر بیعتی که پیش از ظهور قائم (عج) انجام پذیرد، بیعت کفر و نفاق و مکر و حيله است.» [۷۰]

« 1439 من یضمن لی موت عبداللّٰه اضمن له القائم. اذا مات عبداللّٰه لم یجتمع الناس بعده علی احد، ولم یتناه هذا الامر دون صاحبکم ان شاء اللّٰه . »

«اگر کسی مرگ «عبداللّٰه» را برای من تضمین کند، من ظهور قائم (عج) را برای او تضمین می کنم، چون عبداللّٰه از دنیا برود دیگر مردم برای احدی اجتماع نمی کنند و این کار برای احدی جز صاحب شما (عج) هموار نگردد انشاء اللّٰه تعالی.» [۷۱]

از این حدیث شریف استفاده می شود که مردی به نام عبداللّٰه در آستانه ظهور از دنیا می رود و به دنبال او امر ظهور فرا می رسد، طبعاً او از زمامداران و سردمداران جهان اسلام خواهد بود که با مرگ او خللی در نظامات مسلمین پدید آید و بدون ظهور آن خلل جبران نشود. در زمان ما پس از مرگ عبداللّٰه (پادشاه سابق اردن) فتنه هائی در جهان اسلام پدید آمد و همزمان با مرگ او رژیم اشغالگر اسرائیل چون غده چرکینی در قلب جهان اسلام به وجود آمد و به دنبال آن پراکندگیها و اختلافات عمیقی در میان مسلمانان بروز کرد و تبلیغات پان عربیسم ملت عرب را از دیگر ملیت های مسلمان جدا ساخت، که این اختلافات جز با ظهور آن یکتار رهبر از بین نمی رود. البته به احتمال قوی مقصود از عبداللّٰه پادشاه اردن یاد شده نیست، زیرا نام «عبداللّٰه» در جنگ های شمال و قرقیسیا [۷۲] و غیر آنها وارد شده است که آنها در نزدیکی ظهور اتفاق خواهند افتاد .

از امام صادق (ع) پرسیدند: فرج شما کی هست؟ فرمود :

« 1440-سئل: متى فرج شیعتکم؟. فقال: اذا اختلف ولد العباس و وهی سلطانهم و طمع فیهم من لم یکن یطمع فیهم، و خلعت العرب اعتتها، و رفع کل ذی صیصیه صیصیته. و ظهر الشامی، و اقبل الیمانی، و تحرک الحسنی، یخرج صاحب هذا الامر . »

«هنگامی که اولاد عباس اختلاف کنند و قدرتشان به سستی و ضعف گراید و همگان بر آنها جرئت پیدا کنند و عرب از آنها فرمان نبرد و هر صاحب چماقی چماقش را بردارد و شامی (سفیانی) ظاهر شود و یمانی روی آورد و حسنی حرکت کند، صاحب این امر ظهور می کند.» [۷۳]

« 1441 ولتر فعن اثنتا عشره رایه مشتبهه لا یدری ای من ای!، فقال بعض اصحابه: ما نمنع؟ فقال و قد نظر الی شمس داخله فی الصغه: ترى هذه الشمس؟ واللّه لامرنا ابین من هذه الشمس ».»

«دوازده پرچم شبیه هم برافراشته شود که یکی از دیگری شناخته نشود! برخی از اصحاب گفتند: پس ما چه کنیم؟! نگاهی به نور آفتاب کرد که از روزنه وارد اطاق شده بود و فرمود: به خدا سوگند امر ما از این آفتاب روشتر است [74] .»

« 1442- بینا الناس وقوف فی عرفات اذ اتاهم راکب علی ناقله ذعلبه، یخبرهم بموت خلیفه، یكون عند موته فرج آل محمد و فرج الناس جميعاً! »

«هنگامی که مردم در عرفات وقوف کرده اند سواری که بر وسیله نقلیه نیز تکی سوار است از راه فرا می رسد و مرگ خلیفه ای را خبر می دهد، فرج آل محمد (ص) و فرج همه مردم در آن هنگام است.» [۷۵]

در این حدیث امام صادق (ع) دو تعبیر تازه به کار برده است: یکی تعبیر «: ناقله» و دیگری تعبیر: «ذعلبه» است، معمولاً در احادیث تعبیر ناقه، راحله، دابه و امثال آن بکار می رود تعبیر ناقله اخیراً برای وسائط نقلیه رائج شده است و در لسان اخبار معمول نبود، در این حدیث امام (ع) با لسان امروز تعبیر فرموده است. [۷۶] و «ذعلبه» به معنای تعیز تک و تیز پرواز است که امروز در مورد موتورهای گازی بکار می رود و در گذشته در مورد اسبهای تیز تک چپارها به کار می رفت. پیش از امام صادق (ع) جد بزرگوارش امیرمؤمنان (ع) نیز همین تعبیر را بکار برده است :

« 1443- هیهات الغضب! موتات فیهن موتات و راکب الدعلیه! مختلف جوفها بوضینها، یخبرهم بخبر فیقتلونه، ثم الغضب بعد ذلک .»!!!

«کجاست آن خشم که مرگها به دنبال دارد و از هر مرگی مرگها برخیزد و مردی سوار بر تیز تکی که بافت درونی اش بسیار پیچیده است خبری می آورد که او را می کشند و آنگاه خشمها برافروخته گردد.» [۷۷]

تعبیر پیچیدگی بافت درونی در مورد وسائط نقلیه امروز بسیار لطیف و جالب است، که این تعبیر در مورد اسب و شتر مفهومی نداشت ولی در مورد ماشین و هواپیما و دیگر وسائل موتوری دقیقاً منطبق است .

اگر این تعبیر از غیر امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان بزرگوارش بود، بسیار جای شگفت بود ولی در مورد این خاندان هیچ جای شگفت نیست که آنها با توان خدادادی پشت پرده را می بینند و از هزاران سال بعد این چنین سخن می گویند و هرگز نظیر این سخنان از غیر این خاندان شنیده نشده است. خوشا به حال کسیکه از این خاندان پیروی کند و با تمسک به این حبل متین خود را از امواج کوه پیکر فتنه ها برهاند و به ساحل نجات برساند .

آنگاه امام صادق (ع) کشتار فجیع «منی» را چنین توصیف می کند :

«-1444 یحج الناس معا، و يعرفون معا علی غیر امام. فبیناهم نزول بمنی یاخذهم مثل الکل، فتتور القبائل فیما بینها حتی تسیل العقبه بالدما، فیفزعون، و یلوذون بالکعبه و اذا بالمهدی ملصق وجهه بها یبکی و دموعه تسیل . فیقولون: هلم ولیناک، فیقول: ویحکم، کم من عهد قد نقضتموه، و کم من دم قد سفکتموه، فیبايع کرها .»

«مردم به حج می روند و در عرفات حاضر می شوند در حالیکه امام (ع) را در میان خود نمی بینند، هنگامی که در منی هستند فتنه سختی بر می خیزد و همه قبایل بر یکدیگر می شورش و محل جمره عقبه از خون رنگین شود و همه دچار وحشت شده به خانه خدا پناه می برند و ناگهان حضرت مهدی (عج) را می بینند که صورتش را بر کعبه چسبانیده اشک مبارکش بر صورتش می ریزد. عرض می کنند: به سوی ما بشتاب که ترا به پیشوائی خود بر می گزینیم. می فرماید: «وای بر شما !چقدر پیمان بستید و بشکستید؟! چقدر خون ناحق ریختید؟! آنگاه او را به قبول بیعت وادار می کنند و با او مراسم بیعت به جای می آورند.» [۷۸]

نظیر همین حدیث با اندک اختلافی از رسول اکرم (ص) نیز رسیده است .

«-1445 فان ادرکتهم فبايعوه، فانه المهدی فی الارض، و المهدی فی السماء .»

«اگر او را درک کنید با او بیعت کنید که او هدایتگر زمین و آسمان است.» [۷۹]

آری او نیز مانند اجداد بزرگوارش راههای آسمان را همانند راههای زمین می شناسد و پیشوای مردم زمین و آسمانست و همه آنها را به راه راست رهنمون می شود .

«-1446 ثم تنقض الفتن حتی لایقول احد: لا اله الا الله، یصلی المرء لیراه الناس! . فعلیکم باطراف البلاد، و سواحل البحار، و مواطیء الاودیة، و الهرب الهرب !»

«آنگاه فتنه ها فراگیر می شود و دیگر کسی خدا را به یکتائی یاد نمی کند! نماز گزار برای مردم نماز می گزارد! در آن هنگام به دشتهای دور دست و کرانه های دریاها و اطراف صحراها پناه ببرید و از اجتماعات بگریزید.» [۸۰]

سیزده قرن پیش امام صادق (ع) از وضع امروز سخن گفته و به نقاط دوردستی که از تیررس توپها و مسلسلها بیرون باشد و از خطر بمبهای اتمی و نیدروژنی مصون باشد امر به مهاجرت فرموده است. بدیهی است که چنین نقاطی در جنگها از خطرات مصون می ماند و از فته های اجتماعات نیز همواره به دور است .

آنگاه امام صادق (ع) از مناطق کوهستانی جبل عامل به طور خصوص بحث کرده، شیعیان آنجا را ستوده و امنیت آنجا را در پیشقدم ظهور تضمین فرموده است :

« 1447-بلده بالشام. فقیل: ان اعمال الشام متسعه. فقال: بلده باعمال الشقیف و بیوت و ربوع تعرف بسواحل البحار و اوطئه الجبال. قبل هولاء شیعتکم؟. فقال: هولاء شیعتنا حقا، و هم انصارنا و اخواننا، و المواسون لغریبنا، و الحافظون لسرنا، و الینه قلوبهم لنا، و القاسیه قلوبهم علی اعدائنا. و هم کسکان السفینه فی حال غیبتنا. تمحل البلاد دون بلادهم .ولایصایئت بلصواعق. یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر، و یعرفون الله حق معرفته، و یساوون بین اخوانهم. اولئک المحرومون، المغفور لھیم و میتھم، و ذکرھم و اثناھم، و لاسودھم و ابیضھم، و حرھم و عبدھم. و ان فیھم رجالا یتتظرون، و الله یحب المنتظرین .»

«شهری در شام هست. گفته شد شهرهای شامات بسیار است، فرمود: شهری است به نام «ارنون» در منطقه «شقیف» [۸۱] که در اطراف آن قراء و قصبات فراوانی در کرانه های دریا و مناطق کوهستانی هست. گفته شد: آنها شیعیان شما هستند؟ فرمود: آری آنها شیعیان حقیقی ما هستند، آنها یاران و برادران ما هستند . آنها غربای ما را مواسات می کنند و اسرار ما را محافظت می نمایند. دلہایشان برای ما نرم است و برای دشمنان ما بسیار سخت و سفت. آنها در زمان غیبت ما همانند سرنشینان کشتی هستند، در همه شهرها خشکسالی می شود ولی آنجا خشکسالی پیش نیاید، هرگز صاعقه به آنها صدمه نمی زند، آنها امر به معروف و نهی از منکر کنند و خدا را به شایستگی می پرستند و در میان برادرانشان مواسات را رعایت می کنند، آنها محرومانند، زنده و مرده شان آمرزیده است، مرد و زنشان، سیاه و سفیدشان، آزاد و برده شان، مورد مغفرت حضرت احدیت است. در میان آنها مردان منتظر هستند که هر لحظه انتظار فرج ما را می کشند و خداوند منتظران را دوست می دارد.» [۸۲]

مناطقى که امام صادق (ع) با این تعبیرات بسیار لطیف ستوده است، جبل عامه در جنوب لبنان است که مرز آنرا می توان چنین ترسیم کرد :

از طرف مشرق یک خط فرضی از قلعه شقیف ارنون تا غرب بنت جبیل .

از طرف مغرب کرانه های دریای مدیترانه از صور تا زهرانی .

از طرف جنوب یک خط فرضی از جنوب صور تا نزدیکی بنت جبیل .

و از طرف شمال یک خط فرضی از نبطیه تا زهرانی .

از بیان امام (ع) استفاده می شود که «نبطیه» و «مرجیعون» را در این نوید داخل نفرموده است و این تضمین را در حق آنها تعهد ننموده است. این نویدها مخصوص مردم شریف جبل عامل است .

نگارنده بسیار سپاسگزار است که خداوند منان به او این افتخار را نصیب فرموده که در جبل عامل دیده به جهان گشوده است و از خدای تبارک و تعالی مسئلت دارد که او را در ولایت ائمه اطهار ثابت و پای بر جای نگهدارد و در فرج ولی عصر و ناموس دهر (عج) تعجیل بفرماید که امنیت و آسایش جهانی به او بسته است .

شاید برخی تصور کنند که حوادث تلخ و ناگوار جبل عامل که در زیر ضربات رژیم اشغالگر اسرائیل روزی می دهد با مضمون این حدیث وفق نمی دهد ولی چنین نیست، باید منتظر باشیم که آتشیهای زیر خاکستر شعله ور شود، آنوقت خواهیم دید که جهان در آتش سوزان می سوزد و جبل عامل در امن و امان به سر می برد. و شاید حوادث امروز برای پیشگیری از حوادث فردا باشد، چنانکه سوراخ شدن کشتی به دست حضرت خضر برای حفاظت کشتی از خطرات بعدی بود. تشبیه مردم جبل عامل به ساکنان کشتی در کلام امام (ع) خود ناظر به همین حوادث است، زیرا ساکنان کشتی همواره دستخوش امواج دریا هستند اگر چه روزی به ساحل نجات می رسند و آرامش و آسایش خود را باز می یابند. مردم جبل عامل نیز امروزه دستخوش امواج حوادث هستند ولی طبق وعده پیشوایان معصوم فردای خوشی در پیش دارند و از حوادث جانکاهی که در پیشقدم ظهور جهان را مضطرب خواهد نمود؛ در امان هستند. گذشت زمان حقانیت سخنان آنها را اثبات خواهد کرد و تکذیب کنندگان رسوا و سیه روی خواهند شد .

«-1448اذا رایته بالشم فالموت الموت حتی یتحرک بنوالاصغر فیسیرون الی بلاد العرب، فتکون بینهم الوقائع.»

«چون فتنه در شام ظاهر شود دیگر همه اش کشت و کشتار است تا تژاد زرد (یهود) بپاخیزند و به ممالک عربی بتازند و آنگاه حوادثی روی می دهد.» [۸۳]

امروز ما در بلاد شام عموماً و در لبنان خصوصاً این حوادث را با چشم خود می بینیم، در این لحظه که من این سطرها را می نویسم توپهای سبک و سنگین اسرائیل چون قطرات باران بر صفحات جنوب لبنان فرو می ریزد، تاخت و تاز، حمله و چپاول ادامه دارد، آتش جنگ هر لحظه مشتعل تر می شود، حوادث بزرگ چهار بار روی داده، و پنجمی آن در آستانه وقوع است... حدیث شریف مو به مو تحقق می پذیرد و ما در انتظار شکست قطعی اسرائیل ثانیه شماری می کنیم که بلافاصله پس از اقدام به جنگ پنجم خود ریشه کن خواهند شد و هم پیمانان نظامی و تجهیزات مدرنش توان نجات دادن او را نخواهند داشت .

«-1449تظلمکم کقطع اللیل المظلم، لایبقی بیت من بیوت المسلمین بین المشرق و المغرب، الا دخلته، لایخلص منها الا من استظل بظل افنان فیما بینه و بین البحر. فالاسلم للناس من تلك الفتنه موطن التلال والسيف والنجی الساحل و الحجر.»

«فتنه ای همانند قطعات شب یلدا، افق زندگی شما را تیره و تار خواهد ساخت، خانه ای در شرق و غرب جهان از خانه های امت اسلامی نمی ماند جز اینکه این فته وارد می شود. از این فتنه جان سالم به در نمی برد جز کسیکه به درختان کرانه های دریا پناهنده شود. محل امن از این فتنه، قله های کوه و کرانه های دریاست، و سالمتر از هر کرانه ای سرزمین حجاز است.» [۸۴]

در این حدیق برای امان از حوادث آخرالمزان و فتنه های آن دوران، قله های کوه و کرانه های دریا و جنگلهای صحرا معرفی شده، تا مردم به این مناطق پناه ببرند و از گزند اجتماعات آن زمان سالم بمانند .

« -1450 انجی الناس من فتنه الصیلم اهل الساحل و اهل الحجاز . »

«سالمترین مردم از فتنه بزرگ و فراگیر، مردم ساحل و اهل حجاز هستند.» [۸۵]

امام صادق (ع) از این فته «صیلم» تعبیر نموده که در لغت به معنای فاجعه بزرگ و فتنه فراگیر است و بسیار تعبیر مناسبی است که در این فتنه ها از بمبهای ناپالم استفاده می شود و انبارهای مواد منفجره به وسیله موشکها به آتش کشیده می شود، و در این میان فتنه رژیم اشغالگر اسرائیل، آسایش و آرامش منطقه را از بین برده و وحشت و اضطراب بر همه خانه های ملت مسلمان وارد شده است. از سوی دیگر فتنه های سیاسی و آشوب های حزبی و دیگر درگیریهای وارداتی از شرق و غرب به خانه های مسلمانان راه یافته، آسایش و آرامش آنها را سلب نموده است .

شاید هدف امام صادق (ع) از این فاجعه فراگیر، فجایی است که توسط بمبهای اتمی و نیدروژنی در جهان واقع می شود و دود آن به چشم همه ساکنان روی زمین حتی در قله های کوه و کرانه های دریا می رسد. اگر امت اسلامی در سخن پیشوایان معصوم دقت کنند و توصیه های حیاتبخش آنها را دقیقاً به کار ببندند در دنیا و آخرت سعادت مند می شوند .

« -1451 ابدان یكون قدام القائم سنه یجوع فیها الناس، و یصیبهم خوف شدید من القتل، و نقص من الاموال و النفس و الثمرات، فان ذلک فی کتاب اللّٰه لبین: ولنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و النفس و الثمرات و بشر الصابین . »

«به ناچار پیش از ظهور قائم (عج) سالی خواهد بود که مردم دچار گرسنگی بشوند و وحشت شدیدی از کشت و کشتار، و کاهش در جان و مال و میوه جات داشته باشند، چنانکه در کتاب خدا به روشنی آمده است [۸۶]: «هر آینه شما را بیازمائیم به چیزی از ترس و گرسنگی، و کاهش از مالها و جانها و میوه ها، و مژده بده صبر پیشگان را.» [۸۷]

امام باقر (ع) در تفسیر همین آیه شریفه می فرماید :

« 1452- الجوع خاص و عام: فاما الخاص من الجوع فبالكوفه يحض الله به اعداء آل محمد فيهلكهم، و اما العام فبالشام، يصيبهم خوف وجوع ما اصابهم به قط. و اما الجوع فقبل قيام القائم، و اما الخوف فبعد قيام القائم (عج) .»

«گرسنگی دو نوع است: گرسنگی ویژه، و گرسنگی عمومی. گرسنگی ویژه در کوفه واقع می شود و منحصرأ به دشمنان آل محمد (ص) پیش می آید و آنها را هلاک می نماید، اما گرسنگی عمومی در شامات پدید آید و آنها را آنچنان دچار وحشت و گرسنگی می نماید که هرگز نظیر آن را ندیده باشند. گرسنگی پیش از قیام قائم (ع) است ولی وحشت و اضطراب بعد از قیام آنحضرت است.» [۸۸]

از تعبیر امام باقر (ع) استفاده می شود که این خوف و وحشت در آستانه فتنه سفیانی و در اثنای شورشهای اوست. آنگاه امام صادق (ع) در ترسیم این حوادث می فرماید :

« 1453- لایکون هذا الامر، حتی یذهب تسعه اعشار الناس !»

«این امر واقع نمی شود جز بعد از آنکه نه دهم مردم از بین بروند.» [۸۹]

اگر در احادیث وارده در مورد نسبت هلاک شدگان اختلاف هست، در میان آنها تضاد نیست، زیرا به جهات مختلف حادثه ناظر هستند، و این روایت که بالاترین نسبت (۹/۱۰) را بیان کرده است همه هلاک شدگان را در بر می گیرد، یعنی همه کسانی را که در اثر گرسنگی، جنگ های جهانی، وبا، طاعون و دیگر بیماری ها، و در جنگ های سفیانی از بین می روند و هلاک سپاه سفیانی، و هلاک شدگان به دست حضرت بقیه الله (عج) را در بر می گیرد .

حضرت بقیه الله (عج) می فرماید :

در نامه شریفه ای از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر (عج) به افتخار شیخ مفید (قدس سره) صادر شده است، حوادث آخر الزمان با تسلسل خاصی بیان شده که قسمتی از آن را در اینجا می آوریم :

« 1454- فقف امدک الله بعوثة علی اعدائه المارقین من دینه علی ما نذکره، و اعمل فی تادیته الی من تسکن الیه .

نحن و ان کنا ثاوین بمکاننا النائی عن مساکن الظالمین، حسب الذی ارانا الله تعالی لنا من الصلاح، ولشیعتنا المؤمنین فی ذلک ما دامت الدنیا للفاسقین، فانا یحیط علمنا بانبائکم ولا یعزب عنا شیء من اخبارکم، و معرفتنا بالزلل الذی اصابکم، قد جنح کثیر منکم الی ما کان السلف الصالح عنه شاسعاً، و نبدوا العهد الماخوذ منهم

وراء ظهورهم كأنهم لا يعلمون، انا غير مهملين لمراعاتكم ولا ناسين لذكركم. ولولا ذلك لنزل بكم البلاء، و
اصطلمكم الاعداء، فاتقوا الله جل جلاله وظاهرونا على انتياشكم من فتنه قد انافت عليكم، يهلك فيها من حم
اجله، و يحمي عليه من ادرك امله. وهي اماره لازوف حركتنا و مباتتكم بامرنا و نهينا والله متم نوره ولو كره
المشركون...»

«به آنچه تذکر می دهیم توجه کن، طبق آن عمل کن و به هر کس از افراد مورد اعتماد دسترسی پیدا کنی،
مضمون آن را بازگو کن .

اگر چه ما در جای مخصوصی به دور از جایگاه ستمگران سکنی گزیده ایم، که خداوند مصلحت ما و شیعیان ما
را در این دیده است که تا هنگامی که حکومت جهان به دست ستمکارانست این چنین باشیم، ولی به اخبار
شما آگاهی داریم و چیزی از اخبار شما از ما پوشیده نیست از نابسامانیهای که بر شما عارض شده آگاهییم،
این نابسامانیها از هنگامی آغاز شد که گروهی از شما دست به کارهایی زدند که سلف صالح از آنها به دور
بودند، پیمانی را که خداوند از آنها گرفته، پشت سر انداختند، گوئی از این پیمان هیچ اطلاعی ندارند .!

ما شما را رها نکرده ایم و یادتان را از خاطر نبرده ایم، و گرنه دشواریها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما
را لگدمال می کردند. از خداوند بزرگ تقوی کنید و ما را در رفع گرفتاریهایی که بر شما فرود آمده یاری
کنید . این فتنه که هر کس اجلش فرا رسیده در آن نابود می شود و هر کس به آرزویش رسیده از آن جان
سالم بدر می برد، نشانه نزدیک شدن نهضت ما و تلاش شما در اجرای اوامر و نواهی ما می باشد، خداوند
نور خود را کامل می گرداند، اگر چه مشرکان را خوش نیاید .

خود را به وسیله تقیه از آتش فتنه ای که انگیزه های جاهلی آن را برافروخته و تعصیهای تژادی اموی آن را
شعله ور ساخته، و قوم هدایت یافته ای را به وحشت انداخته، نگاهدارید. من ضامن نجات کسی هستم که
خود را در این ورطه هلاکت نیندازد و برای فرار از آن راهی خداپسند برگزیند .

چون ماه جمادی الاولی از همین امسال فرا رسد، از حادثه ای که در آن روی می دهد عبرت بگیرید و برای
حوادث بعدی خود را مهیا سازید و از خواب گران برخیزید .

به زودی نشانه ای بزرگ در آسمان برای شما پدیدار می شود و آنگاه نشانه ای بزرگ در زمین آشکار می
شود و در مشرق زمین حوادثی جانکاه روی می دهد که موجب تأثر و اضطراب می شود. سپس گروه هایی
منحرف از اسلام بر عراق تسلط می یابند و با کردارهای زشت خود موجب کمبود ارزاق در عراق می شوند.
سپس با هلاکت طاغوتی از طواغیت این فاجعه برطرف می شود و نیکان پرهیزکار از هلاکت او شاداب می
شوند .

آنگاه کسانی که از راههای دور و دراز به حج می روند به تمام اهداف خود می رسند و با موفقیت بر می

گردند. ما نیز در راه اندازی کار آنها و ایجاد تسهیلات در سفر روحانی آنها برنامه ای داریم که بر اساس نظام خاصی به آنها می رسد .

بنابراین هر یک از شما باید طوری رفتار کند که به محبت ما نزدیکتر شود و از هر چیزیکه خوشایند ما نیست و موجب غضب ما می شود دوری کند، که فرمان ظهور ما ناگهانی و بدون مقدمه فرا می رسد، که دیگر توبه سودی ندارد و پشیمانی از گناه دردی را دوا نمی کند و از چنگال عدالت رهایی نیابد .

خداوند راه رشد و هدایت خود را بر شما بیاموزد و با رحمت و اسعه خود شما را مورد توجه و عنایت خود قرار دهد.» [۹۰]

حضرت ولی عصر و ناموس دهر (عج) در این نامه هر هزار سال پیش به افتخار شیخ مفید [۹۱] از ناحیه مقدسه شرف صدور یافته، از حوادث زمان و فجایع دوران و لغزشهای شیعیان سخن گفته، راه رشد و هدایت را بیان فرموده، تقوی و تقیه را توصیه نموده از آلوده شدن به فتنه ها منع فرموده، نوید بذل توجه به کسانیکه ارباب خود را فراموش نکرده اند و ارباب دیگری برای خود اتخاذ ننموده اند، داده است .

و در تورات می خوانیم :

« -1455 و خداوند می گوید که در تمامی زمین دو حصه منقطع شده خواهند مرد، و حقه سوم در آن باقی خواهد ماند. و حصه سوم را از میان آتش خواهم گذرانید و ایشان را مثل قال گذاشتن نقره قال خواهم گذاشت و مثل مصفی ساختن طلا ایشان را مصفی خواهم نمود و اسم مرا خواهند خواند و من ایشان را اجابت نموده خواهم گفت که ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت که یَهُوَه خدای ما می باشد.» [۹۲]

و در انجیل می خوانیم :

« -1456 و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امتها روی خواهد نمود به سبب شوریدن دریا و امواجش. و دلهای مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می شود.» [۹۳]

آشوب های بیگانگان

بیگانگان: ترکان، رومیان و چینیان

ترکان: اروپا، آمریکا و خاور دور

رسول اکرم (ص) می فرماید :

« 1457- یوشک ان تتداعی علیکم الامم تداعی الا کله علی قصعتها و انتم کثیر ولکنکم عناء کغناء السیل.. و لینز عن اللّٰه من صدور عدوکم المهابه منکم، ولیقذفن فی قلوبکم الوهن، من حب الدنیا و کراهبه الموت .»!

«نزدیک است که ملت ها برای بردن منابع شما در اطراف شما گرد آیند و مانند گوشت قربانی منابع شما را در میان خود تقسیم کنند. آن روز تعداد شما بسیار زیاد است ولی همانند خس و خاشاک در روی کف سیل هستید (نه از خود اراده ای و نه قدر و قیمتی) خداوند هیبت شما را از دل دشمنانتان در می آورد و سستی و تنبلی را بر دل شما می افکند، به دنیا علاقمند می شوید و از مرگ می گریزید.» [۱]

امروز همه ملتها برای غارت نفت و دیگر منابع زیرزمینی امت اسلامی به کشورهای اسلامی روی آورده اند، سرمایه گذاری کرده، مشاور می فرستند، طرح می ریزند تا همه منابع اقتصادی ممالک اسلامی را به یغما برده چون گوشت قربانی در میان خود تقسیم کنند. امت اسلامی نیز با وجود کثرت نفوس (نزدیک یک میلیارد) دچار اختلاف نظر شده در دست استعمار شرق و غرب اسیر شده اند و همانند خس و خاشاکی که در بستر رودخانه باشد و دستخوش امواج سهمگین سیل شود هیچ اراده ای از خود ندارند و هیچ قدر و قیمتی در نزد استعمارگران ندارند، همه منابع زیرزمینی شان به تاراج می رود و خود اسیر نقشه های شیطانی استعمارگران شده، به جامعه مصرفی تبدیل شده، با آنهمه منابع غنی که دارند در تیرگیهای جهل و فقر و جنگ و اختلاف به سر می برند .!

« 1458- اذا رایتم اول التّرك بالجزیره فقاتلوهم حتی تهزموهم، اویکفیکم اللّٰه مؤوتتهم. فانهم یفصحون الحرم، و هو علامه خروج اهل المغرب، و انتقاض ملهکم یومئذ .»

«چون اولین سپاه ترک را در جزیره دیدید با آنها بجنگید تا آنها را شکست دهید، یا خداوند از گزند آنها شما را در امان بدارد، و گرنه آنها به حریم حرم تجاوز می کنند، و آن نشانه خروج اهل مغرب و شکسته شدن شوکت و سلطنت آنها در آن روزگار است.» [۲]

در اینجا یادآور می شویم که منظور از «ترک» در لسان اخبار قبایلی است که نسبشان به «ترک بن یافث بن نوح» می رسد که امروزه در مغولستان، پنجاب، ترکیه، ترکستان، سیبری، قزوین، افغانستان، هند و برخی از ایالتهای روسیه زندگی می کنند و بیش از هر قوم دیگر برای شکستن احترام حرم آمادگی دارند، زیرا هیچ مرزی برای آنها وجود ندارد حتی مرزهای اخلاقی را شکسته اند و به طوریکه در مسائل اعتقادی منکر صانع هستند، در مسائل خانوادگی هم به عقاید مزدکیان نزدیک هستند و چندان فاصله ای از شیوه روابط حیوانی

ندارند! [۳] و امروزه با سلاح های مدرنی که در تمام مناطق مسلمان نشین به فروش و مصرف می رسانند در جزیره نیز حضور دارند .!

واژه «ترک» با مفهوم وسیع خود به قبایل یاد شده منحصر نیست بلکه ممالک غربی را نیز شامل می شود که فرآورده های صنعتی خود را همراه با انحرافات اخلاقی به سوی کشورهای اسلامی سرازیر کرده، جوامع اسلامی را به لجن کشیده، بی بند و باری را به نام آزادی، و بی عفتی را به نام تمدن در میان جوانان رائج کرده اند .

به طوریکه از بررسی احادیث این بخش معلوم می شود، واژه ترک در لسان اخبار به هر دو معنی (مخصوص نژاد ترک و معنای وسیعتر آن) به کار رفته است .

تعبیر تجاوز به حریم حرم، در زمان ما شامل حال یهودیان است که به حریم مسجد اقصی (اولین قبله مسلمانان) تجاوز کرده، سالیان دراز این حرم الهی را در اشغال خود نگهداشته، از آتش زدن و هتک حرمت آن دریغ نمی کنند. [۴]

« 1459- اذا اقبلت فتنه من المشرق، و فتنه من المغرب، و التقوا، فبطن الارض یومئذ خیر من ظهرها. فان لم تجدوا الا جحر عقرب فادخلوا فیه، فانه یکون شر طویل .»

«هنگامی که فتنه ای از مشرق روی آورد و فتنه ای از مغرب پدید آید و این دو فتنه به یکدیگر برسند، در آن زمان دل زمین بهتر از روی آنست. اگر پناهگاه دیگری جز لانه عقرب پیدا نکنید به آنجا پناه ببرید که فتنه های طولانی پدید خواهد آمد.» [۵]

ظاهر جمله «دل زمین بهتر از روی آنست» شدت خوف و نگرانی را می رساند که هر کس آرزوی مرگ می کند، ولی هدف آن یک معنای برتری است و آن پناه بردن به پناهگاه های زیرزمینی است که منحصرأ در این پناهگاه ها می توان از شر توپها، بمبها، موشکها و دیگر خطرات مشابه محفوظ ماند. پیامبر اکرم (ص) و دیگر پیشوایان معصوم با این تعبیرهای لطیف به ما می آموزند که در چنین مواقع خطرناک به دل زمین پناه برده از شر فتنه ها در امان باشید .

در برخی دیگر از احادیث به قله های کوه ها اشاره شده، که بعد از پناهگای زیرزمینی، تنها راه فرار از خطرات جوی پناه بردن به کوهستان ها می باشد. اینها برنامه های حکیمانه ایست که با تعبیرات ساده ای بیان شده، و هنگامی که خوب معنی شود همگان را به شگفت و ا می دارد. و اگر معنای ظاهری آن را بگیریم در اینصورت به حفظ کرامت انسانی اشاره می شود و می رساند که اگر انسان با حفظ کرامت انسانی و عقاید پاک اسلامی در دل زمین آرمیده باشد بهتر از آنست که برای چندین روز زندگی، ننگ هم پیمانی با شرق و غرب را برای خود بپذیرد و سرنوشت جامعه خویش را به دست استعمارگران بسپارد و منابع زیرزمینی و ثروت های کلان اجتماع خویش را به چپاولگران شرق و غرب تقدی نموده، آنگاه برای زندگی بخور نمیر دست

گدائی به سوی آنها دراز کند .

«-1460 اعوذ بالله من فتنه المشرق ثم من المغرب!. ما من اهل ذمتکم قوم اشد علیکم فی تلک البلیا من اهل الشرقيه اصحاب الملح و العسول. ان المراه من نسائهم لتطعن المراه من نساء المسلمين و تقول: اعطوا الجزیه»!!!

«پناه می برم به خدای تبارک و تعالی از فتنه مشرق و فتنه مغرب، در میان هم پیمانان شما گروهی نیست که از فتنه شرقی ها برای شما خطرناکتر باشند که آنها به دنبال نمک و عسل هستند (مگسانند دور شیرینی)، زندهای آنها به زنان مسلمان طعنه می زنند و از آنها مطالبه جزیه می کنند!». [۶]

منظور از هم پیمانان، هم پیمانهای شرقی و غربی ما هستند که منابع ثروت ما را می خورند و به مبانی اعتقادی ما اهانت می کنند و با تبلیغات پوچ و بی محتوای خود بر ما فخر می فروشند و از ما حق توحش می گیرند .

«-1461 لتامرنا بالمعروف و لتنه عن المنکر، اولیبعثن اللہ علیکم العجم فلیضربن اعناقکم، ولیا کلن فیاکم، ولیکونن اسداً لا یقرون .»
«امر به معروف کرده، نهی از منکر نمائید و گرنه خدای تبارک و تعالی عجم (اقوام غیر عرب) را بر شما مسلط می کند، گردن های شما را می زنند، درآمدهای شما را می خورند و چون شیر ژیان به شما حمله می کنند و هرگز از شما روی نی تابند.» [۷]

«-1462 یسرع التبرک علی الفرات. فکانی بدوابهم المعصفرات یصطففن علی نهر الفرات .»!

«سپاه ترک به سوی فرات می شتابند، گوئی مرکب های آنها را می بینم که همه اش به زنگ زرد ارغوانی است و در کنار رودخانه فرات صف کشیده اند.» [۸]

در اینجا از مرکب «دواب» تعبیر شده که به معنای جنبنده ای است و شامل جنبندگان چهار پا و چهار چرخ می شود و تعبیر زرد ارغوانی بسیار لطیف است زیرا در تمام دنیا برای توپ و تانک و دیگر تجهیزات ارتشی همین رنگ را انتخاب می کنند و در تمام دنیا مرکب زرد ارغوانی به تعدادی که برای نقل و انتقال یک گردان کافی باشد یافت نمی شود، از این رو تردیدی نیست که منظور از مرکب های زرد ارغوانی، خودروهایی نظامی است که برای امکان استتار این رنگ را انتخاب می کنند. همه این تعبیرات خود دلیل آنست که این احادیث از سرچشمه وحی صادر شده و دلایل صحت حدیث در متن آن گنجانیده شده است .

«-1463 کانی بالتبرک علی براذین مخذمه اللذان، حتی یربطوها بشط الفرات .»!

«گوئی ترکان را با چشم خود بر فراز یابوهای تیز تک می بینم، که در کنار شط الفرات آنها را بسته اند.» [۹]

در این حدیث تعبیر «مخدمه الاذان» را اگر به معنای شایع آن بگیریم به معنای «گوش بریده» است و شاید استعمال آن در وسائط نقلیه امروز به این جهت باشد که در ساختمان آن نه شکل گوش ساخته شده و نه گیرنده صوت در نظر گرفته شده است، و اگر معنای دیگر آن منظور باشد به معنای سریع السیر است که بزرگترین ویژگی وسائط امروزی سرعت سیر آنهاست و گرنه همه اسب های گوش بریده جهان برای نقل و انتقال یک گردان کافی نخواهد بود .

این حدیث از آمدن سپاه ترک بر فراز وسائط سریع السیر به سوریه و عراق و پارک کردن وسائط آنها در کرانه های شط الفرات خبر می دهد. در احادیث دیگری نیز از سپاه ترک سخن رفته که از آن جمله است :

« 1464- لیردن الترتک الجزیره، حتی تسقی خیلهم من الفرات. فیبعث اللّٰه علیهم الطاعون فیقتلهم فلا ینجومنهم الا رجل واحد. و یبعث اللّٰه علیهم ثلجا فیها صر وریح و جلید فاذاهم خامدون.. فیرجع المسلمون الی اصحابهم فیقولون . ان اللّٰه قد اهلکهم و کفاکم شرهم .»

«بدون تردید سپاه ترک وارد جزیره العرب خواهد شد تا اسبهایشان از فرات سیراب شوند، آنگاه خداوند بر آنها طاعون را مسلط می کند و همگی به وسیله طاعون از بین می روند و به جز یک نفر از آنها باقی نمی ماند. خداوند بر آنها برف و تگرگ همراه با سرمای سوزان و طوفان خانمان برانداز فرو می فرستد و همگی نقش بر زمین می شوند. مسلمانان به یکدیگر نوید می دهند که خداوند آنها را هلاک کرد و شر آنها را از شما کوتاه نمود.» [۱۰]

ظاهراً این نشانه ها در جنگ قرقیسیا تحقق خواهد یافت. [۱۱]

« 1465- للترک خرجتان: خرجه لاینهنهم دون الفرات شبی، دون القطیعه، اصحاب ملاحمهم و فرسان الناس یومئذ قیس عیلان، فتستاصلهم. لاترک بعدها .»

«برای ترکها دو خیزش است که در یکی از آنها چیزی جز کشتار نمی تواند میان آنها و رود فرات حائل شود. جنگ آفرینان و اسب تازان آن روز «قیس عیلان» [۱۲] است، ترکها آن روز چنان ریشه کن می شوند که دیگر ترکی در روی زمین باقی نمی ماند.» [۱۳]

شاید هدف رسول اکرم (ص) از این تعبیر، اشاره به تسلط ترکها در عصر ما، سپس پیروزی قیس عیلان (مصر و هم پیمانان او) بر اسرائیل و نابودی آنها از صفحه تاریخ باشد که دیگر از تژاد اسرائیل، روس، سیبری، اروپای شرقی، قاره های آمریکا و اقیانوسیه و غرب و جنوب آفریقا نشانه ای باقی نباشد، زیرا در روایات مربوط به جنگل های حضرت ولی عصر (عج) هیچ نامی از نقاط یاد شده نیست که به احتمال قوی در

جنگ جهانی سوم در پیشقدم ظهور همه آن مناطق در زیر بمبهای اتمی و نیدروژنی نابود خواهد شد و آثار حیات در آنها نخواهد ماند .

« -1466 للترک خرجتان: خرجه فیها خراب آذربایجان و خرجه یخرجون فی الجزیره یخیفون ذوات الحجال فینصر الله المسلمین. فیهم ذبح الله الاعظم .»

«برای ترک ها دو خیزش است که در یکی از آنها آذربایجان ویران می شود و در دیگری وارد جزیره العرب می شوند و پرده نشینان را به وحشت می اندازند . خداوند مسلمانان را پیروز می گرداند که کشتار بزرگ الهی در آن روز است [14] .»

خیزش اولی در زمان ما و در هنگام اشغال آذربایجان توسط روس انجام گرفت و نشانه های خیزش دوم به تدریج آشکار می شود و به یاری خداوند در آینده ای نه چندان دور کشتار اشغالگران را در جنگ قرقیسیا خواهیم دید، که همه وحوش و طیور بر سر سفره گسترده الهی از اجساد اشغالگران اطعام خواهند شد .

« -1467 ستوخذ امتی احد الامم قبلها: شبرا بشبر و ذراعاً بذراع. حتی لودخلوا جحر ضب لاتبعتموهم .»

«امت های پیش از شما هر گونه گرفتاری دانشمند شما نیز وجب به وجب گرفتار خواهید شد، اگر آنها به لانه سوسماری وارد شده اند شما نیز بدون تردید وارد خواهید شد .»

این حدیث به تعبیر زیر هم آمده است :

« -1468 لتتبعن سنن من کان قبلکم حدو النعل بالنعل، باعاً فباعاً، و ذراعاً فذراعاً، وشبراً فشبراً، حتی لودخلوا جحر ضب لدختموه معهم .!»

«قدم به قدم، گام بر جای پای امت های پیشین خواهید گذاشت، وجب به وجب، ذراع به ذراع، مو به مو، حتی اگر آنها به لانه سوسماری فرو رفته باشند شما نیز خواهید رفت.» [۱۵]

کشورهای اسلامی وجب به وجب در دامن استعمارگران سقوط می کنند و مسلمانان یک روز در جولان و روزی دیگر در کرانه غربی رود اردن چون ملت های پیشین در دست استعمارگران قتل عام می شوند، آنها شیوه توسعه طلبی خود را دنبال می کنند و ما خود را با سمینارها و نشست های بی حاصل مشغول می کنیم و برای محفوظ ماندن از سلاح های ویرانگر آنها از پناهگاهی به پناهگاهی دیگر پناه می بریم که اگر بتوانیم به آشیانه سوسمار نیز پناهنده می شویم !

« -1469 اذا استتارت علیکم الروم و الترتک و جهزت الجیوش. ثم یتخالف الترتک و الروم، و تكثر الحروب .»

«هنگامی که ترک ها و رومیان علیه شما بسیج شوند و لشکرها بیارایند، آنگاه ترک و روم با یکدیگر به نبرد برخیزند و جنگ های بسیار دوری دهد [16]».

به طوریکه در صفحات بعد لفظ ترک و روم را معنی خواهیم کرد، روم همان یهود است که امروزه سرزمین مسلمانان را اشغال کرده و به دیگر سرزمین های اسلامی نیز چشم طمع دوخته، با تمام قدرت مناطق اسلامی را می کوبد، دیگر دشمنان نیز از شرق و غرب به کشورهای اسلامی حمله ور هستند و هر یکی به نوعی برای تاراج کردن منابع اقتصادی مسلمانان بسیج شده اند، و به ویژه از روزیکه شعار: نه شرقی و نه غربی در خاورمیانه بر سر زبان ها افتاده و امت اسلامی برای طرد نیروهای بیگانه تصمیم گرفته است، نیروهای استعمارگر نیز برای غارت کردن منابع زیرزمینی و بخصوص طلای سیاه مصمم تر شده است. و ما امروز در انتظار بروز اختلاف در میان اسرائیل و دیگر هم پیمانانش هستیم، چنانکه در حدیث فوق نوید داده شده است، که به دنبال آن جنگ سرنوشت ساز مسلمانان با اسرائیل واقع شود و حتی یک تن از نژاد اسرائیل در روی زمین باقی نباشد .

امروز رژیم اشغالگر قدس از طرف آمریکا و دیگر ابر جنایتکاران تقویت می شود ولی روزی فرا می رسد که حتی یک تن یهودی در روی زمین نمی ماند، چنانکه از بررسی آیات قرآنی استفاده می شود :

(هنگامی که خدای فرمود: ای عیسی من بازگیرنده تو و بالا برنده ام ترا به سوی خود، و پاک کننده ام ترا از آنانکه کفر ورزیدند، و گرداننده ام پیروانت را برتر از آنها که کفر ورزیدند تا روز قیامت. سپس به سوی منست بازگشت شما. پس داوری می کنم در میان شما، در مورد آنچه اختلاف می گردید [17] .)

(ولی آنانکه کافر شدند با عذابی سخت در دنیا و آخرت عذابشان می کنم و یارانی برای آنها نیست.) [۱۸]

(هر که یافت شوند خواری و ذلت بر آنها مقرر شده است جز اینکه به رشته ای از خدا و رشته ای از مردم بسته شده باشند) آنها به خشمی از خدا بازگشته اند، سرنوشتشان پریشانی است.) [۱۹]

پشت پا زدن ما به حریم مقدسات مذهبی، آنها را به صورت تازیانه الهی در برابر ما درآورده است و این رشته ای از خداست و پیمان های سیاسی - نظامی آنها با آمریکا و دیگر هم پیمانهایشان رشته ای از مردم است که انشاء الله با بیداری امت اسلامی و بازگشت مسلمانان به سوی خدا، هر دو رشته آنها قطع می شود و دیگر یار و یآوری در جهان برای آنها باقی نمی ماند .

« 1470- بین یدی الساعه فتح بیت المقدس، و مؤمنان فیکم کقص الغنم، و افاضه المال، و فتنه لایبقی بیت من العرب الا دخلته و هذه فتنه تکون بینکم و بین بنی الا صفر ثم یغدرونکم فیانونکم تحت ثمانین غایه، تحت کل غایه اتنتا عشر الفا .»

«در پیشقدم قیامت (به هنگام ظهور) بیت المقدس فتح می شود و دو کشتار در میان شما چون سر بریدن گوسفند (با همانند قیچی کردن پشم گوسفند) پدید آید و ثروت فراوان گردد و فتنه ای روی دهد که به هر خانه ای از خانه های ملت عرب وارد شود، و این فتنه در میان شما و تژاد زرد خواهد بود، که به شما حيله می کنند و با هشتاد پرچم به جنگ شما می آیند که در زیر هر پرچم دوازده هزار جنگجو باشد.» [۲۰]

تژاد زرد همان تژاد اسرائیل است و تعبیر «غایه» رساتر از تعبیر «رایه» هست زیرا «غایه» به معنای پرچم است و به مرغی گفته می شود که با بالهای پهن و گسترده خود بر فراز مردم پرواز کرده، سایه اندازد. که این تعبیر علاوه بر اینکه مفهوم «رایت» را می رساند، می تواند به پرواز هواپیماهای مهاجم اسرائیلی بر فراز کشورهای (اردن، لبنان و سوریه) نیز اشاره باشد. جالبتر اینکه آموزش های نظامی همگانی که در اسرائیل همه مردان و زنان را تحت پوشش دارد نزدیک به یک میلیون نفر را آموزش نظامی داده است و این درست همان رقمی است که در حدیث آمده (۱۲۰۰۰×۸۰) و به زودی در فتح قدس شریف همه آنها با ذلت و خواری به هلاکت خواهند رسید .

«- 1471 اعدد ستا بین یدی الساعة: موتی، ثم فتح بیت المقدس، ثم موتان یاخذان فیکم کقصاص الغنم ... ثم فتنه لایبقی بیت من العرب الا دخلته. ثم هدنه تکون بینکم و بین بنی الاصغر فیغدرون فیاتونکم تحت ثمانین غایه.»

«خود را در پیشقدم رستاخیز به شش حادثه مهیا کن: کشت و کشتار، سپس فتح بیت المقدس، آنگاه دو کشتار دیگر، که شما را چون گوسفند سر ببرند... و آنگاه فتنه ای که به هر خانه ای از امت عرب وارد شود و آنگاه پیمان صلحی میان شما و تژاد زرد، که به شما حيله می ورزند و با هشتاد پرچم به جنگ شما می آیند.» [۲۱]

تفصیل این صلح در احادیث بعدی خواهد آمد و این فتنه واقع شده و دود آن به هر خانه ای از خانه های اعراب رسیده است .

«- 1472 والذی نفسی بیده، لیلین امتی قوم، اذا تکلموا فتلوهم، و ان سکتوا استباحوهم. لیستاترن بفیئهم، ولیطان حرمتهم، و لیسفکن دماء هم، و لیملان قلوبهم دغلاً و رعباً، فلا تراهم الا خائفین و جلیین مرعوبین!. عندها یجیء قوم من المشرق و قوم من المغرب یلون امتی فالویل لضعاء امتی منهم، والویل لهم من اللهف لایرحمون صغیراً ولایوقرون کبیراً، ولایتجافون عن شیء. جثتهم جثث الادمیین، وقلوبهم قلوب الشیاطین.»

«سوگند به خدائی که جانم در دست قدرت اوست، افرادی زمام امور امت را در دست می گیرند که اگر

مردم سخن بگویند آنها را می کشند، اگر ساکت شوند همه چیز آنها را مباح می شمارند، ثروت آنها را تاراج می کنند، به حریم آنها تعدی می کنند، خون آنها را می ریزند، و دل آنها را با ترس و وحشت پُر می کنند. آنها را ترسان و لرزان می یابی، جز وحشت و اضطراب در آنها نمی بینی. در آن هنگام گروهی از شرق و گروهی از غرب آمده، سرنوشت آنها را به دست می گیرند، آنروز وای بر ضعفای امت از دست آنها، که بر کودکان ترحم نکنند و احترام بزرگان را رعایت نمایند و از چیزی چشم پوشی نکنند. چهره آنها چهره آدمیان است و دل آنها دل شیاطین می باشد.» [۲۲]

دروید بر اشرف کاینات که همه سخنانش از مبدء وحی سرچشمه گرفته هرگز سخنی به گزاف از زبان مبارکش صادر نشده است، آری امروز گروهی از شرق و گروهی دیگر از غرب فرا رسیده سرنوشت امت اسلامی را به عهده گرفته اند و بر کودکان رحم نمی آورند و احترام بزرگان را رعایت نمی کنند به حقوق و حریم مردم تعدی می کنند، ثروت های مردم را به یغما می برند و دل همگان را با وحشت و اضطراب پر کرده اند و همه فرمایشات آن بزرگوار مو به مو تحقق یافته است .

« 1473-تنزل الترتک الجزیره، و تنزل الروم فلسطین .»

«ترک وارد جزیره می شود و روم در فلسطین رحل اقامت می افکند.» [۲۳]

این حدیث نیز در عصر ما تحقق یافته، فلسطین به اشغال روم (یهود) در آمده و جزیره العرب به استعمار ترکان شرق و غرب !.

« 1474-هل سمعتم بمدينه جانب منها فی البحر؟. قالوا: نعم.. قال لاتقوم الساعه حتی یغروها سبعون الفا من بنی اسحاق .»

«آیا شهری را شنیده اید که یک کناره آن دریاست؟ گفتند: آری، فرمود :قیامت قیام نمی کند جز اینکه هفتاد هزار نفر از اولاد اسحاق (اسرائیل) در آنجا بجنگند.» [۲۴]

نام این شهر در یک روایت «عکا» و در روایتی دیگر «ایله» آمده است. [۲۵]

این حدیث نیز در عصر ما تحقق یافت و به هنگام اشغال کانال سوئز به همین مقدار سرباز اسرائیلی در این منطقه با مسلمانان نبرد کرد .

به همین مناسبت در اینجا اشاره ای به یکی از نکات لطیف قرآن می کنیم که چگونه از حوادث امروز و سیر تاریخی رژیم اشغالگر در طول چهارده قرن خبر داده است و امروز دقیقاً فرموده خداوند متعال و پیامبر بزرگوارش تحقق یافته است :

«فرزندان اسرائیل را در کتاب «تورات» آگاه کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد و برتری خواهید جست برتری بزرگی». [اسراء: ۴].

«چون هنگام یکی از آن دو پیامد بندگانی از خودمان بر شما برانگیختیم که دارندگان نیروئی بس شدید بودند، پس میان شهرها بگردیدند و آن وعده حتمی و شدنی بود.» (اسراء: ۵)

این همان وعده خداوند در تورات بود که در عهد «بختنصر» تحقق یافت که وعده قطعی حضرت پروردگار بود، که در ضمن آن ۳۰۰/۰۰۰ نفرشان کشته شد و ۰۰۰/۱۲۰ نفرشان اسیر شد، «هیكل» ویران شد، شهرهایشان خراب شد، ثروتهایشان تاراج گردید و هر چه داشتند بر باد رفت و هزاران سال با ترس و وحشت در اطراف زمین پراکنده شدند. و این وعده الهی به دست سپاه نیرومند «بختنصر» تحقق یافت.

«پس شما را برایشان دولت و غلبه باز دادیم و با اموال و اولاد شما را کمک کردیم و شما را لشکر فزوتتر قرار دادیم.» (اسراء: ۶)

و این در عصر ما تحقق یافت که پس از هزاران سال سرگردانی سرانجام در فلسطین گرد آمدند و مسلمانان آن سامان را از دیار خود بیرون راندند و با ابرقدرتها هم پیمان شدند و با دستیاری آنها سلاح های مدرن و مجهزی گرد آوردند و لشکرآرایی کردند و امروزه صاحب نیرو شده بر مسلمانان چیره گشته اند.

[پس از آن به بنی اسرائیل گفتیم: در آن سرزمین ساکن شوید، چون وعده واپسین فرا رسد، همه شما را با هم بیاوریم]. (اسراء: ۱۰۴)

بیش از ۳۰ سال است که در سرزمین موعود اقامت گزیده اند و وعده واپسین فرا رسیده است و اینکه وقت آنست که همگی در یک نقطه گرد آمده، یکجا نابود شوند و جهان از شر آنها راحت شود.

«چون وعده واپسین (دومین نوبت فساد در زمین) فرا رسد، تا چهره های شما را ناخوش آیند کنند و وارد مسجد (اقصی) شوند، چنانکه بار اول وارد شدند، و بر آنچه دست بیابند نابود کنند، یک نابود کردنی.» (اسراء: ۷)

این هم در عصر ما تحقق یافت و آن فرقه ستمگر در این مکان مقدس گرد آمدند و چون بار نخستین وارد مسجد اقصی شدند و بر هر چه دست یافتند و ویران کردند و حتی از آتش زدن به مسجد اقصی دریغ نکردند و همه مقدسات را لگدمال کردند.

برخی از مفسران تصور کرده اند که منظور از دومی وعده موعود برای نابودی اسرائیل همان عهد «بختنصر» است که قبلاً اشاره کردیم. ولی سیاق آیات آن را رد می کند زیرا آیات اول سوره اسراء با نظام خاصی مراحل تسلسلی قوم اسرائیل را آورده، که دقیقاً گذشت زمان آن را تفسیر کرده و روند حرکت آنها با آن منطبق

شده است، دیگر جای تردیدی برای احدی نمی ماند در اینکه حوادث عهد بختنصر منطبق با نخستین مرحله از وعده الهی است و دومین مرحله آن در عصر ما در شرف انطباق است، که در آخر سوره اسراء خداوند سبحان وعده می دهد که همه آنها را گرد آورده یکجا نابود سازد (اسراء: ۱۰۴)

به طوریکه از سیاق آیات استفاده می شود این نویدها و وعیدها مربوط به روزگار معاصر با نزول قرآن نیست بلکه مربوط به زمان های بعد از صدر اسلام می باشد، همچنین به صورت نقل داستان یهود در زمان های گذشته نیز نمی باشد، بلکه بدون تردید مربوط به آینده است که در عصر ما در شرف تکوین و تحقق است و اگر در سیاق آیات از اول سوره اسراء تا آخر آن تدبر شود به قطعی بودن این نظر از دیدگاه قرآن، اطمینان حاصل می شود. [۲۶]

جالب اینکه این داستان در تورات نیز آمده است، با دقت در تورات در می یابیم که تورات نیز از آن روز موعود و ریشه کن شدن نسل اسرائیل از خاک فلسطین خبر داده است، و اینک متن تورات :

«خداوند به او گفت: از میان شهر یعنی از میان اورشلیم بگذر و بر پیشانی کسانی که به سبب همه رجاساتی که در آن کرده می شود آه و ناله می کنند نشانی بگذار. و به آنان به سمع من گفت: که در عقب او از شهر بگذرید و هلاک سازید و چشمان شما شفقت نکند و ترحم منمائید. پیران و جوانان و اطفال و زنانرا تماماً به قتل رسانید، اما به هر کسی که این نشان را دارد نزدیک نشوید و از قدس من شروع کنید... چون ایشان می کشتند و من باقی مانده بودم به روی خود در افتاده استغاثه نمودم و گفتم: آه ای خداوند یهوه، آیا چون غضب خود را بر اورشلیم می ریزی تمامی بقیه اسرائیل را هلاک خواهی ساخت. او مرا جواب داد گناه خاندان اسرائیل و یهودا بی نهایت عظیم است و زمین از خون مملو و شهر از ستم پر است ... پس چشم من نیز شفقت نخواهد کرد و من رحمت نخواهم فرمود، بلکه رفتار ایشان را بر سرایشان خواهم آورد.» [۲۷]

اگر چه ما نمی دانیم که این تعبیرها چقدر از تحریف مصون مانده یا دستخوش تحریف شده است ولی می رساند که همانند رفتار اسرائیل با دیگران، با خود آنها رفتار خواهد شد، به طوریکه آنها به پیر و کودک رحم نکردند و کودکان خردسال و پیرزنان کهنسال را در دیرباسبین و دیگر موارد به خاک و خون کشیدند، واکنش بسیار مناسبی خواهند دید و بر کوچک و بزرگشان ترحم نخواهد شد و همگی محکوم به فنا و نابودی خواهند شد .

« 1475-یستخدم المشركون المسلمین و یبیعونهم فی الامصار، ولا یتحاشی لذلک بر ولا فاجر! ولا یزال ذلک البلاء علی اهل ذلک الزمان حتی اذا یئسوا و قنطوا و اسأوا الظن الا یفرج عنهم، اذ بعث الله رجلا من اطایب عترتی و ابرار ذریتی، عدلاً مبارکاً زکیاً، لایغادر مثقال ذره، یعزل الله به الدین و القرآن والاسلام و اهله، ویذل به الشرك و اهله، یکون من الله علی حدولا یغتر بقرابه، ولایضع حجراً علی حجر، ولایقرع احدا فی ولایینه بسوط الا فی حد . یمحوالله به البدع کلها، و یمیت الفتن کلها. یفتح الله به باب حق، و یغلق به باب کل باطل، یرد به

«مشرکان مسلمانان را استخدام کرده، آنها را در شهرها خرید و فروش می کنند! و کسی از افراد صالح و فاسد از آن بیزاری نمی جوید! این گرفتاری با مردم آن زمان خواهد بود تا هنگامی که همگان مأیوس و نومید شوند و تصور کنند که دیگر خداوند از آنها رفع گرفتاری نخواهد فرمود!، آنگاه خداوند مردی را از بهترین فرزندان و پاکترین عترت من بر می انگیزد که سراپا عدل و برکت و پاکی است، از کوچکترین حق کشی چشم نمی شود، خداوند به وسیله او دین و آئین و قرآن و اهل ایمان را عزیز می کند و شرک و اهل شرک را خوار و زبون می سازد، او دقیقاً فرمان خدا را اجراء می کند، با کسی حساب خویشاوندی ندارد، سنگی روی سنگ نگذارد، در فرمانروائی او کسی تازیانه نخورد جز اینکه حد شرعی در حقیقت جاری شود، خداوند به وسیله او بدعتها را نابود سازد و فتنه ها را بخواباند و درهای حق و حقیقت را بگشاید و درهای باطل را ببندد، به وسیله او همه درهای حق و حقیقت را بگشاید و درهای باطل را ببندد، به وسیله او همه اسیران اسلامی را در هر کجا که باشند آزاد می سازد.» [۲۸]

آری او عدل منتظر و صاحب شوکت و فراست که همه اسیران در بند به دست او از قید اسارت آزاد می شوند و از همه گرفتاران رفع گرفتاری می شود. هر تبعیدی دور از وطن به آغوش میهن خود باز می گردد و حلاوت زندگی در پرتو دولت عدل را در می یابد .

رسول گرامی اسلام از این حوادث و درگیریها و تبعیدی ها و پناهندگی ها به تفصیل خبر داده و اغلب آنها تحقق یافته است. در زمان ما وعده قرآن کریم و احادیث سیدالمرسلین (ص) واقع شد و رومیان بر قسمت اعظم شامات چیره شدند [29] .

« 1476- یکون اختلاف صنفین من العجم فی لفظه کلمه (عدل) و سفک دماء کثیره فیما بینهم، و قتل الوف الالوف، اذا تقتتل الفئتان مقتله عظیمهف و دعوتهما واحده »

«در میان دو گروه از اقوام عجم در کلمه «عدل» اختلاف پدید می آید و خون های بسیاری در آن نبرد ریخته می شود و هزاران هزار انسان در آن میان کشته می شود، زیرا جنگ بسیار سختی در میان آنها روی می دهد در حالیکه هر دو گروه یک ادعا دارند و به سوی یک هدف همدیگر را فرا می خوانند!». [۳۰]

امروز دو ابر قدرت در مقام ادعا به سوی یک هدف دعوت می کنند، هر دو به صلح جهانی، اجرای کامل عدالت مبارزه جدی با اختلافات طبقاتی دعوت می کنند ولی به عدالتی که هر یکی براساس معتقدات خود از کلمه «عدل» برداشت می کنند، هنگامی که این درگیریهای لفظی و تبلیغاتی به صورت جدی تر درآید، جهان را به آتش و خون می کشد و قست اعظم ساکنان زمین را به هلاکت می رساند و برخی از قاره ها (آمریکا و اقیانوسیه) را از صفحه تاریخ محو می کند. واژه «عدل» به شکل های مختلف آن «برابری، برادری، جامعه

توحیدی بی طبقاتی و حکومت واحد جهانی) که امروز نقل مجالس است و در سرلوحه کنگره ها و سمینارها جای گرفته است، چهارده قرن پیش توسط رسول اکرم (ص) مطرح شده، و از گسترش این واژه در مجامع بین المللی و درگیری قطب های شرق و غرب به ادعای تأمین عدالت اجتماعی از سوی طرفین دقیقاً مورد توجه قرار گرفته است .

امروز همه گروه ها، مکتبها، دولتها، ملتها، با اختلاف نظرهایی که دارند همگی از عدالت دم می زنند و در مقام ادعا برای تأمین عدالت اجتماعی تلاش می کنند ولی جنایتهای خود و هم پیمانان خود را توجیه و تأویل کرده، با هزاران مکر و حيله خیانت را عدالت می نامند و برای تأمین عدالت و تحقق بخشیدن به واژه «عدل» با قطب های مخالف خود می جنگند ولی از هر گونه اعتراض و انتقاد در برابر رژیم اشغالگر اسرائیل سکوت می کنند و با کمال تأسف اغلب کشورهای اسلامی نیز از طرحهای ریاکارانه آنها پشتیبانی کرده، در برابر اینهمه رژیم اشغالگر اسرائیل سکوت می کنند و با کمال تأسف اغلب کشورهای اسلامی نیز از طرح های ریاکارانه آنها پشتیبانی کرده، در برابر اینهمه جنایت و خیانت دم فرو می بندند. [۳۱]

« 1477-سیکون بعدی فتن، منها فتنه الاجلاء، یکون فیها هرب و ضرب، ثم من بعدها فتن اشد منها، ثم فتنه کلما قیل انقطعت تمادت حتی لایبقی بیت الا دخلته ولم الا صکته حتی یخرج رجل من عترتی، الفتنه الرابعه ثمانیه عشر عاماً »

«بعد از من فتنه هائی پدید آید، که یکی از آنها فتنه جلای وطن شدن است، در این فتنه فرارها و درگیری ها روی می دهد و آنگاه فتنه شدیدتری پدید آید، سپس فتنه ای روی دهد که هر وقت بگویند تمام شد ادامه پیدا کند تا جائیکه دود آن به هر خانه ای وارد شود و همه راه های صلح را ببندد، تا مردی از عترت من خارج شود، فتنه چهارمی هجده سال ادامه یابد.» [۳۲]

این حدیث به روشنی از فتنه اسرائیل و اشغال فلسطین و جلای وطن شدن مردم آن و فتنه های بعدی اسرائیل در آن سرزمین مقدس خبر می دهد .

صهیونیسم جهانی پس از اشغال فلسطین فتنه های بسیاری پدید آورد، کشورهای اسلامی را به جان یکدیگر انداخت و دود این فتنه ها به هر خانه ای در منطقه و به ویژه در لبنان وارد شد و به احتمال قوی ما فتنه چهارم را سپری می کنیم که در سال ۱۹۶۷ م. شروع شده و احتمالاً در سال ۱۹۸۵ م. پایان خواهد یافت .

« 1478-بینکم و بین الروم اربع هدن: یوم الرابعه علی ید رجل من اهل هرقل، یدوم سبع سنین. ثم یکون امام الناس المهدی.»

«در میان شما و روم چهار پیمان صلح امضا می شود که چهارمی آن به دست مردی از اهل هر قل [۳۳] انجام

می پذیرد و هفت سال ادامه می یابد، آنگاه مهدی (عج) فرمانروای مردم شود.» [۳۴]

احتمالاً پیمان چهارم همان پیمان کمپ دیوید باشد که به دست رئیس جمهور و وزیر امور خارجه آمریکا، میان مصر و اسرائیل بسته شد و به یاری خدا پس از انقضای هفت سال از تاریخ این پیمان جنگ به پایان رسیده، اسرائیل نابود خواهد شد و مقدمات ظهور یکتا مصلح جهان انجام خواهد یافت. انشاء الله .

خیال می کنم که من در تاریخ پیمان چهارم اشتباه نمی کنم و صلح به معنای آتش بس کامل جنگ نیست، بلکه همان پیمان پوچ و صوری کمپ دیوید است که بر ملت مصر تحمیل شد تا صولت جنگ شکسته شود، اسرائیل نفس راحتی بکشد و برای آینده مجهزتر شود و طرح تازه ای برای ایجاد آشوب و بلوا، و انجام تاراج و یغما پیاده کند. ولی خدای بزرگ در کمین ستمکاران است و نقشه خیانتکاران را نقش بر آب کرده، شر جنایتکاران را به خودشان باز می گرداند. انشاء الله . چنانکه خدای تبارک و تعالی خطاب به حضرت داود (ع) فرمود: [ای بنده ام! تو می خواهی و من می خواهم، سرانجام آنچه من می خواهم تحقق می یابد .]

« 1479-بینکم و بین الروم سبع سنين. فقيل: يا رسول الله من امام الناس يومئذ؟. قال: المهدي من ولدی . »

«میان شما و روم هفت سال است. گفته شد: ای رسول گرامی اسلام! در آن زمان امام مردم کیست؟ فرمود: مهدی (عج) از اولاد من.» [۳۵]

بسیار امیدواریم که هفت سال بعد از قرار داد کمپ دیوید فجر ظهور بدمد و آفتاب جهانتاب امامت از پشت پرده درآید جهان را با نور الهی خود منور سازد .

« 1480-يُكيد الروم لاهل الشام، و يجمعون لهم جمعاً عظيماً، و تكون مقتله عظيمه يوم الفتح . »

«رومیان برای اهل شام حيله می کنند و سپاه عظیمی برای آنها گرد می آورند و در روز فتح نبردی سخت واقع می شود.» [۳۶] چنانکه به هنگام اشغال بیت المقدس انجام یافت .

« 1481-يوشك لاهل الشام ان لايجبي اليهم دينارولامد، و ذلك من قبل الروم . »

«برای مردم شام انتظار می رود که درآمد و محصولی حاصل نشود و این از جانب رومیان خواهد بود.» [۳۷]

پس از جنگ اعراب و اسرائیل برای ساکنان شهرهای مرزی دیگر آن فراغت فکری و امکان عملی حاصل نشده که به کار کشاورزی و دامپروری مشغول شوند و برای کشور خود زراعت کنند و دام پرورش دهند و

تاکنون با مساعدت های دولتی زندگی کرده اند و از هر تلاشی در حوالی مناطق اشغالی بازمانده اند .

« 1482-عدو یجمعون لاهل الشام، یجمع لهم اهل الاسلام. فقیل له: الروم تعنی؟ قال نعم، ثم قال: ویكون عند ذلكم القتال رده شدیدة .»

«دشمنی سخت برای مردم شام صف آرائی می کند که همه ملت اسلامی برای مقابله با آنها گرد می آیند. گفته شد: مراد شما رومیان (یهود) است، فرمود: آری. سپس فرمود: در آن هنگام جنگی در می گیرد و بیشتر جوانان از اسلام بر می گردند.» [۳۸]

اسرائیل در زمان ما سپاهی عظیم گرد آورد و ممالک اسلامی در محدوده امکانات خود برای مقابله با آنها گرد آمدند و جنگی سخت در گرفت و با کمال تأسف حالت ارتداد در جوانان بیش از هر زمانی دیگر مشاهده می شود .

« 1483-ملاحم الناس خمس: قد مضت انتتان، و ثلاث فی هذه الامة: ملحمه الترك، و ملحمه الروم، و ملحمه الدجال .»

«فجایع بزرگ جهان پنج تاست که دو تای آن واقع شده و سه تای آن در این امت واقع می شود: فاجعه ترک، فاجعه روم و فاجعه دجال.» [۳۹]

فاجعه ترک در قرقیسیا انجام می پذیرد و ریشه کنی روم (اسرائیل) و سفیانی به دست حضرت بقیه الله (عج) انجام می پذیرد .

پرواضح است که سپاهیان حضرت ولی عصر (عج) در مکه گرد آمده به سوی بیت المقدس روی می آورند. طبق احادیث یک سپاه ده هزار نفری متشکل از سعادت مندانی که در اولین روزهای ظهور توفیق بیعت با آن مصلح بزرگ جهان را پیدا می کنند و به سوی بیت المقدس حرکت می کنند و بعد از پاکسازی سرزمین مقدس فلسطین از تفاله های رژیم اشغالگر به سوی قسطنطنیه (استانبول) حرکت کرده، آنجا را فتح می کنند. [۴۰]

قرآن کریم تاریخچه قوم یهود را از آغاز تا انجام در سوره روم در ضمن آیات معدودی بیان فرموده است که فشرده آن را در اینجا می آوریم :

[الم، غلبت الروم فی ادنی الارض و هم من بعد غلبهم سیغلبون .]

«الف، لام، میم. رومیان در نزدیکترین زمین شکست خوردند، و آنها پس از مغلوب شدنشان به زودی غالب

منظور از نزدیکترین زمین، نواحی شام است که نزدیکترین نقطه به سرزمین روم و سرزمین پارس است.

[۴۲]

آری رومیان از پارسیان شکست خوردند و روم به معنای دیگرش یعنی یهودیان نیز از مسلمانان شکست خوردند و آن، شکست آنها در صدر اسلام از سپاه مهاجر و انصار به فرماندهی رسول اکرم (ص) می باشد .

ولی قرآن کریم خبر می دهد که رومیان به دنبال این شکست چیره خواهند شد، چنانکه رومیان بر پارسیان چیره شدند و یهودیان بر ملت مسلمان. چه غلبه ای بالاتر از این، که سرزمینشان را غصب کرده، خودشان را از میهن خود رانده اند و سرنوشت ملت مسلمان را به دست گرفته اند و با آنها چون رابطه استعمارگران با مردم مستعمرات معامله می کنند و یهودیان را از اقطار و اکناف جهان به سرزمین اشغالی که همان «ادنی الارض» است گرد آورده اند .

قرآن کریم برای این اجتماع مجدد یهود در سرزمین موعود تاریخی که تعیین کرده «بضع سنین» است که این تعبیر از چهل تا هشتاد سال را شامل می شود. سپس می فرماید :

[الله الامر من قبل و من بعد .]

(قبلاً و بعداً فرمان از ان خداست). [۴۳]

یعنی پیش از مغلوب شدن رومیان (یهود) و بعد از بازگشت آنها به سرزمین موعود برای تأدیب شدن مسلمانان، تا هنگامی که حجت خدا (عج) ظهور کند و زمین را از تیرگی آنها پاک گرداند که :

[و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله .]

(در آن روز مؤمنان، با نصرت خدا شاد می شوند). [۴۴]

آن روز از رژیم اشغالی و هم پیمانان نظامی آن خبری نیست و زمین برای خدا خالص می شود و در سر تا سر جهان پرچم توحید برافراشته می گردد و ظلم و ستم از صحنه گیتی ریشه کن می شود. چنانکه امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه فرمود :

« 1484- عند قیام القائم (ع) »

«آنروز مؤمنان شاد می شوند به هنگام قیام قائم (عج)». [۴۵]

رسول گرامی اسلام نیز از ریشه کن شدن این ماده فساد خبر داده، می فرماید :

« 1485- سوف ترون جبالا تزول قبل حق الصيحه. لاتقوم الساعه حتى يدل الحجر على اليهودي فيقول الحجر: يا عبدالله هذا ما تبتغي . »

«به زودی می بینید که پیش از آن صیحه (بانگ آسمانی) کوهها از جای کنده می شوند، آری قیامت بر پا نمی شود جز پس از آنکه سنگ از مخفی گاه یهودیان خبر دهد و بگوید: ای بنده خدا! آنچه دنبال می کنی اینجاست.»

لحظه پرشکوه ظهور، ساعت موعود یهود است که چون قیام قیامت دست و پای خود را گم کرده، از هر حيله ای فرو می مانند، در پشت سنگها و صخره ها خود را مخفی می کنند و از صخره ها به قدرت پروردگار بانگ بر می آید که یک یهودی اینجاست، و آنگاه از مخفیگاه بیرون آمده خود را طعمه شمشیر می سازند، خداوندی که روز قیامت هر چیزی را به سخن در می آورد چه مانعی دارد که در آن روز پرشکوه به برکت حضرت ولی امر (عج) سنگها را به صدا در آورد تا مخفیگاه دشمن را افشا کنند؟!

« 1486- سألت لامتي ان لايسلط عليهم عدوا من غيرهم فاعطانيها . »

«در مورد امت از خدا خواستم که دشمن خارجی را بر آنها، مسلط نگرداند و خداوند این دعایم را به اجابت رسانید.»

از این حدیث شریف استفاده می شود که هرگز دشمن خارجی تسلط کامل بر امت اسلامی پیدا نخواهد کرد و اشغال سرزمین مسلمانان از طرف یهود به درازا نخواهد کشید انشاء الله .

« 1487- ان القائم لا يظهر حتى تملك الكفار الانهر الخمسه: سيحون، و جيحون، والفرات، و دجله، و النيل، فليصرن الله اهل بيته على الضلال، فلا ترفع له رايه الى يوم القيامة . »

«قائم (عج) ظاهر نمی شود جز پس از آنکه کافران ۵ رودخانه را به تصرف خود در آورند: سیحون، جیحون، فرات، دجله و نیل، آنگاه خداوند گروندگان خویش را بر گمراهان پیروز گرداند و دیگر پرچم آنان تا قیامت برافراشته نشود [46] .»

رودهای یاد شده هم اکنون در تصرف دست نشانندگان کفار است و غربی ها بر آنها سیطره دارند و رودهای سیحون و جیحون رسماً در دست کفار است. [۴۷]

دروازه های چین باز شده، چین از حالت انزوا خارج شده، با کشورهای اسلامی چون مصر و غیره روابط سیاسی و بازرگانی آغاز کرده، کالاهای تجارتي صادر می کند، کمک های با عوض و بی عوض می دهد .

رسول اکرم (ص) با تعبیر انتشار یاجوج و ماجوج از ورود چین و ماچین در عصره مبادلات بین المللی و خروج آنها از پشت دیوارهای مستحکم کشورشان خبر داده است .

این خروج با جنگ چین و ویتنام بر سر کامبوج و دیگر آرمان هائیکه چین در پی به دست آوردن آنها بود؛ آغاز شد. آنگاه چینی ها برای نخستین بار از مرزهای خود خارج شدند و به یک کشور همسایه حمله بردند .

کلمه «یتتشر» در حدیث شریف اشاره به جمعیت فوق العاده چین است که امروزه نزدیک یک میلیارد جمعیت است .

قرآن کریم در این باره می فرماید :

[حتی اذا فتحت یاجوج و ماجوج، و هم من کل حدب ینسلون .]

«هنگامی که یاجوج و ماجوج گشوده شوند و از هر پشتی ای سرازیر شوند». [۴۸]

امروزه چین گشوده شده، چینی ها در جهان پخش شده اند و از هر پشتی ای سرازیر شده اند و در هر رشته ای وارد شده اند و افکارشان را به جهان صادر کرده اند و در مغز جوان های اسلامی نیز وارد کرده اند. و اینک وقت آن رسیده است که حدیث «بنی قنطوره» تحقق پیدا کند که آمده است :

« 1488- یوشک ان یطوی ملک العرب. یطویه بنو قنطورا، قوم عراض الوجوه، فطس الانوف، صغار الاعمین، کان وجوههم المجان المطرقه، یتتلون الشعر . ینزلون قریه قریبه من الارض العرب، بل هی من ارض العرب یقال لها: حبانہ اللون، فیقاتلهم العرب قتالاً شدیداً، فیقول التـرک: اذفعوا الینا اخواننا من العجم ولانقاتلکم، فیقول العرب للموالی: الحقوا باخوانکم، فیقول الموالی: ویحکم، الی الکفر بعد الاسلام؟! ثم تقاتلهم الموالی قتالاً شدیداً، فیہزمهم اللہ حتی لایبقی منهم مخبر. و یجیء الموالی بالغنائم، فیقول العرب للموالی: اعطونا مما غنمتم، فیقولون: لاتعطیکم و قد خذلتمونا .»

«نزدیک است که سلطنت عرب به دست «بنی قنطوره» بر چیده شود. بنی قنطوره قومی هستند با صورت های پهن، بینی های فرو رفته و دیدگان کوچک، صورتهایشان چون سپرهای آهنین است. کفشهای موئی به پا می کنند و در محلی در نزدیکی سرزمین عرب، که از زمین های عربی است فرود آیند که به آنجا «وادی لون» گفته می شود. عربها سخت با آنها درگیر می شوند. ترکها می گویند: برادران عجم ما را به ما پس دهید ما با شما جنگ نمی کنیم. عربها به «موالی» می گویند: به برادران خود بپیوندید. آنها می گویند: وای بر شما، آیا

پس از اسلام به سوی کفر برگردیم؟! آنگاه موالی با آنها می‌جنگند و آنها را شکست می‌دهند و گزارشگری از آنها باقی نمی‌ماند. موالی با غنیمتهای فراوان باز می‌گردند. عربها به موالی می‌گویند: از آنچه غنیمت گرفته اید به ما هم بدهید. آنها می‌گویند: چیزی به شما نمی‌دهیم که شما ما را تنها گذاشتید و ما را یاری نکردید.» [۴۹]

بر طبق آنچه که در کتاب های لغت چون اقرب الموارد و قاموس المحيط آمده است، زیرا صفات یاد شده در حدیث هرگز با آنها تطبیق نمی‌کند. ما معتقدیم که قنطوره همان کنیز حضرت ابراهیم (ع) است که تژاد ترک و چین از اوست. اندلس کجا و دسترسی به سیحون و جیحون و فرات و دجله کجا؟

از سوی دیگر صفات یاد شده در حدیث با آنها (ترکها و چینی ها) منطبق است. که آنها صورتی پهن، دماغی فرو رفته و دیدگانی ریز دارند و رنگ صورتشان زرد مایل به سرخی است که با سپرهای مسی شباهت پیدا می‌کند که در زیر پتکهای مسگر گلگون شده باشد. این چهره های گلگون و خالی از خوف خدا نیز شبیه آن سپرهای مسی می‌شود .

رسول اکرم (ص) در حدیثی دیگر از آنها بیم داده می‌فرماید :

« 1489-یوشک بنوقنطورا ان یخرجوا بکم من ارض العراق .»!!!

«نزدیک است که بنوقنطوره شما را از سرزمین های خود از خاک عراق بیرون کنند.» [۵۱]

ممکن است به هنگام هجوم ترکها به عراق این معنی تحقق یافته باشد و برخی از مردم عراق از سرزمین های خود فرار کرده باشند، چنانکه در بصره روی داد .

و در حدیثی دیگر به این تعبیر آمده است :

« 1490-یوشک بنو قنطورا بن کنکر یخرجون فیسوقون اهل خراسان سوقاً عنیفاً حتی یوردوا خیولهم نهر الابله .»

«نزدیک است بنوقنطوره پسر کنکر خروج کنند و اهل خراسان را به شدت فراری دهند تا آنها را به رود بصره وارد کنند.» [۵۲]

تصور می‌کنیم که در این حدیث اشتباه چاپی روی داده و به جای «من»، «بن» آمده است و در اینصورت معنای حدیث چنین خواهد بود :

«نزدیک است که بنوقنطوره از «کنکر» خروج کنند و ...»

کنکر، نام قصبه ای در میان همدان و کرمانشاه، در کنار جاده همدان - کرمانشاه است، و به سبب آثار باستانی اش معروف است. [۵۳]

در حدیثی دیگر تصریح شده که بنی قنطوره از مشرق زمین می آیند :

« 1491- لیسوقن بنو قنطورا المسلمین، ولتربطن خیولهم بنخل خوا قرب مسجد الکوفه، ولیشر بن من فرض الفرات و لیسوفن اهل العراق، قادمین من خراسان و سجستان سوقا عنیدا، فهم شرار سلبت الرحمه من قلوبهم، فیقتلون و یأسرون بین الحیره و الکوفه .»
«بنوقنطره مسلمانان را دنبال می کنند و اسبهای خود را به نخلهای خوا (در نزدیکی مسجد کوفه) می بندند که از آبشخورهای فرات می نوشند. بنوقنطره که از خراسان و سجستان می آیند مردم عراق را به شدت فراری می دهند. آنها شریرانی هستند که مرحمت از دل‌هایشان گرفته شده است، در میان حیره و کوفه به هر کس برسند می کشند و اسیر می گیرند.» [۵۴]

آتشی که آنها بر پا می کنند، مطقه را به آتش می کشد، سوریه و لبنان و فلسطین را در شعله های خود می سوزاند و آسایش و آرامش را از کرانه های دریای مدیترانه و دریای سرخ سلب می کند. که در حدیثی دیگر رسول اکرم (ص) (همگان را از آن فتنه فراگیر برحذر می دارد :

« 1492- تأتي فتنه تدعى الحاقه، تحلق الدين، يهلك فيها صريح العرب، و صالح الموالى، و اصحاب الكفر، و الفقهاء، و تنجلى عن اقل من القليل .»

«فتنه ای ویرانگر پدید آید که به آن فتنه خانمان برانداز گویند، دین و آئین را ریشه کن می سازد، عرب اصیل، صالحان از موالیان (ایرانیان)، فقها و کفار در این فتنه کشته می شوند و جز افرادی اندک از این ورطه هلاکت رهایی نیابند.» [۵۵]

تصور می شود که فتنه خانمان برانداز همان فتنه بنوقنطوره باشد، که احتمالاً با جنگ جهانی سوم همزمان خواهد بود .

در این حدیث این فتنه با کلمه «حاقه» توصیف شده که ما آن را «خانمان برانداز» تعبیر کردیم، این واژه از ماده «حَلَقَ» به معنای تراشیدن است که انسان ها را درو می کند و چیزی باقی را نمی گذارد. جالب است که در فتنه چپی های چینی، تراش سر به تقلید از «مائوتسه تونک» به صورت شعار عمومی درآمده بود، که آوردن تعبیر «حاقه» خالی از لطف نیست .

«-1493 اذًا سمعتم بناس يأتون من قبل المشرق، اولى دهاء، يعجب الناس من زيبهم، فقد اضلتكم الساعه .»

«هنگامی که بشنوید مردمی از طرف مشرق می آیند که بسیار با ذکاوت هستند و مردم از تیپ آنها دچار شگفت می شوند، بدانید که ساعت فرا رسیده است.» [۵۶]

در این حدیث نیز منظور از ساعت، ظهور حضرت بقیه الله روحی الفداء می باشد. از این حدیث نیز گفتار ما تأیید می شود که ورود آنها به صحنه مبارزات جهانی همزمان با جنگ جهانی و یا به دنبال آن خواهد بود، که پس از آن فرج عمومی فرا می رسد .

«-1494 ینصبون رایات اولها نصر، و آخرها کفر!. یتبعهم حثاله العرب و سفله الموالی و العبيد الابق، رقوا من الفاق، سیماهم السواد، و دینهم الشرك، و اکثرهم الخداع .»

«پرچمهایی برافراشته می شود که آغازش پیروی و پایانش کفر است، اراذل عرب و اوباش عجم از آنها پیروی می کنند و بردگان فراری به آنها می پیوندند و از حدود تجاوز می کنند. چهره هایشان سیاه، آئینشان شرک و بیشترشان حيله گر هستند.» [۵۷]

«-1495 یسوق امتی قوم عراض الوجوه، صغار الالعین، کان وجوههم الجحف، حتی یلحقوهم بجزیره العرب، ثلاث مرات. اما السائقه الاولى فینجو من هرب منهم، و اما الثانيه فیهلك بعض و ینجو بعض، و اما الثالثه فیصنظلمون کلهم، من بقى منهم علی ید الترك.. قیل: یا رسول الله، من هم؟ قال: الترك. اما والذی نفسی بیده لتربطن خیولهم الی سواری مسجد المسلمین .»

«قومی که صورت های پهن و دیدگان ریز و قیافه های غمباری دارند، امت مرا می رانند و به جزیره العرب بر می گردانند. این حمله و گریز سه بار روی می دهد. در بار اول هر کس فرار کند نجات می یابد، در بار دوم برخی نجات یابند و برخی هلاک شوند، و در بار سوم همگی نابود شوند .

گفته شد: یا رسول الله! آنها کیانند؟ فرمود :

آنها اتراک هستند. سوگند به خدائی که جان من در دست قدرت اوست، اسپهای خود را در داخل مساجد مسلمین به شریفترین نقطه مساجد می بندند.» [۵۸]

کلمه «اصطلام» که در این حدیث تعبیر شده، هلاک شدن در آتش جنگ و جان سپردن در زر بمباران های هوایی و نابود شدن با موشک های هدایت شونده است .

تعبیر «جحف» که در وصف آنها آمده، به شنهائی گفته می شود که پس از سیل در بستر رودخانه میماند، که چهره های زرد و موجدار آنها را می رساند .

« -1496 فیفترقون ثلاث فرق: فرقه تمکث، و فرقه تلحق بآبائها منابت الشیخ و القیصوم، و فرقه تلحق بالشام وهی خیر الفرق .»

«سه گروه می شوند، گروهی باقی می مانند، گروهی در چمنزارهای شیخ و قیصوم [۵۹] به پدران خود می پیوندند و گروهی به شام می گریزند که اینها بهترین آن سه گروهند.» [۶۰]

این گروه از طرف بصره و کویت و دیگر شهرهای شرقی خاورمیانه به سوی شام سرازی می شوند، چنانکه از احادیث بعدی استفاده می شود :

« -1497 یأتی بنوقنطورا البصره، حتی ینزلوا بنهر دجله فیفترق الناس ثلاث فرق: فرقه تلحق باصلها و فرقه تاخذ علی نفسها و تکفر، و فرقه یجعلون ذراریههم وراء ظهورهم فیقاتلون، قتلهم شهداء، یفتح الله علی انفسهم، و یلحقون بالشام .. و اماره ذلک اذا طبقت الارض اماره السفهاء .»

«بنوقنطره وارد بصره می شوند، در کنار رود دجله فرود می آیند، مردم سه گروه می شوند، گروهی به پدران خود می پیوندند، گروهی به سختی می افتند و کفر می ورزند، و گروهی خانواده های خود را پشت سر خود قرار می دهند و وارد نبرد می شوند. کشته هاییشان شهید است، خداوند برای آنها گشایش می دهد و آنها خود را به شام می رسانند، در آن موقع در تمام اقطار زمین حکومت به دست سفیهان است.» [۶۱]

امروز در همه اقطار و اکناف جهان حکومت به دست سفیهان است و مردم در برابرشان سه گروه شده اند، گروهی از ستم آنها پا به فرار می گذارند، گروهی به سوی آنها گرایش پیدا می کنند و به آنها جذب می شوند و گروهی با آنها به ستیز بر می خیزند. نشانه ها از نزدیک شدن آن ایام حکایت می کنند .

« -1498 للمسلمین عدو، وجوههم کالجحف، وعیونهم کالوزغ، لهم وقعہ بین دجله والفرات، حتی یکون الجوز اول النهار بمئه دینار الی الشام، ثم یزید آخر النهار .»!!

«برای مسلمین دشمنانی است که صورتهایشان چون شنهای مسیل، و دیدگانیشان همانند قورباغه است، آنها درگیری سختی در میان دجله و فرات دارند که هزینه عبور و گریز به شام صبحگاهان صد دینار و شامگاهان بیشتر از صد دینار می باشد.» [۶۲]

دروید بیکران ایزد منان بر اشرف رسولان (ص) که همه پیچ و خمها را برای امتش بازگو نموده و نکته ای را مسکوت نگذاشته، تا امتش در راه خود بصیر باشند، اگر به سخنانش گوش فرا دهند و از او امرش پیروی

کنند .

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید :

« -1499اذا لنساب علیکم الترتک، و مات خلیفتکم الدی یجمع الاموال، و یستخلف من بعده رجل ضعیف یخلع بعد سنتین من بیعتہ .»

«هنگامی که ترک ها بر شما حمله ور شوند و خلیفه ثروت اندوزتان بمیرد و مرد زبونی از او جانشین شود که پس از دو سال از خلافت خلع شود.» [۶۳]

امروز بیگانگان بر ما تاخته اند و از هر طرف چون مارهای افعی بر ما حمله ور شده اند. پس از فروکش شدن جنگ جهانی، آخرین خلیفه ای که علی الظاهر شکل خلافت را حفظ می کرد در استانبول از خلافت خلع شد و خلافت صوری نیز پایان یافت و دیگر خلیفه ای نمانده که به نامش ثروتی گرد آید و ثروت مسلمانان به جیب شرق و غرب و بانک های اروپائی سرازیر می شود .

آنگاه امیرمؤمنان به نقش یهود در نابودی خلافت اسلام می پردازد و می فرماید :

« -1500فیاخذ الروم ما اخذ منها و تزداد، و تأخذ الترتک ما اخذ منها .»

«رومیان آنچه از آنها گرفته شده، پس می گیرند و مقداری هم اضافه می گیرند. از ترکها هم آنچه گرفته شده پس می گیرند .»

این حدیث تحقق یافته و دولت های صرب [۶۴]، آلبانی، اسپانیا و بسیاری از دولت های آفریقائی از بین رفته اند و قسمت اعظم فلسطین توسط رژیم اشغالگر قدس اشغال شده، قسمتی از سرزمین مصر، قسمتی از سرزمین اردن و قسمتی از سرزمین سوریه در اشغال اسرائیل می باشد .

دقت و بررسی در احادیث رسول اکرم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت هر شخص منصفی را متوجه می کند که آنچه از این بزرگواران رسیده، مستقیماً از منطق وحی سرچشمه گرفته است .

امیرمؤمنان (ع) در تفسیر آیه شریفه: (و امدد ناکم باموال و بنین، وجعلناکم اکثر تغییراً: شما را با اموال و اولاد یاری کردیم و شما را از جهت نفرت فرزوتتر قرار دادیم). [۶۵] به قسمتی از فتنه های شرق و غرب اشاره می فرماید :

« -1501تشغر بذیلها فتنه شرقیه تطا بخطامها بعد موتها و حیاتها، و تشب فی الحطب الجزل فی غربی الارض، رافعه ذیلها تدعویا ویلها لرحله !»

«فتنه ای بس طولانی در منطقه خاوری پدید می آورد و با منقارش در حیات و بعد از ممات بر زمین می زند و در باختر بر تپه های هیزم آتش می زند و آنگاه دامنش را بلند کرده، بانگ واویلا سر میدهد.» [۶۶]

افکار صهیونیستی پس از مرگ هزاران ساله خود، جان گرفته و بر پیکر موجودیت جهانی نک می زند و آتش افروزیهایش در شرق و غرب، زبانه می کشد و وحشت و اضطراب را بر سراسر جهان تحمیل کرده و آتش فتنه را در سراسر جهان روشن کرده است .

حطب جزل، که در حدیث آمده به تپه ای از هیزم خشک گفته می شود که فقط منتظر جرقه ایست که جهانی را در شعله هایش بسوزاند .

رژیم غاصب اسرائیل پس از اینهمه آتش افروزی و فتنه اندوزی، دستهایش را به سوی شرق و غرب دراز کرده، استمداد می کند و واویلا می گوید، تا شاید با این ناله های دروغین کمک های اربابش آمریکا را به خود جذب کند و برای اثر گذاشتن در عواطف ارباب، اظهار می دارد که اگر عربها پیروز شوند، آنها را در آتش خشم خود خواهند سوزاند و به دریا خواهند افکند .

این استمدادهای دروغین برای جلب کمک، خوراک تبلیغاتی رسانه ها، و تبلیغ هدف اساسی خود: «تشکیل حکومت جهانی صهیونیستی» و گسترش قدرت خود در کنگره آمریکا می باشد، تا بدینوسیله یک حکومت نژادی تأسیس کند .

تا روزیکه این دولت غاصب برای ایجاد فتنه تلاش می کند و در شرق و غرب جهان آتش می افروزد، خداوند برای آن بقا ننوشته و دوام مقدر نفرموده است، بلکه برعکس، آتشی را که او برافروزد، خداوند خاموشش می کند، چنانکه می فرماید: (کلما اوقدوا نارا للحرب اطفأها الله: هر گاه آتش جنگ را برافروختند، خداوند آن را خاموش گردانید.) [۶۷]

«-1502 ویل للعرب من مخالفه الاتراک، و ویل لامه محمد اذا تحمل اهلها البلدان، وعبر بنوقنطورا، سیحان و شربوا ماء دجله، و هموا بقصد البصره و الابله. وایم الله لتغزفن بلدتکم حتی کانی انظر الی جامعها کجوجو سفینه اونعامه جائمه .»!

«وای بر عرب از مخالفت اتراک. وای بر امت محمد (ص) هنگامی که شهرنشینی را تحلم کنند و بنی قنطوره از رود سیحان [۶۸] بگذرند، و از آب دجله بخورند و به سوی بصره و ابله [۶۹] تهاجم کنند. سوگند به خدا که این شهر شما (بصره) بی گمان در زیر امواج دریا غرق خواهد شد. گوئی با چشم خود می بینم که همه شهر غرقه گشته و مسجد شما همانند دکل کشتی سر از آب بیرون آورده و یا چون شترمرغی بر بستر آب تکیه داده است.» [۷۰]

« 1503- إذا قتل ملوك بني العباس اصحاب الرمی عن القواس بوجه كالتراس . »

« هنگامی که سلاطین بنی عباس را کمانداران تیراندازی با چهره های گردی چون سپر به قتل برسانند.»

[۷۱]

ظاهراً این حدیث از تهاجم چین بر عراق سخن می گوید، و شاید در آینده چنین برخوردی بین این دو کشور به وجود آید، [۷۲] زیرا تعبیر چهره هائی چون سپر، با چینی ها بیش از دیگران منطبق است. کمانها و تیرها در عصر ما دگرگون شده، کمان های دستی جای خود را به توپخانه های سبک و سنگین و موشک اندازهای زمین به زمین، و زمین به هوا و غیره داده است. اگر امروز چنین برخوردی بشود از آنسوی خاور دور با موشک های قاره پیما هر نقطه مورد نظر را هدف قرار می دهند .

« 1504- کانی اراهم قوما وجوههم المجان المطرقه، یلبسون السرق والديباچ، ويعتقبون الخيل العتاق، ويكون هناك استجرار قتل، و يكون المغلت اقل من المأسور.. وليس هو بعلم غيب. ذلك علم علمه الله لنييه فعلمنيه و دعا لي بان يعيه صدري و تضطم عليه جوانحي .»

«گوئی آنها (چینی ها) را با چشم خود می بینم که چهره های آنها چون سپرهای است که پوست بر روی آن کشیده باشند، جامه های حریر و دیبا می پوشند و اسبهای بسیار زیبائی را یدک می کشند. در آنجا کارزاری سخت روی می دهد، و فراریان کمتر از اسیران خواهند بود .

یکی از یاران گفت: بی گمان به شما علم غیب عطا شده است. فرمود: ای برادر کلبی! این غیب نیست، این دانشی است که آن را خدای تبارک و تعالی به پیامبرش آموخته است و او به من تعلیم کرده و برای من دعا کرده که سینه ام گنجینه این علوم بوده و دلم فرا گیرنده این دانشها باشد.» [۷۳]

اگر بگوئیم صدیق امت در این گفتار چون همه سخنان در ربارش راست فرموده است، سخنی نه شایسته مقام او گفته ایم، ولی ابراز می داریم که وجود مقدس مولای متقیان و فرزندان بزرگوارش از سرچشمه وحی اسرار رسالت را آموخته اند و با نهایت امانت و درایت آن را نگه داشته اند و در مواقع مناسب برای اهلش بازگو نموده اند. خداوند آنها را پاداش نیکو عنایت فرماید. آنها چیزی را از حقایق و دقایق ناگفته نگذاشته اند، ولی کو آن دل باز و سینه شایسته که این علوم را در خود جای دهد و اینهمه راز را از روی امانت و درایت در سویدای دلش مکتوم بدارد و برای اهلش بازگو نماید .

« 1505- إذا افترق بنو قنطورا علی اختلاف، وآل بهم الوجل الی المصاف، امتحنوا بالرجف و انکشف للائنام علی مضمهرهم .»

«هنگامی که در میان بنی قنطوره اختلاف پدید آید و ترس و وحشت آنها را به صحنه جنگ بکشاند، در آن هنگام دچار زلزله می شوند و باطنشان بر همگان آشکار گردد.» [۷۴]

این حدیث نویدی است بر جهان دشمن خطرناکی از جلوراهشان برداشته می شود و شوکت آن شکسته می شود. این اختلاف در جنگ چین و ویتنام آغاز شد .

« 1506- ثم يظهر قوم صغار لايوبه لهم، قلوبهم كزبر الحديد اصحاب الدوله، لايغون بعهد ولا ميثاق، يدعون الحق وليسوا من اهله. اسماؤهم الكنى، ونسبهم الفرى، شعورهم مرخاه كشعور النساء حتى يختلفوا فيما بينهم، ثم يوتى الله الحق من يشاء . »

«سپس قومی بی مقدار خروج می کنند که به آنها اعتنا نمی شود، ولی دلهائی چون قطعات آهن دارند، به حکومت می رسند و به هیچ عهد و پیمانی وفا نمی کنند، ادعای حق می کنند و اهل حق نیستند، نام های آنها نام خانوادگی (کنیه) است و نسب های آنها مجعول و ساختگی است، و موهای آنها چون زلف زنان بر شانه هایشان فرو ریخته است. در میانشان اختلاف پدید می آید و آنگاه خداوند حق را به کسی که اراده کرده است عطا می فرماید.» [۷۵]

آری در آن هنگام حق به صاحب حق می رسد و فرمان به صاحب الامر (عج) عطا می شود. انشاء الله .

آنگاه مولای متقیان، امیر مؤمنان، باب مدینه رسول، حضرت علی (ع) که همه گفتارهایش حق و تردید ناپذیر است و خود درباره خویشتن فرموده است: «هرگز در حق من تردید نکنید که هرگز سخنی به گزاف نگوییم و جز آنچه رسول خدا برایم آموخته به زبان نرانم» [۷۶] سخنان خود را در پیرامون رویدادهای آن مقطع چنین می فرماید :

« 1507- و این المفرد عند ظهور العالج شلعین الميل الكالج، و معهم الكركدن والفيل. ويثبطون الظهور، و يفزعون الثغور. وسيحيط ببلاد الارم في احد الاشهر الحرم اشد العذاب من بنى حام. ثم يامر العالج ان يخرّب بيت المقدس، فاذا ادعن لاوامره، و سار بعسكره، و اهل بهم الزمان في الرمله، و شملهم الشمال بالذله، فيهلكون عن آخرهم هلعاً . »!

«از خروج شعلین کافر تند خوی ترشروی کجا می توان فرار کرد، که فیل و کرکدن با خود یدک می کشند و بر پشت زینها استوار می مانند و مرزها را ناامن می سازند و در یکی از ماه های حرام سرزمین ارم را عذابی دردناک از سوی بنی حام احاطه می کند. آنگاه «عالج» (کافر درشتخوی) فرمان می دهد که بیت المقدس را تخریب کنند. هنگامی که ساز و برگ نظامی فراهم شود و سپاهیان به فرمانش گردن نهند و به سوی بیت المقدس روان شوند، دست قضا آنها را به ریگزار می برد و در آنجا سرگردان سازد تا باد خزان بر خرمن

هستی شان بورزد و جامه ذلت بر تنشان بپوشاند و تا آخرین فردشان را به طرز فجیعی نابود سازد.» [۷۷]

تصور می رود که «علج شلعین» اشاره و رمز به نام یکی از فرماندهان آنها باشد که زشت روی و درشت خوی باشد و دندانهای پیشینش بیرون آمده باشد. شاید فیل و کرکدن اشاره به دستگاه های پیچیده جنگی از ناوچه ها و موشک اندازها و غیره باشد و شاید به معنای واقعی کلمه به کار رفته باشد .

منظور از سرزمین ارم، سرزمین شامات است، آنچنانکه در روایات آمده است .

منظور از اولاد حام نیز مردم آفریقا، مصر و مراکش است که احتمالاً در یک جنگ فراگیر با فلسطین بجنگند و بیت المقدس را از دست یهود اشغالگر بگیرند و از آنجا به سوی دمشق سرازیر شوند، چنانکه در بخشهای بعدی به تفصیل در این رابطه سخن خواهیم گفت .

آنگاه از وعده ظهور آن مهرتابان سخن می گوید و در فرازی از آن می فرماید :

« 1508 یخرج اذا تلاحت الشداد... و بیل الرذاذ، و عجت الفلاه.. و ظهت الافاطس و فحم الملابس. فیکدحون الجزائر، و یملکون السرائر، و یهتکون الحرائر، و بجینون کیسان و یخربون خراسان، فیهدمون الحصون، و یخرجون المصون، و یفتحون العراق و یثیرون النفاق بدم یراق !»

«او هنگامی قیام می کند که فجایع خونین پشت سر هم قرار گیرد، رگبارها شبانه روز فرو بارد، دشت و صحرا یکپارچه فریاد شود، مرگ های نابهنگام فراوان شود و جامه های مشکی رائج گردد، به هر قیمتی است جزائر را اشغال می کنند، حرمسراها را به دست آورند، حریمها را می شکنند، از در مکر و حیلت وارد شده، خراسان را ویران سازند، قلعه های مستحکم را فرو شکنند و پناهندگان را «کیسان» چنانکه در لغت و در لسان احادیث آمده به معنای اهل مکر و حیلت است [۷۹] و شاید منظور از آنها مردم افغان باشند که در آنسوی خراسان قرار گرفته اند .

این فجایع هنگامی روی می دهد که مبادله توپخانه های سبک و سنگین و مسابقه های موشک پراکنی از زمین و هوا آغاز گردد، و تن ها مواد آتش زا بر سر انسان ها فرو ریزد و خمپاره ها و دیگر مواد تخریبی سیل آسا بر سرشان فرود بارد و سلاح های الکترونیکی با پشتیبانی توپخانه ها و موشک اندازها چون بارانی تندبار بر خرمن زندگی شان فرو ریزد و همه مظاهر تمدنشان را بر خاکستر نشاند و صدای انفجار و بوی باروت فضای زندگی شان را پرسازد. و آن هنگامی است که سپاه تا به دندان مسلح چینی با انیفورم مشکی ارمغان مرگ آورد و پشت زمامدران را بلرزاند و مجامع بین المللی قطعنامه صادر کنند و خروجشان را محکوم نمایند، چنانکه در جنگ چین و ویتنام از طرف سازمان ملل منتشر می شد و دردی را دوا نمی کرد. و یا امروز بر علیه شوروی به جهت اشغال افغانستان صادر می شود و کاری از پیش نمی برد .

«-1509 سیحیط بالزوراء علع من بنی قنطوراء، باشرار قد سلبت الرحمه من قلوبهم، فیذبجون الابناء و یستحلون النساء.. ویل للزوراء من بنی قنطورا! لکانی اشاهد دماء الفروج بدماء اصحاب السروج؟! و تحرق نارهم الشام، فواهاً لقلب من حصارهم.. و یهدمون حصون الشامات ولا یبقی الا دمشق و نواحیها، و تراق الدماء بمشارفها و اعالیها.. ثم یدخلون بعلبک بالامان، و تحل البلیا فی انحاء لبنان. فکم من قتیل فی القفر، و کم من اسیر ذلیل بجانب النهر!!! فهناک تسمع الاعوال و تصحب الاهوال.. فاذا اتاهم الحین الواجر، و ثب علیهم العدو الاقصر، و هو رابع العلوج المنقر.. فیسوقهم سوق الهجان، و ینکص شیاطینهم فی ارض کنعان و یقتل جیوشهم العصف، و یحل بجمعهم التلف!. ثم یمر الجریء الهالک من البصره بشر ذمه عرب من بنی عمره یقدمهم الی الشام، فیبايعه علی الخدیعه الارغش و سیصحبه فی المسیر الی عوطته فما اسرع ما یسلمه بعد ورطته.. ثم یامر الجریء ان یروم العراق، فیدرکه الهالک بالانبار، و یحل باهله التلف.»

«کافری از بنی قنطوره با سپاهیان دژخیم خوئی که رحم و انسانیت از دلشان به کلی رخت بر بسته، شهر زوراء (بغداد) را محاصره می کنند، کودکان را سر می برند و بر حریم زنان تجاوز کنند. وای بر زوراء (بغداد) از بنی قنطوره، گوئی با چشم خود می بینم که حریم زنها در زیر پای سواران سپاه لگدمال شده و شعله های آتشششان شام را طعمه حریق نموده است. بدا به حال حلب از محاصره آنان. شهرهای شامات در زیر پایشان لگدمال می شود و از شامات جز دمشق و نواحی آن باقی نمی ماند و دشت و دمن از خون مردمان رنگین می شود. سپس با اعلام امن و امان وارد بعلبک می شوند و همه نواحی لبنان را حوادث خونبار فرا می گیرد .

چقدر اجساد کشته در روی زمین در دشت و صحرا می ماند! و چقدر اسیر به خواری و زبونی در کنار رود نگهداری می شود!. ناله و فریاد گوش فلک را کر می کند و ترس و وحشت و خطر همه جا را فرا گیرد. هنگامی که وقت نابودی شان فرا رسد، دشمنی بس عظیم بر آنها بتازد که آن چهارمین سپاه مجهز و نشاندار کفار است، پس آنها را همانند گله خر می رانند و شیطانهایشان را در سرزمین کنعان (بیت المقدس) وادار به عقب نشینی می کنند و سپاهیان به وسیله طوفان نابود می شوند و همگی تار و مار می گردند. آنگاه مردی بی باک و رو به هلاک با گروهی اندک از عرب از تیره بنی عمره از بصره حرکت می کند و به سوی شام پیش می رود، در این مسیر مردی فرصت طلب از روی حيله با او بیعت می کند و تا شام با او همراهی می کند و در اندک زمانی از گرفتاری رهائی می یابد و به سوی عراق عزیمت می کند ولی در انبار هلاک می شود و کسانش نابود می شوند.» [۸۰]

«-1510 واكثر العلامات بنو قنطورا، و ملهکم العراق و اطراف الشام.»

«از بیشترین نشانه ها بنی قنطوره و سلطه آنها بر عراق و شامات است.» [۸۱]

«-1511 فکانی انظر الی الارغش قد هلك، و ولده الحدث البرص و قد ملک، فلا تطول مدته اکثر من ساعه. و یقتل مدرب الجمیل الاحمر، بعد ان یسجن الاسمر، عند وصول رسل المغاربه الیه و مثلهم بین یدیه..»

فَعْنَدَهَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَغْرِبِ اِنْسَ عَلَى شَهْبِ الْخِيُولِ بِالْمَزَامِيرِ وَ الْعَامِ وَ الطُّبُولِ، فَيَمْلِكُونَ الْبِلَادَ، وَ يَقْتُلُونَ الْعِبَادَ. ثُمَّ يَخْرُجُ مِنَ السَّجْنِ غَلَامٌ يَفْنَى عِدْدهُمْ وَ يَاسِرٌ جِدْدهُمْ وَ يَهْزِمُهُمُ اِلَى الْبَيْتِ الْمَقْدَسِ، وَ يَرْجِعُ مَنْصُوراً مُوَيْدَا مَحْبُوراً. ثُمَّ يَعُودُ الْمَغْرِبِي، اِلَى مِصْرٍ وَ قَدْ نَقَصَ نَيْلَهَا وَ يَبْسُتُ اشْجَارَهَا وَ عَدَمْتُ ثَمَارَهَا.»

«گوئی آن مرد فرصت طلب را با چشم خود می بینم که به هلاکت می رسد و فرزند نوری برص دارش به سلطنت می رسد و مدت سلطنت او از یک ساعت تجاوز نمی کند! آن سرخ نیکو آزموده کشته می شود بعد از آنکه آن مرد ابلق به هنگام رسیدن نامه ها و فرستاده های مراکشی به زندان افتد. در آن هنگام گروهی از مراکش با پرچم ها و ساز و برگ نظامی بر پشت اسبهای تیز پا خروج می نمایند و شهرها را فتح می کنند و مردم را طعمه شمشیر سازند. آنگاه مردی از زندان آزاد می شود و سپاهشان را نابود می سازد و نونهالانشان را اسیر می گیرد و آنها را به سوی بیت المقدس عقب می راند و پیروزمندانه باز می گردد. آنگاه «مغربی» به مصر باز گردد و رود نیل را کاهش یافته و درختان را خشکیده و میوه جات را نابود شده می یابد.» [۸۲]

در این خطبه که فرازهایی از آن به خدمت خوانندگان گرامی تقدیم شد، اسرار بسیاری نهفته است که یکی از آنها تعبیر «اوجر» است که به معنای جوان تیرانداز و وحشت انگیز است و دیگری تعبیر «اقطر» است که به معنای دشمن خشمگین و تا به دندان مسلح است. سومی تعبیر «عصف» است که به معنای تند باد است و در اینجا منظور از آن جنگ خانمانسوزیست که چون باد خزان بر بهار زندگی انسان ها می وزد و هیچ شاخ و بری را باقی نمی گذارد. چهارمی تعبیر «ارغش» است که احتمالاً به معنای جامه های رنگارنگ باشد و شاید منظور از آن انیفورم نظامی سپاهیان باشد که همانند پارچه های پلنگی رنگارنگ باشند. منظور از صاحب پرچم محمد (ص) در فرازی از این خطبه صاحب عصر و زمان حضرت ولی عصر (عج) می باشد.

تعبیر «شهب الخیول» به معنای لغوی آن نیست که اسب های خاکستری رنگ منظور باشد، که در مورد لشکر جرار و تا به دندان مسلحی که در عصر حاضر بخواهد مصر را فتح کند، از فلسطین بگذرد و شامات را بگیرد، معنی ندارد که با اسب پیش تازد، در عصریکه اسبها در شرف نابودی هستند، کجا رسد به اسبهای سیاه و سفید و خاکستری، بلکه به طوریکه یکی از معانی «شهب» لشکر جرار و تا به دندان مسلح است، در اینجا نیز لشکر مجهز و مسلح به سلاح های مکانیزه و مدرن منظور شده است. آری نوعاً تانکها و نفربرها به رنگ خاکستری می باشد تا امکان استتار بیشتری داشته باشد و به همین جهت تعبیر «شهب» به کار رفته است. رسول گرامی اسلام (ص) و امامان اهل بیت عصمت و طهارت دقت خاصی در تعبیرات خود دارند که برای مردم زمان خود معنی داشته و برای زمان ما نیز مفاهیم وسیع و پرجای در برداشته باشد.

منظور از جوانی که از زندان نجات می یابد و آنها را به هلاکت می رساند و پیروزمندانه باز می گردد، احتمالاً «شعیب بن صالح» باشد که پرچم را به دست با کفایت حضرت بقیه الله روحی فداه تقدیم می کند.

در این خطبه تعبیراتی نیز وجود دارد که فعلاً برای ما مفهوم نیست، از قبیل کشته شدن مرد سرخ نیکو آزموده و زندانی شدن مرد ابلق و جز آنها، که انشاء الله به هنگام تحقق یافتن برای همگان روشن و مفهوم می شود .

امام صادق (ع) می فرماید :

« 1512-کیف حال الاشخاص الذین یباشرون الکفار، و یتوددونهم و یجالسونهم، و ینکلمون بلغاتهم، و یکترون سوادهم، و یکنونون سبباً لازدیاد شوکتهم .»!!!

«چگونه خواهد بود حال کسانی که با کفار رفت و آمد می کنند، با آنها طرح دوستی می ریزند، با آنها نشست و برخاست دارند، با زبان آنها سخن می گویند، بر سیاهی آنها می افزایند و موجب شوکت و فوزنی نفرات آنها می شوند؟!!

امام صادق (ع) در این حدیث از آن عده از مسلمانان که ظاهراً از مسلمانان به شمار می آیند و برای دشمنان اسلام خدمت می نمایند و نقش ستون پنجم را در میان امت اسلامی بازی می کنند، اظهار تعجب و شگفت می کند، و برای امت اسلامی نشانه های ستون پنجم را بازگو می فرماید که آنها کسانی هستند که با دشمنان دین رفت و آمد و روابط دوستانه دارند و با فرهنگ و زبان آنها سخن می گویند و در مواقع لزوم در صف آنها قرار می گیرند و بر تعداد نفرات و شوکت آنها می افزایند .

آنگاه با اشاره به تفسیر آیه ۱۱۴ از سوره بقره می فرماید :

« 1513-و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمہ، و سعی فی خرابها. هم الروم کانوا ظاهروا بختنصر علی خراب بیت المقدس. اولئک ما کان لهم ان یدخلوها الا خائفین: فلیس فی الارض رومی یدخله الا و هو خائف ان یضرب عنقه، او قد اخیف باداء الجزیه. لهم فی الدنیا خزی: اما خزیمهم فی الدنیا فانه اذا قام المهدی و فتحت القسطنطینیة قتلهم، فذلک الخزی، و لهم فی الاخره عذاب عظیم .»

[«چه کسی ستمگرتر از کسی است که نگذارد در مساجد خداوند، نام او یاد شود و برای ویرانی آن تلاش کند؟] فرمود: آنها رومی ها هستند که بختنصر را در تخریب بیت المقدس یاری کردند. [برای آنها روا نیست که وارد مساجد الهی شوند جز با ترس و لرز]، آن روز هیچ رومی (یهودی) وارد بیت المقدس نمی شود جز اینکه ترس دارد که گردنش از پیکرش جدا شود. و یا جزیه از او گرفته شود [برای آنها در دنیا خواری و زبونی هست]، خواری آنها در دنیا کشته شدن آنهاست به دست حضرت بقیه الله در قیام شکوهمند آنحضرت و به هنگام فتح قسطنطیه (استانبول)، «و برای آنها در آخرت عذابی است بزرگ». [۸۳]

این حدیث نیز گواه نظر ماست که در گذشته مکرر ابراز نمودیم که منظور از رومی، یهودی است و در هر

روایتی که از رومی بحث شده، اوصاف یهود بازگو شده است .

امروز که دولت اشغالگر اسرائیل، سرزمین قدس را در اشغال خود دارد، هیچ یهودی وارد بیت المقدس نمی شود جز با ترس و وحشت .

امام صادق (ع) چقدر قاطعانه تعبیر فرموده و ما امروز در اوج قدرت اسرائیل شاهد صدق گفتار آنحضرت هستیم، که آنچه فرموده از آباء کرامش از رسول اکرم (ص) نقل می کند و قدم به قدم اوضاع امروز را برای ما شرح می دهد و با گذشت زمان حلاوت و طراوت خود را از دست نمی دهد. این تعبیرات شیوا و زیبا که با عباراتی گیرا و تعبیراتی عالی و محتوایی صادق از پیشوایی صادق و به حق ناطق صادر شده، گوش جان را نوازش می دهد و دل را جلا می بخشد .

رژیم اشغالگر یهود بیت المقدس را اشغال کرده، در صدد آتش زدن مسجد اقصی برآمده، تصمیم بر حفر مسجد اقصی به منظور پیدا کردن هیکل سلیمان گرفته اند. ناقوسها را در کشور اسلامی به صدا در آورده اند و بر صف نمازگزاران آتش گشوده اند و مسلمانان نمازگزار را مقتول و مصدوم و مجروح نموده اند و با تمام قدرت برای جلوگیری از پرستش پروردگار در مساجد تلاش کرده اند. و در عین حال شب و روزشان با وحشت سپری می شود و هرگز روی آسایش و آرامش نخواهند دید .

« 1514-تقاتلون قوما دلف الانوف، صغار الاعین .! »

«با قومی ستیز می کنید که دماغشان پر باد و دیدگانشان بسیار ریز است.» [۸۴]

مردم چین و حوالی آن دقیقاً مشغول این حدیثند که دماغ پهن و دیدگانی ریز چون مهره دارند .

امام صادق (ع) چون پدران بزرگوارش حقایق را دقیق و بی پرده بیان می کند و به زودی با ظهور بنی قنطوره از روی حقایق فراوانی پرده برداشته می شود، که کشورها را فتح می کنند و انسان ها را تحت سیطره می آورند و زرد پوستان را می کشند و عراق را تحت اشغال خود در آورده بر مرکز خلافت اسلامی حکم می رانند و همه ادیان آسمانی را بی فروغ می سازند و عقاید اسلامی به صورت یک سلسله تعصبات قومی و ملی در می آید و اعتقادات مذهبی یهود و نصاری نیز به یک سلسله تعصبات خشک تبدیل می شود و روح پرستش و فروغ معنویات از بین می رود. در چنین مقطعی امام غائب از نظر، ظاهر می شود و کفر و الحاد را نابود می سازد و بر کالبد بیجان دین، روح می دمدمد. خداوند در ظهورش تعجیل فرماید و ما را سعادت درک آن روزگار میمون عطا نماید .

آنچه از نشانه های ظهور از امامان معصوم (ع) صادر شده، تاکنون بدون کم و زیاد انجام یافته است و اینک در انتظار آن هستیم که آخرین نشانه ها نیز تحقق یابد و روزگار رهائی فرا رسد .

امام صادق (ع) نشانه های واپسین را در یک جله خلاصه کرده می فرماید :

« 1515-الفرج کله هلاک الفلانی من بنی العباس . »

« همه فرج در به هلاکت رسیدن فلانی از بنی عباس است. » [۸۵]

تعیین منظور از فلانی برای ما سخت است ولی طبعاً یکی از ستم پیشگانی است که در بغداد بر تخت قدرت می نشیند و ستم می کند و خون می ریزد و ویژگی هائی از خود نشان می دهد که در میان دیگر جنایت پیشه ها شناخته می شود و همگان متوجه می شوند که این حدیث اشاره به اوست .

امام زمان (ع) می فرماید :

در ضمن توقیع شریفی به افتخار علی بن مهزیار از ناحیه مقدسه چنین آمده است :

« 1516-انه اذا فقد الصینی، و تحرك المغربی، و سار العباسی، و بویع السفیانی، اذن لولی اللّٰه »

« هنگامی که مرد چینی ناپدید شود، مراکشی قیام کند، عباسی برود و با سفیانی بیعت شود، برای ولی خدا اجازه ظهور داده می شود... » [۸۶]

این مرد چینی که با الف و لام عهد در توقیع شریف آمده است، حتماً یک شخصیت ممتازی خواهد بود که در سراسر جهان شناخته شده باشد و در ردیف چانگ کای چک و مائوتسه تونگ باشد که ناپدید شدنش در سطح جهانی مطرح باشد و یکی از نشانه های قرب ظهور به شمار آید .

علی بن مهزیار هنگامی که به پیشگاه کعبه مقصود و قبله موعود تشریف یافت، از آنحضرت چنین شنید :

« 1517-یا ابن مهزیار، الا انبئک؟! انه اذا فقد الصینی و تحرك المغربی، و سار النعمانی، و تربع السفیانف یوذن لولی اللّٰه، فاخرج بین الصفا و المروه فی ثلاثئہ و ثلاثه عشر رجلاً . »

« ای پسر مهزیار! آیا برای تو بازگو نکنم؟! هنگامی که آن مرد چینی ناپدید شود، مغربی حرکت کند، نعمانی برود و سفیانی بر تخت نشیند، به ولی خدا اذن خروج داده می شود. آنگاه با ۳۱۳ تن از یارانم، از میان صفا و مروه ظاهر می شوم. » [۸۷]

در این حدیث احتمالاً کلمه «نعمانی» اشتباهاً به جای «یمانی» نقل شده است. و ما در انتظار ناپدید شدن چینی هستیم که به دنبالش خورشید جهاتتاب امامت از پشت پرده غیبت برون آید و تاریکیها را بزدايد .

در کتب عهدین چنین آمده است :

« 1518- اینک خانه شما برای شما ویران گذارده می شود.» [۸۸]

منظور از خانه، بیت المقدس و هیکل حضرت سلیمان است که به دست یختنصر ویران گردید .

« 1519- پس، از درخت انجیر مثلش را فرا گیرید که چون شاخه اش نازک شده برگها می آورد، می فهمید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز چون اینهمه را ببینید، بفهمید که نزدیک بلکه بر در است... اما از آن روز و ساعت هیچکس اطلاعی ندارد، حتی ملائکه آسمان ... ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود ... در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید.» [۸۹]

منظور از درخت انجیر تیره اسرائیل است و فرازهای یاد شده اشاره است به اینکه رژیم اسرائیل در روی زمین ماندگار نیست و هم اکنون ریشه هایش فرسوده شده، پایه هایش فرو ریخته و وقت آن فرا رسیده که یکبار دیگر از این آب و خاک رخت بر بندند و از منطقه بگریزند و ردپایی از خود بر جای نگذارند .

« 1520- اینک روز خدا می آید و غنیمت تو در میان تقسیم خواهد شد. و جمیع امتها را به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهم کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه ها را تاراج خواهند نمود و زنها را بی عصمت خواهند کرد و نصف اهل شهر به اسیری خواهند رفت و بقیه قوم از شهر منقطع خواهند شد ... آن یک روز معروف خداوند خواهد بود ... و بیهوه بر تمامی زمین پدشاه خواهد بود. در آن روز بیهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد.» [۹۰]

مضمون این پیشگوئیهها یکبار انجام گرفته و یکبار دیگر در یوم الله ظهور تحقق می یابد و در تمامی جهان تنها خدای یکتا را می پرستند و همه جا ندای وحدت گوش جان را نوازش می دهد .

« 1521- و این بلایی خواهد بود که خداوند بر همه قوم هائی که با اورشلیم جنگ کنند وارد خواهد آورد. گوشت ایشان در حالتیکه بر پایهای خود ایستاده اند کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حدقه گذاخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهد گشت.» [۹۱]

این دوب شدن و گذاخته شدن یا یک امر معنوی است و یا به وسیله جنگ اتمی و به کار بردن مواد شیمیایی است که نزدیک دو هزار سال پیش حضرت مسیح از آن خبر داده است [۹۲] و چهارده قرن پیش نیز پیامبر اسلام (ص) از آن سخن گفته است .

« 1522- آنگاه جمیع امتها را جمع کرده به وادی یهوشافاطرود خواهم آورد و در آنجا با ایشان در باره قوم

خود و میراث خویش اسرائیل محاکمه خواهم نمود، زیرا که ایشان را در میان امتهای پراکنده ساخته و زمین مرا تقسیم نموده اند. و بر قوم من قرعه انداخته و پسری در عوض فاحشه ای داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند.» [۹۳]

«وادی یهوشافاط» نام صحرائی در نزدیکی بیت المقدس است که اکنون «وادی قدرون» نامیده می شود .
«-1523 در امت ها برانگیخته شوند و به وادی یهوشافاط برآیند، زیرا که من در آنجا خواهم نشست، تا بر همه امتهائیکه به اطراف آن هستند داوری نمایم.» [۹۴]

این فرازها از نزول حضرت عیسی و داوری آن حضرت خبر می دهند .

«-1524 و ایشانرا به موضعی که آن را در عبرانی حار مجدون می خوانند فراهم آوردند.» [۹۵]

در اینجا یوحنا رسول دقیقاً تعیین می کند که جنگ حساس و سرنوشت ساز اسرائیل در «مجدون» خواهند بود و این رژیم خون آشام در آنجا محاکمه شده به سزای اعمال خود خواهند رسید. [۹۶]

«-1525 شیطان از زنده خود خلاصی می خواهد یافت. تا بیرون رود و امتهائی را که در چهار زاویه جهانند یعنی جوج (یأجوج) و مأجوج را گمراه کند، و ایشان را به جهت جنگ فراهم آورد که عدد ایشان چون ریگ دریاست. و بر عرصه جهان برآمده لشکرگاه مقدسین و شهر محبوب را محاصره کردند، پس آتش از جانب خدا از آسمان فرو ریخته ایشان را بلعید.» [۹۷]

منظور از شهر محبوب شهر قدس است و منظور از آتشی که فرو می ریزد شاید بمبها و موشکها و دیگر مواد آتش زا باشد و شاید یک صاعقه آسمانی باشد که در انتظار این شهر محبوب باشد .

سپاس و ستایش خداوندی را که گفتار پیامبران هر یکی مطابق دیگری است که هیچکدام از خود چیزی نگفته اند و همگی به اتکای منطق وحی سخن گفته اند، (و اگر اختلافی مشاهده شود از تحریف محرمان و تأویل مفسران خواهد بود که الحمدلله قرآن کریم از آن مصون مانده است ولی دیگر کتب آسمانی با کمال تأسف دستخوش آن شده است .)

«-1526 و اما تو ای پسر انسان خداوند یهوه چنین می فرماید که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می نمایم فراهم آئید. قربانی عظیمی بر کوههای اسرائیل تا گوشت بخورید و خون بنوشید. گوشت جباران را خواهید خورد و خون رؤسای جهان را خواهید نوشید.» [۹۸]

سپس خبر می دهد که وادی عابریم را برای دفن اجساد یاجوج و ماجوج اختصاص خواهد داد و مدت هفت ماه دفن اجسادشان طول خواهد کشید، تا بدین سان روی زمین از مفسدان پاک گردد. سپس ادامه، می دهد :

« 1527- در آن روز که یعنی در روزیکه جوج به زمین اسرائیل می آید همانا حدت خشم من ببینیم خواهد برآمد... ماهیان دریا و مرغان هوا و حیوانات صحرا و همه حشراتیکه بر زمین می خزند و همه مردمانیکه بر روی جهانند به حضور من خواهند لرزید.» [۹۹]

این تعبیرات دقیقاً با آیات قرآن کریم منطبق است که در همین رابطه می فرماید: «فاذا جاء وعد الاخره جنابکم لفيغاً: هنگامی که وعده واپسین آمد شما را پیچیده می آوریم.» [۱۰۰]

« 1528- پس تو ای پسر انسان درباره جوج (یاجوج) نبوت کرده بگو: خداوند بیهوه چنی می فرماید: که اینک ای جوج! رئیس روش و ماشک و توبال، من به ضد تو هستم. و ترا بر می گردانم و رهبری می نمایم و ترا از اطراف شمال برآورده بر کوه های اسرائیل خواهم آورد. و کمان ترا از دست چپت انداخته تیرهای ترا از دست راستت خواهم افکند. و تو و همه افواجت و قومهاییکه همراه تو هستند بر کوههای اسرائیل خواهید افتاد.» [۱۰۱] این فراز نیز دقیقاً با روایات اسلامی در مورد خروج یاجوج و ماجوج به قصد سیطره بر جهان و تار و مار شدنشان منطبق است .

« 1529- لکن آسمان و زمین الآن به همان کلام برای آتش ذخیره شده و تار و زداوری و هلاکت مردم بیدین نگاه داشته شده اند. لکن ای حبیبان این یک چیز از شما مخفی نماند که یگروز نزد خدا چون هزار سال است و هزار سال چون یک روز. خداوند در وعده خود تأخیر نمی نماید، چنانکه بعضی تأخیر می پندارند، بلکه بر شما تحمل می نماید چون نمی خواهد که کسی هلاک گردد بلکه همه به توبه گرایند. لکن روز خداوند چون دزد خواهد آمد (ناگهان و بی خبر) که در آن، آسمان ها به صدای عظیم زائل خواهند شد و عناصر سوخته شده از هم خواهد پاشید و زمین و کارهاییکه در آنست سوخته خواهد شد. چون جمیع اینها متفرق خواهند گردید، شما چه طور مردمان باید باشید در هر سیرت مقدس و دینداری. و آمدن روز خدا را انتظار بکشید و آن را بشتابانید که در آن آسمان ها سوخته شده از هم متفرق خواهند شد و عناصر از حرارت گداخته خواهد گردید. ولی به حسب وعده او منتظر آسمان های جدید و زمین جدید هستیم که در آنها عدالت ساکن خواهد بود.» [۱۰۲]

آیا مردم انتظار دارند که در کتاب های آسمانی بیش از این توضیح داده شود؟ این فرازها دقیقاً جنگ های خانمانسوز امروزی را با سلاح های مدرن و آتش زا، از بمبهای اتمی تا موشکهای هدایت شونده، و آثار تخریبی آنها را در زمین و زمان بیان کرده است .

در فراز آخر تعبیراتی چون: «صدای عظیم»، «عناصر سوخته شده» و «گداخته شدن از حرارت» بسیار جالب

و با مبادلات توپخانه ها و مسابقه های موشک پراکنی و پودر شدن هواپیماها در فضا، دقیقاً منطبق است .

تعبیر ذخیره شدن زمین برای آتش، با انفجار چاه های نفتی منطبق می شود که هر ماده ای را مشتعل می سازد و آتشی عظیم بر پا می کند، چنانکه در بخش های پیشین از رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نقل کردیم.

انقلابی ها و شورشی ها

در فرازهایی چند از روایاتی که از رسول اکرم (ص) و امامان اهل بیت (ع) رسیده، از دو تن شورشگر به عنوان های «اصهب» و «ابقع» گفتگو شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم :

« 1530- اذا هلک عالج بالشام... فاذا قام العالج الاصبه و عسر علیه القلب، لم یلبت حتی یقتل. فهناک الملک الی الترتک .. و یحل بالشام الغلاء، و نکثر الوقائع، و تقوم الحرب علی قدم و ساق . »

« هنگامی که کافری در شام به هلاکت برسد، اصهب کافر قیام می کند و تسخیر مرکز (شام) بر او سخت می شود و طولی نمی کشد که او نیز کشته می شود و حکومت به اتراک می رسد و در شام گرانی پدید آید و رویدادها پشت سر هم روی می دهد و در هر قدمی جنگ برپا می شود.» [۱]

در اینجا منظور از مرکز همان دمشق است که «اصهب کافر» در آنجا هلاک می شود [۲] و آن هنگامی است که یهود از استیلا بر شام ناتوان می شود و رهبرشان در آنجا و یا در اثنای جنگ با آنها کشته می گردد. آنگاه حکومت ظاهری به بیگانگانی می رسد که کشورهای عربی و اسلامی را به ضعف می کشند و منابع زیرزمینی و ثروت های روی زمین آنها را به یغما می برند .

امیرمؤمنان (ع) در این باره می فرماید :

« 1531- فان کان کذلک، اقبلت علیهم فتن لاقبل لهم بها!.. الا و ان اولها الهجری، و العطر فی، والرقطی، و آخرها السفیانی و الشامی . »

« چون این حوادث روی دهد، فتنه هایی بر آنها روی می دهد که هرگز یارای مقابله با آنها ندارند، آگاه باشید که سرآغاز آنها فتنه های هجری، عطر فی، رقطی، و آخر آنها فتنه های سفیانی و شامی است.» [۳]

از این حدیث استفاده می شود که «هجری» همان یمانی است که به زودی از او سخن خواهیم گفت، و «رقطی» کسیست که جامه رنگین بپوشد که طبعاً یا ابقع منطبق می شود [۴] و «عطر فی» رمز شورشگری است که نمی توانیم درباره اش به طور جزم سخن بگوئیم و در برخی روایات «عطر فی» آمده است .

امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید :

« 1532- و ان اهل الشام یختلفون عند ذلک علی ثلاث رایات: السفیانی، والاصهب، والابقع .»

«در آن هنگام سه پرچم در شام به اهتزاز در می آید که پرچم های سفیانی، اصهب و ابقع است و مردم شام زیر این سه پرچم نبرد می کنند.» [۵]

این حدیث به روشنی دلالت می کند که خروج اصهب و ابقع با خروج سفیانی هم زمانست و طبعاً مقارن ظهور حضرت بقیه الله (عج) و از نشانه های قرب ظهور خواهد بود. که بدون تردید مدت سفیانی از روزیکه خروج کرده تا روزیکه نام و نشانی از او باقی نباشد از چهارده ماه تجاوز نمی کند .

از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) روایت شده که خروج ابقع در مصر و به دنبال دیده شدن ستاره دنباله دار و کسوف خورشید و خسوف ماه خواهد بود که همه اینها در نزدیکی ظهور روی خواهد داد. و در روایات آماده که اصهب کافر قیام نمی کند جز به هنگام شدت یافتن فتنه ها و کثرت حوادث و فجایع .

امام باقر (ع) در این خصوص هشدار می دهد و می فرماید :

« 1533- اتق شر الاصهب الابرص! فقیل: و ما الاصهب؟ قال الابقع. فقیل و ما الابقع؟ فقال الابرص.. و اتق السفیانی، و اتق الشداذ من آل محمد .»!

«از شر اصهب ابرص پرهیز کن.» پرسیدند: اصهب کیست؟ فرمود: «ابقع.» پرسیدند: ابقع کیست؟ فرمود: «ابرص.» سپس فرمود: «از شر سفیانی نیز پرهیز کن و از شر آن عده از آل محمد که شذوذ دارند بر حذر باش.» [۶]

در این حدیث اصهب و ابقع یک نفر معرفی شده که براساس احادیث دیگر دو نفر هستید. در این حدیث به شیعیان امر شده که تحت تأثیر تبلیغات اصهب و ابقع و سفیانی و شواذ آل محمد قرار نگیرند، به سویشان جذب نشوند در صفشان قرار نگیرند و به سودشان شمشیر نزنند .

منظور از شواذ آل محمد (ص) افراد تکرو، کجرو، و فرصت طلبی هستند که از جهت نسبت به اهل بیت منسوبند ولی برای به دست آوردن حکومت به ادعاهای دروغین متوسل می شوند تا بدینوسیله افراد مذهبی و با حرارت را به طرف خود جذب کنند .

امام رضا (ع) در مورد فتنه های یاد شده می فرماید :

«-1534 من علاماته ان يكون خراب الشام حين التقاء الرايات الثلاث فيها: الابقع، والاصهب، و السفیانی.»

«از نشانه های ظهور آنحضرت ویرانی شام به هنگام برخورد سه لشکر در زیر پرچم های سفیانی و اصهب و ابقع است.» [۷]

ویرانی شام آغاز گردیده، قسمتی از جولان در دست رژیم اشغالگر اسرائیل واقع شده و قسمت عمده شامات چون فلسطین، اردن و لبنان به طور رسمی و نیمه رسمی تحت اشغال اسرائیل درآمده است. شاید پرچم اصهب باشد که بر فراز بیت المقدس به اهتزاز درآمده است و به زودی پرچمهای ابقع و سفیانی به اهتزاز در آید و شامات در زیر پاهایشان ویران گردد و فرج جهانی با ظهور حضرت بقیه الله روحی فداه فرا رسد .

یکی از اصحاب امام رضا (ع) تصور می کرد که امام قائم به حق و صاحب شمشیر که در آخرالزمان قیام خواهد کرد آنحضرت است و در نظر داشت که از محضر امام رضا (ع) آن را بپرسد. امام پیش از آنکه او سؤال کند او را به اشتباه خویش متوجه ساخت و خطاب به او چنین فرمود :

«-1535 قبل هذا الامر السفیانی، والیمانی، والمروانی، و شعیب بن صالح، فكيف يقول هذا، هذا؟.»!!

«پیش از آنکه این امر (امر ظهور) واقع شود باید سفیانی برخیزد، یمانی برخیزد، مروانی برخیزد، شعیب بن صالح برخیزد. پس چگونه می گوئی که این همانست.» [۸]

یعنی اکنون که هیچکدام از این خیزشها و شورشها واقع نشده چگونه می گوئی که این امام که در خانه اش نشسته شاید همانند امام موعودی باشد که در آخرالزمان قیام خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود .

از ویژگی های امامان معصوم بود که پیش از آنکه مردم پرسشهای خود را مطرح کنند پاسخ های لازم را می فرمودند و آنها را ارشاد می کردند و شبهات مذهبی شان را برطرف می کردند. از بررسی کتاب هائیکه در شرح سیره و زندگانی آنها نوشته شده دقیقاً این معنی استفاده می شود و نمونه هائی از آن در این کتاب گذشت .

آنانکه از شاهراه هدایت منحرف شده اند و چنین امامانی را نپذیرفته اند در روز رستاخیز چه عذری خواهند داشت، چگونه معذرت خواهند آوردند از انکار امامانی که نپرسیده پاسخ می گفتند و آنچه می گفتند صد در صد به آن اعتماد داشتند و هرگز کشف خلاف نشد. [۹]

آنانکه مردم را از حق و حقیقت منحرف کردند و به سوی افرادی سوق دادند که خود به راهنما نیاز داشتند،

در محکمه عدل الهی چه پاسخی خواهند داشت؟!

تعبیر مروانی در این حدیث ممکن است اشاره به مصری و یا مغربی باشد که در بخش بعدی از آن سخن خواهیم گفت و شاید اشاره به ابقع باشد .

در همین مورد از معصومین (ع) روایت شده :

« -1536 فاول ارض تخرج ارض الشام: یختلفون عند ذلک علی ثلاث رایات: رایه الاصبه، و رایه الابقع، و رایه السفیانی. فیلتقی السفیانی بالابقع فیقتتلون و یقتله السفیانی و من معه، و یقتل الاصبه ».

«نخستین سرزمینی که در آن شورش و کشتار می شود سرزمین شام است که سه لشکر در آن با یکدیگر نبرد می کنند: ۱ - اصبه ۲ - ابقع ۳ - سفیانی. این سه لشکر با یکدیگر می جنگند تا سفیانی با ابقع درگیر می شود و او را با همه سپاهیانش می کشد، سپس ابقع را نیز از پای در می آورد.» [۱۰]

سرزمین شامات چون آتشی زیر خاکستر مهیای چنین حوادث خونبار است و از درگیری قریب الوقوع اعراب و اسرائیل و منتهی شدن آن به جنگ جهانی سوم حکایت می کند .

چه کسی با مشاهده وضع فعلی خاورمیانه و نیروهای نابرابر سوریه و اسرائیل، که سوریه با تمام تجهیزاتش لقمه ای در کام اسرائیل دیده می شود، می تواند پیش بینی کند که روزی سوریه نفس عمیقی خواهد کشید و اسرائیل را با همه تجهیزاتش در کام خود فرو خواهد برد؟! !

آری در احادیث اهل بیت از وقوع چنین حادثه ای سخن رفته و به طور جزم از چنین روزی خبر داده شده :

« -1537 اذا دارت رحی بنی العباس، و ربط اصحاب الرايات خیولهم بزیتون الشام، یهلك الله لهم الاصبه و یقتله و عامه اهل بیده علی ایدیهم .. و یجلس ابن آکله الاکباد علی منبر دمشق . »

«هنگامی که آسیاب بنی عباس بچرخد و پرچمداران پرچمهای خود را با زیتون های شام بیاویزند، خداوند اصبه را هلاک می کند و همه سپاهیانش را به دست آنها نابود می سازد و آنگاه پسر هند جگر خواره بر فراز منبر دمشق می نشیند.» [۱۱]

در این حدیث به صراحت از پیروزی سپاه سفیانی بر سپاه اصبه خبر داده شده است و این بعد از جنگ هائی است که در عراق روی می دهد.

اصهب و ابقع

در فرازهائی چند از روایاتی که از رسول اکرم (ص) و امامان اهل بیت (ع) رسیده، از دو تن شورشگر به عنوان های «اصهب» و «ابقع» گفتگو شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم :

«-1530 اذا هلك عالج بالشام... فاذا قام العالج الاصهب و عسر عليه القلب، لم يلبث حتى يقتل. فهناك الملك الى الترك .. و يحل بالشام الغلاء، و نكثر الوقائع، و تقوم الحرب على قدم و ساق .»

«هنگامی که کافری در شام به هلاکت برسد، اصهب کافر قیام می کند و تسخیر مرکز (شام) بر او سخت می شود و طولی نمی کشد که او نیز کشته می شود و حکومت به اتراک می رسد و در شام گرانی پدید آید و رویدادها پشت سر هم روی می دهد و در هر قدمی جنگ برپا می شود.» [۱]

در اینجا منظور از مرکز همان دمشق است که «اصهب کافر» در آنجا هلاک می شود [۲] و آن هنگامی است که یهود از استیلا بر شام ناتوان می شود و رهبرشان در آنجا و یا در اثنای جنگ با آنها کشته می گردد. آنگاه حکومت ظاهری به بیگانگانی می رسد که کشورهای عربی و اسلامی را به ضعف می کشند و منابع زیرزمینی و ثروت های روی زمین آنها را به یغما می برند .

امیرمؤمنان (ع) در این باره می فرماید :

«-1531 فان كان كذلك، اقبلت عليهم فتن لاقبل لهم بها! الا و ان اولها الهجری، و العطر فی، و الرقطی، و آخرها السفیانی و الشامی .»

«چون این حوادث روی دهد، فتنه هائی بر آنها روی می دهد که هرگز یارای مقابله با آنها ندارند، آگاه باشید که سرآغاز آنها فتنه های هجری، عطر فی، رقطی، و آخر آنها فتنه های سفیانی و شامی است.» [۳]

از این حدیث استفاده می شود که «هجری» همان یمانی است که به زودی از او سخن خواهیم گفت، و «رقطی» کسیست که جامه رنگین بپوشد که طبعاً یا ابقع منطبق می شود [۴] و «عطر فی» رمز شورشگری است که نمی توانیم درباره اش به طور جزم سخن بگوئیم و در برخی روایات «عطر فی» آمده است .

امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید :

«-1532 و ان اهل الشام یختلفون عند ذلك على ثلاث رايات: السفیانی، و الاصهب، و الابقع .»

«در آن هنگام سه پرچم در شام به اهتزاز در می آید که پرچم های سفیانی، اصهب و ابقع است و مردم شام زیر این سه پرچم نبرد می کنند.» [۵]

این حدیث به روشنی دلالت می کند که خروج اصهب و ابقع با خروج سفیانی هم زمانست و طبعاً مقارن ظهور حضرت بقیه الله (عج) و از نشانه های قرب ظهور خواهد بود. که بدون تردید مدت سفیانی از روزیکه خروج کرده تا روزیکه نام و نشانی از او باقی نباشد از چهارده ماه تجاوز نمی کند .

از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) روایت شده که خروج ابقع در مصر و به دنبال دیده شدن ستاره دنباله دار و کسوف خورشید و خسوف ماه خواهد بود که همه اینها در نزدیکی ظهور روی خواهد داد. و در روایات آماده که اصهب کافر قیام نمی کند جز به هنگام شدت یافتن فتنه ها و کثرت حوادث و فجایع .

امام باقر (ع) در این خصوص هشدار می دهد و می فرماید :

« 1533- اتق شر الاصهب الابرص! فقیل: و ما الاصهب؟ قال ابقع. فقیل و ما ابقع؟ فقال الابرص.. و اتق السفیانی، و اتق الشداذ من آل محمد .»!

«از شر اصهب ابرص پرهیز کن». پرسیدند: اصهب کیست؟ فرمود: «ابقع». پرسیدند: ابقع کیست؟ فرمود: «ابرص». سپس فرمود: «از شر سفیانی نیز پرهیز کن و از شر آن عده از آل محمد که شذوذ دارند بر حذر باش». [۶]

در این حدیث اصهب و ابقع یک نفر معرفی شده که براساس احادیث دیگر دو نفر هستید. در این حدیث به شیعیان امر شده که تحت تأثیر تبلیغات اصهب و ابقع و سفیانی و شواذ آل محمد قرار نگیرند، به سویشان جذب نشوند در صفشان قرار نگیرند و به سودشان شمشیر نزنند .

منظور از شواذ آل محمد (ص) افراد تکرو، کجرو، و فرصت طلبی هستند که از جهت نسبت به اهل بیت منسوبند ولی برای به دست آوردن حکومت به ادعاهای دروغین متوسل می شوند تا بدینوسیله افراد مذهبی و با حرارت را به طرف خود جذب کنند .

امام رضا (ع) در مورد فتنه های یاد شده می فرماید :

« 1534- من علاماته ان یکون خراب الشام حین التقاء الرايات الثلاث فیها: ابقع، والاصهب، و السفیانی .»

«از نشانه های ظهور آنحضرت ویرانی شام به هنگام برخورد سه لشکر در زیر پرچم های سفیانی و اصهب و ابقع است.» [۷]

ویرانی شام آغاز گردیده، قسمتی از جولان در دست رژیم اشغالگر اسرائیل واقع شده و قسمت عمده شامات چون فلسطین، اردن و لبنان به طور رسمی و نیمه رسمی تحت اشغال اسرائیل درآمده است. شاید

پرچم اصهب باشد که بر فراز بیت المقدس به اهتزاز درآمده است و به زودی پرچمهای ابقع و سفیانی به اهتزاز در آید و شامات در زیر پاهایشان ویران گردد و فرج جهانی با ظهور حضرت بقیه الله روحی فداه فرا رسد .

یکی از اصحاب امام رضا (ع) تصور می کرد که امام قائم به حق و صاحب شمشیر که در آخرالزمان قیام خواهد کرد آنحضرت است و در نظر داشت که از محضر امام رضا (ع) آن را بپرسد. امام پیش از آنکه او سؤال کند او را به اشتباه خویش متوجه ساخت و خطاب به او چنین فرمود :

« 1535- قبل هذا الامر السفیانی، والیمانی، والمروانی، و شعیب بن صالح، فکیف یقول هذا، هذا؟ .»!!

«پیش از آنکه این امر (امر ظهور) واقع شود باید سفیانی برخیزد، یمانی برخیزد، مروانی برخیزد، شعیب بن صالح برخیزد. پس چگونه می گوئی که این همانست.» [۸]

یعنی اکنون که هیچکدام از این خیزشها و شورشها واقع نشده چگونه می گوئی که این امام که در خانه اش نشسته شاید همانند امام موعودی باشد که در آخرالزمان قیام خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود .

از ویژگی های امامان معصوم بود که پیش از آنکه مردم پرسشهای خود را مطرح کنند پاسخ های لازم را می فرمودند و آنها را ارشاد می کردند و شبهات مذهبی شان را برطرف می کردند. از بررسی کتاب هائیکه در شرح سیره و زندگانی آنها نوشته شده دقیقاً این معنی استفاده می شود و نمونه هائی از آن در این کتاب گذشت .

آنانکه از شاهراه هدایت منحرف شده اند و چنین امامانی را نپذیرفته اند در روز رستاخیز چه عذری خواهند داشت، چگونه معذرت خواهند آوردند از انکار امامانی که نپرسیده پاسخ می گفتند و آنچه می گفتند صد در صد به آن اعتماد داشتند و هرگز کشف خلاف نشد. [۹]

آنانکه مردم را از حق و حقیقت منحرف کردند و به سوی افرادی سوق دادند که خود به راهنما نیاز داشتند، در محکمه عدل الهی چه پاسخی خواهند داشت؟!

تعبیر مروانی در این حدیث ممکن است اشاره به مصری و یا مغربی باشد که در بخش بعدی از آن سخن خواهیم گفت و شاید اشاره به ابقع باشد .

در همین مورد از معصومین (ع) روایت شده :

«-1536 فاول ارض تخرج ارض الشام: یختلفون عند ذلك على ثلاث رايات: رایه الاصهب، و رایه الابقع، و رایه السفیانی. فیلتقی السفیانی بالابقع فیقتتلون و یقتله السفیانی و من معه، و یقتل الاصهب.»

«نخستین سرزمینی که در آن شورش و کشتار می شود سرزمین شام است که سه لشکر در آن با یکدیگر نبرد می کنند: ۱ - اصهب ۲ - ابقع ۳ - سفیانی. این سه لشکر با یکدیگر می جنگند تا سفیانی با ابقع درگیر می شود و او را با همه سپاهیانش می کشد، سپس ابقع را نیز از پای در می آورد.» [۱۰]

سرزمین شامات چون آتشی زیر خاکستر مهیای چنین حوادث خونبار است و از درگیری قریب الوقوع اعراب و اسرائیل و منتهی شدن آن به جنگ جهانی سوم حکایت می کند .

چه کسی با مشاهده وضع فعلی خاورمیانه و نیروهای نابرابر سوریه و اسرائیل، که سوریه با تمام تجهیزاتش لقمه ای در کام اسرائیل دیده می شود، می تواند پیش بینی کند که روزی سوریه نفس عمیقی خواهد کشید و اسرائیل را با همه تجهیزاتش در کام خود فرو خواهد برد؟ !

آری در احادیث اهل بیت از وقوع چنین حادثه ای سخن رفته و به طور جزم از چنین روزی خبر داده شده :

«-1537 اذا دارت رحی بنی العباس، و ربط اصحاب الرايات خیولهم بزیتون الشام، یهلك الله لهم الاصهب و یقتله و عامه اهل بیده علی ایدیهم .. و یجلس ابن آكله الاكباد علی منبر دمشق.»

«هنگامی که آسیاب بنی عباس بچرخد و پرچمداران پرچمهای خود را با زیتون های شام بیاویزند، خداوند اصهب را هلاک می کند و همه سپاهیانش را به دست آنها نابود می سازد و آنگاه پسر هند جگر خواره بر فراز منبر دمشق می نشیند.» [۱۱]

در این حدیث به صراحت از پیروزی سپاه سفیانی بر سپاه اصهب خبر داده شده است و این بعد از جنگ هائی است که در عراق روی می دهد.

مصری و مغربی

از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمود :

«هنگامی که دیدید خلافت در سرزمین مقدسه فرود آمده، بدانید که وقت بلاهای بزرگ و فاجعه های سترگ فرا رسیده است و ساعت (فرج) برای مردم نزدیکتر از دست من نسبت به سرم می باشد.»

منظور از خلافت در این حدیث بدون تردید خلافت سفیانی است و منظور از سرزمین مقدسه سرزمین فلسطین است و منظور از بلاهای بزرگ حوادث خونبار و دهشت انگیزیست که به دست آن جنایت پیشه روی

می دهد و منظور از ساعت، ساعت فرج آل محمد (ص) است نه روز رستاخیز .

از این حدیث به روشنی استفاده می شود که پیش از ظهور حضرت بقیه الله (عج) فلسطین گشوده می شود و قسمت اعظم آن چون شهر قدس و کرانه غربی رود اردن از دست اسرائیل خارج می شود و یهودیان باقی مانده در محور عکا - حیفا محصور می شوند تا حضرت بقیه الله (روحی فداه) ظهور کند و نشانی از یهود جنایت پیشه باقی نگذارد و آخرین فردی را که در برابر آئین حق تسلیم نشود از دم شمشیر بگذرانند. این بلاهای بزرگ با نابودی همه دشمنان دین با شمشیر انتقام الهی پایان می پذیرد .

در این باره از امامان اهل بیت روایت شده که فرموده اند :

« 1538- علامه خروج المهدی الیه تقبل من المغرب، علیها رجل اعرج من کنده .»

«نشانه ظهور حضرت مهدی (عج) پرچمهایی است که از مغرب تحت فرماندهی مرد لنگی از کنده به اهتزاز درآید.» [۱]

« 1539- من علاماتہ نفر اهل المغرب الی مصر. و تلک اماره السفیانی .»

«از نشانه های او کوچ کردن مغربی ها به سوی مصر است و آن در عهد سفیانی است.» [۲]

هر لحظه این کوچ کردن انتظار کشیده می شود. لیبی که یکی از کشورهای مغرب است در صدد برآمد که با مصر یکی شود و این کوچ را از طریق قانونی و اتحاد بین دو کشور انجام دهد و پس از مدتی سیاست بازی سرانجام تلاشش بی حاصل شد و عقیم ماند. کوچ دیگری از طریق تهاجم مسلحانه انجام می گیرد که از مرزهای شرقی آن نیز عبور کنند و در جنگ شامات شرکت نمایند. چنانکه از احادیث استفاده می شود. امام صادق (ع) در این مورد می فرماید :

« 1540- قبل القائم تتحرک حرب و قیس »

«پیش از قیام قائم (عج) حرکت حرب و قیس است.» [۳]

منظور از حرب بنی امیه است که عبارت از سفیانی است و منظور از قیس مغرب است که مقر قیس در شمال آفریقا است. شاهد این معنی درگیری های موجود ملت های عرب و احادیث دیگری است که این معنی را تأیید می کند .

« 1541- دخول رایات قیس و العرب الی مصر »

«پرچم های قیس و عرب وارد مصر می شوند.» [۴]

اینجا هم قیس اشاره به اهل مغرب است که عرب های آفریقا هستند و به همین دلیل لفظ «عرب» هم در حدیث آمده است و گرنه مردم مصر هم عرب هستند، دیگر لزومی نداشت برای هجوم قوم عرب بر یک کشور عرب، قید عرب آورده شود .

امیرمؤمنان در این مورد می فرماید :

« 1542-علامه خروجه تختلف ثلاث رايات: رایه من العرب، فیاویل لمصر و ما یحل منهم. و رایه من البحرین، من جزیره آرال من ارض فارس. و رایه من الشام، فتدوم الفتنه بینهم سنه »

«نشانه خروج او درگیر شدن سه لشکر است، لشکری از عرب، که بدا به حال مردم مصر از حوادثی که به دست آن لشکر بر مصر روی می دهد. و لشکری از بحرین از جزیره آرال از سرزمین فارس، و لشکری از شام، که یکسال درگیری در میان آنها به طول می کشد.» [۵]

« 1543- ظهور المغربی بمصر و تملکه الشامات »

«مغربی بر مصر چیره می شود و شامات را تحت سیطره خود در می آورد.» [۶]

که او پرچمدار قیس است .

« 1544-ویخرج البربر الی سره الشام .»

«بر بر به سوی وادی شام خروج می کنند.» [۷]

« 1545-علامه وقعه المدینه اذا اقبل امیر مصر .»

«نشانه حادثه مدینه، روی آوردن زامدار مصر است.» [۸]

« 1546-یقبل البربر بالرايات الصفر، علی البرادین السبر، حتی ینزلوا مصر.. و یخرج اهل المغرب الی مصر.. فاذا دخلوا فتلك اماره السفیانی .!»

«سپاه بربر با پرچم های زرد بر فراز یابوهای نیرومند و بیشمار روی می آورند و وارد مصر می شوند و اهل مغرب نیز به سوی مصر حرکت می کنند، هنگامی که وارد مصر شوند، سفیانی به حکومت می رسد.» [۹]

در روایت دیگری از امیرمؤمنان (ع) و امام باقر (ع) چنین آمده است :

«-1547 اذا اختلف رحمان بالشام، لم تنجل الا عن آيه من آيات الله تعالى: رجفه بالشام يهلك فيها اكثر من منه الف يجعلها الله رحمه للمومنين و عذابا على الكافرين. فاذا كان ذلك فانظروا الى اصحاب البراذين الشهب المخدوقه، و الرايات الصفر تغبل من المغرب حتى تحل بالشام، و ذلك عند الجزع الكبير و الموت الاحمر!. فاذا كان ذلك فانتظروا خسفا بقريه من قري الشام يقال لها: خرشنا. فاذا كان ذلك فانتظروا ابن آكله الكباد بوادي اليباس حتى ستولى على منبر دمشق. فاذا كان ذلك فانتظروا خروج المهدي (ع) .»

«چون دو لشکر در شام درگیر شوند، یکی از آیات بزرگ الهی ظاهر می شود و آن زلزله شام است که بیش از صد هزار نفر در شام هلاک می شود. این حادثه برای مؤمنان رحمت و برای کافران نقت است. چون این حادثه روی دهد منتظر پرچم های زرد و سپاهیان سبکبال یابو سواری باشید که از سوی مغرب می آیند و وارد شام می شوند و آن به هنگام مرگ سرخ و اضطراب بزرگ است. هنگامی که این مرگ و میر و اضطراب شدید واقع شود منتظر خسف یکی از آبادیهای شام به نام «خرشنا» باشید. هنگامی که خرشنا خسف شود منتظر خروج سفیانی پسر هند جگر خواره از سرزمین بی آب و عرف باشید تا بر منبر دمشق دست یابد، چون سفیانی بر فراز منبر قرار گرفت منتظر ظهور مهدی باشید.» [۱۰]

دو لشکر عربی و یهودی در شام درگیر شده اند و در میان منادیان راستیان مغربی و منادیان چپ شرقی در سرزمین شامات درگیری ادامه دارد و به خصوص در خاورمیانه و در مناطق نفت خیز بیش از دیگر مناطق این درگیری به چشم می خورد که هر حرکتی در این زمینه روی می دهد یکی دیگر از نشانه های صدق رسول اکرم (ص) و امامان اهلبیت ظاهر می شود که هرگز از احدی در جهان چنین خبرهای دقیق در مورد حوادث آینده صادر نشده است. ما در میان همه اقوام با داشتن چنین پیشوایانی مفتخر هستیم و از همه جهانیان می خواهیم که نظیر این اخبار غیبی را از پیشوایان خود نقل کنند یا در گفتار پیشوایان ما نقطه ضعفی پیدا کنند. نعوذ بالله .

بربر در این حدیث بدون تردید ساکنان مغرب هستند که با پرچم های زرد به سوی مصر و از آنجا به سوی بلاد شام حمله خواهند کرد .

از احادیث یاد شده نکات بسیاری به دست می آید که از آن جمله است :

1- زلزله سختی در بلاد شام روی خواهد داد که ممکن است زلزله طبیعی و به فرمان الهی باشد و ممکن است با فرو ریختن بمبهای اتمی و نیدروژنی توسط دشمن انسانیت، اسرائیل جنایت پیشه باشد .

2- این لشکرها از نفربرهای تازه ای استفاده می کنند که در این حدیث یابوهای سبکبال تعبیر شده است و

اسب و استروشر تعبیر نشده است و پرواضح است که هزاران یابو برای نقل و انتقال یک لشکر جرار یافت نمی شود، کجا رسد که همگی یکرنگ و یک نواخت و بیرون از شمار باشند .

3- در برخی از روایات در وصف یابوها «شُهب» تعبیر شده که یکرنگ بودن آنها را می رساند، و در برخی دیگر «بُتر» تعبیر شده که بی دم بودن آنها را می رساند و در برخی «سُبر» تعبیر شده که بیشمار بودن و صاحب ابزار اکتشافی بودن آنها را می رساند و طبق معنای دیگر کلمه پرواز کردن در اوج آسمان را با بالهای دراز می رساند و از طرفی «مخدوفه» تعبیر شده که به معنای مرکب تیزپائیس است که در اثر سرعت، سنگریزه ها از زیر پاهایش پرتاب شود و گوش نداشته باشد. از مجموع این اوصاف هواپیماهای تیزپرواز موشک انداز در مغزها تبادر می شود .

4- این حوادث به دنبال اضطراب جهانی و مرگ و میر وسیعی واقع می شود که در لسان احادیث «جزع اکبر» و «موت احمر» تعبیر شده است که با جنگ جهانی سوم منطبق است که جهان را به خاک و خون می کشد .

پیشوایان معصوم سخنان بلند و پرمحتوای خود را سیل آسا بر مغزهای ما فرو ریخته اند و ما را در برابر اقیانوسی از معارف قرار داده اند و با تعبیرات: یابوهای تیزتک، سنگ انداز، یک رنگ، بلند پرواز، درازبال، بی دم و بی گوش، و امثال آنها جنگنده های مدرن امروزی را برای ما مجسم فرموده اند .

و اینک احادیث دیگری که حوادث آن روز را بیشتر و بیشتر توضیح می دهد :

« 1548- اذا دخلت الرايات الصفر مصر فغلبوا عليها، و قعدوا على منبرها فليحفر اهل الشام اسراباً لهم في الارض، فانه البلاء!!! و اذا بلغك انهم نزلوا بالشام، و هي السره، فان استطعت ان تلتمس سلماً في السماء او نفقاً في الارض فافعل: فاذا اقبلت الرايات السود من المشرق و الرايات الصفر من المغرب، و التقت في سره الشام، فهناك البلاء، و بطن الارض يومئذ خير من ظهرها .»!!!

« هنگامی که پرچم های زرد وارد مصر شوند و بر سرزمین مصر چیره شوند و بر اریکه قدرت تکیه دهند مردم شام در زمین برای خود تونل و پناهگاه بکنند که بلای بزرگی در انتظار آنهاست. تو نیز هنگامی که مطلع شدی که آنها در شام فرود آمده اند و بیابانهای شام را پر کرده اند، اگر بتوانی نردبانی پیدا کنی که در آسمان بالا روی حتماً انجام بده، و اگر بتوانی تونلی در زمین بکنی حتماً انجام بده، هنگامی که پرچم های سیاه از مشرق و پرچم های زرد از مغرب به راه افتادند و در شام به یکدیگر رسیدند، آنروز روز بلا و گرفتاری است، و در آن روز زیرزمین بهتر از پشت آنست.» [۱۱]

بسیار جالب است که پیشوایان اسلام چهارده قرن پیش از این برای مردم آخرالزمان دستور حفر تونل و پناهگاه در زیرزمین می دهند تا بدین وسیله از بمباران های هوایی و امواج انفجارها سالم بمانند و اگر

قدرت داشته باشند با هواپیماها خود را از منطقه خطر دور کنند، در صورتیکه به هنگام صدور این احادیث نه امکان پرواز در آسمان بود و نه حوادثی پیش می آمد که نیاز به حفر تونل و پناهگاه در زیرزمین باشد.!

آیا گوشی بدهکار این نصیحت های مشفقانه هست تا خود را از خطرات حتمی نجات دهد؟! بدون تردید کسانی رهائی می یابند که به این نصیحتها گوش فرا دهند و پیش از فوت فرصت اقدام های ایمنی را فراموش نکنند، تا از امواج انفجارات در جنگ سرنوشت ساز شام در امان باشند .

آیا تاکنون احدی - ولو به دروغ - ادعا کرده که رسول گرامی اسلام (ص) و امامان اهل بیت در مکتبی درس خوانده اند و از کسی کلمه ای آموخته اند؟! هرگز. بلکه همه علوم به آنها بر می گردد و همه حقایق و دقایق از سرچشمه زلال علوم آل محمد (ص) سرچشمه گرفته است. به حق فرموده اند که: «نحن صنایع ربنا، و الخلق بعد صنایعنا»: «ما تربیت شدگان و ساخته شدگان پروردگار خود هستیم و دیگر مخلوقات ساخته شدگان ما هستند.» [۱۲]

هر کس ساخته و پرداخته آن بزرگواران باشد، پیرو فرمان آنها باشد، قدم در جای پای آنها نهد، از راه و روش آنها پیروی کند، نجات می یابد، و هر کس از راه آنها بلغزد و از راه دیگران پیروی کند، از شاهراه حقیقت گم می شود و در دره هلاکت سقوط می کند. اینک هر کسی خود راهش را برگزیند و از راهیکه انتخاب می کند پیش بتازد و از مزایایش برخوردار شود .

« 1549- إذا بلغت الرايات الصفر مصر، فاهرب فی الارض جهدک هرباً. و اذا بلغک انهم نزلوا الشام فهناک البلاء. »

«هنگامی که پرچم های زرد به مصر برسد، با تمام قدرت از منطقه فرار کن، و هنگامیکه آنها وارد شام بشوند دیگر موقع بلا فرا رسیده است.» [۱۳]

اگر کسی بخواهد از منطقه بگریزد باید بدون فوت فرصت به دنبال استیلاي سپاه مغرب بر مصر و توجه آنها به سوی شامات باشد و کسی از بمبها و موشک های آنها نجات نمی یابد مگر اینکه قبلاض از منطقه گریخته باشد یا در زیرزمین تونل و پناهگاهی کنده باشد .

به نظر می رسد که قوای مغربی به سوی بغداد نیز عزیمت می کند تا در ویرانی عراق سهیم باشد که قبلاً (در بخش هفدهم) از آن سخن گفتیم و گذشته از اخبار اسلامی از تورات و انجیل نیز نقل کردیم که بغداد در زیر پای لشکری جرار خراب می شود و به آتش جنگ «قرقیسیا» دچار می شود و قربانیان این جنگ برای مدتی طولانی طعمه و حوش و طیور می شود که در کتاب های آسمانی و روایات اسلامی از آن به «سفره عام الهی از گوشت ستم پیشگان برای وحوش و طیور» نام برده شده است. [۱۴]

سپس امیرمؤمنان (ع) در این باره می فرماید :

«-1550اذا ركزت رايات قيس بمصر، و رايات كنده بخراسان.»»

«هنگامی که پرچم های قیس در مصر نصب شود و پرچم های کنده در خراسان.» [۱۵]

یعنی پرچم های قیس به سوی شرق حرکت کند و پرچم های کنده به سوی غرب .

«-1551اذا دهمکم رايات بنی كنده مع عمال من عقبه من الشام.»»

«هنگامی که پرچم های بنی کنده با سپاهیان گردنه شام به سوی شما روی آورد.» [۱۶]

منظور از سپاه شام، سپاه سفیانی است که پیش از حرکت سپاه اسلام از مکه و مدینه، در وادی شام مستقر می شوند .

«-1552ورود خیل من المغرب حتی تربط بفناء الحیره و تقبل نحوها رايات سود من خراسان بعد تركيز رايات كنده فيها.»»

«اسبهائی از سوی مغرب به پیش می تازند تا در حوالی حیره (در عراق) فرود آیند و آنگاه پرچم های سیاهی از سوی خراسان به حرکت در می آید پس از آنکه پرچم های کنده در آن متمرکز شود.» [۱۷]

اگر چه در لغت «خیل» به معنای اسب است ولی در این احادیث مورد مرکب تیزیائی به کار رفته که در آنروز نفرات و ادوات جنگی را منتقل خواهد کرد، و اگر به معنای لغوی بود، می بایست از شتر و استر و غیره نیز نامی به میان آید، که این احادیث از فصیحترین انسان ها و بلیغترین آنها صادر شده است .

منظور از پرچم های سیاه، لشکر نیرومند سید خراسانی است که برای دفاع از شیعیان عراق در برابر سپاه سفیانی و دیگر نیروهای مهاجم از خراسان حرکت می کند و به یاری حضرت بقیه الله (عج) و بیعت آن بزرگوار منتهی می شود .

«-1553اذا قام امیر الامراء فی مصر، و جهزت اللوف، و صفت الصفوف.»»!

«هنگامی که امیر امیران در مصر قیام کند و صفها فشرده شود و هزاران سپاهی گرد آید...» [۱۸]

زمینه گردآوری سپاه عظیم در مصر فراهم آمده، و رژیم مصر با تلاشی وسیع برای مجهز ساختن ارتش خویش به برترین سلاح ها، از نوع سلاح های ارتش سابق ایران تلاش می کند. مخالفین سیاست مصر آماده

مقابله هستند و دشمنان مشترک آنها از فروش اسلحه و فرستادن سیل سلاح های مدرن دریغ ندارند .

«-1554 قتل اهل مصر امیرهم! و دخول رایات قیس و العرب الی مصر و ترکیزهغا فیها .»

«هنگامی که مردم مصر زمامدار خود را بکشند و پرچم های قیس و عرب وارد مصر گردد و در آن متمرکز شود.» [۱۹]

شاید منظور از کشتن زمامدار مصری همان انورسادات باشد که در این اواخر انجام گرفت که پیشتر سراغ نداریم مردم مصر زمامدارشان را کشته باشند .

«-1555 یقتل قبل ظهور القائم ملک الشام، و ملک مصر، و یسبی اهل قبائل من مصر .»

«پیش از ظهور قائم (عج) پادشاه شام و پادشاه مصر کشته می شوند و قبائلی چند از مردم مصر اسیر گرفته می شوند.» [۲۰]

ظاهراً این دو قتل پیش از جنگ های خانمانسوز شام روی خواهد داد، و در مورد اسارت مصریها سخن خواهیم گفت .

«-1556 و غلبه العیید علی بلاد السادات .»

«بندگان بر سرزمین اربابان خود چیره می شوند.» [۲۱]

«-1557 خروج العیید علی ساداتهم، و قتلهم موالیهم .»

«بردگان بر علیه ارباب های خود می شورند و آنها را به قتل می رسانند.» [۲۲]

این شورش در هر کارگاه و کارخانه ای بین کارگر و کارفرما، شاگرد و استاد، مأمور و آمر، حتی فرزند و پدر آغاز شده است .

«-1558 اذا ملک رجل الشام، و آخر مصر، فاقتتل الشامی و المصری، و سبی اهل الشام قبائل من مصر . و اقبل رجل من المشرق برایات سود صغار قبل صاحب الشام، فهو الذی یوذی الطاعه للمهدی .»

«هنگامی که مردی حکومت شام را به دست آورد و دیگری بر مصر دست بیاید، آنگاه شامی و مصری با یکدیگر به جنگ پردازند و مردم شام قبیله هائی از مصر را به اسارت بگیرند و مردی از خراسان (سید خراسانی) با پرچم های سیاه کوچکی از خراسان به سوی شام حرکت کند. او همان شخصی است که زمینه را

برای اطاعت حضرت مهدی (ع) فراهم می آورد.» [۲۳]

در اینجا منظور از شامی، سفیانی است و یا یکی از فرماندهان ارتش سفیانی است که به سوی عراق اعزام می شود، و منظور از شکست دادن سید خراسانی سپاه سفیانی را، نبرد سختی است که پس از کشتار بغداد و کوفه در میان آنها روی می دهد .

« 1559- اما صاحب المغرب فیسیر، فیقتل الرجال و یسبی النساء، ثم یرجع بقیس بعد التقائه بجیش

السفیانی فر قرقیسیا، فینزل السفیانی فی الجزیره، و یسبق الیمانی الیها، فیحوز السفیانی ما جمعوا .»

«آن مرد مغربی حرکت می کند و در راه هر چه مرد ببیند می کشد و هر چه زن بیابد اسیر می گیرد، پس از برخورد با سپاه سفیانی در قرقیسیا، با قیس بر می گردد. سفیانی در جزیره فرود می آید و یمانی به سویش می شتابد. آنچه داشته باشند سفیانی از آنها باز می ستاند.» [۲۴]

«... 1560- و غلبه الهند علی السند، و غلبه القبط علی اطراف مصر، و غلبه اللندلس علی اطراف افریقا، و

غلبه الحبشه علی الیمن، و غلبه الترك علی اطراف خراسان، و غلبه الروم علی الشام، و غلبه اهل ارمینیه، و

صراخ صراخ بالعراق، و هتک الحجاب، و اقتضاض العذراء»!!!

«پیروزی هند برسند، پیروزی قبط بر اطراف مصر، پیروزی اندلس بر اطراف آفریقا، پیروزی حبشه بر یمن،

پیروزی ترک بر اطراف خراسان، پیروزی رومیان بر شام، پیروزی مردم ارمنستان و ناله های ناله کنندگان در

عراق و هتک عفت زنان و تجاوز به حریم پرده نشینان.» [۲۵]

هر کجا که امیر مؤمنان سخن می گوید، انسان نمی داند که به شیوائی لفظ بیندیشد، یا به عمق معانی، یا به

زیبائی اسلوب و یا به اوج آگاهی، که او باب مدینه رسول اکرم (ص) است و خودمدار حق است و حق با

اوست هر کجا رود .

غلبه هند بر سند در زمان ما تحقق یافته است و منظور از «قبط» نصارای مصر و سودان و اتیوپی است که در

مصر زندگی مرفه و ممتازی دارند و در جنوب سودان و در بخشی از کشور چاد و در همه کشور اتیوپی حاکم

هستند .

غلبه اندلس در اطراف آفریقا در گذشته واقع شده و هم اکنون نیز در صحرا به دست انقلابیون پولیساریو

در شرف تحقق است. انقلابیون پولیساریو به دست دشمنان اسلام برای ریشه کن نمودن اسلام در صحرا به

وجود آمده اند، چنانکه امثال آنها در دیگر مناطق زمین به دست دشمنان برای همین منظور به وجود آمده

است و در نقشه های شوم خود توفیق حاصل کرده اند .

غلبه حبشه بر یمن در جنگ اتیوپی بر علیه صومال اسلامی آغاز شده، و کماندوهای کوبا به نام گسترش عدالت در زمین، روح ضد اسلامی خود را ابراز کرده، از هیچ کمکی نسبت به اتیوپی متجاوز و از هیچ جنایتی نسبت به صومالی مسلمان دریغ نکرده اند .

غلبه ترکان بر اطراف خراسان در گذشته در اثنای جنگ های روسیه تحقق یافته، تا شهر مقدس مشهد زیر پاهای شوروی متجاوز لگدمال شده، حرم مطهر حضرت ثامن الحجج امام رضا (ع) مورد اصابت توپ قرار گرفته است. بعدها در زمان خودمان با اشغال آذربایجان روی داده و هم اکنون با اشغال افغانستان تحقق یافته است .

غلبه روم (یهود) بر شام برای همه مردم عصر ما به صورت یقینی و ملموس واقع شده، تجاوزات اسرائیل بر سوریه و اشغال بلندیهای جولان و کرانه های رود اردن و سرزمین مقدس فلسطین، که همگی جزء مناطق شامات هستند، بر کسی پوشیده نیست .

درگیری ارمنی ها با اترک از سالیان متمادی ادامه دارد و احتمالاً در آینده رسماً بر شرق ترکیه غلبه پیدا کنند. فریادهای فریاد گران عراق در اثنای جنگ ایران و عراق هر لحظه فضای عراق را پر کرده و همه خانواده ها که به نوعی در این جنگ صدمه خورده اند شب و روز فریادشان بلند است و بر مسبین این جنگ تحمیلی لعنت می کنند، جنگی که ابر قدرت شرق آن را طرح ریزی می کند و ابر قدرت غرب ابزار و ادواتش را فراهم می کند و دو ملت مسلمان را به جان یکدیگر می اندازد .

تعبیر بلند شدن فریاد فریاد گران در عراق تعبیر بسیار شیوائی است که چهارده قرن پیش از زبان امام معصوم صادر شده است و امروز هم تعبیر مناسبتری یافت نمی شود .

در شرح فرازهای حدیث به همین مقدار بسنده می کنیم که اصول فقرات آن معلوم شد و برای هر خواننده ای معلوم شد که این خطبه نیز همانند همه خطبه های مولای متقیان شعر و سجع نیست، بلکه حقایق و دقایقی است که به زیباترین اسلوبی بیان شده است. هنگامی که در پیرامون احادیث بعدی سخن گفتیم و اشتباه برخی را در احادیث متشابه این بخش بازگو کردیم حدیث فوق وضوح بیشتری پیدا می کند.

عوف سلمی

امام زین العابدین (ع) می فرماید :

«- 1561 یکنون قبل خروجه خروج رجل یقال له: عوف السلمی، بارض الجزیره، و یکنون ماواه تکریت، و قتله بمسجد دمشق.»

«پیش از خروج آن حضرت، مردی به نام «عوف سلمی» در سرزمین «الجزیره» خروج می کند، [۱] در

«تکریت» مأوری گزیند [۲]، و در مسجد دمشق به قتل می رسد.» [۳]

در برخی منابع به جای «تکریت»، «کریت» و «کویت» نیز آمده است که با گذشت زمان و با وضع کتاب های خطی در پیش از اختراع چاپ بروز چنین اختلافائی طبیعی است .

ظاهر اینست که خرابی بصره به دست او خواهد شد، از طرف جنوب وارد بصره می شود، گروهی از عربها و گروهی از زنجی ها را همراه می برد و بصره را خراب می کند .

این خرابی بصره غیر از آن خرابی بصره است که در قرن سوم هجری به توسط صاحب زنج انجام یافته است و ابن حدید تصور کرده است که خرابی موعود همانست [4] ولی آن نمی تواند خرابی موعود باشد که یکهزار و یکصد و پنجاه سال از آن گذشته و هنوز هم ظهور واقع نشده است، این خرابی که در احادیث وعده داده شده، از علایم ظهور و طبعاً در نزدیکی ظهور خواهد بود. [۵]

در همین مورد رسول اکرم (ص) خطاب به جعفر بن ابی طالب (ع) فرمود :

« 1562- و خراب البصره علی یدرجل من ذریتك، یتبعه الزنوج .»

«بصره توسط یکی از فرزندان تو ویران می شود که زنجی ها از او پیروی می کنند.» [۶]

اولین خرابی بصره در ایام بنی عباس در فتنه های صاحب زنج واقع شد ولی نباید فراموش کرد که در حدیث دیگری تعبیر «عند» دارد و آن صریح است که قیام حضرت بقیه الله (عج) همزمان با خرابی بصره خواهد بود و آخرابی موعود در نزدیکی ظهور و ظهور به دنبال آنست. [۷] و اگر تاریخچه ویرانی بصره در قرن سوم را در تاریخ خاورشناس معروف «بروکلمان» بخوانید برای شما قطعی می شود که خرابی صاحب زنج غیر از خرابی موعود در نزدیکی ظهور است. [۸]

چه مانعی هست که ویرانی نخستین توسط یکی از اولاد رسول (ص) از نسل جناب زید باشد و ویرانی واپسین توسط «عوف سلمی» باشد که احتمالاً از نسل جعفر طیار باشد، که بصره را با خاک یکسان کند و از عراق عبور کرده وارد دمشق شود و در مسجد شام به قتل برسد. و این معنی هرگز با صاحب زنج قابل انطباق نیست که بصره را ویران کرد و هرگز وارد دمشق نشد و به خاک سوریه پانگذاشت .

« 1563- و غلبه العبید علی بلاد الشام »

«غلامان بر اراضی شام سیطره می یابند.» [۹]

امیرمؤمنان در همین زمینه می فرماید :

« 1564-ویحک یا بصره من حیث لا رهج له ولا حس! ففتنه یکون فیها خراب منازل، و خراب دیار، و انتهاک اموال، و سباء نساء. »!!!

«ای بصره! وای بر تو از سپاهی که نه گرد برانگیزد و نه احساس دارد، ولی فتنه ای بر پا کند که خانه ها را ویران سازد، آبادی ها را بر خاک نشاند، ثروتها را بر باد دهد و زنها را به اسارت بسپارد.» [۱۰]

« 1565-کانی به قد سار بالجیش الذی لایکون له غبار ولا لجب، ولا قعقه لجم، ولا حممه خیل، یتیرون الارض باقدامهم کانهما اقدام النعام. ویل لسککم العامره، والدور المزخرفه التی لها اجنحه کاجنحه النسور و خراطیم الفیله، من اولئک الذین لایتتدب فتیلهم، ولا یفتقد غائبهم. »!

«گوئی با چشم خود او را می بینم که با سپاهی خواهد آمد که نه غباری بر می انگیزد، نه بانگ ترسناکی بلند می کند، نه آواز لگامی شنیده می شود و نه شیهه اسبی. با گام های خود زمین را بلرزانند، گوئی پای شتر مرغان است. وای بر خیابان های آباد شما و خانه های آراسته و زرنگار شما، که مانند کرکس بال دارد و مانند فیل خرطوم. از آنها کسانی هستند که بر کشته هایشان کسی نمی گرید و از مفقود الاثرهایشان کسی سراغ نمی گیرد.» [۱۱]

سپاهی که غبار بر نمی انگیزد و صدای لگام و شیهه اسب از آن بگوش نرسد و چون شترمرغ سبکبال باشد، کدام سپاه است؟ مگر نه اینست که سپاهیان آخرالزمان با هواپیما و نفربر می آیند و اسبی همراه ندارند تا شیهه اسبی از آنها شنیده شود و صدای افساری از آنها بگوش برسد. آیا در فتنه صاحب زنج (پادشاه زنگبار) صدای افسار و شیهه اسب شنیده نمی شد؟! پس بدون تردید منظور از این ویرانی بصره، خرابی صاحب زنج نیست، بلکه خرابی عوف سلمی در آستانه ظهور است .

آیا در قرن سوم خانه های بصره بالکون ها و سایه بانهایی به سان بالهای کرکس و خرطوم فیل داش؟! آنگاه بیشترین خانه ها از برگ های خرما و حصیر و بوری و تعداد اندکی از چوب و خشت خام بود. با ملاحظه جهات یاد شده تردیدی نمی ماند که منظور از خرابی بصره، خرابی آن در قرن سوم هجری نبود، بلکه ویرانی دیگریست که هم اکنون در انتظار آنست .

« 1566-البصره! انها لاقرب الارض خرابا، واجشها ترابا، و اشدها عذاباً! و ان لکم یا اهل البصره، و ما حولکم من القرى، من الماء لیوما عظیماً بلاوه! و انی لاعلم موضع منفجره من قریتکم هذه! ثم امور قبل ذلک تدهمکم عظیمه اخفیت علیکم و علمناها.. فمن خرج عنها عند ذنوغرفها فبرحمه من اللّٰه سبقت له، و من بقى فیها غیر مربوط بها فیذنبه، و ما اللّٰه بظلام للعبید. »!

«اما بصره برای ویرانی از همه جا نزدیکتر، خاکش از همه جا سخت تر، در معرض عذاب الهی از همه جا بیشتر است. ای مردم بصره! و ای ساکنان آبادیهای اطراف بصره! آگاه باشید که روز سخت و بلای دردناکی از آب در انتظار شماست، من می دانم که این آب از کدام نقطه شهر شما بیرون خواهد زد، پیش از آن نیز فاجعه های سختی بر شما خواهد رسید که علم آن از شما پنهان شده و بر ما عطا شده است. چون موقع انفجار آن فرا رسد هر کس جلوتر از آنجا خارج شود رحمت خدا او را فرا گرفته است و هر کس بدون وابستگی در آن بماند، در برابر گناهانش مبتلا شده است و خداوند هرگز به بندگانش ستم نمی کند.» [۱۲]

این ویرانی که با جوشش آب از دل خاکش تحقق خواهد یافت هیچ ارتباطی با فتنه صاحب زنج در یازده قرن پیش ندارد. آنچه به عنوان ملایم ظهور گفته شده خرابی آن به وسیله جوشش آب است .

« 1567- یا اهل البصره: اخلاقکم دقاق، و دینکم نفاق، و ماوکم زعاق .!بلادکم اتتن بلاد اللّٰه تربه و ابعدھا من السماء، بها تسعه اعشار الشر!! و المحتبس فیها بذنبه، والخارج منها بعقو ربه .. کانی انظر الی قریتکم هذہ و قد طبقھا الماء حتی ما یری فیھا الا شرف المسجد کانه جوجوطیر فی لجه بحر .!فاذا هم قد راوا البصره قد تحولت اخصاصھا دورا، و آجامھا قصوراً فالهرب الهرب فانه لا بصره لکم بعد الیوم .»!

«ای اهل بصره! اخلافتان پیچیده، آئیتتان منافقانه، آبتان تلخ، خاک کشورتان از هر خاکی گندیده تر، و از آسمان دورتر است، نه دهم شر در شهر شماست، کسیکه در آن درگیر است در اثر گناهانش مبتلا شده است و هر کس از آن رهائی پیدا کند از رحمت و برکات پروردگار نجات یافته است. گوئی با چشم خود می بینم که شهر شما را آب فرا گرفته است. از ساختمان های شهر جز گنبد مسجدتان دیده نمی شود که همانند سینه مرغی در اقیانوس بیکران شناور به نظر می رسد. هنگامی که دیدند کوخهای بصره تبدیل به کاخ شده و باغهای اطراف آن تبدیل به قصر شده، بدانند که عمر بصره به پایان رسیده، دیگر بصره ای وجود نخواهد داشت.» [۱۳]

اینها سخنان مولای متقینان و امیرمؤمنان (ع) است که در طول چهارده قرن سینه به سینه و نسل به نسل، از قرنی برای قرنی دیگر نقل شده و به دست ما رسیده است که او باب علم مدینه رسول (ص) است و کسی در گذشته و حال چون او جهان را نشناخته است و از آینده خبر نداده است و ما همواره با سخنان او بر همگان مباحث کرده، همه را به مبارزه خواسته ایم. و هرگز در سخنان گهربار او و گفتار دربار رسول اکرم (ص) و اقوال نغز و پرمغز امامان اهل بیت (ع) دچار شک و تردید نشده ایم .

خوشا به حال انسانهاییکه گوش شنوا داشته باشند و از دیدن حق کور و از شنیدن حق کر نباشند و سخنان آنها را که هر جمله اش آیه ای آشکار و دلیلی قاطع و برهانی ساطع است با گوش حق نیوش بشنوند و به کار بندند. که هر کس از راه آنها برود هرگز گمراه نمی شود و از شاهراه حق و حقیقت منحرف نمی شوند .

«-1568 اذا خربت البصره، و قام امير الامر ه .»

«هنگامی که بصره ویران شود و امیر امیران برخیزد.» [۱۴]

«-1569 و خراب البصره بالزنج .»

«ویرانی به وسیله زنگی ها» [۱۵]

یمانی

رسول اکرم (ص) می فرماید:

«۱۵۷ - خروج الثالثه: السفیانی و الخراسانی و الیمانی فی سنه واحده فی شهر واحد، فی یوم واحد. و لیس فیها من رایه اهدی من رایه الیمانی، لانه یدعو الی الحق.»

«سه پرچم در یک سال، یک ماه و یک روز خروج می کند:

۱ - سفیانی

۲ - خراسانی

۳ - یمانی

که در میان آنها خالصتر از پرچم یمانی نیست، که او برای حق فرا می خواند» [۱]

امام صادق (ع) نسب او را چنین توضیح می دهد:

«۱۵۷۱ - خروج رجل من ولد عمی زید، بالیمن.»

«مردی از اولاد عمویم زید در یمن خروج می کند.» [۲]

روی این بیان یمانی موعود از اولاد امامان زیدی خواهد بود که از نظر نسب منصوب به جناب زید شهید می باشند. و در حدیث دیگری آمده است:

«۱۵۷۲ - یخرج ملک فی صنعاء الیمن اسمہ حسین او حسن.»

«پادشاهی در صنعاء یمن به نام حسن یا حسین خروج می کند.» [۳]

امام باقر (ع) می فرماید:

۱۵۷۳ - «یکون خروج السفیانی من الشام و خروج الیمانی من الیمن.»

«سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج می کنند.» [۴]

۱۵۷۴ - «خروج السفیانی و الیمانی و الخراسانی فی سنه واحده، و فی شهر واحد، و فی یوم واحد. و نظام کنظام الخرز یتبع بعضه بعضا، فیکون الباس فی کل وجه! و یل لمن ناواهم! لیس فی الرايات اهدی من رایه الیمانی، هی رایه هدی لانه یدعو الی صاحبکم. فاذا خرج الیمانی حرم بیع السلاح علی کل الناس.. اذا خرج الیمانی فانهض الیه فان رایته رایه هدی، ولا یحل لمسلم ان یلتوی علیه، فمن فعل فهو من اهل النار، لانه یدعو الی الحق و الی صراط مستقیم.»

«سفیانی و یمانی و خراسانی در یکسال و یکماه و یکروز خروج می کنند. خروج اینها چون دانه های گردن بند به دنبال یکدیگر خواهند بود. هر سو که بنگری ترس و وحشت و اضطراب خواهد بود. کسیکه با آنها درافتد بدا به حال او. در میان آنها پرچمی خالصتر از پرچم یمانی نیست که پرچم هدایت است و شما را به سوی صاحبان دعوت می کند. هنگامی که یمانی خروج کند فروش اسلحه بر دیگر مردمان را تحریم می کند. چون او خروج کند بسویش بشتاب که پرچم او پرچم هدایت است. [۵] و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که در برابر او بایستد هر کس انجام دهد اهل دوزخ می شود زیرا او به سوی حق و صراط مستقیم فرا می خواند.» [۶]

و بدین سان می بینیم که خروج یمانی همزمان با شورشها، خیزشها، فتنه ها و انقلابها در سراسر منطقه می باشد. و دیدیم که امام (ع) فرمان می دهد که به سپاه یمانی ملحق شویم و از او بازمانیم.

امام صادق (ع) می فرماید:

در بخش نشانه های ظهور احادیثی را در این باره آورده ایم و در اینجا نیز به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱۵۷۵ - «خمس قبل قیام القائم (ع): الیمانی، و السفیانی والتداء، و الخسف بالیداء، و قتل النفس الزکیه.»

«پیش از قیام قائم (عج) پنج نشانه است:

۱ - خروج یمانی

۲ - خروج سفیانی

۳- نداء آسمانی

۴- خسف سرزمین بیداء

۵- قتل نفس زکیه». [۷]

و در اینجا می بینیم که خروج یمانی از روستترین علایم است که بیش از ۱۴ ماه فاصله با ظهور آنحضرت نخواهد داشت.

۱۵۷۶ - «یوشک ان تخرج نار باليمن، تسوق الناس الی الشام».

«زود است که آتشی از یمن خارج شود و مردم را به سوی شام سوق دهد.» [۸]

این آتش، شعله های جنگ و لبه های تیز شمشیر است که مردم را برای نبرد با سفیانی به سوی شام سوق می دهد و در مدخل شام با سپاه خراسانی ملاقات می کند که او نیز برای نبرد با سفیانی و به منظور یاری یمانی بیرون آمده است. آنگاه هر دو سپاه با سپاه سفیانی روبرو می شوند و آن جنگ حساس و سرنوشت ساز تاریخ است که از شش هزار سال پیش کتب آسمانی از آن خبر داده اند.

۱۵۷۷ - «تلتقی فی الشام ثلاث رایات: رایه السفیانی، و رایه الیمانی، و رایه الخراسانی. اهداها رایه الیمانی لانه یدعو الی الحق».

«سه پرچم در شام با یکدیگر روبرو می شوند: پرچم سفیانی، پرچم یمانی و پرچم خراسانی، که از همه خالصتر پرچم یمانی است که به سوی حق دعوت می کند.» [۹]

از بررسی مجموع احادیث استفاده می شود که این برخورد، پس از خرابی مصر و بغداد و شام، و بعد از شکست سپاه سفیانی در عراق از سپاه خراسانی است. و این درگیری بعد از بیعت حضرت بقیه الله (عج) در حجاز است، زیرا در هر دو سپاه از یاران خاص حضرت بقیه الله (عج) تشریف خواهند داشت.

آنگاه رسول اکرم (ص) در وصف سپاه خراسانی می فرماید:

۱۵۷۸ - «فتخرج رایه هدی من الکوفه، فتلحق ذلک الجیش فیقتلونهم لایفلت منهم مخبر، و یستنقذون ما فی ایدیهم من السبی و الغنائم».

«پرچم هدایت از کوفه خارج می شود و آن سپاه را دنبال می کنند و همه آنها را نابود می سازند و حتی گزارشگری را از آنها باقی نمی گذارند و آنچه در دست آنهاست غنیمت می گیرند و اسیر می گیرند.» [۱۰]

منظور از پرچم هدایت، پرچم جناب سید خراسانی است و منظور از سپاه، سپاه سفیانی است، که سپاه جناب سید خراسانی آن را دنبال می کند و نابود می سازد.

و سرانجام در پیرامون سپاه یمانی می فرماید:

۱۵۷۹ - «الیمانی یتولی علیاً. الیمانی و السفیانی کفرسی رهان».

«یمانی از شیعیان امیر مؤمنانست، خروج یمانی و سفیانی همانند دو اسب مسابقه همزمان و به دنبال یکدیگر است.» [۱۱]

خروج سید هاشمی

او سید قرشی، هاشمی و حسنی است که اندکی پیش از قتل نفس زکیه در مکه، و همزمان با روزگاریکه سپاه سفیانی در عراقست، و همزمان با ورد سپاه خراسانی از طریق قصر شیرین و خانقین به عراق، او به شهادت می رسد.

سید هاشمی، شخصیت ممتاز و بزرگواریست که رسول اکرم (ص) امامان معصوم (ع) از او ستایش نموده اند. ما از او همواره سید هاشمی یاد خواهیم کرد تا از سید خراسانی بازشناخته شود که او حسینی و این حسنی است. سید هاشمی پیش از مراسم بیعت کشته می شود، در حالیکه سید خراسانی در حدود یکماه بعد با حضرت بقیه الله روحی فداه بیعت می کند و اینک احادیث پیشوایان معصوم در حق سید هاشمی:

رسول اکرم (ص) می فرماید:

۱۵۸۰ - «کأنتی بالحسنى و الحسینى و قد قاداها، فیسلمها الحسنی، فیبايعونه».

«گوئی دو سید حسنی و حسینی را با چشم خود می بینم که هر دو آن پرچم هدایت را به اهتزاز در می آورند، و سید حسینی آن را به امام (ع) تسلیم می کند و خود با او بیعت می کند.» [۱]

از این حدیث استفاده می شود که سید هاشمی و سید خراسانی پرچم هدایت را از شرق ایران به اهتزاز در می آورند، سید هاشمی کشته می شود و سید خراسانی با همه سپاهیان با حضرت بقیه الله (عج) بیعت می کند.

۱۵۸۱ - «لاتقوم الساعة حتى يملك الناس رجل من المولى يقال له: جهجاه»

«ساعت ظهور فرا نمی رسد جز هنگامی که موالی (ایرانیان) را مردی تحت سلطه خود در آورد که به او شاهنشاه گفته می شود.» [۲]

موالی که همواره بر غیر عرب گفته می شد، در اینجا همانند اغلب موارد در مورد ایرانیان به کار رفته و «جهجاه» به معنای شاهنشاه است که از القاب طاغوت اسبق و سابق ایران بود و موضعهای غیر اسلامی آن

پدر و پسر بر همگان روشن است.

من عمداً این حدیث شریف را در اینجا ثبت کردم که همه خوانندگان گرامی آن دوران را به یاد دارند و طبعاً برایشان جالب است که بدانند رسول اکرم (ص) از سلطنت او به عنوان یکی از نشانه قرب ظهور نام برده است.

آری هر حادثه مهمی که در گوشه ای از جهان روی می دهد و افکار جهانی را به خود معطوف می دارد، ناگهان متوجه می شویم که آن پیامبر امی و رسول مدنی (ص) که به مکتب نرفت و به غمزه آموزشگر همه دانشها شد، در مورد آن حادثه نیز گفتار جاوید و جالب و جامعی دارد و هکذا تا قیام قیامت این پیشگوئیهها باید ادامه یابد و در هر حادثه ای یکی از آنها مورد پیدا کند، زیرا رسالت او تا قیام قیامت ادامه دارد و ما با هر کلمه ای از کلمان گرانقدر آن رسول گرامی (ص) به جهانیان مباحثات می کنیم.

۱۵۸۲ - «یقتتل عند کنزکم ثلاثه کلهم ابن خلیفه، ثم لایصبر الی احد منهم. ثم تجیء الرایات السود فیقتلونهم قتلاً لم یقتل قوم مثله! ثم یجیء خلیفه اللّٰه المهدی».

«در کنار گنج شما (کوفه) سه لشکر می جنگند که (فرماندهان) هر سه از اولاد خلفا هستند، آنگاه پرچم های سیاه می آیند و آنها را طوری نابود می کنند که برای هیچ قومی اتفاق نیفتاده است. آنگاه خلیفه خدا حضرت مهدی می آید.» [۳]

سید هاشمی یکی از آنهاست که از اولاد خلیفه بلافصل پیامبر می باشد.

این حدیث در برخی منابع به صورت خلاصه تر آمده است:

۱۵۸۳ - «یقتل عند کنزکم ثلاثه، ثم یجیء خلیفه اللّٰه المهدی»

«در نزد گنج شما سه تن کشته می شوند و آنگاه مهدی (ع) آن خلیفه خداوند می آید.» [۴]

امیرمؤمنان (ع) می فرماید:

۱۵۸۴ - «یخرج رجل من وراء النهر یقال له: الحارث، علی مقدمته رجل یقال له: المنصور، یوطیء ویمنک لآل محمد کما مکنت قریش لرسول اللّٰه یجب علی کل مؤمن نصرته و اجابته».

«مردی از ماوراء النهر خروج می کند که به او «حارث» می گویند. مردی به نام «منصور» سپاه او را رهبری می کند، که برای آل محمد (ص) امکانات را فراهم می آورند، چنانکه قریش برای رسول اکرم (ص) امکانات را فراهم کردند، نصرت و پذیرش دعوت او بر هر مؤمنی لازم است.» [۵]

احتمالاً حارث و منصور رمز و اشاره باشد، منظور از حارث، سید هاشمی و منظور از منصور، شعیب بن صالح

باشد که در برخی روایات تصریح شده که سید هاشمی در نزدیکی ظهور، در عراق کشته می شود:

۱۵۸۵ - «و قتل رجل هاشمی بظهر الكوفة، فی سبعین من الصالحین. و ذبح النفس الزکیه بین الرکن و المقام».

«مردی هاشمی با هفتاد نفر از بندگان شایسته خدا در پشت کوفه کشته می شود و نفس زکیه در میان رکن و مقام ذبح می شود.» [۶]

این هفتاد نفر به احتمال قوی از بزرگان نجف اشرف است و شاید در میان آنها برخی از بزرگان ایرانی هم باشد.

۱۵۸۶ - «ویکون قتل سبعین من الصالحین، و علی راسهم رجل عظیم القدر، یحرقه و یدر رماده فی الهواء بین جلولاء و خانقین، بعد ان یقتل فی الکوفه اربعه الاف!».

«هفتاد نفر از مردان شایسته کشته می شوند که در رأس آنها شخصیت گرانقدری است که سفیانی او را می سوزاند و در میان جلولا و خانقین خاکسترش را بر باد می دهد، پس از آنکه چهار هزار نفر را در کوفه به قتل برساند.»

منظور از سید جلیل القدر همان سید هاشمی است.

از این حدیث استفاده می شود که مجاهدین ایرانی از مرز بصره - خانقین وارد عراق می شوند، پس از آنکه سفیانی به حریم شهرها تجاوز می کند.

آنگاه امیرمؤمنان (ع) در مورد دومین سپاه ایرانی می فرماید:

۱۵۸۷ - «واللّٰه لکانی انظر الیهم و الی فعالهم، و الی ما یلقى الفجار منهم و الاعراب الجفاه. یسلطهم اللّٰه علیهم فیقتلونهم علی مدیتهم بشاطیء الفرات البریه و البحریه، جزاء بما عملوا، و ما ربک بظلام للعبید».

«به خدا سوگند، گوئی من آنها را با چشم خود می بینم و رفتار آنها را دنبال می کنم که اعراب فاجر و جنایت پیشه از دست آنها چه می کشند؟! خداوند آنها را بر این اعراب مسلط می کند که آنها را در شهر خودشان در کنار رودخانه فرات در آب و خشکی بکشند و به سزای اعمالشان برسانند که پروردگارت هرگز بر بندگان ستم نمی کند.» [۷]

از این حدیث استفاده می شود که دومین سپاه ایرانی از طریق بصره وارد عراق می شوند که راه دریائی عراق منحصر به آنست و این حدیث تصریح کرده که جنایت پیشگان عراقی در دریا و خشکی به دست سپاهیان ایرانی به سزای اعمال خود خواهند رسید.

۱۵۸۸ - «يقوم قبل السفیانی واحد هاشمی بجيلان، و يعينه المشرقی. و یأتی الی البصره فیخربها، و یأتی الی الکوفه فیعمرها. فیعزم السفیانی علی قتاله و یهم مع عساكره باستصاله.»

«پیش از قیام سفیانی، یک سید هاشمی از گیلان خروج می کند و سید مشرقی (خراسانی) او را یاری می کند، پس به سوی بصره می تازد و آن را ویران می کند و به سوی کوفه عزیمت می کند و آن را آباد می کند. آنگاه سفیانی برای نبرد با او آماده می شود و با سپاهیانش برای نابودی او حرکت می کند.» [۸]

روی این بیان این دعوت حق به دست سید هاشمی آغاز می شود که از گیلان خروج می کند و سید خراسانی او را یاری می کند، آنگاه از طریق بصره وارد عراق شده در کوفه مستقر می شود و سید خراسانی که از طریق شمال شرقی پیشتر وارد عراق شده بود به یاری اش می شتابد.

امیرمؤمنان، آن باب مدینه علم رسول (ص) هنگامی از خروج سید هاشمی خبر می دهد که سراسر گیلان به آئین مجوسیت گرویده بودند ولی آنحضرت خبر می دهد که این اقلیم مجوسی به زودی به آغوش اسلامی می شتابند و راه اهل بیت عصمت و طهارت را پیش می گیرند و جمعی از سادات حسنی و حسینی که شاخه های پر بار کوثر هستند در آن منطقه اقامت می کنند و یکی از آنها از آنجا خروج کرده به سوی عراق حرکت می کند.

این حقایق را بدون تردید از پیشگاه رسول اکرم (ص) آموخته است که او نیز از مبدء وحی آموخته است.

ولی چگونه است که از اصحاب رسول الله (ص) تنها امیرمؤمنان به این سخنان گهربار اختصاص یافته است و هرگز از دیگر یاران که در کنار امیر مرمغان (ع) در خدمت رسول الله (ص) بوده اند نظیر این سخنان صادر نشده است! کو آن قلب روشن و چشم بینائی که حق را بشناسد و از آن پیروی نماید و به سوی باطل نگراید و در واید ضلالت گام نسپارد.

امام باقر (ع) می فرماید:

۱۵۸۹ - «یخرج رجل من موالی اهل الکوفه فی ضعفاء فیقتله امیرالجیش السفیانی بین الحیره و الکوفه.»

«مردی از ایرانیان مقیم کوفه با گروهی از مستضعفان خروج می کند و فرمانده سپاه سفیانی او را در میان حیره و کوفه به قتل می رساند.» [۹]

طبعاً او از شیعیان مقیم کوفه است که با جمعی از مخلصین در برابر سپاه سفیانی خروج می کند و به دست سفیانی کشته می شود.

امام صادق (ع) می فرماید:

۱۵۹۰ - «... و نار تظهر من آذربيجان.»

«آتشی از آذربایجان ظاهر می شود» [۱۰]

به جرأت می توان گفت که این آتشی است که به هنگام اشغال آذربایجان توسط اشغالگر روسی از این سرزمین برخاسته است و ما هنوز هم شعله های آن را به یاد داریم و شاید منظور آتشی باشد که از طالقان که در مجاورت آذربایجان است توسط یاران حضرت ولی عصر (عج) بر می خیزد، و در سراسر جهان طنین انداز می شود.

۱۵۹۱ - «یبعث بعثاً الی الکوفه، فیصاب اناس من شیعه آل محمد قتلا و ضلبا. و تقبل رایه من خراسان حتی تنزل دجله، فیخرج رجل من الموالی ضعیف فیصاب هو و من تبعه فی ظهر الکوفه»

«سفیانی لشکری است آراسته به سوی کوفه می فرستد، آنجا با گروهی از شیعیان آل محمد (ص) رو در رو قرار می گیرند و آنها را می کشند و به دار می آویزند، آنگاه پرچم سید خراسانی از سوی خراسان حرکت می کند و در کنار دجله نصب می شود، و مرد ناتوانی از ایرانیان خروج می کند که خود و پیروانش در پشت کوفه به قتل می رسند.» [۱۱]

شاید تعبیر ناتوان به این سبب باشد که از جهت نفرات و ساز و برگ نظامی در برابر سپاه صد و سی هزار نفری سفیانی یارای مقاومت ندارند. پرواضح است که این حرکت در پیشقدم ورود سپاه سید خراسانی به عراق خواهد بود.

۱۵۹۲ - «یخرج قبل المهدی رجل من اهل بیه فی المشرق، و یحمل السیف علی عائقه ثمانیه اشهر یقتل و یمثل، و یتوجه الی بیت المقدس فلا یبلغه حتی یموت.»

«پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) مردی از اهل بیت او از مشرق خروج می کند و هشت ماه شمشیر حمایل می کند و هر کجا می رسد می کشد و مثله می کند و به سوی بیت المقدس عزیمت می کند و به آنجا نرسیده مرگش فرا می رسد.» [۱۲]

خروج سید خراسانی

رسول اکرم (ص) می فرماید:

۱۵۹۳ - «تخرج من المشرق رایات سود، تقاتل رجلا من ولد ابی سفیان، و یودون الطاعه للمهدی.»

«پرچم های سیاهی از خاور زمین به اهتزاز در می آید که با مردی از اولاد ابوسفیان می جنگد و زمینه فرمانبرداری از مهدی (ع) را فراهم می آورد.» [۱]

۱۵۹۴ - «... و رود الرايات السود من خراسان، حتی تنزل ساحل دجله.»

«پرچم های سیاهی از خراسان می آید و در کنار دجله فرود می آید.» [۲]

۱۵۹۵ - «تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان الى الكوفة. فاذا ظهر المهدي بعثت اليه بالبيعه».

«پرچم های سیاهی که از خراسان در می آید در کوفه فرود می آید. هنگامی که مهدی (ع) ظهور کند، این پرچم ها برای بیعت به حضور آنحضرت گسیل می شود.» [۳]

۱۵۹۶ - «تخرج رايات سود صغارف تقاتل رجلا من آل ابي سفیان، يودون الطاعه للمهدي، على مقدمتهم رجل من بني تميم يقال له: تميم بن صالح».

«پرچم های سیاه کوچکی به اهتزاز در می آید که با مردی از اولاد ابوسفیان نبرد می کند و برای اطاعت از حضرت مهدی (ع) زمینه سازی می کند. در پیشاپیش این پرچمها مردی به نام: تمیم بن صالح حرکت می کند.» [۴]

طبق منابع مورد اعتماد این مرد از «بنی تمیم» است نه اینکه نامش «تمیم» باشد. و شاید در طول زمان کلمه «بنی» از «بنی تمیم» به هنگام استنساخ افتاده است.

این مرد با سپاه سفیانی نبردی سخت انجام می دهد و سپس به بیت المقدس می گریزد و بعداً به خدمت حضرت بقیه الله روحی فداه می رسد و بیعت می کند و از فرماندهای لشکری آنحضرت می شود.

۱۵۹۷ - «اذا رايتم الرايات السود قد اقبلت من خراسان، فاتوها ولو حبوا على الثلج، فان فيها خليفه الله المهدي».

«هنگامیکه ببینید پرچمهای سیاه از طرف خراسان به حرکت درآمده، به سویش بشتابید ولو با سینه خیز رفتن از روی برفها، که خلیفه خدا حضرت مهدی در میان آنست.» [۵]

پرواضح است که این پرچمها هنگامی به اهتزاز در می آید که حضرت مهدی (عج) در مدینه باشد. روی این بیان منظور از جمله «حضرت مهدی در میان آنست» اینست که جانشین حضرت مهدی در میان آنست، دعوت به حضرت مهدی در میان آنست، رضایت حضرت مهدی با آن سپاهست.

۱۵۹۸ - «تجى الرايات السود من قبل المشرق، كان قلوبهم زير الحديد. فمن سمع بهم فليأتهم فليبايعهم».

«پرچمهای سیاهی از سوی مشرق به اهتزاز در آید که دلهايشان چون پاره های آهنست، هر کس آن را بشنود به سویش بشتابد و با آن بیعت نماید.» [۶]

۱۵۹۹ - «تخرج رایات من المشرق، يقودها رجل من تمیم یقال له شعيب بن صالح فيستنفذ ما في ايديهم من سبي اهل الكوفه، و يقتلهم.»

«پرچم هائی از مشرق بر می خیزد که مردی از تمیم به نام شعيب بن صالح آنها را رهبری می کند، آنچه از اسیران کوفه در دستشان باشد می گیرد و طعمه شمشیر می سازد.» [۷]

از این حدیث استفاده می شود که در حدیث شماره ۱۵۹۶ یک اشتباه در مقام استنساخ رخ داده و به طوریکه در این حدیث و دهها حدیث دیگر آمده است نام او شعيب بن صالح از بنی تمیم است.

۱۶۰۰ - «يخرج ناس من المشرق يوظئون للمهدی.»

«مردمی از مشرق خروج می کنند و برای حضرت مهدی زمینه سازی می کنند.» [۸]

منظور از این مردم سپاهیان جناب سید خراسانی است.

۱۶۰۱ - «تخرج رایات من خراسان سود، فلا یردها شیء حتی تنصب فی ایلیاء.»

«پرچم های سیاهی از خراسان به اهتزاز در می آید که چیزی نمی تواند از پیشروی آن جلوگیری کند، تا در ایلیا فرود آید و استقرار یابد.» [۹]

منظور اینست که این پرچمها بر هر نیروی مخالفی چیره می گردد و پیش می تازد تا بر فراز سرزمین مقدس فلسطین به اهتزاز در می آید که بیت المقدس از جهت اینکه حرم الهی است ایلیا نامیده می شود که «ایل» به معنای خداست. [۱۰]

۱۶۰۲ - «يخرج بقزوين رجل اسمه اسم نبي يسرع الناس الي طاعته، المشرك و المؤمن. يملأ الجبال خوفاً.»

«مردی از قزوین خروج می کند که با یکی از پیامبران همنامست، مشرک و مؤمن به اطاعتش می شتابند، کوهها را پر از رعب و وحشت می سازد.» [۱۱]

آنگاه از فشار ایرانیان بر عراق سخن می گوید:

۱۶۰۳ - «يوشك اهل العراق لا يجبي اليهم قفيزولا درهم!. فسيل: من اين ذلک؟. فقال (ص): من العجم، يمنعون ذلک.»

«انتظار می رود که حتی یک قفیز گندم و یک درهم پول به مردم عراق نرسد، پرسیدند: چگونه می شود؟ فرمود: از ناحیه عجم ها، که جلوگیری به عمل می آورند.» [۱۲]

قفیز نام پیمانہ ایست کہ ہمہ جا معروف است ولی مقدار آن در هر منطقه ای با منطقه دیگر فرق می کند.

۱۶۰۴ - «یوشک ان تملأ ایدیکم من العجم. ثم يجعلهم اللہ اسدا لایفرون فیقتلون مقاتلتکم ولا یأکلون فیاکم».

«نزدیک است که دستهایتان از عجمها پر شود، ولی خداوند آنها را شیرمردانی قرار می دهد که از برابر شما فرار نمی کنند و با قاطعیت تمام با شما می جنگند و به اموال شما طمع نمی کنند.» [۱۳]

در این حدیث منظور از عجم ایرانیانی هستند که در محضر سید خراسانی با سپاه سفیانی به نبردی سخت می پردازند. امیرمؤمنان (ع) در این باره می فرماید:

۱۶۰۵ - «لتضربنکم الاعاجم علی هذا الدین عودا، کما ضربتموهم علیہ بداء! لیملان اللہ ایدیکم من الاعاجم! لیصیرن اسداً لا یفرون، فلیضربن اعناقکم، ولیغلبنکم علی فیئکم!».

«به زودی عجمها برای بازگشت شما به دین با شما خواهند جنگید، چنانکه برای پذیرش نخستین اسلام با آنها جنگیدید. خداوند دستهای شما را از آنها پر می کند و آنها شیران ژبانی می شوند که هرگز از برابر شما نمی گریزند و گردن های شما را می زنند و ثروت های شما را تحت سیطره خود در می آورند.»

از بررسی احادیث مربوطه معلوم می شود که سپاه جناب سید خراسانی بر سپاهیانی که در آتش پان عربیسم می سوزند و مفاخر اسلام را به دور انداخته اند، چیره می شوند و برای ظهور حضرت بقیه اللہ روحی فداه زمینه را فراهم می کنند.

۱۶۰۶ - «یلقی اهل بیتی بلاء حتی بیعث اللہ رایه من المشرق سوداء، من نصرها نصره اللہ، و من خذلها خذله اللہ، حتی ینوارجلا اسمہ کاشمی فیولونه امرهم فیویده اللہ بنصره».

«اهلیت من به سختی دچار بلاها و گرفتاریها می شوند و آنگاه خداوند پرچم های سیاهی را از طرف مشرق می فرستد، هر کس آنها را یاری کند خدا را یاری کرده است و هر کس آنها را زبون سازد خدا را زبون ساخته است. این پرچمها به اهتزاز در می آید تا با مردی که همانام منست بیعت کنند و او را به رهبری خود انتخاب کنند و خدایش او را تأیید می کند.»

در این حدیث پرچم خراسانی قصد شده، که شعیب بن صالح پرچمدار آنست و این جنگ از ایران آغاز می شود و از طریق عراق و سوریه به سوی بیت المقدس پیش می تازد.

از این حدیث استفاده می شود که جناب سید خراسانی محمد، نامیده می شود.

۱۶۰۷ - «... اذا رایتم ذلک فعلیکم بالفتی التمیمی، فانه یقبل من جهة المشرق، و هو صاحب رایه المهدی».

«وقتی که آن را مشاهده کردید به سوی جوان تمیمی بشتابید که او از طرف مشرق می آید و او پرچمدار حضرت مهدی است.» [۱۴]

منظور از تمیمی در این حدیث هما شعیب بن صالح است که در احادیث دیگر هویتش دقیقاً مشخص شده است و احتمالاً اولین بانگ او در کوههای طالقان و در اطراف قزوین طنین می اندازد.

۱۶۰۸ - «ملک بنی العباس عسرلا یسر فیه. لو اجتمع علیهم التکرک و الدیلیم و السند و الھند و البریر لم یزیلوه. ولا یزالون یتمرعون و یتنعمون فی غضارہ من ملکھم حتی یشد عنھم موالیھم و اصحاب الویتھم و یسلط اللہ علیھم علجا یخرج من حیث بدا ملکھم لایمر بمدینہ الا فتحاف ولا ترفع لہ رابع الا مزقھا، ولا نغمہ الا ازالھا! الویل لمن ناواہ! فلا یزال کذلک حتی یظفر و یدفع بظفره الی رجل من عترتی یقول الحق و یعمل بہ.»

«حکومت بنی عباس سخت است و هیچ نرمش ندارد، اگر توده های ترک و دیلم و هند و سند و بربر جمع شوند نمی توانند آنها را ساقط کنند، آنها در آسایش و آرامش زندگی می کنند تا گروهی از مسئولان و پرچمداران نشان از آنها منحرف شوند. آنگاه خداوند مرد نیرومند عجمی را بر آنها مسلط می کند، که از منطقه ای بر می خیزد که سلطنت آنها از آنجا آغاز شده است (یعنی از خراسان)، وارد شهری نمی شود جز اینکه آن را می گشاید. پرچی بر علیه او برافراشته نمی شود جز اینکه سرنگون می شود، نغمه ای بر علیه او ساز نمی شود جز اینکه آن را نابود می سازد، وای بر کسیکه با او درگیر شود. او همچنین پیش می رود و پیش می تازد و هر روز پیروزی جدیدی به دست می آورد تا همه پیروزیهایش را به مردی از عترت من تقدیم کند که به سوی حق فرا می خواند و به آن عمل می کند.» [۱۵]

در این حدیث مطلب مبهمی نیست که نیازمند شرح باشد. جناب سید خراسانی قیام خود را بر اساس نهضت های پیشین استوار می سازد و زمینه را برای آخرین حجت و واپسین امام و تنها بازمانده از حجت های پروردگار فراهم می سازد و آخرین دژهای بنی عباس را می گشاید و بر عمر آخرین حکمران آنها خاتمه می دهد.

جناب محمد حنفیه فرزند برومند حضرت امیر (ع) در فرازی از سخنان گرانقدرش در این رابطه می فرماید:

۱۶۰۹ - «در حکومت آنها هیچ خیری یافت نمی شود، روش اداره آنها بسیار خشن است و نرمشی یافت نمی شود، بیگانگان را مقرب می سازند و نزدیکان را از خود می رانند. چون از عذاب الهی خود را در امان ببینند بانگی بر آنها زده می شود که گزارشگری از آنها باقی نمی ماند و اجتماعی بر آنها فراهم نمی شود.» [۱۶]

سپس با تفصیل بیشتری می فرماید:

۱۶۱۰ - «برای بنی عباس حکومت دراز مدتی هست، هنگامی که خود را در امنیت و آسایش و آرامش دیدند و تصور کردند که دیگر سلطنت آنها نابود شدنی نیست، در میان آنها بانگی زده می شود که دیگر

کسی برای آنها نمی ماند که آنها را یکجا گرد آورد و برای آنها سخنانی مطرح کند و اینست معنای کلام خداوند که می فرماید: (چون زمین زیور خود را برگرفت و خود را بیاراست و اهل زمین خیال کردند که بر آن توانا هستند، فرمان ما در شبی یا روزی بر آن بیامد، پس آنرا تباه ساختیم، گوئی دیروز خود را بی نیاز نمی دید. این چنین آیات خود را برای آنها که تفکر کنند، بیان می کنیم.) [۱۷] سپس سوگند یاد کرد که این آیه در حق آنها نازل شده است.» [۱۸]

آنگاه ادامه می دهد:

۱۶۱۱ - «بنی عباس آنقدر حکومت می کنند که مردم دیگر از هر خیری نومید می شوند و برای مدتی بسیار طولانی فساد در جامعه ریشه می دواند و آنگاه مهدی (ع) ظهور می کند.» [۱۹]

امیرمؤمنان (ع) در همین مورد می فرماید:

۱۶۱۲ - «... ثم یخرج الیهم فتیان من مجالهم (علیهم رجل) یقال له: صالح ... فتکون الدائرة علی اهل الکوفه ثم تنتهی الی المدینه فتقتل الرجال و تبقر بطون النساء. فاذا حضر ذلک فعلیکم بالشواهد و خلف الدروب. و انما ذلک حمل امراه. ثم یقبل الرجل التمیمی شعیب بن صالح بالرایه السواد، المهدیه بنصر اللّٰه، و کلمته حق، حتی یبایع المهدی.»

«جوانانی از منطقه خودشان به رهبری مردی به نام «صالح» به سوی آنها و بر علیه آنها خروج می کند، پس اهل کوفه در محاصره واقع میشوند، و آنگاه به سوی مدینه عزیمت می کند. مردان را می کشد و شکم زنان را می درد. چون این فتنه برخیزد شما به سوی کوهها فرار کنید و در پشت درهای بسته خود را مخفی بدارید. مدت حکومت او به مقدار یک حمل (۹ ماه) است. آنگاه این مرد تمیمی شعیب بن صالح که خداوند بر سرزمینش باران رحمتش را فرو ریزد با پرچم سیاه مهدوی، با نصرت الهی و دعوت حقه پیش می تازد تا به محضر حضرت مهدی برسد و دست بیعت بدهد.» [۲۰]

روزی رسول اکرم (ص) به جعفر طیار برادر ارجمند امیرمؤمنان (ع) فرمود:

۱۶۱۳ - «یا جعفر: الا ابشرک؟ قال: بلی یا رسول اللّٰه. فقال: ان الذی یدفعها الی القائم هو من ذریتک. اندری من هو؟ قال: لا. قال: ذاک الذی وجهه کالدینار، و اسنانه کالمنشار، و سیفه کحریق النار. یدخل الجبل ذلیلاً و یخرج منه عزیزاً.»

«ای جعفر! ترا نوید بدهم؟ گفت: بلی یا رسول اللّٰه (ص). فرمود: کسیکه پرچم را به قائم (عج) تقدیم می کند مردی از نسل توست. می دانی او کیست؟ گفت: نه. فرمود: چهره اش چون دینار گرد و گلگون، دندانهایش چون شانه منظم و براق، شمشیرش چون شعله های آتش برنده و خانمانسوز است. با خواری به کوه پناه می برد و با شکوه فراوان از آن سرازیر می شود.» [۲۱]

در احادیث دیگر مشخص شده که منظور از کوه، یکی از کوه های طالقان است که نخستین جرقه های نهضت

مقدس از آنجا آغاز خواهد شد. رهبری این نهضت را مردی به عهده خواهد داد که از ترس رژیم خون آشام زمان به کوه های طالقان خواهد گریخت و افکارش را از مخفیگاه خود به یاران و طرفدارانش القاء خواهد نمود و هنگامی که جوانان پُرشور طالقان صفهای خود را فشرده کردند و به قدر کافی در مسیر نهضت خویش مشکلات را برطرف نمودند، رهبر نهضت با گام ها استوار به صلابت کوه و افکاری بلند به بلندای کوه و اراده ای آهنین به استواری کوه، از کوه سرزیرشده، گنجهای نهفته طالقان را که همان جوانان پُرشور و با صلابت طالقانست، گرد می آورد و جهت می دهد و به سوی مقصد نهائی (قدس عزیز) حرکت می دهد. این مرد نیرومند و مدیر و مدبر طبق روایت فوق از اولاد جعفر طیار خواهد بود. البته طبق روایات دیگر از اولاد امام حسین (ع) است که شاید نسبش از طریق مادر به جعفر بن ابی طالب و از طرف پدر به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) منتهی شود.

و اینک روایات رسول اکرم (ص) را در پیرامون سید خراسانی پی می گیریم:

۱۶۱۴ - «یخرب جیش السفیانی بغداد، ثم ینحدر الی الکوفه فیحرقون ما حولها. ثم یخرجون متوجهین الی الشام معهم السبایا و الغنائم. فتخرج رایه هدی من الکوفه فیقتلونهم، لایقلت منه مخبر، و یستنقذون ما فی ایدیهم من السبی و الغنائم».

«سپاه سفیانی بغداد را ویران می سازند و به سوی کوفه حرکت می کنند و حوالی کوفه را به آتش می کشند و راهی شام می شوند و اسرار و غنائم جنگی را با خود می برند. آنگاه پرچمی که پرچم هدایت است (پرچم خراسانی) از کوفه حرکت می کند و سپاه سفیانی را تار و مار می سازد و یک تن گزارشگر هم از آنها باقی نمیگذارد و آنچه اسیر و غنائم در دستشان هست از آنها باز می ستاند.» [۲۲]

۱۶۱۵ - «اذا بلغ السفیانی الکوفه، و قتل اعوان آل محمد، و قتل رجلا من مسمیهم، خرج المهدی علی لوائه شعیب بن صالح».

«هنگامی که سپاه سفیانی وارد کوفه شوند و دوستان آل محمد (ص) را بکشند و مردی از نامداران آنها را به قتل برسانند، حضرت مهدی (ع) خروج می کند و شعیب بن صالح پرچمدار او می باشد.» [۲۳]

۱۶۱۶ - «انا اهل بیت اختارالله لنا الاخره علی الدنیا، و ان اهل بیته سیلقون من بعدی بلاء و تشریدا و تطریدا، حتی یاتی قوم من المرق معهم رایات سود، فیسألون الخیر فلا یعطونه، فیقاتلون فینصرون، فیعطون ما شالوا فلا یقبلون حتی یدفعوها الی رجل من اهل بیته فیملها قسطاً و عدلاً كما ملت جوراً. فمن ادرك ذلك منکم فلیأتهم ولوحبوا علی الثلج فانه المهدی.»

«ما خاندانی هستیم که خداوند به جای دنیا، آخرت را برای ما برگزیده است. اهل بیت من بعد از من دچار بلاها، گرفتاریها، تبعیدها و جلای وطن ها می شوند، تا گروهی از خراسان با پرچم های سیاه حرکت کنند و خیر و صلاح را مطالبه نمایند، پس به آنها داده نمی شود، آنها نبرد می کنند و پیروز می شوند و به آنچه می خواستند دست می یابند ولی آن را نمی پذیرند بلکه به مردی از عترت من تقدیم می کنند که او جهان را پر از عدل و داد نماید، آنچنانکه مملو از جور و ستم شده است. آگاه باشید هر کس آنها را درک کند به

سوی آنها بشتابد اگر چه با سینه خیز رفتن از روی بر آنها باشد، که او مهدی است.» [۲۴]

منظور اینست که این سپاه به سوی حضرت مهدی (ع) می رود و رضای او را می طلبد و یاری آن یاری حضرت مهدی است. و ما با یکدنیا آرزو و امید در انتظار خروج این سپاه حق ثانیه شماری می کنیم که پرچم های خود را به اهتزاز در آورند و شوکت باطل را بشکنند و حقوق آل محمد (ص) را باز ستانند و آن را به منتقم خون شهیدان و مظلومان در راستای تاریخ، حضرت بقیه الله روحی فداه تقدیم نمایند. انشاء الله

۱۶۱۷ - «... و سیصیب اهل بیته قتل و تطرید و تشرید فی البلاد، حتی یشیح الله لنا رایه من المشرق من یهزها هز، و من یشاقها یشاق! ثم یخرج لهم رجل من اهل بیته اسمہ کاسمی، و خلقه کخلقی، تئوب الیه کما تئوب الطیر الی اوکارها».

«اهلیت من دچار کشت و کشتار و تبعید و جلای وطن می شوند، تا خداوند پرچمی را از مشرق برای ما فراهم آورد که هر کس در برابرش بایستد نابود می شود و هر کس از در ستیز درآید شکست می خورد و به دنبال آن مردی از اهلیت من خروج می کند که با من همنامست و با من هم خویست، امت من به سویش می گرایند، آنچنانکه پرندگان به آشیانه های خود می گرایند.» [۲۵]

منظور از این پرچم نیز پرچم جناب سید خراسانی است که هر کس در زیر آن قرار گیرد جهانی نصیبش می شود و هر کس رویاوی آن بایستد نابود می شود و با ذلت و خواری جان می سپارد. این پرچم همچنان پیروزمندانه پیش می رود، تا به پیشگاه حضرت بقیه الله روحی فداه برسد و تقدیم محضرش گردد.

امیرمؤمنان (ع) می فرماید:

مولای متقیان و امیرمؤمنان حضرت علی (ع) در تفسیر آیه شریفه «فاختلف الا حزاب من بینهم» [۲۶] فرمود:

۱۶۱۸ - «انتظروا الفرغ من ثلاث: اختلاف اهل الشام فیما بینهم، والرایات السود من خراسان، و الفرعه فی شهر رمضان.»

«از مشاهده سه نشانه منتظر فرج باشید:

۱ - اختلاف شامیان

۲ - پرچم های سیاه از خراسان

۳ - صیحه آسمانی در ماه رمضان.» [۲۷]

تعبیر شامیان، شامل لبنان و فلسطین نیز هست و اختلاف در میان مردم شام و فلسطین و لبنان در عصر ما به اوج خود رسیده و لبنان را در سرآشویی سقوط قرار داده و فلسطین را از پای در آورده است. و در انتظار صیحه آسمانی و سید خراسانی هستیم.

۱۶۱۹ - «اذا وقعت الملاحم، بعث الله رجلا من الموالي، اكرم العرب فرسانا، واجودهم سلاحا، يويد الله بهم الدين».

«چون نشانه های ظهور فرا رسد، خداوند یکی از شیعیان ایرانی را بر می انگیزد که گرامیترین اسب سوار عرب است و بهترین اسلحه را در اختیار دارد. خداوند به وسیله آن دین را یاری می کند.» [۲۸]

در اینجا، امیرمؤمنان (ع) با کلمه «موالی» توجه داده که این مرد جلیل القدر اهل ایران است و عرب نیست ولی با تعبیر «اکرم العرب» به اصالت نسبت و بلندی شرف او اشاره می کند که او سید هاشمی و از اولاد اشرف کائنات و از نسل سرور شهیدان است.

۱۶۲۰ - «و تحركت عساكر خراسان، و تبع شعيب بن صالح التميمي من بطن الطالقان، و بويع لسيد موسوي بخوزستان، و عقدت الرايه لقناه كردان و تغلبت العرب على بلاد الارمن و السقلاّب، و ادعن هرقل لبطارقه سفیان».

«سپاهیان خراسان به حرکت در می آیند، شعیب بن صالح تمیمی در طالقان به آنها می پیوندد، در خوزستان به یک سید موسوی بیعت می شود، پرچی برای چماقداران کرد فراهم می شود، عربها بر سرزمین ارمنی ها و سیکلوبها [۲۹] غلبه می کنند و هرقل (آسیای صغیر) در برابر فرماندهان سفیانی تسلیم می شود.» [۳۰]

و ما در انتظار وقوع این حوادث هستیم و مقدمات آن آغاز شده و در فواصل مختلف در مناطق کردنشین جنبشها و خیزشها به وقوع می پیوندد.

۱۶۲۱ - «... فعندها تتواتر الهدات و الزلازل، و تقبل الرايات من شاطيء جیحون الی بلاد بابل الایا ویل لمدائکم و امصارکم من طغاه یظہرون فیعدبونکم اذا قضی من مضي من الجبابره الدین لم یحسنوا سیاسه المسلمین!»

«در آن هنگام غرش رعدها و لرزش زلزله ها یکی پس از دیگری واقع می شود و پرچمهایی از کنار رود جیحون به حرکت در آمده به سوی کشور بابل (عراق) سرازیر می شود. بدا به حال شهرهای شما از طاغوتهایی که زمامداران ستمگر شما که سیاست مسلمانان را بلد نبودند از بین بروند.» [۳۱]

۱۶۲۲ - «... و خروج رجل من ولد الحسين بن علی».

«مردی از تبار حسین بن علی (ع) خروج می کند.»

۱۶۲۳ - «یخرج رجل من ولد الحسين من المشرق، لو استقبلته الجبال لهدمها و اتخذ فيها طریفاً»

«مردی از اولاد امام حسین (ع) از مشرق خروج می کند که اگر با کوهها روبرو شود، کوه را می شکنند و برای خود راهی می گشاید». [۳۲]

۱۶۲۴ - «تقبل رایات من شرقی الارض غیر معلمه لیس بقطن ولا کتان ولا حریر، مختمه فی رؤوس القنا بخاتم السید الکبیر، یسوقها رجل من آل محمد یوم تطیر بالمشرق یوجد ریحها بالمغرب کالمسک الاذفر».

«پرچمهایی بی نام و نشان از خاور زمین به اهتزاز در می آید. که از پنبه و کتاب و ابریشم نیست، آنها را بر سر نیزه ها می زنند و نام رسول اکرم (ص) بر آنها نقش می شود، و آنها را مردی از آل محمد (ص) رهبری می کند. چون از مشرق حرکت کنند عطر آنها در مغرب بهتر از مشک و عنبر به مشام می رسد.» [۳۳]

امیرمؤمنان (ع) از فراهم شدن زمینه و استقبال شایان جهانیان از این حرکت مقدس سخن می گوید، که اخبار آن بلافاصله در سراسر جهان منتشر می شود و نسیم روحبخش آن در اقطار جهان به مشام توده ها می رسد و اخبار نوید بخش آن فضای جهان را عطر آگین می کند.

۱۶۲۵ - «یسیر الرعب امامها شهرا حتی ینزلوا بالكوفه طالبین بدما آبائهم. فبیناهم کذلک اذا اقبلت خیل الیمانی و الخراسانی یستبقان کانهما فرسا رهان: شعث عبر جرد، اصلاب نواصی و اقداح، احذا یضرب احدهم برجله باکیه فیقول: لاخیر فی مجلسنا بعد یومنا هذا، اللهم انا التائبون.. وهم الابدال الذی و صفهم الله تعالی فی کتابه العزیز: ان الله یحب التوابین، و یحب المتطهرین. و نظر اوهم من آل محمد، فیسیرون الی النخيله باعلام هدی، و ینادی یومئذ منادی السماء فی شهر رمضان، فیکون مجمع الناس کلهم بالفاروق، فیقتل یومئذ ما بین المشرق و المغرب ثلاثه آلاف الف یقتل بعضهم بعضاً فیومئذ تأویل هذه الایه: فما زالت تلك دعویهم حتی جعلناهم حصیدا خامدین.»

«ترس و وحشت مسیر یکماه را پر می کند تا هنگامی که وارد کوفه می شوند و خون نیاکان خود را مطالبه می کنند، در آن هنگام که مشغول کشت و کشتار ظالمانه خود هستند، دو لشکر آزادی بخش یمانی و خراسانی، همانند دو اسب مسابقه به دنبال یکدیگر وارد می شوند که گرد راه بر سر و صورتشان نشسته و اسلحه چندانیبر تنشان دیده نمی شود ولی با اراده های آهنین و تیرهای فولادین. در آن هنگام یکی از آنها در حالی که قطرات اشک در گرد دیدگانش حلقه زده، با پای خود بر زمین می زند و می گوید: دیگر نشستن فائده ندارد، ما به سوی پروردگار خود باز می گردیم. اینان همان ابدال هستند که خداوند در قرآن کریم آنها را ستوده می فرماید: (خداوند تائبین را دوست می دارد و پاکان را دوست می دارد) [۳۴]

نظیر آنها فقط در آل محمد (ص) یافت می شود. آنگاه به سوی نخيله (نجف اشرف) حرکت می کنند و پرچمهای هدایت را با خود حمل می کنند. آن روز صیحه آسمانی بلند می شود و ندای موعود رمضان شنیده می شود و مردم در فاروق گرد می آیند و در سراسر جهان سه ملیون نفر کشته می شوند و آیه شریفه: (پیوسته ادعایشان این بود تا به صورت دروشتگان خموش در آوردیم.) [۳۵] تحقق می یابد.» [۳۶]

نخيله و فاروق نام دو منطقه در حوالی نجف اشرف می باشد.

امام باقر (ع) در همین باره می فرماید:

۱۶۲۶ - «فیخرج بالموالی و ضعفاء الناس فیسیرون الی النخيله باعلام هدی فیکون مجمع الناس کلها بالفاروق، فیقتل یومئذ...»

«شیعیان ایرانی و مستضعف خروج می کنند و با پرچمهای هدایت به سوی نخيله می روند. آنروز مردم در فاروق گرد آیند و سه میلیون نفر در سراسر جهان کشته می شود.» [۳۷]

احادیث این بخش را از کلمات مولای متقیان پی می گیریم:

۱۶۲۷ - «ویل لشیعه ولد العباس من الحرب التي تسنح بها نهاوند و الدینور! تلک حرب ضعایک شیعه علی یقدمهم رجل من همدان اسمه علی اسم النبی (ص) منعوت موصوف باعتدال الخلق و حسن الخلق و نضاره اللون. و فی سوته ضحک، و فی اشغاره و طف، و فی عنقه سطح. فرق الشعر، مفلج الثنایا، علی فرسه کبدر التمام تجلی عنه الغمام. یسیر بعصابه خیر عصابه دانت لله یدین الحق. تلک الابطال من العرب یلحقون حرب الکریبه، والدائره یومئذ علی الاعداء. و ان للاعداء یومئذ الصیلم والاصتصال!».

«وای بر پیروان بنی عباس از جنگی که از نهاوند و دینور زبانه می کشد. این جنگ، جنگ ضعیفای شیعیان علی (ع) است، که در پیشاپیش آنها مردی از همدان که همنام رسول خدا (ص) است حرکت می کند که اندامی موزون، اخلاقی زیبا و چهره ای شاداب و خنده رو دارد. لبهایش فرو هشته، گردنش راست و کشیده، موی سرش از هم جدا، دندانهایش از هم فاصله گرفته، چون بر فراز اسب قرار بگیرد گوئی ماه چهارده شبه ایست که ابرها را از افق زدوده، با سپاهیانی حرکت می کند که از همه گسسته و به دین حق پیوسته، اینها قهرمانانی هستند که جنگ سختی را پیش پای عربها قرار می دهند. آنروز برای دشمنان روز بسیار سختی است که کلا نابود می شوند و از روی زمین ریشه کن می گردند.» [۳۸]

احتمال می رود که سید خراسانی مدتی در همدان اقامت کرده باشد و یا با جوان تمیمی در همدان ملاقات کند و سلحشوران را از آنجا رهبری کند. از این حدیث هم استفاده می شود که سید خراسانی همنام رسول اکرم (ص) می باشد.

از پیشگاه امیر مؤمنان (ع) پرسیدند که به هنگام بروز فتنه ها و بلاها به کجا پناه ببریم، امیر مؤمنان چنین فرمودند:

۱۶۲۸ - «اسلم المواضع یومئذ ارض الجبل. فاذا اضطربت خراسان، و وقع الحرب بین اهل جرجان و طبرستان، و خرجت سجستان، فاسلم المواضع یومئذ قصبه قم تلک البده التي یخرج منها انصار خیر الناس ابا و اما، و جدأ و جدده، و عما و عمه تلک التي تسمى الزهراء بها موضع قدم جبرائیل، و هو الموضع الذی تبع منه الماء الذی من شرب منه امن من الداء. و من ذلک الماء عجن الطین الذی جعل منه کهیئه الطیر و منه

یغتسل الرضا، و من ذلك الماء يخرج كبش ابراهيم و عصا موسى و خاتم سليمان!».

«سالمترین مناطق روی زمین در آن روز کوهستان است، هنگامی که در خراسان اضطراب شد و در میان گرگان و طبرستان (مازندران) جنگ در گرفت و سجستان شورش کرد، در آن روز سالمترین مناطق شهرستان «قم» است که یاران بهترین مردم از جهت پدر و مادر و جد و جده و عم (یعنی حضرت مهدی) از آنجا بر می خیزند. در این شهر پرنور و شکوفای جای پای جبرائیل است و آن نقطه ایست که از آنجا آبی بیرون زده است که هر کس از آن بخورد از هر بیماری در امان می ماند. و این همان آبی است که با آن شکل مرغ ساخته شد (و به دست حضرت عیسی (ع) روح در آن دمیده شد)، و آبی است که حضرت رضا (ع) از آن غسل می کند و این آبیست که قوچ ابراهیم (ع) و عصای موسی (ع) و انگشتر سلیمان (ع) از آن در می آید». [۳۹]

باب مدینه علوم نبی (ص) با قاطعیت تمام خبر می دهد که هشتمین فرزندش حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام وارد این شهر مقدس می شود و در آن شستشو می کند که دو قرن بعد تحقق یافت.

روزی امیرمؤمنان (ع) این حدیث را فرموده که شهر قم به صورت شهرکی از شهرستان های آتش پرست ایران بود و سالها گذشت که قم فتح شد و مردمش مسلمان شدند و دوستدار اهلیت شدند و امام رضا (ع) به هنگام عزیمت به خراسان در این شهر یک شب خوابید و از آب این شهر شستشو نمود و سپس خواهرش به قصد دیدار آنحضرت عازم خراسان بود که در نزدیکی قم بیمار شد و به این شهر آورده شد و در این شهر رحلت کرد و مرقد مطهرش زیارتگاه شیعیان جهانست. اینها سحر و شعر و پیشگوئی نیست بلکه سخنانی متین و استوار است که از منطق وحی سرچشمه گرفته است. خداوند دانای راز و نهان است و کسی را از غیب خود آگاه نمی سازد جز پیامبری که او را برای آن پسندیده است [۴۰] خداوند خزانه علومش را در اختیار رسول اکرم (ص) قرار داده و او هزاران هزار باب علمش را در اختیار حضرت علی (ع) قرار داده است. و امیر مؤمنان فرازهایی را در خطبه های خود بیان فرموده است تا بعد از قرن ها تحقق پیدا کند و برای همه قرون و اعصار معجزه جاویدان باشد.

آنگاه برای محفوظ ماندن از حوادث آتروز می فرماید:

۱۶۲۹ - «اذا رايتم الرايات السود فالزموا الارض، ولا تحركوا ايديكم ولا ارجلكم.. ثم يظهر قوم صغار لايوبه لهم».

«هنگامی که پرچم های سیاه به حرکت در آمدند بر زمین بچسبند و دست و پای خود را تکان ندهید تا گروهی خروج کنند که هیچ مورد اعتنا و توجه نیستند.» [۴۱]

حدیث مفصل است و متن کاملش در بخش نوزدهم گذشت.

۱۶۳۰ - «ان اتبعتم طالع المشرق سلک بکم منهاج الرسول (ص) و تداوینتم من العمی، و کفینتم مونه الطلب و تبدتم الثقل الفاح من الاعناق».

«اگر از مردی پیروی کنید که از مشرق بر می خیزد، شما را به راه و روش پیامبر (ص) می برد و از کوری نجات می یابید و زحمت جستجو از شما برداشته می شود، و وظیفه سنگینی را از گردن خود ساقط می کنید.» [۴۲]

آری سید خراسانی مردم را به راه صحیح پیامبر (ص) رهنمون می شود و از کوری و گمراهی نجات می دهد و زحمت جستجو از مهدی آل محمد (ص) را از گردن مردم ساقط می کند، که از نزدیکترین راهها، آنها را به پیشگاه حضرت بقیه الله (عج) می رساند و با آن مهرتابان بیعت می کند و همه سپاهیان را به محضرش تقدیم می نماید.

۱۶۳۱ - «لابد من رحى تطحن. فاذا قامت على قطبها، و تبتت على ساقها بعث الله عبدا عسفا خاملا اصله يكون النصر معه. اصحابه الطويله شعورهم. اصحاب السبال اصحاب رايات سود، ويل لمن ناوهم!!! يسلطهم الله على الاعراب فيقتلونهم هر جا هراً!».

«به ناگزیر باید آسیابی به کار افتد، چون این آسیاب به کار افتاد و پایه هایشان استوار گردید، خدای تبارک و تعالی مرد با ابهت و گمنامی (شعیب) را بر می انگیزد که هر کجا می رود چیره می شود، یارانش با ریشهای بلند و شاربهای فروهشته و پرچمهای سیاه حرکت می کنند، بدا به حال کسی که با آنها درگیر شود. خداوند آنها را بر سپاه عرب مسلط می فرماید، که آنها را بی مهابا می کشند.» [۴۳]

آنگاه در زمینه جنایات سپاه سفیانی در بغداد می فرماید:

۱۶۳۲ - «یدخل مدینه الزوراء، فکم من قتیل و قتیلہ، و مال منتهب، و فرج مستحل!. رحم الله من آوی نساء بنی ہاشم یومئذٍ و هن حرمتی.. فیخرج الیہم فتیان من مجالہم، علیہم رجل یقال له صالح، فتکون الدائرہ علی اهل الکوفہ».

«وارد شهر زوراء (بغداد) می شود، چقدر انسان کشته می شود؟ ثروتها تاراج می شود، به حریم زنها تجاوز می شود؟!، خدای رحمت کند کسی را که در آن روز زنان بنی هاشم را پناه بدهد که آنها ناموس من هستند. آنروز جوانمردانی قیام می کنند که مردی به نام «صالح» آنها را رهبری می کند، آنروز بر اهل کوفه بسیار سخت و طاقت فرسا خواهد بود.» [۴۴]

در آن روز صالح و سپاهیان پیروزمندانه وارد کوفه می شوند و سپاه سفیانی را از پای در می آورند:

۱۶۳۳ - «فوالدی فلق الحبه وبر النسمه لیكونن ذلک. و کانی اسمع صہیل خیلہم و طمطہ رجالہم!. و اثم الله لیدوبن ما فی ایدیہم بعد العلق و التمكن فی البلاد کما تدوب الآله علی النار!».

«سوگند به خدائی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، بی گمان این حوادث روی خواهد داد، گوئی من با گوش خود بانگ رجز خوانی سپاهیان و شبیه اسبانشان را می شنوم. به خدا سوگند، آنگاه که دو سپاه در

آویزند و شهرها تسخیر شود، آنچه در دست سفیانیها باشد ذوب می شود، آنچنانکه فلزات در آتش ذوب می شود.» [۴۵]

مولای مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران آنچنان به گفتار خود مطمئن است که برای هر فراز آن سوگند یاد می کند و آنچنان سخن می گوید که گوئی فاصله زمانی برداشته شده، با دیدگان خود صف آرائی دو سپاه را می بیند و رجزهای آنها و شیهه اسبانشان را می شنود.

آری از ابوتراب (ع) جز این انتظار نمی رود.

۱۶۳۴ - «اذا خرجت خيل السفیانی الى الكوفه، بعث فی طلب اهل خراسان و یخرج اهل خراسان فی طلب المهدي. فیلتقی هو و الها شمی برایات سود، علی مقدمته شعیب بن صالح، فیلتقی هو و السفیانی بباب اصطخر، فیکون بینهم ملحمة عظیمه، فتظهر الرايات السود و تهرب خیل السفیانی. فعند ذلک یتمنی الناس المهدي و یطلبونه، فیخرج من مکه و معه رایه رسول اللہ بعد ان بیاس الناس من خروجه لما طال علیهم من البلاء. و یقول بعد ان یصلی رکعتین و یظهر للناس:

ایها الناس: الح البلاء بامه محمد (ص) و باهل بیته خاصه، و قد قهرنا و بغی علینا».

«هنگام که سپاه سفیانی به سوی کوفه عزیمت می کند، سفیانی گروهی را به جستجوی اهل خراسان می فرستد که برای یاری حضرت مهدی (ع) خروج کرده اند. سپاه سفیانی با سپاه سید هاشمی (سید خراسانی) در دوازده اصطخر [۱۴۶] روبرو می شود که مردی به نام شعیب بن صالح پرچمدار خراسانی هاست و پرچم های سیاهی در دست دارند. نبرد سختی در میانشان پدید می آید که سرانجام صاحبان پرچم های سیاه پیروز می شوند و سپاه سفیانی پا به فرار می گذارند. در آن هنگام مردم به دیدار حضرت مهدی (ع) مشتاقتر می شوند و به جستجوی او می پردازند. حضرت مهدی در آن هنگام در مکه ظهور می کند و پرچم رسول اکرم (ص) را در دست می گیرد. و آن هنگامی است که مردم به کلی از ظهور او نومید شده اند و حوادث فراوانی بر آنها رخ نموده است. چون حضرت بقیه الله (عج) ظهور کند دو رکعت نماز می گزارد و می فرماید: هان ای مردم! بلاها بر امت محمد (ص) فرود آمد و به اهلیت ما به خصوص، بلاهای فراوان نازل شد. ما مظلوم شدیم، به ما ستم فراوان رفت...». تا پایان خطبه معروفش. [۴۷]

به طوریکه از احادیث بخش دوازدهم کتاب نیز استفاده می شود، سپاه سید خراسانی پس از پشت سر گذاشتن نبردی سخت در منطقه اصطخر در نزدیکی شیراز و پایتخت دولت ساسانی و شهر مقدس ایشان، به سوی عراق حرکت می کند و پیروزمندان وارد کوفه می شوند.

سپس مولای متقیان (ع) از روزگار سخت سفیانیها در برابر سپاه خراسانی سخن می گوید:

۱۶۳۵ - «... فاذا كثروا فتنافسوا فقتلوا قتلهم، بعث اللہ علیهم اقواماً من المشرق، فقتلهم بدماء و احصاهم عدداً!»

«چون تعداد سپاهیان افزون شود، و انسان های بسیاری را طعمه شمشیر سازند، خداوند سپاهی را از طرف مشرق بر می انگیزد که بر آنها بتازند و دمار از روزگارشان در آورند و یک نفر هم از آنها زنده نگذارند.» [۴۸]

و این درگیری بعد از کشت و کشتار سفیانی ها در بغداد و کوفه و کشتن سیدی جلیل القدر از تبار امام حسن مجتبی (ع) دز خانقین است.

۱۳۶ - «یربط اصحاب الرايات السود خيلهم بزيتون الشام!».

«سپاهیان خراسانی که با پرچم های سیاه می آیند، اسپهای خود را به زیتون های شام می بندند.» [۴۹]

سپاهیان خراسانی وارد شام می شوند و وسائط نقلیه خود را در زیر درخت های زیتون نگه می دارند تا نفسی تازه کنند و برای درگیری های تازه انرژی کسب کنند و خود را برای نبرد نهائی با منکران حق آماده نمایند.

۱۶۳۷ - «ثم يخرج الفتى الصبيح من نحو الديلم و قزوین، ینادی بنصره آل محمد، و یصیح بصوت فصیح: یا آل محمد اجیبوا الملهوف! فتجیبه کنوز الطالقان، کنوز ای کنوز! لیست من فضه ولا ذهب، بل هی رجال کزیر الحدید!...»

«سپس جوانی خوش اندام از حوالی قزوین و دیلم برای نصرت آل محمد (ص) خروج می کند و یا بانگی رسا و بیانی شیوا پیروان آل محمد (ص) را ندا می کند، که ای آل محمد! بانگ ستمدیده غمین را لبیک گویند. گنجینه های طالقان به او پاسخ مثبت می دهند. چه گنجه و گنجینه هائی؟! که از طلا و نقره نیستند، بلکه مردانی فولادین هستند که بر یابوهای ابلق سوارند و سلاح های کوتاهی در دست دارند. از شوق و علاقه ای که به جهاد دارند جست و خیز می زنند و خود را به سپاه دشمن می زنند، می جنگند و پیروز می شوند. فرمانده آنها مردی از تمیم به نام «شعیب بن صالح» است. بزرگ و کوچک شمشیر به دست گرفته وارد کارزار می شوند. سید حسنی که صورتش چون ماه تابانست، در این نبرد شمشیر می زند و با ستمگران نبرد می کند تا وارد کوفه شود و کوفه را ستاد فرماندهی خود قرار دهد. آنگاه به او خبر می رسد که حضرت مهدی (عج) ظهور فرموده است. سپاهیان از او می پرسند: این شخصیت بزرگواری که وارد صحنه می شود چه کسی است؟ جناب سید حسنی که خود می داند که او حضرت بقیه الله است می گوید: ما را به نزد او ببرید ببینیم که او کیست؟ و چه می خواهد؟! با چهار هزار سپاهی که قرآن به گردن آویخته، جامه های موئین به تن کرده و شمشیرهای خود را حمایل کرده اند، حرکت می کند و در نزدیکی سپاهیان حضرت بقیه الله (عج) فرود می آید و می گوید: از اینها بپرسید که رهبرشان کیست و چه می خواهد؟ برخی از سپاهیان با سپاه حضرت ولی عصر (عج) تماس می گیرند و می پرسند: خداوند شما را زنده بدارد، شما کیستید و چه می خواهید؟ آنها می گویند: او مهدی (عج) است و ما یاران مهدی هستیم سید حسنی می فرماید: مرا به خدمت آن حضرت ببرید. در میان دو سپاه سید حسنی به پیشگاه حضرت بقیه الله روحی فداه شرفیاب می شود و عرض می کند: اگر شما حضرت مهدی هستید عصای رسول اکرم (ص)، انگشتر آنحضرت، برده، زره فاضل و عمامه سحاب آنحضرت کجاست؟ همه آنها را حضرت بقیه الله (ع) به او ارائه

می دهد. سید حسنی عرض می کند: از شما می خواهم که عصای رسول الله را روی این سنگ بکارید و از خدا بخواهید که سبز شود!، آنگاه حضرت بقیه الله آن عصا را روی آن سنگ می کارد و سبز می شود و برگ در می آورد. سید حسنی صدایش به تکبیر بلند می شود و می گوید: ای فرزند پیامبر! دستت را بده تا بیعت کنم. پس با همه سپاهیان با آنحضرت بیعت می کند.» [۵۰]

[عبارت مؤلف در این حدیث مضطرب است، گاهی سید حسنی و گاهی سید حسینی تعبیر می کند، ولی ما به پیروی از علامه مجلسی همه اش را سید حسنی ترجمه کردیم.]

در بخشهای دیگری از رسول اکرم (ص) و امامان معصوم روایاتی در پیرامون گنجهای طالقان نقل کردیم که از جوانان طالقان به مناسبت اینکه از اصحاب حضرت مهدی (ع) هستند به عنوان گنجهای طالقان بحث شده است.

«هراوه» همان عصای رسول اکرم (ص)، و «فاضل» همان زره مخصوص رسول الله (ص) است که هرگز به تن کسی جز پیامبر اکرم و جانشینان آن حضرت راست نمی آمد. و در پیرامون «یابوها» قبلاً توضیح دادیم. در برخی از منابع در این رابطه از شتر «عضباء»، استر «دلدل»، اسبهای «یربوع» و «براق» و مرکب «یعفور» که در تناسب های مختلف رسول اکرم (ص) بر آنها سوار شده، گفتگو شده است. درخواست معجزه از سوی سید حسنی صرفاً برای اطمینان لشکریان و اعلام مقام شامخ حجت خدا برای آنان است و گر نه سید حسنی از یاران خاص حضرت بقیه الله روحی فداه می باشد و نیازی به دیدن معجزه و دریافت نشانه ندارد.

امام حسن مجتبی (ع) می فرماید:

۱۶۳۸ - «یخرج بالری رجل ربه اسمر، مولی لبنی تمیم، کوسج یقال له: شعیب بن صالح، فی اربعه الف، یکون مقدمه للمهدی، لایلقاه احد الا قتله.»

«مردی گندمگون، چهار شانه و کوسه به نام شعیب بن صالح با چهار هزار نفری از ری خروج می کند که در پیشقدم ظهور حضرت مهدی است، کسی در برابرش ایستادگی نمی کند جز اینکه کشته می شود.» [۵۱]

امام باقر (ع) می فرماید:

۱۶۳۹ - «اذا اختلف بنو فلان فیما بینهم، فعند ذلک الفرج. و لیس فرجکم الا فی اختلافهم. فاذا کان فتوقعوا الصیحه فی شهر رمضان. و اذا کان ذلک طمع الناس فیهم، و اختلفت الكلمه و کان خروج السفیانی، و یتشتت امرهم، و یخرج علیهم الخراسانی، هذا من المشرق و هذا من المغرب، یتسبقان الی الکوفه کفرسی رهان، هذا من هنا، و هذا من هنا، حتی یکون هلاک بنی فلان علی ایدیهم .. اما انهما لا یبقیان احدًا!».

«چون اولاد فلانی دچار اختلاف شدند، فرج نزدیک است. فرج شما بستگی به اختلاف آنها دارد. چون نشانه های اختلاف ظاهر شد منتظر ندای آسمانی در ماه رمضان باشید. چون ندا شنیده شد مردم بر آنها جری می

شوند و سفیانی خروج می کند و کارشان پراکنده می شود و سید خراسانی بر علیه آنها خروج می کند، خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب به سوی کوفه می تازند و هر دو چون دو اسب مسابقه به دنبال یکدیگر وارد کوفه می شوند، اولاد فلانی به دست آنها نابود می شوند سپاهیان سفیانی و خراسانی احدی را از آنها زنده نمی گذارند.» [۵۲]

۱۶۴۰ - «ان ذهاب بنی فلان کقصر الفخار و کرجل کانت فی یده فخاره و هویمشی اذ سقطت من یده و هو ساه عنها فانکسرت، فقال حین سقطت: هاه!. شبه الفرع .. فذهاب ملکهم هذا اغفل ما کانوا عن ذهابه!. اخذهم بغته!».

«نابودی اولاد فلانی همانند شکستن کوزه است و مانند کسی است که کوزه ای به دست گرفته، راه می رود و از کوزه غافل است، یکمرتبه کوزه می افتد و می شکند و یکمرتبه با وحشت و تعجب می گوید: ای وای. سقوط رژیم آنها همچون افتادن کوزه و شکستن آن روی می دهد در حالیکه آنها در خواب غفلت غنوده اند یکمرتبه دیده گشوده، می بینند که ناگهان رژیم سقوط کرده است.» [۵۳]

۱۶۴۱ - «تخرج رایات سود یقاتل السفیانی فیهم شاب من بنی هاشم، وجهه کدائرہ القمر، فی کفه الیسری خال، علی مقدمته شعیب بن صالح التمیمی الذی قلانس جیشه سود وثیابهم بیض. یهزمون السفیانی و یتقدمون الی الغرب حتی ینزلوا بیت المقدس، و یهیون للمهدی سلطانه .. و یکون بین خروجہ و بین ان یسلم الامر للمهدی اثنان و سبعون شهرا!!!».

«پرچم های سیاهی برای نبرد با سفیانی به حرکت در می آید که در میان آنها جوانی از بنی هاشم هست که صورتش چون قرص قمر است و در دست چپش خالی هست، در پیشاپیش این سپاه شعیب بن صالح تمیمی است، که کلاه های سپاهیان سیاهست و جامه هایشان سفید. سپاه سفیانی را شکست می دهند و به سوی غرب پیش می روند تا به بیت المقدس می رسند و زمینه را برای حضرت مهدی فراهم می کنند.» [۵۴]

۱۶۴۲ - «کانی بقوم قد خرجوا بالمشرق، یطلبون الحق فلا یعطونه. فاذا راوا ذلک وضعوا سیوفهم علی عواتقهم، فیعطون ماسألوا فلا یقبلونه حتی یقوموا ولایدفعونها الا الی صاحبکم قتلاهم شهداء».

«گویی گروهی را با چشم خود می بینم که از خاورزمین خروج کرده اند حق را مطالبه می کنند و به آنها داده نمی شود. آنگاه شمشیرهای خود را حمایل می کنند، پس آنچه می خواستند به آنها داده می شود. پس آنرا نمی پذیرند و قیام می کنند و پرچمهای خود را به دست حضرت مهدی (ع) می سپارند. کشته هایشان شهید است.» [۵۵]

در ضمن روایات رجعت آمده است:

۱۶۴۳ - «کانی بعبدالله بن شریک العامری، علیه عمامه سوداء، ذوابتها بین کتفیه، مصعداً فی لحف الجبل بین یدی قائمنا اهل البیت، فی اربعه الاف یکبرون و یکرون».

«گوئی عبدالله بن شریک عامری را با چشم خود می بینم که دستاری سیاه بر سر دارد و تحت الحنک هایش را در میان دو کفش آویزان کرده، در دامنه کوه در پیشاپیش قائم اهل بیت (ع) با چهار هزار سلحشور از کوه بالا می رود، تکبیر می گویند و حمله می کنند.» [۵۶]

در انجیل نیز به تفصیل از زنده شدن مردگان برای یاری حضرت عیسی در آخرالزمان گفتگو شده است و ما حدیث فوق را بدون هیچ شرح و توضیح تقدیم کردیم تا گذشت زمان ان را معنی کند که وقت تفسیرش نزدیک است. امیر مؤمنان (ع) در این مورد می فرماید:

۱۶۴۴ - «و اموات ینشرون من القبور حتی یرجعوا الی الدنیا فیتعارفون فیها».

«مردگانی که از قبرها بر می خیزند و به دنیا باز می گردند و یکدیگر را می شناسند.» [۵۷]

در این رابطه روایت از پیشوایان معصوم بیرون از شمار است. [۵۸]

امام صادق (ع) می فرماید:

۱۶۴۵ - «... و بیناهم کذلک، اذ تقبل رایات هدی من خراسان تطوی المنازل طياً حثیناً، و معهم نفر من اصحاب القائم .. ثم یخرج رجل من موالی الکوفه فی ضعفاء فیقتله حیث السفیانی بین الحیره و الکوفه».

«در آن میان پرچم های هدایت از خراسان بیرون آمده، با شتابی هر چه تمامتر منازل را طی کرده پیش می تازند و تعدادی از یاران قائم (عج) در میان آنها خواهد بود. آنگاه مردی از شیعیان غیر عرب با گروهی از مستضعفان از کوفه خروج می کند که سپاهیان سفیانی او را در میان حیره و کوفه به قتل می رسانند.» [۵۹]

سپس در وصف «شعیب» می فرماید:

۱۶۴۶ - «علام حدث السن، اسمر اصفر، خفیف اللحیه کوسج الایلیقی احدا الا قتله! ولو قاتل الجبال لهدھا حتی ینزل ایلیاء! و یکون علی لواء المهدی».

«جوانی است نورس، زرد و گندمگون، کوسه و خفیف اللحیه، کسی در برابرش نمی ایستد جز اینکه می کشد. اگر با کوهها درگیر شود از بن بر می کند تا وارد سرزمین قدس شود، او پرچمدار حضرت مهدی (ع) خواهد بود.» [۶۰]

براساس این حدیث، این سرباز جانباز حضرت بقیه اللّه روحی فداه فلسطین را به تصرف خود در آورد و در شهر «یلیا» از شهرهای فلسطین فرود می آید و طبق روایتی که از رسول اکرم (ص) نقل کردیم به بندر «ایلات» نیز وارد می شود پس از آنکه ماهها در محضر حضرت ولی عصر (عج) شمشیر می زند. [۶۱]

۱۶۴۷ - «یکون خروج شعيب بن صالح من سمرقند».

«شعيب بن صالح از سمرقند خروج می کند.» [۶۲]

در حدیثی گفته بودیم که شعيب بن صالح از «ری» خروج می کند و در این حدیث آمده است که از «سمرقند» خروج می کند، شاید این حدیث را چنین جمع کنیم که از سمرقند خروج می کند، چون به شهر ری می رسد یاران فراوانی به او ملحق می شوند و آوازه شان به همه جا می رسد و شهر ری را نیز می توان محل خروج او به شمار آورد. یا متولد شهر ری باشد و از سمرقند خروج کند و یا بالعکس متولد سمرقند باشد و از ری خروج کند.

۱۶۴۸ - «فاذا انقضی ملک بنی فلان اتاح اللّٰه لال محمد برجل منا اهل البيت، یسیر بالتقی، و یعمل بالهدی، ولا یأخذ فی حکمه الرشی. واللّٰه انی لاعرفه باسمه و اسم ابیه.. ثم یتینا ذوالخلل و الشامتین العادل الحافظ لما استودع، یملاها قسطا وعدلا».

«چون حکمت بنی فلان سپری شود خداوند با مردی از ما اهل بیت بر آل محمد (ص) منت می نهد که با تقوی گام می سپارد و براساس هدایت رفتار می کند و در کارهایش رشوه نمی گیرد. به خدا سوگند نام خود و نام پدرش را می دانم. آنگاه به محضر امام عادل از ما می رسد که صاحب خال و اصالت و نجابت طرفین (پدر و مادر) و حافظ اسرار امامت و امامت‌های الهی است و جهان را پر از داد و عدالت می کند.» [۶۳]

پرواضح است که منظور از صاحب خال، وجود اقدس یوسف زهرا (س) حضرت بقیه اللّٰه روحی فداه می باشد.

۱۶۴۹ - «یقتل فی الزوارء ثمانون الفاً، منهم ثمانون رجلاً من ولد فلان، کلهم یصلح للخلافه. یقتلهم ابناء العجم».

«در بغداد هشتاد هزار نفر کشته می شوند که ۸۰ تن از آنها از اولاد فلانی است که هر یک از آنها شایستگی خلافت را دارند و آنها را اولاد عجم می کشند.» [۶۴]

۱۶۵۰ - «یکون اغراق رجل عظیم القدر من شیعه بنی العباس، عند الجشر مما یلی الکرخ بمدینه بغداد».

«مردی جلیل القدر از شیعیان بنی عباس را در بغداد در کنار جسر (پل) که در مسیر کرخ زده می شود غرق می کنند.» [۶۵]

پیشوای ششم شیعیان یکبار دیگر این آیه را تلاوت فرمود که می فرماید: (فرمان ما شبی یا روزی بر آن فرا رسیده و آن را تباہ ساختیم، چنانکه گوئی دیروز خود را بی نیاز نمی دید) [۶۶] سپس فرمود:

۱۶۵۱ - «اذا رايتم الرايات السود تخرج من خراسان فاتوها ولو حبوا على الثلج. فان حملتها يطلبون الحق فلا يعطونه، فيقاتلون و ينتصرون فيعطون ما سألوا فلا يقبلون. كاني بهم و قد وضعوا سيوفهم على عواتقهم حتى يدفعوا راياتهم الى القائم المهدي. الا انهم انصار المهدي يوطنون له سلطانه!. قلوبهم كزبر الحديد!. فاذا رايتم الرايات السود تجيء من قبل المشرق فاکرموا الفرس فان دولتنا فيهم!».»

«هنگامی که پرچم های سیاه از خراسان به راه افتاد به سویس بشتابید ولو با سینه خیز رفتن از روی برفها باشد، که صاحبان آن پرچم ها طرفداران حق هستند، آنها حق را مطالبه می کنند به آنها داده نمی شود، نبرد می کنند و پیروز می شوند، آنچه می خواستند به آنها داده نمی شود، نبرد می کنند و پیروز می شوند، آنچه می خواستند به آنها داده می شود ولی آنها دیگر نمی پذیرند. گوئی با چشم خود می بینم که شمشیرها را بر خود حمایل کرده اند و پیش می تازند تا پرچمها را به مهدی قائم (ع) تسلیم نمایند. آگاه باش که آنها یاران مهدی هستند و زمینه سلطنت جهانی او را فراهم می سازند، دلهای آنها چون قطعات آهن است. هنگامی که پرچم های سیاه را مشاهده کردید که از سوی مشرق به حرکت درآمده، فارسیان را گرامی بدارید که دولت ما در میان آنها می باشد.» [۶۷]

چه کسی می تواند این چنین قاطعانه سخن بگوید و بر گفتارش ایمان داشته باشد؟! امام صادق (ع) هنگامی این مطلب را می فرموده که هنوز مناطقی از کشور ایران در آتش مجوسیت می سوخت، ولی امام ششم در مورد کشور نیمه مسلمان و نیمه مجوسی رسماً اعلام می کند که دولت حقه ما در میان آنها خواهد بود.

امام باقر (ع) در این مورد می فرماید:

۱۶۵۲ - «ولا يدفعونها الا الى صاحبكم. قتلا هم شهداء»، اما انى لوادرکت ذلک لابقیت نفسی لصاحب الامر!».»

«پرچمها را جز به دست صاحب الامر (عج) نمی دهند، کشته هایشان شهید است. اگر من آن روز را درک کنم جانم را برای صاحب این امر (عج) نگه می دارم.»

جانها به قربان صاحب الامری که همه صاحبان امر جانشان را فدای او می سازند.

حضرت بقیه الله (عج) می فرماید:

علی بن مهزیار که سعادت تشریف به پیشگاه آن مهترتابان را پیدا کرده در ضمن گفتگوهایش با آن حضرت نقل می کند که فرمود:

۱۶۵۳ - «... و یخرج الشروسی من ارمینیه و آذربيجان، یرید الری و الجبل الاسود المتلاحم بالجبل الاحمر، لزیق جبال الطالقان. فتکون بینة و بین المروری وقعه صیلمانیة یشیب فیها الصغیر، و یهرم فیها الکبیر! و یظهر القتیل بینهما فعندھا فتوقعوا خروجہ بالزوراء بعد ان یبعث الیها بجیش مؤلف من مئۃ الف مقاتل. فیقتل علی جسرھا سبعین الفا فی ثلاثه ایام، فیجری دجله ماء احرم بالدم و من تتن الاجساد، و یقتض اثنا

عشر الفا من الابدكار. ثم يدخل الكوفه و النجف في وقعه تذهل فيها العقول!. و ياتي بعدها الفرج و يكون بوار الفتن. فلا يلبث بها حتى يوافي ما هان، ثم يوافي واسط العراق، فيقيم فيها سنه اودونها. ثم يخرج الى كوفان فتكون بينهم وقعه في النجف الى الحيره الى الغرى. فعندها يكون بوار الفتنتين و على الله حصاد الباقيين.»

«شروسی از ارمنستان و آذربایجان حرکت کرده، به سوی ری و کوه های سیاه و سرخ چسبیده به سلسله کوه های طالقان حرکت می کند. در میان او و مروزی (مردی از مرو) جنگ مسلحانه سختی در می گیرد که کودکان را پیر سازد و بزرگسالان را از پای در آورد و کشته های فراوانی در میان آنها پدید آید. در آن هنگام منتظر خروج سفیانی از بغداد باشید که سپاهی متشکل از ۱۳۰ هزار جنگجو به آن سو می فرستد و در عرض سه روز ۷۰ هزار نفر در نزدیکی جسر بغداد از دم شمشیر می گذرانند و آب دجله گلگون می شود و بوی متعفن اجساد فضای شهر را آلوده می سازد. به حریم دوازده هزار دختر تجاوز می شود. آنگاه وارد کوفه و نجف می شود و حادثه ای می آفریند که عقلها را دچار دهشت و وحشت می سازد. به دنبال آن نوبت فرج فرا می رسد و زمان هلاکت دشمنان و آرامش فتنه ها فرا می رسد. طولی نمی کشد که به «ماهان» می رسد و سپس وارد «واسط» در عراق می شود و مدت یکسال یا کمتر در آنجا میماند و به سوی کوفه حرکت می کند، در آنجا درگیری سختی در میان حیره و نجف روی می دهد و هر دو گروه از بین می روند و دیگر گروهها را نیز خداوند ریشه کن می سازد.» [۶۸]

شروسی از شهری به نام «اشروسه» از آذربایجان شوروی بین سیحون و سمرقند خروج می کند. امام باقر و یا امام صادق (ع) در این باره می فرماید:

۱۶۵۴ – «وتكون حرب ولد العباس مع فتیان ارمینیه و آذربایجان، حیث یخرج الشروسی من ارمینیه یرید العراق و ایران، فتكون بینه و بین المروزی وقعه صیلمانیه یقتل فیها الوف و الوف، کل یقبض علی سیف محلی، تخفق علیه رایات سود. تلک هی حرب ینتشر فیها الموت الاحمر والطاعون الاکبر.»

«هنگامی که شروسی از ارمنستان به سوی ایران و عراق حرکت کند، جنگی بین اولاد عباس و سپاهیان ارمنستان و آذربایجان روی می دهد و بین شروسی و مروزی جنگ سختی روی می دهد که هزاران هزار نفر در آن کشته می شود. در این جنگ که پرچمهای سیاه به اهتزاز در می آید مرگ سرخ و بیماری طاعون فراگیر بسیار شود.» [۶۹]

نفس زکیه

در پیرامون ذبح نفس زکیه و به دار آویخته شدن پسر عمویش احادیث فراوانی از خاندان نبوت به ما رسیده است که به برخی از آنها در این بخش اشاره می کنیم:

رسول اکرم (ص) می فرماید:

۱۶۵۵ – «ان المهدي لایخرج حتی تقتل النفس الزکیه. فاذا قتلت النفس الزکیه غضب علیهم من فی السماء»

و من فی الارض، فانی الناس المهدی فز فوه كما تزف العروس الی زوجها لیلہ عرسها!»

«مهدی (ع) خارج نمی شود تا نفس زکیه کشته شود. چون نفس زکیه کشته شود، ساکنان آسمان و زمین بر آنها غضبناک می شوند آنگاه مهدی (ع) ظهور می کنند و مردم در اطراف شمع وجودش گرد آیند آن سان که در شب زفاف در اطراف عروس گرد آیند.» [۱]

نفس زکیه لقب یک جوان هاشمی است از آل محمد (ص) که در میان قوم خود صاحب مقامی بس رفیع است، در آغاز جنبش سفیانی به مدینه منوره پناهنده می شود و دومین گروه از لشکر سفیانی که برای مقابله با دعوت حق و رویارویی با سپاه حضرت بقیه الله (عج) به سوی مدینه گسیل می شوند او را به شهادت می رسانند.

هنگامی که سپاه سفیانی مردم حجاز را طعمه شمشیر می سازند و خانه هایشان را ویران می کنند و به حریم نوامیس مردم و به حریم حرمین شریفین تجاوز می کنند، نفس زکیه به مکه می رود و در آنجا بانگ دادخواهی و دعوت به سوی آل محمد (ص) را بلند می کند. روز ۲۵ ذیحجه الحرام او را بدون هیچ گناهی در میان رکن و مقام مظلومانه ذبح می کنند. خداوند دیگر ستمکاران را مهلت نمی دهد که در شهر حرام و در ماه حرام و در بیت الله الحرام، خون حرام ریخته اند. پس به فاصله ۱۵ روز قیام جهانی حضرت بقیه الله روحی فداه آغاز می شود، که هرگز چنین جنایتی در تاریخ سابقه نداشته است.

در مورد سبب ذبح نفس زکیه از امیرمؤمنان (ع) چنین نقل شده است که او در مدینه به سوی حق و حقیقت دعوت می کند، چون آنجا نیز ناامن می شود و مکه می گریزد که آنجا نیز صدای خود را برای دعوت به سوی حق و حقیقت بلند می کند و از این حدیث استفاده می شود که نفس زکیه به فرمان حضرت بقیه الله رهسپار مکه می شود و اینک متن حدیث:

۱۶۵۶ - «القائم (ع) یقول لاصحابه: یا قوم، ان اهل مکه لا یریدوننی، ولکننی مرسل الیهم لاحتج علیهم بما ینبغی لمثلی ان یحتج علیهم.»

«قائم (ع) به اصحاب خود می فرماید: اهل مکه مرا نمی خواهند ولی من کسی را به سوی آنها می فرستم تا حجت را بر آنها تمام کنم، آنچنانکه برای مثل من شایسته است.»

آنگاه یکی از کسان خود را فرا می خواند و به او می فرماید: به سوی مکه برو و به اهل مکه بگو: ای اهل مکه من فرستاده فلانی هستم به سوی شما، او به شما می فرماید:

۱۶۵۷ - «انا اهل بیت النبوه، و معدن الرساله و الخلفه. و نحن ذریه محمد (ص) و سلاله النبیین. و انا قد ظلمنا و اضطهدنا، و قهرنا و ابتز حقنا مد قبض نبینا الی وقتنا هذا.. و نحن نستنصرکم فانصرونا .. فاذا تکلم بهذا الکلام اتوا الیه فذبحوه بین الرکن و المقام، و هو النفس الزکیه.»

«ما اهل بیت نبوت و معدن رسالت و خلافت هستیم، ما عترت پیامبر و سلاله پیامبرانیم. ما مظلوم شدیم، به

ما ستم کردند و از روزیکه پیامبر رحلت کرد، حق ما را غضب کردند و تا به امروز در دست غاصبان است. ما از شما یاری می طلبیم، ما را یاری کنید. چون پیام آنحضرت را ابلاغ می کند او را می گیرند و در میان رکن و مقام او را ذبح می کنند، که او همان نفس زکیه است.» [۲]

پس از ارتکاب این جرم تاریخی، وجدان جهانی بیدار می شود و به دنبال حضرت مهدی (ع) می گردند که با او بیعت کنند و این جنایت را محکوم نمایند. بین ذبح نفس زکیه و آغاز قیام شکوهمند حضرت مهدی (ع) فقط ۱۵ روز فاصله است که او در ۲۵ ذیحجه به شهادت می رسد و قیام آن حضرت در دهم محرم اتفاق می افتد.

یکبار دیگر بانگ جبرئیل در فضا طنین انداز می شود که جهانیان را به بیعت آن حضرت دعوت کرده می فرماید: «البيعه لله».

این بانگ به دنبال بانگ اولی که در ماه رمضان بلند شده و گوش جهانیان را نوازش داده، هر گونه شک و تردید را از بین می برد و دلها را به سوی آن کعبه موعود جلب می کند. و طومار جنایتها و خیانتها برای همیشه درهم پیچیده می شود.

امیر مؤمنان (ع) می فرماید:

۱۶۵۸ - «المذبوح بين الركن و المقام»

«از نشانه های ظهور، ذبح شدن او (نفس زکیه) در میان رکن و مقام است.» [۳]

۱۶۵۹ - «لايظهر الله الارض من الظالمين حتى يسفك الدم الحرام!»

«خداوند روی زمین را از لوث ستمگران پاکیزه نمی سازد جز هنگامی که خون حرام ریخته شود.» [۴]

۱۶۶۰ - «الا اخبركم بأخر ملك بني فلان؟ قيل: بلى. قال: قتل نفس حرام، فى يوم حرام، فى بلد حرام، عن قوم من قريش. و الذى فلق الحبه و برا النسمه، ما لهم من ملك بعده غير خمس عشره ليله!».

«آیا به شما از پایان حکومت بنی فلان (بنی امیه) سخن بگوییم؟ گفتند: آری، فرمود: ریختن خون حرام، در روز حرام، در شهر حرام، از تیره ای از قریش. سوگند به خداوندیکه دانه را شکافت و انسان را آفرید، بعد از آن بیش از ۱۵ روز حکومت نخواهند کرد.» [۵]

در حدیث مفصلی که کاملش را در بخش دوازدهم نقل کردیم می فرماید:

۱۶۶۱ - «حتى اذا جهزت اللوف، وصفت الصفوف، و قتل الكبش الخروف.. هناك يقوم الاخر، و يثور الثائر، و يهلك الكافر، و ينهض اليماني لمحاربه السفیانی. ثم يقوم القائم المامل، والامام المجهول له الشرف و الفضل. يظهر بين الركنين فى دريسين باليين، يظهر على الثقلين، ولايترك فى الارض دميين».

«هنگامی که صفها به هم فشرده شد و هزاران جنگجو به سوی جنگ اعزام شدند، قوچ بره را کشت، دیگری قیام کرد و انتقامش را گرفت و کافر به هلاکت رسید و یمانی برای نبرد با سفیانی قیام کرد، آنگاه امام قائم (عج) که همه ظهورش را انتظار می‌کشند ظهور می‌کند و آن امام غائبی که مقامی بس رفیع دارد قیام می‌نماید... در میان دو رکن مسجد الحرام با دو جامه ساده و مندرس، براساس قرآن و سنت، برای جهانیان ظاهر می‌شود و دو خون را در روی زمین فرو گذار نمی‌کند.» [۶]

شاید منظور از قوچ سفیانی و منظور از بره سید هاشمی باشد و منظور از قیام دیگری نهضتها و خیزشهایی است که در گوشه و کنار به وقوع خواهد پیوست و منظور از انتقام گیرنده، افرادی باشد که از وضع متشنج استفاده کرده به خونخواهی بر می‌خیزند و منظور از دو خون، یکی خون سرور شهیدان حضرت سید الشهداء (ع) و دیگری خون نفس زکیه باشد که در پیشقدم ظهور مظلومانه در مسجد الحرام به زمین ریخته می‌شود. و منظور از دو جامه ساده و مندرس، جامه زهد و تقوی باشد که در نبرد حق و باطل سلاحی برنده و سپری نگاهدارنده است.

[به نظر می‌رسد که منظور از دو خون یکی خون حضرت سید الشهداء (ع) و دیگری خون نخستین شهید آل محمد (ص) محسن حضرت زهرا (س) باشد که براساس روایات فراوانی که در تفسیرهای عیاشی و قمی و برهان نقل شده نخستین دادگاهی که در دولت حقه تشکیل می‌شود برای بررسی خون به ناحق ریخته شده محسن حضرت فاطمه سلام الله علیها است - مترجم -]

امام باقر (ع) می‌فرماید:

۱۶۶۲ - «و قتل غلام من آل محمد بین الرکن و المقام، اسمہ محمد بن الحسن، النفس الزکیه».

«جوانی از آل محمد (ص) در میان رکن و مقام کشته می‌شود که نامش محمد فرزند حسن نفس زکیه است.» [۷]

۱۶۶۳ - «لا يزال القوم فی فسخه من ملکهم، ما لم یصیبوا منا دماً حراماً فاذا اصابوا ذلک الدم، فبطن الارض خیر لهم من ظهر. فیومئذ لایکون لهم فی الارض ناصر، ولا فی السماء عاذراً! و اذا اصابوا منا الدم الحرام، سلط الله علیهم عبدا من عبیده اعور و لیس باعور، یکون استصالهم علی یده و ید اصحابه».

«این مردم تا خون حرامی از ما نریخته اند بر تخت قدرت تکیه می‌دهند، هنگامی که آن خون حرام را ریختند دیگر زیرزمین برای آنها بهتر از روی زمین است. آن روز در روی زمین یآوری ندارند و در آسمان عذری از آنها پذیرفته نیست. چون خون حرامی از ما بریزند خداوند بنده بی نام و نشان و نفوذ ناپذیری را بر آنها مسلط می‌کند که همه آنها به دست او ریشه کن می‌شوند.» [۸]

در اینجا منظور از «قوم» بنی امیه است و منظور از خون حرام خون نفس زکیه است و منظور از مرد نفوذ ناپذیر یکی از انقلابیون آن روز است که به نظر ما شعیب بن صالح کوسه گندمگون است که نکوهش نکهوش کننده ای او را از انجام وظیفه باز نمی‌دارد.

امام باقر (ع) با بیان نشانه هائی، شیعیان را از گم شدن در پیچ و خم های حوادث خانمان برانداز برحذر می دارد و می فرماید:

۱۶۶۴ - «ما اشکل علیکم، فلم یشکل علیکم عهد نبی اللّٰه (ص) و رایته و سلاحه، و النفس الزکیه من ولد الحسین».

«اگر هر چیزی بر شما مشتبه شود، پیمان پیامبر (ص)، پرچم پیامبر (ص)، شمشیر پیامبر (ص) و نفس زکیه از تبار سالار شهیدان بر شما پوشیده نخواهد بود.» [۹]

در اینجا نفس زکیه در ردیف شمشیر و پرچم پیامبر (ص) به عنوا نشانه روشنی بیان شده که هرگز با دیگر قتلها اشتباه نمی شود، زیرا او نامش محمد است، اسم پدرش حسن است خودش از تبار سالار شهیدان (ع) است و در میان رکن و مقام سربریده می شود، که اگر افراد دیگری هم در مسجد الحرام کشته شوند، نام و نشانش با او فرق دارد و یا در نقطه دیگری غیر از رکن و مقام خواهد داشت و یا به صورت دیگری غیر از ذبح کشته خواهد شد.

در حدیث دیگری اضافه شده که همزمان با ذبح نفس زکیه در مکه برادرش نیز در مدینه به شهادت خواهد رسید:

۱۶۶۵ - «و عند ذلک تقتل النفس الزکیه فی مکه، و اخوه فی المدینه ضیعه!»

«در آن هنگام نفس زکیه در مکه و برادرش در مدینه کشته می شوند.» [۱۰]

آری سفیانی با هر کسیکه به نام های محمد و علی و حسن و حسین و امثال آنها نامیده شود دشمنی دارد، به خصوص که از آل محمد (ص) و از یاوران مهدی آل محمد (عج) باشد.

۱۶۶۶ - «ثم یکتب السفیانی الی الذی دخل الکوفه بخيله، بعدما یعرکها عرک الادیم یامره بالمسیر الی الحجاز، فیسیر الی المدینه فیضع السیف فی قریش، فیتقل منهم و من الانصار اربعمئه رجل، و یتفرق البطون، و یتذبح الولدان، و یقتل اخوین من قریش: رجلا و اخته، یقال لهما: محمد و فاطمه، و یصلبهما علی باب المسجد بالمدینه. فعند ذلک یمهرب المهدی و المستنصر من المدینه الی مکه، فیتبعن بطلبهما و قد لحفا بحرم اللّٰه و امنه».

«آنگاه سفیانی به فرمانده سپاه کوفه می نویسد که به سوی حجاز حرکت کند. وی پس از آنکه خاک کوفه را از خون مردمانش رنگین ساخت به سوی مدینه حرکت می کند و قریش را از دم شمشیر می گذراند و چهار صد نفر از قریش و انصار را می کشد و شکمها را پاره می کند و کودکان را سر می برد و مردی را از قریش به نام محمد و خواهرش را به نام فاطمه می کشد و در بیرون مسجد مدینه آنها را به دار می آویزد. در آن هنگام مهدی (عج) و مستنصر از مدینه می گریزند و به سوی مکه عزیمت می کنند. فرمانده سپاه سفیانی

آنها را دنبال می کند ولی پیش از آنکه به آنها برسد آنها وارد حرم امن الهی می شوند.» [۱۱]

در اینجا منظور از «عرك اللادیم» اینست که بقدری خون می ریزد که خاک کوفه با آن آغشته می شود و در زیر پای سربازان سفیانی چون گل و خمیر درهم نوردیده می شود. و احتمالاً منظور از «مستنصر» نفس زکیه است که در آخرین سخنرانی خود مردم را به یاری آل محمد (ص) فرا می خواند و به همین سبب «مستنصر» نامیده می شود.

۱۶۶۷ - «و یبعث بعثاً الی المدینه فیقتل بها رجلاً، و یهرب المهدی و المستنصر و یوخذ آل محمد صغیرهم و کبیرهم لا یتربح احد منهم الا حبس. و یخرج الجیش فی طلب الرجلین بالرغم من انهما فی حرم اللّٰه و امنه، و انه من دخله کان امناً. و یفر اهل المدینه فی البراری خوفاً و ذعراً و طلباً للمهدی».

«سپاهی را به سوی مدینه می فرستد که در آنجا مردی را می کشند و آنگاه حضرت مهدی و متنصر به مکه می گریزند و همه آل محمد از خرد و کلان دستگیر و زندانی می شوند، آنگاه سپاه سفیانی به دنبال مهدی و مستنصر به راه می افتند و به جستجوی آنها می پردازند، در حالیکه آنها در حرم امن الهی هستند و هر کس وارد حرم شود باید در امان باشد. مردم مدینه از ترس و وحشت به صحرا و بیابان می گریزند و به جستجوی حضرت مهدی (ع) می پردازند.» [۱۲]

امام صادق (ع) می فرماید:

۱۶۶۸ - «ما بقی بیننا و بین العرب الا الذبح».

«در میان ما و عرب جز ذبح فاصله ای نمانده است.» [۱۳]

جالب است که امام صادق (ع) از آنانکه مرتکب ذبح می شوند «عرب» تعبیر می کند، زیرا که آنها در اسلام سهمی ندارند و فقط به انگیزه قومیت کارهائی را انجام می دهند. سپس با توضیح بیشتر می فرماید:

۱۶۶۹ - «و ذبح رجل هاشمی بین الرکن و المقام».

«مردی از بنی هاشم در میان رکن و مقام ذبح می شود.» [۱۴]

۱۶۷۰ - «لابد من قتل غلام بالمدینه ... فعند ذلک توقع الفرج ان شاء اللّٰه».

«بی گمان مردی در مدینه کشته می شود. پرسیدند: آیا سپاه سفیانی او را می کشد؟ فرمود: نه، بلکه سپاهیان فلانی (بنی عباس) او را می کشند. چون او را بدون هیچ تقصیری به قتل می رسانند خداوند دیگر به آنها مهلت نمی دهد. سپس فرمود: در آن هنگام منتظر فرج باشید انشاء اللّٰه.» [۱۵]

این مرد هاشمی که در میدنه بدون گناه کشته می شود پسر عموی نفس زکیه است که در مسجد الحرام کشته می شود. چنانکه پیشوای ششم در حدیث دیگری می فرماید:

۱۶۷۱ - «يقتل المظلوم بيثرب، و يقتل ابن عمه في الحرم بمكه».

«آن مرد مظلوم در مدینه کشته می شود و پسر عمویش در مکه و در حرم امن خدا کشته می شود.» [۱۶]

آن مرد مظلوم که «محمد» نام دارد به دست عراقیها کشته می شود و خواهرش فاطمه نیز کشته می گردد و جنازه هر دو در نزدیکی مسجد پیامبر (ص) به دار آویخته می شود.

۱۶۷۲ - «و قتل النفس الزکیه من المحتوم».

«قتل نفس زکیه از نشانه های قطعی است.» [۱۷]

۱۶۷۳ - «... اذا ظهر الشامی و تحرک الحسنی و خرج صاحب هذا الامر من المدینه الی مکه بتراث رسول الله (ص) حتی ینزل مکه ... فیطلع علی ذلک بعض موالیه فیاتی الحسنی فیخبره الخبر، فیتبدر الحسنی الی الخروج فیثب علیه اهل مکه فیقتلونه و یبعثون براسه الی الشام، فیظهر عند ذلک صاحب هذا الامر فیبايعه الناس».

«هنگامی که سفیانی خروج کند و سید حسنی قیام کند و حضرت صاحب الامر (ع) با ودایع رسول اکرم (ص) از مدینه به سوی مکه تشریف ببرد و در حرم الهی فرود آید، برخی از یارانش مطلع می شوند و به سوی سید حسنی می شتابند و او را آگاه می سازند و سید حسنی تصمیم می گیرد که قیام کند، آنگاه مردم مکه به او حمله می کنند و او را می کشند و سرش را به شام می فرستند. در آن هنگام صاحب این امر ظاهر می شود و مردم با او بیعت می کنند.» [۱۸]

در اینجا منظور از سید حسنی، سید هاشمی است که در پیشقدم ظهور کشته می شود و اما آن سید حسنی که با سپاهیان به محضر آن مهر تابان می رسند و بیعت می کنند و بعد از ظهور مقام والائی پیدا می کنند جز اینست. و پیشتر گفتیم که او از تبار سالار شهیدانست.

۱۶۷۴ - «لیس بین القائم و قتل النفس الزکیه سوی خمس عشره ليله!».

«بین قائم (عج) و قتل نفس زکیه جز پانزده روز فاصله نیست.» [۱۹]

جای تردید نیست که نفس زکیه، نامش محمد و نام پدرش حسن است و خود از تبار سالار شهیدان است و رسول اکرم (ص) او را «نفس زکیه» نام نهاده است و به عنوان یکی از بهترین دلایل و نشانه های نبوت است، زیرا رسول اکرم (ص) او را با نام و لقب و نام پدر و محل ذبح خبر داده است، پیش از آنکه خودش و پدرش به دنیا بیاید، تقریباً ۵۰ نسل پیش از ولادتش از همه خصوصیاتش خبر داده است.

۱۶۷۵ - «فاذا كان اليوم الخامس و العشرون من ذی الحجه، یقتل النفس الزکیه بین الرکن و المقام ظلما».

وفى اليوم العاشر من المحرم يخرج الحجه (ع)».

«چون روز بیست و پنجم ذیحجه فرا رسد نفس زکیه در میان رکن مقام به ستم کشته می شود و در روز دهم محرم حضرت حجت (عج) قیام می کند.» [۲۰]

بعد از چنین جنایت بزرگ که خون حرامی در مسجد الحرام و در ماه حرام و در شهر حرام ریخته شود، غضب خدا بر قاتلینش تعلق می یابد و به فاصله ۱۵ روز منتقم الهی را برای گرفتن خون مظلومان در راستای تاریخ، بر می انگیزد.

حضرت بقیه الله (عج) می فرماید:

حضرت ولی عصر (عج) در توقیعی که به افتخار شیخ مفید صادر فرموده است، در این زمینه چنین می فرماید:

۱۶۷۶ - «و آیه حرکتنا من هذه اللوئه حادثه بالحرم المعظم من رجس منافق مذهبهم، مستحل للدم المحرم! یعمد بکیده اهل الایمان، ولا یبلغ غرضه من الظلم لهم والعدوان، لاننا من وراء حفظهم بالدعاء الذى لایحجب عن ملك السماء، فلیطمئن بذلک من اولیائنا القلوب، ولیثقلوا بالكفایه منه و ان راعتهم بهم الخطوب، و العاقبه لجمیل صنع الله تكون حمیده ما اجتنبوا المنهى عنه من الذنوب».

«در این فتنه و آشوب، نشانه ای از جنبش و حرکت ما وجود دارد و آن عبارت از رویدادی است که در حرم امن الهی به دست منافقی پلید و تبهکار روی می دهد، خون حرام را می ریزد و بر مؤمنان حيله می ورزد ولی به هدف اصلی خود نمی رسد، زیرا پشت آنها با دعای ما گرم است که هرگز از درگاه خدای آسمان بر نمی گردد، دلهای دوستان ما با آن گرم و مطمئن باشد، اگر چه حوادث جانگدازی روی خواهد داد ولی فرجام کار با لطف خدای منان به نیکی پایان خواهد یافت، تا هنگامی که مؤمنان از گناهان پرهیز نمایند.» [۲۱]

ما نیز در انتظار فرا رسیدن پنج نشانه مشخص و حتمی ثانیه شماری می کنیم که یکی از آنها قتل فجیع آن سید بزرگوار است. چون نشانه های حتمی فرا رسد دیگر برای احدی جای شک و تردید باقی نمی ماند.

۱۶۷۷ - «فلا بد من قتل غلام من آل محمد (ص) بین الرکن و المقام!!!».

«به ناگزیر باید جوانی از آل محمد (ص) در میان رکن و مقام کشته شود.» [۲۲]

سفیانی

رسول اکرم (ص) می فرماید:

۱۶۷۸ - «سیکون بعدی خلفاء، و من بعد الخلفاء امراء، و من بعد الامراء ملوک جبابره، ثم یخرج رجل من اهل

«بعد از من خلیفه هائی خواهد بود، بعد از آنها امیرانی خواهد بود و بعد از آنها پادشاهان ستم پیشه ای خواهند آمد و آنگاه مردی از اهل بیت من خروج خواهد کرد.» [۱]

این حدیث همچون دیگر احادیث وارده از خاندان رسالت، یکی از نشانه های نبوت و شاهد صدق گفتار آن حضرت است، که خدا تبارک و تعالی از خزانه علوم خود پیامبرش را آگاه ساخته بود که علیرغم تعیین امامان معصوم از طرف خدای تبارک و تعالی، جانشین او خانه نشین خواهد شد و بیگانگان بر تخت خلافت تکیه خواهند کرد و خود را خلیفه پیامبر خواهند نامید و گاهی فراتر نهاده به دنبال غصب حقوق اهل بیت، لقب خاصی امیرمؤمنان (ع) را نیز غصب کرده، خود را «امیر مؤمنین» خواهند نامید و بعد از امویان و عباسیان، پادشاهان خون آشام دیگری چون عثمانی ها خواهند آمد که رسماً سلطنت نموده، و از به کار بردن لفظ سلطان نیز دریغ نخواهند نمود! همه اینها واقع شد و انشاء الله در آینده ای بسیار نزدیک شاهد خروج حضرت بقیه الله روحی فداه نیز خواهیم بود.

در اینجا رسول گرامی (ص) فرازهای قبلی را با «واو» عطف کرده و فراز آخری را با «ثم» که آنها بدون فاصله واقع خواهد شد و خروج مصلی غیبی پس از گذشت زمان و طول انتظار و وقوع دیگر نشانه های تعیین شده از سوی خاندان عصمت و طهارت. امیرمؤمنان (ع) در این رابطه می فرماید:

۱۶۷۹ - «يقع خروجه بعد تدابر و اختلاف بين امراء العرب و العجم لايتتهى، الى ان يصير الامر الى رجل من ولد ابي سفیان»

«خروج آن حضرت به دنبال درگیری شدید در میان عرب و عجم خواهد بود که این اختلاف ها پایان نمی یابد جز اینکه مردی از اولاد ابی سفیان قدرت را در دست بگیرد.» [۲]

۱۶۸۰ - «ثم يقع التدابر و الاختلاف بين امراء العرب و العجم، فلا يزالون يختلفون الى ان يصير الامر الى رجل من ولد ابي سفیان»

«در میان زمامداران عرب و عجم اختلاف و درگیری شدیدی پدید می آید تا مردی از تبار ابی سفیان بر سریر حکومت تکیه کند.» [۳]

شاید همین جنگ ایران و عراق که در واقع جنگ عجم و عرب است، زیرا بیشتر ممالک عربی از رژیم عراق حمایت می کنند، به پایان نرسد جز اینکه سفیانی خروج کرده، قدرت را در دست بگیرد و منجی جهان ظهور فرموده جهان بشریت را رهائی بخشد. انشاء الله.

رسول اکرم (ص) از ابعاد مختلف خروج سفیانی پرده بر می دارد و می فرماید:

۱۶۸۱ - «يخرج رجل يقال له: السفیانی فی عمق دمشق، و عامه من يتبعه من كلب. فيقتل حتى يبقر بطون النساء، و يقتل الصبيان. فيجتمع لهم قيس فيقتلها حتى لايمنع ذنب تلعه، و يخرج رجل من اهل بيتي في

الحرام، فیبلغ ذلك السفیانی فیبعث الیهم جنداً من جنده. فیسیر حتی اذا جاء ببیداء من الارض خسف بهم، فلا ینجو منهم الا المخبر».

«مردی از دل دمشق خروج می کند که به او سفیانی می گویند و همه پیروانش از تژاد کلب هستند. به قدری خون می ریزد که نوبت به شکافتن شکم زنان و سربریدن کودکان می رسد. تیره قیس (مصری ها و مراکشی ها) در برابرش قیام می کنند و همه آنها را طعمه شمشیر می سازد و کسی نمی تواند از خودش دفاع کند. آنگاه مردی از تبار من در حرم خروج می کند. این خبر به سفیانی می رسد. سفیانی سپاهی برای رودروئی با او می فرستد، چون سپاهیان به سرزمین بیداء می رسند، زمین آنها را در کام خود فرو می برد که جز گزارشگری از آنها زنده نمی ماند.» [۴]

تعبیر «لایمنع ذنب تلعه» ضرب المثلی عربی است و به کسی گفته می شود که قدرت دفاع از خویشتن را نداشته باشد. [۵]

۱۶۸۲ - «اذا حاد امیر الشام عن الحق، فکانی بقیس لا یمنع ذنب تلعه. فعند ذلك فرج الامه».

«چون امیر شام از جاده حق منحرف شده، تیره قیس را با چشم خود می بینم که یاری دفاع از خویشتن را ندارند، در آن هنگام فرج امت فرا می رسد.» [۶]

۱۶۸۳ - «اذا حاد السفیانی عن الحق، و مال عن جاده الدین، تقوم له قیس من مصر فیتتصر علی جیشها الذی ترسله لقتاله».

«چون سفیانی از حق منحرف شود و از شاهراه دین خارج شود، تژاد قیس از مصر قیام می کنند و با سپاه سفیانی مقابله می نمایند.» [۷]

این حدیث صریح است که منظور از قیس تیره ای از مصریان است.

۱۶۸۴ - «... فییناهم کذلک اذا یخرج علیهم السفیانی من الوادی الیابس، فی فور ذلک، حتی ینزل دمشق».

«در آن هنگام سفیانی بی درنگ از بیابان خشک و سوزان خروج کرده وارد دمشق می شود.» [۸]

منظور از سرزمین خشک و سوزان، منطقه خشک و بی آب و علف است که در شرق فلسطین و غرب اردن و جنوب غربی دمشق قرار دارد که منطقه سنگلاخی است که از سنگ های آنجا سنگ آسیاب می سازند و خانواده سفیانی در آن منطقه زندگی می کنند و نام او «عثمان بن عنبسه» از تیره «کلب» و از تبار «ابوسفیان» است.

۱۶۸۵ - «یخرج السفیانی فی ستین و ثلاثمئه راکب حتی یاتی دمشق. فلا یاتی علیهم شهر رمضان حتی یبایعه من کلب ثلاثون الفا. فیبعث جیشا الی العراق فیقتل بالزوراء منه الف، و ینجرون الی الکوفه

«سفیانی با ۳۶۰ اسب سوار حرکت کرده وارد دمشق می شود و ماه رمضان فرا نمی رسد جز اینکه سی هزار نفر از قبیله کلب با او بیعت می کنند. آنگاه سپاه مجهزی را به عراق می فرستد و صد هزار نفر را در بغداد طعمه شمشیر می سازند. سپس دامنه جنگ به سوی کوفه کشیده می شود و شهر کوفه به دست آنها تاراج می شود.» [۹]

حرکت های ایذائی و یورشهای ناجوانمردانه او به دمشق و حمص و حلب و رقه [۱۰] پس از درگیریهای قیس و ابقع و اصبه و یمانی، آغاز می شود و سپس از طریق شمال سوریه وارد نصیبین [۱۱] می شود و از طریق موصل وارد عراق می گردد و فجایع ننگینی را در بغداد و کوفه مرتکب می شود.

قبیله «کلب» که در این بخش مکرر از آن گفتگو شد، ظاهراً از ساکنان اردن می باشند که در عهد اموی این قبیله در اردن سکونت داشتند.

در وصف سفیانی احادیث فراوانی آمده است که به چند نمونه بسنده می کنیم:

۱۶۸۶ – «اشد خلق الله شرا، و اکثر خلق الله ظلما، شرس، قاسی القلب! یجمع له و لجیشه من کافه الاقطار الاسلامیه فیهم مهم و یقتلهم، و ینادی بشعار له فی حروبه هو: یا رب، ثاری ثم النار!!! یا رب، النار ولا العار!!!»

«شورترین مردم، ستمگرترین آنان، که بسیار زشت خوی و سنگدلست، سفیانی است که از همه اقطار و اکناف جهان اسلام، برای مقابله با او و سپاهیان خون آشامش گرد می آیند و او همه اش را از دم شمشیر می گذراند. در جنگ های او شعاری که همه جا طنین انداز است این شعار است: «خدایا خدایا، اول انتقام وانگهی آتش دوزخ». و در برخی منابع چنین آمده است: «خدایا خدایا، آتش را می پذیریم و سازش نمی پذیریم.» [۱۲]

امام صادق (ع) در این مورد می فرماید:

۱۶۸۷ – «لورایت السفیانی رایث اخبث الناس، اشقر احمر ارزق، یقول: ثاری ثم النار! و لقد بلغ من خبثه انه یدفن ام ولد له حیه مخافه ان تدل علیه.»

«اگر سفیانی را ببینی او را پلیدترین مردمان می یابی، که چهره ای گلگون، چشمانی کیود و موهائی زرد دارد و بانگ می زند خدایا! اول انتقام و وانگهی آتش. او به قدری خبیث است که همسر و مادر بچه هایش را زنده به گور می کند تا مخفیگاه او را به کسی نگوید!». [۱۳]

رسول اکرم (ص) می فرماید:

۱۶۸۸ - «لايزال الناس في مده حتى يقرع الراس. فاذا فرا الراس هلك الناس!».»

«مردم در وسعت و مهلت هستند تا روزیکه مرکز مورد تهاجم قرار نگرفته است، چون مرکز زده شد نابود می شوند.» [۱۴]

منظور از مرکز «دمشق» است که توسط رژیم اشغالگر قدس یا هر نیروی ستمگر دیگری مورد تهاجم قرار می گیرد و شعله های آن منطقه را به خاک و خون می کشد.

۱۶۸۹ - «... و يبعث اليه بعث من اهل الشام فيخسف بهم بالبيداء بين مکه و المدينه.»

«سپاهی از شام برای مقابله با آنحضرت فرستاده می شود که در سرزمین «بيدا» در میان مکه و مدینه در کام زمین فرو می رود.» [۱۵]

۱۶۹۰ - «يكون قبله بايام وقعه بالمدينه، تغرق فيها احجار الزيت بالجمر، ما الحره عندها الا كضر به سوطا. فيتتحى الجيش عن المدينه قدر برديدن، ثم يبايع للمهدى.»

«پیش از آن حادثه ای در مدینه روی می دهد که احجار زيت با خون کشتگان رنگین می شود و در زیر اجساد پنهان می گردد، که فاجعه حره در مقابل آن یک ضربت به شمار می آید. آنگاه سپاه سفیانی به مقدار دو منزل از مدینه دور شوند برای حضرت مهدی بیعت می شود.» [۱۶]

«احجار الزيت» نام منطقه ای در مدینه منوره است و «حره» فاجعه جانگذاری است که یزید بن معاویه یکسال بعد از واقعه عاشورا در مدینه منوره انجام داد و جان و مال و ناموس مردم را سه روز برای لشکریان مباح اعلام کرد، که هرگز فاجعه ای جانگدازتر و فجیعتر از آن تاریخ بشری به یاد ندارد. رسول گرامی اسلام (ص) فاجعه سفیانی را با آن مقایسه می کند و می فرماید: «فاجعه حره (*) در برابر جنایاتی که سفیانی مرتکب خواهد شد همانند ضربتی با تازیانه است»!!

(*) در این فاجعه مسلم بن عقبه فرستاده یزید، مدینه را از طرف حره محاصره کرد و لذا به آن «یوم الحره» گفتند. «مترجم»

امام باقر (ع) در این مورد می فرماید:

۱۶۹۱ - «.. اما من يهرب من آل محمد، فيلحق بهم الجيش، و يدرکهم و يدبهم عند احجار الزيت!»

«کسیکه از آل محمد (ص) فرار کند، سپاه سفیانی او را دستگیر کرده در احجار الزيت ذبح می کنند.» [۱۷]

جالب اینست که رسول گرامی اسلامی هنگامی این مقایسه را انجام داده است که هنوز حادثه حره انجام

نیافته بود و بیش از ۵۰ سال بعد از رحلت آن حضرت این واقعه تحقق یافت. و جالبتر اینکه به همین نام هم شهرت پیدا کرد. آنچه از میان دو لب شریف آنحضرت بیرون آمده وحی صادق است و هرگز شطر کلمه ای از آن باطل نخواهد شد.

۱۶۹۲ - «.. یحل الجیش الثانی بالمدينه، فینتهبونها ثلاثه ایام بلیالیها!..».

«دومین سپاه سفیانی وارد مدینه می شوند و سه شبانه روز تمام در آنجا قتل و غارت می کنند.» [۱۸]

۱۶۹۳ - «مع بنی ذنب الحمار مضر، و مع السفیانی احوالّہ من کلب فیظهر السفیانی و من معه علی بنی ذنب الحمار حتی یقتلوا قتلاً لم یقتله شیء قط، و یحضر رجل بدمشق فیقتل هو و من معه قتلاً، و هو من بنی ذنب الحمار، و هی الایه التي یقول اله تبارک و تعالی فیها: فاختلف الاحزاب من بینهم، فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم.. و یظهر السفیانی و من معه، فلا یكون له همه الا آل محمد وشیعتهم. فیبعث بعثا الی الکوفه، فیصاب اناس من شیعه آل محمد بالکوفه قتلاً و صلباً.»

«قبیله مضر با «بنی ذنب الحمار» خروج من کنند و قبیله کلب با سفیانی قیام می کنند و همه «بنی ذنب الحمار» را به طور بی سابقه ای از پای در می آورند. هر کس وارد دمشق شود با همه کسانش کشته می شود و اینست معنای آیه شریفه که می فرماید: (احزاب در میان خود دچار اختلاف شدند، وای بر آنها از حضور در روز بزرگ) [۱۹]. سفیانی و سپاهیانش پیروز می شوند و تمام همشان آنست که آل محمد (ص) و شیعیان آل محمد (ص) را نابود کنند، پس سپاهی به کوفه می فرستد، گروهی از شیعیان طعمه شمشیر می شوند و یا برفراز چوبه دار قرار می گیرند.» [۲۰]

۱۶۹۴ - «الملحمه الکبری، و فتح القسطنطینیة، و خروج الدجال فی سبعة اشهر.».

«جنگی جانکاه، فتح قسطنطنیه (استانبول) و خروج دجال در هفت ماه انجام می پذیرد.» [۲۱]

جنگ جانکاه هم جنگ موعود قرقیسیا است که در شمال سوریه در پیشقدم ظهور حضرت ولی عصر (عج) روی می دهد. و فتح قسطنطنیه به دست حضرت بقیه الله (عج) به فرمان آن حضرت انجام می شود در مورد دجال نیز در بخش بعدی سخن خواهیم گفت.

۱۶۹۵ - «هم یومئذ علی رده یزعمون ان الخمر حلال.».

«مردمان آنزمان در حال ارتداد هستند و شراب را حلال می پندارند.» [۲۲]

امیرمؤمنان (ع) می فرماید:

۱۶۹۶ - «هو من ولد ابی سفیان، حتی یاتی ارض قرار و معین فیستوی علی منبرها.»

«او از فرزندان ابوسفیان است، به سرزمین آرامش و آسایش وارد می شود و بر منبر آن تکیه می زند.»

[۲۳]

منظور اینست که حکومت دمشق را به دست می آورد.

۱۶۹۷ - «و یخرج یوم الجمعة، فیصعد منبر دمشق، و هو اول منبر یصعده. ثم یخطب و یامرهم بالجهاد، و یبایعهم علی انهم لا یخالفون امره رضوه ام کرهوه»

«روز جمعه خروج می کند و بر فراز منبر دمشق قرار می گیرد و آن نخستین منبری است که او صعود می کند. آنگاه خطبه می خواند و مردم را به جهان فرمان می دهد و از آنها بیعت می گیرد که هرگز با او مخالفت نکنند بر طبق خواسته شان باشد و یا برخلاف آن.» [۲۴]

۱۶۹۸ - «ثم یدرکها ابن حرب فی ذلک العام، حتی یثب بالشام».

«پسر حرب در آن سال او را درک می کند تا از شام خروج کند.» [۲۵]

امیرمؤمنان (ع) در نامه ای که چند روز پیش از جنگ صفین به معاویه نوشته است، در این مورد چنین می نویسد:

۱۶۹۹ - «... و ان رجلاً، من ولدک، مشوم ملعون، جلف جاف، منکوس القلب، فظ غلیظ، قد نزع اللّٰه من قلبه الرحمه و الرافه، اخواله من کلب. کانی انظر الیه، و لوشت لسمیته و وصفته و ابن کم هو! فیبعث حیثا الی المدینه فیدخلونها فیسرفون فیها فی القتل و الفواحش. و یهرب منهم رجل من ولدی، زکی نقی، الذی یملأ الارض قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً، و انی لاعرف اسمہ و ابن کم هو یومئذٍ و علامته، و هو من ولد ابنی الحسین.. و یقتل صاحب ذلک الجیش رجلاً من ولدی زکیاً بریباً عند احجار الزیت.»

«گوئی مردی را از نسل تو با چشم خود می بینم که مردی شوم، ملعون، پلید، خشن و درشتخوی است، که خداوند رحم و مروت را از دلش سلی کرده است. مادرش از خاندان کلب است. اگر بخواهی نام و نشان و سن و سالش را بیان می کنم، سپاهی را به سوی مدینه می فرستد که در آن قتل و غارت و فحشای فراوان مرتکب شوند و مردی پاک و پاکیزه از تبار من از میان آنها می گریزد و زمین را پر از عدل و داد می نماید، آنچنانکه پر از ظلم و ستم شده است. او را نیز با نام و نشان و سن و سال می شناسم، که او از نسل پسر من حسین (ع) است. صاحب این سپاه (سفیانی) مرد پاک و پاکیزه و بی گناهی را از اولاد من در احجار الزیت به قتل می رساند.»

قبلاً گفتیم که او محمد نام دارد و همراه خواهرش فاطمه در مدینه منوره به قتل می رسند و به دار آویخته می شوند.

اگر به خاندان اهل بیت عصمت و طهارت همانند افراد عالی نگاه کنیم و از رابطه نزدیک آنها با مبدء وحی غفلت کنیم، هزاران سؤال برای ما مطرح می شود، ولی آنها هرگز از افراد عادی و یا از افراد نابغه و امثال آنها نیستند تمام مخلوقات روی زمین هر چه تلاش کنند هرگز به پای آنها نمی رسند، آنها رشته جدا بافته

ای هستند که گوئی با همه توده های دیگر در دو خط موازی هستند که اگر تا بی نهایت هم پیش بروند هرگز به هم نمی رسند. ولی اگر توجه کنیم که آنها از خاندان نبوت و رسالت هستند و امامت و وصایت در خاندان آنهاست، همه پرسشها حل می شود و می فهمیم که آنچه می گویند از سرچشمه وحی می گویند و دلای آنها ظرفهای مشیت پروردگار است. برای اثبات این حقیقت کافیت که به نکات زیر توجه فرمائید:

۱- در نویدهایی که در مورد قرنهای بعد بیان کرده اند تعبیر می کنند که گوئی با چشم خود می بینم.

۲- همه حروف و علایم تاکید را در سخنان خود به کار می برند.

۳- در موارد بسیاری با سوگند و قسم مطالب را بیان می کنند.

۴- در موارد بیشماری مطلب را بسیار مشخص بیان می کنند و از آوردن نام و نشان و تفصیلات خودداری نمی کنند و بعداً هم دقیقاً همانگونه که بیان کرده اند واقع می شود.

۵- حوادث بسیاری دقیق آسمانی مربوط به آینده را چون حوادث زمینی مربوط به گذشته با تمام خصوصیات و آمار و ارقام بیان می کنند.

۶- به آنچه خبر می دهند یقین قطعی دارند که انجام واقع خواهد شد و هرگز تردیدی به خود راه نمی دهند.

و دهها خصوصیات دیگری که نگارنده بر آنها توجه ندارد، همه و همه اثبات می کند که آنها آنچه گفته اند از مبداء وحی سرچشمه گرفته است، رسول گرامی اسلام (ص) از جبرئیل امین نقل کرده است و دیگر اوصیاء معصوم نیز از آنحضرت نقل کرده اند، هر چه فرموده اند دقیقاً از منطبق وحی اخذ شده است و هرگز تردیدی در آن نیست.

آنچه از دست محرفان و مدلسان و بازرگانان حدیث و دین فروشان اموی سالم مانده برای اثبات این مدعا کافیت است، کجا رسد که اگر همه آنچه از مکتب وحی صادر شده بود به ما می رسید و دست تحریف و جعل به آنها آمیخته نمی شد. در آن صورت حقایق همچون خورشید تابان در وسط آسمان روشن بود و برای احدی جای تردید باقی نمی ماند، دیگر متاع کافران و منافقان بی فروغ و بی مشتری بود. و هرگز دو نفر در آن اختلاف نمی کرد و امت اسلامی با وحدت کلمه به سوی کلمه توحید می رفت و دیگر از این انگیزه های غیر اسلامی، از قومیت و پان عربیسم و مذاهب باطله و فقهای رأی و قیاس خبری نبود. و اینک به خطبه ای دیگر از بزرگ معلم بشریت، استاد بلامنازع کرسی فصاحت و بلاغت، حضرت امیرمؤمنان (ع) می پردازیم:

۱۷۰۰ - «... و خروج السفیانی برایه حمراء، امیرها رجل من بنی کلبف و اثنا عشر الف عنان من خیل السفیانی تتوجه الی المدینه، امیرها رجل من بنی امیه یقال له حزیمه: اطمس العین الشمال، علی عینه ظفره غلیظه، ینمثل بالرجال لاترد له رایه حتی ینزل بالمدینه فی دار یقال لها: دار ابی الحسن الاموی. ویبعث خیلا فی طلب رجل من آل محمد قد اجتمع الیه ناس من الشیعه. ثم یعود الی مکه فی حبش امیره

من غطفان، اذا توسط القاع الابيض خسف به فلا ينجو الا رجلان يحول الله وجهيهما الى قفاهما ليكونا ايه لمن خلفهما!».

«سفیانی با چرمی سرخ خروج می کند، فرمانده سپاهش مردی از قبیله کلب است و دوازده هزار جنگجوی سواره از سپاه سفیانی به سوی مدینه اعزام می شوند، که فرماندهی آنها را مردی از بنی امیه به نام حزیمه به عهده می گیرد، که چشم چپش نابیناست و سفیدی ضخیمی روی مردمک را پوشانیده است. مردان را مثله می کند و پرچمش بر نمی گردد تا وارد مدینه شود و در خانه «ابی الحسن اموی» نزول کند. آنگاه گروهی از سپاهیان به جستجوی مردی از اهلیت می فرستد که عده از شیعیان در اطراف او گرد آمده اند. آنگاه مدینه را به قصد مکه ترک می کند، چون به وسط بیابان سپید برسد، در کام زمین فرو می روند، فقط دو نفر گزارشگر برای عبرت دیگران باقی می ماندند که خداوند صورت های آنها را به پشت گردنشان بر می گرداند، تا نشانه ای از آن حادثه شگفت باشند.»

(مؤلف بزرگوار این خطبه را از نهج البلاغه نقل کرده است [۲۶] ولی این خطبه در نهج البلاغه وجود ندارد، فقط خطبه های مشابهی در نهج البلاغه هست که در ضمن آنها امیرمؤمنان از خروج سفیانی و یورش ناجوانمردانه آنها به مدینه منوره و خسف آنها در سرزمین بیداء سخن گفته است. [۲۷] «مترجم»)

۱۷۰۱ - «والله لا يزالون، حتى لا يدعوا محرماً الا استحلوه، ولا عقد الا احلوه، و حتى لا يبقی بیت مدر ولا وبر الا دخله ظلمهم و نبا به سوء رعيهم!». و حتى يقوم باكيان: باک يبيكي لدينه، و باک يبيكي لدنياه!!!».

«به خدا سوگند سپاه سفیانی به جنایات خود ادامه می دهند تا هیچ حرامی نماند جز اینکه حلالش بشمارند، هیچ پیمانی نماند جز اینکه نقض کنند، هیچ خانه ای از خشت خام تا سنگ خام باقی نباشد جز اینکه دامنه ظلم و ستمشان در آن وارد شود و مردم در اثر سوء تدبیر و کشورداری آنان دستخوش اضطراب و ناامنی شوند. همه مردم اشک حسرت بریزندف یک دسته برای تباه شدن دینشان و دسته ای دیگر برای تباه شدن دنیایشان.» [۲۸]

این حدیث نیز روشنگر آنست که سپاه خون آشام سفیانی به حریم همه قوانین مذهبی و احکام دینی تجاوز می کنند و همه طبقات را گریبان می سازند، گروهی برای دین و گروهی دیگر برای وضع ناهنجار زندگی گریه می کنند.

۱۷۰۲ - «... حتى تقوم الحرب على ساق، باديا نواجذها مملوءة اخلافا، حلوا رضاعها، علقما عاقبتها! الا و في غد، و سيأتي غد بما لا تعلمون! ياخذ الوالى من غيرها عمالها على مساوى اعمالها.. كاني به قد نعق بالشام و فحص برأياته في ضواحي كوفان، فعطف اليها عطف الضروس و فرش بالروؤوس. قد نغرت فاغرتة و ثقلت في الارض و طاته. بعيد الجوله، عظيم الصوله! و الله ليشردنكم في اطراف الارض حتى لا يبقی منكم الا القليل، كالكل في العين!».

«تا هنگامی که جنگ آغاز شود و چون شیر خشمگین دندان تیز کند، ناگهان شما را فرا گیرد، همانند شتریکه با پستانهای پر شیر روی آورد که دوشیدن آن شیرین و فرجام آن بسیار تلخ و ناگوار است. هان بدانید که فردا - فردائی که با چیزیکه نمی دانید به زودی فرا می رسد فرمانروای آنها عده ای را از غیر خودشان برای شکنجه و کارهای زشت اجیر کنند ... گوئی او را با چشم خود می بینم که چون حیوانی در

شام نعره می کشد و پرچمهایش را در اطراف کوفه به اهتزاز در می آورد. پس مانند شتر خشمگین که دوشنده خود را به دندان گزد به آن روی می آورد و زمین را با سرهای کشتگان می پوشاند. دهانش باز، گامهایش سنگین، جولانش وسیع و صولتش عظیم است. به خدا سوگند که شما در اطراف جهان پراکنده سازد و از شما جز تعدادی اندک همانند سرمه ای در چشم باقی نباشد.» [۲۹]

سپس در مورد جنایت های فجیع و خونریزیهای بی باکانه ای که مرتکب می شود و همه مردم را دغدار و گریان می سازد، می فرماید:

۱۷۰۳ - «سلونی قبل ان تبقر برجلها فتنه شرقیه تطا فی خطامها بعد موتها و حیاتها، و تشب نار بالحطب الجزل من غربی الارض، ملعون ناعقها و مولاها و قائدها و سائقها و المتحرز فیها! فکم عندها من رافعه ذیلها تدعویا ویلها! لا ماوی لها یکنها ولا احد یرحمها».

«از من بپرسید پیش از آنکه فتنه ای از مشرق زمین برخیزد که با پای خود زمین را بشکافد و با منقار خود همه جا را سوراخ کند، و نشانه های آن پس از مرگش نیز از بین نرود. هیزم فراوانی از مغرب زمین گرد آید و شعله های آن همه جا را به خاکستر نشانند. فریاد گر، صاحب، رهبر، ساربان و یاورانش همه از رحمت خدا دورند. چقدر دامن های پاک مورد تجاوز واقع می شود و چقدر بانگ و اوویلا زنند کسی به آنها پناه ندهد و به آنها رحم نیاورد.» [۳۰]

۱۷۰۴ - «ایها الناس: سلونی ان تفقدونی - فلانا اعلم بطرق السماء منی بطرق الارض - قبل ان تشغر برجلها فتنه تطا فی خطامها و تذهب باحلام قومها».

«هان ای مردم! از من بپرسید پیش از آنکه از میان شما بروم، که من به راههای آسمانها از راههای زمین آشناترم. از من بپرسید پیش از آنکه فتنه دندان تیز کند و خواب را از چشم مردم برباید.» [۳۱]

۱۷۰۵ - «الایا ویل لکوفانکم هذه و ما یحل فیها من السفیانی! یملک حریمکم، و یذلیح اطفالکم، و یهتک نساءکم! فکانی بهم قد قتلوا اقواما تخاف الناس اصواتهم و نخاف شرهم! ثم یاتی الزوراء الظالم اهلها، فحول الله بیتهما و بین اهلها، فما اکثر طغیانها و اغلب سلطانها! الا یا ویل بغداد من الری من موت و قتل و خوف یشمل اهل العراق اذا حل بینهم السیف!».

«بدا به حال این کوفه شما، از دست سفیانی، که چه جنایاتی در آن انجام می دهد، به حریم شما تجاوز می کند، کودکان شما را سر می برد و ناموس های شما را هتک می کند. گوئی آنها را با چشم خود می بینم که مردان برجسته ای را کشته اند که مردم از صدای آنها می ترسیدند و از صولت آنها در وحشت بودند. آنگاه متوجه بغداد می شود که مردمانش بسیار ستمگرند. پس خداوند در میان او و اهل بغداد حائل می شود، آه، چقدر جنایتگر و طغیان پیشه است. بدا به حال بغداد از ری (تهران) چقدر مرگ و میر و کشت و کشتار و وحشت و اضطراب فراوان می شود و همه مردم عراق را ترس فراگیرد هنگامی که شمشیر در میان آنها حکمفرما شود.» [۳۲]

۱۷۰۶ - «فیجیش جیشا الی المدینه، و یبعث جیشا الی المغرب. فیقتل بالزوراء سبعین الفا، و یبقر ثلاثئه امراه حامل! و یخرج الجیش الی کوفانکم هذه، فکم من باک و باکیه، فیقتل به خلق کثیر.. و اما جیش

المدينه فانه اذا توسط البيداء صاح به جبرائيل صيحه عظيمه فلا يبقى منهم احد و خسف الله به الارض، و يكون آخر الجيش رجلا ن احد هما بشير و الآخر نذير. فيصيح بهما جبرائيل فيحول الله و جيهيها الى القفا. و يرجع نذير الى السفينى و يخبره بما اصاب الجيش».

«سپاهی را به سوی مدینه می فرستد و سپاه دیگری نیز به سوی مغرب (مراکش) می فرستد در بغداد هفتاد هزار نفر می کشد و شکم ۳۰۰ زن حامله را می شکافد و سپاهی را به سوی کوفه می فرستد و همه زن و مرد را گریان می سازد و تعداد زیادی را می کشد... سپاهی که عازم مدینه می شود چون به وسط سرزمین بیداء می رسد جناب جبرئیل بانگ عظیمی بر آن می زند و احدی از آنها زنده نمی ماند و همگی در کام زمین فرو می روند. فقط دو نفر بشیر و نذیر که از لشکر عقب مانده اند زنده می مانند که جبرئیل بر آنها بانگ می زند، خداوند صورت های آنها را به طرف عقب بر می گرداند، آنگاه نذیر به سوی سفینانی بر می گردد تا او را از سرنوشت لشکریانش آگاه سازد.» [۳۳]

۱۷۰۷ - «ثم الفتنه الغبراء والقلاده الحمراء في عقبيها قائم الحق يسفر عن وجه بين اجنحه الاقاليم كالقمر المضى بين الكواكب الدريه! ثم يظهر القمر الازهر، و تتم كلمه الاخلاص لله على التوحيد!».

«آنگاه فتنه ای تیره و تار با پرچمی سرخ (پرچم سفینانی) بر می خیزد، و به دنبال آن مهدی قائم (عج) ظهور می کند و اقطار و اکناف جهان را روشن سازد، آنچنانکه ماه چهارده شبه در میان ستارگان می درخشد، آنگاه آن ماه تابان بر سراسر گیتی غلبه می کند و کلمه توحید را در سراسر جهان کامل و حاکم سازد.» [۳۴]

پس از برافراشته شدن پرچم سرخ و خونبار سفینانی، نور قائم (عج) زمین و آسمان را روشن می سازد و چهره تابناکش بر همه مردم جهان نمایان می شود و همگان به وسیله تلویزیون، یا وسیله ای برتر و یا به اعجاز آنحضرت سیمای درخشان حجت خدا را در شرق و غرب جهان مشاهده می نمایند، پس از آنکه بیش از هزار سال آن خورشید تابناک در پشت ابرهای غیبت نهان بوده است.

کلمات درر بار امیرمؤمنان (ع) شباهتی به سخنان شاعران و کاهنان ندارد بلکه همه اش از مبداء وحی سرچشمه گرفته است و ما در انتظار فرا رسیدن لحظه موعود ثانیه شماری می کنیم.

پروردگار مهربان، کی می شود که بانگ جبرئیل از بین زمین و آسمان بلند شود و نوید دهد که آن مهرتابان از افق تیره غبت طالع شده است؟!

خدای رحمان، کی می شود که فجر صادق عاشورای حسینی بدمد و برق شمشیر منتقم خون مظلومان تاریخ بر فراز سرکشان و ستمگران بدرخشد؟!

خدای بی پناهان، صدای هلهله و تکبیر مستضعفان کی بلند می شود و از تابش خورشید درخشان فرا رسیدن کعبه موعود خبر می دهد و همه انسان ها با توحید کلمه به سوی کلمه توحید می گرایند و با صفهای فشرده برای نابودی جور و ستم، و ویران کردن کاخ های ستمگران و پی ریزی جهانی آباد و آزاد گام می سپارند؟!

۱۷۰۸ - «یبعث السفیانی منه و ثلاثین الفا الی الکوفه، و یزلون بالروحاء و الفاروق و موضع مریم و عیسی بالقادسیه، و یرسیر منهم ثمانون الفا حتی ینزلوا موضع قبر هود بالنخيله فیجیئون الیهم یوم الزینه و امیر الناس جبار عنید یقال له الکاھن الساجر فیخرج الیهم من مدینہ الزوراء امیر فی حیث عظیم فیہ خمسہ الاف من الکاھنہ و یقتل علی جشرھا سبعون الفا، حتی یتحامی الناس من الفرات ثلاثہ ایام من الدماء و تنن الاجساد! و یرسب من الکوفه الف بکر لایکشف عنھن قناع، حتی یوضعن فی المحامل و یزلن بہن الی الثویہ و ہی الغری ثم یرج من الکوفه منه الف ما بین مشرک و منافق حتی یقدموا دمشق لایصدھم عنھا صاد، و ہی ارم ذا العماد». «سفیانی یکصد و سی ہزار نفر سپاہی بہ سوی کوفہ می فرستد، در «روحاء» و «فاروق» فرود می آیند و در محل مریم و عیسی در «قادسیہ» فرود می آیند و ہشتاد ہزار نفرشان حرکت می کنند و در مقام حضرت ہود در نخیلہ (وادی السلام نجف) فرود می آیند و در روز عید قربان (یوم الزینئہ) فرماندہی از بغداد با لشکری پنج ہزار نفری بہ سوی آنها حرکت می کند و ہفتاد ہزار نفر در کنار پل فرات کشتہ می شوند و سہ روز مردم از آب فرات استفادہ نمی کنند کہ خون آلود و گندیدہ از اجساد کشتہ ها خواهد بود. یکہزار دختر از کوفہ اسیر گرفته می شوند و دست نخورده سوار کجاوہ ها شدہ بہ سوی نجف اشرف گسیل می شوند. آنگاہ صد ہزار نفر مشرک و منافق بغداد را بہ قصد دمشق ترک می گویند. کہ بہ هیچ مانعی برخورد نمی کنند تا وارد دمشق شوند کہ همان ازم ذات العماد است.» [۳۵]

۱۷۰۹ - «لا یقوم القائم حتی تفقا عین الدنیاف و تظھر الحمرة فی السماء، و تلک دموع حملہ العرش علی اهل الارض. فیظھر فیکم اقوام لا خلاق لھم یدعون لولدی و ہم براء منه. تلک عصابہ ردیئہ، علی الاشار مسلطہ، و للجبابره مفتنہ، و للملوک میبرہ. تظھر فی سواد الکوفہ یقدمھم رجل اسود اللون والقلب، رث الدین، مہجن، زنیم، عتل، تداولتہ ایدی عواغر الامھات، من شر نسل لاسقاھا اللہ المطر، صاحب الرایہ الحمراء و العلم الاخضر! ای یوم للمختبین بین الانبار و ہیت ذلک یوم فیہ صیل الکراد و الشراہ و خراب دار الفراعتتہ و مساکن الجبابرہ، و ما وی الولاہ الظلمہ، و ام البلاء و اخت العار، تلک و رب الکعبہ بغداد! فویل للعصاه من بنی امیہ و بنی فلان الدی یقتلون الطیبین من ولدی، ولا یرقبون فیہم ذمتی، ولایخافون فی ما یفعلون بحرمتی ... ان لبنی العباس لیوما کیوم الطموح و لھم فیہ صرخہ کصرخہ الحبلی».

«قائم (عج) قیام نکند جز ہنگامی کہ چشم دنیا در آورده شود و سرخی در آسمان پدید آید، کہ آنها اشکھای خونبار حاملان عرش است کہ برای مردم روی زمین از چشم آسمان می بارد. آنگاہ گروھی بر شما غلبہ می کنند کہ هیچ ارزشی ندارند، آنها بہ نام پسر (مہدی) بر شما حکومت می کنند در حالیکہ خود از او بیزار ہستند. آنگاہ گروھی بی مقدار ہستند کہ بر اشرار مسلط ہستند و جباران را فریب می دھند و پادشاھان را ہلاک می سازند. در دشت کوفہ ظاہر می شوند و مردی تیرہ رنگ و سیاهدل آنها را فرماندہی می کند کہ سست آئین، پست فطرت، خیرہ سر و فرومایہ است، و از تبار ستمگران در دامنھای آلودہ تربیت شدہ و در آغوش های ناپاکان بزرگ شدہ است. پرچم های سرخ و سبز حمل می کند و در میان «انبار» و «ہیت» [۳۶] روز بسیار سختی برای مردم آن منطقہ بہ وجود می آورد. در آن روز شمشیر اکراد و آشوبگران از غلاف در می آیند و شہر فرعونھا و اقامتگاہ جبارھا ویران می شود کہ آنجا مأوای ستمگران، مادر فتنہ ها و صاحب پلیدیھاست، کہ آنجا سوگند بہ خدا همان شہر بغداد است. بدا بہ حال عصیانگران بنی امیہ و بنی فلان (بنی عباس) کہ مردان پاک خاندانم را می کشند و پیمان مرا در حق آنها رعایت نمی کنند و در کردار زشت خویش احترام مرا حفظ نمی کنند... برای بنی عباس روز بسیار سخت و پرحادثہ ایست کہ در کام

طوفان ها فرو می روند و همانند زنی که از درد زایمان بنالد، ناله می کنند و فریاد بر می آورند.» [۳۷]

۱۷۱۰ - «... لیس فیها مناز هدی، ولا علم یری. نحن اهل البیت منها بمنجاه، و لسنا فیها بدعاه. ثم یفرجها الله عنکم کتفریح اللادیم بمن یسومهم خسفاً و یسوفهم عنفا، و یسقیهم بکاس مصبره لا یعطیم الا السیف، ولا یجلسهم الا الخوف، فعند ذلک تود قریش، بالدنیا و ما فیها، لو یرونی مقاما واحدا و لو قدر جزر جزور لاقبل منهم ما اطلب الیوم بعضه فلا یعطونی.»

«در آن روز مشعل هدایت و پرچم آشکاری نیست، ما اهل بیت از شر آن روز در امان هستیم ولی دعوتی ابراز نمی کنیم. آنگاه خداوند این فتنه را فرو می نشاند، آنچنانکه نمود در زیر پا فروکش می کند و شما را فرج و گشایش می بخشد به توسط کسیکه سپاهیان را برای او خسف می کند و تیرهای غضب و جام های خشمش را بر آنها فرو می ریزد، او (قائم) جز شمشیر نمی دهد و جز وحشت و اضطراب بر آنها مستولی نمی سازد. آن روز قریش آرزو می کند که دنیا و مافیها مال آنها باشد و آن را بدهند و یکبار مرا ببینند که به مقدار تحریک شتر در میان آنها باشم و از آنها بپذیرم چیزی را که امروز یک مقدارش را از آنها می خواهم و آنها نمی دهند.» [۳۸]

آری در آن روز که حق از مسیر خود خارج شده و ستمگران بر گرده آنها سوار شده اند، قریش آرزو می کند مولای متقیان (ع) مدتی هر چه کوتاهتر در میان آنها باشد و شر ستمگران را از آنها دفع کند و به هر شرطی که حاضر باشد از آنها بیعت بگیرد.

۱۷۱۱ - «فی شهر صفر ستظهر لکم من السماء آیه جلیه، و من الارض مثلها، و یحدث فی المشرق ما یفلق. و یغلب علی العراق طوائف من الاسلام مراق. ثم تنفرج الغمه ببوار طاغوت الاشرار، یسربها که المتقون.»

«در ماه صفر نشانه بسیار روشنی از آسمان ظاهر می شود و نشانه دیگری نیز در زمین آشکار می شود و در مشرق زمین حادثه هولناکی واقع می شود که موجب وحشت و اضطراب می شود، و گروه هائی از خدا بی خبر بر عراق حکم می رانند که نصیبی از اسلام ندارند. آنگاه این غم و اندوه با نابود شدن بزرگ طاغوت زمان زدوده می شود و پرهیزکاران با خبر هلاکت او خوشحال می شوند.»

نشانه روشن آسمانی در آن روز، ظاهر شدن کف دستی است در قرص خورشید که روایاتش را در گذشته به عرض خوانندگان گرامی رساندیم. و گروه های از خدا بی خبر که بر عراق حکومت می کنند، گروه هائی هستند که مانند رژیم فعلی عراق ارتباطشان راز خدا گسسته باشند و به مکتب های دیگر جز مکتب اسلام پیوسته باشند.

۱۷۱۲ - «من قاتلنا فی آخر الزمان، فکانما قاتلنا مع الدجال!»

«کسی که در آخر الزمان با ما سر ستیز داشته باشد، همانند کسی است که زیر پرچم دجال به جنگ ما آمده باشد.» [۳۹]

در آن روز سفیانی است که برای خاموش کردن چراغ هدایت دست به کار می شود و در وصف دجالان و مقدم بر آنان، روی در روی دعوت اسلامی می ایستد. که قسمتی از جنایاتش را امیرمؤمنان (ع) در خطبه ای دیگر شرح می دهد:

۱۷۱۳ - «لم یزل السفیانی یقتل من اسمہ محمد و علی و الحسن و الحسین و جعفر و موسی، و فاطمه و زینب و مریم و خدیجه و سکینه و رقیه، حنقا و بعضا لال محمد.»

«هر کس به نام های : محمد، علی، حسن، حسین، جعفر، موسی، فاطمه، زینب، مریم، خدیجه، سکینه و رقیه باشد، سفیانی برای دشمنی آل محمد (ص) آنها را از دم شمشیر می گذراند.» [۴۰]

«شکم زنان حامله بی گناه را در کوچه و بازار پاره می کنند و جنین های آنها سقط می شود.» [۴۱]

۱۷۱۵ - «فیومئذ لا یبقی لهم فی السماء عاذرولا فی الارض ناصر! اصفیتم بالامر غیر اهلہ، و اوردموه غیر مورده! و سیتقم اللہ ممن ظلم ما کلا بما کل و مشربا بمشرب! فاقسم ثم اقسام لتنخنمها امیه من بعدی کما تلفظ النخامه ثم لاتذوقها ولا تتطعم بطعمها ما کر الجدیدان.»

«آن روز برای آنها شفיעی در آسمان و یآوری در زمین نمی ماند. امر خلافت را به غیر اهلش سپردید و آن را از مسیر خود خارج کردید. هر کس لقمه ای از حرام خورده یا جرعه ای از حرام نوشیده باشد، خداوند از او انتقام می گیرد. به خدا سوگند، به خدا قسم، بنی امیه آن را (خلافت را) آنچنان ملوث خواهد کرد، که همانند اخلاط سر و سینه دور انداخته شود و دیگر کسی طعم آن را نچشد و مزه آن را نفهمد، تا روزیکه شب و روز به این منوال بچرخد.» [۴۲]

امام زین العابدین (ع) می فرماید:

۱۷۱۶ - «ان امر القائم حتم من اللہ، و امر السفیانی حتم من اللہ، ولایکون قائم الابسفیانی.»

«امر قائم (عج) از امور حتمی الهی است. امر سفیانی از امور حتمی خداوند است. هرگز قیام قائم (ع) بدون خروج سفیانی نخواهد بود.» [۴۳]

بسیار جالب توجه و شایان دقت است که حضرت امام زین العابدین (ع) در روزهای خفقان زاید الوصف اموی، از خروج سفیانی سخن می گوید و آن را از امور حتمی اعلام می کند.

تعبیر امور حتمی معنای وسیعی در بردارد، زیرا این معنی را می رساند که در این موضوع هرگز برای خدای متعال بدا حاصل نخواهد شد و آن بدون تردید انجام خواهد یافت و هیچ مصلحت دیگری از تحقق آن مانع نخواهد شد.

به طوریکه هر موجود زنده یک روزی خواهد مرد، و به طوریکه خورشید و ماه در مدارهای از پیش تعیین

شده باید طبق مقدرات حضرت پروردگار حرکت کنند، همچنین سفیانی ناگزیر باید در روز معین خروج کند و از راههای تعیین شده با سوء انتخاب خویش گام بردارد. و در علم الهی گذشته است که سفیانی با اختیار خویش این راه را بر خواهد گزید.

آنچه از امور حتمیه است، مانند چیزهائی که در گذشته واقع شده، محقق الوقوع است، فقط وقت وقوع آن هنوز نرسیده است.

آنچه خداوند توسط پیامبران عظیم الشان خود وعده داده، از میعاد است و بدون تردید تحقق خواهد یافت که هرگز خداوند در وعده های خود خلف نمی کند.

۱۷۱۷ - «فاذا ظهر السفیانی اختفی المهدی، ثم یظهر بعد ذلك.»

«هنگامی که سفیانی ظهور کند، حضرت مهدی (ع) مخفی می شود تا بعد از هلاکت او ظاهر شود.» [۴۴]

امام باقر (ع) می فرماید:

از محضر امام باقر (ع) پرسیدند: آیا خروج سفیانی حتمی است؟

فرمود:

۱۷۱۸ - «نعم، و النداء من المحتوم، و طلوع الشمس من مغربها من المحتوم، و اختلاف بنی العباس فی الدوله من المحتوم، و قتل النفس الزکیه من المحتوم، و خروج القائم من آل محمد (ص) محتوم»

«آری خروج سفیانی حتمی است، ندای آسمانی حتمی است، طلوع خورشید از مغرب حتمی است، درگیری بنی عباس بر سر حکومت حتمی است، قتل نفس زکیه حتمی است و خروج قائم آل محمد (ع) حتمی است.» [۴۵]

خیال می کنم اگر طلوع خورشید از مغرب را به ظهور آنحضرت از نهانگاه خود تفسیر کنیم، دور نرفته ایم.

[ما تصور می کنیم که مؤلف گرانقدر در این تأویل و تفسیر دچار اشتباه شده و دست به کار خطرناکی زده است، زیرا اگر قرار باشد راه چنین تفسیر و تأویلهائی باز شود، بر هیچکدام از علایم حتمی و غیر حتمی نمی توان اعتماد کرد. و اگر طلوع خورشید از مغرب برای مادیون مشکل و یا غیر ممکن جلوه کند، همه معجزات و کارهای خارق العاده چنین است و لذا لازم است هرگز چنین تفسیر و تأویلی را در اخبار آل محمد (ص) راه ندهیم تا گذشت زمان خود آنها را معنی کند. «مترجم»]

۱۷۱۹ - «یکون خروج السفیانی و الیمانی و الخراسانی فی یوم واحد من شهر رجب من تلک السنه.»

«خروج سفیانی، یمانی و خراسانی، در یکروز و یکماه و یکسال خواهد بود. هر سه در یک روز از ماه رجب یکسال خروج خواهند کرد.» پیشوای پنجم شیعیان آنگاه در تفسیر آیه شریفه: «ثم قضی اجلا و اجل مسمی عنده» [۴۶] فرمود:

۱۷۲۰ - «انهما اجلال: اجل محتوم لایکون غیره، و اجل موقوف لله فیہ المشیئه. لا والله ان امر السفیانی من المحتوم.»

«اینجا دو اجل است، یکی اجل حتمی، که همان انجام می شود و هرگز غیر آن اتفاق نمی افتد، و دیگر اجل منوط به مشیت، به خدا سوگند که خروج سفیانی از قسم حتمی است.» [۴۷]

۱۷۲۱ - «السفیانی و القائم فی سنه واحده»

«سفیانی و حضرت قائم (عج) در یکسال خروج می کنند.» [۴۸]

آری خروج سفیانی در ماه رجب است و صیحه آسمانی در ماه رمضان است و در روز عاشورا نهضت جهانی و قیام شکوهمند حضرت بقیه الله (عج) آغاز می شود، یعنی پیش از آنکه دوازده ماه از خروج سفیانی بگذرد حضرت بقیه الله خروج می کند.

۱۷۲۲ - «اذا سمعتم باختلاف اهل الشام فیما بینهم، فالهرب الهرب من الشام فان القتل بها و الفتنه.»

«هنگامیکه شنیدید که اهل شام در میان خود اختلاف کرده اند، از شام فرار کنید که فتنه و کشتار در شام خواهد بود.» [۴۹]

اختلافاتی که امروز در شامات (فلسطین و لبنان) جریان دارد، نوید بخش نزدیک شدن ظهور و فرج است. انشاء الله.

۱۷۲۳ - «تكون فتنه بالشام کان اولها لعب الصبیان! ثم لا یستقیم امر الناس علی شیءٍ حتی ینادی مناد من السماء»

«در شام فتنه هائی هست که گوئی سرآغاز آنها بازیچه کودکان است، آنگاه دیگر امور مردم مرتب نمی شود تا هنگامی که ندای آسمانی شنیده شود.» [۵۰]

به خدا سوگند که فتنه سرزمین ما (سرزمین مؤلف) این چنین آغاز شد، سرآغاز آن چون بازیچه کودکان آغاز شد و هر روز ابعاد تازه تری یافت و اینک بیش از ۳۰ سالست که آسایش و آرامش را از منطقه سلب کرده است. این فتنه با اعلام دولت اسرائیل آغاز شده و انشاء الله با تیغ آبدار انقلابگر پیروز حضرت بقیه الله (عج) خاتمه خواهد یافت، که در سراسر جهان یک آئین و آن دین مقدس اسلام، و یک قانون اساسی و آن قرآن کریم و یک پرچم و آن پرچم توحید خواهد بود.

۱۷۲۴ - «لا يظهر القائم حتى يشمل الشام و ذور اهل البلاد فتنه يطلبون منها المخرج فلا يجدونه! و يكون قتل بين الحيره و الكوفه، قتلهم سواء!».

«قائم (ع) هنگامی ظهور می کند که همه شامات و همه خانه های منطقه را فتنه فراگیرد و همگان به دنبال راه فرار بگردند و نیابند، و کشتاری سخت در میان حیره و کوفه روی دهد که تلفات دو طرف مساوی باشد.» [۵۱]

ما جبل عاملی ها با دیگر اقوام لبنانی هر چه گشتیم که از این فتنه راه فراری پیدا کنیم، پیدا نکردیم، شرق و غرب جهان نیز نتوانستند راه چاره ای برای ما ارائه دهند و هر روز ابعاد تازه یا از نقشه های شوم صهیونیسم برای جهان اسلام کشف می شود و هر روز برای فتنه دیگری آبتن است تا چه زاید؟!

۱۷۲۵ - «يخرج السفیانی یوم جمعه، فیصعد منبر دمشق، و یبایع الناس علی ان لایخالفوا امره رضوه ام کرهوه. ثم یخرج الی الغوطه فیجتمع الیه خمسون الف مقاتل. ثم تختلف الرايات الثلاث: فرایه الترك و العجم و هی سوداء، و رایه لبني العباس صفراء، و رایه السفیانی حمراء. فیغلبهم السفیانی بعد ان یقتل منهم ستین الفا و یرسیر الی حمص فالی الفرات مرورا بالرقه و سبا».

«سفیانی در روز جمعه خروج می کند و بر فراز دمشق قرار می گیرد، و از مردم بیعت می گیرد که هرگز با او مخالفت نکنند، چه بخواهند یا نخواهند. آنگاه به سوی غوطه حرکت می کند و ۵۰ هزار جنگجو در اطراف او گرد آیند، آنگاه سه پرچم به اهتزاز در آید:

۱ - پرچم ترکها و عجم ها، که پرچم سیاه است.

۲ - پرچم بنی عباس، که پرچم زرد است.

۳ - پرچم سفیانی، که پرچم سرخ است.

سفیانی بر آنها چیره می شود پس از آنکه ۶۰ هزار نفر از آنها را از دم شمشیر می گذرانند، آنگاه به سوی «حمص» می رود و از فرات عبور می کند و عازم «رقه» و «سبأ» می شود.» [۵۲]

«رقه» یکی از شهرهای سوریه در شمال این کشور است ولی «سبأ» از شهرهای یمن است، از این رهگذر خیال نمی کنیم که سفیانی در این مسیر قصد سبأ را داشته باشد بلکه احتمال می رود که منظور از «سبأ» مردم سبأ باشد که همراه یمانی برای نبرد با سفیانی آمده اند و در نزدیکی «رقه» با سپاه او مواجه می شوند. و در نتیجه معنای حدیث این می شود که سفیانی از فرات عبور می کند تا به «رقه» رفته با مردم سبأ (سپاه یمانی) نبرد کند. پیشتر نیز گفتیم که سه پرچم با سفیانی نبرد می کنند به نام های: «اصهب»، «ابقع» و «یمانی» که پرچ یمانی از همه مستقیم تر است و سیاه می باشد.

۱۷۲۶ - «لایکون ذلک حتی یخرج خارج من آل ابی سفیان، یملک تسعه اشهر کحمل المراه. ولایکون حتی یخرج من ولد الشیخ، فیسیر حتی یقتل بطن النجف! فوالله کانی انظر الی رماهم و سیوفهم و امتعتهم الی حائط من حیطان النجف یوم الاثنين! و یستشهد یوم الاربعاء».

«امر فرج محقق نمی شود جز هنگامی که خروج کننده ای از آل ابی سفیان خروج کند و نه ماه (به مقدار مدت حمل) حکومت کند، به ناگزیر او باید از تبار این پیرمرد باشد، حرکت می کند تا در وادی نجف اشرف کشتار کند. به خدا سوگند گوئی با چشم خود می بینم که در روز دوشنبه ای نیزه ها، شمشیرها و دیگر ادوات و آلات خود را بر دیوار نجف تکیه داده اند و در روز چهارشنبه خونها روان می گردد.» [۵۳]

در اینجا منظور از «پیرمرد» ابوسفیان است، که رسماً به بتها قسم خورد که بهشت و دوزخی وجود ندارد (العیاذ بالله). سفیانی نیز با همین اعتقاد به نجف اشرف می تازد و صحرای نجف را با خون شیعیان و دوستان اهل بیت رنگین می سازد.

۱۷۲۷ - «قدوم رایات خضر مصبغات من مصر الی الشام، تهدی الی ابن صاحب الوصیات».

«پرچمهای سبز و رنگین از مصر به سوی شام حرکت می کند و در شام به پسر صاحب توصیه ها اهدا می شود.» [۵۴]

منظور از پسر صاحب وصیتها، سفیانی است که از تبار ابوسفیان است و ابوسفیان صاحب وصیت معروف است که گفت: «ای اولاد امیه! خلافت را به دست آورید و چون توپ به یکدیگر حواله کنید و از دست ندهید، سوگند به آنچه ابوسفیان به آن سوگند می خورد، بهشت و دوزخی وجود ندارد!!!. بنی امیه نیز وصیت او را فرا گرفتند و به توصیه های او عمل کردند، آخرین فرزند پلیدش سفیانی نیز در همان راه گام می سپارد و همان خط را دنبال می کند.

۱۷۲۸ - «انی لکم بالسفیانی، حتی یخرج قبله الشیصبانی. یخرج بارض کوفان، ینبع کما ینبع الماء فیقتل وقدکم، فتوقعوا بعد ذلک السفیانی و خروج المهدی».

«چگونه ممکن است سیانی بدون «شیصبانی» خروج کند، شیصبانی از سرزمین کوفه خروج می کند و مانند آب حرکت می کند و کسان شما را می کشد. چون او خروج کند منتظر خروج سفیانی باشید و به دنبال آن منتظر ظهور مهدی (ع) باشید.» [۵۵]

گفته می شود که منظور از «شیصبانی» طغیان آب فرات از این نقطه است که خانه های کوفه و اطراف آنرا بپوشاند ولی به نظر می رسد که آن رمز یکی از ستمگران باشد که بر عراق حکومت کند و دمار از زندگی شیعیان درآورد. [۵۶]

۱۷۲۹ - «إذا خالف الترك الروم، و کثرت الحروب فی الارض، ینادی مناد علی سور دمشق: ویل لازم من شر قد اقترب!»

«هنگامی که ترک و روم اختلاف کنند و جنگهای فراوانی در زمین روی دهد، منادی بر دروازه دمشق بانگ برآورد: ای وای، از شری که نزدیک است.» [۵۷]

۱۷۳۰ - «ویل لطفاه العرب من امر قد اقترب».

«وای بر طاغوت های عرب از حادثه ای که نزدیک است.» [۵۸]

۱۷۳۱ - «یختلف الروم و الترك و تکثر الحروب فی الارض و ینادی مناد من دمشق: ویل لاهل الارض من شر قد اقترب».

«رومیان و اتراک اختلاف می کنند و جنگ های فراوانی روی می دهد و منادی در دمشق بانگ بر می آورد: وای بر ساکنان زمین از شری که نزدیک است.» [۵۹]

از این حدیث استفاده می شود که این هشدارها هنگامی روی میدهد که جنگی سخت در میان اسرائیل (روم) و دیگر کشورها (اتراک) درگیرد و غم و اندوه فراوانی از این جهت به جهان اسلام وارد آید و سایه سنگین و شوم جنگ بر مناطق فراوانی سایه اندازد، آنگاه صدای دلخراش سفیانی از روی منبر دمشق شنیده می شود و آسایش جهانی را بر هم زند.

۱۷۳۲ - «توقعوا الصوت یأتیکم بغته من دمشق. فیه لکم فرج عظیم یجیبکم الصوت من ناحیه دمشق بالفتح.»

«منتظر بانگ سفیانی باشید که به طور ناگهان از دمشق شنیده می شود، در این بانگ فرج عظیمی برای شما هست، زیرا که این بانگ نوید بخش پیروزی بزرگ شماست.» [۶۰]

تعبیر صوت (بانگ) که در این حدیث و در احادیث فراوانی آمده قابل انطباق با صدای رسانه های گروهی است که توسط رادیو و تلویزیون در تمام اقطار و اکناف جهان به گوش مردم برسد و آسایش جهانی را به هم بزند.

اینک در احادیث فوق در مورد «عرب» بحث شده و به عنوان امت اسلامی مطرح نشده، اکنون علتش را متوجه می شویم، زیرا می بینیم که امت اسلامی بیش از آنکه در اندیشه امت باشند در فکر ملیت هستند و تبلیغات ناسیونالیستی گوش فلک را کر کرده و همه قراردادها و پیمانها و یا اختلافها و کشمکشها بر اساس ملیتها و دیگر مظاهر ناسیونالیستی پی ریزی می شود.

آنگاه امام باقر (ع) نشانه های بانگ سفیانی از دمشق را چنین بیان می کند:

۱۷۳۳ - «الزم الارض ولا تحرکن یدک ولا رجلک، حتی تری غلامات اذکرها لک فی سنه».

«از روی زمین برنخیز، و دست و پایت را تکان مده، تا نشانه هائی را که برایت می شمارم تحقق پیدا کند که همه اش در ظرف یکسال تحقق می پذیرد.» [۶۱]

سپس آن علامت ها را چنین می شمارد:

۱۷۳۴ - «... و تری منادیا ینادی بدمشق، و خسفا بقریه من قراها، و سقوط طائفه من مسجدها. فاذا رایت الترتک جاوزوها، فاقبلت الترتک حتی نزلت و اقبلت الروم حتی تنزل وهی سنه اختلاف فی کل ارض من ارض العرب!»

«می بینی که منادی از دمشق بانگ بر می آورد، در یکی از دهات آن خسفی رخ می دهد، قسمتی از مسجد آن فرو می ریزد، هنگامی که اتراک از آن گذشتند و در جزیره فرود آمدند و رومیان روی آورده در رمله فرود آمدند... آن سال، سال اختلاف است، در همه سرزمین های عربی اختلاف پدید آید.» [۶۲]

سایه سنگین و شوم اختلاف بر همه سرزمین های عربی سنگینی می کند، و اتراک از شرق و غرب اسلحه برداشته به منطقه ما آمده، حضور خود را اعلام می کنند و رومیان (یهود) نیز در رمله فرود آمده و اقامت گزیده اند. آنگاه در مورد سبب سقوط قسمتی از مسجد اموی می فرماید:

۱۷۳۵ - «... اماره خروج السفیانی ان یحصل خسف بغربی مسجد دمشق حتی یخر حائط المسجد، و رجفه، و تخسف قریه فی جنوب دمشق تسمى: الجاییه: و ذلک بعد ان یترتک الشام المغربی برایاته.»

«نشانه خروج سفیانی اینست که خسفی در سمت غربی مسجد دمشق به وجود می آید و دیوار مسجد فرو می ریزد و زلزله ای می شود و قریه ای به نام «جاییه» در جنوب دمشق خسوف می شود. و این پس از خارج شدن مغربی و سپاهیانش از شام اتفاق می افتد.» [۶۳]

۱۷۳۶ - «یجینکم الصوت من ناحیه دمشق بالفتح. و تخسف قریه من قری الشام تسمى: الجاییه و تسقط طائفه من جامع دمشق الایمن، و ما رقه تمرق من ناحیه الروم یعقبها هرج الروم.»

«بانگی از ناحیه دمشق به شما می رسد و خبر یک پیروزی را همراه می آورد، دهکده ای از دهکده های شام به نام «جاییه» خسف می شود، قسمتی از دیوار دست راست مسجد جامع دمشق فرو می ریزد، آشوبگری از میان رومیان خروج می کند که کشتار فراوانی را به دنبال دارد.» [۶۴]

از این روایت استفاده می شود که رژیم اشغالگر قدس به دنبال نقشه های توسعه طلبی خود، نقشه های خائنه دیگری طرح می کند ولی بلافاصله هلاک و نابود می شوند.

۱۷۳۷ - «... و بعد دخوله الی دمشق یهرب منها اولاد رسول اللّٰه الی القسطنطنیه، فیطلبهم، ویردهم ملک الروم الیه، فیضرب اعناقهم علی الدرج الشرفی فی جامع دمشق فلا ینکر ذلک علیه احد.»

«بعد از ورود او به دمشق اولاد پیامبر اکرم (ص) به استانبول می‌گریزند سفیانی آنها را از زمامدار روم مطالبه می‌کند و زمامدار روم آنها را تحویل می‌دهد و سفیانی آنها را در پله‌های شرقی مسجد گردن می‌زند و کسی به او اعتراض نمی‌کند.» [۶۵]

۱۷۳۸ – «يقبل السفیانی من بلاد الروم منتصرا، و هو صاحب القوم».

«سفیانی پیروزمندان از ممالک رومی بر می‌گردد و قدرت را در دست می‌گیرد.» [۶۶]

یعنی سفیانی بر یهود فلسطین و کشورهای اردن و سوریه پیروز می‌شود و در حالیکه قدرت را در دست گرفته، به سوی عراق باز می‌گردد تا مقابله خود را با حضرت مهدی (ع) آغاز کند.

۱۷۳۹ – «یاتی من بلاد الروم فی عنقه صلیب»

«سیانی هنگامی که از ممالک روم بر می‌گردد صلیب به گردن می‌آویزد.» [۶۷]

شاید منظور از به گردن آویختن صلیب، ارتباط او با صلیبیون و تهدد او در برابر آنها باشد، نه اینکه واقعاً صلیب به گردن بیاویزد.

[ما تصور می‌کنیم که منظور از تعبیر صلیب به گردن آویختن، همان معنای ظاهری آن اراده شده است، زیرا هنگامی که معاویه از دنیا رفت و لباسهایش را خواستند در آوردند، یکمرتبه متوجه شدند که صلیبی به گردن دارد و قاضی القضاة شام فریاد برآورد: وای بر شما، معاویه در حالی جان سپرده که از صلیب شفا می‌خواسته است. معاویه ایکه در صدر اسلام با یدک کشیدن خلافت اسلامی صلیب به گردن داشته، چه استبعادی دارد که سفیانی نیز راه او را دنبال کند و صلیب هب گردن داشته باشد؟! «مترجم»].

آنگاه در پیرامون جنگ «قرقیسیا» می‌فرماید:

۱۷۴۰ – «اما انه سيكون بها وقعه لم يكن مثلها منذ خلق الله سبحانه و تعالی السماوات و الارض، ولا يكون مثلها ما دامت السماوات و الارض! تكون ما دبه الله! حيث تأكل طير السماء، و تشبع سباع الارض من لحوم الجبارين. يهلك فيها قيس فلا تدعو له داعيه!».

«در قرقیسیا حادثه ای روی می‌دهد که هرگز از اول آفرینش جهان چنین حادثه ای روی نداده است و تا روزی که زمین و آسمان‌ها وجود دارد، چنین حادثه ای روی نخواهد داد، آنجا سفره گسترده الهی پهن می‌شود، و حوش و طیور برای خوردن گوشت جباران گرد آیند، مرغان هوا و درندگان صحرا از آن می‌خورند و سیر می‌شوند. در این حادثه قیس (مصری و مغربی) کشته می‌شود و کسی برای او اعتراض نمی‌کند.»

[۶۸]

۱۷۴۱ – «ان لولد العباس و المروانی لوقعه بقرقیسیا یشیب فیها الغلام الحزور و یرفع الله عنهم النصر، و

یوحی الی طیر السماء و سباع الارض: اشبعی من لحوم الجبارین، ثم یخرج السفیانی».

«برای اولاد عباس و مروان حادثه خونینی در «قرقیسیا» هست که جوان مقاوم را پیر می کند. خداوند حمایت خود را از آنها بر می دارد و به مرغان هوا و درندگان صحرا فرمان می دهد که از گوشت جباران شکمی از عزا در آورید، آنگاه سفیانی خروج می کند.» [۶۹] تفسیل بیشتر این واقعه مرگبار را در بخش سخنان امام صادق (ع) بخش تورات و انجیل به عرض خوانندگان گرامی خواهیم رسانید.

۱۷۴۲ - «یقتل الرجال الا شامی! والویل لمن فی اطرافها ماذا یمر بهم من اذی! و تسبی بها رجال و نساء. واحسنهم حالا من یعبر الفرات، و الخروج منها خیر من البقاء فیها ساعه واحده من نهار!!! اما من یؤخذ منهم فلیس علیهم باس. اما انهم سینقذهم اقوام ما لهم عند اهل الکوفه یومئذٍ قدر! اما لا یجوزون بهم الکوفه!»

«همه مردان آن جز یک نفر شامی کشته می شوند، وای بر حال کسانی که در اطراف آن (کوفه) باشند، چه آزار و اذیتی می بینند. مردانشان و زنانیشان اسیر گرفته می شوند، بهترین آنها از نظر وضع و سامان کسی است که از فرات بگذرد و از منطقه بگریزد، فرار کردن از آنجا از یک ساعت ماندن در آن بهتر است. کسانی که از آنها اسیر شوند باکی بر آنها نیست، آنها را کسانی نجات می دهند که مردم کوفه هیچ ارزشی برای آنها قائل نیستند آنها را از کوفه دور نمی برند.» [۷۰]

آری سپاه سید خراسانی می رسد و ضربتی بسیار حساس و سرنوشت ساز بر سپاه سفیانی وارد می آورند و همه اسیران و غنائم جنگی را از دست آنها می گیرند و آزاد می کنند. اینها به اصطلاح امروز همان پا برهنه های شیعیان هستند که اشراف کوفه برای آنها هیچ ارج و قیمتی قائل نیستند ولی آنها ضربت نهائی را بر پیکر سپاه سفیانی در کوفه وارد می کنند.

آنگاه امام (علیه السلام) از آن سپاه سفیانی بحث می کند که به فرماندهی حزیمه اموی به سوی حجاز عزیمت می کنند:

۱۷۴۳ - «ولو تری اذ فزعوا فلات فوت: من الصوت، و ذلک صوت جبرائیل من السماء! و اخذوا من مکان قریب: من تحت اقدامهم، خسف بهم. و ذلک علی بعد بریدین من المدینه المنوره بین الحما و مر. فاذا کان الجیش بالبیداء، یخرج رجل منه فی طلب ناقه له، ثم یرجع فلا یری من رفاقه احدا، ولا یحس بهم. و هو الادی یحدث الناس عنهم.»

«منظور از آیه (ایکاش ببینی هنگامی را که هر اسان شوند و دیگر گریزی نیست و از جایگاهی نزدیک دستگیر می شوند) [۴۷] صیحه آسمانی است و آن بانگ جبرئیل است که از آسمان بانگ می زند و از پایشان در زمین فرو می روند و آن هنگامی است که در دو منزلی مدینه منوره باشند و در میان «حما» و «مُر» در سرزمین «بیداء» خسف می شوند. مردی از سپاه جدا می شود و به دنبال شترش می رود، چون بر می گردد احدی را از سپاهیان نمی یابد و هیچ سرنخی پیدا نمی کند. و او گزارش سپاه را به مردم می دهد.» [۷۲]

از روایات دیگر استفاده می شود که فقط دو نفر از سپاه باقی مانند که یکی به شام می رود و گزارش سپاه را به سفیانی می دهد و دیگری به مکه می رود و بشارت هلاکت آنها را به حضرت ولی عصر (عج) می دهد.

۱۷۴۴ - «ویخرج المهدی منها علی سنه موسی خائفاً یتربف حتی یقدم مکه، و یقبل الجیش حتی اذا نزلوا بالبیداء و هو جیش الهلاک، خسف بهم فلا یفلت منهم الا مخبر»

«مهدی (عج) همانند حضرت موسی (ع) خائفاً یتربف (نگران و ترسان) از مدینه خارج می شود و به سوی مکه می رود و سپاهیان سفیانی حرکت می کنند تا به سرزمین بیداء می رسند و همگی هلاک می شوند و فقط گزارشگر باقی می ماند». [۷۳]

اینجا نیز امام (ع) به گزارشگر اشاره می کند نه به تعداد آن.

۱۷۴۵ - «... انه لا ینجو سوی اثنین من قبیلہ جهینہ. و هذان الاثنان یخبران الناس عن قصه الخسف، و اسماهما: بشیر و نذیر».

«جز دو نفر از قبیلہ جهینہ باقی نمی ماند که برای مردم از داستان خسف گزارش ببرند، یکی از آن دو بشیر و دیگری نذیر است». [۷۴]

از این رو در ضرب المثلاً می گویند: «خبر قطعی در نزد جهینہ است.»

ابن عباس در این مورد می گوید:

۱۷۴۶ - «چون به سرزمین بیداء برسند، در شبی مهتاب وارد این سرزمین می شوند، چوپانی آنها را می بیند و می گوید: بدا به حال مردم مکه، از دست این سپاه چه خواهند کشید؟! بر می گردد که به گوسفندهای خود سر بزند، چون به سوی آنها برگردد کسی از آنها را نمی یابد که همگی در کام زمین فرو می روند وی با خود می گوید: سبحان الله! چگونه ممکن است در یک لحظه از این بیابان کوچ کرده باشند؟! به محل اتراق آنها می آید و جامه ای را می بیند که نصفش روی زمین است و نصف دیگرش در زمین فرو رفته است. از آنجا می فهمد که در کام زمین فرو رفته اند. پس به سوی صاحب مکه (حضرت مهدی) می شتابد و به او خبر می برد که سپاه سفیانی در زمین فرو رفته است. پس او می فرماید: الحمد لله، این همان نشانه است که از آن سخن می گفتید. آنگاه به سوی شام حرکت می کنند». [۷۵]

این شبان غیر از بشیر و نذیر است که در بخش دوازدهم به تفصیل از آن سخن گفته ایم. آنگاه امام باقر (ع) در مورد سپاه سفیانی که خسف خواهد شد می فرماید:

۱۷۴۷ - «فیه نزلت هذه الایه: یا ایها الدین اوتوا الکتاب، آمنوا بما نزلنا مصدقا لما معکم، من قبل ان نظمس وجوها فنردها علی ادبارها: لایفلت من جیش السفیانی الهالکین فی خسف الییداء سوی ثلاثه نفر یحول الله وجوههم فی اقفیتهم، و ذلک عند قیام القائم المهدی (ع)».

«در حق آنها نازل شده: (ای کسانیکه به آنها کتاب داده شده است، ایمان آورید به آنچه نازل کرده ایم که تصدیق کننده آنست که در نزد شماست، پیش از آنکه به صورتهائی بزنیم و آنها را به پشت سرشان برگردانیم)». [۷۶]

از سپاه سفیانی جز سه نفر باقی نمی ماند که همگی در سرزمین بیداء در کام زمین فرو می روند و این سه نفر صورتشان به پشت سرشان برگردانیده می شود و در آن هنگام مهدی قائم (عج) قیام می کند.» [۷۷]

و در تفسیر آیه: (آنها گفتند که ایمان آوردیم ولی چگونه ممکن است که از جایگاهی دور سودمند شوند) [۷۸] فرمود:

۱۷۴۸ - «انهم طلبوا المهدی من حیث لاینال».

«آنها از راهیکه نتیجه ندارد به جستجوی مهدی (ع) رفتند.» [۷۹]

و در تفسیر آیه ۶۵ از سوره انعام فرمود:

۱۷۴۹ - «عذابیکه از بالای سراسر صیحه آسمانی است، عذابی که از زیر پاست، خسف سرزمین بیداست، عذاب گروه گروه شدن، اختلاف مردم در دین و مشاجرات آنها در امور مذهبی است و چشیدن زیانهای همدیگر، کشت و کشتار در میان اهل قبیله است.» [۸۰]

۱۷۵۰ - «و ینزل حبش السفیانی البیداء، فینادی مناد من السماء: یا بیداء ابیدی القوم، فیخسف بهم».

«سپاه سفیانی در سرزمین بیداء فرود می آیند، پس منادی آسمانی بانگ می زند: ای سرزمین بیداء این جمعیت را نابود ساز. آنگاه همگی در کام زمین فرو می ریزند.» [۸۱]

و بدین سان آنچه پیشوایان معصوم در مورد هلاکت این سپاه نامیمون فرموده اند، مو به مو اجرا می شود و سپاه سفیانی در ریگزارهای بیداء با همه ابزار و ادوات خود در دل زمین فرو می روند و اینک سرنوشت آخرین سپاه سفیانی:

۱۷۵۱ - «یخرج السفیانی بمئه و سبعین الفا فینزل بحیره طبریه. و یسیر الیه المهدی (ع) ثم یواقعه هناک. ولاتکون ساعه حتی یهلك الله اصحابه ولا یبقی الا هو وحده. فیاخذه المهدی (ع) فیذبجه تحت الشجره التي اعصانها مدلاه علی بحیره طبریه، ثم یملك مدینه دمشق.»

«سفیاین با یکصد و هفتاد هزار جنگجو حرکت می کند و در کنار دریاچه طبریه فرود می آید و حضرت بقیه الله (ع) به سوی او حرکت می کند و در کنار دریاچه طبریه بر او می تازد و در کمتر از یکساعت همه سپاهیان هلاک می شوند و فقط شخص سفیانی باقی می ماند. آنگاه حضرت مهدی (ع) او را دستگیر می

کند و در کنار دریاچه طبریه در زیر درختی که شاخه هایش به روی دریاچه بال گشوده سر می برد و سپس
شام را تحت تصرف خود در می آورد.» [۸۲]

امام صادق (ع) می فرماید:

۱۷۵۲ – «انا و آل ابی سفیان بیتان تعادیا فی اللّٰه قلنا: صدق اللّٰه، و قالوا: کذب اللّٰه! قاتل ابوسفیان
رسول اللّٰه (ص) و قاتل معاویه علی بن ابی طالب (ع)، و قاتل یزید بن معاویه الحسین بن علی (ع) و
السفیان یقاتل القائم.»

«ما و خاندان ابوسفیان، دو خاندانی هستیم که همواره با یکدیگر در ستیز بودیم، ما می گفتیم: خدا راست
گفته است و آنها می گفتند: دروغ گفته است! ابوسفیان با رسول اکرم (ص) جنگید، معاویه با حضرت علی
(ع) جنگید، یزید با امام حسین (ع) جنگید و سفیانی نیز با حضرت قائم (ع) می جنگد.» [۸۳]

۱۷۵۳ – «ان امر السفیانی من المحتوم، و خروجه فی رجب، یاتی ارض قرار و معین و یستوی علی منبرها.»

«خروج سفیانی حتمی است و خروجش در ماه رجب خواهد بود، به سرزمین آرامش و آسایش وارد می شود
و بر فراز منبر آن (دمشق) قرار می گیرد.» [۸۴]

۱۷۵۴ – «یخرج من بنی صخر، فیبدل الرايات السود بالحر.»

«از میان اولاد صخر خروج می کند و پرچم های سیاه را به پرچم های سرخ مبدل می سازد.»

«صخر» نام ابوسفیان پدر معاویه مؤسس سلسله جنایت پیشه اموی است.

۱۷۵۵ – «... هو احمر اشقر ارزق. ضخم الهامه، ربعه، خشن الوجه، فی وجهه اثر الجدری. اذا رایته حسبه
اعور و ما هو باعور لان فی عینه نکتة بیاض. و هو من اخبث الناس لانه لم یعبد اللّٰه قط، و لم یر مکة قط، ولا
المدینه قط!».

«او سیمایش سرخ، چشمهایش زاغ، و موهایش زرد است. کاسه سرش سترک، کتفهایش چهارشانه و پهن،
و صورتش درشت و خشن است و در صورتش آثار آبله است. هنگامی که او را ببینی، او را کور می
پنداری، ولی او کور نیست بلکه در مردمک او نقطه سفیدی هست و او پلیدترین مخلوق روی زمین است
که لحظه ای خدای را نپرستیده است، و مکه و مدینه را هرگز ندیده است.» [۸۵]

۱۷۵۶ – «لایکون ما تحبون حتی یختلف بنو فلان فیما بینهم، فاذا اختلفوا طمع الناس و تفرقت الکلمه، و
خرج السفیانی.»

«آنچه دوست می دارید واقع نمی شود، جز هنگامی که بنی فلان (بنی عباس) دچار اختلاف شوند. چون دچار

اختلاف شدند مردم بر حکومت چشم می دوزند و اختلاف آنها را غنیمت می شمارند. آنگاه سفیانی خارج می شود.» [۸۶]

۱۷۵۷ - «لا یكون ذلک حتى یختلف سیف بنی فلان، و تضیق الحلقه، و یظهر السفیانی، و یشدد البلاء و یشمل الناس موت و قتل یلجاون فیہ الی حرم اللّٰه و حرم رسوله.»

«این امر واقع نمی شود مگر هنگامی که شمشیرهای بنی فلانی در میان خود به کار افتد و حلقه تنگ تر می شود و اختلاف به جاهای باریک بکشد، آنگاه سفیانی خروج می کند و بلاها و کشتارها همه جا را فرا می گیرد، مردم به حرم امن خدا و رسول خدا پناهنده می شوند.» [۸۷]

۱۷۵۸ - «لابد من فتنه صماء یشدد فیها البلاء، و یشمل الناس موت و قتل یلجاون فیہ الی حرم اللّٰه و حرم رسوله.»

«به ناگزیر فتنه ای جانکاه اتفاق می افتد که بلاها بسیار شدت می یابد و همه مردم را مرگ و کشتار فرا می گیرد. مردم به حرم خدا و حرم پیامبر خدا پناه می برند.» [۸۸]

منظور از این فتنه، فتنه سفیانی است و منظور از حرمین مکه و مدینه است که حضرت مهدی (ع) با جمعی از یارانش به حرمین شریفین پناهنده می شوند تا انقلاب شکوهمند خود را آغاز فرمایند.

۱۷۵۹ - «یخرج مع سبعة نفر، مع احدهم لواء معقود، یعرفون بالنصر، یسیرون علی ثلاثین میلا لا یری ذلک العلم احد الا انهم.»

«سفیانی با هفت نفر حرکت می کند، که یکی از آنها پرچم درهم پیچیده را در دست دارد که به شکست ناپذیری شناخته می شوند، ۳۰ میل راه می روند، احدی آن پرچم را نمی بیند جز اینکه تسلیم می شود.» [۸۹]

منظور از ۳۰ میل فاصله اقامتگاه سفیانی با دمشق است که از آن صحرای سوزان با هفت نفر از خواص کسان خود رهسپار دمشق می شود.

۱۷۶۰ - «حین یقترب السفیانی من دمشق یهرب حاکمها، و تجتمع الیه قبائل العرب، و یخرج الربیعی و الجرهمی و الاصبه و غیرهم من اهل الفتن و الشغب، فیغلب السفیانی من یحار به منهم و ستولی علی الشام.»

«چون سفیانی به دمشق نزدیک شود، حاکم دمشق پا به فرار می گذارد، و قبایل عرب بر او گرد آیند. ربیعی، جرهمی، اصبه و دیگر شورشگران از اهل فتنه و هرج و مرج بر علیه او می شورند ولی سفیانی بر همه آنها غلبه می کنند و بر شام سیطره می یابد.» [۹۰]

۱۷۶۱ - «یخرج السفیانی بالشام، فینقاد له اهل الشام الا طوائف من المقیمین علی الحق یعصمهم اللّٰه من الخروج معه».

«سفیانی وارد شام می شود و بر آنجا مسلط می شود و مردم شام بر او گردن می نهند، جز عده کمی از کسانی که بر آئین حق ثابت قدم مانده اند، خداوند آنها را از خروج کردن در خدمت سفیانی حفاظت می فرماید.» [۹۱]

۱۷۶۲ - «السفیانی لابد منه، ولا یخرج الا فی رجب».

«به ناگزیر سفیانی خروج می کند، خروج او در ماه رجب خواهد بود.» یکی از حاضران به پیشگاه امام صادق علیه السلام عرض کرد: هنگامی که سفیانی خروج کند، حال ما چگونه خواهد بود؟ فرمود: در آن هنگام به سوی ما بشتابید.» [۹۲]

۱۷۶۳ - «لا تبرح الارض حتی یخرج السفیانی، فاذا خرج السفیانی فاجیبوا الینا یقولها ثلاثاً - و هو من المحتوم».

«تا سفیانی خروج نکرده از جای خود برنخیز، چون سفیانی خروج کرد دعوت ما را اجابت کنید (این تعبیر را سه بار فرمود) که خروج او از علایم حتمی است.» [۹۳]

امام ششم در این حدیث و در دهها حدیث دیگر شیعیان را فرمان می دهد که پیش از خروج سفیانی از هیچ فریادی پیروی نکنند، هر کس آنها را به هر چیزی دعوت کند، از او نپذیرند. تا بانگ جبرئیل از آسمان و آوازه سفیانی از زمین بگوش برسد، آنگاه شیعیان پرشور برای بیعت و تجدید عهد با آن امام بزرگوار به سویش بشتابید و بر آستانش پیشانی تسلیم بسایند.

۱۷۶۴ - «الزم بیتک وکن حلسا من احلاسه، واسکن ما سکن اللیل و النهار. فاذا بلغک ان السفیانی قد خرج فارحل الینا ولو حبوا علی رجلک، و قبل ذلک ثلاث رايات: رایه حسینیه، و رایه امویه، و رایه قیسیه. فبیناهم کذلک اذا یخرج السفیانی فیحصدهم حصد الزرع، ما رایت مثله قط!».

«در خانه خود بنشین و چون یکی از گلیمهای خانه ات باشد. تا شب و روز ساکن هستند تو نیز آرام باش، هنگامی که شنیدی که سفیانی خروج کرده به سوی ما بشتاب ولو ناچار شوی که با پای پیاده و سینه خیز رفتن این مسیر را بپیمائی.» [۹۴]

و در برخی از روایات آمده که: پیش از خروج سفیانی سه پرچم به اهتزاز در می آید یکی از آنها حسینی است، دیگری اموی است و سومی قیسی. در حالیکه آنها در حرکت هستند سفیانی خروج می کند و آنها را درو می کند، که هرگز چنین درو کردن در تاریخ سابقه نداشته است. [۹۵]

به نظر می رسد که منظور از پرچم حسینی پرچم یمانی باشد و منظور از پرچم اموی پرچم ابقع و منظور از

پرچم قیسی پرچم مصری و مغربی باشد که در پیرامون هر سه به تفصیل سخن گفته ایم. آنگاه از حوادث جاری امروز از قبیل ترور، آدم ربائی، گروگانگیری و غیره سخن گفته، می فرماید:

۱۷۶۵ - «ما تمدون الیه اعینکم؟. فما تستعجلون؟. الستم آمنین؟. الیس الرجل منکم یخرج فیقضی حوائجه ثم یرجع لم یخطف؟!! ان کان ما قبلکم علی ما اتم علیه، لیوخذ الرجل فتقطع یداه و رجلاه، و یصلب علی جذوع النخل، و ینشر بالمنشار، ثم لا یعدو ذنب نفسه!».»

«آنجا انتظار می کشید به این زودی فرا نمی رسد، چرا شتاب می کنید؟ مگر در امنیت زندگی نمی کنید؟! اگر آن فرا رسد پیش از آنکه آن تحقق بیابد شخص را می گیرند، دست و پایش را قطع می کند، از درختهای خرما به دار می آویزند و با اره سرش را از گردنش جدا می کنند و همه اینها سزای کردار خویش می باشد و بس.» [۹۶]

سپس این آیات را تلاوت فرمود:

(آیا خیال می کنید که وارد بهشت می شوید در حالیکه نظیر آنچه امتهای پیشین دچار شده اند برای شما روی ندهد، که آنها سختی ها دیدند، آنقدر متزلزل شدند که پیامبران و گروندگان گفتند: نصرت خدا کی فرا می رسد؟! آگاه باش که نصرت خدا نزدیک است.) [۹۷]

دقیقاً آن حوادث الان روی داده است، صبح انسان از خانه خود بیرون می رود و شب بر نمی گردد، ربوده می شود، ترور می شود، گروگان گرفته می شود، به سیاهچالها می رود و به شنیع ترین شکلی شکنجه می شود، دست و پایش بریده می شود، مثله می شود، و ... که همه اقسامش در پایتخت کشورمان (بیروت) همه روزه انجام می شود و دیگر پایتختهای منطقه نیز کم از بیروت نیستند و هزاران جنایات ضد بشری در آنها تحقق می یابد. و همه اینها سزای اعمال انسانهاست که از شاهراه هدایت منحرف شده اند و به سوی گناهان روی آورده اند و همانند درندگانیکه روی مردار برای یکدیگر دندان تیز می کنند، برای ارتکاب گناهان با یکدیگر تکالب می کنند، تا به تیرهای غیب دچار شوند و صاعقه های آسمانی بر سرشان فرو بارد.

۱۷۶۶ - «خیر المساکن مکه و بیت المقدس».

«بهترین اقامتگاه ها مکه و بیت المقدس است.» [۹۸]

امام باقر (ع) نیز در این باره می فرماید:

۱۷۶۷ - «خیر الاماکن یومئذ بیت المقدس. لیا بین علی الناس زمان یتمنی احدهم انه من سکانه».

«بهترین اقامتگاه ها در آن روز بیت المقدس است. برای مردم زمانی پیش می آید که هر کسی آرزو می کند که ایکاش ساکن آنجا می بود. [۹۹] و آن در عهد سفیانی است.

۱۷۶۸ - «مناد ینادی فی دمشق بعد ان ینزلها الترك و یجاوزونها الی الجزیره و علی راسهم خاقان الا تراک، یتبعهم الروم الظواهر بالرايات و الصلب، ولا یزال الناس کذلک حتی یقرع الراس».

«پس از آنکه ترکها وارد دمشق شوند و از آنجا به سوی جزیره بروند، و خاقان ترکها در رأس آنها باشد، رویمان با پرچم های برافراشته و صلیب های آویخته آنها را دنبال کنند، در آن هنگام منادی در دمشق بانگ بر می آورد و مردم همچنان در وحشت به سر می برند تا سرهایشان از تنشانشان جدا شود.» [۱۰۰]

همه اینها واقع شده و هجوم یکی از طاغوت های شرق و یا غرب به دمشق باقی مانده که برای پشتیبانی از اسرائیل و تجاوز به حقوق ملل خاورمیانه و دست یافتن به منابع نفتی و دیگر ثروت های زیرزمینی به این کشور حمله کنند و سرها از تن جدا شود و راه جنگ قرقیسیا باز شود، که در پیشقدم خروج سفیانی روی خواهد داد.

۱۷۶۹ - «یمر جیش السفیانی المتوجه الی العراق بقرقیسیا فیکون قتال بین عبداللّه و عبداللّه فیرجع المغربی الی الجزیره بعد ان یقتل من الطرفين منه الف.. ثم یتابع الجیش السفیانی سیره، فیسبق الیمانی الی العراق، فیمر فی بغداد فترتفع فیها ریح سوداء فی اول النهار، و یصیبها زلزال حتی ینخسف کثیر منها، و حتی تنخسف من الرجفه و تنخسف البصره و تخرّب.»

«سپاه سفیانی در مسیر خود به عراق وارد «قرقیسیا» می شود و در آنجا میان «عبداللّه» با «عبداللّه» جنگ در می گیرد و پس از آنکه صد هزار نفر از طرفین کشته شوند مغربی به سوی جزیره بر می گردد، آنگاه سپاه سفیانی راه او را دنبال می کند، و پیش از یمانی وارد عراق می شود و به شهر بغداد روی می آورد. اول صبح باد سیاهی در بغداد می وزد و به دنبال آن زمین لرزه هائی به وقوع می پیوندد تا بسیاری از آنها در کام زمین فرو روند. و حله و بصره نیز خسف و ویران شوند.» [۱۰۱]

شاید این باد سیاه، انفجار چاه های نفتی و پدید آمدن آتش سوزیها را در برداشته باشد و شاید این زمین لرزه ها در اثر بمبارانها و موشک پراکنی ها باشد و شاید به دلیل یک سلسله عوامل جوی و یا یک صاعقه آسمانی باشد.

واژه عبداللّه که دوبار در این حدیث آمده است ممکن است اسامی رهبران دو سپاه عربی: مغربی و مصری باشد، و یا یکی از آنها نام یکی از فرماندهان لشکر سفیانی باشد. سپس در مورد نبرد قرقیسیا می فرماید:

۱۷۷۰ - «تبنی مدینه مما یلی المشرق یکون فیها وقعہ لم یسمع اهل ذلک الزمان بمثلها، ثم تنجلی هی و الوقعه التي فی الشا عن اربعمئه الف قتیل! ثم یخرج المهدی فی اتر ذلک لاترد له رایه».

«شهری در طرف شرق ساخته می شود که در آن حوادثی روی می دهد که هرگز مردم آن زمان نظیر آن را نشنیده اند. آنگاه آن حادثه و یک حادثه دیگر که در شام روی می دهد مجموعاً چهار صد هزار کشته بر جای می گذارد و به دنبال آن حضرت مهدی (عج) ظاهر می شود و هرگز سپاهش شکست نمی خورد.» [۱۰۲]

امیرمؤمنان (ع) در این مورد می فرماید:

۱۷۷۱ - «یبنی مدینه یقال لها الزوراء بین دجله و دحیل و الفرات. فلو رایتموها مشیده بالجص والاجر المزخرف بالذهب و الفضة و اللزورد و المرمر و الرخام و ابواب العاج و الابنوس و الخیم و القباب و الستارات! و توالی علیها ملوک بنی شیبان، اربعه و عشرون ملکاً.»
«شهری به نام «زوراء» در میان دجله و دحیل و فرات ساخته می شود. ایکاش آن را می دیدند که با گچ و آجر محکم کاری می شود و با طلا و نقره و لاجورد و مرمر و درهای عاج و آبنوس و چادرها و پرده ها و گنبدها تزیین می گردد و ۲۴ پادشاه از پادشاهان بنی شیبان بر آن حکومت می کنند.» [۱۰۳]

۱۷۷۲ - «... و تبنی مدینه یقال لها الزوراء، بین دجله و الفرات. ملعون من بناها و سکنها. منها تخرج طینه الجابرین. تعلی فیها القصور، و تسدل الستور، و یتعاملون بالفجور.»

«شهری به نام زوراء (بغداد) در میان دجله و فرات ساخته می شود، بنیانگزارش ملعون است و ساکنانش از رحمت خدا دورند، سرشت ستمگران از آن در می آید، کاخ های بلندی در آن ساخته می شود که پرده های قیمتی بر آن آویخته می شود و انواع گناهان در آن انجام می یابد.» [۱۰۴]

منظور از بنیانگزار آن مؤسس اول است که دستور شهرسازی آن را صادر کرده است. ولی چقدر جالب است گفتار امیر مؤمنان (ع) که در آن روز که سرزمین بغداد شنزار و سنگلاخی بیش نبود کوچکترین اثری از آثار زندگی در آن نبود، پیشوای پرهیزکاران طوری آن را وصف کرده، که گوئی در خیابان های امروز بغداد سیر کرده، کاخها و آسمان خراش های سر بفلک کشیده آن را دیده است! و سپس از وضع امروز و از جنایاتی که در پشت درهای بسته و پرده های آویخته انجام می شود. طوری قاطعانه صحبت کرده که هرگز احدی جز باب مدینه رسول (ص) نمی تواند آنچنان سخن بگوید: آری اینها از خزانه علوم غیبی پروردگار است که به پیامبرش آموخته و او نیز به باب مدینه علومش تعلیم فرموده است. او نیز به شایستگان اصحابش خبر داده و سینه به سینه در کشاکش روزگار باقی مانده و امروز به دست ما رسیده است.

آنگاه امام صادق (ع) از جنگ «قرقیسیا» چنین تعبیر می کند:

۱۷۷۳ - «ان الله ما دبه فی قرقیسیا، یطلع مطلع من السماء فینادی: یا طیر السماء، و یا سباع الارض: هلموا الی الشبع من لحوم الجبارین.»

«خداوند سفره عامی در قرقیسیا می گستراند که منادی آسمانی بانگ می زند: هان ای پرندگان آسمان و ای درندگان زمین، بشتابید و از گوشت ستمگران شکمی سیر نمائید.» [۱۰۵]

بانگ های آسمانی با وسائل امروزی بسیار عادی شده و هر لحظه ممکن است توسط رادیو و تلویزیون و ماه های مصنوعی و غیره بانکی برآورده شود و گوش جهانیان را نوازش دهد. ولی اگر این بانگ از طرف قادر متعال باشد، دیگر به این وسائل نیازی نیست و رساترین بانگ ها را می تواند از دل سنگی بیرون آورد.

۱۷۷۴ - «يلتقى السفیانی بالابقع فيقتله السفیانی و من معه. ثم يقتل الاصبه و اتباعه. ثم لا يكون له هم الا آل محمد و شيعتهم و المثل الى العراق. و يمر جيشه بقرقيسيا فيقتلون بها فيقتل بها منه الف. و يبعث السفیانی جيشا الى الكوفه، وعدتهم سبعون الفا، فيصيبون من اهل الكوفه قتلًا و سبيًا».

«سفیانی با ابقع درگیر می شود و او را با تمام یارانش می کشد و سپس اصبه را با پیروانش می کشد، آنگاه همه نیروهای خود را برای کشتن آل محمد (ص) و شیعیان اهل بیت گسیل می دارد. و به همین سبب رهسپار عراق می گردد و در مسیر عراق سپاهیانش وارد قرقيسيا می شوند و جنگی سخت به راه می اندازد که صد هزار نفر در آن کشته می شود، آنگاه سپاهی به سوی کوفه می فرستد که تعدادشان هفتاد هزار نفر می باشد، مردم کوفه را قتل و غارت می کنند.» [۱۰۶]

آنگاه امام صادق (ع) جنبش سید هاشمی را در رابطه با جنگ قرقيسيا چنین بیان می فرماید:

۱۷۷۵ - «يخرج قبل السفیانی من يدعو لآل محمد و ينزل الترك الحيره و ينزل الروم فلسطين. و يسبق عبدالله حتى يلتقى جنودهما بقرقيسيا على النهر، و يكون قتال عظيم. و يسير صاحب المغرب فيقتل الرجال و يسبي النساء، ثم يرجع في قيس حتى ينزل الحيره السفیانی فيسبق اليماني، و يحوز السفیانی ما جمعوا».

«پیش از خروج سفیانی، کسی قیام می کند که برای اهل بیت پیامبر (ص) دعوت می کند، ترکها در حیره فرود آیند، رومیان وارد فلسطین شوند، عبدالله (مغربی) شتابان وارد قرقيسيا شده با سپاه سفیانی وارد جنگ می شود و جنگ سختی در می گیرد، آنگاه مغربی حرکت می کند و در مسیر خود مردها را می کشد و زنها را اسیر می گیرد، آنگاه با سپاه قیس بر می گردد تا سفیانی وارد حیره شود و از یمانی سبقت جوید. پس هر چه گرد آورند سفیانی از آنها می ستاند.» [۱۰۷]

۱۷۷۶ - «اذا خرج السفیانی ثغيب الرجال وجوهها و ليس على العيال بأس. فاذا ظهر على الكور الخمس فانظروا الى صاحبكم.»

«چون سفیانی خارج شود مردان صورت های خود را پنهان می کنند ولی برای زنها باکی نیست. هنگامی که سفیانی بر شهرهای پنجگانه سیطره یافت منتظر ظهور صاحب خود باشید.» [۱۰۸]
این شهرهای پنجگانه عبارتند از: دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب. چنانکه در اخبار تصریح شده است.

امام صادق (ع) روزی خطاب به گروهی از عراقیها فرمود:

۱۷۷۷ - «اذا خرج السفیانی يبعث جيشا الينا و جيشا اليكم فاذا كان ذلك فاتونا على صعب و ذلول».

«هنگامی که سفیانی خروج کند لشکری را به سوی شما می فرستد و لشکری را به سوی ما، هنگامی که این نشانه تحقق پیدا کند با هر وسیله ای که بیاید به سوی ما بشتابید.» [۱۰۹]

آنگاه از پایان این جنگ خونبار چنین تعبیر می کند:

۱۷۷۸ - «و یوخذ آل محمد صغیرهم و کبیرهم، لایترک منهم احد الا حبس».

«همه آل محمد (ص) از بزرگ و کوچک دستگیر و زندانی می شوند، حتی یک نفر هم باقی نمی ماند.»
[۱۱۰]

۱۷۷۹ - «یبعث السفیانی جیشا الی المدینه فیامر بقتل کل من کان فیها من بنی هاشم. فیقتلون و یفرون هاربین الی البراری و الجبال حتی یظهر المهدی (ع)».

«سفیانی سپاهی را به سوی مدینه می فرستد و فرمان می دهد که هر کس از بنی هاشم در آنجا باشد بکشند، بنی هاشم کشته می شوند و به کوه و صحرا فرار می کنند تا مهدی (عج) ظهور کند.» [۱۱۱]

۱۷۸۰ - «و یبعث السفیانی عسکراً الی المدینه، فیخربونها، و یهدمنون القبر الشریف، و تروث بغالهم فی مسجد رسول اللّٰه!!!».

«سفیانی سپاهی را به سوی مدینه می فرستد و آن را خراب می کند و قبر شریف را ویران می سازد و استرهای خود را به مسجد النبی (ص) وارد می کند.» [۱۱۲]

۱۷۸۱ - «یعمد المهدی الی حمی مکه و ظلل البیت الحرام».

«حضرت مهدی به مکه می رود تا در پناه مکه و در پرتو بیت اللّٰه الحرام در امان باشد.» [۱۱۳]

۱۷۸۲ - «ویل للزوراء من الرايات الصفر و رايات المغرب و رایه السفیانی!».

«وای بر زوراء (بغداد) از پرچم های زرد و پرچم های مغربی و پرچم های سفیانی.» [۱۱۴]

۱۷۸۳ - «تكون الزوراء محل عذاب اللّٰه و غضبه. تخربها الفتن و تتركها جماء! فالویل لها و لمن بها كل الویل من الرايات الصفر و رايات المغرب و من یجلب فی الجزیره و من الرايات التي تسیر اليها من قریب و من بعيد! و اللّٰه لینزلن بها من صنوف العذاب ما لاعین رات ولا اذن سمعت بمثلها! ولایكون طوفان اهلاها الا بالسيف، فالویل لمن اتخذ بها مسكنا، فان المقيم بها یبقى لشقاءه، والخارج منها برحمه اللّٰه.»

فواللّٰه ان بغداد لتعمر فی بعض الاوقات حتی ان الرائی یقول: هذه هی الدنیا. و ان دورها و قصورها هی الجنه! و ان بناتها هن الحور العین! و ان ولدانها هم الولدان! و لیظنن ان اللّٰه لم یقسم الرزق الا بها! لیظهن فیها من الاقتراء و اتیان الفجور، و اكل السحت، و سفك الدماء ما لا یكون فی الدنیا كلها الا دونه!!! ثم لیخربنها اللّٰه بتلك الفتن و تلك الرايات، حتی یمر المار قیقول: ها هنا كانت الزوراء.»

«زوراء (بغداد) محل خشم و غضب خدا می شود، فتنه ها آنجا را ویران می سازد و به تل خاکستر تبدیل می کند، وای بر آنها و ساکنانش از پرچم های دیگری که از دور و نزدیک به آن سو به راه می افتد. به خدا سوگند از انواع و اقسام عذاب آنقدر عذاب بر آنجا نازل می شود که چنین عذابی را نه گوشی شنیده و نه چشمی دیده است. اضطراب آنها به وسیله شمشیر خواهد بود. وای بر کسیکه در آنجا اقامت گزیند، هر کس در آنجا بماند سزای اعمال خود شود و هر کس از آن بیرون رود از رحمت و تفضل خدا رهائی یافته است.»

به خدا سوگند بغداد گاهی به قدری آباد می شود که هر کس آنرا ببیند بگوید: دنیا همین است و بس، و خانه های آن همان بهشت است و دختران آن حورالعین و پسران آن غلمان. و چنین می پندارد که خداوند همه روزی ها را برای آنجا تقسیم فرموده است. ولی در برابر، تهمت بر خدا و پیامبر رواج می یابد، شهادت دروغ، شرب خمر، فحشا و فجور، معاملات نامشروع، خونریزی و ... بسیار فراوان می شود که به تنهایی بیش از همه دنیا در آنجا گناه می شود!! آنگاه خداوند با این فتنه ها و با این پرچم ها آنجا را طوری ویران می سازد، که رهگذران از روی تعجب گویند: آیا اینجا بغداد بود؟! [۱۱۵]

چقدر جالب توجه است که امام صادق (ع) دوازده قرن پیش بغداد را طوری توصیف فرموده است که گوئی بغداد امروز را دیده و در کوچه و بازارش راه رفته و با مردمش سخن گفته و از انواع حيله ها و خدعه های آنها آگاه شده است، در حالیکه آن روز بغداد صحرای سوزان و بیابان بی آب و علفی بیش نبود و از آثار حیات جز چند درخت خودرو در کنار دجله هیچ نشانی نبود. آری چقدر فرق است بین کسی که بگوید: من چنین تصور می کنم، و بین کسی که بگوید: از پدرم، از پدرش، ... از رسول اکرم (ص) که چنین فرمود؟! که معصومی از معصومی دیگر و سرانجام رسول اکرم (ص) از جبرئیل، از لوح، از قلم، از خدای تبارک و تعالی نقل می کند.

۱۷۸۴ - «وتتعطل المساجد من المصلين اربعين ليلة».

«مساجد مدت چهل روز از نمازگزار خالی می ماند.» [۱۱۶]

و آن هنگامی است که شهرهای عراق با اختناق شدید محاصره گردد.

۱۷۸۵ - «تكون وقعه بالزوراء. قيل: و ما الزوراء؟. قال: مدينة بالمشرق بين انهار، يسكنها شرار خلق الله و جبارة من امتي. تقذف باربعه اصناف من العذاب: بالسيف، و خسف، و قذف، و مسخ!».

«حادثه ای در زوراء واقع می شود. گفته شد: زوراء چیست؟ فرمود: شهری در مشرق در میان رودخانه هاست، که بدترین مخلوقات و ستمگران امت من در آن سکونت می کنند. چهار رقم عذاب بر آنها فرود می آید:

۲- خسف (در کام زمین فرو رفتن)

۳- قذف (تیرباران و بمباران)

۴- مسخ. [۱۱۷]

پیشوایان معصوم آنچه فرموده اند از پیشگاه رسول اکرم (ص) نقل کرده اند.

۱۷۸۶ - «لایذهب ملک هولاء حتی یستعرضوا الناس بالكوفه یوم الجمعة. فکانی انظر الی رؤوس تندار فیما بین باب الفیل و اصحاب الصابون! یقتل فیها اربعه الاف!»

«حکومت اینها از بین نمی رود تا مردم را در روز جمعه در کوفه به نمایش بگذارند. گوئی با چشم خود می بینم که سرها به سوی زمین افکنده می شوند و تعداد چهار هزار نفر در میان باب الفیل و اصحاب الصابون کشته می شوند.» [۱۱۸]

۱۷۸۷ - «لایخرج القائم (ع) حتی یقرا کتابان: کتاب بالبصره، و کتاب بالكوفه بالبراءه من علی!!!».

«قائم (عج) ظهور نمی کند جز اینکه دو نامه خوانده شود: یکی در بصره، دیگری در کوفه. که در هر دو از علی بن ابی طالب (ع) اظهار برائت می شود.» [۱۱۹]

۱۷۸۸ - «کانی بالسفیانی قد طرح رحله فی رحبتکم، فینادی منادیه: من جاء براس کوفی فله الف درهم! فیثب الجار علی جاره، والاخ علی اخیه و یقول: هذا منهم فیضرب عنقه و یاخذ الف درهم! اما ان امارتکم یومئذ لاتکون الا لاولاد البغایا. کانی انظر الی صاحب البرقع رجل منکم و یقول بقولکم یعرفکم ولا تعرفونه، فیحوشکم فیغمزکم رجلاً رجلاً. اما انه لایکون الا ابن بغی، لا یدع احد راه الا قتله اوصلبه! حتی ان الرجل یمر بالدره العظیمه مطروحه فی الارض فلا یتعرض لها من شده الخوف!».

«گوئی سفیانی را با چشم خود می بینم که در کوچه و بازار شما رحل خود را انداخته، منادی اش بانگ بر می آورد: هر کس سر یکی از کوفیان (شیعیان) را بیاورد هزار درهم جایزه دارد، آنگاه همسایه سر همسایه اش، و برادر سر برادرش را بریده به جهت اخذ پاداش پیش او می برد و می گوید: اینهم از آنهاست. و هزار درهم را دریافت می کند. در آن ایام حکومت شما به دست حرامزادگان می افتد. گوئی آن مرد آبله رو (سفیانی) را می بینم که به عنوان یکی از شما و قائل به عقیده شما (یعنی به عنوان عرب و مسلمان) وارد صحنه شده، او شما را خوب می شناسد ولی شما او را نمی شناسید، پس شما را محاصره کرده یک دستگیره کرده نابود می سازد! او جز زنازاده نیست، احدی را نمی بیند جز اینکه گردن می زند یا به دار می آویزد. آنقدر خفقان می شود که انسان اشیاء بسیار گرانبهائی را در وسط راه می بیند و از شدت ترسش دست به آن نمی زند.» [۱۲۰]

۱۷۸۹ - «ثم تنخسف البصره و تخرب، و یعم العراق خوف شدید لایکون معه قرار، و یقع الموت الدرعی بعد

ان یدخل جيشه الى بغداد فيبيحها ثلاثه ايام و يقتل من اهلها ستين الفا و يخرب دورها، ثم يقيم بها ثمانى عشره ليله فيقسم اموالها، و يكون اسلم مكان فيها الكرخ».

«سپس بصره خسف می شود و ویران می گردد و وحشت بسیار شدیدی بر سراسر عراق حکمفرما می شود که احدی آسایش و آرامش نمی یابد، چون سپاه او وارد بغداد شود، کشتار بسیار فجیعی می شود، سه روز همه چیز را مباح اعلام می کند، ۶۰ هزار نفر (و به روایتی ۷۰ هزار) از مردم بغداد کشته می شوند و خانه هایشان ویران می شود. هجده روز در آنجا قامت می کند، ثروت های مردم را در میان سپاهیانش تقسیم می کند. در آن روز سالم ترین جا در بغداد کرخ می باشد.» [۱۲۱]

۱۷۹۰ - «حجوا قبل ان لاتحجوا، قبل ان یمنع البرجانیه. حجوا قبل ان یهدم مسجد بالعراق بین نخل و انهار. حجوا قبل ان تقطع سدره بالزوراء علی عروق النخله التی اجتنت منها مریم رطباً جنیا. فعند ذلک تمنعون من الحج، و ینقص الثمار. و یجد البلاء، و تبتلون بغلاء الاسعار و جور السطان، و یظهر فیکم الظلم و العدوان، و الوباء و الجوع، و تظلمکم الفتن من جمیع الافاق! فویل لکم یا اهل العراق اذا جاءکم الرايات من خراسان! و ویل لاهل الری من الترمک، و ویل لاهل العراق من اهل الری، و ویل لهم ثم ویل، ثم ویل لهم من الشط الذین آذانهم کاذان الفار! صغر لباسهم الحديد، کلامهم ککلام الشیاطین، صغار الحدق جرد مرد، استعید بالله من شرهم!! اولئک یفتح الله علی ایدیهم الدین و یكون سببا لامرنا».

«خانه خدا را حج کنید پیش از آنکه «برجانیه» شما را از حج منع کند (*) حج کنید پیش از آنکه مسجدی در عراق از میان رود و نخلستان (مسجد برائا) ویران گردد، حج کنید پیش از آنکه درخت سدري در بغداد قطع شود و روی ریشه های نخلی افکنده شود که حضرت مریم از آن رطب تازه چیده بود. در آن هنگام از حج منع می شوید و میوه جات کم می شود و بلاها فراوان می شود، به گرانی قیمت ها و ستم پادشاه مبتلا می شوید، همه شما را ظلم، ستم، گرسنگی، وبا و اقسام فتنه ها فرا می گیرد. وای بر شما ای اهل عراق! هنگامی که پرچم هائی از خراسان به سوی شما به اهتزاز در آید. وای بر اهل ری از اتراک، وای بر اهل عراق از مردم ری، هزاران وای بر آنها. وای بر آنها از سپاهیان زیبا اندام و شجاعی که گوشهای آنها چون گوش موش است، جامه های آنها زرد و آهنین است، گفتارشان چون گفتار شیاطین است، دیدگانشان ریز و صورتهایشان بی مو است. از شر آنها به خدا پناه می برم، که خداوند به دست آنها راه را برای ظهور امر ما هموار می سازد و فتح را نصیب می گرداند.» [۱۲۲]

(*) برجانیه منسوب به «برجان» است و آن صنفی از رومیان است و نام دزدیست که به آن مثل می زنند. «مترجم»

شاید آن درخت سدر (کنار) که در این حدیث اشاره شده، یکی از درختان سدري باشد که در حفاریهای مربوط به پل سازی بر روی دجله با کلوخ شکن ها و جاده صافکنها کنده شده باشد.

در این حدیث اشاره ای هم به چینی ها شده که از خاور دور آمده فجایعی را در بغداد می آفرینند و زمینه را برای ظهور فراهم می کنند.

۱۷۹۱ - «اذا استوی السفیانی علی الکور الخمس، دمشق، و حمص، و حلب، و الواردن، و قنسرین، فعدوا له

«هنگامی که سفیانی بر پنج منطقه: دمشق، حمص، حلب، اردن و قنسرین تسلط بیابد، نه ماه برای او بشمارید.» [۱۲۳]

در برخی منابع به جای اردن، فلسطین آمده و در پایان برخی از منابع آمده است: در آن هنگام منتظر فرج باشید.

۱۷۹۲ – «السفیانی من المحتوم، و خروجه فی رجب، من اول خروجه الی آخره خمسہ عشر شهرا: سته اشهر یقاتل فیها. فاذا ملک الکور الخمس ملک تسعه اشهر و لم یزد علیها یوما».

«خروج سفیانی از امور حتمی است و خروج او در ماه رجب است. از آغاز خروج تا پایان عمرش ۱۵ ماه است، شش ماه تمام جنگ می کند، هنگامی که بر مناطق پنجگانه تسلط پیدا کرد نه ماه حکومت می کند، حتی یک روز هم از آن تجاوز نمی کند.» [۱۲۴]

این حدیث اختلافی را که در مورد مدت حکومت سفیانی در احادیث دیده می شود، بر طرف می سازد و اعلام می دارد که حکومتش از ۹ ماه هرگز تجاوز نمی کند ولی این مدت از روزی آغاز می شود که بر ۵ شهر تسلط پیدا کند، و شش ماه طول می کشد که بر این شهرها حکومت کند.

۱۷۹۳ – «یرکب الارض تسعه اشهر یسوم الناس فیها سوء العذاب. فویل لمصر، و ویل للزوراء و الویل للکوفه و واسط».

«مدت ۹ ماه بر زمین حکم می راند، مردم را به سخت ترین شکلی شکنجه می کند. بدا به این حال مصر، بدا به حال بغداد، بدا به حال کوفه واسط.» [۱۲۵]

در بخشهای پیشین از لشکر مصری بحث کردیم که چگونه به دست سفیانی نابود می شود.

۱۷۹۴ – «من اول خروجه الی آخره خمسہ عشر شهرا: سته اشهر یقاتل فیها، ثم یملک تسعه الشهر لا تزید یوما!! اذا کان ذلک فالینا».

«از نخستین روزیکه خروج می کند تا روزیکه حکم می راند ششماه تمام است سپس ۹ ماه تمام حکم می راند و حتی یکروز هم بر آن نمی افزایشد. هنگامی که این امر تحقق یافت به سوی ما بشتابید.» [۱۲۶]

۱۷۹۵ – «فی شوال یشول امر القوم و فی ذی القعدة یقعدون و دو الحجه شهر الدم و فی محرم یحرم الحلال و یحلل الحرام و فی صفر و ربیع خزی عظیم فامر عظیم و فی جمادی الفتح من اولها الی آخرها.»

«در ماه شوال خیزشها آغاز می شود، در ماه ذیقعدة بر اریکه قدرت تکیه دهند، در ماه ذیحجه سیل خون

راه اندازند، در ماه محرم حلالها را حرام و حرامها را حلال سازند، در ماههای صفر و ربیع فجایع بزرگ همراه با ذلت بزرگ روی می دهد، در ماه های جمادی همه اش فتح و پیروزی است.» [۱۲۷]

دروید بیکران بر امام به حق ناطق حضرت جعفر صادق علیه السلام که با چه بیانی صریح و قاطع حوادث صدها سال بعد را با نظم و ربط و ضبط خاصش بیان می کند و مطمئن است که آنچه فرموده مو به مو اجرا خواهد شد و شیعیانی که او را به حق شناخته اند هیچ تردیدی ندارد که حتی یک کلمه اش نیز باطل نخواهد شد.

۱۷۹۶ - «اذا هدم حائط مسجد الكوفة، موخره، مما يلي دار عبداللّٰه بن مسعود، فعند ذلك زوال ملك السفیانی. اما ان هادمه لا يبنيه!!».

«هنگامی که دیوار مسجد کوفه از طرف خانه عبداللّٰه بن مسعود فرو ریزد، در آن هنگام حکومت سفیانی پایان پذیرد. آگاه باش که خراب کننده آن، آن را بنا نمی کند.» [۱۲۸]

آری این غیب اوست و از اسرار آل محمد (ص) است، خداوند علام الغیوب از خزانه غیبش بر پیامبران عظیم الشان که امنای وحی هستند، تعلیم فرموده است.

امام کاظم (ع) می فرماید:

۱۷۹۷ - «انی یكون ذلك و لما تكثر القتلى بين الحیره و الكوفه!»

«چگونه ممکن است امر ظهور فرا رسد در حالیکه هنوز آن کشت و کشتار گسترده در میان کوفه و حیره واقع نشده است.» [۱۲۹]

آری رسول اکرم (ص) و امامان اهل بیت تأکید فرموده اند که هرگز ظهور حضرت بقیه اللّٰه (عج) بدون خروج سفیانی نخواهد بود، همه معصومین یقین دارند که در علم خدا گذاشته است که سفیانی خروج کرده حمام خون راه می اندازد و صحرای وسیع بین حیره و کوفه را گلگون می سازد و به دنبال آن مصلح غیبی ظهور می کند.

امام رضا (ع) می فرماید:

هنگامی که امام هشتم به ناچار ولایت عهدی را پذیرفت، برخی از شیعیان خیال کردند که دیگر حکومت بنی عباس تمام شد و خلافت به آل محمد (ص) باز می گردد و امام هشتم همان امام قائم به امر می شود!! از این رهگذر یکی از اصحاب عرض کرد: مردم می گویند که سفیانی رفت و حکومت بنی عباس هم تمام شد. فرمود:

۱۷۹۸ - «كذبوا، ان السفیانی ليقوم، و ان سلطانهم لقائم!»

«دروغ می گویند. سفیانی هنوز قیام نکرده و حکومت آنها هنوز ادامه دارد.» [۱۳۰]

بعد از خلافت ظاهری امیرمؤمنان (ع) هیچکدام از امامان معصوم حق خلافت خود را مطالبه نکرد، زیرا می دانستند که چه حوادثی روی خواهد داد و چگونه حق آنها در دست غاصبان خواهد بود. از این رهگذر آنها مأمور به سکوت بودند تا آئین نو پای اسلام از ریشه خشکد. و لذا تمام هم خود را صرف آموزش عقاید، احکام و فرهنگ غنی و وسیع اسلام می کردند و می دانستند که خداوند مشیتی دارد که به انجام خواهد رسانید و تا ظهور قائم (عج) حکومت به دست آنها نخواهد رسید. از اینجاست که می بینیم هنگامی که مأمون عباسی امام رضا (ع) را به پذیرش ولایتعهدی وادار می سازد از پذیرش آن امتناع می ورزد، زیرا می داند که مأمون از در حیلت و مکر وارد شده و هرگز حکومت برای آن حضرت مقدر نیست. از این رو در حدیث فوق تصریح می کند که علیرغم این پافشاری مأمون، حکومت به آنحضرت نمی رسد و حکومت ظالمانه و غاصبانه عباسی ادامه خواهد داشت.

نشانه های سفیانی چیزی نیست که بر کسی پوشیده بماند، اگر برخی از آنها بر کسی هم پوشیده بماند، حمام خونی که بین بغداد و کوفه راه می اندازد بر احدی پوشیده نخواهد بود. و لذا امام رضا (ع) به شیعیانش راه فرار از این فاجعه خونبار را ارائه می دهد:

۱۷۹۹ - «الكرخ، اما انه اسلم موضع، ولابد من فتنه صماء صيلم، يسقط فيها كل بطانه و وليجه»

«اما كرخ آن سالمترین نقطه در آن روز است و به ناگزیر فتنه ای کور و گنگ و سخت روی خواهد داد که همه پرده ها فرو ریزد.» [۱۳۱]

آری دیگر پرده ای نمی ماند، شفاعتی پذیرفته نمی شود، حریمی شناخته نمی شود، مرزی به رسمیت باقی نمی ماند.

آنگاه به نشانه هائی که در پیشقدم ظهور تحقق می یابد اشاره می فرماید:

۱۸۰۰ - «ان قدام هذا الامر علامات: حدث يكون بين الحرمين، فقیل: ما الحدث؟ قال: غضبه تكون، و يقتل فلان من آل فلان خمسة عشر رجلاً - كبشاً».

«در پیشقدم امر ظهور نشانه هائی هست، حادثه ای در حرمین شریفین واقع می شود، پرسیده شد: آن کدام حادثه است؟ فرمود: خشمی برافروخته می شود و فلانی (سفیانی) پانزده تن از آل محمد (ص) را در آنجا ذبح می کند.» [۱۳۲]

منظور از خشمی که برافروخته می شود، خشم خداوند بر سپاه خون آشام سفیانی است که مظهر آن خشم، خسف سپاه سفیانی در سرزمین بیداست، که در فاصله ۱۲ میلی مدینه منوره روی می دهد.

۱۸۰۱ - «ان السفیانی و کلبا یقتلون فی بیت المقدس حین تستقبله البیعه فیوتی بالسفیانی اسیرا فیامر

به فیذبح علی باب الرحبه ثم تباع نساؤهم و غنائهم علی درج دمشق»

«سفیانی و یکتن از بنی کلب در بیت المقدس کشته می شوند، هنگامی مقدمات بیعت (برای حضرت ولی عصر) فراهم شود سفیانی را دستگیر کرده، به صورت اسیر می آورند و در میدان عمومی ذبح می شود و زنها و غنایم جنگی در حراهای دمشق به فروش می رسد.» [۱۳۳]

در اینجا منظور از میدان وسیع، کرانه دریاچه فرو ریخته او را ذبح می کند و با ذبح او ریشه فتنه ها می خشکد.

۱۸۰۲ - «ان السفیانی یذبح علی بلاطه باب ایلیا».

«سفیانی روی تخته سنگی در دروازه ایلیا سر بریده می شود.» [۱۳۴]

شاید در اینجا نیز منظور از دروازه ایلیا منطقه ای در کرانه های دریاچه طبریه باشد که به این عنوان شناخته شود، و شاید همان مدخل فلسطین باشد که راه ایلیا از آنجا آغاز می شود.

۱۸۰۳ - «انه یذبح علی الصفا المتعرضه علی وجه الارض عند الكنيسه التي فی بطن الوادی علی طرف درج طور زینا المقنطره. علیها یذبح کما تذبح الشاه. فالخائب من خاب یوم کلب، حتی تباع المراه بثمانیه دراهم!»

«سفیانی روی صخره ای که در نزدیکی کنیسه ای در صحرا در طرف پله های پل طور زیتون به پهنا نهاده شده، چون گوسفند ذبح می شود. محروم کسی است که از غنایم روز کلب محروم شود، یک زن به ۸ درهم فروخته می شود.» [۱۳۵]

امیرمؤمنان (ع) در این زمینه می فرماید:

۱۸۰۴ - «فی ذلک العهد یقتل خلیفه ما له فی السماء عاذرولا فی الارض ناصر»

«در آن روزگار خلیفه ای کشته می شود که در آسمان کسی او را معذور نمی داند و در زمین کسی از او حمایت نمی کند.» [۱۳۶]

حضرت بقیه الله (عج) می فرماید:

آخرین خورشید امامت حضرت بقیه الله روحی فداه در توقیع شریفی که به افتخار ابراهیم بن مهزیار صادر فرموده، در پاسخ شکایت های او از ستم های حکومت زمانش چنین می نویسد:

۱۸۰۵ - «قاتلهم الله انی یوفکون! کانی بالقوم و قد قتلوا فی دیارهم، و اخذهم امر ربک لیلاً اونهار».

«خدایشان بکشد چقدر نادانند، گوئی با چشم خود آنها را می بینم که در دیار خود کشته می شوند و فرمان پروردگارت در شب و روز آنها را فرا رسیده است.» [۱۳۷]

در انجیل آمده است:

۱۸۰۶ - «فرشته ششم بناخت که ناگاه آوازی از میان چهار شاخ مذبح طلایی که در حضور خداست شنیدم. که به آن فرشته ششم که صاحب کرنا بود می گوید: آن چهار فرشته را که بر نهر عظیم فرات بسته اند خلاص کن، پس آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال معین مهیا شده اند تا اینکه ثلث مردم را بکشند خلاصی یافتند.» [۱۳۸]

۱۸۰۷ - «و عدد جنود سواران ۲۰۰ هزار بود که عدد ایشان را شنیدم ... از این سه بلا یعنی آتش و دود و کبریت که از دهانشان بیرون می آید، ثلث مردم هلاک شدند.» [۱۳۹]

۱۸۰۸ - «و دیدم فرشته ای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند ندا کرده می گوید بیائید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید. تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران و گوشت اسبها و سواران آنها و گوشت همگنانرا چه آزاد و چه غلام، چه صغیر و چه کبیر.» [۱۴۰]

این فراز دقیقاً با احادیث اسلامی منطبق است که از این مهمانی و پذیرائی سفره گسترده و عام الهی برای پرندگان و درندگان گفتگو شده است و همچنین از فرشته ای که در آفتاب می ایستد، از ظهور صورت انسان در قرص آفتاب تعبیر شده که در بخشهای پیشین به تفصیل از آن سخن گفتیم.

از بررسی روایات این بخش به این نتیجه رسیدیم که سپاه حضرت بقیه الله روحی فداه از طریق فلسطین شرقی عازم عراق می شود، در کرانه های دریاچه طبریه با سپاه سفیانی روبرو می شوند که از عراق بر می گردد، جنگ سختی بین دو سپاه در می گیرد که سفیانی در آن شکست می خورد و همه سپاهیانش بدون استثنا در آنجا کشته می شوند و فقط خودش می ماند. یکی از یاران امام به نام صیاح (و یا صباح) با گروهی از سپاهیان بر او می تازند و او را دستگیر می کنند و به محضر امام (ع) می آورند. هنگامی او را می آورند که امام مشغول نماز عشا هستند، نمازشان را تخفیف می دهند و به طرف او بر می گردند. سفیانی می گوید: «ای پسرعمو، مرا آزاد کن و برای خودت نگهدار، تا یکی از یاران تو باشم»!! حضرت مهدی (ع) به اصحاب خود می فرماید: در باره او و سخنانش چه می گوئید؟ همگی می گویند: به خدا سوگند به کمتر از قتل او راضی نمی شویم، او چقدر خون ریخته، چقدر به حریم جان و مال و ناموس مردم تجاوز کرده است و انتظار عفو دارد!! حضرت مهدی (ع) می فرماید: هر چه می خواهید انجام دهید. گروهی از یاران او را می گیرند و روی سنگی در کرانه دریاچه طبریه می خوابانند و همانند گوسفند او را ذبح می کنند. با ذبح او فتنه ها ذبح می شود و ریشه جنایتها می خشکد و بزرگترین فاجعه خونین جهان پایان می پذیرد.

نگارنده در مورد دجال به نتیجه قطعی نرسیده است، زیرا روایاتی که در مورد دجال نقل شده، غالباً مورد اعتماد نیستند، و در ضمن آنها مطالبی هست که یقیناً جعلی هستند و متن آنها گواه است بر اینکه سخن معصوم نیست. در این حدیثها ذوق و قریحه جاعلین اثر گذاشته، طبق سلیقه و ذوق آنها جعل شده است. و آنچه از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده در میان احادیث جعلی دستگاه خلافت گم شده است و تشخیص آنها بسیار دشوار می نماید. به احتمال قوی در احادیث رسول اکرم (ص) مطالب مربوط به دجال به یک فرد معین مربوط می شود و به اصطلاح: دجال شخصی است نه نوعی، ولی در مورد تطبیق آن به شخص معین، به نتیجه مشخصی نرسیده ام، اگر چه احتمال قوی می دهم که به یکی از سران رژیم اشغالگر قدس مربوط باشد که سلاح را همه چیز می پندارند و سرنوشت بشریت را وابسته به مسابقات تسلیحاتی می دانند و نمی دانند که نزدیک است همین سلاحها به دست مرد دیگری که با نیروی برتر (جهان غیب) مربوط است از کار بیفتد و دیگر، طرحهای شیطانی آنها کارگر نیفتد. و لذا این خدا شناسها همه خواسته های خود را توسط رژیم اشغالگر قدس و از طریق یهودیان آمریکا، از ایالات متحده می خواهند و دیگر کشورهای منطقه را به هیچ می انگارند و برای آنها فخر می فروشند و کوس «انا ربکم الاعلی» می زنند!!.

برخی از صفاتی که در مورد دجال در احادیث وارد شده، مانند کور بودن یک چشم و بیرون آمدن آن چون دانه عناب، و مانن مطالبی که در مورد مرکب معروف او (خر دجال) گفته شده، مطالبی است که باید گذشت زمان آنها را معنی کند.

دجال از ماده «دجل» است و معنای آن: دروغگو، حقه باز، افسونگر، متقلب و تزویرکار است. [۱]

از ظواهر اخبار استفاده می شود که دجال هنگامی خروج می کند که حضرت بقیه الله (عج) بر سفیانی پیروز شده، وارد عراق گشته، استانبول را فتح کرده، عازم فلسطین باشد و برای نابود ساختن آن جرثومه فساد از قبل خاورمیانه به سوی عکا عزیمت نماید، تا از این طریق مصر و دیگر کشورهای آفریقائی را فتح فرماید.

باز هم تکرار می کنم که به خیال من نود درصد مطالب مربوط به دجال مربوط است و ده درصد دیگر به یک شخص معین با ویژگی های شگفت انگیز دلالت می کند که انشاء الله با ظهور قریب الوقوع آن مهرتابان معنای دقیق آن برای همگان روشن می شود.

آنچه از روایات اهل بیت عصمت و طهارت در منابع و مآخذ نقل شده بسیار فراوانست که ما تعداد بسیار اندکی را به عنوان نمونه در اینجا می آوریم و مسئولیت آن را به عهده راویان و ناقلان می گذاریم. و به قدر امکان، مطالب مبهم آن را بیان می کنیم.

رسول اکرم (ص) می فرماید:

۱۸۰۹ - «من قاتلنی فی الاولی، و قاتل اهل بیتی فی الثانیه، حشره الله فی الثالثه مع الدجال».

«کسیکه در آغاز با من نبرد کند و در ثانی با اهل بیت من جنگ کند، در سومی خداوند او را با دجال محشور می کند.»

رسول اکرم (ص) بر اساس تنزیل می جنگید و امیرمؤمنان بر اساس تأویل می جنگید، ابوسفیان با رسول اکرم (ص) جنگید، معاویه با امیرمؤمنان جنگید و سفیانی با حضرت بقیه الله (عج) می جنگد. خداوند هر سه را با دجال محشور می فرماید.

۱۸۱۰ - «یخرج الدجال من سجستان.»

«دجال از سجستان خروج می کند.» [۲]

۱۸۱۱ - «انه یخرج من المشرق من قریه یقال لها یهوداء و هی قریه من قری اصفهان و بلده من بلدان الکااسره، تحته حمار اقرم، و هو مطموس العین مکسور الظفر و النظر، و یخرج منه الحیات و هو محدودب الظهر، قد صور کل سلاح فی یدیه حتی الرمح و القوس، یخوض البحر الی الکعب. و هو قصیر القامه، کهل، مکتوب بین عینیه: کافر.»

«دجال از یکی از دهکده های اصفهان به نام یهودا خروج می کند، که آنجا از شهرهای سلاطین ایرانی است و بر مرکبی سوار می شود که بسیار زشت و کریه المنظر است، چشمش کور است، ناخن و استخوان پیشانی اش شکستگی دارد، افعی ها از او بیرون می آید، پشتش قوز دارد، هر سلاحی را در دست خود کج می کند حتی نیزه و کمان را، تا سینه در دریا فرو می رود، کوتاه قد و کهنسال است و در میان دو چشمش نوشته شده: کافر.» [۳]

۱۸۱۲ - «یمکت ابو الدجال ثلاثین عاما لا یولد له و لزوجه ولد. ثم یولد لهما غلام اعور اخرس، تنام عیناه ولا ینام قلبه. ابوه طویل کثیر اللحم، کان انفه منقار، و امه امراه فرضا خیه طویلہ الیلدین.»

«پدر دجال ۳۰ سال زندگی می کند و صاحب اولاد نمی شود، آنگاه پسری کور و لنگ برای او عطا می شود، که دیدگانش می خوابد و دلش نمی خوابد، پدرش دراز قد و چاق است، دماغش چون منقار است، مادرش زنی با شکم فراخ و دست های دراز است.» [۴]

۱۸۱۳ - «بین یدیه ثلاث سنوات: سنه تمسک السماء فیها ثلاث قطرها، والارض ثلاث نباتها، و سنه تمسک فیها السماء ثلاثی نباتها. و سنه تمسک فیها السماء قطرها کله، و الارض نباتها کله، فلا یبقی ذات ظلف ولا ذات خرس من البهائم الا هلك. و ان من اشد فتنه ان یادتى الاعرابی یقول: ارایت ان احییث لک ابلک الست تعلم انی ربک؟. فیقول: بلی. فیمثل له نحو ابله کاحسن ما یکون ضروعا و اعظمه اسنمه!. و یاتی الرجل قد مات اخوه و مات ابوه فیقول: ارایت ان احییث اباک و اخاک الست تعلم انی ربک؟. فیقول: بلی. فیمثل الشیاطین نحو ابیه او اخیه!».

«در پیشقدم خروج او سه سال خشکی است: در سال اول آسمانی ک سوم بارانش را حبس می کند و زمین یک سوم گیاهش را، در سال دوم آسمان دو سوم بارانش را حبس می کند و زمین دو سوم گیاهش را، و در سال سوم آسمان همه بارانش را حبس می کند و زمین همه نباتش را.

هیچ حیوان سم داری نمی ماند جز اینکه هلاک می شود، حیوان وزوز کننده ای نمی ماند جز اینکه نابود می شود، از زشت ترین فتنه های او اینست که پیش بادیه نشین می رود و می گوید: اگر شتر ترا زنده کنم باور می کنم که من پروردگار تو هستم؟! می گوید: آری. پس در برابر دیدگان او شترش را به بهترین شکلی مجسم می کند که با پستان های بسیار جالب و کوهان بسیار مرتفع دیده می شود!! به کسیکه پدرش یا برادرش مرده است می گوید: اگر پدرت و برادرت را زنده کنم، باور می کنی که من پروردگار تو هستم؟! می گوید: آری، پس شیاطین را به صورت پدر و برادر او در می آورد!!» [۵]

اگر این تعبیرات واقعا کلام رسول اکرم (ص) باشد، دجال مرد تزویر کار و حقه باز عجیبی است که همگان را فریب می دهد، مگر اینکه خداوند کسی را از شر او در امان نگهدارد.

۱۸۱۴ - «الدجال يبصر باحدى عينيه ولا يبصر بالآخرى، طويل القامة، ارق العينين، اعمش، بوجه اثر الجدرى، ابخر الفم كبير الاسنان، مقلب الاظافر، اجدر الجسم لا شعر فى جسده، متنقع الراس، طويل العنق، شانىء اصابعه تصل حد كفه. كلامه له دوى، على الاكتاف، طارح الجبهة، فى احدى عينيه عيب، لحيته بشاخين تصل سرته. عبوس، شروس...»

«دجال با یک چشمش می بیند ولی با چشم دیگرش نمی بیند، قامتی دراز و چشمانی زاغ دارد که از آنها آب می ریزد، صورتش آبله رو است و دهانش بوی بد می دهد، دندانهایش درشت است و ناخنهایش خمیده، پوست بدنش آبله دار است و بی مو، در سرش نشانه شکستگی دارد، گردنش دراز، اخلاقش زشت و انگشتانش بسیار بلند است که از وسطهای کف دستش منشعب می شود، صدایش طنین دار، شانیه های بلند و پیشانی اش فراخ است، یکی از دیده هایش معیوب است، ریشش به سینه اش فرو هشته، مردی زشت خوی و ترش رویست، بر مرکبی سوارست که خودش سرخ و پاهایش سبز است و میان دو گشش ۲۰ میل است!!، سرش چون کوهی بلند و پشتش متناسب با آنست. گامهایش ۲۰ میل است!!

بر پیشانی اش دو سطر نوشته شده که هر مؤمنی آن را می خواند و هر کافری آن را تکذیب می کند، و آن اینکه هر کس از تو پیروی کند شقاوتمند است و هر کس از تو جدا شود خوشبخت است، بیشتر لکشریانش از یهودیان و زنازادگان است. در طرف راست او کوهی سبز و در طرف چپش کوهی سیاه است که با او راه می روند و همراه او توقف می کنند. می گوید: این بهشت منست و این یکی دوزخ من. هر کس از من پیروی کند او را به بهشت می برم و هر کس نافرمانی کند او را با شمشیر نقت خود تأدیب می کنم.» [۶]

این حدیث شگفتیهای فراوانی دراد که برخی از تأویلخواهانش را در فرازهای بعدی خواهیم گفت.

۱۸۱۵ - «الا احدثکم حدیثا عن الدجال ما حدث به نبی قومه؟. انه اعور، و انه یجىء معہ بمثل الجنه و النار. و انى انذرکم کما انذر به نوحه قومه .. تعلمون انه اعور، و ان اللہ لیس باعور»

«آیا برای شما در مورد دجال حدیثی بگویم که هیچ پیامبری به قوم خود نگفته است؟ او (یک چشمش)

نابیناست، و چیزی همانند بهشت و جهنم با خود حمل می کند، من شما را از او بیم می دهم آنچنانکه حضرت نوح قومش را بیم داد. من شما را از او بیم می دهم و هیچ پیامبری نیست جز اینکه از او بر حذر داشته است. ولی من به شما چیزی می گویم که هیچ پیامبری به قوم خود نگفته است: می دانید که او اعور (نابینا) است و خداوند اعور نیست. دجال تا نزدیکی مدینه می آید و آنگاه سه زلزله در مدینه روی می دهد، پس هر کافر و منافقی از شهر بیرون می رود و بدین سان وحشت از دجال (مسیح کاذب) وارد مدینه نمی شود. آن روز مدینه هفت دروازه دارد برای هر یکی دو فرشته نگهبان هستند.. چشم راست او نابیناست و همانند یک دانه عناب است.» [۷]

در متن حدیث اضطراب هست و از نظر فصاحت در سطحی نیست که شایسته فصیحترین انسان روی زمین باشد. و اگر حدیث صحیح باشد منظور از جمله «دجال اعور است و خدا اعور نیست» شاید این باشد که چون او کارهای خارق العاده انجام می دهد و ادعای الوهیت می کند، از این رو رسول اکرم (ص) می فرماید که او یک چشمش معیوب است و خداوند باید از هر عیبی پیراسته باشد و لذا او هرگز نمی تواند خدای باشد.

در روایات دیگری آمده است که حضرت رسول (ص) در نماز از فتنه دجال به خدا پناه می برد و به اصحابش می فرمود:

۱۸۱۶ - «ان معه نارا و نورا. فناره ماء بارد، و ماوه نار، فمن ادرك ذلك منكم فليقع في الدی بیری انها نار، فانه عذب بارد!»

«همراه او آتش و نوری هست، آتش او آب خنک است و آب او آتش است. هر کس از شما شیعیان آن زمان را درک کند خود را به آنچه که آتش به نظر می رسد بیفکند که آنچه آتش تصور شود آب گوارائی است!!» [۸]

البته این معنی به نظر می رسد که دور از واقعیت باشد و به شوخی شبیه تر باشد و تصور نمی رود که پیامبر اکرم (ص) چنین تعبیری را فرموده باشد، ولی در منابع اهل سنت موجود است.

۱۸۱۷ - «الدجال رجل ضخم عریض، لیس ما بین خلق آدم الی قیام الساعه خلق اکبر منه.»

«دجال مردی درشت و چاق است و در میان مخلوقات خدا از حضرت آدم تا پایان جهان کسی بزرگتر از او نیست.» [۹]

۱۸۱۸ - «انه لم تکن فتنه فی الارض، منذ ذرا اللّٰه ذریه آدم، اعظم من فتنه الدجال!.. و ان اللّٰه لم یبعث نبیاً الا حذر امته الدجال، و انا آخر الانبیاء، و انتم آخر الامم، و هو خارج فیکم لا محاله!»

«از روزیکه خداوند اولاد حضرت آدم را آفریده است فتنه ای بالاتر از فتنه دجال نیست. خداوند پیامبری نفرستاده جز اینکه امت خود را از فتنه دجال بیم داده است. من آخرین پیامبر و شما آخرین امت هستید،

او بدون تردید در میان شما خروج خواهد کرد.» [۱۰]

۱۸۱۹ - «ما من نبی الا وانذر قومه الدجال الاعور الکذاب».

«هیچ پیامبری نیست جز اینکه امتش را از دجال دروغگوی نابینا برحذر داشته است.» [۱۱]

۱۸۲۰ - «ایها الناس، ما بعث الله نبیا الا وقد انذر قومه الدجال. و ان الله قد اخره الی یومئکم هذا. فمهما تشابه علیکم فی امره فان ربکم لیس باعور انه یخرج علی حمار عرض ما بین اذنیه میل! یخرج و معه جنه و نار، و جبل من خبز و نهر من ماء! اکثر اتباعه الیهود و النساء و الاعراب. یدخل آفاق الارض کلها الا مکه و لا بتیها و المدینه و لا بتیها فانهما محرمتان علیه».

«هان ای مردم! خداوند پیامبری را نفرستاده جز اینکه قوم خود را از دجال بیم داده است و خداوند او را برای زمان شما ذخیره کرده است. اگر کارهای او بر شما مشتبه شود، این هرگز مشتبه نشود که او کور است و پروردگارتان کور نیست. او بر فراز مرکبی می آید که بین دو گوشش یک میل است. او خروج می کند در حالیکه بهشت و جهنم را با خود یدک می کشد و کوهی از نان و رودخانه ای از آب را همراه خود حمل می کند. بیشترین پیروانش از یهودیان، زنان و بادیه نشینان است، به همه اقطار و اکناف جهان وارد می شود جز مکه و حوالی مکه، و مدینه و حوالی مدینه، که هر دو (مکه و مدینه) بر او حرام است.» [۱۲]

در اینجا جای شکرش باقیست که فاصله بین دو گوش مرکبش از ۲۰ میل به یک میل تقلیل یافته است.

۱۸۲۱ - «من المحرم علی الدجال ان یدخل نقاب المدینه لانه تنقی الخبث کما ینفی الکیر خبث الحدید و لانها لا یقربها الطاعون و لا الدجال».

«از چیزهایی که بر دجال حرام است پا نهادن بر راههای کوهستانی مدینه منوره است که آنجا سرزمین مقدس است و پلیدی را از بین می برد آنچنانکه کوهر آهنگران پلیدی آهن را، و آنجا سرزمینی است که طاعون و دجال بر آنجا راه ندارد.» [۱۳]

در حدیث ۱۸۱۵ خواندیم که چون دجال به مدینه نزدیک شود در مدینه سه بار زلزله می شود و منافقان و کافران از مدینه بیرون می روند که آنهم نوعی دفع پلیدی است.

۱۸۲۲ - «لا یدخل المدینه رعب المسیح الدجال. و لها یومئذ ثلاثه ابواب، لکل باب ملک».

«رعب و وحشت مسیح کاذب (دجال) وارد مدینه نمی شود. آن روز برای مدینه سه دروازه است و برای هر یکی دو فرشته نگهبان هستند.» [۱۴]

۱۸۲۳ - «علی نقاب المدینه ملائکه. لا یدخلها الطاعون و لا الدجال».

«بر راههای کوهستانی مدینه فرشتگانی موکل هستند که طاعون و دجال وارد آنها نشوند.» [۱۵]

۱۸۲۴ - «یاتی، و هو محرم علیه ان یدخل نقاب المدینه، فیتتهی الی بعض السباخ الی تلیها، فیخرج الیه یومئذ رجل هو من خیر الناس، فیقول له: اشهد انک الدجال. فیقول الدجال: ارایتم ان انا قتلت هذا الرجل ثم احییته، اتشکون فی الامر؟. فیقولون: لا، فیقتله ثم یحییه!». فیقول الرجل حین یحییه: واللّه ما کنت فیک قط اشد بصیره منی الان. فیرید الدجال ان یقتله ثانیاً فلا یسلط علیه».

«بر دجال حرامست که وارد راههای کوهستانی مدینه شود، از این رهگذر به وادیهای نزدیک آن می آید، در آنجا مردی از بهترین مردم به سوی او خارج می شود و می گوید: من گواهی می دهم که تو دجال هستی. دجال می گوید: من اگر این مرد را بکشم و سپس زنده سازم، آیا در مورد این امر باز هم شک می کنید؟! مردم می گویند: نه. پس او ار می کشد و سپس زنده اش می کند. هنگامی که او را زنده می کند، او می گوید: هرگز عقیده من نسبت به شما تغییر نکرده قبلاً هم در همین سطح ترا می شناختم که الان می شناسم. دجال تصمیم می یگرد که یکبار دیگر او را بکشد ولی خداوند دیگر او را مسلط نمی سازد.» [۱۶]

گفته شده که آن مرد حضرت خضر (ه) است، چنانکه گفته شده که سرانجام او را حضرت خضر می کشد. [۱۷]

روزیکه جهان بشریت از فتنه دجال رهائی یابد «روز رهائی» نامیده می شود.

۱۸۵۲ - «ولیهبطن الدجال حول کرمان، فی قوم یلبسون الطیالسه و یتتعلون الشعر».

«دجال با گروهی که طیلسان می پوشند و کفش موبین به پا می کنند در حومه کرمان فرود می آید.» [۱۸]

۱۸۲۶ - «یهبط الدجال کل قریه عامره فی الدنیا اثناء المده الی یسیحها فی الارض».

«در مدیت که دجال در روی زمین گردش می کند به همه شهرهای آباد وارد می شود.» [۱۹]

۱۸۲۷ - «یتبعه سبعون الفا من التاراک و الیهود و اولاد الزنا. و المدمنون علی الخمر و المغنون و اصحاب اللهو و الاعراب، و النساء. و هو یمر بالخربه فیقول لها: اخرجی کنوزک، فتتبعه کنوزها!».

«هفتاد هزار ترک، یهود، زنازاده، خواننده، نوزانده، بادیه نشین و زن از او پیروی می کنند. به هر خرابه ای برسد می گوید: گنجهایت را آشکار کن، پس آنچه گنج دارد آشکار می شود.» [۲۰]

۱۸۲۸ - «الدجال رجل عریض، عینه الیمنی مطموسه، و الیسری کانه کوکب، بین عینیه مکتوب: کافر باللّه و برسول اللّه. یدعی انه الرب ولایسمعه احد الا تبعه الا من عصمه اللّه عزوجل. تکون له جنه و نار، فیقول: هذه جنتی لمن سجد لی، و من ابی ادخلته النار»

«دجال مرد چاقی هست، چشم راستش معیوب است، چشم چپش چون ستاره می درخشد. کسی او را نمی شنود جز اینکه از او پیروی می کند جز کسانی که خداوند آنها را نگهدارد. بهشت و دوزخی خواهد داشت که خواهد گفت: این بهشت منست برای کسانی که مرا سجده کنند و این جهنم منست برای کسانی که از سجده به من ابا کنند.» [۲۱]

۱۸۲۹ - «عند خروج الدجال تهب ریح عاد، و تسمع صیحه قوم صالح، و یکون مسخ کمسخ اصحاب الرس. و هو یخرج من ناحیه المشرق من قریه یقال لها: دارس. یخرج علی حمار، مطموس العین، مکسور الظفر، یخوض البحر الی کعبه. یدخل کل بلد الا اربع مدن: مکه والمدینه و القدس و طرسوس. و ینزل عیسی (ع) و یکون قتله علی یده بحربه ینزلها معه، و یکون تجوله فی الدنیا اربعین یوما: یوم کسنه، و یوم کشر، و یوم کجمعه، و سائر ایامه کایام الناس و یقتله عیسی بن مریم باب لد.»

«چون دجال خروج کند طوفانی چون طوفان قوم عاد، و بانگی چون بانگ قوم صالح، و مسخی چون مسخ اصحاب رس واقع می شود. وی از مشرق از دهکده ای به نام «دارس» خروج می کند، بر مرکبی نابینا و سم شکسته سوار می شود که تا سینه اش در آب فرو می رود. به هر شهری وارد شود جز چهار شهر: مکه و مدینه و قدس و طرسوس. آنگاه حضرت عیسی (ع) نزال می شود و دجال به دست او کشته می شود با وسیله ای که با خودش موقع نزول می آورد. دجال مدت چهل روز در زمین می گردد که یک روز آن چون یک سال و یک روزش چون یکماه و دیگر روزهایش چون روزهای معمولی. حضرت عیسی (ع) او را در باب لد می کشد.» [۲۲]

و گفته شده که او را حضرت بقیه اللّه روحی فداه به قتل می رساند و حضرت عیسی (ع) نیز یک ضربه می زند تا کارش را یکسره کند.

۱۸۳۰ - «یخرج ولست فیکم، فامرو حجیج نفسه! واللّه خلیفتی علی کل مسلم. انه شاب قطط عینه قائمه، یخرج ما بین الشام و العراق فیعبث یمینا و شمالا، لبثه فی الارض اربعون یوما: یوم کسنه، و یوم کشر، و یوم کجمعه، و سائر ایامه کایامکم...»

«او هنگامی خروج می کند که من در میان شما نیستم و هر کسی برای خودش حجت است و خداوند ولی منست بر هر مسلمانی. او (دجال) جوانی است با موهای پرپشت، چشمش برآمدگی دارد، از میان شام و عراق خروج می کند، به چپ و راست گردش می کند، مدت چهل روز در روی زمین جولان می کند، روزی چون یکسال، روزی چون یکماه و دیگر روزهایش چون روزهای شما، سرعتش در روی زمین چون باران است، باد به دنبالش حرکت می کند، به نزد قومی می آید و به طرف خود دعوت می کند. او را تکذیب می کنند و دست رد به سینه اش می زنند، بر می گردد، در حالیکه همه اموال آنها را (از طریق سحر و شعبده) با خودش می برد. آنها صبح می کنند و می بینند که چیزی در دست ندارند.

آنگاه به سوی آنها باز می گردد و آنها را به سوی خود فرا می خواند و همگی او را تصدیق می کنند و دعوتش را می پذیرند. به آسمان می گوید: ببار، آسمان می بارد. به زمین می گوید: برویان، و زمین می رویاند. پس دامهای آنها بهتر از هر زمانی می خورند و به تناسب آن شیر می دهند، آنگاه به ویرانه آمده می گوید: گنجهایت را درآورد. پس بر می گردد و گنجهای همانند زنبوران عسل به دنبالش حرکت می کنند. جوان چهارشانه ای را می خواند و با شمشیر دو نیمش می کند و سپس یکبار دیگر فرا می خواند و خنده کنان به

امیرمؤمنان (ع) می فرماید:

۱۸۳۱ - «یخرج الدجال الکبر، الاعور الممسوح العین الیمنی، والآخری کانها ممزوجه بالدم، لکانها فی الحمره علقه، تاتی الحدقه کهیئه حبه العنب الطافیة علی الماء»

«دجال بزرگ خروج می کند، چشم راستش معیوب است و چشم چپش خون آلود است، گوئی خون بسته است، حدقه چشمش چون یکدانه عناب روی آب شناور است.» [۲۴]

۱۸۳۲ - «یخرج من بلده باصفهان یقال لها: الیهودیة، عینه الیمنی ممسوحه، و الاخری فی جبهته تضيء، کانها کوکب الصبح، فیها علقه کانها ممزوجه بالدم، بین عینیہ مکتوب: کافر. یقراه کل کاتب و امی. یخوض البحار، و یتسیر بین یدیه جبلان من دخان، و خلفه جبل ابيض یری الناس انه طعام. یخرج فی قحط شدید، تحته حمار احمر طوله سبعون ذراعاً، خطوته میل، تطوی له الارض منهلاً منهلاً. لا یمر بماء الاغار الی یوم القیامه: ینادی بصوت عال یسمع بین الخافقین و یبلغ ما شاء اللّٰه و یقول: الی الی یا اولیائی. انا الذی خلق فسوی، و قدر فهدی، انا ربکم الاعلیٰ! هذه جنه لمن سجد لی، و من ابی ادخلته النار! کذب عدواللّٰه، انه اعور، و ربکم لیس باعور».

«از شهر اصفهان، از دهکده ای به نام «یهودیة» خروج می کند، چشم راستش معیوب و چشم دیگرش چون ستاره صبح بر پیشانی اش می درخشد. در چشم چپش چون زالویی آمیخته با خون است. در میان دو چشمش نوشته شده: «کافر». هر درس خوانده و ناخوانده آن را می خواند. وارد دریاها می شود و بر روی دریا حرکت می کند و دو کوه از دود در برابرش حرکت می کند و کوه سفیدی در پشت سرش که مردم آن را خوراک تصور می کنند. در سال قطعی خروج می کند و بر مرکبی سرخ به طول هفتاد زراع سوار می شود. گامهایش یک میل است، زمین در زیر پاهایش در نور دیده می شود. بر آبی عبور نمی کند جز اینکه برای همیشه در زمین فرو می رود (خشک می شود)، با صدای بلند بانگ می زند که همه شرق و غرب می شنود: ای دوستان و علاقمندان، به سوی من بشتابید که من همان آفریدگاری هستم که جهان را آفرید و کامل گردانید و هدایت نمود. من رب اعلائی شما هستم، این بهشت منست برای کسیکه مرا سجده کند و هر کس نافرمانی کند به دوزخ فرو می برم!!! دشمن خدا دروغ می گوید، او کور است و خداوند کور نیست.» [۲۵]

از امام صادق (ع) آمده است که او در دهه اول ماه رجب خروج می کند.

خدای تبارک و تعالی از هر عیب و نقصی منزّه است، او بیناست ولی بدون نیاز به چشم، او شنواست بدون نیاز به گوش. او از هر گونه نقص و عیب منزّه است، به مکان و زمان نیاز ندارد، او جسم نیست و از همه لوازم ماده به دور است، دیدگان او را درک نمی کند و او دیدگان را درک می کند، که او لطیف و خبیر است و از آنچه ستمگران و بی خردان می گویند پاک و منزّه است.

۱۸۳۳ - «انی یکون ذلک و لم یعض الزمان، انی یکون ذلک و لم یجف الاخوان، انی یکون ذلک و لم یظلم

السلطان، انی یکون ذلک و لم یقم الزندیق فی قزوین، فیهتک ستورها، و یکفر صدورها و یغیر سورها، و یذهب بهجتها؟! من قرمنه ادرکه، و من حاربه قتله، و من اعتزله افتخر، و من تابعه کفر، حتی یقوم باکیان: باک یبکی علی دینه، و باک یبکی علی دنیا»

«چگونه ممکن است مهدی ظهور کند در حالیکه هنوز روزگار سخت نشده است، چگونه ممکن است در حالیکه هنوز دوستان و برادران ستم پیشه نکرده اند، چگونه ممکن است در حالیکه هنوز پادشاه ستم نکرده است. چگونه ممکن است در حالیکه هنوز زندیق از قزوین خروج نکرده است، که پرده ها را بدرد و بزرگان را تکفیر نماید و حدود را تغییر دهد و طراوت آنرا از بین ببرد. هر کس از او فرار کند او را در می یابد، هر کس با او درگیر شود او را می کشد، هر کس از او دوری گزیند افتخاری کسب می کند و هر کس از او پیروی کند کافر می شود. آنگاه مردم به دو دسته گریان تقسیم می شوند، دسته برای دینش گریه می کند و دسته ای برای دنیايش». [۲۶] در برخی از احادیث شهر خروج او دقیقاً مشخص شده، در برخی فقط اسم منطقه اش آمده و در برخی عنوان کلی مطرح شده است و شاید برخی از اختلافات مربوط به ناقلان حدیث پیش از تدوین کتب حدیثی باشد.

۱۸۳۴ – «الا و ان اکثر اشیاعه یومئذ اولاد الزنی و اصحاب الطیالسه الخضر یقتله اللّٰه عزوجل علی عقبه افیق ثلاث ساعات مضت من یوم الجمعة، علی یدی من یصلی عیسی بن مریم (ع) خلفه».

«آگاه باشید که بیشتر پیروانش فرزندان نامشروع و اصحاب طلیسان سبز (یهودیان) می باشند. خداوند او را در گردنه «افیق» به دست کسی که عیسی مسیح پشت سرش نماز می خواند، سه ساعت گذشته از روز جمعه به هلاکت می رساند.» [۲۷]

«افیق» دهکده ای در فلسطین بین حوران و غوربیسان در نزدیکی شهر «لدّ» می باشد.

۱۸۳۵ – «یبرز الدجال و معه سبعون الف یهودی کلهم ذو سلاح محلاه. فاذا نظر الدجال الی عسی ذاب کما یذوب الرصاص فی النار ثم یولی هاربا، فیقول عیسی: ان لی فیک ضربه لن تفوتنی بها، فیدرکه فیقتله، فلا یبقی شیء، مما خلقه اللّٰه یتورای به یهودی الا انطقه اللّٰه عزوجل، ولا حجر ولا دابه الا قال: یا عبدالهل المسلم، هذا یهودی فاقتله، الا الغرقد فانها من شجرهم فلا تنطق».

«دجال با هفتاد هزار یهودی خروج می کند که همگی تا به دندان مسلح هستند. چون دجال به حضرت عیسی نگاه کند ذوب می شود آنچنانکه سرب در آتش ذوب می شود. سپس پشت کرده پا به فرار می نهد. حضرت عیسی (ع) می فرماید: من ضربتی برای تو دارم که هرگز از من فوت نخواهد شد. پس به او می رسد و او را طعمه شمشیر می سازد. دیگر چیزی از آفریده های خدا پیدا نمی شود که یهودیان در زیر آن مخفی شوند جز اینکه به اذن خدا به حرف درآمده می گوید: ای مسلمان! اینجا یک نفر یهودی هست او را بکش. هر سنگی و هر جنبنده ای مخفیگاه آنها را بیان می کند، جز «غرقد» [۲۸] که از درختان آنهاست و لذا به حرف نمی آید». [۲۹] این معنی با احادیث فراوانی تأیید می شود که در حکومت حقه یک نفر هم یهودی در روی زمین نمی ماند و اگر در دل سنگی مخفی شوند آن سنگ به سخن می آید و می گوید: ای بنده خدا، در دل من یهودی هست مرا بشکاف و آن را در آورد.

نگارنده هنوز به عقیده خود باقی است که دجال رمز یک آشوبگر و ستمگر از رهبران گروه های گمراه و خونخوار است که با لشکریان تا بهندگان مسلح طغیان می کند و ادعای الوهیت می نماید تا روزیکه وعده الهی فرا رسد و همه نیروهایش را درهم شکنند و خود با یک ضربت از پای درآید. که حق پابرجا و باطل نابود شدنی است.

امام باقر (ع) می فرماید:

۱۸۳۶ – «الدجال یخرج من قبل المشرق من مدینه خراسان (؟) ثم یهبط حدر کرمان فی ثمانین الفاً، و اتباعه کان وجوههم المغان المطرقه».

«دجال از طرق مشرق از شهر خراسان خروج می کند، سپس با هشتاد هزار نفر به جلگه کرمان فرود آید، صورت لشکریانش چون سپرهای است که پوست بر روی آن کشیده باشند.» [۳۰]

از این حدیث استفاده می شود که قسمتی از پیروان او از چین و خاور دور خواهد بود.

روزی یک نفر خراسانی خدمت امام باقر (ع) رسید امام فرمود:

۱۸۳۷ – «یا خراسانی، تعرف وادی کذا؟. قال: نعم. قال: تعرف صدعا فی الوادی من صفته کذا و کذا و کذا؟. قال: نعم قال: من ذلک یخرج الدجال».

«ای خراسانی! آیا چنین منطقه ای را می شناسی؟ گفت: آری. فرمود: آیا در آنجا تیره ای را به این خصوصیا می شناسی؟ گفت: آری. فرمود: دجال از آنها خروج می کند.» [۳۱]

۱۸۳۸ – «یخرج بعد جفاف ماء بخیره طبریه».

«دجال پس از خشک شدن دریاچه طبریه خروج می کند.» [۳۲]

اگر دریاچه طبریه خشک شود، یکی از بهترین نشانه های حقانیت اسلام و صدق گفتار پیامبر اسلام خواهد بود که از یک حادثه غیر مترقبه در بیش از هزار سال بعد خبر داده است. زیرا هنوز آب دریاچه طبریه فراوان است و آثار کم شدن و خشک شدن در آن نیست و هنوز هم یهود از آب آن پتاسیم و سولفور استخراج می کنند. ولی براساس این روایت روزی خواهد خشکید و به دنبال آن دجال خروج خواهد کرد.

امام صادق (ع) می فرماید:

۱۸۳۹ – «یصرح بصوت یسمعه الناس و الجن: هذه جنتی لمن سجد لی، و من ابی ادخلته النار!»

«دجال بانگ می زند که این بهشت منست برای کسیکه مرا سجده کند و هر کس امتناع ورزد او را به آتش می برم. این فریاد را همه انس و جن می شنوند.» [۳۳]

معنای این حدیث امروز بسیار معقول است، زیرا کافیهست که در پشت زن قرار بگیرد و فریاد بکشد و از همه رسانه های گروهی فریادش بلند شود و بگوش همه برسد.

۱۸۴۰ - «... و هو يعطى من يقر له بالربوبية، فيتبعه من اصفهان سبعون الفا، و يتبعه اسوا الناس!».

«هر کس از او پیروی کند او را انفاق می کند و لذا هفتاد هزار نفر از بیچاره ترین مردمان از اصفهان از او پیروی می کنند.» [۳۴]

۱۸۴۱ - «القائم يقتل الدجال، و يصلبه على كناسه الكوفه»

«حضرت قائم (عج) دجال را می کشد و او را در کناسه کوفه به دار می زند.»

از این حدیث استفاده می شود که دجال در عراق کشته می شود.

۱۸۴۲ - «يوم النيروز هو اليوم الذى يظهر فيه قائمنا اهل البيت ولاة الامر، ويظفره الله تعالى بالدجال فيصلبه على كناسه الكوفه!»

«روز نوروز روزیست که خداوند در آن روز قائم اهل بیت (عج) و واپسین ولی امر را بر دجال پیروز می گرداند و او را در کناسه کوفه به دار می زند.» [۳۵]

۱۸۴۳ - «يقتله صاحب الامر ثلاث ساعات مضت من يوم الجمعة».

«صاحب الامر علیه السلام او را سه ساعت از صبح جمعه گذشته به هلاکت می رساند.»

خدا میداند که از این احادیث که در مورد دجال گذشت چقدرش صحیح است و چقدرش توسط بازرگانان حدیث (نعوذبالله) جعل شده و به زبان معصومان پاک بسته شده است!

جابر بن عبدالله انصاری گوید:

۱۸۴۴ - «من كذب بالدجال فقد كفر، و من كذب بالمهدى فقد كفر».

«هر کس دجال را انکار کند، کافر می شود و هر کس مهدی را انکار کند کافر می شود.» [۳۶]

مترجم گوید: انکار دجال از آن جهت کفرآور است که تکذیب رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار می باشد. و حدیث فوق عیناً از رسول اکرم (ص) نقل شده است:

ابوبکر اسکافی در «فوائد الاخبار» و ابوالقاسم سهیلی در «شرح السیره» این حدیث را به سندهای خود نقل می کنند از جابر بن عبدالله انصاری، که رسول اکرم (ص) فرمود:

۱۸۴۵ - «من کذب بالدجال فقد كفر، من کذلب بالمهدی فقد كفر».

«هر کس دجال را انکار کند کافر می شود و هر کس مهدی را انکار کند کافر می شود.» [۳۷]

و در انجیل آمده است:

۱۸۴۶ - «زیرا که این انصاف است نزد خدا که عذاب کنندگان شما را عذاب دهد. و شما را که عذاب می کشید با ما راحت بخشد، در هنگامی که عیسی خداوند از آسمان با فرشتگان قوت خود ظهور خواهد نمود.» [۳۸]

۱۸۴۷ - «و ان اژدها را که قدرت به وحش داه بود پرستش کردند و وحش را سجده کرده گفتند که کیست مثل وحش و کیست که با وی می تواند جنگ کند.» [۳۹]

(مترجم گوید: مسترهاکس آمریکائی در شرح این فراز گوید: مقصود از وحش قوه ایست که در مقام خداوند می ایستد و از برای خود حقوق نابرجا (بی مورد) ادعا نماید و مؤمنین و خادمین حضرت اقدس الهی را زحمت رسانیده، متابعین خود را به اسم خود بنامد و این مطلب در سایر جاهای مکاشفات نیز مذکور است (مکاشفه یوحنا ۱۴: ۹، ۱۵: ۲، ۱۶: ۲)، اما وحش قرمز آنهم در مکاشفات مذکور است (مکاشفه یوحنا ۱۹: ۱۹ و ۲۰: ۴). «مترجم» [۴۰]

۱۸۴۸ - «و معجزات عظیمه به عمل می آورد تا آتش را نیز از آسمان در حضور مردم به زمین فرود آورد. و ساکنان زمین را گمراه کند.» [۴۱]

۱۸۴۹ - «و آن ده شاخ که دیدی، ده پادشاه هستند که هنوز سلطنت نیافته اند. بلکه یکساعت با وحش چون پادشاهان قدرت می یابند. اینها یک رأی دارند و قوت و قدرت خود را به وحش می دهند.» [۴۲]

۱۸۵۰ - «و دیدم فرشته را که در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند ندا کرده می گوید: بیایید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید. تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپهسالاران و گوشت جباران و گوشت اسبها و سواران آنها و گوشت همگانرا، چه آزاد و چه غلام، چه صغیر و چه کبیر. و دیدم وحش و پادشاهان زمین و لشکرهای ایشان را که جمع شده بودند تا با اسب سوار و لشکر او جنگ کنند. و وحش گرفتار شد و نبی کاذب با وی که پیش او معجزات ظاهر می کرد تا به آنها آتانیرا که نشان وحش دارند و صورت او را می پرستند گمراه کند. این دو زنده به دریاچه آتش افروخته شده به کبریت انداخته شدند. و باقیان به شمشیریکه از دهان اسب سوار بیرون می آمد کشته شدند و تمامی مرغان از گوشت ایشان سیر گردیدند.» [۴۳]

از این فراز استفاده می شود که ممکن است دجال همان سفیانی باشد که لشکریانش در کنار دریاچه طبریه کشته می شوند و خودش نیز در کنار دریاچه طبریه ذبح می شود و نبرد حق و باطل پایان می پذیرد و دیگر نشانی از باطل باقی نمی ماند. و شاید دجال یک حقیقت باشد جدا از سفیانی که دارای قدرت فوق العاده افسونگری و حقه بازی باشد و انسان های زیادی را گول بزند. و شاید منظور از مرکب عجیب و غریب او که میان دو گوشش ۲۰ میل باشد و کوههائی را با خود حمل کند ناوهای جنگی امروز باشد که دهها فروند هواپیما می تواند روی آنها فرود آیند و کوههائی از اسلحه و امتعه را با خود حمل کند و شاید واقعاً تپه ای از وسائل رفاه و آسایش در یک طرف ناو، و تپه ای از مواد آتش زا را در طرف دیگر آن حمل کند که یکی را بهشت و دیگری را جهنم بنامند. چنانکه در احادیث گذشت.

در پایان از خوانندگان گرامی می خواهم که در فرازهای این کتاب دقت کنند و مسیر خود را در پرتو کلمات در ربار معصومین علیه السلام برگزینند، که ما هم اکنون بر سر دوراهی قرار گرفته ایم: راهی به سوی خوشبختی جاویدان و راهی به سوی سرآشیزی سقوط در شقاوت دائمی.

سپاس و ستایش بیکران پروردگار جهانیان را که توفیق نگارش این سطور را به ما ارزانی دارد و ما را به این خدمت ناچیز به پیشگاه حضرت بقیه الله روحی فداه مفتخر فرمود، که مدت هفت سال تمام به نام او و به یاد او به تحقیق و تحلیل این اثر ناچیز پرداختیم. که توفیق از اوست و سپاس بیکران مخصوص اوست و دورد بی پایان بر اشرف پیامبران و فرزندان پاک او باد. (*)

(*) ترجمه این کتاب به تاریخ ۱۲ شوال ۱۴۰۵ هجری برابر ۱۰ تیر ۱۳۶۴ شمسی در حوزه علیمه قم پایان یافت. امید است مورد پذیرش و رضایت حضرت بقیه الله روحی فداه قرار بگیرد. انشاء الله.

****پایان****

فهرست جلد اول:

۱. مهدی منتظر کیست؟
۲. سیمای حضرت مهدی (عج)
۳. میلاد مسعود
۴. راز غیبت
۵. استفاده از امام غائب
۶. راز طول عمر
۷. غیبت صغری
۸. غیبت کبری
۹. دوران حیرت
۱۰. انتظار
۱۱. یاران امام زمان (عج)
۱۲. روزگار رهائی
۱۳. فرود آمدن حضرت عیسی (ع)

فهرست جلد دوم:

۱۴. دولت حق
۱۵. نشانه ها
۱۶. اهل آخرالزمان
۱۷. نشانه ها و خارق العاده ها
۱۸. آشوبهای جهانی
۱۹. آشوبهای بیگانگان
۲۰. انقلابی ها و شورشی ها